



ترجمه توسط: صباح الدین کشکی و محمد صدیق راشد سلجوقی
ترتیب و تنظیم پی دی اف توسط: دوکتور خواجه روح الله صدیقی

متن ترجمه و تفسیر قرآن مجید از پایگاه اسلامی بینات (<http://bayyinat.org>) عکس برداری شده است.

الله



یادداشت ترتیب کننده

خواندن ، فهمیدن و عمل کردن قرآن مجید ایجاب بدست آوردن شناختی کلی و اجمالی نسبت به کل این کتاب مبارک و محتوای سوره های آن میباشد وشاید حداقل کاری است که برای هر مسلمان ضروری است در جامعه ما اکثر مردم کلام خداوند سبحان تعالی یعنی قرآن حکیم را تلاوت می کنند ولی معنی و مفهوم آنرا به نسبت نه دانستن زبان عربی نمی دانند. اعتقاد به اسلام و ناآشنائی نسبت به کلام الله مجید و نه دانستن از احکام الهی در عصر حاضر که هر روز به شمار باسوادان افزوده می شود، به نظر من کار درستی نیست، بنابراین وظیفه يك مسلمان، نسبت به قرآن کریم آنست که این کتاب آسمانی را که مجموعه وحی الهی و پیام های خداوند به پیامبر بزرگ اسلام محمد (صل الله و علیه وسلم) و حاوی دین اوست، در مرتبه اول بتواند درست بخواند، از آن پس، معنی آیات و مفهوم سوره های آنرا را درک کند و در مرحله سوم به دستورات قرآن عمل کند و در عمل هم اخلاص داشته باشد.

هدف من از تنظیم، ترتیب و در آوردن مجموعه ای « ترجمه و تفسیر قرآن مجید » که توسط جناب صباح الدین کشکی و جناب محمد صدیق راشد سلجوقی که به زبان بسیار سلیس و روان فارسی دری نوشته شده است و در سایت انترنتی اسلامی بینات به نشر رسیده است، به فرمت پی دی اف (PDF) این است که مردم عام، علاقه مندان و بخصوص جوانان عزیز ما به آسانی بتوانند بیشتر یک شناخت اجمالی از این کتاب بزرگ داشته باشند.

این ترجمه و تفسیر مختصر بصورت ای بوک یا پی دی اف (PDF) ترتیب گردیده است که حاوی مقدمه و پیش گفتار مولفین آن و همچنان دارای فهرست یا بوک مارک (Bookmark) می باشد که خواننده گرامی می تواند جزء ها و سوره های قرآن مجید را به آسانی ردیابی و پیدا نماید.
منابع این مجموعه:

متن سوره و ترجمه آن از سایت انترنتی اسلامی بینات (http://bayyinat.org/?page_id=51) کاپی شده است.

وجه تسمیه و شرح سوره ها از «تفسیر انوار القرآن» نوشته جناب عبدالرووف مخلص و «صفوةالتفاسیر» نوشته محمد علی صابونی و ترجمه سید محمد طاهر حسینی گرفته شده است.

خدایا چنان کن سر انجام کار ----- که تو خشنود باشی و ما رستگار

و من الله توفیق
دوکتور خواجه روح الله صدیقی

شرح ترجمه صباح الدین کشکی و محمد صدیق راشد سلجوقی

معرفی این ترجمه و تفسیر از جانب سایت انترنتی «بینات» به شرح زیر می‌باشد:
این ترجمه برگرفته از اثر «قرآن مجید: ترجمه و تفسیر» می‌باشد که در سال 1366 از جانب شورای فرهنگی جهاد افغانستان در شش جلد به نشر رسید. این اثر در واقع ترجمه تفسیر عبدالله یوسف علی – مترجم مشهور هندی – است که به زبان انگلیسی به نشر رسیده بود. ترجمه کشکی و سلجوقی به زبان بسیار سلیس و روان فارسی دری نوشته شده است، که کمتر نظیر آنرا در میان ترجمه های معاصر قرآن مجید سراغ داریم. در زیر پیشگفتار صباح الدین کشکی (مترجم) و محمد صدیق راشد سلجوقی (مدقق) را نقل می‌کنیم، که سرگذشت و روزگاران دشواری را که برای تکمیل این اثر پشت سر گذاشته اند بیان میکنند.

در سایت انترنتی اسلامی بینات «<http://bayyinat.org>» شما میتوانید این ترجمه و تفسیر را بصورت آنلاین هم مطالعه فرماید .

پیشگفتار مترجم

من ترجمه و تفسیر قرآن مجید را که عبدالله یوسف علی آنرا به رشته تحریر درآورده است از سال 1336 به این طرف تحت مطالعه خویش قرار داده ام. انگیزه اصلی که مرا در اتخاذ تصمیم ترجمه این اثر – علاوه بر مطالعه و تعمق در آیات قرآن – واداشت حوادث دلچسپی بود که طی آن نصرانیان میکوشیدند محصلینی را که در امریکا مصروف تحصیل بودند به دین مسیحی تحریف شده خود معتقد سازند. و من، به مطالعه و تدارک اسناد می پرداختم تا از دین خود دفاع کنم، و به همین سلسله بود که با اثر عبدالله یوسفعلی آشنا شدم.

در سال 1352 یک فهرست اعلام و مطالب قرآن مجید را زیر کار گرفتم، تا آنرا بشکل یک اثر جداگانه به نشر رسانم. در این فهرست، باز هم از ترجمه و تفسیر عبدالله یوسف علی استفاده زیاد کردم. سپس به ترجمه پیشگفتارها و خلاصه هایی پرداختم که یوسف علی در آغاز هر سوره یا شروع یک مبحث جدید در همان سوره نوشته است. و بدین ترتیب، بالتدریج و قدم به قدم خداوند با من کمک میکرد تا فهمی را که من از کتاب او بدست می آوردم به دیگران نیز از طریق یک اثر انتقال بدهم.

در ثور سال 1357، کمونستها مرا زندانی ساختند. در زندان، برادر عبدالغفور پروانی، استاد علوم طبیعی در لیسه حربی مهتاب قلعه یک نسخه ترجمه و تفسیر عبدالله یوسف علی را برای خود از منزلش خواسته بود. من از طرف شب این اثر را میخواندم. خداوند برایم لطف کرد و جرئت داد تا در عالم بی اسبابی و خطرناک محبس به ترجمه و تفاسیر قرآن مجید از روی متن انگلیسی یوسفعلی بپردازم. در محبس، ترجمه و تفسیر چاپ کابل، ترجمه شاه ولی الله دهلوی، و نسخه های خلاصه شده ای از تفسیر کشف الاسرار خواجه عبدالله

انصاری نیز به دسترس ما زندانیان قرار داشت. در اول، ترجمه های خود را به کاغذهایی که توسط محافظین مخفیانه از شهر خریداری میشد می نوشتم. ولی بالتدریج حجم این کاغذها زیاد میشد، که حفظ آنها به ترتیبی که مسئولین محبس پی نبرند کار دشوار و حتی غیرممکن شد. بالاخره قلم پنسل را خیلی کوچک ساختم، تا در صورت تلاشی آنها در سوراخی از دیوارهای اتاق – که هنوز روی خشت های آن پلستر نشده بود – مخفی دارم. ترجمه را در حواشی نسخه قرآن مجیدی که در آن ترجمه شاه ولی الله دهلوی درج گردیده بود می نوشتم. و بعد از اینکه حواشی سفید آن نسخه تمام شد، یک هم اتاقم نسخه قرآن مجید خودش را به من داد تا در حواشی سفید آن تراجم خود را با خط بسیار باریک بنویسم. شبانگاه بر آن کار میکردم.

حالا که خاطرات آن دوره و بیدارخوابی های خود را بیاد می آورم و جرئتی را که به خرج میدادم، تا با وجود مراقبت شدید مقامات محبس به این نوع کار دوام بدهم، خوب احساس میکنم که لطف خداوند با من همراه بوده است. لطفی که از دربار او استدعا میکنم در حق من دوام بدهد، تا این کار بزرگ و مقدس را به پایان رسانم.

در محبس، من ترجمه تفاسیر 24 پاره قرآن پاک را به اتمام رسانیده، کار باقیمانده تفسیر، ترجمه تحت اللفظی و پاک نویسی همه ترجمه و تفسیر را تا سال 1362 به پایان رسانیدم. لطف خداوند با من همراه بود که قسمت های کار شده این اثر را در سال 1359 از کبیر مقامات حکومت کفر و الحاد کابل از کشور خارج سازم. با من یک تن از کارکنان شرکت هوایی آریانا کمک کرد تا کاغذهای خود را از کابل بیرون سازم.

در سال 1360، با برادر محمد صدیق راشد سلجوقی – رئیس سابق فخرالمدارس هرات و مدیر شعبه تألیف و ترجمه ریاست علوم دینی وزارت معارف، و شخص شناخته شده ای در حلقه های معارف و علمای کشور – افتخار دوستی حاصل کردم. و او قبول کرد تا اوراق مرا تدقیق کند. مدتی در حدود دونیم پاره را با هم مشترکاً تدقیق کردیم. سپس، در حالیکه تمام اوراق را برای او گذاشتم، خودم برای تحقیق درباره اثر خود به نام « دهه قانون اساسی » عازم امریکا شدم. برادر راشد سلجوقی تقریباً بیست پاره را تدقیق کرده بود که من به اسلام آباد بازگشتم. ولی فیصله کردیم اوراق را یک بار دیگر طی جلسات مشترک ما دو، از سر مورد تجدید نظر و تدقیق قرار بدهیم. سپس این متون را جناب مولوی محمود در سوال و جناب مولوی نظام الدین نافع تدقیق نمودند.

ما بر هر کلمه، هر عبارت و هر مطلب ترجمه خود، تا حدی که توان بشر اجازه داده است، غور کرده ایم. و به اکثر منابع و مأخذ معتبر و قبول شده مراجعه کرده ایم. ترجمه و تفسیر عبدالله یوسف علی را اساس قرار داده، ولی هر کلام و هر عبارت و هر مطلب او را از قالب تدقیق و مقایسه با متونی که نزد ما قابل قبول بوده است کشیده ایم. در هر جایی که به فکر ما مترجم از جمهور علما عدول کرده به تصحیح و توضیح لازم پرداخته ایم. بنابراین میتوان گفت که این ترجمه در حقیقت یک ترجمه محض نی، بلکه توأم با تدقیق بیشتر در آن میباشد.

در ترجمه آیات قرآن مجید، ما اساس کار خود را به حفظ امانت متن عربی قرار داده، در چوکات آن سلامت کلام را به زبان دری نیز رعایت کرده ایم. و برای اینکه جملات ترجمه از نگاه متبدا و خبر و وفق دادن آن با روح مطلب عربی عیاد گردد، توضیحاتی را در میان قوسین اضافه کرده ایم. عبدالله یوسف علی میگوید: تفسیر آیات قرآن مجید را به سبک «تفسیر روان» کرده است. بدین معنی که صرف کوشیده معنی آیات و کلمات را طوری توضیح کند که در فهمیدن معنی آن کمک نماید. او قصداً از توضیحات مزید خودداری کرده است.

من از خوردی که پدر مرحوم مولانا برهان الدین کشکی در رأس هیأتی از علما به ترجمه و تفسیر قرآن مجید به زبان پشتو اشتغال داشتند، و هر وقت شب که از خواب بیدار میشدم، می دیدم که او همچنان بر میز کار خود نشسته و کتب زیادی او را احاطه کرده به نوشتن مشغول است، در خود مراقی را پرورش داده ام تا من مصدر خدمتی به برادران و خواهران مسلمان خود شوم. من اگرچه در علوم دینی تخصصی ندارم، ولی خود را شدیداً تحت یک نظم و دقت قرار دادم، تا این کار بس بزرگ را به کمک دوستی چون راشد سلجوقی بسر رسانم. و ما حاصل کار من چیزی باشد که برای فهمیدن قرآن مجید خلایی را که در جامعه وجود دارد تا حد ممکن رفع سازد. و من الله توفیق

صبح الدین کشکی

حوت 1365

پیشگفتار محمد صدیق راشد سلجوقی (مدقق)

برادر صباح الدین کشکی، یک دوره از زندگی خود را وقف مطالعه، ترجمه و تدقیق تفسیر قرآن مجید کرده اند. بعد از اینکه او دوره اول قسمتی ازین کار با ارج و مفید را بسر رسانید، من بحیث مدقق ترجمه او در کنار او بوده ام.

ما در آغاز تدقیق به منابع بسیار محدودی دسترسی داشتیم. ازین سبب، نخستین دوره تدقیق ما آنقدر بنیادی نبود، و به قدر کفایت به تحقیق مطالب دسترسی نیافتیم. خوشبختانه دور دوم تدقیق این اثر با ارزش مواجه با انکشاف کتابخانه مرکزی شورای ثقافتی جهاد افغانستان به پیش می رفت. مطالب این تفسیر را با کتب دیگری که به دسترس ما قرار داشت تطبیق میدادیم. و نظر شخصیت های برانده فن را جستجو و با آن کار خود را عیار میکردیم. این کار برای ما نهایت دلچسب بود، و در هر مرحله از این کار در واقع خود را نیز رشد می دادیم و بر معلومات خود می افزودیم. ترجمه آیات قرآن مهمترین قسمت کار ما را درین تفسیر تشکیل میداد. و من پشت کار، اخلاص و دقت نظر برادر کشکی را قابل تمجید میدانم. هر آیه ای را که ترجمه میکردیم، کوشش میشد تا ترجمه همین کلمه را در تمام قسمت های گذشته قرآن مجید

همروان بسازیم. برای آیاتی که به مناسبت های بخصوص در قرآن مجید تکرار میشود، یک لست ساختیم. و هر باری که به آن آیه بر می خوردیم، آن را به همان ترجمه معیاری عیار میکردیم. اکنون بعد ازین دوره طولانی، وقتی به عقب نگاه میکنیم، هردوی ما خدا را شکر میکنیم که به کاری بس مفید مصروف بوده ایم، و همچون باغبانی که از میوه نهالی که خود بسر رسانده کام خویش را شیرین میسازد. بهره یابی ازین ثمره پاکیزه برای ما واقعاً لذت بخش است. امیدوارم قضاوت کسانی که این کتاب را میخوانند چنان باشد که در میان تفاسیریکه به زبان دری نوشته شده، این کتاب اثر ممتاز و مفیدی باشد، که بتواند خلایی را که در زمینه وجود دارد تا حدی پر گرداند. از خدا میخواهم ما را به راه راست رهنمون گردانیده، از انحراف و گمراهی برکران داشته باشد.

رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

محمد صدیق راشد سلجوقی

فهرست

۳	یادداشت ترتیب کننده
۴	شرح ترجمه صباح الدین کشکی و محمد صدیق راشد سلجوقی
۴	پیشگفتار مترجم
۶	پیشگفتار محمد صدیق راشد سلجوقی (مدقق)
۱۲	جزء یا سپاره اول - الهم
۱۲	۱ سورة الفاتحة
۱۳	۲ سورة البقره
۳۵	جزء یا سپاره دوم - سيقول
۵۵	جزء یا سپاره سوم - تلك الرسل
۶۳	۳ سورة آل عمران مدنية
۷۷	جزء یا سپاره چهارم - لن تنا
۹۳	۴ سورة النساء مدنية

٩٨	جزء يا سپاره پنجم - والمحصنات
١١٩	جزء يا سپاره ششم - لايجب الله
١٢٤	٥ سورة المائدة مدنية
١٤٠	جزء يا سپاره هفتم - وما لنا
١٤٧	٦ سورة الانعام
١٦٣	جزء يا سپاره هشتم - ولو اننا
١٧٣	٧ سورة الاعراف
١٨٦	جزء يا سپاره نهم - قال الملا
٢٠٣	٨ سورة الانفال مدنية
٢٠٨	جزء يا سپاره دهم - واعلمو
٢١٤	٩ سورة التوبة مدنية
٢٢٩	جزء يا سپاره يازدهم - يعتذرون
٢٣٥	١٠ سورة يونس مكية
٢٥١	١١ سورة هود مكية
٢٥٢	جزء يا سپاره دوازدهم - ومامن
٢٦٨	١٢ سورة يوسف مكية
٢٧٦	جزء يا سپاره سيزدهم - وما ابرى
٢٨٤	١٣ سورة الرعد مكية
٢٩١	١٤ سورة ابراهيم مكية
٢٩٨	جزء يا سپاره چهاردهم - ربما
٢٩٨	١٥ سورة الحجر مكية
٣٠٧	١٦ سورة النحل مكيه
٣٢٣	جزء يا سپاره پانزدهم - سبحان الذى
٣٢٣	١٧ سورة بنى اسرائيل يا الاسرا مكية
٣٣٧	١٨ سورة الكهف مكية
٣٤٧	جزء يا سپاره شانزدهم - قال الم
٣٥١	١٩ سورة مريم مكيّة
٣٦٠	٢٠ سورة طه مكيّة
٣٧٥	جزء يا سپاره هفدهم - اقترب
٣٧٥	٢١ سورة الانبياء مكية
٣٨٧	٢٢ سورة الحجّ مدنيّة

٣٩٧	جزء يا سپاره هژدهم - قد افلح
٣٩٨	سورة المؤمنون مكيّة
٤٠٩	سورة النور مدنيّة
٤٢٠	سورة الفرقان مكية
٤٢٣	جزء يا سپاره نزههم - وقال الذين
٤٢٩	سورة الشعرا مكية
٤٤٧	سورة النمل مكية
٤٥٤	جزء يا سپاره بيستم - امن خلق
٤٥٨	سورة القصص مكية
٤٧١	سورة العنكبوت مكيّة
٤٧٧	جزء يا سپاره بيست و يكم - اتل ما اوحى
٤٨٠	سورة الروم مكيّة
٤٨٨	سورة لقمان مكيّة
٤٩٣	سورة المضاجع و يقال سورة السجدة مكية
٤٩٦	سورة الاحزاب مدنيه
٥٠١	جزء يا سپاره بيست و دوم - ومن يفتت
٥٠٨	سورة سبا مكية
٥١٦	سورة الملائكة يا فاطر مكية
٥٢٣	سورة يس مكية
٥٢٥	جزء يا سپاره بيست و سوم - ومالى
٥٣١	سورة الصافات مكية
٥٤٥	سورة ص مكية
٥٥٤	سورة الزمر مكية
٥٥٨	جزء يا سپاره بيست و چهارم - فمن اظلم
٥٦٤	سورة المؤمن يا غافر مكية
٥٧٥	سورة المصابيح يا فصلت مكية
٥٨٢	جزء يا سپاره بيست و پنجم - اليه يرد
٥٨٣	سورة الشورى مكيه
٥٩١	سورة الزخرف مكيه
٥٩٩	سورة الدخان
٦١٣	سورة الجاثية

٦١٧	جزء يا سپاره بيست و ششم - حم
٦١٧	٤٦ سورة الاحقاف
٦٢٣	٤٧ سورة محمد
٦٣٣	٤٨ سورة الفتح مدنية
٦٢٨	٤٩ سورة الحجرات
٦٣٦	٥٠ سورة ق
٦٤١	٥١ سورة الذاريات
٦٤٣	جزء يا سپاره بيست و هفتم - قال فما خطبكم
٦٤٦	٥٢ سورة الطور
٦٥١	٥٣ سورة النجم
٦٥٦	٥٤ سورة القمر
٦٦١	٥٥ سورة الرحمن
٦٦٨	٥٦ سورة الواقعة
٦٧٦	٥٧ سورة الحديد
٦٨١	جزء يا سپاره بيست و هشتم - قد سمع الله
٦٨١	٥٨ سورة المجادلة مدنية
٦٨٥	٥٩ سورة الحشر مدنية
٦٨٩	٦٠ سورة الممتحنة مدنية
٦٩٢	٦١ سورة الصف مدنية
٦٩٤	٦٢ سورة الجمعة مدنية
٦٩٦	٦٣ سورة المنافقين مدنية
٦٩٨	٦٤ سورة التغابن مكية
٧٠١	٦٥ سورة الطلاق مدنية
٧٠٤	٦٦ سورة التحريم مدنية
٧٠٦	جزء يا سپاره بيست و نهم - تبارك الذي
٧٠٦	٦٧ سورة الملك مكية
٧١٠	٦٨ سورة القلم مكية
٧١٤	٦٩ سورة الحاقة مكية
٧١٩	٧٠ سورة المعارج مكية
٧٢٣	٧١ سورة نوح مكية
٧٢٦	٧٢ سورة الجن مكية
٧٢٩	٧٣ سورة المزمل مكية

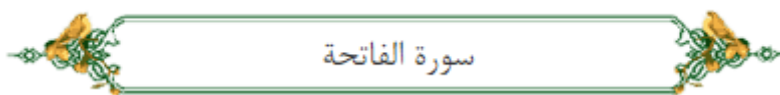
٧٣١	سورة المدثر مكية
٧٣٦	سورة القيمة مكية
٧٣٩	سورة الانسان (الدهر) مكية
٧٤٢	سورة المرسلات مكية
٧٤٧	جزء يا سپاره سيوم - عم يتساءلون
٧٤٧	سورة النبأ مكية
٧٥٠	سورة النازعات مكية
٧٥٤	سورة عبس مكية
٧٥٨	سورة التكوير مكية
٧٦١	سورة الانفطار مكية
٧٦٢	سورة التطهيف (المطففين) مكية
٧٦٦	سورة الانشقاق و يقال سورة الكدح مكية
٧٦٨	سورة البروج المكية
٧٧٠	سورة الطارق مكية
٧٧٢	سورة الاعلى مكية
٧٧٤	سورة الغاشية مكية
٧٧٦	سورة الفجر مكية
٧٧٩	سورة البلد المكية
٧٨١	سورة الشمس مكية
٧٨٢	سورة الليل مكية
٧٨٤	سورة الضحى مكية
٧٨٦	سورة الانشراح مكية
٧٨٧	سورة التين مكية
٧٨٨	سورة العلق مكية
٧٩٠	سورة القدر مكية
٧٩٠	سورة البينة (لم يكن) مكية
٧٩٢	سورة اذا زلزلت (الزلزال) مدنية
٧٩٣	سورة العاديات المكية
٧٩٤	سورة القارعة مكية
٧٩٥	سورة التكاثر مكية
٧٩٦	سورة العصر مكية
٧٩٧	سورة الهمزة مكية

۷۹۸	سورة الفيل مكية
۷۹۹	سورة قريش مكية
۷۹۹	سورة الدين (الماعون) مكية
۸۰۰	سورة الكوثر مكية
۸۰۱	سورة الكافرون مكية
۸۰۲	سورة النصر المدنية
۸۰۲	سورة تبت مكية
۸۰۳	سورة الاخلاص مكية
۸۰۴	سورة الفلق مدنية و قيل مكية
۸۰۵	سورة الناس مدنية
۸۰۶	دعا ختم قران

جزء يا سپاره اول - الم

(۱) سورة فاتحه:

مکی و دارای (۷) آیه بوده و (گشاینده) معنی میدهد. این سوره را بنام «فاتحة الكتاب» نیز یاد می شود، زیرا قران با آن افتتاح شده است. فاتحه اولین سوره قرآن است، این سوره اسامی بسیاری دارد که غالب آنها به نحوی جایگاه بالای آن را گوشزد می کنند. در روایات برای این سوره و قرائت آن فضیلت های بسیاری نقل شده است. خواندن سوره فاتحه در نماز مسلمانان فرض است.



﴿۱﴾ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۲﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ستایش خدای راست، پروردگار عالمیان.

﴿۳﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

(خدایی) که بی اندازه مهربان، نهایت بارحم است.

﴿۴﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

خداوند روز جزا (است).

﴿۵﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

خاص ترا می پرستیم و خاص از تو کمک میخواهیم.

﴿۶﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

به ما راه راست را بنما.

﴿۷﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

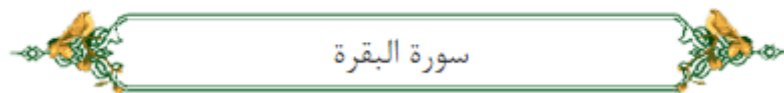
راه کسانی را که بر ایشان نعمت خویش را ارزانی کرده‌ی، نی راه کسانی را که مورد خشم واقع شدند و نی هم راه گمراهان.

متن قرآن مجید از پایگاه تنزیل (Tanzil.net) برگرفته شده است.

متن های تفسیر نسفی و ترجمه کشکی و سلجوقی توسط مرکز مجازی مطالعات و احیای آثار اسلامی «بینات» Bayyinat.org تهیه شده اند. استفاده، تکثیر و نشر از آنها برای مقاصد علمی، دینی و آموزشی، و بدون هر نوع امتیاز طلبی و بهره جویی مادی، پولی و تجارتي، با ذکر منبع آن، مجاز است. ترجمه شاه ولی الله دهلوی به تصحیح جناب آقای مسعود انصاری میباشد که متن آن نخست توسط گروه علمی-فرهنگی موحدین تهیه شده است. مرکز مجازی بینات این متن را برای برنامه ذکر (zeker) و بگونه منبع باز تهیه نموده است.

(۲) سوره بقره:

مدنی و دارای (۲۸۶) آیه است و (گاوماده) معنی دارد. چون این سوره در برگیرنده داستان «بقره» یعنی گاو که خداوند متعال بنی اسرائیل را به ذبح آن مامور کرد میباشد بنام بقره نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الم

ال.م.

﴿۲﴾ ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ ۗ فِيهِ ۗ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

این کتاب، در آن شکی نیست. هدایتی است برای پرهیزگاران {۱}.
{۱} یعنی کسانی که از خداوند میترسند؛

﴿۳﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آنانی که به غیب ایمان می آرند، و نماز خود را به تمام و کمال برپا میدارند، و از آنچه برای شان روزی گردانیده ایم خرج میکنند.

﴿۴﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

و آنانی که به آنچه به تو نازل گردانیده شده و به آنچه پیش از تو نازل گردانیده شده ایمان می آرند، و (از ته دل) به آخرت یقین دارند.

﴿۵﴾ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آنها از جانب پروردگارشان بر هدایت (راستین) اند، و ایشان همین هایند رستگار.

﴿۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بدون شک، کسانی که کافرند {۱} به ایشان یکسان است، خواه ایشان را اخطار بدهی یا اخطار ندهی، ایشان ایمان نمی آورند.
{۱} ایمان ندارند؛

﴿۷﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ ۗ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

خداوند بر دل‌های شان و بر گوش‌های شان مهر نهاده است، و بر چشمان شان پرده ایست، و برای آنان عذاب بزرگی است.

﴿۸﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

از (جمله) مردمان کسانی اند که میگویند « به خداوند و به روز آخرت ایمان آوردیم » و ایشان (در حقیقت) ایمان ندارند.

﴿۹﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

(ایشان چنین میپندارند که) خدا و مؤمنان را فریب میدهند ولی در واقع جز خویشتن (کسی دیگر) را فریب نمیدهند. و (این موضوع را) درک نمیکنند.

﴿۱۰﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

در دل‌های شان بیماری است و خداوند بیماری شانرا افزوده است. و برای ایشان عذاب دردناکی است به سبب آنکه دروغ می‌گفتند.

﴿۱۱﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

و هنگامیکه به ایشان گفته شود « در زمین فساد نکنید، » می‌گویند « به تحقیق که ما اصلاح‌کنندگانیم. »

﴿۱۲﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ

آگاه باشید، به تحقیق که همین‌ها هستند مفسد. اما (این موضوع را) درک نمی‌کنند.

﴿۱۳﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ

وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ

و هنگامیکه به ایشان گفته شود « ایمان آورید طوری‌که این مردم (یعنی یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم) ایمان آورده‌اند، » می‌گویند « آیا ما ایمان آوریم طوری‌که این بیخردان ایمان آورده‌اند؟ » آگاه باشید، به تحقیق که ایشان‌اند بیخرد، اما نمی‌دانند.

﴿۱۴﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ

و هنگامیکه با مؤمنان ملاقات می‌کنند، می‌گویند « ما ایمان آورده‌ایم. » ولی هنگامیکه با شیطان‌های خود تنها شوند، می‌گویند « ما اصلاً با شما هستیم، ما (صرف) (مسلمانان را) تمسخر می‌کنیم. »

﴿۱۵﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

خداوند به ایشان جزای استهزای شانرا میدهد، و ایشان را در سرکشی شان مهلت میدهد تا سرگردان بمانند.

﴿۱۶﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

آنها کسانی‌اند که گمراهی را به هدایت خریده‌اند. پس تجارت شان سودی نکرد و ایشان رهیاب نیستند.

﴿۱۷﴾ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي

ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ

مثال ایشان مثال کسی است که آتشی افروخت، پس چون (آن آتش) اطراف او را روشن کرد، خداوند روشنی ایشانرا مبرد و آنها را در تاریکی مطلق می‌گذارد که چیزی را نبینند.

﴿۱۸﴾ صُمٌّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

کرا، گنگ‌اند و کور‌اند، بنابراین ایشان (به راه) برنمی‌گردند.

﴿۱۹﴾ أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ

حَذَرَ الْمَوْتِ ۗ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ

یا (مثال آنها) همانند ابری مملو از باران است از آسمان، که در آن تاریکی ها، رعد و برق باشد. آنها (سر) انگشتان خود را از ترس مرگ به گوش های خود می نهند، تا آواز صاعقه را نشنوند. و خداوند (همواره) بر کافران احاطه دارد.

﴿۲۰﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ ۖ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نزدیک است که برق چشمان (یعنی قوه دید) شان را برباید. هر باری که روشنایی به ایشان بتابد در آن راه میروند، و هنگامیکه تاریکی بر ایشان چیره شود ایستاده میشوند. و اگر خداوند میخواست بدون شک شنوایی و چشمان (یعنی بینایی) شان را میبرد. حقا که خداوند بر همه چیز تواناست.

﴿۲۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای مردم! پروردگار خویشرا پرستید، آنکه شما و کسانی که پیش از شما بودند آفرید، تا باشد که پرهیزگار شوید.

﴿۲۲﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۗ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

آنکه برای شما (روی) زمین را بساطی و آسمان را (همچون) سقفی ساخت و آب را از آسمان فرود آورد، بوسیله آن میوه ها را برای روزی شما برآورد. پس در حالیکه (حقیقت را) میدانید به خداوند همتیانی نیاورید.

﴿۲۳﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و اگر شما از چیزی که ما (وقتاً فوقتاً) به بنده خود فرو فرستاده ایم در شک هستید، پس سوره مثل آنرا بیاورید، و اگر راست میگویید، شاهدان (یعنی مددگاران) خود را به غیر از خداوند بخواهید.

﴿۲۴﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

اما اگر (این کار را) نکردید، و هرگز کرده نمیتوانید، پس از آتشی بترسید که درگیران {۱} آن مردمان و سنگ ها اند، که برای کافران آماده شده است.
{۱} آتش گیره؛

﴿۲۵﴾ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِّزْقًا ۗ قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ۗ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا ۗ وَلَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّطَهَّرَةٍ ۗ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و به کسانی که ایمان دارند و کارهای نیکو میکنند بشارت ده که واقعاً آنها را بهشت هایی است که از زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد. هر باری که از میوه های آن روزی داده میشوند میگویند « این همان است که برای ما پیش ازین روزی داده شده بود. » و برای شان چیزهای همانند آورده میشود، و ایشان را در آنجا همسران پاکیزه ای است، و ایشان در آن جاویدان اند.

﴿٢٦﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا ۗ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۗ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا ۗ وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

خداوند هرگز ازین شرمگین نمیشود که مثلی بزند به هرگونه ایکه باشد، (خواه این مثال) پشه ای باشد یا از آن (در کوچکی) بالاتر. پس آنهایکه ایمان آورده اند میدانند که واقعاً این (مثال) حق است از جانب پروردگارشان. اما کسانیکه کافر شدند (شک کنان) می گویند « خداوند به این مثال چه چیز را اراده کرده است؟ » با این مثال بسیاری را گمراه میکند و بسیاری را رهیاب میگرداند، و با این (مثال) گمراه نمیکند مگر فاسقان را.

﴿٢٧﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

کسانیکه پیمان خداوند را بعد از استواری آن میشکنند و چیزی را که خداوند به پیوند و اتصال آن امر کرده قطع میکنند و در روی زمین فساد می کنند، ایشان همینها اند زیان کار.

﴿٢٨﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ۗ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

چگونه از خدا انکار میکنید، در حالیکه زنده نبودید پس او شما را زنده گردانید؟ و باز شما را میمیراند و بار دیگر شما را زنده میگرداند و باز بسوی او باز گشت مینمایید؟!

﴿٢٩﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

او ذاتیست که برای شما هر آنچه را در زمین است بیافرید، سپس قصد آسمان کرد و آنها را به هفت آسمان نظم و کمال بخشید، و او به همه چیز داناست.

﴿٣٠﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بیاد آر که چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: « من در روی زمین خلیفه ای را می آفرینم. » فرشتگان گفتند: « آیا کسی را در آن (خلیفه) میگردانی که در آن فساد می کند و خون می ریزد؟ در حالیکه ما تسبیح و ستایش تو را بجا میآوریم و ترا تقدیس می نماییم. » خدا گفت: « حقا من میدانم آنچه را که شما نمیدانید! »

﴿۳۱﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

صَادِقِينَ

خداوند برای آدم اسمای (یعنی اسرار) اشیاء را آموخت، باز آن اشیاء را به فرشتگان پیش کرد و گفت: «اگر شما راست گو هستید، پس نام این چیزها را بمن بگویید!»

﴿۳۲﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

آنها گفتند: «پاکی تو، ما را هیچ علمی نیست مگر آنچه تو بما آموختی، براستی که تو، و تنها تو، دانا و حکیمی.»

﴿۳۳﴾ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ۗ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

خداوند گفت: «ای آدم، فرشتگان را از نامهای (یعنی اسرار) اشیاء آگاه گردان.» هنگامیکه آدم نامهای آنها (یعنی اسرار) را گفت، خداوند فرمود: «آیا من به شما نگفته بودم که من، و تنها من، با اسرار آسمانها و زمین آگاهم و آنچه را که شما آشکار میکنید و آنچه را که شما پنهان می دارید میدانم؟»

﴿۳۴﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و بیاد آر، چون به فرشتگان گفتیم «به آدم سجده کنید.» ایشان به آدم سجده کردند جز ابلیس. او (از امر خداوند) ابا ورزید، و تکبر کرد و از جمله کافران بود.

﴿۳۵﴾ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ

الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

و گفتیم «ای آدم، تو و همسرت در بهشت بسر برید، و از نعمتهای فراوان آنجا هرچه که بخواهید بخورید. اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد.»

﴿۳۶﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۗ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ

عَدُوٌّ ۗ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

سپس شیطان آنها را (از آنجا) لغزاند و ایشانرا از آنچه (یعنی خوشنودی) که در آن بودند بیرون کرد. گفتیم: «فرود آید در حالیکه بعض شما دشمن بعض دیگر خویش خواهید بود و برای شما تا مدتی بر زمین جای سکونت و وسایل زندگی فراهم میباشد.»

﴿۳۷﴾ فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت، و پروردگارش توبه او را پذیرفت. به تحقیق که او توبه پذیر مهربان است.

﴿۳۸﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

گفتیم: « همه شما ازینجا فرود آید، پس هرگاه از طرف من بشما هدایت آمد کسانیکه هدایت مرا پیروی کنند، برای شان خوفی نیست و نی هم ایشان اندوهگین می شوند.»

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

اما کسانیکه کافر شده اند و آیات ما را تکذیب کرده اند، ایشان از اهل آتش می باشند و در آنجا جاودانه بسر میبرند.

﴿۴۰﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ

ای بنی اسرائیل! به یاد آرید آن نعمت هایی را که بر شما ارزانی کردم و به پیمانی که بمن بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم و تنها از من بترسید.

﴿۴۱﴾ وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ

و به آنچه نازل کرده ام ایمان بیاورید در حالیکه (این کتاب) تصدیق کننده همان کتابی است که با شما میباشد، و شما نخستین انکار کنندگان آن نباشید، و آیات مرا در برابر بهای ناچیز مفروشید و تنها از من بترسید.

﴿۴۲﴾ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

حق را به باطل میامیزید و حق را پنهان نکنید، در حالیکه میفهمید.

﴿۴۳﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

نماز را به تمام و کمال اداء نمایید، زکات را پردازید و با رکوع کنندگان رکوع نمایید {۱}.

{۱} یعنی نماز را بجماعت بگزارید؛

﴿۴۴﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آیا مردم را به نیکوکاری امر میکنید و خود را فراموش میدارید در حالیکه کتاب را میخوانید؟! آیا درک نمیکنید؟

﴿۴۵﴾ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

و به شکیبایی و نماز یاری (خداوند را) بجوید و این واقعاً گران است مگر بر فروتنان.

﴿۴۶﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آنانیکه باور دارند که با پروردگار خود ملاقی میشوند و یقیناً ایشان بسوی او باز میگردند.

﴿٤٧﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

ای بنی اسرائیل، آن نعمت هایی را که من بشما ارزانی کردم یاد آرید، و نیز به یاد آرید که من شما را بر همه جهانیان برتری دادم.

﴿٤٨﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

و از روزی بترسید که هیچ کس از هیچکس دیگر (عذاب را) دفع نمیکند، و نی برای آن شفاعت قبول میشود و نی از آن عوضی پذیرفته میشود، و نی هم به ایشان یاری داده میشود.

﴿٤٩﴾ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

نِسَاءَكُمْ ۖ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

بیاد آرید وقتی را که شما را از فرعونیان نجات دادیم. ایشان به شما عذاب های شدیدی می رساندند: پسران شما را میکشیدند و زنان شما را زنده میگذاشتند، و در آن برای شما آزمایش بزرگی بود از طرف پروردگار شما.

﴿٥٠﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

و بیاد آرید وقتی را که برای شما دریا را شکافتیم و شما را نجات دادیم. و فرعونیان را، در حالیکه شما مشاهده میکردید، غرق کردیم.

﴿٥١﴾ وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

و بیاد آرید وقتی را که برای موسی چهل شب مقرر کردیم و شما در غیاب او گوساله را (خدا) گرفتید، در حالیکه شما (به این عمل خود) ستمگار بودید.

﴿٥٢﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

بعد از آن شما را عفو کردیم تا باشد که سپاسگزار شوید.

﴿٥٣﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و بیاد آرید وقتی را که به موسی کتاب و فرقان { ۱ } را دادیم تا باشد که رهیاب گردید. { ۱ } جداکننده حق از باطل ؛

﴿٥٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ

فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۗ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و بیاد آرید وقتی را که موسی بقوم خود گفت: « ای قوم من، به تحقیق که شما بخود ستم کردید به اینکه گوساله را (به خدایی) گرفتید، پس بسوی آفریدگار خویش برگردید و پس خود را بکشید. این کار برای شما بهتر است در نزد آفریننده شما. » سپس خداوند توبه شما را پذیرفت. حقا که او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

﴿٥٥﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

و بیاد آرید وقتی را که گفتید: « ای موسی، تا خداوند را آشکارا نه بینیم به تو هرگز ایمان نمیآوریم. » پس شما را صاعقه گرفت، در حالیکه میدیدید.

﴿٥٦﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

سپس شما را بعد از مردن شما زنده گردانیدیم تا باشد که سپاسگذار شوید.

﴿٥٧﴾ وَظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۗ وَمَا

ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

و ابر را بر شما سایه بان ساختیم و بر شما من و سلوی فرورستادیم، (و گفتیم:) « از چیزهای پاکیزه ای که بشما روزی داده ایم بخورید. » بما ستم نکردند بلکه بخود ستم میکردند.

﴿٥٨﴾ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ

نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ ۗ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

و بیاد آرید وقتی را که گفتیم: « درین شهر داخل شوید و از چیزهای فروان آنجا سیر بخورید، و به دروازه با فروتنی درآیید و بگویید: "(خدایا) گناهان ما را ببامرز" (یعنی در حالتی درآیید که در کردار و گفتار خود خاشع و متواضع باشید) تا خطاهای شما را ببامرزیم و (پاداش) نیکوکاران را بسیار سازیم. »

﴿٥٩﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا

كَانُوا يَفْسُقُونَ

اما ستمکاران آن کلمه را بغير آنچه به ایشان گفته شده بود تبدیل کردند، بنابراین ما بستمکاران به سبب فسقیکه مرتکب میشدند عذابی را از آسمان فرو فرستادیم.

﴿٦٠﴾ وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ

عَيْنًا ۗ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و بیاد آرید وقتی را که موسی برای قوم خود آب خواست، گفتیم « عصای خود را بسنگ بزن » و بیدرنگ از آن دوازده چشمه جوشید. هر دسته جای آب خوردن خود را شناخت. از روزی (که) خداوند (بشما ارزانی کرده است) بخورید و بنوشید و در زمین فسادکنان به تبه کاری دست نیازید.

﴿٦١﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ

مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۗ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ

خَيْرٌ ۗ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّن

اللَّهُ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

و بیاد آرید وقتی را که گفتید: « ای موسی، ما هرگز (برای همیشه) به یک نوع غذا صبر نمیکنیم. پس برای ما از پروردگار خود بخواه که بما از چیزی بدهد که زمین میروبانند، از سبزیجات آن، تره (و بادرنگ) آن، سیر (یا گندم) آن، عدس آن و پیاز آن. » (موسی) گفت: « آیا چیز بهتر را به چیز پست تبدیل میکنید؟! به شهری فرود آید حقا که برای شما هر آنچه را خواسته باشید (موجود) است. » و برایشان (مهر) خواری و ناداری زده شد و به قهر خداوند باز گشتند. این (خواری و ذلت) به سبب آن بود که از آیات خداوند انکار میکردند و پیامبران را به ناحق میکشتمند. این از سببی بود که ایشان عصیان میکردند و تجاوزکار بودند.

﴿٦٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

بتحقیق آنانیکه (به قرآن) ایمان دارند و آنانیکه یهود شدند و نصاری و صابی ها، هر کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان آورد و کار نیکو کند مزدشان بنزد پروردگار شان است، نی بر ایشان ترسی است و نی هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٦٣﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و بیاد آرید وقتی را که از شما پیمان استوار گرفتیم و بر بالای سر شما (کوه) طور را بلند کردیم، گفتیم « چیزی را که به شما داده ایم (یعنی تورات را) محکم بگیرید و آنچه را در آن است (همواره) یاد آرید تا باشد که (از خدا) بترسید. »

﴿٦٤﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۗ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

بعد، از این (پیمان) رو گردانیدید و اگر فضل خدا و مهربانی او بر شما نمی بود بدون شک در جمله زیانکاران میبودید.

﴿٦٥﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

و حقا که شما در بین خود کسانی را شناختید که در روز شنبه تجاوز کردند، ایشان را گفتیم: « به شکل بوزینه ذلیل شده درآید. »

﴿٦٦﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

و به این ترتیب آن (واقعه) را مایه عبرتی برای معاصرین و اخلاف شان گردانیدیم، و (نیز) پندی برای آنانیکه (از خدا) میترسند.

﴿٦٧﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ۗ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا ۗ قَالَ أَعُوذُ

بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

و بیاد آرید وقتیرا که موسی بقوم خود گفت: « حقا که خدا به شما امر میکند تا گاوی را ذبح کنید. » آنها گفتند: « ما را به مسخره میگیری؟! » گفت: « به خداوند پناه میبرم از اینکه از جمله جاهلان باشم. »

﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۗ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ۗ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ

گفتند: « از پروردگار خود بخواه بما بیان کند که آن (گاو) چگونه است؟ » گفت: « خداوند میفرماید این گاوی است نه پیر (از کار افتاده) و نه جوان (نارسیده) بلکه (میانه) بین این دو، پس آنچه را (بآن) مأمور شده اید بجا آرید. »

﴿٦٩﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا ۗ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ

گفتند: « برای ما از پروردگار خود بخواه تا بیان کند که آن گاو چه رنگی دارد؟ » گفت: « خداوند میگوید بیشک آن گاوی است زرد (یکدست) که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور سازد. »

﴿٧٠﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ۗ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهُ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

گفتند: « برای ما از پروردگار خود بخواه تا برای ما بیان کند که آن گاو چگونه است: گاو بر ما مبهم شده است. اگر خداوند خواسته باشد ما واقعاً راهیاب خواهیم شد. »

﴿٧١﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا ۗ قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ ۗ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ

گفت: « خداوند میگوید به تحقیق آن گاوی است که نی محنت قلبه زمین و نی آبیاری کشت را کشیده است، سالم است، و بی داغ و لکه. » گفتند: « اکنون سخن راست را آوردی. » سپس ایشان آن گاو را ذبح کردند و نزدیک نبودند که (آن گاو را ذبح) نمایند.

﴿٧٢﴾ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا ۗ وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

و بیاد آرید وقتی را که شخصی را کشتید و در مورد آن جنایت در بین خود به نزاع افتادید. اما خداوند آشکار کننده است آنچه را شما پنهان میکردید.

﴿٧٣﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۗ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

پس گفتیم: « آن (جسد) را با پاره (از آن گاو) بزنید. » این چنین خداوند مردگان را زنده میکند و به شما آیات خود را نشان میدهد تا باشد که شما درک کنید.

﴿٧٤﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۖ وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ ۗ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۗ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

پس از آن باز دل‌های شما سخت شد، به درجهٔ سنگ یا از آن هم سخت تر. بعضی از سنگ‌ها هستند که از آنها جوی‌ها جاری می‌شود، و برخی از سنگ‌ها هستند که شق می‌شوند و از آنها آب می‌برآید، و هم سنگ‌هایی اند که از خشم خداوند فرو می‌غلطند و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست.

﴿٧٥﴾ أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

(ای مسلمانان) آیا توقع دارید که ایشان به (آیین) شما ایمان بیاورند؟ در حالیکه گروهی از ایشان کلام خدا را شنیدند و بعد از آنکه (حقانیت) آنرا درک میکردند آنرا آگاهانه تحریف مینمودند.

﴿٧٦﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و چون ایشان با کسانی که ایمان آورده اند ملاقات میکنند می‌گویند «ایمان آوردیم» اما وقتی که با یک دیگر در خلوت می‌بینند می‌گویند «آیا به ایشان چیزی را می‌گویید که خداوند بشما آنرا (در تورات) روشن ساخته است تا (بدین ترتیب) بوسیلهٔ آن با شما بحضور پروردگار شما مناظره کنند؟ آیا شما (به نتیجهٔ این کار) پی نمی‌برید؟»

﴿٧٧﴾ أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

آیا آنها نمی‌دانند که هر آنچه را که ایشان پنهان یا آشکار میدارند، خداوند میداند؟!

﴿٧٨﴾ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

و برخی از ایشان مردم امی می‌اند که از کتاب جز آرزوهای غلط خود چیز دیگری را نمیدانند، و جز گمان به چیزی دیگری متکی نیستند.

﴿٧٩﴾ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ بِهَا ثَمَنًا

قَلِيلًا ۗ فَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ

پس وای بر کسانی که کتاب را بدست خود مینویسند و باز می‌گویند «این از جانب خداوند است.» تا (بدین ترتیب) به عوض آن بهای ناچیز بدست آورند. پس وای بر ایشان در برابر آنچه دست‌های شان نوشته است، و وای بر ایشان در برابر آنچه (ازین عمل خود) کسب میکنند.

﴿٨٠﴾ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً ۗ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۗ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و گفتند « به تحقیق که ما را آتش دوزخ جز چند روز محدودی تماس نمی‌کند. » (به ایشان) بگوی: « آیا از نزد خداوند پیمانی گرفته اید؟! که خداوند هرگز پیمان خود را نقض نمی‌کند. اینکه در باره خداوند چیزی را می‌گویید که نمیدانید! »

﴿٨١﴾ بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

نخیر، آنانیکه گناهی را مرتکب شده اند و آنها را گناه شان احاطه کرده است، پس همینهایند دوزخی، ایشان در آنجا همیشه میمانند.

﴿٨٢﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و آنانیکه ایمان آوردند و عمل شایسته ای انجام دادند همینهایند بهشتی، ایشان در آنجا جاودانه بسر میبرند.

﴿٨٣﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ

و بیاد آورید وقتی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که به جز خداوند (چیزی دیگر) را نپرستید. با پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان و بینوایان رفتار نیکو ورزید، با مردم به نیکویی حرف زنید، نماز را به تمام و کمال اداء نمایید، زکات را بپردازید. سپس همه شما جز عده کمی بگونه اعراض از آن رو گردانیدید.

﴿٨٤﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ

و بیاد آورید وقتی را که پیمان استوار شما را گرفتیم که خون های خویشرا نریزید و یکدیگر خود را از دیار خویش بیرون مکنید. سپس اقرار کردید و بر آن گواه بودید.

﴿٨٥﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ

وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۗ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ

وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۗ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

باز این شما هستید که یک دیگر خود را میکشید. گروهی از مردم خود را از دیار شان تبعید میکنند، به ضد ایشان در گناه و ظلم پشتیبان یکدیگر می شوید. و اگر ایشان بقسم اسیر به شما می آیند فدیة ایشانرا میدهید.

در حالیکه تبعید ایشان (به ذات خود) بر شما حرام گردیده بود. پس آیا به قسمتی از کتاب ایمان می آورید و از قسمت دیگری انکار میکنید؟! پس جزای کسی از شما که چنین کند جز رسوایی در زندگی دنیا و بازگشت به شدیدترین عذاب در آخرت چیز دیگری نیست، و خداوند از کردار شما غافل نمیشود.

﴿۸۶﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ**

آنها کسانی اند که زندگی این دنیا را به بدل آخرت خریدند، بنابراین از عذاب شان تخفیف داده نمیشود و نی هم ایشان کمک میشوند.

﴿۸۷﴾ **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۖ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ**

بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَتَّقُونَ

حقا که به موسی کتاب را دادیم و به تعقیب او پیامبران را فرستادیم. به عیسی پسر مریم معجزات روشن دادیم و او را به روح القدس تایید کردیم. آیا هرگاه رسولی نزد شما با چیزی آمد که مخالف هوای نفس شما بود در برابر او تکبر کردید؟! بعضی را تکذیب نمودید و بعضی را میکشید.

﴿۸۸﴾ **وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ**

ایشان میگویند « دلهای ما در غلاف است. » (خیر) بلکه به سبب کفر شان خداوند بر آنها لعنت کرده است، پس تعداد اندکی از ایشان ایمان می آورند.

﴿۸۹﴾ **وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ**

كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ ۖ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

هنگامیکه به ایشان از جانب خداوند کتابی آمد، (کتابی که) تصدیق دهنده چیزی بود که در نزد ایشان میباشد (یعنی تصدیق دهنده تورات بود)، از آن انکار ورزیدند. و از پیش آنها وسیله پیروزی خویش بر کافران (یعنی مشرکان) می پنداشتند. پس وقتیکه به ایشان چیزی آمد که آنها میشناختند (و باید به آن اعتراف میکردند) از آن انکار کردند، پس لعنت خدا است بر کافران.

﴿۹۰﴾ **بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ**

مِنْ عِبَادِهِ ۖ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

چه بد است چیزی که به آن نفس خود را فروخته اند: اینکه به آنچه خدا فرستاده است کافر شدند. از روی حسادت بر این، که خداوند به هر که از بندگان خود که بخواهد (وحی) نازل میگرداند، پس خشمی بالای خشمی دیگر آنها را فرو گرفت و برای کافران عذابی رسوا کننده است.

﴿٩١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

چون به ایشان گفته شود « به آنچه خداوند فرو فرستاده است ایمان آرید، » میگویند « ما به چیزی ایمان می آوریم که برای ما فرو فرستاده شده است » و ماورای آنرا رد میکنند، در حالیکه همان چیز حق است و تصدیق کننده کتابی است که به ایشان آمده است. بگو: « اگر واقعاً ایمان دارید پس چرا پیش ازین پیامبران خدا را میکشید؟! »

﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

واقعاً که موسی به شما معجزه هایی را آورد، (ولی) بعد از آن (که وی بکوه طور رفت) گوساله را (به خدایی) گرفتید و شما ستمکارید.

﴿٩٣﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاَسْمِعُوا ۗ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ۗ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و بیاد آرید که از شما پیمان استواری گرفتیم و کوه طور را بالای شما قرار دادیم (و گفتیم): « آنچه را به شما داده ایم محکم بگیرید و بشنوید. » گفتند « شنیدیم و نافرمانی کردیم » و محبت گوساله بدل شان آمیخته شد به سبب کفر شان. بگو « بد است چیزی که شما را ایمان شما بآن امر میکند اگر مؤمن هستید. »

﴿٩٤﴾ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ

بگو: « اگر سرای آخرت نزد خداوند تنها از آن شما است، نی برای کسی دیگر، و اگر (درین ادعای خود) صادق هستید، پس مرگ را آرزو کنید. »

﴿٩٥﴾ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

اما ایشان به سبب آنچه دستهای شان از پیش فرستاده هرگز مرگ را آرزو نخواهند کرد. و خداوند ستمگاران را خوب میشناسد.

﴿٩٦﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا ۗ يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ

وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

تو ایشان را واقعاً به زندگی دنیا حریص ترین مردم می یابی، و حریص تر (حتی) از کسانی که شرک آورده اند. هر یک از ایشان آرزو دارد که یککاش به وی عمر هزار سال داده شود ولی دادن چنین عمری (هم) او را از عذاب (آتش دوزخ) نجات دهنده نیست، و خداوند به چیزهایی که آنها میکنند بینا است.

﴿٩٧﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

بگو: « هر آنکه دشمن جبرئیل باشد، پس به تحقیق هم او است که (وحی را) به حکم خداوند به دل تو نازل گردانید. در حالیکه (آن وحی) تصدیق کننده کلامی است که قبل (از آمدن وحی به تو) نازل شده بود و رهنما و بشارت دهنده ای است برای مؤمنان. »

﴿٩٨﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

هر آنکه دشمن خداوند، فرشتگان، پیامبران خداوند، جبرئیل، میکائیل باشد (کافر است)، پس بی شک خداوند دشمن کافران میباشد.

﴿٩٩﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

و به تحقیق به تو آیه های روشنی را فر فرستادیم و جز مردم فاسق (هیچکس) از آن انکار نمیکند.

﴿١٠٠﴾ أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

آیا (این طور نیست) هر باری که پیمانی بستند گروهی از ایشان آنرا بدور افگندند؟! واقعیت امر این است که اکثر ایشان ایمان نمی آرند.

﴿١٠١﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و هر گاه به ایشان از جانب خداوند پیامبری (به حیث) تصدیق کننده چیزی که با خود شان است آمد، گروهی از آنها که برای ایشان کتاب داده شده است، کتاب خداوند را پشت سر انداختند. گویی که به آن پی نمیبرند.

﴿١٠٢﴾ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا

يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَيَّ الْمَلَكِينَ بِيَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ

حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ

بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ

مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ۚ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

و ایشان از چیزی پیروی کردند که آنرا در عهد پادشاهی سلیمان شیطان ها میخواندند. سلیمان هرگز کافر نشد، بلکه این شیطان ها بودند که کفر را اختیار کردند، به مردم جادو می آموختند و نیز چیزهایی را که در بابل بر فرشتگان - هاروت و ماروت - فرود آورده شد. این دو فرشته هیچکس را چیزی نمی آموختند مگر آنکه می گفتند « ما صرف برای آزمایش هستیم پس مرتکب کفر مشو. » (مردم) از این دو فرشته چیزهایی را می

آموختند که با (بکار بردن) آنها میان شوهر و زنش جدایی میافگندند اما با این کار خود، تا خدا نمیخواست بهیچ کس ضرر رسانیده نمیتوانستند. و ایشان چیزی را می آموختند که برای شان ضرر می رسانید و سودی بار نمیآورد، و آنها واقعاً خوب میدانستند کسیکه جادو را برگزید از آخرت بهره ای ندارد. و چه بد بود چیزی که خود را به آن فروختند، اگر میدانستند.

﴿۱۰۳﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

و اگر ایشان ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند حقا که پاداش (شان) نزد خداوند بهتر میبود، اگر میدانستند.

﴿۱۰۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای مؤمنان، (به پیامبر) « راعنا » مگویید، بلکه « انظرنا » بگویید (پیامبر را به الفاظی خطاب نکنید که از آن تعبیر اهانت آمیز شود)، و (به گفته او) گوش بدهید، کافران را عذاب دردناک است.

﴿۱۰۵﴾ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

نی آنانیکه از جمله اهل کتاب کافر شده اند، و نی مشرکان، هیچ کدام شان نمی خواهند که از پروردگار شما بر شما چیزی از نیکویی نازل شود، اما خداوند هر کی را بخواهد به رحمت (خاص) خویش اختصاص میدهد، و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

﴿۱۰۶﴾ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّمَّهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ

ما اگر وحیی را نسخ کنیم یا آن را به فراموشی بسپاریم، سپس بهتر از آن یا همانند آنرا می آوریم. آیا نمیدانی که خداوند بر همه چیز قدرت دارد؟

﴿۱۰۷﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

آیا نمیدانی که پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداوند است، جز خداوند شما را نی کارسازی است و نی هم یاری دهنده ای؟

﴿۱۰۸﴾ أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ

ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

آیا میخواهید از پیامبر خود همانگونه سوال کنید که از موسی قبلاً سوال شده بود؟ و هر کسیکه ایمان را بکفر بدل نماید بدون شک راه راست را گم کرده است.

﴿١٠٩﴾ وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۗ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بسا از اهل کتاب آرزو میکنند اگر شما را بعد از ایمان آوردن شما، به کفر برگردانند، و این از حسدی است که بعد از روشن شدن حق به ایشان، از نفس های شان نشئت کرده است. (پس ایشان را) عفو نمایید و گذشت کنید تا خداوند فرمان خود را اجرا کند. حقا که خداوند بر همه چیزها قدرت دارد.

﴿١١٠﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ۗ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و نماز را بتمام و کمال برپا دارید و به ادای زکات بپردازید، هر نیکویی را که شما بخویشتن از پیش بفرستید (مزد) آنرا نزد خداوند باز می یابید. به تحقیق که خداوند بآنچه میکنید بینا است.

﴿١١١﴾ وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و گفتند: «هیچ کسی تا یهود و نصاری نباشد به بهشت راه نمی یابد.» این آروزهای (باطل) شان است. (برای شان) بگو: «اگر راست میگویید دلیل خود را بیاورید.»

﴿١١٢﴾ بَلَىٰ مَن أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

نخیر، هر کسی که خود را به خدا تسلیم کند، در حالیکه نیکوکار باشد، مزد خود را نزد پروردگارش می یابد، نی ایشانرا ترس است و نی هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿١١٣﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۗ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

یهودیان گفتند «نصرانیان بر چیزی نیستند،» و نصرانیان گفتند «یهودیان بر چیزی نیستند،» حال آنکه ایشان کتاب (آسمانی) را میخوانند. کسانی که نمیدانند (یعنی مشرکان) نیز مانند سخن ایشان گفتند، ولی خداوند در بین آنها در مورد آنچه بر آن منازعه دارند در روز قیامت قضاوت میکند.

﴿١١٤﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا ۗ أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ ۗ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و کیست بیدادگرتر از کسیکه منع کرد از اینکه در مساجد نام خداوند گرفته شود، و در خراب کردن مساجد کوشید؟! ایشان حق آنرا نداشتند (و ندارند) که جز با ترس به مساجد داخل شوند. برای آنها در دنیا رسوایی است و در آخرت عذابی بزرگ است.

﴿۱۱۵﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مشرق و مغرب از آن خداست، به هر سوئیکه رو آرید همانجا حضور خدا است. به تحقیق که خداوند گشایشگر (و) دانا است.

﴿۱۱۶﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۗ لَدَا ۗ سُبْحَانَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ

گفتند «خداوند (برای خود) پسری گرفت»، «منزه است او. حقیقت اینست که هر چه در آسمانها و زمین است از آن او میباشد. و همه چیز به او فرمانبردار هستند.

﴿۱۱۷﴾ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

ایجادگر آسمانها و زمین است. و هر گاه او به چیزی دستور دهد، پس بیگمان به آن میگوید «شو» و آن چیز (فورا) میشود.

﴿۱۱۸﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ۗ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ

قَوْلِهِمْ ۗ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

آنانیکه علم ندارند میگویند «چرا خداوند با ما سخن نمیگوید؟ یا چرا به ما نشانه ای نمی آید؟» همانند این (چیزها) را کسانی میگفتند که پیش از ایشان بوده اند مثل گفته ایشان. دلهای آنها مشابه است. ما بدون شک نشانه های خود را برای قومیکه یقین دارند بیان کردیم.

﴿۱۱۹﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۗ وَلَا تُسْأَلُ عَن أَصْحَابِ الْجَحِيمِ

بی شک ما ترا بحق بحیث مزده آور و بیم دهنده فرستاده ایم، و از تو در مورد اهل دوزخ سوالی نمیشود.

﴿۱۲۰﴾ وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ

الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمیشوند، تا تو از دین ایشان پیروی کنی. (به ایشان) بگو «حقا رهنمایی تنها همان رهنمایی خداوند است.» هرگاه بعد از آنکه بتو آگاهی حاصل شد، اگر از آرزوهای ایشان پیروی کنی، در آن صورت (برای تو) در برابر (عذاب) خداوند نی کارسازی خواهد بود و نی هم مددگاری.

﴿۱۲۱﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَاُولَٰئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ

آنانیکه به ایشان کتاب را داده ایم و حق تلاوت آنرا اداء میکنند همانهایند کسانیکه به آن ایمان دارند. اما کسانیکه از آن انکار ورزند، همانهایند زیان کار.

﴿١٢٢﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

ای بنی اسرائیل از آن نعمتی که بشما ارزانی کردم بیاد آرید، و از این (نیز) که من شما را بر همه جهانیان برگزیدم.

﴿١٢٣﴾ وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ

يُنصَرُونَ

و از آن روزی بترسید که هیچکسی از کسی دیگر چیزی (یعنی عذابی) را دفع نمیکند، نی از او عوض قبول خواهد شد، و نی به او شفاعت سودی مینماید، و نی هم ایشان یاری داده میشوند.

﴿١٢٤﴾ وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِن

ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

بیاد آر وقتی را که ابراهیم را پروردگارش به سخنی چند آزمود، که وی آنرا انجام داد، (خداوند) گفت «حقا که من ترا برای مردم پیشوا میگردانم.» گفت «و از دودمان من (نیز)؟!» (خداوند) گفت «عهد من بستمگاران نمیرسد.»

﴿١٢٥﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ۗ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

و بیاد آرید وقتی را که ما خانه (کعبه) را برای مردم مرجعی و جای امنی گردانیدیم. و (گفتیم) از مقام ابراهیم نماز گاهی بگیری. و با ابراهیم و اسماعیل قرار گذاشتیم تا خانه مرا برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک سازند.

﴿١٢٦﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ۖ ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و بیاد آرید وقتیرا که ابراهیم گفت «پروردگار من، این (جا) را یک شهر امن بگردان، و مردم آنرا از میوه ها روزی بده، آنده از ایشانرا که به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارند.» (خداوند) گفت «(بلی) کسی را که کافر میشود برای مدتی کوتاه او را بهره مند میسازم، و سپس او را به عذاب آتش می کشانم، و چه بدجایی است دوزخ.»

﴿١٢٧﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و بیاد آرید وقتی را که ابراهیم و اسماعیل تهداب خانه (کعبه) را (با این دعا) بلند کردند: «پروردگار ما (این خدمت را) از ما بپذیر به تحقیق که تو و تنها تویی شنوا و دانا.»

﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذُرِّيَّتَنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پروردگار ما، ما را فرمان بردار خود بگردان، و از دودمان ما (نیز) امتی بیافرین (مسلمان) که تسلیم فرمان تو باشند، مناسک ما را بما نشان بده، توبه ما را بپذیر، حقا که تو و تنها تویی توبه پذیر مهربان.

﴿١٢٩﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگار ما، در میان ایشان پیامبری را از بین خود شان مبعوث بفرما که آیات ترا به ایشان بخواند، و به ایشان کتاب و حکمت بیاموزد و ایشان را پاک گرداند. به تحقیق که تو صاحب قدرت منیع و باحکمتی.

﴿١٣٠﴾ وَمَنْ يَّرْغُبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ۗ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

و کیست آنکه از کیش ابراهیم رو بگرداند مگر شخص سفیھی (که خود را نشناسد)؟! حقا که ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و به تحقیق که او در روز رستاخیز از صالحان است.

﴿١٣١﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ ۖ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

و بیاد آرید وقتی را که پروردگارش به او گفت « تسلیم شو، » گفت « به پروردگار جهانیان تسلیم شدم. »

﴿١٣٢﴾ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

ابراهیم فرزندان خود را با این وصیت کرد و یعقوب نیز (عین وصیت را نمود): « ای پسران من، حقا که خداوند دین (اسلام) را برای شما برگزید. پس نمیرید مگر در حالی که مسلمان باشید. »

﴿١٣٣﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

آیا شما در وقتیکه یعقوب را مرگ فرا رسید حاضر بودید؟! چون به فرزندان خود گفت « بعد از من چه چیز را میپرستید؟ » گفتند « خدای تو و خدای پدران تو ابراهیم، اسماعیل و اسحاق را میپرستیم، خدای یکتا را و ما به او تسلیم هستیم. »

﴿١٣٤﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۗ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ ۗ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنها امتی بودند که بیگمان گذشتند، هر آنچه کسب کردند از آن ایشان است، و هر آنچه شما کسب کردید از آن شما است. و شما از اعمال ایشان مورد سوال قرار نمیگیرید.

﴿١٣٥﴾ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا ۗ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

و (اهل کتاب) گفتند « یهود یا نصرانی باشید تا رهیاب شوید. » (برای شان) بگو « نخیر، بلکه آیین خالص و پاک ابراهیم (را پیروی میکنیم) و او از مشرکان نبود. »

﴿١٣٦﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

﴿١٣٦﴾ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

بگوئید: « ما به خداوند و آنچه بما و به ابراهیم، اسماعیل، اسحق و یعقوب و دودمان او وحی شده ایمان داریم، و آنچه به موسی و عیسی داده شد و آنچه به (همه) پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است. ما در میان هیچ یک از ایشان تفریق نمیکنیم و ما به خداوند تسلیم هستیم. »

﴿١٣٧﴾ فَإِنِ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا ۗ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۗ فَسَيَكْفِيكَهُمُ

اللَّهُ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اگر ایشان بمانند آنچه شما به آن باور دارید ایمان آرند، پس ایشان واقعاً رهیاب شده اند. اگر سرپیچی کنند پس ایشان واقعاً در شقاق { ۱ } اند. و زود باشد که خداوند شر ایشانرا از تو باز دارد. و اوست شنوای دانا. { ۱ } از حق جدا شده ؛

﴿١٣٨﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ ۗ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۗ وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ

رنگ خدایی! و کیست که از خدا رنگی بهتر داده بتواند، و ما تنها او را عبادت میکنیم.

﴿١٣٩﴾ قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

بگو: « آیا شما در شأن خداوند با ما منازعه میکنید در حالیکه او پروردگار ما و پروردگار شماست؟! و ما مسئول کردار خود هستیم و شما (هم) مسئول کردار خود، و ما به او مخلصیم. »

﴿١٤٠﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى ۗ قُلْ

أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

آیا میگویید که ابراهیم، اسماعیل، اسحق، یعقوب و دودمان او یهود یا نصرانی بودند؟ بگو « آیا شما بهتر میدانید یا خدا؟ کیست ستمکارتر از کسیکه شهادتی را پنهان میکند که از جانب خداوند نزد او است، و خداوند از آنچه میکنید بی خبر نیست. »

﴿١٤١﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۗ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ ۗ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنها مردمی بودند که بیگمان گذشتند. هر آنچه کسب کردند از آن ایشان است و هر آنچه شما کسب میکنید از آن شما است. شما از آنچه ایشان میکردند مورد سوال قرار نمیگیرید.

جزء یا سپاره دوم - سيقول

﴿١٤٢﴾ سَيَقُولُ الشُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا ۗ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ
وَالْمَغْرِبُ ۗ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بیخردان از مردم بزودی خواهند گفت: «ایشان را از قبله ای که بر آن بودند، چه چیز باز گردانید؟» بگو: «
مشرق و مغرب از آن خداست هر کسی را خواهد براه راست رهیاب میسازد.»

﴿١٤٣﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ
شَهِيدًا ۗ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلَيَّ
عَقِبَيْهِ ۗ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ
بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

و بدینگونه شما را امتی میانه ساختیم تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر بر شما گواه باشد. و ما آن قبله ای را که
تو بر آن بودی مقرر نداشتیم مگر برای اینکه کسی را که از پیامبر پیروی میکند از کسی که به عقب خویش
برمیگردد، متمایز سازیم. هر چند این کاری است بس دشوار، مگر بر کسانی که خداوند ایشانرا رهیاب گردانیده
است. و خداوند هرگز ایمان (یعنی نمازهای) شما را ضایع نمی گرداند. حقا که خداوند بمردم واقعا مهربان و
بخشاینده است.

﴿١٤٤﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ ۗ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا ۗ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ ۗ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن
رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

ما دیدیم که تو با نگاههای (انتظار آلود) جانب آسمان روی میگردانی. اکنون واقعا ما روی ترا بهمان قبله ای
برمیگردانیم که به آن خشنود شوی. پس روی خود را بسوی مسجد حرام بگردان (و به) هر جایی که بودید پس
روی خود را به آن جانب بگردانید. واقعا کسانی که به ایشان کتاب داده شده خوب میدانند که این امر حق است از
جانب پروردگارشان. و خدا از آنچه ایشان میکنند هرگز غافل نیست.

﴿١٤٥﴾ وَلَئِن أُتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۚ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

واقعاً اگر باهل کتاب هر نشانه ای را بیاوری هرگز قبله ترا پیروی نمی کنند، و نی (هم) تو از قبله ایشان پیروی می نمایی، و نی بعض شان قبله بعض دیگر را پیروی میکنند. واقعاً بعد از این آگاهی که بتو حاصل شد اگر از هوای (نفس) ایشان پیروی نمایی، در آن صورت تو یقیناً از زمره ستمکارانی.

﴿١٤٦﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۚ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

کسانیکه به ایشان کتاب را دادیم او (صلی الله علیه وسلم) را طوری میشناسند که فرزندان خود را میشناسند، و حقا که گروهی از ایشان آگاهانه حق را پنهان میکنند.

﴿١٤٧﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

این (روی آوردن بسوی خانه کعبه) حق است از جانب پروردگار تو، پس هرگز از زمره شک کنندگان مباش.

﴿١٤٨﴾ وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيُهَا ۚ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر کسی جهتی دارد که خداوند او را بسوی آن متوجه میسازد، پس در نیکوکاری از یکدیگر سبقت نمایید. هر جاییکه باشید خداوند همه شما را باز می آورد، حقا که خداوند بر هر چیزی تواناست.

﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۚ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

و از هر جایی که بیرون شدی پس روی خود را بسوی مسجد حرام بگردان، و این واقعاً حق است از جانب پروردگار تو، و خدا از آنچه میکنید غافل نیست.

﴿١٥٠﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تُمَنِّعُوا نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و از هر جایی که بیرون شدی روی خود را جانب مسجد حرام بگردان، و هر جا که باشید، روی خود را بسوی آن بگردانید تا مردم دلیلی بر ضد شما نداشته باشند، جز ظالمان ایشان (که از شما دست بردار نیستند). پس از ایشان مترسید و از من بترسید، و تا من نعمت خویش را بر شما تمام کنم و باشد که شما رهیاب شوید.

﴿١٥١﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

همانگونه که در میان شما رسولی از شما فرستادیم که آیات ما را بر شما میخواند و شما را پاکیزه میسازد. بشما کتاب و حکمت میآموزد و چیزی را که (پیش ازین) نمیدانستید بشما میآموزد.

﴿١٥٢﴾ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

پس مرا یاد کنید تا من شما را یاد کنم و مرا سپاس گذارید و ناسپاسی ننمایید.

﴿١٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

ای مؤمنان، از شکیبایی و نماز یاری جوید. حقا که خداوند با شکیبایان است.

﴿١٥٤﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ

و به کسانی که در راه خدا کشته میشوند مرده مگویید، بلکه (آنها) زنده اند مگر شما درک نمیکنید.

﴿١٥٥﴾ وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ

الصَّابِرِينَ

همانا ما شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و به زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها می آزماییم، و مژده بده شکیبایان را.

﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آنانیکه چون به ایشان مصیبتی می رسد، می گویند: > حقا که ما از خداییم و حقا که به سوی خدا باز میگردیم. «

﴿١٥٧﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ

همین هایندها که عنایات و مهربانی های پروردگارشان شامل حال آنها شده و همین هایندها رهیب.

﴿١٥٨﴾ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ

بِهِمَا ۚ وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

حقا که صفا و مروه از نشانه های خداست. پس کسیکه خانه (خدا) را حج کند یا عمره بجا آورد بر او گناهی نیست که بگرد این دو طواف نماید، و کسانی که از فرمان خدا به میل خود شان (در انجام کارهای نیک) اطاعت میورزند، پس حقا که خداوند (در برابر عمل اوشان) شکرگزار و (به کارهای شان) دانا است.

﴿١٥٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي

الْكِتَابِ ۗ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ

به تحقیق آنانی که نشانه های روشن و رهنمودهایی را که فرستادیم کتمان میکنند بعد از آنکه آنرا در کتاب برای مردم بیان نمودیم، همین هایند که ایشانرا خدا و همه لعنت کنندگان مورد لعن قرار میدهند.

﴿١٦٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوْلِيكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

مگر کسانی که توبه کردند، به اصلاح (اعمال خویش) پرداختند و (حقیقت را) بیان کردند، همین هایند که توبه ایشان را میپذیریم و منم آن توبه پذیر مهربان.

﴿١٦١﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

آنانی که کافر شده اند و در حال کفر مردند، ایشان مورد لعنت خدا، فرشتگان و همه مردم قرار می گیرند.

﴿١٦٢﴾ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

در آن (عذاب) همیشه بسر میبرند، از ایشان عذاب تخفیف نمی یابد، و نی هم به ایشان مهلت داده میشود.

﴿١٦٣﴾ وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و خدای شما خدای یگانه است. جز او هیچ معبودی نیست، بخشاینده مهربان است.

﴿١٦٤﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا

يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ

دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

به تحقیق که در آفرینش آسمان ها و زمین، اختلاف شب و روز و در کشتی هایی که در بحر به سود مردم آمد و

شد میکنند، در بارانیکه خداوند آنرا از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از آنکه مرده بود زنده

گردانیده، و جانداران را در روی زمین به رسو گسترده ساخته است، همچنین در تغییر (مسیر) بادها و ابرهاییکه

در بین آسمان و زمین رام شونده اند (یعنی مسیر خویش را می پیمایند، در هر یک از آنها) یقیناً نشانه هایی

است (بوجود خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند.

﴿١٦٥﴾ وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا

لِلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ

(با این هم) هستند مردمیکه بغیر از خدای برحق معبودان دیگری را (به پرستش) میگیرند. ایشان را طوری

دوست میدارند که باید خدا را دوست داشته باشند. اما آنانی که (به خدا) ایمان دارند، محبت شان به خدا

(نسبت به محبت مشرکان در برابر معبودان شان) شدیدتر است. ستمکاران هنگامیکه عذاب (خدا) را ببینند به

این حقیقت پی میبرند که همه نیروها تنها از آن خداست. و بی شک خداوند سخت عذاب کننده است.

﴿١٦٦﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ

درین حالت است که پیشوایان از پیروان خود بیزار می جویند. عذاب را میبینند و همه وسایل از ایشان قطع

میشود.

﴿١٦٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا ۗ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ۗ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ

درین حال پیروان میگویند « ای کاش به ما فرصتی (دیگر) داده میشد تا ما هم از ایشان بیزاری میجستیم، همچنانکه ایشان از ما بیزاری جستند. » (آری) بدین ترتیب خداوند اعمال شان را به آنها برای حسرت خوردن شان می نمایاند، و ایشان از آتش (دوزخ) بیرون شده نمیتوانند.

﴿١٦٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای مردم، از آنچه در روی زمین است حلال و پاکیزه بخورید، و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمن آشکار است.

﴿١٦٩﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

به تحقیق که (شیطان) شما را بکارهای بد و ننگین فرا میخواند و به اینکه به خدا چیزی را نسبت دهید که نمیدانید.

﴿١٧٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و چون به مشرکان گفته شود « از آنچه خدا نازل گردانیده پیروی کنید، » میگویند « نخیر ما از روشی پیروی میکنیم که پدران خود را بران یافته ایم. » آیا اینچنین نیست که پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و هدایت نیافته بودند؟!

﴿١٧١﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ۗ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

مثال (تو در دعوت) کافران بسان کسی است که (حيوانات را برای نجات از خطر) صدا میزند ولی آنها چیزی جز صدا و آواز نمی شنوند. ایشان (در حقیقت) کر، گنگ و نابینايند و چیزی نمی فهمند.

﴿١٧٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

ای مؤمنان، از چیزهای پاکیزه ای که برای شما روزی گردانیده ایم بخورید، و خدا را سپاس گذارید، اگر خاص او را پرستش میکنید.

﴿١٧٣﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ ۗ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

خداوند تنها بر شما (گوشت) خودمرده، خون و گوشت خوک را حرام گردانیده، و (نیز) آنچه را در (هنگام) ذبح نام غیر خدا بر آن برده شده باشد. چون کسی ناچار شد، در صورتیکه از حد نگذرد و تجاوز نکند، پس (در خوردن آن) گناهی بوی عاید نمیشود. همانا خداوند آمرزگاری مهربان است.

﴿١٧٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کسانیکه آنچه را از کتاب خدا نازل گردیده میپوشانند و آنرا به بهای ناچیز میفروشند، ایشان جز آتش چیزی دیگر در شکم های خود نمیخورند، خداوند در روز قیامت با ایشان سخن نمیزند، ایشانرا تزکیه نمیکند، و برای شان عذابی است دردناک.

﴿١٧٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَاةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۖ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ

آنها کسانی اند که گمراهی را به هدایت و عذاب را به آمرزش خریده اند، پس چه چیزی ایشان را به آتش (دوزخ) اینقدر (صبور ساخته است)!

﴿١٧٦﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ۖ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

این (تباهی شان) از سببی است که خداوند این کتاب را بحق فرستاده است، و کسانیکه در کتاب اختلاف ورزیدند در نهایت پراگندگی (یعنی بدبختی) قرار دارند.

﴿١٧٧﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ

السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا

عَاهَدُوا ۗ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْمُتَّقُونَ

نیکی (تنها) این نیست که روی خود را بسوی مشرق و مغرب بگردانید، مگر نیکی (واقعی) از آن کسانی است که به خدا، روز جزاء، فرشتگان، کتاب و پیامبران ایمان آورده اند، مال خود را باوجود محبت به آن به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، واماندگان در راه، سایلان و برای رهایی بردگان پرداختند، نماز را بتمام و کمال ادا کردند، زکات را پرداختند و کسانی که چون پیمانی بستند به عهد خویش وفا کردند، و در برابر سختی ها و بیماری ها و در هنگام کارزار از خود شکیبایی نشان دادند، همین هایند که راست گفتند و همین هایند پرهیزگار.

﴿١٧٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى ۖ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۖ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای مؤمنان، بر شما قصاص در کشتگان فرض شده است: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، و زن در برابر زن. اگر کسی از طرف برادر (دینی) خود به چیزی مورد عفو قرار گیرد، پس باید این کار به شیوهٔ پسندیده ای پیگیری شود (یعنی حال دیت دهنده در نظر گرفته شود) و (قاتل نیز) بتوجه شایسته ای این پول را بپردازد. این تخفیفی است از جانب پروردگار شما و مرحمتی. اگر کسی بعد ازین به تجاوز پرداخت، پس برایش عذابی است دردناک.

﴿١٧٩﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و برای شما در قصاص زندگی است، ای مردم خردمند، تا باشد که (از عواقب کشتارهای ناحق خویش) بترسید.

﴿١٨٠﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر (از خود) دارایی گذاشته باشد، بر شما فرض است که برای پدر، مادر و وابستگان خود به شیوه پسندیده ای وصیت کنید. (این کار) حقی است بر پرهیزگاران.

﴿١٨١﴾ فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

چون کسی وصیت را بعد از آنکه شنید تغییر داد، پس بیگمان گناه آن بر کسانی است که آنرا تغییر داده اند. حقا که خداوند شنوا و دانا است.

﴿١٨٢﴾ فَمَنْ خَافَ مِن مُّوَصَّيٍّ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

چون کسی در مورد وصیت کننده بیم جانب داری یا گناهی را داشت، و (به این سبب) در صدد اصلاح بین ایشان برآمد، پس بروی گناهی نیست. حقا که خداوند آمرزگار مهربان است.

﴿١٨٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای مؤمنان، روزه بر شما فرض شده، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بودند فرض گردیده بود، تا باشد که شما پرهیزگار شوید.

﴿١٨٤﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۗ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ وَعَلَى الَّذِينَ

يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ ۗ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۗ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

(روزه) چند روز شمرده شده ای (است)، چون کسی از شما مریض یا به سفر باشد، پس روزی چند از روزهای دیگر را (بعوض آن روزهایی که خورده است) روزه بگیرد، برای آنانیکه توان روزه گرفتن را ندارند (بعوض هر روز روزه) فدیة ایست به غذا دادن (یک) مسکین، اگر کسی بگونه رضاکارانه (فدیة) بیشتر بدهد این برایش بهتر است، و اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است اگر بدانید.

﴿١٨٥﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۗ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۗ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ماه رمضان آن است که در آن قرآن نازل شده است، هدایتی برای مردم و دلایل روشنی از هدایت، و فرق گزار (بین حق و باطل). چون کسی از شما درین ماه مقیم باشد آنرا روزه بگیرد، و اگر کسی مریض یا به سفر باشد (و روزه را خورده باشد) پس تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بگیرد). خداوند برای شما اراده آسانی را دارد و اراده دشواری را ندارد، و تا تعداد (روزهای روزه) را تکمیل کنید و به خاطریکه خداوند شما را هدایت کرده است، او را به بزرگی یاد کنید تا باشد که شما سپاسگزار شوید.

﴿١٨٦﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۗ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَيُؤْمِنُوا بِبِلِيَ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

و چون بندگان من از تو در باره من بپرسند، من یقیناً (به ایشان) نزدیکم. چون دعاکننده ای مرا بخواند، دعایش را اجابت میکنم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و باید بمن ایمان آرند، تا باشد که براه راست رهنمون شوند.

﴿١٨٧﴾ أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفَثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ ۗ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۗ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۗ ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ ۗ وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

در شبهای روزه برای شما آمیزش جنسی با زنان شما حلال است، ایشان لباس شمایند و شما لباس ایشانند. خداوند میدانست که شما بخود خیانت میکردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت، پس اکنون (میتوانید) با ایشان آمیزش کنید، و آنچه را که خداوند نصیب شما گردانیده طلب نمایید و بخورید و بیاشامید تا هنگامیکه رشته سفید (صبح) از رشته سیاه (شب) جدا شود. پس روزه خود را تا به شب تمام کنید (یعنی دوام دهید). در حالیکه شما در مساجد معتکف هستید، با زنان خویش آمیزش جنسی ننمایید. این حدودی (است که) خداوند (آنرا وضع کرده) است، پس بآن نزدیک مشوید. خداوند این چنین آیه های خود را به مردم بیان میکند، تا باشد که پرهیزگار شوند.

﴿١٨٨﴾ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ

مالهای خود را در بین خویش بناحق مخورید، (بطوری) که آنرا بحاکمان (رشوت) بدهید و بدینوسیله قسمتی از مال مردم را به ناحق بخورید، در حالیکه شما میدانید.

﴿١٨٩﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ ۖ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۗ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى ۗ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

از تو در مورد ماه های نو میپرسند، بگو این ها برای وقت شناسی مردم و (تشخیص وقت) حج است. نیکویی این نیست که به خانه ها از عقب آن درآیید، ولی نیکویی از آن کسی است که پرهیزگاری پیشه کند، و به خانه ها از دروازه های آن درآیید و از خدا بترسید تا باشد که رستگار شوید.

﴿١٩٠﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

و در راه خدا با آنهایی بجنگید که با شما مقاتله میکنند. ولی از حد مگذرید، و حقا که خداوند از حدگذرندگان دوست ندارد.

﴿١٩١﴾ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمُ ۗ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۗ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُفَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۗ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ ۗ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

مشرکان را در هر جایکه یافتید بکشید و از جایی که شما را بیرون کردند آنها را بیرون کنید، و فتنه انگیزی (یعنی شرک) از قتل (هم گناه) بزرگتر است، به ایشان در نزد مسجد حرام قتال مکنید مگر در حالیکه با شما در آنجا مقاتله کنند، پس اگر ایشان در (مسجدالحرام) با شما مقاتله کردند شما هم ایشانرا (در آنجا) بکشید. اینچنین است پاداش کافران.

﴿١٩٢﴾ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

اما اگر ایشان (از تجاوز) دست بکشند، پس حقا که خداوند آمرزگار و مهربان است.

﴿١٩٣﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۗ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

و با ایشان تا وقتی جنگ کنید که فتنه انگیزی باقی نماند و دین خاص از آن خدا گردد. اما اگر آنها (از تجاوز) دست بکشند پس مخاصمتی نیست مگر در برابر ستمگاران.

﴿١٩٤﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ ۗ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ

بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

ماه حرام در برابر ماه حرام است (یعنی در ماه حرام هم میتوانید حمله دشمن را جواب بالمثل بدهید). همه چیزهای حرام قابل قصاص اند. پس چون کسی بر شما تجاوز کرد، شما هم به مثل تجاوزی که او کرده بر وی تجاوز کنید، و از خدا بترسید و بدانید که به تحقیق خدا با پرهیزگاران است.

﴿١٩٥﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۗ وَأَحْسِنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُحْسِنِينَ

و (از دارایی خود) در راه خدا خرج کنید، و خود را بدست خویش به تهلکه نیندازید، و نیکی ورزید، حقا که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

﴿١٩٦﴾ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ
صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ
يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ۚ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ
أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

حج و عمره را برای خدا تمام کنید، اگر محصور شدید (یعنی بعد از احرام نسبت مانعی نتوانستید حج بجا آرید) پس بوسیله هدیی که میسر شود (خود را از احرام خارج سازید) و تا هدیی به محل آن برسد سر خویشرا نتراشید. اگر کسی از شما مریض باشد، یا از ناحیه سر خود ناراحتی احساس کند (یعنی که ناچار شود سر خود را بتراشد) پس برای جبران این عمل باید فدیة از (قبیل) روزه یا خیرات یا قربانی حیوانی ادا کند. و چون ایمن شدید (یعنی از حصار نجات یافتید) کسانی که حج و عمره را با تمتع ادا کردند، آنچه از هدیی که برای ایشان میسر است (ذبح کنند)، کسیکه توان آنرا نداشت (تا هدیی ذبح کند) سه روز را در حج و هفت روز را چون (بخانه های) خود برگشتید روزه بگیرید، که این مجموعاً ده روز کامل میشود. این (حکم)، برای کسی است که خانواده او در (حوزه) مسجدالحرام نباشد. از خدا بترسید و بدانید حقا که خداوند در عقوبت خود شدید است.

﴿١٩٧﴾ الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي

الْحَجِّ ۚ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ۚ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ ۚ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

(وقت ادای) حج ماه های معینی است. کسانی که ادای حج را درین ایام به عهده میگیرند، پس نباید در حج به آمیزش جنسی یا صحبت در باره آن، و گناه و جدال بپردازند. هر عمل نیکی را که انجام دهید (بیقین بدانید) خداوند آنرا میداند. با خود توشه بگیرید، به تحقیق که بهترین توشه ها همانا تقوی ست. از من بترسید، ای مردم هوشمند.

﴿١٩٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ ۖ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۖ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِن الضَّالِّينَ

بر شما گناهی نیست که فضل پروردگار خویش را بجوئید. چون از عرفات فرود آمدید، در برابر مسجدالحرام خدا را بر زبان آرید، و بهمان گونه که شما هدایت داده او را یاد کنید. هرچند بیش ازین از جمله گمراهان بودید.

﴿١٩٩﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

بعد از آن از همان راهی (یعنی از عرفات بسوی منی) فرود آید که (سایر) مردم فرود می آیند، و از خدا آمرزش بخواهید به تحقیق که خدا آمرزندهٔ مهربان است.

﴿٢٠٠﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا ۗ فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ

چون مناسک خویش را بجا آوردید خدا را یاد کنید، به همانگونه که (در دورهٔ جاهلیت) پدران خویشرا یاد میکردید، بلکه از آن هم شدیدتر. و از مردم کسی هست که میگوید «خدایا بهرهٔ ما را از دنیا بده» و برای او از آخرت بهره ای نیست.

﴿٢٠١﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

از مردم کسی هست که میگوید: «ای پروردگار ما، برای ما در دنیا خوبی بده و در آخرت خوبی بده، و ما را از عذاب دوزخ وارهان.»

﴿٢٠٢﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

هم اینها هستند که از کسب خویش بهره اندوز میشوند، و خداوند دارای حسابی سریع است.

﴿٢٠٣﴾ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ۗ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ

عَلَيْهِ ۗ لِمَن اتَّقَى اللَّهَ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

خداوند را در روزهای معین یاد کنید. کسیکه شتاب کند (تا) در دو روز (رهسپار شود) هم بروی گناهی نیست، و کسیکه (رفتن خویش را) تأخیر کند (نیز) بروی گناهی نیست برای کسانیکه پرهیزگار باشند. از خدا بترسید و بدانید که شما حتماً به سوی او حشر میشوید.

﴿٢٠٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ

الْخِصَامِ

از مردم کسی هست که گفته اش در (مورد) زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو میگردد، و بر آنچه در دل اوست خدا را گواه میگیرد، در حالیکه او سرسخت ترین دشمنان است.

﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

و چون روی برگرداند (یعنی از پیش تو بیرون شد)، میکوشد تا در زمین فساد کند و کشت و مواشی را تباہ سازد، در حالیکه خداوند فساد پیشگی را دوست ندارد.

﴿٢٠٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۗ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ ۗ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

و هنگامیکه به او گفته شود « از خدا بترس، » غرور او را بگناه کاری می کشاند، برای او دوزخ کافی است، و چه بد مسکنی است دوزخ؟!

﴿٢٠٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

از مردم کسی هست که خود را در برابر بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد. و خداوند بر بندگان خود مهربان است.

﴿٢٠٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

مُبِينٌ

ای مؤمنان، در اسلام به تمام و کمال داخل شوید، و از گامهای شیطان پیروی نکنید، حقا که او برای شما دشمن آشکار است.

﴿٢٠٩﴾ فَإِن زَلْتُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

اگر بعد از آن همه نشانه های روشنی که بشما آمده است باز (هم) بلغزید، پس بدانید که خداوند صاحب قدرت منیع و باحکمت است.

﴿٢١٠﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۗ وَاللَّهُ

تُرْجِعُ الْأُمُورُ

آیا ایشان چشم براه آن اند که خداوند و فرشتگان در سایه هایی از ابر پیش شان بیایند؟! کار تمام شده است، و همه امور بسوی خدا باز گردانیده میشود.

﴿٢١١﴾ سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُم مِّن آيَةٍ بَيِّنَةٍ ۗ وَمَن يُدِلَّ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءتُهُ فَإِنَّ

اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

از بنی اسرائیل بپرس چه نشانه های روشنی به ایشان دادیم، و کسیکه نعمت خدا را بعد از آنکه به او رسیده تبدیل کند (یعنی از آن براه نادرستی کار گیرد) حقا که خداوند در عقوبت خود شدید است.

﴿٢١٢﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

زندگانی دنیا برای کافران زیبا جلوه داده شده است، و ایشان به مسلمانان تمسخر میکنند، ولی پرهیزگاران در روز قیامت (در مقامی) بالاتر از ایشان قرار دارند، و خداوند هرکرا بخواهد روزی بشمار میدهد.

﴿۲۱۳﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مردم (در آغاز) امت واحد بودند، سپس خداوند پیامبران را بحیث مزده دهنده و بیم دهنده فرستاد و با ایشان کتاب را بحق نازل گردانید، تا در مسایلیکه مردم در آن اختلاف ورزیدند (پیامبران) در بین ایشان حکم کنند. و تنها همان کسانی به اختلاف پرداختند که به ایشان کتاب داده شده بود، بعد از آنکه به آنها نشانه های روشنی آمد (این کار) از روی سرکشی (که) در میان شان (پدیدار گردید واقع شد)، پس خداوند باراده خود مؤمنان را در موارد اختلاف شان بسوی حق هدایت نمود، و خداوند کسی را که بخواهد براه راست رهیاب میکند.

﴿۲۱۴﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۗ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ ۗ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

آیا پنداشتید که میتوانید به بهشت داخل شوید بدون آنکه حالات پیشینیان شما بشما رسیده باشد؟ به ایشان سختی و رنج بسیار رسید و مضطرب شدند، بعدیکه پیامبر و مؤمنان همراه او گفتند « (پس) یاری خدا چه وقت (بسراغ ما) می آید؟ » به ایشان گفته شد « آگاه باشید، بدون شک یاری خداوند نزدیک است. »

﴿۲۱۵﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۗ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

از تو می پرسند چه چیز را (خیرات) بدهند؟ بگو « هر چیزی را که برای پدر، مادر، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه (یعنی مسافران) نفقه میکنید و هر خیری را که انجام میدهید، حقا که خداوند به آن آگاه است. »

﴿۲۱۶﴾ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ ۗ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ۗ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

جهاد بر شما فرض شده است در حالیکه بشما ناگوار است. و ای بسا که چیزی را ناگوار پندارید که بخیر شما باشد، و ای بسا که چیزی را دوست داشته باشید و به شر شما باشد. و خداوند میداند و شما نمیدانید.

﴿٢١٧﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا ۗ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُم عَن دِينِهِ فَمَا يُمِمْتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

از تو در باره جنگ کردن در ماه حرام میپرسند، بگو «جنگ کردن در ماه حرام (گناهی) بزرگ است، (ولی) جلوگیری از راه خدا، انکار از خدا و بازداشت از مسجد حرام و بیرون راندن اهل مسجد از آن در نزد خداوند از آنهم (گناهی) بزرگتر است، و فتنه انگیزی (یعنی شرک) حتی از قتل (هم گناه) بزرگتر است.» ایشان با شما میجنگند تا اگر بتوانند شما را از دین شما بر گردانند، و کسی از شما که از دین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، پس اعمال چنین مردمی در دنیا و آخرت ضایع است، ایشان اهل دوزخ اند و در آن همیشه بسر میبرند.

﴿٢١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

به تحقیق آنهاييکه ایمان آوردند و آنهاييکه در راه خدا هجرت و جهاد کردند، همینها امید رحمت خداوند را دارند، و خداوند بخشاینده و مهربان است.

﴿٢١٩﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

از تو در باره شراب و قمار می پرسند. بگو «در آنها برای مردم گناهی بزرگ و منفعت هایی است، و گناه آن از نفع آن بزرگتر است.» از تو میپرسند «چه چیز را خرج کنند (یعنی خیرات بدهند)، بگو «چیزی را که زاید بر ضرورت شما باشد (خیرات کنید)، و به این ترتیب خداوند نشانه های خود را برای شما روشن میکند، تا باشد که شما فکر کنید.»

﴿٢٢٠﴾ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ۗ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

(در باره اثرات آن) در دنیا و آخرت. از تو در باره یتیمان میپرسند، بگو «اصلاح امورشان بهتر است، اگر (امور زندگی) ایشان را با (امور زندگی) خود خلط کنید، پس آنها هم برادران شمايند و خداوند مفسد را از مصلح میشناسد. و اگر خداوند بخواهد شما را به زحمت می اندازد، حقا که خداوند صاحب قدرت منیع و باحکمت است.»

﴿٢٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ۚ وَلَا مَآءٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أُعْجَبْتُمْ ۗ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۗ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۗ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۗ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و زنان مشرک را تا وقتی که ایمان آرند نکاح نکنید. کنیز صاحب ایمان واقعاً از زن (آزاد) مشرک بهتر است، اگر چه شما را به شگفت آورد. بمردان مشرک تا وقتی که ایمان آرند (دختران خویشرا) بنکاح ندهید، غلام مسلمان واقعاً از مشرک (آزاد) بهتر است اگر چه شما را به شگفت آورد. این مشرکان (شما را) بسوی آتش فرا میخوانند، و خداوند (شما را) به اراده خود بسوی بهشت و آمرزش فرا میخواند، و برای مردم آیات خویش را بیان میکند تا باشد که ایشان پند بگیرند.

﴿٢٢٢﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۗ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ۗ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ ۗ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

از تو در مورد عادت ماهوار زنان میپرسند. بگو « این (حالت) پلیدی و اذیتی است، بنابراین از زنان در وقت عادت ماهوار (شان) خود را دور بدارید، و تا خوب پاک شوند به ایشان نزدیک نشوید. و چون پاک شدند میتوانید در جاییکه خداوند بشما دستور داده است به ایشان پیش شوید. به تحقیق که خداوند توبه کاران را دوست میدارد و (نیز) پاکان را دوست میدارد. »

﴿٢٢٣﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ ۗ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاقُوهُ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

زنان شما برای شما (همچون) کشتزارند، به کشتزار خود بهر کیفیتی که میخواهید بیاید (یعنی بهر کیفیتی که میخواهید با زن خویش عمل جنسی انجام دهید). و برای خویش از پیش (توشه ای) بفرستید، از خدا بترسید و بدانید که شما واقعاً (در روز رستاخیز) او را دیدنی هستید، و مؤمنان را بشارت بده.

﴿٢٢٤﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

(نام) خدا را در سوگندهای خویش بهانه ای برای اجتناب از نیکوکاری، پرهیزگاری یا اصلاح میان مردم مگردانید. و خداوند شنوا و دانا است.

﴿٢٢٥﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ

حَلِيمٌ

خداوند شما را به سوگندهای غیرقصدی شما نمیگیرد، بلکه شما را به اساس نیت دلهای شما میگیرد، و خداوند آمرزگار و صاحب حلم است.

﴿٢٢٦﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ ۗ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

برای کسانی که از نزدیک شدن با زنان خود سوگند میخورند، انتظار چار ماه (دستور داده شده) است. اگر ایشان رجعت کردند سپس حقا که خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿۲۲۷﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و اگر قصد طلاق کردند، پس خداوند واقعاً شنوا و دانا است.

﴿۲۲۸﴾ وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ۖ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي

أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا

إِصْلَاحًا ۗ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

زنان طلاق شده در مورد خود گذشتان سه (دوره) قرء را انتظار بکشند. اگر ایشان به خداوند و روز قیامت ایمان دارند به آنها حلال نیست که آنچه را خداوند در رحمهای شان آفریده پنهان کنند، و (درین دوره) شوهران شان به رجوع به ایشان حقدار ترند، اگر بخواهند صلح کنند. زنان باساس شریعت همان حقوقی را بر شوهران خویش دارند که شوهران شان بر ایشان دارند، و مردان بر زنان درجه ای (یعنی امتیازی) دارند. و خداوند صاحب قدرت منیع و صاحب حکمت است.

﴿۲۲۹﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ ۖ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا

آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ

عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۗ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

الظَّالِمُونَ

طلاق (رجعی) دو بار است، سپس یا نگهداشتن است بوجه پسندیده یا رها کردن است به نیکویی. و برای شما مجاز نیست که چیزی را که بزنان خویش داده اید باز بگیرید مگر اینکه (زن و شوهر) بترسند که احکام خداوند را مراعات کرده نتوانند. اگر شما ترسیدید که (زن و شوهر) احکام خدا را برپا نمیکنند، پس بر زن و شوهر گناهی نیست که زن در برابر (گرفتن طلاق) خود عوض بدهد. این است احکام خداوند، لهذا از آنها تجاوز نکنید. اگر کسی از احکام خدا تجاوز کند پس این گروه ایشانند ستمگار.

﴿۲۳۰﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا

أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

پس اگر شوهر زن خویش را (برای بار سوم) طلاق داد، درین حال بعد این زنش برای او حلال نمیشود، تا (آن زن) شوهر دیگر بگیرد. سپس چون شوهر (دوم وی او را) طلاق داد در آنصورت بر هیچ یک از طرفین گناهی نیست اگر (به نکاح) رجوع کنند، بشرطی که احساس کنند که میتوانند احکام خدا را برپا دارند، و اینست احکام خدا که آنرا برای مردم آگاه بیان میکند.

﴿۲۳۱﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ۚ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۚ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا ۚ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هنگامیکه زنان را طلاق دادید و ایشان عدۀ شان را بسر رساندند، آنها را یا موافق بدستور (بوجه پسندیده) نگهدارید یا موافق بدستور (بوجه پسندیده) رها کنید. اما ایشان را (به این هدف) نگه ندارید که به ایشان زیان برسانید و (برایشان) تجاوز کنید. اگر کسی چنین کند پس حقا که به خود ستم کرده است. احکام خدا را به تمسخر نگیرید، و نعمت هایی را که خداوند بشما ارزانی کرده و (نیز) آنچه را خداوند بر شما از کتاب و حکمت نازل کرده که بوسیله آن شما را پند بدهد بخاطر بگیرید. و از خدا بترسید و بدانید که خداوند بهر چیز آگاه است.

﴿۲۳۲﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَمْ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

هنگامیکه زنان را طلاق دادید و ایشان عدت خویش را گذشتانند، در صورتیکه میان خود بر اساس شرایط منصفانه راضی باشند، مانع ازدواج شان با شوهران (سابقه) شان نشوید. این پند بکسانی از شما داده میشود که به خداوند و روز آخرت ایمان دارند. این کار برای شما سودمندتر و پاکتر است، و خدا میداند و شما نمیدانید.

﴿۲۳۳﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۚ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۚ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۚ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند، (این مدت) برای کسی (است) که بخواهد (دوران) شیردادن را تکمیل کند. بر کسیکه فرزند برای او زاده شده (یعنی پدر) لازم است (مصرف) طعام و لباس زنان (شیردهنده) را بر اساس شرایط منصفانه بپردازد. بر هیچ کس باری بالاتر از توان او گذاشته نمیشود. نی بر مادر به سبب فرزندش و نی هم بر پدر به سبب فرزندش ضرر رسانیده شود، و بر وارث (نیز) مانند اینست (یعنی رعایت این مراتب لازم است). پس اگر زن و شوهر باساس رضامندی و مشوره جانبین بخواهند که طفل را از شیر جدا کنند،

پس گناهی بر ایشان نیست. اگر خواستید که برای شیر دادن بفرزند خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست بشرطیکه چیزی را که (بمادر) میدادید بر اساس شرایط منصفانه بپردازید. از خدا بترسید و بدانید که خداوند به آنچه میکنید بینا است.

﴿۲۳۴﴾ وَالَّذِينَ يَتُوفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

کسانیکه از شما میمیرند و از خود همسرانی را میگذارند، باید این همسران چار ماه و ده روز انتظار بکشند. پس چون عده خود را تکمیل کردند، اگر ایشان در باره خویش به طریق عادلانه و معقول تصمیمی بگیرند، بر شما گناهی نیست، و خداوند به آنچه میکنید آگاه است.

﴿۲۳۵﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۗ وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

اگر شما بگونه کنایی (از زنانی که عده خود را میگذارند) خواستگاری کنید یا (این قصه را) بدل خود پنهان نمایید، بر شما گناهی نیست. به خدا معلوم است که شما آرزوی (ازدواج) آنها را در خود میپروراند. ولیکن ایشان مخفیانه وعده عقد را ننمایید، مگر آنکه به ایشان چیزی بگویید که با موازین شرع موافق باشد، و تا دوره مقرر عده تکمیل نشود قصد بستن نکاح شان را نکنید. و بدانید که خداوند آنچه را در دلهای شما است میداند. ازین رو از او بترسید و بدانید که خداوند آمرزگار و صاحب حلم است.

﴿۲۳۶﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۗ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَىٰ الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَىٰ الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَىٰ الْمُحْسِنِينَ

اگر شما زنان را پیش از آنکه با ایشان آمیزش (جنسی) برقرار کنید یا برای شان مهری تعیین کنید طلاق دادید، به شما گناهی نیست اما به ایشان متاعی (مناسب) بدهید، توانگر مطابق به توان خود و نادر (هم) مطابق بتوان خود، متاعی موافق به قانون شریعت، و این حقی است بر نیکوکاران.

﴿۲۳۷﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۗ وَإِنْ تَعَفُّوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و اگر ایشان را پیش از آمیزش (جنسی) و بعد از تعیین مهر طلاق کردید، پس درین حال (دادن) نصف مهر (به ایشان) لازم است، مگر آنکه زنان یا کسیکه در امر عقد نکاح صاحب صلاحیت است گذشت نماید، و اگر گذشت

کنید (یعنی مهر را کامل بدهید) به پرهیزگاری نزدیکتر است، و سخاوت و نیکویی را در میان خویش فراموش ننمایید. حقا که خداوند آنچه میکنید بیناست.

﴿۲۳۸﴾ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

برای ادای نمازها، مخصوصاً نماز میانه، شدیداً مراقبت ورزید، و با خضوع و خشوع بحضور پروردگار خویش بپای خیزید.

﴿۲۳۹﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۖ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

اگر (از دشمنی) ترسیدید پیاده یا سواره (طوریکه مساعد باشد نماز بخوانید)، اما وقتیکه ایمن شدید پس خداوند را بطریقی ذکر کنید (یعنی نماز را به شیوه ای بخوانید) که بشما آموخته است، شیوه ای که آنرا (پیش ازین) نمی دانستید.

﴿۲۴۰﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ ۖ فَإِنْ

خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و کسانی از شما که می میرند و بیوه هایی از خود میگذارند، سفارش است که یکسال برای این زنها وسایل زندگی شان پرداخته شود، و از خانه بیرون نشوند. اما اگر ایشان (از منزل) خارج شدند، پس آنچه ایشان در حق خویش از کارهای پسندیده انجام میدهند، بر شما گناهی نیست. و خداوند صاحب قدرت منیع و با حکمت است.

﴿۲۴۱﴾ وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

برای زنان طلاق شده وسایل زندگی شان (به سوبه) معقول و منصفانه (داده شود، این) مکلفیتی است به پرهیزگاران.

﴿۲۴۲﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

به این ترتیب خداوند برای شما احکام خود را بیان میکند تا باشد که شما بفهمید.

﴿۲۴۳﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ

أَحْيَاهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

آیا بسوی کسانی ندیدی که از بیم مرگ از خانه های خود بیرون شدند و ایشان هزاران تن بودند؟ پس خداوند به ایشان گفت « بمیرید » (و مردند)، سپس خداوند ایشانرا (دوباره) زنده گردانید. حقا که خداوند بمردم صاحب بخشایش است، ولی بیشتر مردم ناسپاس اند.

﴿۲۴۴﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و در راه خدا بجنگید، و بدانید که خداوند واقعاً شنوا و داناست.

﴿٢٤٥﴾ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً ۗ وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ

وَأِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

کیست آنکه به خداوند قرض دهد؟! قرض حسنه! تا خداوند آنرا برای او چندین برابر زیاد کند. و خداوند (روزی بندگان خود را گاهی) تنگ و (زمانی) فراخ میسازد. و بسوی او باز گردانیده میشود.

﴿٢٤٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَالَءِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ ائْتِنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا ۗ قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا ۗ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ

عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

آیا بسوی بزرگان (قوم) بنی اسرائیل (که) بعد از موسی (زندگی میکردند) ندیدی؟ هنگامیکه به پیامبر خویش گفتند « برای ما پادشاهی برگزین، تا (زیر فرمان او) در راه خدا بجنگیم. » گفت « شاید اگر بشما دستور جنگ داده شود از جنگ خودداری کنید. » گفتند « ما را چی شده است که از جنگ در راه خدا خودداری کنیم در حالیکه از دیار خویش و از (کنار) فرزندان خویش بیرون رانده شدیم؟! » اما هنگامیکه بر آنها جهاد فرض گردید، جز عده کمی از ایشان (دیگران) روی گردانیدند. و خداوند به (حال) ستمکاران داناست.

﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۗ قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا

وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ ۗ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً

فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۗ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

و پیامبرشان به ایشان گفت « حقا که خداوند برای شما طالوت را (بحیث) پادشاه برگزیده است. » گفتند « چگونه او پادشاه شده میتواند در حالیکه ما از وی به پادشاهی سزاوارتریم و برای او مال فراوانی داده نشده است؟! » (پیامبرشان) گفت « بیگمان خداوند او را بشما برگزیده است و او را دانش و قدرت جسمانی فراوانی داده است، خداوند پادشاهی خویش را بهرکس بخواهد میدهد، و خداوند گشایشگری داناست. »

﴿٢٤٨﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ

مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و پیامبرشان برای شان گفت « نشان پادشاهی او اینست که به شما صندوقی می آید که در آن آرامش خاطری است از جانب پروردگار شما و (یادگارهای) باقی مانده ای از خانواده موسی و خانواده هارون که آنرا فرشتگان حمل میکنند. حقا که درین امر برای شما نشانه ای است اگر مؤمن هستید. »

﴿٢٤٩﴾ فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۖ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۖ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلاقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

سپس چون طالوت با این لشکریان برآمد، گفت « بیگمان خداوند شما را به نهری آزمایش می کند، پس کسیکه از آن بنوشد از من نیست و کسیکه از آن نچشد بیگمان از آن من است، مگر اینکه کسی کی کف (آب) بدست خود از آن (برای نوشیدن) بگیرد. » پس جز عده ای همه شان از آن نوشیدند. چون طالوت و مؤمنان همراه او از نهر گذشتند، گفتند « امروز ما توان مقابله با جالوت و لشکریان او را نداریم، » (اما) آنانیکه عقیده داشتند به خداوند ملاقی میشوند گفتند « چه بسا که دسته کوچکی به اراده خداوند بر دسته بزرگی غلبه یافته است! و خداوند با صابران است. »

﴿٢٥٠﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

هنگامیکه در برابر جالوت و لشکریانش قرار گرفتند، گفتند: « پروردگار ما بر ما شکیبایی فیضان نما، قدمهای ما را استوار گردان، و ما را بر گروه کافران پیروز ساز! »

﴿٢٥١﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

پس ایشان را به اراده خداوند شکست دادند، داود جالوت را کشت، خداوند به داود پادشاهی و حکمت ارزانی فرمود، و به او از (هر) آنچه میخواست آموخت. و اگر خداوند یک گروه از مردم را بوسیله گروهی دیگر دفع نمیکرد، زمین واقعاً فاسد میگردد، اما خداوند بجهانیان لطف و احسان دارد. »

﴿٢٥٢﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

اینها آیات خداوند است که آنرا به تو بحق تلاوت میکنیم، و تو واقعاً از پیامبرانی.

جزء یا سپاره سوم - تلك الرسل

﴿٢٥٣﴾ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۖ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ ۗ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ
 دَرَجَاتٍ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ
 مِنْ بَعْدِهِمْ مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ
 شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

(از) این پیامبران، ما بعضی شانرا بر بعضی دیگر برتری دادیم. از ایشان کسی بود که خداوند با او سخن گفت، بعضی دیگر را به درجاتی ارتقاء داد، به عیسی پسر مریم ما نشانه های روشنی دادیم، و او را به روح القدس تائید نمودیم. اگر خداوند میخواست، آنهاييکه بعد ازین پیامبران بودند، پس از آنکه نشانه های روشن به ایشان آمد، با هم جنگ نمیکردند. ولی ایشان اختلاف ورزیدند. پس بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی از ایشان کافر شدند. اگر خداوند میخواست ایشان با یک دیگر جنگ نمیکردند، اما خداوند آنچه را بخواهد میکند.

﴿٢٥٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا
 شَفَاعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای مؤمنان، از رزقی که ما بشما ارزانی کرده ایم خرج کنید، پیش ازینکه روزی فرا رسد که در آن نی خرید و فروشی (میسر) باشد، و نی دوستی و نی (هم) شفاعتی (را مستحق شوید). و کافران، هم ایشانند ستمگار.

﴿٢٥٥﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۗ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ ۗ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَلَا يُحِيطُونَ
 بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۗ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۗ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۗ وَهُوَ
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

خداوند، معبودی جز او نیست، زنده و بخود پاینده است. نی او را بینگی میگیرد و نی (هم) خواب. (هر) آنچه در آسمانها و (هر) آنچه در زمین است از آن اوست. چه کسی است آنکه بحضور او شفاعت کند مگر به اجازه او؟! آنچه را که در پیشروی و پشت سر بندگان است میداند. و ایشان به چیزی از علم او احاطه کرده نمیتوانند، مگر به آنچه که او اراده کند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است، و نگهبانی آنها او را خسته نمی سازد. و او بسیار بلند (مرتبه) و بسیار با عظمت است.

﴿٢٥٦﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۗ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۗ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ
 اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

در دین اکراهی نیست. بیشک رهیابی از گمراهی جدا شده است. پس کسی که از شیطان روی بر می تابد و به خداوند ایمان می آورد به دستگیره مستحکمی چنگ زده است که هرگز گسستنی نیست. و خداوند شنوا (و) داناست.

﴿۲۰۷﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

خداوند یاور مؤمنان است. ایشانرا از تاریکی ها به روشنایی بیرون می آرد. و کافران، یاوران شان شیطان است که ایشانرا از روشنایی به تاریکی ها میکشاند. هم ایشان اند اهل دوزخ، و در آن همیشه بسر میبرند.

﴿۲۰۸﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا تو بسوی آنکسی ندیدی که با ابراهیم در باره پروردگارش مجادله کرد؟ از اینکه خداوند به آن شخص پادشاهی داده بود. هنگامیکه ابراهیم گفت « پروردگار من ذاتی است که زنده میگرداند و میمیراند، » (آن شخص) گفت: « منم که زنده می کنم و میمیرانم. » ابراهیم گفت: « حقا که خداوند آفتاب را از مشرق می آورد، پس تو آنرا از مغرب برآر. » آن کافر مبهوت و درمانده شد، و خداوند قوم ستمگار را هدایت نمیکند.

﴿۲۰۹﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ ۗ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۗ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّه ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۗ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

یا مثال شخصی را که از دهکده ای گذشت که بر سقف های خود فرو ریخته بود. گفت: « چطور خداوند (اهل) این (دهکده) را بعد از مردن آن ها زنده میکند؟ » پس خداوند او را صد سال بمیراند، سپس او را برانگیخت {۱}، (و به او) گفت: « چه قدر (درین حال) درنگ کردی؟ » او گفت: « (شاید) یکروز یا قسمتی از روز درنگ کرده باشم. » (خداوند) گفت: « (نی)، بلکه صد سال درنگ کردی. به غذا و نوشیدنی خود ببین، در آن تغییری نیامده است. و بسوی خر خود ببین، و برای اینکه ترا نشانه ای بمردم بگردانیم، و بسوی این استخوانها (یعنی استخوانهای خر) بنگر، چگونه آنها را (از جای آن) بالا میکنیم (و بهم پیوند میدهیم) باز آنها را با گوشت میپوشانیم؟! » هنگامیکه برای او (این حقایق) آشکار شد، گفت « میدانم که بیشک خداوند بر هر چیزی توانا است. »

{۱} دوباره زنده گردانید ؛

﴿٢٦٠﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى ۗ قَالَ أُولَئِمُّ تُؤْمِنُونَ ۗ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي ۗ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۗ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و بخاطر آور وقتی را که ابراهیم گفت: « پروردگارا، برایم بنما که چطور مردگانرا زنده میگردانی. » (خداوند) گفت: « آیا باور نداری؟! » ابراهیم گفت: « چرا نی، ولی برای اینکه دل من آرام گیرد (چنین تقاضا کردم). (خداوند) گفت: « پس چهار نوع از پرنده بگیر، سپس آنها را به هم آور (یعنی توته توته کن و بهم آمیز)، بعد از آن بر هر یک ازین کوه ها قسمتی از آنها را بگذار، سپس آنها را بخواه، ایشان به سرعت بسوی تو میشتابند. و بدان که خداوند صاحب قدرت منیع و باحکمت است. »

﴿٢٦١﴾ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مثال آنانیکه دارایی خود را در راه خداوند خرج میکنند، مثال دانه (تخمی) است که هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه میرویند، و خداوند برای هر کسیکه بخواد چندین بار زیاد میکند. و خداوند گشایشگر (و) دانا است.

﴿٢٦٢﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ ۗ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنانیکه دارایی خود را در راه خدا خرج میکنند، و (در) نفقه ای که کرده اند منتهی نمیگذارند و آزاری نمیبرسانند، برای ایشان ثواب شان نزد پروردگارشان است، و برایشان ترسی نیست و نی هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٢٦٣﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ

سخن پسندیده و گذشت، از خیراتی که در پی آن آزاری صورت گیرد بهتر است. خداوند بی نیاز (و) صاحب حلم است.

﴿٢٦٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۗ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای مؤمنان، خیرات خود را با منت گذاردن و آزار دادن باطل نکنید. مانند کسیکه دارایی خود را ریاکارانه (برای زدن) به (چشم) مردم خرج میکند، و نی به خداوند ایمان دارد و نی هم بروز آخرت. پس مثال وی به سنگی صاف ماند که بر آن خاک باشد، بر آن بارانی تند ببارد و خاک آنرا بشوید. (چنین مردمی) قادر نخواهند بود از عمل خود حاصلی بدست آرند، و خداوند گروه کافران را رهیاب نمیسازد.

﴿٢٦٥﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و مثال آنانیکه دارایی شانرا برای طلب رضای خداوند و استواری (ملکات انسانی) خود خرج میکنند، مانند باغی است در جای بلند. باران تند بر آن میبارد، پس میوه خود را دوچند می دهد. و اگر بارانی تند به آن نرسد، شبنمی (برای آن کافی است). و خداوند بهر چیزی که شما میکنید بینا است.

﴿٢٦٦﴾ أَيُّودٌ أَحَدَكُمُ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

آیا یکی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد؟! که جویبارهایی در زیر آنها جاری باشد، در آن باغ همه اقسام میوه ها موجود باشد، صاحب آن باغ به پیری رسد و دارای فرزندان خردسال و ضعیفی باشد، و (این باغ) در گردبادی آتشین گیر آید و بسوزد؟! بدین ترتیب خداوند آیات خود را به شما بیان میکند، تا باشد که شما فکر کنید.

﴿٢٦٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۗ وَلَا

تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

ای مؤمنان، از چیزهای پاکیزه ای که کمایی کرده اید و از چیزهایی که ما برای شما از زمین برآورده ایم خرج کنید، و در صدق چیز ردی {۱} از مال خود نشوید که آنرا میدهید، در حالیکه خود شما آنرا نمیگیرید، مگر آنکه (از عیبی که) در آن (است) چشم بپوشید. و بدانید که خداوند بی نیاز و ستوده است.

{۱} غیرقابل استفاده؛

﴿٢٦٨﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ

شیطان شما را بفقیر وعده می دهد و به فحشاء امر میکند، مگر خداوند به شما آمرزش خویش و فضل خود را وعده میدهد، و خداوند گشایشگر و داناست.

﴿٢٦٩﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ ۗ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو

الْأَلْبَابِ

(خداوند) هرکرا خواهد صاحب حکمت میسازد، و هرکرا حکمت داده شد واقعاً برایش خیری بیکران داده شده است. و پند نمیگیرند مگر خردمندان.

﴿٢٧٠﴾ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

و هر چیزی را که شما خیرات می‌دهید، یا بصورت نذر می‌پردازید، به یقین خداوند آنرا میداند. و برای ستمگاران یاری دهنده ای نیست.

﴿٢٧١﴾ إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ۗ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

اگر شما آشکارا صدقه بدهید، این هم خوب است. ولی اگر شما پنهانی (صدقه) بدهید و آنرا به کسانی برسانید که (واقعاً) نیازمند اند، این برای شما بهتر است: از شما بعضی از گناهان شما را می‌زداید. و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

﴿٢٧٢﴾ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

رهایی ایشان بر ذمه تو (ای پیامبر) نیست. بلکه خداوند هر کی را خواهد رهیاب می‌سازد. هر چیزی را که شما از خیر می‌پردازید (نفع آن) بخود شما است. و خیرات ندهید مگر برای طلب رضای خداوند. و هر خیری را که می‌دهید به شما (ثواب آن) تماماً میرسد و با شما ستم نمیشود.

﴿٢٧٣﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

(خیرات) به نیازمندی (داده شود) که در راه خدا محصور شده اند و نمیتوانند (برای تجارت و کار) در روی زمین سفر کنند. (شخص) بیخبر (از حال شان) از سبب خویشتن داری ایشان فکر میکند که توانگر اند. ایشانرا از سیمای شان میشناسی. ایشان مُصرانه از مردم سوال نمی کنند. و چیزی را که از دارایی خرج می‌کنید، حقا که خداوند به آن دانا است.

﴿٢٧٤﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنهاييکه دارایی خود را (در راه خدا) شب و روز، پنهان و آشکارا خرج می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است. برایشان نی خوفی است و نی هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٢٧٥﴾ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۚ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ۚ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آنهاييکه سود ميخورند (در قيامت) برنميخيزند مگر مانند برخاستن كسيکه (حواس) او را شيطان به نسبت تماس مختل ساخته است. اين به سبب آن است كه ايشان گفتند « واقعاً بيع مانند سود است. » در حاليکه خداوند بيع را حلال، و سود را حرام قرار داده است. چون كسيکه پندی از نزد پروردگارش به او آمد و از (سودخواری) صرف نظر کرد، پس چيزهايی را كه در گذشته (گرفته) برای او است، و كار او (سپرده شده) به خدا است. و كسيکه (به اين عمل) برگشت پس (چنين مردمی) اينهايند دوزخی، ايشان در آن هميشه ميمانند.

﴿٢٧٦﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

خداوند سود را نابود می سازد، و صدقات را افزون ميگرداند، و خداوند هيچ ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد.

﴿٢٧٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

بيگمان آنهاييکه ايمان آوردند و اعمال شايسته ورزيدند، نماز را به تمام و كمال برپا داشتند و زكوة را پرداختند، مزد ايشان نزد پروردگار ايشان است ني براي ايشان خوفي است، و ني هم ايشان اندوهگين ميشوند.

﴿٢٧٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

ای مؤمنان، از خدا بترسيد و آنچه را از سود مانده است رها كنيد، اگر (واقعاً) مؤمن هستيد!

﴿٢٧٩﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

اگر (سودخواری را رها) نكرديد، پس بجنگی از طرف خدا و رسولش آماده باشيد. ولي اگر توبه كرديد، (در آن صورت) اصل سرمايه شما از آن شما است. ني ستم ميكنيد و ني هم بشما ستم ميشود.

﴿٢٨٠﴾ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۗ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

اگر مديون دچار تنگدستی باشد، پس (برای او) مهلت است تا توانگری. و اگر (قرض خود را برای او) ببخشيد، اين برای شما بهتر است اگر (فايده اينكار را) بدانيد.

﴿٢٨١﴾ وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ۗ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و از روزی بترسيد كه در آن به سوی خداوند باز گردانیده ميشويد. سپس هر شخصی چیزی را كه كسب کرده است تماماً به او داده ميشود، و به ايشان ستم نميشود.

﴿٢٨٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ ۚ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ ۚ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ۚ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ۚ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۚ وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۚ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۚ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ای مؤمنان، چون به معیاری معین بقرض معامله نمودید، پس آنرا بنویسید. و باید کاتبی آنرا صادقانه میان شما بنویسد، و کاتب همانگونه که خدا به او آموخته است از نوشتن آن ابا نوزد. پس او باید بنویسد و کسی که قرض بر اوست باید املاء کند. و باید از خدای، پروردگار خویش بترسد، و نباید از آن چیزی (که مدیون است) کم کند. هرگاه مدیون سفيه { ۱ } یا ضعیف باشد، یا خودش قدرت املاء را نداشته باشد، پس ولی او صادقانه املاء کند. و دو گواه از مردان خود بگیرید، و اگر دو مرد نباشد، پس یک مرد و دو زن گواه شوند، از شاهدانی که به گواهی شان رضامند باشید. تا اگر یکی از ایشان اشتباه ورزد، پس یکی شان دیگرش را یاددهانی نماید. و چون گواهان خواسته شوند، (از شهادت دادن) ابا نوزند. و (ازین) ملول نشوید که حق را اندک باشد یا بسیار، به قید مدت آن بنویسید. این (نوشتن) در نزد خدا عادلانه تر و برای گواهی درست تر است، و نزدیک تر است (به این) که به شک نیفتند. مگر آنکه تجارتي باشد که آنرا بین خود دست بدست کنید. درین صورت بر شما گناهی نیست اگر آنرا ننویسید. و چون خرید و فروش کردید، گواه بگیرید، و باید نی کاتب و نی گواه زیانمند شوند. و اگر چنین کنید، این گناهی است بشما، و از خدا بترسید. و خداوند بشما می آموزد. و خداوند بهمه چیز دانا است.

{ ۱ } نادان ؛

﴿٢٨٣﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ ۚ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ۚ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۚ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید، پس گروبی (لازم) است قبض شده. و اگر یکی از شما بدیگری اعتماد می‌کنید، پس باید همان کسیکه به او اعتماد شده امانت (یا ذمه) خود را اداء کند. و باید از خدای، پروردگار خویش بترسد. و شهادت را کتمان مکنید و هرکس که آن را کتمان کند، بیگمان دل او آغشته به گناه است. و خداوند به هر چیزی که می‌کنید داناست.

﴿٢٨٤﴾ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِن تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ ۗ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خدا است، و آنچه را در دل‌های شما است (خواه) آشکار کنید یا پنهان، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند. پس هر کسی را بخواهد می‌آمرزد و هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند بر هر چیز تواناست.

﴿٢٨٥﴾ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۗ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۗ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

پیامبر به چیزی که به او از طرف پروردگارش نازل شده ایمان دارد، و مؤمنان نیز. همه به خدا، فرشتگان، کتاب هایش و پیامبرانش ایمان آورده اند. (آنها می‌گویند) « میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم. » و گفتند: « شنیدیم و فرمان بردیم، « خواهان » آمرزش تو هستیم، ای پروردگار ما، و بسوی تو است بازگشت. »

﴿٢٨٦﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا ۗ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

خداوند هیچ کسی را (به کاری) مکلف نمی‌سازد مگر به اندازه توان او. برای او است هر چه کسب کرد، و بر (زیان) او است هر چه را مرتکب شد. پروردگار ما، اگر ما فراموش کردیم یا خطا کردیم، ما را مگیر! ای پروردگار ما، همانگونه بار گرانی که بر پیشینیان ما گذاشتی بر ما مگذار! ای پروردگار ما، و بر ما چنان باری را مگذار که توان برداشت آنرا نداشته باشیم! از گناهان ما در گذر، ما را ببخشا و بر ما رحم کن! تویی کارساز ما، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان!

(٣) سوره آل عمران:

مدنی و دارای (٢٠٠) آیه است. این سوره بدان سبب «آل عمران» نامیده شده که داستان خانواده عمران پدر مریم و شرح رخداد تولد عیسی علیه سلام در آن بیان شده است.

سورة آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الم

ا.ل.م.

﴿۲﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

خداوند، جز او معبودی نیست زنده و بخود پاینده است.

﴿۳﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

کتابی را بر تو بحق نازل گردانید، (کتابی را که) تایید کننده کتبی است که پیش از آن آمده است. و از آن پیش تورات و انجیل را برای هدایت مردم نازل گردانید، و (نیز) فرقان { ۱ } را نازل گردانید.

{ ۱ } فرق گذارنده بین حق و باطل ؛

﴿۴﴾ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ۗ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۗ وَاللَّهُ

عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

کسانیکه از آیات خدا انکار ورزیدند، بیگمان برای شان عذاب شدیدی است، و خداوند صاحب قدرت منیع و انتقام گیرنده است.

﴿۵﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

واقعاً بر خداوند هیچ چیزی در زمین و در آسمان پوشیده نیست.

﴿۶﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

او ذاتی است که شما را در رحم (مادران) هر طوریکه بخواهد تصویر میکند، جز او هیچ معبودی نیست، صاحب قدرت منیع و با حکمت است.

﴿۷﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۗ فَأَمَّا

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۗ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا

اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

او ذاتی است که بر تو کتاب را نازل گردانیده است که (قسمتی) از این آیات « محکم » (یعنی واضح و روشن) است، اینها اساس کتاب اند. و (قسمت) دیگر « متشابه » است (یعنی ظاهراً واضح و روشن نیست). پس کسانی که در دلهای شان انحرافی است برای فتنه انگیزی و بقصد تأویل قسمتی از آن را که متشابه است (بدون در نظر داشت آیات محکمی که در زمینه آمده است) پیروی میکنند. در حالیکه جز خدا کسی دیگر تأویل آنرا نمیداند. آنانیکه در علم ثابت قدم هستند میگویند: « ما به این (کتاب) ایمان آوردیم، همه آن از جانب پروردگار ماست. و جز دانشمندان هیچ کسی پند نمیگیرد (یعنی مفهوم این پیام را درک کرده نمیتواند).

﴿۸﴾ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

(آنها میگویند: « پروردگار ما، پس از آنکه ما را هدایت نمودی دلهای ما را منحرف مگردان، و بما از نزد خود رحمت عنایت فرما. حقا که تو و تنها تویی بسیار بخشاینده. »

﴿۹﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

ای پروردگار ما، بیگمان تو جمع کننده مردمی، در روزیکه در آن شکی نیست. حقا که خداوند وعده خود را خلاف نمیکند.

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ

کسانی که کافر شدند، نی داریی شان و نی اولادشان هرگز ایشانرا از خداوند بی نیاز نمیسازد، و همینهاند آتشگیره دوزخ.

﴿۱۱﴾ كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ

الْعِقَابِ

(عادت شان) مانند عادت فرعونیان و کسانی میباشد که پیش از آنها بودند، (ایشان) آیات ما را تکذیب کردند، پس خداوند آنها را بگناهان شان گرفت، و خداوند سخت مجازات دهنده است.

﴿۱۲﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۗ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

بکافران بگو: « بزودی مغلوب میشوید، و بسوی دوزخ حشر می گردید، و چه بد مسکنی است دوزخ! »

﴿۱۳﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۗ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ

رَأَى الْعَيْنَ ۗ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

حقا که برای شما در دو دسته ای که با هم (در کارزار) روبرو شدند نشانه ای بود. یک دسته در راه خدا جنگ میکرد و دسته دیگر کافر بود. آنها (یعنی کافران) ایشانرا (یعنی مسلمانان را) بچشم خود دو برابر (تعداد) شان میدیدند، و خداوند هر کی را بخواهد به یاری خود تائید میکند. حقا که درین (رویداد) برای مردم صاحب بینش پندی است.

﴿١٤﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ
وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

برای مردم محبت (چیزهای) مرغوب - از (قبیل) زنان، فرزندان، ذخایر توده شده ای از طلا و نقره، و اسپهای نشانی شده (یعنی اصیل)، مواشی و (زمین های صالح) زراعت - زیبا جلوه داده شده است. این است متاع زندگی دنیا، در حالیکه سرانجام نیک در نزد خداوند است.

﴿١٥﴾ قُلْ أَوْسِبْكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ ۗ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

بگو: « آیا شما را بچیزیکه ازین (هم) بشما بهتر است مزدگانی دهم؟! برای پرهیزگاران در نزد پروردگار شان باغهاییست که از زیر (درختان) آن جویبارهایی جریان دارد، در آن جاودانه بسر میبرند، و همسران پاکیزه ای (اند)، و خوشنودی خداوند. و خداوند به بندگان خود بیناست.

﴿١٦﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آنانیکه میگویند « پروردگار ما، واقعاً ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش نجات بده. »

﴿١٧﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

(یعنی) شکیبایان، راستگویان، فرمانبرداران، خرج کنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهان.

﴿١٨﴾ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ

خداوند گواهی داد برینکه جز او معبودی نیست، و فرشتگان و کسانیکه از علم بهره اندوز اند (نیز). در حالیکه خداوند به عدالت قایم است، جز او معبودی نیست، او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿١٩﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ

بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

حقا که دین در نزد خداوند اسلام است، و کسانیکه به ایشان کتاب داده شده بود (در آن) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه به ایشان علم حاصل شد، (آنها) بخاطر حسدی (که) در میان خود (داشتند). و کسیکه از آیات خداوند انکار ورزد، پس بیگمان خداوند در حساب گرفتن سریع است.

﴿٢٠﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ

أَسْلَمْتُمْ ۗ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

هرگاه ایشان با تو مجادله کنند بگو: « من خود را به خدا تسلیم کرده ام و هر کی پیرو من است (نیز). » و به اهل کتاب و امی ها (یعنی آنانیکه فاقد دانش اند) بگو: « آیا شما هم خود را تسلیم کردید؟ » پس اگر خود را تسلیم کنند، واقعاً هدایت شده اند. و اگر رو گردانیدند، پس وظیفه تو رسانیدن پیغام است، و خداوند بر بندگان بیناست.

﴿۲۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

بی گمان کسانی که از نشانه های خداوند انکار میکنند، پیامبران را بناحق میکشند و کسانی را (نیز) میکشند که مردم را به عدالت امر میکنند، ایشان را به عذاب دردناک بشارت ده.

﴿۲۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

ایشان کسانی اند که اعمال شان در دنیا و آخرت ضایع گردیده است، و برای ایشان مددگاری نیست.

﴿۲۳﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

آیا تو بسوی کسانی ندیدی که به ایشان حصه ای از کتاب داده شده است؟! (در حالیکه) بسوی کتاب خدا دعوت میشوند تا در بین شان حکم کند. بعد از آن گروهی از ایشان (از حکمیت) روی برمیگردانند، در حالیکه (از حق) اعراض کننده اند.

﴿۲۴﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۗ وَغَرَّهمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

این از سببی است که گفتند « هرگز ما را آتش بغیر از چند روزی محدود لمس نمیکند. » ایشان را افتراءهای شان در (برابر) دین شان فریب داده است.

﴿۲۵﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

پس حال ایشان چه خواهد بود؟! که در روزی آنها را جمع کنیم که در آن شکی نیست، و به هرکس چیزی که کسب کرده است تماماً پرداخته شود. و به ایشان ستم نمیشود.

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ ۗ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: « بار خدایا! ای مالک پادشاهی، به هرکی خواهی پادشاهی میدهی و از هرکی خواهی پادشاهی را باز میگیری! هرکرا خواهی عزت میدهی و هرکرا خواهی ذلیل میگردانی! خیر بید تو است، حقا که تو بر هر چیز توانایی! »

﴿٢٧﴾ تُولِجَ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۗ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

شب را بروز داخل میکنی و روز را بشب داخل میکنی، زنده را از مرده بیرون میکنی و مرده را از زنده بیرون میکنی، و هرکرا خواهی روزی بیشمار میدهی.

﴿٢٨﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

مؤمنان نباید جز مؤمنان کافران را دوست و سرپرست (خویش) گیرند. و هر کس که چنین کند، پس از (دوستی) خدا (برای او) چیزی نیست (یعنی رابطه خود را از خدا گسسته است)، مگر آنکه از ایشان بنوعی بترسید. و خداوند شما را از (خشم) خود برحذر میسازد. و بازگشت بسوی خداست.

﴿٢٩﴾ قُلْ إِنْ تُخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوْهُ يُعَلِّمُهُ اللَّهُ ۗ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: « اگر چیزی را که در دل شما است، پنهان کنید یا آنرا آشکار سازید، خدا آنرا میداند. و آنچه را در آسمانها و آنچه در زمین است میداند. و خداوند بر هر چیزی تواناست. »

﴿٣٠﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ

روزی که هر شخصی هر کار نیکی را که انجام داده حاضر شده می یابد و (نیز) هر عمل ناشایسته ای را. آرزو میکند ای کاش بین او و اعمال ناپسند او فاصله طولانی می بود. خداوند شما را از (خشم) خود برحذر میسازد. خداوند به بندگان (خود) بسیار مهربان است.

﴿٣١﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بگو: « اگر شما خداوند را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد. خداوند آمرزنده و مهربان است. »

﴿٣٢﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

بگو: « خدا و رسول او را فرمان برید! پس اگر ایشان روی گردانیدند، در آن صورت خداوند کافران را دوست ندارد. »

﴿٣٣﴾ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

حقا که خداوند آدم، نوح، خانواده ابراهیم و خانواده عمران را بر همه جهانیان برگزید.

﴿۳۴﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

(دودمانیکه) بعضی شان از (نسل) بعضی دیگرشان (بودند)، و خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿۳۵﴾ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۗ إِنَّكَ أَنْتَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بخاطر آورید وقتی را که زن عمران گفت: « ای پروردگار من، آنچه را در شکم من است آزاد (از همه مسایل دنیوی) به تو نذر کردم، لذا از من بپذیر، تو بیگمان شنوا و دانا هستی. »

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِن سَأَلْتُكَ

كَالْأُنثَىٰ ۗ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنكِ وَالشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

هنگامیکه او را زاد، گفت « پروردگار من، من دختری زادم! » و خداوند بهتر میدانست که او چی زاده است. « و (به هیچ وجه) آن پسر مانند این دختر نیست، من او را مریم نام نهادم ام، و من او و اولادش را از شیطان مردود در پناه تو قرار میدهم. »

﴿۳۷﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۗ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا

الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۗ قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَذَا ۗ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ

يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

پس پروردگارش آنرا به قبول نیکو پذیرفت، خداوند او را پرورش نیکو داد و زکریا را سرپرستش ساخت. هر باری که زکریا به محراب (یعنی حجره عبادت مریم برای دیدنش) داخل میشد، نزدش روزی می یافت. گفت: « ای مریم، این برای تو از کجا می آید؟ » مریم گفت: « این از جانب خداست، حقا که خداوند به هر کسی که بخواهد روزی بیشمار میدهد. »

﴿۳۸﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۗ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۗ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

در آن هنگام زکریا به پروردگار خود دعا کرد، و گفت: « ای پروردگار من، تو از نزد خویش بمن فرزندی پاکیزه ببخش! حقا که تو شنونده دانایی. »

﴿۳۹﴾ فَنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب ان الله يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة من

الله وسيدا وحصورا ونبييا من الصالحين

پس در حالیکه وی در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان وی را چنین صدا کردند: « بیگمان خداوند ترا به یحیی مژده میدهد، که تصدیق کننده کلمه ای از جانب خداوند است، و بزرگ منش است و پاکدامن، و پیامبری است از (زمره) صالحان. »

﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اُنِّىْ يَكُوْنُ لىْ غُلَامٌ وَقَدْ بَلَّغَنِى الْكِبَرَ وَاْمْرَاتىْ عَاقِرٌ ۗ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ

(زکریا) گفت: « ای پروردگار من، چگونه من صاحب فرزندی خواهم شد، در حالیکه پیری به (سر وقت) من رسیده و زخم نازای است؟ » (خداوند) فرمود: « به همین گونه خداوند هر آنچه را بخواهد میکند. »

﴿٤١﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لىْ آیَةً ۗ قَالَ آیَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ اَیَّامٍ اِلَّا رَمَزًا ۗ وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثیْرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِیِّ وَالْاِبْكَارِ

(زکریا) گفت: « ای پروردگار من، برایم نشانه ای مقرر گردان. » (خداوند) فرمود: « نشانه تو آنست که سه روز با مردم حرف زده نخواهی توانست مگر به اشاره. و پروردگارت را بسیار یاد کن، و در شام و صبح به پاکی یاد کن! »

﴿٤٢﴾ وَاِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَا مَرْیَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاَصْطَفٰكِ عَلٰی نِسَاءِ الْعٰلَمِیْنَ

بیاد آر وقتی را که فرشتگان گفتند: « ای مریم، خداوند ترا برگزیده و ترا پاکیزه ساخته و ترا بر زنان جهانیان برگزیده است. »

﴿٤٣﴾ يَا مَرْیَمُ اقْنُتِیْ لِرَبِّكِ وَاَسْجُدِیْ وَاَرْكَعِیْ مَعَ الرَّٰكِعِیْنَ

ای مریم، پروردگارت را به اخلاص پرستش کن، سجده نما و با رکوع کنندگان رکوع کن!

﴿٤٤﴾ ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَاِ الْغَیْبِ نُوْحِیْهِ اِلَیْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَیْهِمْ اِذْ یُلْقُوْنَ اَقْلَامَهُمْ اَیُّهُمْ یَكْفُلُ مَرْیَمَ

وَمَا كُنْتَ لَدَیْهِمْ اِذْ یَخْتَصِمُوْنَ

این از خبرهای غیبی است که بتو وحی میکنیم، و در آن وقتی که ایشان قلمهای خود را (برای قرعه) می انداختند (تا معلوم شو) که کدام یک ایشان متکفل تربیت مریم می شوند، تو نزد ایشان نبودى، و هم در وقتی که آنها در زمینه با یکدیگر منازعه میکردند تو نزد ایشان نبودى.

﴿٤٥﴾ اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَا مَرْیَمُ اِنَّ اللّٰهَ یُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِیْحُ عِیْسَى ابْنُ مَرْیَمَ وَجِیْهًا

فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ

بیاد آر وقتی (را) که فرشتگان گفتند: « ای مریم، حقا که خداوند ترا به کلمه ای از جانب خود بشارت میدهد. نام او مسیح است، عیسی پسر مریم (که هم) درین دنیا و (هم) در آخرت آبرومند بوده و از مقربان است. »

﴿٤٦﴾ وَیُكَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَكَهَلًا وَمِنَ الصّٰلِحِیْنَ

او با مردم (هم) در گهواره و (هم) در بزرگسالی سخن میگوید، و از صالحان است.

﴿٤٧﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ ۗ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

مریم گفت: « ای پروردگار من، از کجا من صاحب فرزندی میشوم، در حالیکه بشری بمن تماس نکرده است؟ »
گفت: « خداوند آنچه را اراده نماید چنین می آفریند، و چون امری را دستور دهد پس بیگمان به آن میگوید »
شو « و آن میشود. »

﴿٤٨﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ

و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می آموزد.

﴿٤٩﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِّن الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و او را (بحیث) پیامبر به بنی اسرائیل (با این پیام) می فرستد که « من بیگمان بشما با معجزه ای از پروردگار شما آمده ام، که از گل بشما شکل پرنده میسازم، سپس در آن می دمم و به اذن خداوند پرنده ای میگردد. و من باذن خدا آنانیرا که کور مادرزاد (یا) پیس اند شفاء و مرده را جان میدهم، و من از چیزیکه آنرا میخورید و از آنچه در خانه های خود ذخیره میکنید بشما خبر میدهم. براستی، اگر شما باور دارید، این (معجزه ها) برای شما نشانه روشنی است (بر اینکه من واقعاً پیامبر میباشم).

﴿٥٠﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَإِلَّا حَلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ ۗ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

و (من بسوی شما آمده ام) تا تصدیق کننده تورات باشم که پیش از من بود، و برای شما قسمتی از آنچه را که قبلاً بر شما حرام شده بود حلال گردانم. و بشما معجزه ای را از پروردگار شما آورده ام. لذا از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

﴿٥١﴾ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

بیگمان خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستش کنید. این است راه راست.

﴿٥٢﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۗ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

چون عیسی از ایشان (یعنی یهودیان) احساس کفر کرد، گفت « مددگاران من در راه خدا چه کسانی خواهند بود؟! » حواریون گفتند: « ما مددگاران (راه) خداوند هستیم، به خداوند ایمان آوردیم، و تو گواه باش که ما مسلمانیم. »

﴿٥٣﴾ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پروردگار ما، به آنچه تو فرستاده یی ایمان داریم و رسول را پیروی میکنیم. پس ما را از زمره گواهان بنویس.

﴿٥٤﴾ وَمَكْرُؤًا وَمَكَرَ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

و (یهودیان برای از بین بردن عیسی) دسیسه چیدند، و خداوند این دسیسه را دامنگیر خودشان ساخت، و خداوند بهترین تدبیرکنندگان است.

﴿٥٥﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ وَرَافِعُكَ إِلَىٰ مِثْلَيْ مَطَرٍ وَأَنْتَ وَمَنْ عَلَىٰ الْكَفْرِ يَخْتَلِفُونَ

﴿٥٥﴾ اِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ وَرَافِعُكَ إِلَىٰ مِثْلَيْ مَطَرٍ وَأَنْتَ وَمَنْ عَلَىٰ الْكَفْرِ يَخْتَلِفُونَ

و بخاطر آور وقتی را که خداوند گفت « ای عیسی، من ترا برگیرنده ام و بسوی خود بالا برنده، و ترا از (اتهامات) کافران پاک سازنده، و کسانی که ترا پیروی می کنند تا روز رستاخیز بر کافران برتری دهنده ام. سپس بازگشت شما بسوی من است، و در بین شما در موضوعاتی که در آن اختلاف میورزیدید داوری میکنم. »

﴿٥٦﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

اما کافران، من ایشان را به عذابی سخت درین دنیا و در آخرت عذاب میکنم. و برای ایشان هیچ مددگاری نیست.

﴿٥٧﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس (خداوند) مزد ایشانرا کامل میدهد. و خداوند ستمگاران را دوست ندارد.

﴿٥٨﴾ ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

این چیزی است که ما بر تو از آیات و یادآوری حکمت میخوانیم.

﴿٥٩﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۗ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

بیگمان مثال عیسی نزد خداوند مانند مثال آدم است، او را از خاک آفرید، سپس به او گفت « شو » پس شد.

﴿٦٠﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

حق همانست که از جانب پروردگار تو است. پس از شک کنندگان مباش.

﴿٦١﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا

وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پس هر کی درین (مسئله) بعد از آنکه بتو علم حاصل شد با تو منازعه کند، پس بگو « بیایید (برای مباحله) فرزندان خود و فرزندان شما را، و زنان خود و زنان شما را، خود و شما را میخوانیم، سپس با تضرع (و خلوص نیت) دعا کنیم و بر آنانیکه دروغ میگویند لعنت خدا را میفرستیم. »

﴿٦٢﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بدون شک اینها قصه های راستینی است، و هیچ معبودی به غیر از خدا نیست، و بیگمان خداوند هم اوست، صاحب قدرت منیع و صاحب حکمت.

﴿٦٣﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

اما اگر (از مباحله) روی بر تابند، پس خداوند بحال مفسدان آگاه است.

﴿٦٤﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا

وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

بگو « ای اهل کتاب، بیایید به سخنی که بین ما و شما مشترک است (همزبان شویم) که: بغیر از خدا کسی دیگر را نه پرستیم، هیچ چیزی را به او شریک نیاوریم، بعضی از ما بعضی دیگر را جز خدا به خدایی نگیرد. » پس اگر (اهل کتاب) روی بر تابند، پس شما بگویید « گواه باشید که ما مسلمانیم (یعنی به اراده خداوند تسلیم میباشیم). »

﴿٦٥﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ۚ أَفَلَا

تَعْقِلُونَ

ای اهل کتاب، چرا در مورد ابراهیم منازعه میکنید؟ در حالیکه تورات و انجیل نازل نگردید مگر بعد از او! آیا شما نمی فهمید؟!

﴿٦٦﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ۚ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

آگاه باشید، شما کسانی هستید که در موضوعاتی که در آن (کمی) معلومات دارید منازعه کردید، اما چرا در مسایلی منازعه مینمایید که در باره آن معلوماتی ندارید؟! خداوند میداند و شما نمیدانید.

﴿٦٧﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ابراهیم نی یهودی بود و نی هم نصرانی. بلکه او یکتا پرست واقعی (و) مسلمانی بود، و از زمره مشرکان نبود.

﴿٦٨﴾ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا ۚ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

بدون شک، کسانی به ابراهیم نزدیک تر اند که از وی پیروی کردند، و این پیامبر و مسلمانان (نیز). و خداوند کارساز مؤمنان است.

﴿٦٩﴾ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

فرقه ای از اهل کتاب می خواستند که اگر بتوانند شما را گمراه سازند، اما ایشان (شما را نی، بلکه) خود شانرا گمراه میسازند، و ایشان درک نمیکنند.

﴿٧٠﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

ای اهل کتاب، چرا از آیات خداوند انکار میورزید در حالیکه (خود شما به آن) گواه هستید؟!

﴿٧١﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل می آمیزید و حق را پنهان می کنید در حالیکه میدانید؟!

﴿٧٢﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

گروهی از اهل کتاب گفتند: « در اول روز به آنچه بمؤمنان نازل شده ایمان بیاورید، و در آخر روز از آن انکار ورزید، تا شاید مسلمانان (به شک افتند و) باز گردند. »

﴿٧٣﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبَعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ

يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

« و هیچ کسی را تصدیق نکنید مگر آنکه دین شما را پیروی کند. » بگو: « هدایت رباستین همانا هدایت خداوند است. (شما را حسد برین داشته است که این چنین دسیسه بکار برید) که (می بینید) بکسی همان چیزی داده شده که بشما داده شده است، یا (از این میترسید که مبادا) در نزد پروردگار شما در برابر شما حجت آورند. » بگو: « واقعاً فضل بید خداوند است. بهر کسی که بخواهد آنرا میدهد، و خداوند گشایشگر دانا است. »

﴿٧٤﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

و هر کسی را که بخواهد به رحمت خویش اختصاص میدهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

﴿٧٥﴾ وَمَنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنٍ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنٍ إِنْ تَأْمَنَهُ بدينارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ

إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ۗ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ

الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر نزد شان ثروت بسیاری را به امانت بگذاری آنرا به تو (با میل و آسانی) اداء میکنند، و در میان ایشان کسانی (نیز) هستند که اگر نزد ایشان یک دینار را هم به امانت بگذاری، آنرا بتو باز نمیدهند مگر اینکه پیوسته بر آن مراقب باشی. این از سببی است که ایشان میگویند: « در (پایمال کردن حق) این امی ها هیچ مسئولیتی متوجه ما نیست. » و ایشان بر خداوند دروغ میبندند، در حالیکه ایشان (حقیقت را) میدانند.

﴿٧٦﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

آری، هر کسی را که به پیمان خویش وفا کند و پرهیزگار باشد، پس بیگمان خداوند پرهیزگاران را دوست میدارد.

﴿٧٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بیگمان کسانی که به عهد خدا و سوگندهای خویش پول ناچیزی را بدست می آورند، ایشان بهره ای در آخرت ندارند، و نی خداوند با ایشان سخن میگوید، و نی بسوی آنها در روز قیامت (به مهربانی) نظر میکند، و نی ایشانرا (از گناه) پاک میسازد، و برای ایشان عذابی دردناک است.

﴿٧٨﴾ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

بیگمان در میان ایشان گروهی هستند که زبان خویشرا به (خواندن مطالب خود ساخته ای از) کتاب می پیچاند تا شما آنها را از کتاب بپندارید، در حالیکه آن (قسمت از گفته های شان) از کتاب نیست. و میگویند « این نزد خداوند است، » در حالیکه این نزد خداوند نیست. به خداوند دروغ می بندند، در حالیکه ایشان (حقیقت را) می دانند.

﴿٧٩﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

برای بشریکه خداوند کتاب، حکمت و پیامبری داده به او هیچ سزاوار نیست که به مردم بگوید « شما بندگان من باشید و نی (بندگان) خدا، » بلکه میگوید: « شما مردم خدایی باشید. چون کتاب را تعلیم داده اید و چون آنها خوانده اید. »

﴿٨٠﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و شما را امر نمیکند که فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیرید. آیا او شما را به کفر امر میکند بعد از اینکه مسلمان شدید؟!

﴿٨١﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا

مَعَكُمْ لْتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۗ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۗ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۗ قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

و بیاد آرید وقتی را که خداوند پیمان استوار از پیامبران گرفت (که): « چون بشما از کتاب و حکمت دادم، بعد از آن بشما پیامبری آمد که تصدیق کننده همان چیزی بود که با شما است، باید به او ایمان آرید و باید که او را

مددگاری کنید. « (سپس خداوند) گفت: « آیا اقرار کردید و به این پیمان مرا گرفتید؟ » گفتند: « اقرار کردیم. خداوند گفت: « پس گواه باشید و من با شما از زمره گواهان هستم. »

﴿۸۲﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

پس کسیکه بعد ازین برگردد، (این مردم) همینهاند فاسق.

﴿۸۳﴾ أَغْيَرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

آیا بجز دین خدا (دینی دیگر) را می طلبند؟! در حالیکه همه کسانیکه در آسمانها و زمین اند بخوشی و ناخوش خود را به او تسلیم کرده اند (یعنی اسلام را پذیرفته اند) و بسوی او باز گردانده میشوند.

﴿۸۴﴾ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

بگو: « ما به خداوند و به آنچه بما نازل شده و به آنچه به ابراهیم، اسمعیل، اسحاق، یعقوب، و قبایل (یعنی بازماندگان یعقوب) وحی شده و به آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران از طرف پروردگار شان داده شده است، ایمان داریم. در میان شان فرقی نمیگذاریم و ما به او تسلیم هستیم (یعنی به دین اسلام منقادیم). »

﴿۸۵﴾ وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و کسیکه جز اسلام دینی را بجوید، پس هرگز از او پذیرفته نمیشود، و او در آخرت از زیان کاران است.

﴿۸۶﴾ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَاللَّهُ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

چگونه خداوند قومی را هدایت میکند که بعد از ایمان آوردن خود کافر شد و (بعد از اینکه) گواهی دادند برینکه پیامبر (بر) حق است، و (بعد از اینکه) به ایشان نشانه های روشنی آمد؟! و خداوند قوم ستمکاران را هدایت نمیکند.

﴿۸۷﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

ایشان جزای شان اینست که از طرف خدا، فرشتگان و همه مردم بر ایشان لعنت میشود.

﴿۸۸﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

ایشان درین (حالت) همیشه بسر میبرند، نی عذاب شان تخفیف داده میشود و نی هم به ایشان مهلت داده میشود.

﴿۸۹﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسانیکه بعد از آن توبه کردند و (خود را) اصلاح نمودند، پس حقا که خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿۹۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

بیگمان، آنها یکه بعد از پذیرش ایمان کافر شدند و بعد از آن بر کفر افزودند هرگز توبه‌شان قبول نمیشود. و ایشان واقعاً گمراه اند.

﴿۹۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ

بِهِ ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

بیگمان کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند، پس هرگز از هیچ یکی از ایشان، اگر چه زمین را از طلا پر کنند، این فدیة (شان برای نجات از عذاب) پذیرفته نمیشود. اینها، برای شان عذاب دردناکی است. و برای ایشان مددگاری نیست.

جزء یا سپاره چهارم - لن تنا

﴿۹۲﴾ لَنْ تَأْلُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

هرگز به کمال خیر نرسید تا از آنچه دوست دارید (در راه خدا) خرج کنید. و آنچه را که شما میدهید، حقا که خداوند به آن آگاه است.

﴿۹۳﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ

التَّوْرَةُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

تمام خوردنی‌ها برای بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنچه اسرائیل (یعنی یعقوب) خودش پیش از اینکه تورات نازل شود بر خود حرام کرد. بگو: « پس تورات را بیاورید و آنرا بخوانید، اگر شما صادق هستید. »

﴿۹۴﴾ فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

پس هر کی بعد از این دروغی را به خداوند نسبت دهد، پس آن گروه واقعاً ستمکارند.

﴿۹۵﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۗ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو: « خداوند راست میگوید، پس کیش ابراهیم یکتاپرست را پیروی کنید، و از از مشرکان نبود. »

﴿۹۶﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

حقا نخستین خانه که برای مردم مقرر شد، همان است که در مکه مبارک است و (مایه) هدایتی است برای جهانیان.

﴿٩٧﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

در آن نشانه های روشنی است، (و از جمله) مقام ابراهیم، هر کسی در آن درآید در امان می باشد. برای خدا بر مردم حج خانه کعبه (فرض) است (برای) کسیکه توان رفتن بسوی آنرا دارد. و کسیکه کافر شود، پس بیگمان خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

بگو: « ای اهل کتاب، چرا از آیات خداوند انکار میکنید؟ در حالیکه خداوند شاهد اعمال شما است. »

﴿٩٩﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بگو: « ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است از راه خدا باز میدارید (یعنی آنرا نادرست جلوه میدهند)؟ در حالیکه شما شاهد (حقانیت آن) هستید. و خداوند از آنچه میکنید هرگز غافل نیست. »

﴿١٠٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

ای مؤمنان! اگر گروهی را از اهل کتاب فرمان برید، شما را بعد از ایمان شما به کفر باز میگردانند.

﴿١٠١﴾ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و چطور کافر میشوید در حالیکه به شما آیات خداوند خوانده میشود و پیامبر او در میان شما است؟! و هر کی به (دین) خدا چنگ زند، پس واقعاً براه راست هدایت شده است.

﴿١٠٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

ای مؤمنان، از خدا بحق ترس او بترسید، و نمیرید مگر در حالتیکه مسلمان باشید.

﴿١٠٣﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ

بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَلِكَ

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و همه یکجا به رسن خدا چنگ زبند و پراکنده مشوید، و نعمتی را که خدا بشما ارزانی کرده بیاد آرید، هنگامیکه شما دشمنان (یکدیگر) بودید و او میان دل‌های شما الفت افکند، پس به (برکت) نعمت او برادر (یکدیگر) شدید. و شما بر کناره گودالی از آتش قرار داشتید، پس شما را از آن نجات داد. به این ترتیب خداوند آیات خود را بشما بیان میکند تا باشد که شما راه یابید.

﴿١٠٤﴾ وَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

باید که در بین شما جماعتی باشند که (مردم را) به خیر فرا خوانند و امر به معروف کنند، و از کارهای ناپسند باز دارند، و هم ایشان اند رستگار.

﴿١٠٥﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و مانند کسانی نباشید که، بعد از آنکه به ایشان نشانه های روشنی آمد، پراکنده شدند و (بین خود) به اختلاف پرداختند. برای ایشان عذابی است بزرگ.

﴿١٠٦﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۗ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

روزی که روهای سفید شود و روهای سیاه گردد. پس کسانی که روهای شان سیاه گردید (به ایشان گفته میشود): « آیا بعد از ایمان خویش کافر شدید؟ پس به سبب آنکه کافر شده بودید عذاب را بچشید. »

﴿١٠٧﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

اما کسانی که روهای شان سفید گردید، پس ایشان در رحمت خداوند بوده در آن جاودانه بسر میبرند.

﴿١٠٨﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ

این ها آیات خداوند است، که آنرا بحق بر تو میخوانیم، و خداوند به هیچ یک از جهانیان ستمی نمی خواهد.

﴿١٠٩﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

هر آنچه در آسمان ها و در زمین است از آن خدا است، و همه کارها (برای فیصله) به خداوند باز گردانیده میشود.

﴿١١٠﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَلَوْ

آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۗ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

شما بهترین امتی هستید که برای (خیر) مردم بیرون آورده شده (یعنی بوجود آمده) است. به (کار) پسندیده امر و از (کار) ناپسند منع مینمایید، و به خداوند ایمان دارید. اگر اهل کتاب ایمان می آوردند، (این کار) به خیر ایشان بود، بعضی از ایشان مسلمان اند و بیشتر شان فاسق اند.

﴿١١١﴾ لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى ۗ وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ

بشما جز اذیتی (اندک) هرگز زیان رسانیده نمیتوانند. اگر با شما جنگ کنند بشما پشت میگردانند، و سپس به ایشان هیچ کمکی نمیشود.

﴿۱۱۲﴾ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيَّنَ مَا تُوْفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

بهرجاییکه یافته شوند (خیمه) خواری بر ایشان زده شده است، مگر (آنکه) برشته (حمایت) خدا یا برشته (حمایت) مردم (چنگ زند)، و به خشم خدا باز گشته اند و بر ایشان (خیمه) بینوایی زده شده است. این از سببی است که ایشان از آیات خدا انکار میورزیدند و بناحق پیامبران را میکشتند، این از سب آنست که عصیان کردند و از حد میگذشتند.

﴿۱۱۳﴾ لَيْسُوا سَوَاءً ۚ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

همه ایشان یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی اند که (به طرفداری حق) ایستاده اند، ایشان آیات خدا را در آوان شب میخوانند و (به خدای یکتا) سجده میکنند.

﴿۱۱۴﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

به خداوند و روز جزاء عقیده دارند، (مردم را) بآنچه خوب است امر میکنند و از آنچه بد است منع مینمایند، و در آنجا اعمال ستوده (از همگان) پیشدستی می کنند. و ایشان از زمره صالحان اند.

﴿۱۱۵﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

هر خیریکه انجام دهند به آنان ناسپاسی نمیشود، و خداوند به (حال) پرهیزگاران آگاه است.

﴿۱۱۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بیگمان، کافران، نی دارایی شان و نی هم اولادشان آنها را از هیچ چیزی از (عذاب) خدا بی نیاز ساخته میتواند، و ایشان اهل دوزخ اند در آن همیشه بسر میبرند.

﴿۱۱۷﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهُ ۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

مثال آنچه ایشان در زندگی این جهان خرج میکنند همانند بادیست که در آن سرمای سخت است، و ناگاه به کشت زار کسانی رسد که بر خویشان ستم روا داشته اند، سپس آنرا نابود کرده. و خداوند بر ایشان ستم نکرده است بلکه ایشان خود بر خویشان ستم کرده اند.

﴿۱۱۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ

الْبُغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ ۗ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

ای مؤمنان، از غیر خودتان (دوست) همراز نگیرید که در خرابکاری بشما کوتاهی نمیکنند. رنج شما را دوست دارند واقعاً بغض از (گفتار) دهان شان آشکار است. (ولی) آنچه را دل‌های شان پنهان میکند بزرگتر است حقا که ما برای شما آیات را بیان کردیم، اگر خردمند هستید!

﴿۱۱۹﴾ هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا

عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ ۗ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

این شما هستید که ایشانرا دوست دارید، اما ایشان شما را دوست ندارند، در حالیکه شما بتمام کتاب ایمان دارید. هنگامیکه شما را ملاقات کنند میگویند « ما ایمان آوردیم، » اما وقتی که تنها میشوند از خشم بر شما سرانگشتان خود را می‌گزند. بگو « بخشم خود بمیرید! حقا که خداوند به آنچه در سینه ها است آگاه است. »

﴿۱۲۰﴾ إِن تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمُ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا ۗ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا

يُضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

اگر خوبی بشما عاید شود آن ها را اندوهگین می‌سازد، ولی اگر بشما بدی برسد به آن خوش میشوند. و اگر شما ثابت قدم و پرهیزگار باشید، دسیسه شان برای شما هیچ ضرری عاید کرده نمیتواند. بیگمان خداوند به آنچه ایشان میکنند احاطه دارد.

﴿۱۲۱﴾ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بیاد آر وقتی را که از خانواده خود صبح (وقت) بیرون شدی تا مسلمانان را در سنگرهای شان برای جنگ جابجا کنی. و خداوند شنوا (و) داناست.

﴿۱۲۲﴾ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

بیاد آر وقتی را که دو دسته از شما (به سبب بزدلی) خواستند سستی کنند (و از جهاد باز گردند)، در حالیکه خداوند کارسازشان بود، و مؤمنان باید (همیشه) بر خداوند توکل ورزند.

﴿۱۲۳﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حقا که خداوند در بدر شما را مدد کرد، در حالیکه شما (در چشم دشمن) خوار بودید. بنابراین از خدا بترسید، تا باشد که سپاسگذار شوید.

﴿۱۲۴﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ

بیاد آر وقتی را که به مسلمانان می‌گفتی « آیا برای شما کفایت نمی‌کند که خداوند شما را به سه هزار فرشته که (خاص برای همکاری شما) فرو فرستاده شده مدد کند؟! »

﴿١٢٥﴾ بَلَىٰ ۗ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

آری، اگر شما ثابت (قدم) بمانید و پرهیزگاری کنید، (حتی) اگر دشمن باشتاب بر شما یورش آورد، (باز هم) پروردگار شما، شما را با پنج هزار فرشته دارای نشانه های خاص کمک میکند.

﴿١٢٦﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

و خداوند این (مدد فرشتگان) را نگردانید مگر مزده ای برای شما، و تا دل‌های شما آرامش یابد، و (بهر صورت) مددی نیست مگر از نزد خداوند، صاحب قدرت منبع (و) با حکمت.

﴿١٢٧﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُهُمْ فَيُنْقَلِبُوا خَائِبِينَ

تا دسته ای از کفار را نابود کند، یا ایشان را (چنان) رسوا سازد که به نامرادی بازگردند.

﴿١٢٨﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

درین امر ترا هیچ اختیاری نیست. خواه خداوند توبه شانرا بپذیرد یا آنها را عذاب کند. زیرا آنها واقعاً ستمگار اند.

﴿١٢٩﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

هر آنچه در آسمانها و در زمین است از آن خدا است. هرکرا بخواهد می آمرزد و هرکرا بخواهد عذاب میکند، و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿١٣٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای مؤمنان، سود را چندین برابر نخورید. از خدا بترسید تا باشد که رستگار شوید.

﴿١٣١﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

و از آتشی بترسید که برای کافران آماده شده است.

﴿١٣٢﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

خداوند و پیامبر او را فرمان برید تا باشد که مورد مرحمت قرار گیرید.

﴿١٣٣﴾ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

برای (بدست آوردن) آمرزش پروردگار خود و بهشتی بشتابید که پهنای آن (معادل تمام) آسمانها و زمین است، (و) برای پرهیزگاران آماده شده است.

﴿١٣٤﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

آنهایی که در رفاه و عُسرت (با دست و دل فراخ) خرج میکنند، و خشم (خود) را فرو می خورند و مردم را عفو میکنند، و خداوند نیکوکاران را دوست میدارد.

﴿١٣٥﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و آنهایی که چون مرتکب عمل فحشاء میشوند یا بر خود ستم میکنند، پس خداوند را یاد میکنند و آمرزش گناهان خویشرا میخواهند، و کیست جز خداوند که گناهان را ببامرزد؟! و بر گناهی که کرده اند اصرار نمی ورزند، در حالیکه میدانند.

﴿١٣٦﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَنَعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

اینهائند که پاداش شان آمرزشی است از جانب پروردگار شان، و باغهایی که در زیر آنها جوی بارها جریان دارد، در آنجا جاودانه بسر میبرند. و (چه) خوب است مزد (این) نیکوکاران!

﴿١٣٧﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

حقا که پیش از شما (نیز) روشهای (زندگانی) وجود داشت، پس در زمین سیاحت کنید تا دریابید که سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟

﴿١٣٨﴾ هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

این بیانی است برای مردم، و رهنمود و نصیحتی است برای پرهیزگاران.

﴿١٣٩﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و سست نشوید و اندوهگین مگردید، شما غالبید اگر (واقعاً) مؤمن باشید.

﴿١٤٠﴾ إِن يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۗ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ

الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

اگر زخمی بشما رسیده، یقین داشته باشید که زخمی شبیه آن به (آن) مردم نیز رسیده است. چنین روزها (نشیب و فراز) را بین مردم دست بدست میگردانیم، تا خدا کسانی را که ایمان دارند معلوم کند و تا از شما شهیدانی بگیرد، و خداوند ستمگاران را دوست نمیدارد.

﴿١٤١﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ

و تا مسلمانان را پاک سازد و کفار را نابود گرداند.

﴿۱۴۲﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ

آیا گمان کردید که به بهشت داخل میشوید، پیش از آنکه خداوند مجاهدان را از میان شما متمایز نساخته باشد؟! و صابران را متمایز نکرده باشد؟!

﴿۱۴۳﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

شما واقعاً مرگ را تمنا می کردید پیش از آنکه با آن روبرو شوید، پس بیگمان آنرا دیدید در حالیکه به آن (با بی تفاوتی) مینگریستید.

﴿۱۴۴﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۚ أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى

أَعْقَابِكُمْ ۚ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا ۗ وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

نیست محمد مگر پیامبری، (بسا) پیامبرانی پیش از او گذشته اند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، به عقب میگردید؟ اگر کسی به عقب خود برگردد هیچ ضرری به خداوند رسانده نمیتواند. و بزودی خداوند سپاسگزاران را پاداش میدهد.

﴿۱۴۵﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا ۗ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا

وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا ۗ وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ

هیچ کس را توان آن نیست که بمیرد مگر به اجازه خداوند. سرنوشتی است تعیین شده. اگر کسی خواهان پاداش دنیا باشد، ما به او از آن می دهیم. و اگر کسی پاداش آخرت را بخواهد ما به او از آن می دهیم. و ما بزودی سپاسگزاران را پاداش می دهیم.

﴿۱۴۶﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْوَنٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا

اسْتَكَانُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

چه بسا پیامبرانی که بهمراهی شان مردان خداجوی بسیاری جنگیدند. پس به سبب مصیبت هایی که در راه خدا به ایشان رسید، سستی نکردند، و ضعیف نشدند و تسلیم نگردیدند. و خداوند صابران را دوست میدارد.

﴿۱۴۷﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

گفتار ایشان جز این نبود که گفتند « پروردگار ما، گناهان ما و زیاده روی را در کار ما بیامرز، و قدمهای ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. »

﴿۱۴۸﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

پس خداوند به ایشان پاداشی درین دنیا و پاداش نیک در آخرت داد. و خداوند نیکوکاران را دوست میدارد.

﴿١٤٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْذُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَانْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

ای مؤمنان! اگر کافران را فرمان برید شما را به عقب شما باز میگردانند، و سرانجام زیان کار میشوید.

﴿١٥٠﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

(به آنها اعتماد نکنید) بلکه خداوند حامی شماست، و او بهترین مددگاران است.

﴿١٥١﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۖ وَمَأْوَاهُمُ

النَّارُ ۗ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ

بزودی در دل‌های کافران ترس می اندازیم، از سبب اینکه به خدا شرک آوردند، چیزی که خدا بآن دلیلی نفرستاده است. جای شان آتش است و چه جای بدی است جای ستمگاران.

﴿١٥٢﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ ۚ مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ

لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

و برآستی که خداوند وعده خود را بشما راست گردانید، در آن هنگام که آنها (یعنی دشمنان) را به اذن او چابک میکشید. (این پیروزی) تا هنگامی (دوام کرد) که سست شدید و در (اطاعت از) امر به منازعه پرداختید و نافرمانی کردید، بعد از اینکه بشما چیزی را نشان داد که به آن رغبت داشتید، در میان شما کسانی بودند که (مال و متاع) دنیا را میخواستند، و (نیز) در میان شما کسانی بودند که (پاداش) آخرت را میخواستند. سپس خداوند شما را از ایشان منصرف ساخت تا شما را آزمایش کند. بیگمان شما را عفو کرد. و خداوند به مؤمنان صاحب بخشایش است.

﴿١٥٣﴾ إِذْ تَضَعُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلًا

تَحْزِنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

بیاد آرید وقتی را که (سراسیمه) به بلندی بالا میرفتید، و کسی (به عقب) نمی نگرستید، در حالیکه پیامبر شما را بسوی کسانی فرا میخواند که به عقب شما مانده بودند. سپس خداوند شما را به اندوهی از پی اندوهی جزاء داد تا به از دست دادن (مال غنیمت) و مصیبتی که عاید حال شما شده، اندوهگین نشوید. خداوند بیگمان به آنچه میکنید آگاه است.

﴿١٥٤﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِّنْكُمْ ۖ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ

أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ ۗ قُلْ إِنَّ

الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا

فَقُتِلْنَا هَاهُنَا ۗ قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ ۗ وَلِيَبْتَلِيَ
اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

بعد از این اندوه، سپس خداوند آرامش را بر شما چیره گردانید، پینکی {۱} که دسته ای از شما را فرا گرفت در حالیکه گروهی دیگر را اندیشه (نجات) شان بخود مشغول ساخته بود. آنها گمانهای نادرستی همچون گمانهای دوره جاهلیت میکردند (و) میگفتند « آیا ازین امر (یعنی پیروزی) چیزی نصیب ما میشود؟ » بگو: « واقعاً همه امور کاملاً به اختیار خدا است. » چیزی را که بتو ظاهر نمیسازند بدل خود پنهان میکنند، (با خود) میگویند « اگر برای ما از پیروزی بهره ای میبود درینجا کشته نمیشدیم. » بگو: « (حتی) اگر شما در خانه های خود هم میبودید بیگمان کسانی که مرگ بر ایشان مقدر شده بود به جاهای مرگ خود میشتافتند. » (این همه برای آن بود) تا خداوند آنچه را در سینه های شما است آزمایش و آنچه را در دلهای شماست تصفیه کند، و خداوند به آنچه در سینه ها است آگاه میباشد.

{۱} خواب کوتاه ؛

﴿۱۰۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا ۗ وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

آنچه از شما که در روز روبرو شدن دو جمعیت رو گردانیدند، بیگمان شیطان بود که ایشانرا به سبب بعضی از اعمال (ناشایسته ای) که انجام داده بودند لغزانید. بیگمان خداوند از ایشان درگذشت. حقا که خداوند آمرزنده (و) صاحب حلم است.

﴿۱۰۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

ای مؤمنان، شما مانند کافرانی نباشید که در حق برادران خود در هنگامیکه در زمین به سیاحت بیرون میرفتند یا به جنگ مشغول میشدند، میگفتند « اگر ایشان با ما می پایدند نمی مردند و کشته نمیشدند. » تا خداوند این (گفته ها) را سبب حسرت و پشیمانی در دلهای شان گرداند، و خداوند است که زنده می گرداند و میمیراند. و خداوند به آنچه میکنید بینا است.

﴿۱۰۷﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

و اگر شما در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خداوند (بمراتب) بهتر از چیزهایی است که ایشان جمع میکنند.

﴿۱۰۸﴾ وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

و اگر بمیرید یا کشته شوید، همانا بسوی خدا حشر میشوید.

﴿١٥٩﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۗ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۗ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

سپس به سبب رحمت خداوند در برابر ایشان نرم دل شدی. اگر تندخوی یا سخت دل میبودی از اطراف تو پراکنده میشدند. پس از (خطاهای) ایشان درگذر و برای شان آمرزش بخواه، و با آنها در کارها مشوره کن، و چون عزم کردی پس به خدا توکل نمای. واقعاً خدا متوکلان را دوست میدارد.

﴿١٦٠﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۗ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

اگر خدا شما را پیروز سازد، پس هیچکس بر شما غالب شده نمیتواند. و اگر او شما را مدد نکند، پس بعد از آن کیست که شما را مدد کند؟! و مسلمانان باید به خداوند توکل ورزند.

﴿١٦١﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلَّ ۗ وَمَنْ يَعْلَلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هیچ پیامبری نیست که چیزی را پنهان کند (یعنی خیانت کند)، و کسیکه چیزی را (از مال غنیمت) پنهان کند در روز بازپرس آنچه را در آن خیانت کرده میآورد. سپس بهر کس هر آنچه را کسب کرده است داده میشود، و به ایشان ستم نمیشود.

﴿١٦٢﴾ أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخِطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۗ وَبئْسَ الْمَصِيرُ

آیا کسیکه خوشنودی خداوند را میجوید مانند شخصی است که بخشم خدا باز میگردد؟! جای او دوزخ است، و چه بد جایی ست (دوزخ)؟!

﴿١٦٣﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

(هر یک از) ایشان در نزد خدا درجاتی (متفاوت) دارند، و خداوند به آنچه ایشان میکنند بینا است.

﴿١٦٤﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

خداوند بیگمان بر مسلمانان منت گذاشت، هنگامیکه به ایشان از میان خود شان پیامبری فرستاد که بر ایشان آیه های خدا را میخواند، ایشان را پاک میگرداند و به ایشان کتاب و حکمت می آموزد، اگرچه پیش ازین در گمراهی آشکاری بودند.

﴿١٦٥﴾ أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا ۗ قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ ۗ إِنَّ

اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا چون بشما مصیبتی رسید، در حالیکه دو چند آن مصیبت را به دشمنان رسانیدید، (باز هم) گفتید « این (مصیبت) از کجا است؟ » بگو: « این از طرف خود شماست. حقا که خداوند بر هر چیز توانا است. »

﴿١٦٦﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ

مصیبتیکه در روز روبرو شدن دو جمعیت بشما رسید، پس به اجازه خداوند بود، تا مؤمنان را مشخص گرداند.

﴿١٦٧﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۗ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا ۗ قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا

لَا تَبْعَنَّاكُمْ ۗ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ ۗ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي

قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

و هم منافقان را مشخص گرداند، و (چون) به منافقان گفته شد « بیایید در راه خدا بجنگید، یا (لااقل) دشمن را (از شهر خود) دفع کنید، » گفتند « اگر جنگ را می دانستیم، یقیناً از شما پیروی می کردیم. » در آن روز ایشان نسبت به ایمان به کفر نزدیک تر بودند. بدهن های خود چیزهایی میگفتند که در دل های شان نبود. و خداوند به آنچه میپوشانند دانا است.

﴿١٦٨﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا ۗ قُلْ فَادْرَءُوا عَن أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ

كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آنها (یعنی منافقان) خود (از جهاد) باز نشستند، و آنگاه به برادران خود گفتند « اگر از ما پیروی میکردند کشته نمیشدند. » بگو: « اگر راست گو هستید، پس مرگ را از خود دفع کنید. »

﴿١٦٩﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا ۗ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

کسانیرا که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار. بلکه زنده اند و نزد پروردگار خویش روزی داده میشوند.

﴿١٧٠﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

بآنچه خدا از فضل خود به ایشان داده است شادمان اند، و در صدد آن هستند که به بازماندگان خویش که تا هنوز با ایشان پیوست نشده اند مژده بدهند، که برای شان ترسی نیست و نی هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿١٧١﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

به نعمتی از جانب پروردگار و فضل وی مژده میدهند، و اینکه خداوند هرگز مزد مؤمنان را ضایع نمیسازد.

﴿١٧٢﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

آنهاییکه حکم خدا و پیامبر او را، بعد از اینکه به ایشان زخم رسید، (نیز) اجابت کردند، برای نیکوکاران و پرهیزگاران شان مزدی بزرگ است.

﴿١٧٣﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

آنهاییکه چون مردم به ایشان گفتند «مردم برای (مقابله) شما تجمع ورزیده اند، از ایشان بترسید.» (این سخن) ایمان شان را قوی گردانید، و گفتند «خدا بما کافی است و بهترین کارساز.»

﴿١٧٤﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

ایشان به نعمت و فضل خداوند به چنان حالتی باز گشتند که گویی هیچ زبانی به آنها نرسیده، و خوشی خداوند را پیروی کردند. و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

﴿١٧٥﴾ إِنَّمَا ذُكِرَ الشَّيْطَانَ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

بیگمان این شیطان است که هوا خواهان خود را میترساند. از ایشان مترسید، بلکه از من بترسید اگر ایمان دارید!

﴿١٧٦﴾ وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ۗ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ۗ يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آنانی که بکفر میشتابند نباید ترا اندوهگین سازند. بدون شک ایشان هیچ ضرری به خدا نمی رسانند. خداوند میخواهد که به ایشان از آخرت بهره ای قرار ندهد، و برای شان عذابی بزرگ است.

﴿١٧٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنانیکه کفر را به ایمان خریدند، هیچ ضرری به خدا نمی رسانند. برای شان عذابی دردناک است.

﴿١٧٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ ۗ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا

إِنَّمَا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

کافران نباید فکر کنند مهلتیکه ما به ایشان میدهیم بخیر شان است. ما به ایشان برای آن مهلت میدهیم تا بر گناه خویش بیفزایند. و برای شان عذابی اهانت بار است.

﴿١٧٩﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

خداوند مؤمنان را در حالتی نمیگذارد که در آن اکنون شما قرار دارید، تا ناپاک را از پاک جدا کند. چنان نیست که خداوند شما را بر اسرار غیبی آگاه می گرداند، مگر خداوند (به این منظور) از پیامبران خویش هر کی را خواهد بر می گزیند. پس به خدا و پیامبران او ایمان آرید. و اگر ایمان آرید و پرهیزگاری نمایید، برای شما مزدی بزرگ است.

﴿١٨٠﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ ۗ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۗ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

آنهایی که بر آنچه خداوند از فضل خویش به ایشان ارزانی کرده بخل میورزند نباید این کار را بخیر خویش پندارند، بلکه این بزبان شان است. بزودی در روز قیامت چیزی که بآن بخل ورزیدند طوق (گردن) شان میگردد. میراث آسمانها و زمین از آن خدا است. و خدا با آنچه میکنید آگاه است.

﴿١٨١﴾ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ ۗ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

حقا که خداوند گفته آنانی را که گفتند « واقعاً خداوند نادرست و ما ثروتمند هستیم » شنید. ما بزودی سخنان شان را و (نیز عمل شانرا مبنی بر) بناحق کشتن پیامبران می نویسیم، و (برای شان) میگوییم: « بچشید عذاب سوزان را! »

﴿١٨٢﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

این به سبب آن (اعمال نادرستی) است که دستهای شما از پیش فرستاده است، و خداوند هرگز بر بندگان خود ستمگار نیست.

﴿١٨٣﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ ۗ قُلْ قَدْ

جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آنهایی که گفتند « حقا که خداوند از ما عهد گرفته است که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر آنکه قربانی را به ما بیاورد که آنرا آتشی (از آسمان) بخورد. » بگو: « پیش از من (نیز) پیامبران با معجزه ها و با چیزی که شما خواستید آمدند، پس اگر بگفته خود صادق هستید، چرا ایشان را کشتید؟ »

﴿١٨٤﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

پس اگر ترا تکذیب کردند، پیامبران پیش از تو که با معجزه ها، موعظه ها و کتاب روشنی بخش آمدند (نیز) تکذیب شدند.

﴿١٨٥﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ فَمَن زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

هر کسی مرگ را میچشد، و شما بی شک مزد کامل خویش را در روز قیامت دریافت میکنید. پس کسیکه از آتش دوزخ دور نگهداشته شود و به بهشت داخل ساخته شود (چنین شخصی) در واقع به مراد خویش رسیده است، و زندگانی این دنیا (چیزی) جز متاعی فریبنده نیست.

﴿١٨٦﴾ لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا ۗ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

بیگمان، شما در مالهای خود و جان های خود مورد آزمون قرار می گیرید، و بیگمان شما از اهل کتب پیش از خود و مشرکان بدگویی بسیار میشنوید. و اگر شکیبایی ورزید و پرهیزگاری نمایید، بیگمان این (کار) از امور (شایسته و) استوار است.

﴿١٨٧﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

و بخاطر آور وقتی که خداوند از اهل کتاب عهد گرفت که « آنرا برای مردم بروشنی بیان کنید و (احکام) آنرا پنهان ننمایید. » پس آنرا به پشت سر خود انداختند و در بدل آن بهایی ناچیز خریدند، و چه بد است چیزی که ایشان میخرند!؟

﴿١٨٨﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کسانیکه به آنچه کردند مینازند و دوست دارند که بکارهاییکه نکرده اند ستایش شوند، پس ایشانرا مپندار که از عذاب برکنارند، برای ایشان عذابی است دردناک.

﴿١٨٩﴾ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند بر همه چیز تواناست.

﴿١٩٠﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

واقعاً در آفرینش آسمانها و زمین، و اختلاف شب و روز، برای خردمندان نشانه ها است.

﴿١٩١﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آنهاییکه ایستاده، نشسته، و بر پهلوهای خویش (دراز کشیده) خداوند را یاد میکنند، و در (اسرار) آفرینش آسمانها و زمین فکر میکنند (و با خود میگویند): « پروردگار ما، این (ها) را عبث نیافریده یی، پاکی تو، پس ما را از آتش دوزخ نگهدار! »

﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

پروردگارا! بیگمان هر کی را تو بدوزخ در آری، حقا که (او را) رسوا ساختی، و برای ستمگران هیچ مددگاری نیست.

﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ۗ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

پروردگارا، ما (از) دعوت گری شنیدیم که بسوی ایمان فرا میخواند، (و میگفت) که به پروردگار خود ایمان آرید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، پس برای ما گناهان ما را ببخش، از ما بدی های ما را بزدای، و ما را با نیکوکاران بمیران!

﴿١٩٤﴾ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

پروردگارا، چیزی را که بوسیله پیامبران خود بما وعده کردی عنایت فرما، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، حقا که تو خلاف وعده نمیکنی!

﴿١٩٥﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ ۖ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۗ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ

الثَّوَابِ

پس خداوند (دعای) ایشانرا اجابت کرد که « من هرگز عمل هیچ عمل کننده شما را از مرد یا زن ضایع نمیکنم. بعضی شما از (جنس) بعضی است، (شما از یک دیگرید)، پس آنانیکه هجرت کردند و از خانه های خود بیرون رانده شدند، و در راه من اذیت دیدند، جنگ کردند و کشته شدند، حقا که من از ایشان گناهان شانرا میزدایم، و ایشانرا در بهشت هایی جا میدهم که در زیر (درختهای) آن جوی بارها جریان دارد، (و این) مزدی (است) از نزد خداوند، و نزد خداوند بهترین مرزها است.

﴿١٩٦﴾ لَا يَعْزُبُكَ تَقَلُّبُ الدِّينِ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

خرامیدن (چند روزه) کفار در شهرها نباید ترا فریب دهد.

﴿١٩٧﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

(این بهره مندی اندکی است، سپس جای بازگشت شان دوزخ میباشد، و چه بد جایی است (دوزخ)؟!)

﴿١٩٨﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ

اللَّهِ ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ

ولی (برعکس) برای کسانی که از پروردگارشان میترسند، بهشت هایی است که در زیر (درختهای) آنها جوی بارها جریان دارد. در آن جا ایشان جاودانه بسر میبرند، (و این) مهمانی (است) از جانب خداوند، و آنچه در نزد خداوند است برای نیکان بهتر است.

﴿١٩٩﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا

يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

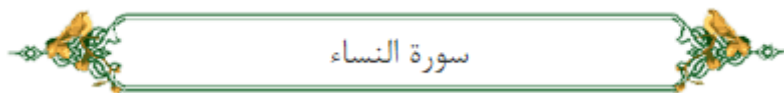
و یقیناً در بین اهل کتاب کسانی اند که به خداوند و به آنچه بر شما نازل شده است، و آنچه بر ایشان نازل شده بطور قطع ایمان می آورند، در حالیکه به خدا فروتنی میکنند. ایشان آیه های خدا را در بهای اندک نمیفروشند. برای ایشان نزد پروردگار شان مزدی است. حقا که خداوند در حساب گرفتن سریع است.

﴿٢٠٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای مؤمنان، شکیبایی ورزید، ثابت قدم باشید، از مرزهای خود مراقبت کنید. و از خدا بترسید تا باشد که رستگار شوید!

(٤) سوره النساء:

مدنی و دارای (١٧٦) آیه است و به معنی (زنان) میباشد. چون احکام متعلق به زنان در این سوره بسیار است، از این جهت آن را سوره «نساء الکبری» و در مقابل آن سوره طلاق را سوره «نساء اقصی» نامیده اند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

ای مردم، از پروردگار خود بترسید، ذاتی که شما را از یک تن آفرید، و همسر وی را از او آفرید، و از آن مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت. و از خدایی بترسید که به (نام) او از یکدیگر تقاضا میکنید، و (از قطع رشته) ذوی الارحام (پرهیز کنید) حقا که خداوند بر شما مراقب است.

﴿٢﴾ وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ ۗ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ ۗ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

به یتیمان (چون به سن رشد رسیدند) دارایی شانرا بدهید، و اموال بد خود را به اموال خوب (یتیمان) تبدیل نکنید. و اموال ایشانرا (بوسیله مخلوط کردن) با اموال خود مخورید، حقا که این گناه بزرگی است.

﴿٣﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ ۗ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا

اگر میترسید که در (امر) یتیمان عدالت کرده نمیتوانید، از زنان مورد پسند خویش دو، سه، یا چار (زن) را نکاح کنید. و اگر میترسیدید که (بین همسران خود) عدالت برقرار کرده نمیتوانید، پس یک زن (بگیرید)، یا از زنانی که مالک آنها هستید (استفاده کنید). این کار شما از ظلم و ستم بهتر جلوگیری میکند.

﴿٤﴾ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً ۗ فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا

برای زنان مهر شانرا بخوشی و رضایت بپردازید، اما اگر قسمتی از آنرا بخوشی خود بشما بخشیدند از آن بخوشی و گوارایی استفاده کنید.

﴿٥﴾ وَلَا تُوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّرْعُوفًا

و اموال خود را که خداوند آنرا (وسیله) قوام (زندگی) شما گردانیده است به بی خردان ندهید. از آن مال ایشانرا بخورانید و بپوشانی، و به ایشان سخن پسندیده بگویید.

﴿٦﴾ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۗ وَلَا

تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبُرُوا ۗ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۗ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ

بِالْمَعْرُوفِ ۗ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

و یتیمان را بیازمایید، تا چون بسن نکاح رسیدند، پس در آن وقت اگر از ایشان احساس رشد کردید، مالهای شانرا به دسترس شان قرار دهید، و با اسراف و شتابزدگی از ترس اینکه مبدا بزرگ شوند (مال شانرا) خرج

نکنید. کسیکه توانگر است از استفاده آن خودداری کند، و کسیکه نادار است از آن به شیوهٔ پسندیده بخورد. و چون دارایی شانرا بدسترس شان قرار میدهد بر ایشان گواه بگیرید. و خداوند در حساب گرفتن بسنده است.

﴿٧﴾ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۗ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

از آنچه از پدر، مادر و خویشاوندان باقی ماند، سهمی است برای مردان. و (هم) از آنچه از پدر، مادر و خویشاوندان باقی ماند سهمی است برای زنان. خواه (دارایی) کم باشد یا زیاد، سهمی تعیین شده.

﴿٨﴾ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

و اگر در وقت تقسیم، خویشاوندان، یتیمان و بی نویان حاضر شوند، برای ایشان از آن چیزی بدهید. و به ایشان سخن پسندیده بگویید.

﴿٩﴾ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

آنها که اگر فرزندان ناتوانی از خود بگذارند، (از آیندهٔ آن) می ترسند، باید (از ستم بر یتیمان) بپرهیزند، باید از خدا بترسند و باید سخن راست بگویند.

﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۗ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

آنهاييکه مالهای یتیمان را بظلم میخورند، بیگمان آتش بشکم خود میخورند (یعنی داخل میکنند)، و به زودی بآتش سوزان داخل میشوند.

﴿١١﴾ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ ۖ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِي ۗ ۖ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ

ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۗ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ۗ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ

كَانَ لَهُ وَلَدٌ ۗ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ۗ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ

الشُّدُسُ ۗ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ ۖ أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ

نَفْعًا ۗ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ ۗ ۖ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

خداوند شما را در مورد اولاد شما سفارش میکند: برای مرد (سهمی) مساوی بسهم دو زن، اگر دختران (دو یا) زیاده از دو (مانده) باشند، دو ثلث متروکه از ایشان است، اگر یک دختر باقی مانده باشد پس برای او نصف است.

اگر (متوفی) از خود فرزندی گذاشته باشد، برای هر یک از پدر و مادر او یک بر ششم میراث (میرسد)، و اگر

فرزندی نگذاشته باشد و پدر و مادر یگانه بازماندگان او باشند، مادر یک ثلث را (میگیرد). اگر متوفی (از خود) برادران (یا خواهران) بجا گذارد، مادر یک بر ششم را میگیرد. (توزیع مال میراث) در همه موارد بعد از ادای

(آنچه را متوفی) وصیت (کرده) و (بعد از ادای) دین صورت میگیرد. شما نمیدانید که پدران شما در نفع

رسانیدن بشما نزدیک تر هستند یا فرزندان شما. سهم تعیین شده ای (است) از جانب خدا، حقا که خداوند دانا

(و) باحکمت است.

﴿١٢﴾ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ ۖ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ ۖ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِي يَوْصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۖ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ ۖ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ ۖ مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّتِي تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۖ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ ۖ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ ۖ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِي يَوْصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ ۖ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ

از آنجا زنان شما از خود بجا میگذارند، هر گاه از ایشان اولادی نمانده باشد نصف آن (بِحیث میراث) بشما میرسد. اما اگر از خود فرزندی بجا گذارند، چهار یک (میراث شان) از آن شما است، البته بعد از ادای آنچه (متوفی) وصیت کرده یا (از او) دین (مانده است)، از آنچه شما (از خود) بجا میگذارید. اگر از شما فرزندی نمانده باشد قسمت زنان یک ربع است. اما اگر فرزندی از خود بجا گذارید، بعد از ادای آنچه وصیت کرده اید و (ادای) دین برای زنان شما هشت یک است. اگر مرد یا زنی (که میراث او مطرح است) کلاله باشد (یعنی نی از وی مادر و پدری مانده باشد، و نی هم اولادی) ولی از خود برادری یا خواهری باقی گذاشته باشد، هر یک ازین دو شش یک میراث را میگیرند، اما اگر (برادر و خواهر باقی گذاشته شده) بیش از دو نفر باشند، ایشان در سه یک (میراث) شریکند، البته بعد از ادای آنچه متوفی وصیت کرده و بعد از (ادای) دین، بشرط آنکه (از طریق وصیت) (بکسی) زبانی نرسد. (این) حکمی است از جانب خدا، و خداوند دانا (و) صاحب حلم است.

﴿١٣﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۖ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

این ها حدود خداوند است. هر که خدا و پیامبر او را اطاعت کند، او را به بهشت هایی داخل میگرداند که در زیر (درختان) آن جوی بارها جریان دارد، در آنجا جاودانه بسر میبرند، و اینست رستگاری بزرگ.

﴿١٤﴾ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و کسیکه خداوند و پیامبر او را نافرمانی کند و از حدود خدا تخطی ورزد، او را به آتشی داخل میگرداند که در آن همیشه بسر برد، و برای او عذابی رسواکننده است.

﴿١٥﴾ وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِّنْكُمْ ۖ فَإِنْ شَهِدُوا

فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

کسانی از زنان شما که به اعمال فحشاء مبادرت میورزند، چهار مرد را از میان خود برایشان شاهد گیرید، و چون (شهود) گواهی دادند، آن زنانی را که علیه شان گواهی داده شده است تا هنگامی به خانه ها محبوس کنید که مرگ ایشانرا دریابد، یا (اینکه) خداوند برای ایشان راهی (دیگر) مقرر نماید.

﴿١٦﴾ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا ۖ فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا

آن دو مردی که در میان شما باعمال فحشاء مبادرت ورزند هر دوی شانرا مجازات کنید. اگر ایشان توبه کنند و اصلاح شوند پس از ادامه مجازات شان خودداری کنید. خداوند بیگمان توبه پذیر (و) مهربان است.

﴿١٧﴾ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

حقا که (پذیرش) توبه بر خداوند برای کسانی است که به نادانی کار های بد میکنند، باز بزودی توبه مینمایند، پس توبه اینها را خداوند میپذیرد، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿١٨﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۗ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

توبه کسانی پذیرفته نمیشود که چون مرگ یکی از ایشانرا دریافت (در آنوقت) بگویند « حالا من واقعاً توبه کردم، « و نی (توبه) کسانی پذیرفته میشود که در حال کفر زندگی را پدرود گویند. برای چنین مردمی مجازاتی بس دردناک را آماده ساخته ایم.

﴿١٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا ۗ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ ۗ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

ای مؤمنان برای شما حلال نیست که زنان را برخلاف میل شان به (حیث) میراث بگیرید، و نی هم ایشان را تحت فشار قرار دهید، تا بدین وسیله قسمتی از مهری را که به ایشان داده اید بازستانید، مگر در حالتی (میتوانید آنها را زیر فشار بگیرید) که بصورت آشکارا مرتکب عمل فحشاء شده باشند. و با زنان خویش بروشی پسندیده رفتار کنید. اگر از ایشان بد میبرید، پس ای بسا که از چیزی بد برید و خداوند در آن خیر بسیاری بگرداند.

﴿٢٠﴾ وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ۗ أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا

اگر بر آن شدید که بعوض همسر (خود) همسری دیگر بگیرید، گرچه به همسر خود (که مقصد طلاق او را دارید) مالی فراوان هم داده باشید، هیچ چیزی را از وی باز نستانید. آیا مال را به (وسیله) تهمت و (به) گناه آشکارا میگیرید؟

﴿٢١﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

و چطور آن (مال) را میگیرید، در حالیکه از یکدیگر کام گرفته اید و از شما (بوسیله عقد نکاح) عهدی محکم گرفته اند؟!

﴿٢٢﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ

سَبِيلًا

و زانی را به نکاح مگیرید که پدران شما نکاح کرده بودند، جز آنچه گذشت، این عمل زشت و خشم انگیز است، و چه بد روشی.

﴿٢٣﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ

الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّن الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي

فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

وَخَالَئِلُ الْأَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

عَفُورًا رَّحِيمًا

برای شما (نکاح) مادران شما، دختران شما، خواهران شما، عمه های شما، خاله های شما، برادرزاده های شما، خواهرزاده های شما، مادران رضاعی شما، خواهران رضاعی شما، خشوهای شما، دختراندرهای شما که در آغوش شما پرورش یافته اند و از آن همسران شما پیدا شده اند که شما از آن همسران کام گرفته اید، حرام است. اما اگر شما (از همسران خویش) کام نگرفته باشید (به نکاح گرفتن دختران شان) بر شما گناهی نیست. نکاح زنان (آن) پسران شما که از پشت شما باشند و (به نکاح گرفتن) دو خواهر در عین وقت (نیز حرام است) مگر آنچه در گذشته مرتکب شده باشید. بی شک خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

جزء یا سپاره پنجم - والمحصنات

﴿٢٤﴾ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ

ذِكْرِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ

فَرِيضَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

همچنان (بر شما نکاح) زنان شوهردار (حرام شده است) مگر آن زنانیکه (بحیث اسیر جنگی) مالک ایشان شده
اید. (اینها) حکم خداست بر شما. بجز اینها (نکاح دیگر زنها) همه برای شما حلال است، در صورتیکه مهر شانرا
بپردازید، آنها را به نکاح درآرید و از زنا خودداری ورزید. و چون از زنان کام جستید، پس مهر شانرا (بحیث یک)
فریضه بپردازید. بعد از تعیین مهر، بر شما گناهی نیست در آنچه با رضایت کامل در باره (کم و یا زیاد کردن)
بعد از تعیین مهر به آن توافق کردید. حقا که خداوند دانا (و) صاحب حکمت است.

﴿٢٥﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ

فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ ۖ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ ۚ فَاذْكُرُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ

وَأْتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ فَاِنَّ

أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ۚ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ

مِنْكُمْ ۚ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

اگر کسی از شما توان آنرا ندارد که زنان (آزاد) پاکدامن مسلمان را نکاح کند، میتوانید از دختران جوان مسلمان
که ایشانرا مالک شده اید (به نکاح بگیرید). و خداوند به ایمان شما داناتر است. شما از یکدیگر هستید (چه برده
باشید و چه آزاد)، ایشانرا به اجازه کسان شان نکاح کنید و مهر آنها را بوجه مناسب بپردازید، (در حالیکه) باعفت
باشند نه آنکه به فحشاء متوسل شوند، و نه هم دوستان نهانی بگیرند. و چون در قید نکاح در آورده شدند، اگر به
فحشاء پرداختند، مجازات شان نیمه مجازات زنان آزاد است. این (اجازه نکاح کنیز) برای کسی از شما است که
از فجور بترسد. و اگر صبر کنید، این برای شما بهتر است، و خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿٢٦﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذِينَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الدِّينِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خداوند میخواهد که برای شما روشهای کسانی را که پیش از شما بوده اند روشن کند و نشان بدهد و شما را
بخشاید، خداوند دانا (و) صاحب حکمت است.

﴿٢٧﴾ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الدِّينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا

خداوند میخواهد که توبه شما را بپذیرد، (ولی) کسانی که از شهوات پیروی میکنند میخواهند که شما بسیار
منحرف شوید.

﴿٢٨﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ ۚ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا

خداوند میخواهد بار شما را سبک گرداند، و انسان ضعیف آفریده شده است.

﴿٢٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

ای مؤمنان دارایی خود را در میان خویش به ناحق مخورید، بلکه باید باساس تجارتي باشد که بارضایت شما صورت گیرد. و خویشتن را مکشید. حقا که خداوند بشما مهربان است.

﴿٣٠﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا ۗ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

اگر کسی این کار را به ناحق و از روی ستم بکند، بزودی ما او را باتش می افکنیم، و این (کار) برای خداوند آسان است.

﴿٣١﴾ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا

اگر شما از گناهان کبیره ایکه از ارتکاب آنها نهی شده اید اجتناب ورزید، گناهان شما را از شما می زداییم، و شما را بمقامی گرامی داخل میکنیم.

﴿٣٢﴾ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ ۗ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا ۗ وَلِلنِّسَاءِ

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ۗ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

برتری هایی را که خداوند به بعض شما نسبت به بعض دیگر ارزانی کرده آرزو مبرید. مردان از چیزی کسب کرده اند بهره ور میشوند، و زنان از چیزی که کسب کرده اند بهره ور میشوند. و از خداوند، از فضل و احسان او بخواهید. حقا که خداوند بهمه چیز دانا است.

﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ۗ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ

نَصِيبَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

برای هر کس از آنچه مادران، پدران و اقارب از دارایی خود گذاشته اند وراثتی قرار داده ایم، و (نیز) بکسانی که با ایشان عهد بسته اید. پس حصه هر کدام شان را بدهید، حقا که خداوند بر هر چیز گواه است.

﴿٣٤﴾ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ

أَمْوَالِهِمْ ۗ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۗ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ

فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ ۗ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ

كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

مردان سرپرست زنان اند (یعنی بر زنان تسلط دارند)، از سبب اینکه خداوند بعض را بر بعض برتری داده است، و (نیز) به این سبب که از مال های خود خرج میکنند. پس زنان نیکوکار فرمان بردارند، و در غیاب (شوهر خود مال و آبروی او را) به نگهبانی خدا پاسداری میکنند. و زنانیکه از بدخویی شان میترسید، پس آنها را (نخست)

نصیحت کنید، و (باز) ایشان را در بستری جدا (از بستر خویش) قرار دهید، (باز) ایشان را (به آهستگی) بزنید. به اینترتیب اگر ایشان شما را فرمان بردند، پس راهی (برای الزام) بر ایشان مجوید. حقا که خداوند بلند (مرتبه و) بزرگ است.

﴿۳۵﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

اگر از اختلاف بین شان ترسیدید، پس حکمی از وابستگان مرد و حکمی از وابستگان زن بفرستید، اگر اراده اصلاح داشته باشند، خداوند بین شان موافقت می آرد. حقا که خداوند دانا (و) آگاه است.

﴿۳۶﴾ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا

و خدا را پرستش کنید و به او چیزی را شریک میاورید، و با پدر و مادر خویش نیکویی ورزید و (نیز) با خویشاوندان، یتیمان، نیازمندان، همسایگان خویشاوند، همسایگان بیگانه، همنشین نزدیک، وامانده در راه و به برده هاییکه مالک شان هستید. حقا که خداوند متکبر خودستا را دوست ندارد.

﴿۳۷﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

آنها ییکه بخل می ورزند و مردم را به بخل فرا میخوانند، و آنچه را خداوند از فضل خویش به آنها عطاء کرده است پنهان میکنند، بیگمان ما برای کافران عذابی اهانت آمیز مهیا ساخته ایم.

﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

و آنها ییکه دارایی شانرا (ریاکارانه) مصرف میکنند تا (آنها) بمردم نشان دهند، و نی به خداوند و نی هم به روز آخرت ایمان دارند، کسیکه شیطان یار او باشد، پس چه بد یاری است (شیطان)؟!

﴿۳۹﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا

و آیا چه (زیانی) بر آنها (وارد) میشد اگر به خدا و روز آخرت ایمان می آوردند، و از آنچه خداوند به ایشان روزی نموده خرج میکردند، و خداوند به (حال) ایشان دانا است.

﴿۴۰﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۗ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

حقا که خداوند بقدر ذره ای (هم) ظلم نمیکند، اگر (عمل) نیکی باشد آنها دوچندان میگرداند، و از نزد خود مزدی بزرگ میدهد.

﴿٤١﴾ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا

چگونه خواهد بود آنگاه که ما از هر قوم گواهی بیاوریم، و ترا گواه بر اینها بیاوریم.

﴿٤٢﴾ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا

در آنروز آنانیکه کافرند و پیامبر را نافرمانی کردند، (آرزو میکنند) ایکاش زمین با ایشان یکسان میشد، و ایشان هرگز سخنی را از خداوند پوشانیده نمیتوانند.

﴿٤٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا

عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا ۗ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا

ای مؤمنان، در حالیکه نشه هستید به نماز نزدیک مشوید، تا هر آنچه را میگویید بدانید، و نی هم در حال جنابت (بنماز نزدیک شوید)، مگر آنکه عبور کننده از راه (یعنی مسافر) باشید، تا اینکه غسل نمایید. اگر مریض یا به سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان مباشرت ورزیدند، و آب نیافتید، پس بخاک پاک تیمم کنید، (به این ترتیب که) با آن روها و دستهای خود را مسح کنید. خداوند بیگمان بخشایشگر (و) آمرزگار است.

﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الصَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ

آیا بسوی کسانی ندیدی که برای شان بهره از کتاب داده شده بود؟ ایشان گمراهی را میخرند و میخواهند شما (نیز) گمراه شوید.

﴿٤٥﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا

خداوند به (حال) دشمنان شما داناتر است، خداوند بحیث کارساز بسنده است و خداوند بحیث مددگار بسنده است.

﴿٤٦﴾ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ

وَرَاعِنَا لَيًّا بِالْسُنْتِهَا وَطَعْنَا فِي الدِّينِ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعُ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

از یهودیان کسانی هستند که کلمات را از جاهای (درست) آنها تحریف کرده میگویند « میشنویم و نافرمانی میکنیم. » و بشنو که هرگز شنونده نشوی. و با پیچانیدن زبانهای خویش طعنه زنان بدین (میگویند) « راعنا. » اما اگر ایشان میگفتند: « میشنویم و فرمان میبریم » و « بشنو و بسوی ما نظر کن » (این کار) برای شان بهتر و مناسب تر میبود، مگر خداوند به ایشان به سبب کفر شان لعنت کرد، پس ایمان نمی آورند مگر تعداد کم ایشان.

﴿٤٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا

فَنَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ ۗ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

ای کسانی که بشما کتاب داده شده است، به آنچه ما نازل کردیم و تصدیق کننده کتابی است که با شما است ایمان آرید، پیش از اینکه (صورت) روهای (بعضی از شما) را محو کنیم، و آنها را بر پشت سر بگردانیم، یا آنها را لعنت کنیم چنانچه اهل « سبت » (نقض کنندگان مقررات شنبه) را لعنت کردیم، و فرمان خدا حتماً عملی شدنی است.

﴿٤٨﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ

إِثْمًا عَظِيمًا

خداوند هرگز این را نمی آمرزد که به او شریک آورده شود، و جز این (هر گناهی را) برای هر کسیکه بخواهد می آمرزد. و کسیکه به خدا شریک آرد، بیگمان (با این افتری) گناه بزرگی را مرتکب شده است.

﴿٤٩﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُرْكَبُونَ أُنفُسَهُمْ ۗ بَلِ اللَّهُ يُرْكَبُ مِنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

آیا بسوی کسانی ندیدی که نفس خویش را ترکیه میکنند؟ بلکه خداوند هر کسی را بخواهد پاک میگرداند و به ایشان کمترین ستمی نمیشود.

﴿٥٠﴾ انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۗ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا

بین، چطور ایشان بر خداوند این دروغ را افتری میکنند؟! و این (امر بحیث) گناه آشکار بسنده است.

﴿٥١﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

هُؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا

آیا بسوی کسانی ندیدی که به ایشان بهره ای از کتاب داده شد: به « جبت » و « طاغوت » میگردند (یعنی به بتها و شیطان تعظیم میکنند) و به کافران میگویند که ایشان نسبت به مسلمانان رهیاب تر اند؟!

﴿٥٢﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۗ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا

آنها کسانی اند که خداوند ایشان را لعنت کرده است، و کسی را که خداوند لعنت کند، هرگز برای او مددگاری نمی یابی.

﴿٥٣﴾ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا

آیا ایشان را در پادشاهی (و یا قدرت) سهمی است؟ پس درین صورت کمترین چیزی ب مردم نمیدهند.

﴿٥٤﴾ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَأَتَيْنَاهُم مَّلَكًا عَظِيمًا

یا ب مردم بسبب آنچه خداوند به ایشان از فضل خود داده حسد میورزند، در حالیکه ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت را داده و به ایشان سلطنت عظیم ارزانی داشتیم.

﴿۵۵﴾ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ ۗ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا

پس بعضی از ایشان بآن ایمان آوردند و بعضی از ایشان از وی روی برگردانیدند، و دوزخ به حیث آتشی فروزان بسنده است.

﴿۵۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا

لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

آنانی را که آیات ما را تکذیب کردند بزودی در آتش می افکنیم، هر باری که پوست بدن شان بسوزد آنرا به پوست دیگری تبدیل میکنیم تا عذاب را بچشند، حقا که خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۵۷﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

أَبَدًا ۗ لَهُمْ فِيهَا أزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ ۗ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

کسانیکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام دادند، ما بزودی ایشان را در بهشت هایی راه میدهم که در زیر (درختان) آنها جوی بارها جاری است، در آن جاودانه بسر میبرند، و در آنجا برای ایشان همسران پاکیزه میباشد، ایشان را در سایه پاینده جا میدهم.

﴿۵۸﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا

بِالْعَدْلِ ۗ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

خداوند به شما امر میکند که امانت ها را به اهل آنها بسپارید، و چون بین مردم حکمیت میکنید، قضاوت عادلانه بنمایید. حقا که خداوند بشما پند و اندرزهای خوبی میدهد. بیشک که خداوند شنوا (و) بینا است.

﴿۵۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۗ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

ای مؤمنان! خدا را فرمان برید و پیامبر را فرمان برید، و کسانی از قوم خود را (فرمان برید) که اولی الامر شمايند. هرگاه بر چیزی در میان خود اختلاف ورزیدید آنرا به خداوند و پیامبر او ارجاع کنید، اگر به خداوند و بروز آخرت ایمان دارید، این کار بهتر و نیک فرجام تر است.

﴿۶۰﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا

إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

آیا بسوی کسانی ندیدی که گمان میکنند به آنچه به تو و به کسان پیش از تو نازل شده ایمان دارند، در حالیکه میخواهند حکمیت را به شیطان محول کنند؟ با اینکه به ایشان حکم شده تا از پیروی شیطان خودداری ورزند، شیطان میخواهد که ایشانرا در نهایت گمراهی قرار دهد.

﴿٦١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

و چون به ایشان گفته شود « به سوی آنچه خداوند نازل گردانیده و بسوی پیامبر بیایید، » منافقان را می بینی که روی خود را از تو (با کینه توزی) میگردانند.

﴿٦٢﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا

وَتَوْفِيقًا

پس چطور است وقتیکه بمصیبتی برسند که از پیش بدست خود انجام داده اند، سپس پیش تو بیایند (و) به خداوند سوگند یاد کنند که « مقصد ما جز نیکی و موافقت چیزی دیگر نبوده است »؟!

﴿٦٣﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا

بَلِيغًا

ایشان کسانی اند که خداوند آنچه در دلهای شان است میداند، لذا از ایشان اعراض کن، آنها را پند بده، و به ایشان در حق خودشان سخن مؤثری بگویی!

﴿٦٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا

اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه مطابق بفرمان خدا از او اطاعت شود. اگر آنها هنگامیکه بخود ظلم کرده بودند به نزد تو می آمدند، و آمرزش خدا را طلب میکردند، و پیامبر برای شان آمرزش می طلبید، واقعاً خدا را توبه پذیر (و) مهربان می یافتند.

﴿٦٥﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا

قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

اما نخیر، به پروردگار تو سوگند که ایشان ایمان نمی آورند (یعنی مؤمن راستین شمرده نمیشوند) تا ترا در تمام منازعات خود حکم سازند، و سپس در برابر فیصله های تو هیچ احساس دلتنگی نکنند، و (به این فیصله ها) باکمال انقیاد تسلیم شوند.

﴿٦٦﴾ وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِن دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ ۗ وَلَوْ

أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا

اگر ما به ایشان (بمانند امت های پیش) امر میکردیم که خود را بکشید یا از وطن خود بیرون شوید، این کار را نمی کردند مگر عده محدودی از ایشان. اما اگر ایشان آنچه را برای شان پند داده میشود (واقعاً) انجام دهند، حقا که این برای شان بهتر است و باعث تقویت (ایمان) شان میگردد.

﴿٦٧﴾ وَإِذَا لَأَتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا

و در آنصورت البته برای شان از نزد خود مزدی بزرگ میدادیم.

﴿٦٨﴾ وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

و بیشک به آنها راه راست را نشان میدادیم.

﴿٦٩﴾ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ

وَالصَّالِحِينَ ۗ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

و کسیکه خداوند و پیامبر او را فرمان برد، پس او در زمره کسانی است که خداوند برایشان نعمت هایی ارزانی کرده است، از پیامبران، صدیقان، شهیدان و راستکاران؛ و چه دوستان نیکویی!

﴿٧٠﴾ ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا

این است فضلی از جانب خداوند و خداوند بحیث دانا بسنده است.

﴿٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا

ای مؤمنان، آمادگی خود را (در برابر دشمن) بگیرید، و (با در نظرداشت شرایط به جهاد) گروه گروه بیرون شوید یا همه یکجا بیرون شوید.

﴿٧٢﴾ وَإِن مِّنكُمْ لَمَن لَّيَبْطِئَنَّ فَإِن أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالِ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَعَهُمْ

شَهِيدًا

یقیناً در بین شما کسی هست که آهنگ جهاد را بطی میسازد، اگر بشما مصیبتی عاید شود میگوید « خداوند بر من منت نهاد که در میان ایشان حاضر نبودم. »

﴿٧٣﴾ وَلَئِن أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا

اما اگر بشما فضلی از جانب خداوند عاید شود، به یقین میگویند - تو گویی میان شما و ایشان هرگز پیوندی از محبت وجود نداشته است - « ای کاش من با ایشان می بودم، تا ازین پیروزی بزرگ بهره ور میگشتم. »

﴿٧٤﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۗ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

پس در راه خدا باید کسانی بجنگند که زندگی این دنیا را در برابر آخرت میفروشند. کسی که در راه خدا میجنگد (خواه) کشته میشود یا پیروز میگردد، بزودی ما به او مزدی بزرگ میدهیم.

﴿٧٥﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

و چرا شما در راه خدا نجنگید؟! و برای (نجات) بیچارگانی از مردان، زنان و کودکان که میگویند: « پروردگار ما، ما را ازین دیاری که مردم آن ستمکارند بیرون آر، و برای ما از جانب خود سرپرستی را (مقرر) گردان، و برای ما از جانب خود مددگاری را (تعیین) گردان! »

﴿٧٦﴾ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ

الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

مؤمنان در راه خدا میجنگند، و کافران در راه شیطان میجنگند، پس شما با دوستان شیطان بجنگید. واقعاً (حیله و) نیرنگ شیطان ضعیف است.

﴿٧٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ

الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۖ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا

الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا يُظْلَمُونَ

فَتِيلًا

آیا بسوی کسانی ندیدی که برای شان گفته شد « دستهای خود را (از جنگ) باز دارید، و نماز را بتمام و بکمال برپا دارید و زکات را بپردازید، » پس چون برایشان حکم جنگ صادر شد، ناگاه گروهی از ایشان از مردم باندازه ای ترسیدند که میبایست از خدا بترسند، یا ترس بیشتری؛ آنها گفتند: « پروردگار ما، چرا بر ما جنگ را فرض گردانیدی؟! یکاش ما را تا مدت کوتاهی مهلت میدادی. » بگو: « متاع این دنیا اندک است و آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، و در حق ایشان کوچکترین ستمی نمیشود. »

﴿٧٨﴾ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ۚ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ ۚ قُلْ كُلُّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ فَمَالِ هَؤُلَاءِ

الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

در هر جایکه باشید مرگ شما را در می یابد، اگر چه در برج های مستحکمی باشید. اگر به ایشان خوبی برسد، میگویند «این از جانب خداوند است، » اما اگر به ایشان بدی عاید شود، (خطاب به پیامبر) میگویند « این از جانب توست. » بگو « همه چیزها از جانب خدا است. » پس این مردم را چی شده است که از فهم سخن بدور اند؟! »

﴿٧٩﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ ۗ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

(ای انسان) هر آنچه بتو از خوبی رسیده از جانب خداوند است. ولی هر آنچه بتو از بدی رسیده از جانب خود تو است. ما ترا بحیث پیامبر برای مردم فرستادیم و خداوند به حیث گواه بسنده است.

﴿٨٠﴾ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۗ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

هر کی پیامبر را فرمان میبرد، پس حقا که خداوند را فرمان برده است. و کسیکه اعراض میکند، پس ما ترا (بحیث) نگهبان برایشان نفرستادیم.

﴿٨١﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ ۗ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ ۗ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

ایشان (بزبان خود) میگویند « ما فرمانبرداریم، » اما وقتیکه از نزد تو بیرون میروند، گروهی از ایشان شب را به حرفهای غیر آنچه تو میگویی میگذرانند. خداوند (دسایس) شبانه شانرا (در نامه اعمال شان) مینویسد. از ایشان روی برگردان و به خدا توکل نما، و خداوند بحیث کارساز بسنده است.

﴿٨٢﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۗ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

آیا در قرآن غور نمیکنند؟! اگر این (کتاب) از جانب غیر خداوند میبود، البته در آن اختلاف زیادی می یافتند.

﴿٨٣﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ ۗ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ

مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ۗ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

هنگامیکه به ایشان خبری از امن یا ترس بیاید، آنرا افشاء میکنند. اگر آنرا به پیامبر و کسانی که از میان خودشان صاحب صلاحیت میباشند ارجاع میکردند، بیگمان کسانی که در زمینه قدرت تحلیل مسایل را دارند میدانستند (کدام خبر قابل افشاء و کدام خبر در خور اخفاء است). و اگر فضل و مرحمت خداوند بر شما نمی بود، جز تعداد کمی از شما همه از شیطان پیروی میکردید.

﴿٨٤﴾ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ ۗ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ عَسَى اللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ

الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا

پس در راه خدا پیکار کن، تو صرف در مورد خود مکلف هستی، و مسلمانان را (به این امر) تشویق کن. شاید خداوند شدت کارزار کافران را باز دارد. خداوند (هم) در قدرت خود و (هم) در مجازات خویش شدید تر است.

﴿٨٥﴾ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا ۗ وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ

مِنْهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

کسیکه به امرِ نیکویی سفارش میکند، برایش بهره ای از (ثواب) آن داده میشود. و کسیکه به امر ناشایسته ای سفارش کند، برایش سهمی از (گناه) آن داده میشود. و خداوند بر هر چیز نگهبان و توانا است.

﴿۸۶﴾ وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

چون سلام گفته شوید به سلامی، پس نیکوتر از آن سلام گوید یا بمثل آن. حقا که خداوند همه چیزها را محاسبه میکند.

﴿۸۷﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

خداوند، معبودی جز او نیست. یقیناً همه شما را در روز قیامت که در آن شکی نیست جمع میکند، و کیست که در سخن خویش از خدا راستگوتر باشد؟!

﴿۸۸﴾ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَركَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا ۗ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ

اللَّهُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

پس شما را چی شده است که در مورد منافقان دو فرقه شدید؟! خداوند ایشانرا در برابر اعمال (مفسدانه) شان نگونسار گردانید. آیا میخواهید کسانیرا که خداوند گمراه کرده است رهیاب سازید؟ و کسی را که خداوند گمراه سازد برای او راهی یافته نمیتوانی.

﴿۸۹﴾ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً ۗ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ ۗ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

آنها دوست دارند که شما هم کافر شوید همانطوریکه ایشان خود کافر شدند. و به این ترتیب با هم برابر شوید. پس شما از ایشان دوستانی نگیرید، تا در راه خدا مهاجرت کنند. و اگر روی برتابند، پس در هر جاییکه آنها را می یابید، بگیری و بکشید، و از آنها کسی را دوست و مددگار نگیرید.

﴿۹۰﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتِ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ

أَوْ يَقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ ۗ فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يَقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا

إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

جز کسانیکه با قومی پیوست شوند که بین آن قوم و شما معاهده (صلح) برقرار است، یا کسانیکه بسوی شما می آیند و از جنگ با شما و همکاری در جنگ با مردم خود شان، که در برابر شما صورت میگیرد، دلتنگ شده اند.

اگر خداوند میخواست، ایشانرا بر شما مسلط میساخت، پس با شما جنگ میکردند. بنابراین اگر ایشان از شما کناره گیرند و با شما جنگ نکنند، و (در عوض) بشما پیشنهاد صلح کنند، در آن صورت خداوند برای شما در برابر ایشان راهی (برای جنگ) نداده است.

﴿٩١﴾ سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا ۚ فَإِنْ لَمْ يَعْتَرِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَفْتَنُوهُمْ ۗ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

عده دیگری را در خواهید یافت که میخواهند تا (با منافقت) هم از (ناحیه) شما در امان باشند و هم از (ناحیه) قوم خود در امان باشند. هر باریکه به فتنه باز می گردند (به قریش می پیوندند)، در آن (جامعه فسادبار) سرنگون میگردند. اگر از (جنگ با) شما کناره نگیرند و بشما (تضمینات) صلح ندهند و ازین فتنه انگیزی دست بردار نشوند، پس در هر جایکه ایشان را می یابید بگیرید و بکشید. آنهایند که شما را در برابر ایشان تسلطی آشکار داده ایم.

﴿٩٢﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً ۚ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا ۗ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۗ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۗ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

برای هیچ مسلمان (مجاز) نیست که مسلمانی دیگر را بکشد مگر (بگونه) خطاء. و کسیکه مسلمانی را به خطاء بکشد، پس (کفاره آن) آزاد کردن برده مسلمانی است و خون بهایی پرداخته شده ای به خانواده او مگر آنکه ابراء دهند. اگر (مقتول) از قوم دشمن شما بود، در حالیکه مسلمان بود، پس (کفاره آن) آزاد ساختن برده مسلمان است. و اگر مقتول از قومی بود که میان شما و ایشان پیمانی برقرار بود، پس بر شما خونبهایی است پرداخته شده به خانواده او و (نیز) آزاد ساختن برده مسلمان است. کسیکه (به این چیزها دسترس) نیابد، پس بر وی روزه دو ماه متوالی از جانب خداوند بحیث توبه است، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٩٣﴾ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

و هر کی مسلمانی را عمداً بکشد، پس جزای او دوزخ است، در آنجا برای همیشه (بسر میبرد)، خداوند بر او خشمگین شده است، او را لعنت کرده است و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است.

﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ ۗ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ای مؤمنان، وقتی در راه خدا (قدم) زدید (یعنی سفر کردید)، پس دقت کنید و به کسی که بشما (برای نشان دادن مسلمانی خود) سلام میدهد، مگویید «مسلمان نیستی.» «(در حالیکه) مال و متاع فانی دنیوی را میجویید، پس در نزد خداوند غنیمت های فراوانی وجود دارد. خود شما نیز پیش ازین چنین بودید، پس خداوند بر شما منت گذاشت. اکنون دقت کنید. حقا که خداوند بآنچی میکنید آگاه است.

﴿٩٥﴾ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۖ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً ۗ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى ۗ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

آن مسلمانانیکه مینشینند (یعنی از جهاد خود را کناره میکنند)، در حالیکه معذرتی هم ندارند، با کسانیکه بمال و جان خود در راه خدا جهاد میکنند مساوی نیستند. خداوند برای کسانیکه بمال و جان خود جهاد میکنند، نسبت به کسانی که نشسته اند (یعنی از جهاد خود را کناره کرده اند) درجه برتری داده است. خداوند برای همه شان وعده (پاداش) نیک کرده است، ولی مجاهدان را نسبت به کسانی که نشسته اند (یعنی از جهاد خود را کناره کرده اند) با مزدی بزرگ برتری داده است.

﴿٩٦﴾ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

درجاتیکه از جانب او عطاء شده، و آمرزش و مرحمتی، و خداوند آمرزگار مهربان است.

﴿٩٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ ۗ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا ۗ فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

آنهاييکه بر خود ستم کرده اند، چون فرشتگان جان شانرا ميگیرند، به ايشان ميگویند « شما در چي حالي بوديد؟ » آنها جواب ميدهند « ما در روي زمين ناتوان (و مظلوم) بوديم. » فرشتگان ميگویند « آيا زمين خداوند فراخ نبود تا شما در آن هجرت ميکرديد؟! » پس آنها جای شان دوزخ است، و چي بد انجामी!

﴿٩٨﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا

مگر ناتوانان از مردان، زنان و کودکان که نی وسیله ای دارند و نی هم راهی را می یابند.

﴿٩٩﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا غَفُورًا

پس چنین مردمی امید است که خداوند از ايشان عفو کند. و خداوند عفو کننده (و) آمرزگار است.

﴿١٠٠﴾ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً ۗ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ

مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

و کسیکه در راه خدا هجرت میکند، در زمین جاهای بسیار و گشایشی می یابد. اگر کسی از خانه خود بچیت مهاجر در راه خدا و پیامبر او بیرون میشود و سپس مرگ دامنگیرش میشود، حقا که مزد او بر خداست، و خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿۱۰۱﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا

هنگامیکه در زمین (قدم) میزنید (یعنی سفر میکنید)، بر شما گناهی نیست اگر (قسمتی) از نماز را کوتاه کنید، در صورتیکه ازین ترس داشتید که کافران شما را به فتنه می اندازند. بیگمان کافران برای شما دشمن آشکار اند.

﴿۱۰۲﴾ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۗ وَالدِّينَ كَفَرُوا لَوْ تَعْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۗ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

و هنگامیکه تو در میان شان باشی و نماز را برای شان برپا کنی، باید یک دسته از ایشان با تو (بنماز) ایستاده شوند و اسلحه خود را بگیرند، هنگامیکه آنها سجده خود را بیپایان رسانیدند در عقب شما اخذ موقع کنند، و (آنگاه) دسته دیگر که هنوز نماز را اداء نکرده اند بیایند و نماز را با تو اداء کنند، و باید امنیت و سلاح خویش را بگیرند. کافران میخواهند که اگر شما از سلاح و مهمات خویش غافل شوید، بر شما بیکبارگی حمله کنند. اگر بشما اذیتی از باران یا مریضی باشد، بر شما گناهی نیست که سلاح خود را بگذارید، (ولی) امنیت خود را بگیرید. حقا که خداوند برای کافران عذاب اهانت آمیز را آماده کرده است.

﴿۱۰۳﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ۗ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۗ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

و هنگامیکه نماز را اداء کردید، پس خداوند را (در حال) ایستاده، نشسته و افتاده بر پهلوئی خویش یاد کنید. اما چون ایمن شدید، نماز را (بصورت معمول) برپا دارید. بیگمان نماز بر مسلمانان در اوقات معین آن فرض است.

﴿۱۰۴﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۗ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ ۗ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

و در تعقیب این مردم سستی نکنید، اگر شما دردمند میشوید ایشان نیز دردمند میشوند بهمانگونه که شما دردمند میشوید. اما شما از خداوند چیزی را امیدوار هستید که ایشان امید ندارند، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿۱۰۵﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ

خَصِيمًا

ما به تو کتاب را براستی فرورستادیم تا بین مردم، مطابق به آنچه خداوند ترا آگاه ساخته، حکم کنی. و از کسانی مباش که از خیانتکاران حمایت میکنند.

﴿۱۰۶﴾ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

و از خداوند آمرزش بخواه، حقا که خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿۱۰۷﴾ وَلَا تَجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

از (جای) کسانی که بخود خیانت میکنند مجادله مکن. حقا که خداوند کسی را که خیانت پیشه و گنهگار باشد دوست ندارد.

﴿۱۰۸﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ

الْقَوْلِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا

ایشان (بن خیانتهای را) از مردم پنهان میکنند، ولی از خدا پنهان نمکنند، در حالیکه چون در مجالس شبانه خویش بحرفهای ناخوش آیند میپردازند خدا با ایشان است. و خداوند بهر عملی که آنرا مرتکب میشوند احاطه دارد.

﴿۱۰۹﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَن

يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا

درست است که شما از (جای) ایشان در زندگی این دنیا مجادله میکنید، پس کیست که از (جای) ایشان در روز قیامت در برابر (حکم) خداوند مجادله کند؟ یا کیست که برای شان کارساز باشد؟!

﴿۱۱۰﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

هر کسی که کار ناشایسته ای را مرتکب شود یا بر خود ستم نماید، و بعداً آمرزش خدا را بخواهد، خداوند را آمرزگار مهربان می یابد.

﴿۱۱۱﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

و کسی که گناهی را مرتکب شود زیان آن بخودش میرسد، و خداوند دانا و باحکمت است.

﴿۱۱۲﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

و کسیکه مرتکب خطا یا گناهی شود، و آنرا بر (آدم) بی گناهی (تهمت) زند، پس او واقعاً آن تهمت و آن گناه آشکار را بر دوش گرفته است.

﴿۱۱۳﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ ۗ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ ۗ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۗ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا

و اگر فضل و مرحمت خداوند بر تو نمی بود، واقعاً گروهی از ایشان در صدد آن بودند که ترا گمراه کنند. اما (در حقیقت) ایشان جز خویشتن (کسی دیگر) را گمراه نمیکنند، و به تو کمترین زیانی عاید کرده نمیتوانند. خداوند بر تو کتاب و حکمت را فرو فرستاده، و آنچه را نمیدانستی بتو آموخت. و فضل خداوند بر تو بزرگ است.

﴿۱۱۴﴾ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

در بسا از گفتگوهای محرمانه (یعنی سرگوشی) شان خیری نیست مگر آن که کسی به صدقه ای یا عمل نیکی یا مصالحه ای بین مردم امر کند، و کسی که این کار را برای طلب رضای خداوند میکند، بزودی برای او مزدی بزرگ خواهیم داد.

﴿۱۱۵﴾ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ ۗ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

و هر کی با پیامبر مخالفت کند، بعد از آنکه برای او راه راست روشن شده است و راهی جز (راه) مسلمانان را پیروی کند، او را به همان راهیکه برگزیده است وا می گذاریم، و بدوزخش می اندازیم، و چه بد سرنوشتی است دوزخ؟!

﴿۱۱۶﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

حقا که خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی آمرزد، ولی سواى شرک هر کسی را که بخواهد می آمرزد، و کسیکه به خدا شرک آرد بیگمان بسیار گمراه شده است.

﴿۱۱۷﴾ إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا

(مشرکان) نیایش نمیکنند مگر زنان را (یعنی بتانی را که بنام زن نام گذاری کرده اند)، و ایشان صدا نمیکنند مگر شیطان سرکش را.

﴿۱۱۸﴾ لَعْنَةُ اللَّهِ ۗ وَقَالَ لَاتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

خداوند او را لعنت کرد، او گفته است: « بیگمان من از بندگان تو حصه ای معینی را میگیرم. »

﴿۱۱۹﴾ وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيَّتْهُمْ وَلَا مَرَّيْتُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّيْتُمْ فَلْيَعْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا

« واقعاً من ایشان را گمراه میکنم و من ایشان را بر آرزو فریفته میسازم، به ایشان امر میکنم تا گوش های چارپایان را بشگافند، و به ایشان امر میکنم تا آفرینش خدا را تغییر دهند. » و هر کسی که شیطان را بجای خدا دوست بگیرد، حقا که زبانی آشکار را مرتکب شده است.

﴿۱۲۰﴾ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

شیطان به ایشان وعده میدهد، و ایشان را بآرزو فریفته میسازد. و شیطان به ایشان جز فریب وعده نمیکند.

﴿۱۲۱﴾ أُولَئِكَ مَاوَأَهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

این (فریب خورده) ها، جایگاه شان دوزخ است، و از آن گریزگاهی نمی یابند.

﴿۱۲۲﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

أَبَدًا ۗ وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا ۗ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

ولی آنهاییکه ایمان آوردند و کارهای نیکو نمودند، بزودی ایشان را به بهشت هایی داخل میکنیم که در زیر (درختان) آنها جوی بارها جریان دارد، و در آنجا جاودانه بسر میبرند. وعده خداوند حق است، و آیا کسی از خداوند راستگو تر بوده میتواند؟!

﴿۱۲۳﴾ لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ ۗ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

(کار) نه بر وفق آرزوهای شما است، و نه هم بر وفق آرزوهای اهل کتاب؛ کسیکه کار ناشایسته ای انجام دهد مطابق بآن مجازات میشود، و برای خود جز خدا دوست و مددگاری نمی یابد.

﴿۱۲۴﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

و کسیکه از کارهای نیکو انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، و صاحب ایمان (هم) باشد، پس چنین مردمی به بهشت داخل میشوند، و به ایشان کوچکترین ستمی نمیشود.

﴿۱۲۵﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

و کیست نیکوتر در دین (خود) از کسی که تمام هستی خویشرا به خدا تسلیم کرده، و (در عین حال) نیکو کار نیز هست، و از آیین خالص و پاک ابراهیم پیروی میکند. و خداوند ابراهیم را (بحیث) دوست گرفت.

﴿١٢٦﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا

و هر آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خداست، و خداوند بهمه چیز احاطه دارد.

﴿١٢٧﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ ۗ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَىٰ

النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن

تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

از تو در باره زنان میپرسند، بگو « خداوند به شما در کتابیکه بشما تلاوت میشود در مورد (رعایت حال) ایشان سفارش میکند، و (نیز در مورد) یتیمان زنانیکه به ایشان حقوق معین شده شانرا نمیدهید و میخواهید ایشانرا نکاح کنید، و (نیز در مورد) کودکان ناتوان، و اینکه در مورد یتیمان عدالت را برپا دارید، و هر عمل نیکویی که انجام میدهید، پس حقا که خداوند به آن دانا است. »

﴿١٢٨﴾ وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا

صُلْحًا ۗ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ۗ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ ۗ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا

تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

و اگر زنی از رویه زشت یا اعراض همسرش بترسد، برایشان گناهی نیست که در بین خویش به گونه ای مصالحه کنند، و صلح بهتر است. (هر چند) در نهاد انسان آز همیشه حضور دارد، ولی اگر از احسان کار بگیری و پرهیزگاری ورزید، پس حقا بانچی میکنید خداوند آگاه است.

﴿١٢٩﴾ وَلَن تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ ۗ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا

كَالْمُعَلَّقَةِ ۗ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

هرگز نمیتوانید بین زنان عدالت کنید هر چند به آن (از دل و جان) بکوشید. ازینرو (از همسر خود) طوری رو مگردانید که وی را بمانند زن در حال تعلیق قرار دهید. اگر راه اصلاح و پرهیزگاری را پیش گیرید، پس حقا که خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿١٣٠﴾ وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا

و اگر (زن و شوهر) از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر کدام را به (اساس) گشایش خویش بی نیاز میسازد، و خداوند گشایش گر (و) باحکمت است.

﴿١٣١﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ

وَإِيَّاكُمْ أَن اتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا

حَمِيدًا

هر آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. بی شک، اهل کتاب را پیش از شما و (نیز) شما (مسلمانان) را توصیه کردیم که از خدا بترسید. اما اگر کافر شوید، پس بیگمان هر چیزیکه در آسمانها و در زمین است از خداست، و خداوند بی نیاز است و ستوده.

﴿۱۳۲﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

و هر آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند در کارسازی بسنده است.

﴿۱۳۳﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا

اگر بخواهد، شما را - ای مردم - از بین میبرد، و (مردمی) دیگر می آفریند، و خداوند بر اینکار قدرت دارد.

﴿۱۳۴﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

کسی که پاداش این دنیا را میخواهد، در نزد خداوند پاداش این جهان و پاداش آخرت (هر دو) موجود است. و خداوند شنوا و بینا است.

﴿۱۳۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ

وَالْأَقْرَبِينَ ۗ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۗ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا ۗ وَإِنْ تَلُوتُوا أَوْ

تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ای مؤمنان، بر انصاف استوار و برای خدا گواه باشید، اگر چی بضرر خود شما، یا پدر و مادر شما، یا نزدیکان شما باشد. اگر توانگر یا نادار باشد، پس خدا به ایشان (به هر حال) سزاوارتر است. پس به پیروی هوای نفس خود از عدالت سربچی مکنید. و اگر شما (گواهی را در بین دهان خود طوری) بیجانید (که حقیقت پوشیده بماند) یا (از ادای گواهی) روی برگردانید، پس بدون شک خداوند بر آنچه میکنید آگاه است.

﴿۱۳۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ

مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

ای مؤمنان! به خدا، به پیامبرش و به کتابی که با پیامبرش نازل گردانیده و (نیز) به کتابی که پیش از این نازل کرده است، (از صدق دل) ایمان آرید. و هر کسیکه از خدا، فرشتگان او، کتب او، پیامبران او و روز آخرت انکار ورزد، واقعاً بسیار زیاد گمراه شده است.

﴿۱۳۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ كَفَرُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا

لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا

کسانیکه ایمان آوردند باز کافر شدند، و باز (بار دیگر) ایمان آوردند و باز (هم) کافر شدند، و سپس به کفر ادامه دادند، خداوند هرگز ایشان را نمی آمرزد، و هرگز ایشانرا براه (راست) هدایت نمی نماید.

﴿۱۳۸﴾ بَشَرٍ الْمُنَافِقِينَ ۖ إِنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

به منافقان مژده بده بآنکه بدون شک برای شان عذابی دردناک است.

﴿۱۳۹﴾ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

آنهاییکه کافران را بعوض مسلمانان بحیث دوستان شان میگیرند، آیا از نزد شان عزت میخواهند؟! پس واقعاً عزت به تمام و کمال از آن خداوند است.

﴿۱۴۰﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

واقعاً (پیش ازین) بشما (این حکم را) در کتاب نازل کرده است که هرگاه بشنوید که از آیات خداوند انکار میشود و به آن تمسخر صورت میگیرد، پس با ایشان (یعنی کسانیکه مرتکب این عمل میشوند) منشینید، تا اینکه به سخنی دیگر بپردازند. (ورنه) شما هم درین حال مثل ایشان هستید. حقا که خداوند منافقان و کافران – همه را – در دروزخ جمع میکند.

﴿۱۴۱﴾ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْذِ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ۗ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

آنها مترصد شمايند؛ پس چون بشما پیروزی از جانب خدا نصیب شد، گفتند « آیا ما با شما نبودیم؟ » اما اگر برای کافران پیروزی باشد، (منافقان به ایشان) میگویند « آیا ما شما را (به مبارزه در برابر مسلمانان) سوق نمیدادیم؟! ما بر شما (در مقابله با مسلمانان) باعث نبودیم و از شما در برابر مسلمانان دفاع نمیکردیم؟! » پس خداوند در میان شما در روز رستاخیز فیصله میکند. و خداوند هرگز برای کافران راهی (یعنی تسلطی) بر مسلمانان قرار نمیدهد.

﴿۱۴۲﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

بیگمان منافقان (فکر میکنند که) خدا را فریب میدهند، در حالیکه خداوند ایشانرا (به شکلی) فریب (یعنی مجازات) میدهد. و چون به نماز برخیزند با کسالت بر می خیزند، به مردم نشان میدهند (یعنی ریاکاری میکنند)، و خداوند را یاد نمیکنند مگر اندکی.

﴿۱۴۳﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَ لَا إِلَى هُوَ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

بین این و آن (یعنی کفر و ایمان) متردد اند، و (صمیمی) نیستند نی با این دسته و نی (هم) با آن دسته. بیگمان کسی را که خداوند گمراه میکند برای او هرگز راهی نمی یابی.

﴿۱۴۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

ای مؤمنان، کافران را به جای مسلمانان دوست مگیرید. آیا میخواهید تا در نزد خداوند الزام صریحی بر خود وارد کنید؟

﴿۱۴۵﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا

حقا که منافقین در طبقه زیرین آتش اند، و تو هرگز برای شان مددگاری نمی یابی.

﴿۱۴۶﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

مگر آنانیکه توبه کردند، خویشان را به صلاح آراسته ساختند، و به (دین) خدا چنگ زدند، و دین خویشرا برای خدا خالص ساختند. (اگر چنین باشد) پس ایشان با مسلمانان اند، و خداوند بزودی برای مسلمانان پاداشی بزرگ میدهد.

﴿۱۴۷﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

خدا به عذاب شما چه کار دارد اگر سپاسگذارید و ایمان آرید؟! و خداوند (در برابر اعمال شما) شکر گزار و (به کارهای شما) دانا است.

جزء یا سپاره ششم - لایجب الله

﴿۱۴۸﴾ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

خداوند دوست ندارد که کسی بگونه آشکارا (دیگری را) به بدی یاد کند، مگر شخصیکه به او ستم شده باشد، و خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿۱۴۹﴾ إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تُعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا قَدِيرًا

خواه عمل نیکو را آشکار سازید یا آنرا پنهان کنید یا از بدی گذشت نمایید، بیگمان خداوند عفو کننده توانا است.

﴿۱۵۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

بیگمان آنانیکه از خدا و پیامبران او انکار میورزند، میخواهند بین خدا و پیامبران او به جدایی قایل شوند، میگویند « ما به بعضی ایمان داریم و از برخی دیگر منکر هستیم، » و میخواهند راهی را در وسط این (دو راه) بگیرند.

﴿۱۵۱﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

حقا که هم ایشان اند کافران (واقعی). و ما برای کافران عذابی رسوا کننده آماده کرده ایم.

﴿۱۵۲﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُم ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

و برای کسانی که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند و در بین هیچ یک از پیامبران فرق نمی گذارند، اینها را عفو خواهد کرد.

﴿۱۵۳﴾ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ ۖ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۖ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنِ ذَلِكَ ۖ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا

اهل کتاب از تو میخواهند تا برای ایشان کتابی از آسمان (بیکبارگی) فرود آری. واقعاً ایشان از موسی خواهان معجزه ای ازین (هم) بزرگتر شده گفتند « خداوند را چگونه آشکار بما بنمایان. » پس ایشانرا به سبب (این) ستم شان صاعقه گرفت. بعد از آن که برای شان معجزه های روشن آمده بود، گوساله را (به خدایی) گرفتند. با این (هم) از این (گناه) آنها را عفو کردیم. و به موسی غلبه آشکاری دادیم.

﴿۱۵۴﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا

و برای گرفتن عهد شان، (کوه) طور را بر سر شان بالا کردیم. و به ایشان گفتیم « به دروازه با فروتنی درآید، » و به ایشان گفتیم « در روز شنبه تجاوز نورزید. » و از ایشان پیمانی استوار و جدی گرفتیم.

﴿۱۵۵﴾ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۖ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

ایشان به سبب شکستن پیمان استوار خویش و انکار خویش از آیات خدا و کشتن پیامبران بناحق و این گفته‌شان « دل‌های ما غلاف است، » بلکه خداوند بر دل‌های‌شان به سبب کفر‌شان مهر نهاد، ازین رو جز عده کمی از ایشان ایمان نمی آورند.

﴿۱۰۶﴾ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا

و (نیز) به سبب کفر‌شان و گفته‌شان آن تهمت بزرگی را که به مریم بستند.

﴿۱۰۷﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِن شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

و گفته‌شان که « ما بدون شک مسیح پسر مریم - پیامبر خدا - را کشتیم، » در حالیکه ایشان هرگز او را نکشتند و نه (هم) او را بدار زدند. بلکه برایشان (امر) مشتبه شد، و حقا کسانی‌که در باره او اختلاف ورزیده اند، از آن در شک اند، که در زمینه هرگز علمی ندارند مگر پیروی گمان. و به یقین او را نکشتند.

﴿۱۰۸﴾ بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

بلکه خداوند او را بسوی خود بالا برد، و خداوند صاحب قدرت منیع (و) با حکمت است.

﴿۱۰۹﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۚ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

و واقعاً از اهل کتاب هیچ کس نیست مگر اینکه به او پیش از مرگش ایمان می آورد، و او در روز رستاخیز بر ایشان گواه میباشد.

﴿۱۶۰﴾ فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

پس به سبب (این همه) ظلم یهودیان، ما بر ایشان چیزهای پاکیزه ای را که به ایشان حلال گردانیده شده بود حرام ساختیم، و به سببیکه ایشان (تعداد) بسیاری را از راه خدا منع میکردند.

﴿۱۶۱﴾ وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّ وَقَدْ نُهِوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا

أَلِيمًا

و به سبب سودخواری ایشان، در حالیکه از آن منع شده بودند، و به سبب اینکه ایشان مال مردم را به ناحق میخوردند، ما برای آن‌عده ایشان که کافر شدند، عذابی دردناک را آماده ساخته ایم.

﴿۱۶۲﴾ لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ

قَبْلِكَ ۚ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ ۚ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا

عَظِيمًا

مگر کسانی از ایشان که از علمی استوار برخوردارند، و مؤمنان بآنچه به تو فرستاده شده و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده بود ایمان دارند، و آنهایی که نماز را به تمام و کمال اداء میکنند و زکوت را می پردازند و به خدا و روز آخرت ایمان دارند، هم ایشانند که به آنها بزودی پاداشی بزرگ می دهیم.

﴿۱۶۳﴾ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ ۗ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

حقا که ما بسوی تو وحی فرستادیم، طوریکه بسوی نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم، و بسوی ابراهیم، اسحاق، یعقوب و اولاده (وی)، و به عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی فرستادیم، و به داؤد زبور را دادیم.

﴿۱۶۴﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ۗ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ

تَكَلِيمًا

پیامبرانی که پیش ازین برای تو داستان شانرا گفتیم و پیامبرانی که داستان شانرا به تو نگفته ایم، و خداوند با موسی سخن زد.

﴿۱۶۵﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

حَكِيمًا

پیامبرانی (هم) مزدگانی دهنده (هم) بیم دهنده، تا برای مردم بعد از ارسال پیامبران دلیلی بر خداوند نباشد، و خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۱۶۶﴾ لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ ۗ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ ۗ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

مگر خداوند گواهی میدهد برینکه آنچه را بسوی تو فرو فرستاده آنرا بعلم خود نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) گواهی میدهند، و خداوند برای گواهی بسنده است.

﴿۱۶۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

حقا آنهاييکه کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بدون شک به گمراهی دور و درازی گرفتار شدند.

﴿۱۶۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

واقعاً آنهاييکه کافر شدند و ستم نمودند، هرگز خداوند آنها را نمی آمرزد، و نه هم ایشانرا به راهی هدایت میکند.

﴿۱۶۹﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

مگر براه دوزخ، که در آن جا برای همیشه بسر میبرند، و این (کار) بر خداوند آسان است.

﴿١٧٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ ۖ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

ای مردم، بیگمان پیامبر برای شما براستی از جانب پروردگار شما آمده است، پس (به او) ایمان بیاورید. (این کار) برای شما خیر است. اما اگر کافر شوید، پس بیگمان آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿١٧١﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۗ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ ۗ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً ۗ انتهوا خَيْرًا لَكُمْ ۗ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۗ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

ای اهل کتاب، در دین خود غلو {۱} نکنید، و در شأن خدا جز حق (چیزی دیگر) مگویید. واقعیت امر اینست که مسیح پسر مریم پیامبر خدا و کلمه اوست که او را بمریم القاء کرده و روحی است از او، پس به خداوند پیامبران او ایمان آرید و مگویید که (خدا) سه است. از این خودداری کنید و به خیر شما است. بیگمان خداوند خدای یکتا است، پاک است از اینکه او را فرزندی باشد. هر آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست. و خداوند در کارسازی بسنده است.
{۱} افراط؛

﴿١٧٢﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ۗ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

عیسی ازینکه بنده خدا باشد سرپیچی نداشت، و نه هم فرشتگان مقرب (ازین سرپیچی دارند). کسانی که از بندگی خدا سرپیچی کردند و سرکشی ورزیدند، پس خداوند همه ایشان را بزودی بسوی خود جمع میکند.

﴿١٧٣﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، پس خداوند مزد شانرا کامل میدهد و به ایشان از فضل خود می افزاید. اما کسانی که سرپیچی کردند و سرکشی ورزیدند، پس خداوند ایشانرا به عذابی دردناک مجازات میکند، و جز خدا برای خود حامی و مددگاری نمی یابند.

﴿١٧٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

ای مردم، به تحقیق بشما حجتی از جانب پروردگار شما آمده است، و به سوی شما روشنایی آشکاری را فرستادیم.

﴿١٧٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمًا

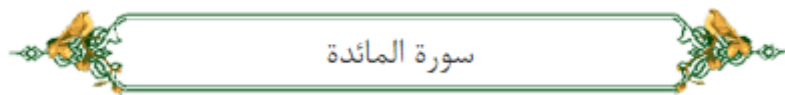
پس آنانیکه به خداوند ایمان آوردند و به (کتاب) او چنگ زدند، بزودی خداوند ایشان را مشمول مرحمتی از جانب خویش و مهربانی میسازد، و ایشان را به سوی خود براه راست هدایت میکند.

﴿١٧٦﴾ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ ۚ إِنَّ امْرَأَهُ لَبِئْسَ لَهَا خِطًا فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ ۚ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ ۚ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۚ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

از تو فتویٰ می‌خواهند، بگوی « خداوند بشما در بارهٔ کلاله (چنین) حکم میکند: اگر مردی بمیرد (و) از خود فرزندی باقی نگذارد، و (صرف) از او خواهری بماند، برای او نیمهٔ میراث است. و او (یعنی برادر) از خواهر خویش ارث می‌برد اگر از آن (یعنی خواهر) فرزندی نمانده باشد. اگر دو خواهر باشند، ایشان دو ثلث میراث را (مشترکاً) میگیرند. اگر برادران و خواهرانی باشند، مرد دو برابر حصهٔ زن را میگیرد. (و بدین ترتیب) خداوند بشما (احکام) میراث را) روشن میسازد تا گمراه نشوید. و خداوند به همه چیزها دانا است. »

(٥) سورة المائدة:

مدنی و دارای (١٢٠) آیه است و به معنی (سفره و دسترخوان غذا) میباشد. این سوره را به سبب آنکه دربر گیرنده داستان مائده است به این نام یاد گردیده است و بنامهای «عقود» و سوره «منقذه» نیز نامیده می شود.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۚ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ

ای مؤمنان به (تمام) تعهدات وفا کنید. برای شما (گوشت) تمام حیوانات چهارپا حلال گردانیده شده است، مگر آنچه بشما خوانده میشود، اما هنگامیکه در (حرم یا در لباس) احرام هستید، شکار (حیوانات) بشما حلال نیست. به تحقیق که خداوند آنچه بخواد حکم میکند.

﴿۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ
الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۖ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا ۗ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ
قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا ۗ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۗ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ای مؤمنان به شعایر خدا بی حرمتی مکنید و نه هم به ماه حرام، نه به هدی و نه هم به (حیوانات) دارای قلاده، و نه هم به آنهایی که قصد بیت الحرام کرده اند تا فضل و خوشنودی پروردگار خود را بجویند. و هنگامیکه از (حرم و) لباس احرام بیرون شدید، شکار کرده میتوانید. دشمنی گروهی که شما را از مسجدالحرام بازداشته اند، شما را بر آن ندارد که تجاوز کنید. بر نیکوکاری و پرهیزگاری (یکدیگر را) کمک کنید و در گناه و ظلم کمک ننمایید. از خدا بترسید. به تحقیق که خداوند سخت عذاب کننده است.

﴿۳﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْفُوذَةُ
وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالتَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبَحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَن تَسْتَقْسِمُوا
بِالْأَزْلَامِ ۗ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ۗ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ ۗ الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۗ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي
مَخْمَصَةٍ غَيْرٍ مُّتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ ۗ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

بر شما (گوشت حیوان) خود مرده، خون، گوشت خوک، و آنچه را در وقت ذبح نام غیر خدا بر آن گرفته شود، و آنچه به اثر خفه کردن مرده باشد، یا باثر ضربه شدید یا باثر سرنگون شدن (از جای بلند) کشته شده باشد، یا باثر شاخ زدن (حیوان دیگر) مرده باشد، و آنچه را حیوانی درنده خورده باشد حرام گردانیده شده است، مگر آنکه آنرا ذبح کرده باشید. و (نیز) آنچه بر سنگ های نصب شده (برای قربانی بتان) ذبح کرده میشود، و آنچه را بوسیله تیرهای بخت آزمایی تقسیم میکنید، (هر یک از) این (اعمال) فسق است. امروز کافران (از بازگشت شما) از دین شما مأیوس شدند، لذا از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز برای شما دین شما را کامل نمودم، و نعمت خود را بر شما تمام کردم، و اسلام را برای شما (بحیث) دین برگزیدم. اما اگر باثر گرسنگی شدید ناچار شوید، در حالیکه تمایل به انجام گناه نداشته باشید، پس خداوند بدون شک آمرزگار (و) مهربان است.

﴿٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۗ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ ۖ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ ۖ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

از تو میپرسند برای شان چه چیز حلال شده است؟ بگو « برای شما هر (چیز) خوب و پاکیزه حلال شده است، و آنچه را به حیوانات تربیه شده شکاری خود آموخته اید، از آنچه خداوند بشما آموخته است. پس هر چیزی را که آنها برای شما میگیرند بخورید و نام خدا را بر آن یاد کنید. و از خداوند بترسید، به تحقیق که خداوند در حساب گرفتن سریع است. »

﴿٥﴾ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۗ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ۗ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امروز (همه) چیزهای خوب و پاکیزه برای شما حلال شد، و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما برای ایشان حلال است. (نکاح) زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن اهل کتاب پیشین برای شما حلال است. در صورتیکه به ایشان مهر مقررۀ ایشان را بدهید. پاکدامن باشید، مرتکب فحشاء نشوید و نه (هم) دوست پنهانی (نامشروع) گیرید. و کسیکه از (چیزهایی که باید به آن) ایمان (آورده شود) منکر گردد بیگمان عمل او حبطه گردیده است، و او در آخرت از زیانکاران است.

﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ۗ وَإِن كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا ۗ وَإِن كُنْتُمْ مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ۗ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ای مؤمنان، وقتیکه برای نماز آمادگی میگیرید، روها و دستهای خود را تا آرنج ها بشوید، سر خود را مسح کنید و پاهای خود را تا شتالنگ ها (بشوید). اگر جنب باشید خود را خوب پاک کنید (یعنی غسل کنید). اما اگر مریض یا به سفر باشید، یا کسی از شما از قضای حاجت بیاید، یا به زنان نزدیک شده باشید، و آب نیابید پس قصد خاک پاک کنید (یعنی تیمم نمایید)، و با آن روها و دستهای خود را مسح کنید. خداوند نمیخواهد بشما

حرجی عاید کند، بلکه می‌خواهد تا شما را پاک گرداند و نعمت خود را بر شما کامل گرداند، تا باشد که سپاسگزار شوید.

﴿۷﴾ **وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ**

نعمت خدا را بر خود بیاد آرید، و (نیز) پیمان استواری را که شما را به آن متعهد ساخته است؛ آنگاه که گفتید « شنیدیم و فرمان بردیم. » و از خدا بترسید حقا که خداوند به درون سینه‌ها آگاه است.

﴿۸﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۗ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۗ اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ**

ای مؤمنان، در راه خدا استوار باشید، به عدالت گواهی دهید، دشمنی دیگران شما را بر آن ندارد که از عدالت عدول ورزید. عدالت ورزید، این به پرهیزگاری نزدیک تر است. از خدا بترسید، حقا که خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

﴿۹﴾ **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۖ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ**

خداوند بکسانیکه ایمان آوردند و عمل نیکو کردند وعده کرده است که برای ایشان آمرزشی است و مزدی بزرگ.

﴿۱۰﴾ **وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ**

آنانیکه کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همین هاینده اهل دوزخ.

﴿۱۱﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ ۖ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ**

ای مؤمنان، نعمت خدا را بر خویش بیاد آرید، هنگامیکه گروهی خواستند تا بر شما دست درازی کنند، ولی (خداوند) دست ایشانرا از شما باز داشت، و از خدا بترسید، و باید مسلمانان بر خداوند توکل ورزند.

﴿۱۲﴾ **وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ۗ وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا**

لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ

مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

بیگمان خداوند از بنی اسرائیل عهد گرفت، و از ایشان دوازده وکیل برگزیدیم، و خداوند گفت: « من با شمایم، اگر نماز را برپا دارید، زکات بپردازید، به پیامبرانم ایمان آرید، ایشان را یاری نمایید، و به خدا قرض حسنه

بدهید، بدون شک من از شما گناهان شما را میزدایم، و شما را به باغهایی داخل میگردانم که در زیر (درختان) آن جویبارها جاریست. اما اگر کسی از شما بعد ازین کافر شد، پس براستی که راه راست را گم کرده است.»

﴿۱۳﴾ فَبِمَا نَقَضْتَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا ۖ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۗ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

به سبب پیمان شکنی شان بر ایشان لعنت کردیم و دلهای شانرا سخت گردانیدیم، ایشان کلمه ها را از جاهای (درست) آنها تحریف کرده و بهره مندی از آنچه را به ایشان گوشزد شده بود فراموش کردند. و تو همیشه بر خیانتی (تازه) از ایشان آگاه میشوی مگر عده ای از ایشان (که خیانت نمیکنند). پس ایشان را عفو کن و (از اعمال ناشایسته شان) در گذر. حقا که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد.

﴿۱۴﴾ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و از کسانی که میگفتند « ما نصاراییم، » پیمان شانرا گرفتیم. اما ایشان بهره مندی از آنچه را به ایشان گوشزد شده بود فراموش کردند. سپس در میان شان تا روز قیامت دشمنی و بغض را بر انگیختیم. و بزودی خداوند ایشان را از (نتیجه) آنچه میکردند آگاه میسازد.

﴿۱۵﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ ۗ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ

ای اهل کتاب، بدون شک به شما پیامبر ما آمده است، به شما بسیار چیزهایی را که از کتاب پنهان میکردید بیان میکند، و از بسا (تفصیلات شما) در میگذرد! برای شما بیگمان از نزد خداوند نور و کتاب واضحی آمده است.

﴿۱۶﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بوسیله آن (کتاب) خداوند همه کسانی را که در جستجوی رضای اویند براههای آرامش و سلامتی هدایت میکند، و ایشان را به اراده خود از تاریکی ها بسوی روشنی بیرون می آورد، و براه راست هدایت شان میکند.

﴿۱۷﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۗ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

واقعاً کافر شدند کسانیکه گفتند « خداوند همانا عیسی پسر مریم است. » بگو « اگر خدا بخواهد، عیسی پسر مریم و مادرش و هر آنکسی که در روی زمین است همه را هلاک کند، پس چه کسی میتواند کوچکترین مانعی را در برابر خدا به میان آورد؟! پادشاهی آسمانها و زمین و هر آنچه در میان آنهاست از آن خداست، خداوند هر آنچه را بخواهد می آفریند. و خداوند بر هر چیز تواناست. »

﴿۱۸﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ ۗ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ ۗ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۗ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

یهود و نصارا گفتند « ما پسران خدا و دوستان او میباشیم. » بگو « پس چرا (خداوند) شما را در برابر گناهان شما عذاب میکند؟ بلکه شما انسانی هستید از آنچه خداوند آفریده است. هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب میکند. پادشاهی آسمانها، زمین و هر آنچه در میان آنهاست از آن خدا است. و بسوی اوست بازگشت. »

﴿۱۹﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۗ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای اهل کتاب، پیامبر ما بسوی شما آمد تا در (هنگام) فترت پیامبران (حقایق را) برای شما بیان کند، تا نگویید « برای ما، مژده دهنده و بیم دهنده ای نیامده است! » بنابراین (اینک) برای شما واقعاً مژده دهنده و بیم دهنده ای آمد، و خداوند بر همه چیز تواناست.

﴿۲۰﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُم مَّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

و بیاد آرید وقتی را که موسی به قوم خویش گفت: «ای قوم من، نعمت خدا را بر خود بیاد آورید، چون در میان شما پیامبرانی گماشت، و (هر کدام) شما را پادشاه (یعنی صاحب اختیار) گردانید، و برای شما چیزهایی را داد که هیچ کس دیگر را از جهانیان نداده بود. »

﴿۲۱﴾ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا

خَاسِرِينَ

ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما اختصاص داده است داخل شوید، و به عقب خویش باز مگردید که زیانمند میشوید!

﴿۲۲﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا

فَأِنَّا دَاخِلُونَ

گفتند: « ای موسی، در آن (سرزمین) مردمی بسیار سرکش اند، و ما هرگز در آن داخل نمیشویم تا ایشان از آن بیرون آیند، اگر ایشان از آنجا بیرون شوند بیگمان ما داخل شونده ایم. »

﴿۲۳﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِيُونَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

(درین میان) دو نفر از کسانی که (از خدا) ترسیدند و خداوند بر ایشان نعمت خود را ارزانی کرده بود گفتند: « بر ایشان از دروازه (شهر) داخل شوید، و چون به آن داخل شدید یقیناً شما پیروز هستید. و بر خدا توکل ورزید، اگر ایمان دارید. »

﴿۲۴﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا ۗ فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

گفتند: « ای موسی، مادامیکه آنها در آنجا باشند ما هرگز در آنجا داخل نمیشویم. پس برو، تو و پروردگارت بجنگید. ما در این جا نشسته ایم (انتظار میکشیم). »

﴿۲۵﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۗ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

موسی گفت: « ای پروردگار، من تنها اختیار خود و برادر خود را دارم. پس تو میان من و این مردم عصیانگر، جدایی بیفکن! »

﴿۲۶﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ ۗ أَرْبَعِينَ سَنَةً ۗ يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

(خداوند) گفت: « پس آن سرزمین تا چهل سال بر ایشان حرام کرده شده است، (که) در روی زمین سرگردان میشوند. پس تو بر این مردم سرکش اندوهگین مباش. »

﴿۲۷﴾ وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

به ایشان داستان دو پسر آدم را به حق بخوان. هنگامیکه (هر یک ازین دو تن) قربانی را (به خداوند) تقدیم کردند، پس (قربانی) یکی از ایشان پذیرفته شد و از آن دیگر پذیرفته نشد. (دومی) گفت: « (براستی) ترا میکشم. » (وی) گفت: « بی شک خداوند (قربانی را) از پرهیزگاران میپذیرد. »

﴿۲۸﴾ لئن بسطت إلي يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك ۗ إني أخاف الله ربَّ العالمين

اگر تو برای کشتن من دست خود را دراز کنی، من دست خود را به سوی تو برای کشتن دراز نمیکنم. به تحقیق که من از خداوند، پروردگار عالمیان میترسم.

﴿٢٩﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۗ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

من میخواهم تا تو (هم) گناه مرا و (هم) گناه خود را بدوش خود بکشی، و به این ترتیب از اهل آتش گردی، و این است جزای ستمگاران.

﴿٣٠﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

نفس (خودخواه) او وی را به قتل برادرش رام ساخت، پس او را کشت و به این ترتیب از زیانکاران گردید.

﴿٣١﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ ۗ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ

أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُؤَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۗ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را میکاوید، تا به او نشان بدهد که چطور جسد برادرش را بپوشد. گفت: «وای بر من، آیا ازین عاجز شدم که به مثل این زاغ باشم، تا جسد برادر خود را بپوشانم؟!» و به این ترتیب پشیمان شد.

﴿٣٢﴾ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ

فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۗ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ

ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

از همین سبب، ما به بنی اسرائیل حکم کردیم که اگر کسی شخصی را که مرتکب قتل نشده و در روی زمین فسادانگیزی نکرده باشد بکشد، گویا همه مردم را کشته است. و اگر کسی سبب زندگی دیگری شده باشد گویا که همه مردم را زنده گردانیده است. به تحقیق که پیامبران ما با نشانه های روشن بسوی ایشان آمدند، اما بعد از آن (هم) بسیاری از بنی اسرائیل به اسراف در روی زمین دوام دادند.

﴿٣٣﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ

تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۗ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا ۗ وَلَهُمْ فِي

الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

بیگمان جزای کسانی که با خداوند و رسول او به جنگ برمیخیزند، و به فسادکاری در زمین سعی می ورزند، این است که کشته شوند یا به دار زده شوند، یا دستها و پاهاى شان از طرف مخالف بریده شود، یا از زمین دور ساخته شوند. این برای شان رسوایی است در دنیا، و در آخرت برای شان عذاب بزرگی است.

﴿٣٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۗ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسانی که پیش از دست یافتن شما بر ایشان توبه نمایند، پس بدانید که بیگمان خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿٣٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای مؤمنان، از خدا بترسید، و وسیله (تقرب) را به وی بجوید، و در راه او جهاد کنید، تا باشد که رستگار شوید.

﴿٣٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ

الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بیگمان کافران، اگرچه واقعاً همه وسایلیکه در روی زمین وجود دارد و (حتی) دو چند آن به دسترس شان قرار داده شود، تا آنرا برای نجات از عذاب روز قیامت فدیة بدهند، هرگز از ایشان پذیرفته نمیشود. و برای ایشان عذاب دردناکی است.

﴿٣٧﴾ يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرَجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِمٌ

میخواهند تا از آتش (دوزخ) بیرون شوند، ولی هرگز از آنجا بیرون شدنی نیستند، و برای ایشان عذابی است همیشگی.

﴿٣٨﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

دزد، چه مرد باشد و چه زن، دست های ایشان را ببرید، به جزای عملی که آنرا مرتکب شدند. (و این) سرزنشی است از جانب خدا، و خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٣٩﴾ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

پس اگر کسی بعد از ستمی که کرده است توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس حقا که خداوند توبه اش را می پذیرد. بدون شک خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿٤٠﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا نمیدانی که پادشاهی آسمانها و زمین از آن خدا است؟! هر که را بخواهد عذاب میکند و هر که را بخواهد می آمرزد. و خداوند بر همه چیزها توانا است.

﴿٤١﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن

قُلُوبُهُمْ ۗ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا ۗ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ۗ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ

مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ ۗ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا ۗ وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ

فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ ۗ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا

خِزْيٌ ۗ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ای پیامبر، آنانی که به سوی کفر میشتابند نباید ترا اندوهگین سازند! از کسانی که بزبان خود گفتند «ایمان داریم» ولی دلهای شان ایمان نیاورده است. و از یهودیان که به هر دروغی گوش فرا میدهند، به مردم دیگری که پیش تو نیامده اند گوش میدهند، کلمات را بعد از آنکه در جای اصلیش قرار یافته است تغییر میدهند. میگویند: «اگر برای شما این (حکم) داده شد (یعنی طبق نظر شما حکم صادر گردید) آنرا بپذیرید، و اگر این (حکم) طبق نظر شما داده نشد از (قبول) آن اجتناب ورزید.» و چون خدا اراده گمراهی کسی را بنماید برای او از جانب خدا هیچ چیزی کرده نمیتوانی، آنهایند که خداوند نخواسته است تا دلهای شانرا پاک گرداند. برای ایشان در دنیا رسوایی است و برای شان در آخرت عذابی است بزرگ.

﴿٤٢﴾ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ ۖ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ ۗ وَإِن

تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا ۗ وَإِن حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُقْسِطِينَ

به هر دروغی گوش فرا میدهند، هر حرامی را میخورند. پس اگر نزد تو بیایند، در بین شان فیصله کن، یا از ایشان اعراض نما. و اگر از ایشان اعراض کنی، هیچ ضرری بتو رسانیده نمی توانند. و اگر فیصله کردی با انصاف در میان شان فیصله کن. حقا که خداوند مردم منصف را دوست دارد.

﴿٤٣﴾ وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ ۗ وَمَا أُولَئِكَ

بِالْمُؤْمِنِينَ

و چگونه ترا حکم میسازند؟! در حالیکه تورات بدسترس شان است و در آن حکم خدا است! بعد از آن (نیز) اعراض میکنند، و آنها واقعا مؤمن نیستند.

﴿٤٤﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ ۗ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ

وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ ۗ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ وَلَا

تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

به تحقیق که تورات را فرستادیم و در آن هدایت و روشنی است. پیامبران (بنی اسرائیل) که (به فرمان خدا) تسلیم بودند، به آن برای یهود حکم میکردند، و علمای ربانی و دانشمندان یهود (نیز)، به سبب اینکه به (کار) حفاظت کتاب خدا گماشته شده بودند و بران گواه بودند. بنابراین از مردم مترسید، بلکه از من بترسید. و آیات مرا در برابر بهایی ناچیز نفروشید. کسانی که مطابق آنچه خدا فرو فرستاده حکم نکنند، هم ایشان اند کافر.

﴿٤٥﴾ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذْنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ

بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ۗ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ ۗ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و برایشان در آن (کتاب) حکم کردیم: « یک تن به عوض یک تن، و چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان، و زخمها (در برابر یکدیگر) قصاص میشود. پس اگر کسی از قصاص درگذرد این عفو کفاره (گناهان) وی میشود. و کسانی که مطابق به آنچه خداوند فرو فرستاده حکم نکنند، هم ایشان اند ستمگر. »

﴿٤٦﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۗ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

و به تعقیب شان عیسی پسر مریم را بحیث تصدیق کننده آنچه پیش از او از تورات آمده بود فرستادیم. برای او انجیل را دادیم که در آن هدایت و روشنایی بود. و آنچه را پیش از آن از تورات نازل شده بود تصدیق میکرد، و هدایت و پندی بود برای پرهیزگاران.

﴿٤٧﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۗ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

اهل انجیل باید به چیزی حکم کنند که خداوند در انجیل فرو فرستاده است. کسیکه به آنچه خداوند فرو فرستاده است حکم نکند، هم ایشان اند فاسق.

﴿٤٨﴾ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ ۗ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۗ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۗ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و به تو کتاب را به حق فرستادیم، در حالیکه آنچه را پیش از آن از کتاب نازل شده بود تصدیق میکند، و بر آن نگهبان میباشد. پس میان ایشان به آنچه خدا فرستاده است حکم کن، و بعوض احکام راستینیکه بتو آمده است از هوای (نفس) شان پیروی مکن. به هر گروهی از شما شریعتی و راهی مقرر کردیم. اگر خداوند اراده میکرد، شما را امت واحد میگردانید، (ولی خواست او اینست) تا شما را در چیزی که بشما داده است آزمایش کند. پس به نیکویی ها شتاب کنید. بازگشت همه شما بسوی خدا است. سپس از آنچه در آن اختلاف میکردید شما را آگاه میسازد.

﴿٤٩﴾ وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

و (گفتیم): « در بین شان طبق آنچه خداوند فرو فرستاده است حکم کن، و از هوای (نفس) ایشان پیروی مکن، و از ایشان در حذر باش. (مبادا) ترا فریب داده و از بعضی چیزهایی که خداوند بسوی تو فرستاده باز دارند. و اگر ایشان رو برگردانند، پس یقین داشته باش که خداوند میخواهد تا ایشان را در برابر بعضی از گناهان شان مجازات کند، برآستی که بسیاری از این مردم فاسقند. »

﴿٥٠﴾ أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

پس آیا حکم دوره جاهلیت را میخواهند؟ برای مردم باایمان چه کسی میتواند از خداوند حکم بهتری صادر کند؟!

﴿٥١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ ۚ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ

مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ای مؤمنان، یهود و نصاری را دوست مگیرید (یعنی تکیه گاه) خود قرار ندهید، بعضی شان دوست (یعنی تکیه گاه) بعضی (دیگر) اند، و کسی از شما که (بدوستی) به آنها رو می آورد، بیگمان وی از آنهاست. بی شک خداوند مردم ستمکار را رهیاب نمیسازد.

﴿٥٢﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ ۚ فَعَسَىٰ اللَّهُ

أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ

آنهايي را که در دلهاي شان بيماري است، مي بيني که بسوی يهود و نصاری ميشتابند، ميگویند « می ترسیم مبادا مصیبتی بما برسد. » پس بزودی خداوند برای مسلمانان پیروزی میسر میگرداند، یا گشایشی از نزد خود فراهم میسازد. در آن وقت است که (منافقان) از آنچه در دل پنهان کردند پشیمان میشوند.

﴿٥٣﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلُؤَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۖ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۚ حَبِطَتْ

أَعْمَالُهُمْ فَأُصْبِحُوا خَاسِرِينَ

مؤمنان ميگویند: « آیا اينها همان کسانی اند که با تأکید به نام خدا سوگند یاد ميکردند که واقعاً آنها با شمايند؟ » اعمال ایشان حبطه شد و زیانکار شدند.

﴿٥٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَٰلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ

يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

ای مؤمنان، اگر کسی از شما از دین خود برگردد بزودی خداوند مردمی را خواهد آورد که او – جل وعلی شأنه – ایشان را دوست میدارد و ایشان نیز او را دوست میدارند، (مردمی) با مؤمنان فروتن و بر کفار سختگیر، در راه خدا جهاد میکنند و هرگز از ملامت ملامتگران نمی ترسند. این فضل خداوند است، آنرا به هر که بخواهد ارزانی مینماید، و خداوند گشایشگر دانا است.

﴿٥٥﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

بیگمان دوست (واقعی) شما خدا، پیامبر او و مؤمنان اند، آنهاییکه نماز را به تمام و کمال اداء میکنند، زکات میدهند و (در پرستش خدا) فروتن میباشند.

﴿٥٦﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

و کسیکه خدا، پیامبر او و مؤمنان را دوست بگیرد، بیگمان حزب خدا همانهاست غالب.

﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ

قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

ای مؤمنان، از اهل کتاب پیشین و کافران کسانی را که دین شما را به مسخره میگیرند و آنرا ملعبه قرار میدهند دوست نگیرید. و از خدا بترسید اگر واقعاً مؤمن هستید.

﴿٥٨﴾ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

و هنگامیکه (مسلمانان را) به نماز فرا میخوانید (یعنی اذان میدهید)، (این نامسلمانان) آنرا به تمسخر و بازی میگیرند، این از سببی است که ایشان قومی اند نافهم.

﴿٥٩﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ

أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ

بگو: «ای اهل کتاب، از ما انتقام نمیگیرید مگر (به) این (سبب) که ما به خدا و آنچه بما نازل شده است و آنچه پیش از ما نازل شده است ایمان داریم؟! و حال اینکه اکثر شما فاسقید.»

﴿٦٠﴾ قُلْ هَلْ أُنبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ ۗ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ

الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ ۗ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَنِ السَّبِيلِ

بگو: «آیا شما را به (چیز) بدتری از این از نظر مجازات شدن در نزد خدا آگاه سازم؟ کسانی که خداوند ایشانرا لعنت کرده و بر ایشان خشمگین شده و از ایشان (مسخ شدگانی به شکل) بوزینگان و خوکها ساخته و شیطان را پرستش کرده اند. اینها از نظر مرتبه بدتر اند و از راه راست کناره گیرتر.»

﴿٦١﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا

يَكْتُمُونَ

و چون نزد شما آیند، میگویند «ایمان آوردیم.» در حالیکه ایشان واقعاً با کفر درآمدند و هم ایشان واقعاً با کفر درآمدند. و بآنچه پنهان داشتند خداوند داناتر است.

﴿٦٢﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۗ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بسیاری از ایشان را می بینی که در گناه، تجاوز و حرامخوری (بر یکدیگر) پیشدستی میکنند. واقعاً بد است آنچه ایشان مرتکب میشدند.

﴿٦٣﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمْ رَبِّيونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْتَ ۗ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

چرا علمای ربانی و دانشمندان (یهود) ایشان را از گفته های گناه اندود و حرام خوری منع نمیکنند؟ واقعاً بد است حالتی که ایشان بمیان میآورند.

﴿٦٤﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ ۗ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا ۗ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۗ وَاللَّيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ ۗ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

یهود گفتند «ید خدا بسته است.» دستهای شان بسته باد! به سبب این گفتارشان لعنت شده است بر ایشان. (نه خیر) بلکه هر دو ید خداوند گشاده است، هر گونه که بخواهد خرج میکند. و آنچه بر تو از جانب پروردگار تو نازل شده (یعنی قرآن مجید) بر سرکشی و کفر بسیاری از ایشان می افزاید. و ما در میان شان تا روز قیامت دشمنی و کینه توزی افگندیم. هر باریکه آتش جنگ را می افروزند، خداوند آنرا خاموش میسازد. و (همواره) بر روی زمین سعی به فساد می نمایند، و خداوند مفسدان را دوست نمیدارد.

﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند، ما واقعاً از ایشان گناهان شان را می زدودیم، و ایشان را در باغ های پر از نعمت (بهشت) راه میدادیم.

﴿٦٦﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ۗ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۗ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

اگر ایشان تورات، انجیل و آنچه به ایشان از جانب پروردگار شان فرستاده شده بود برپا میداشتند، بیگمان از آسمان و زمین روزی میخوردند. گروهی از ایشان میانه رو اند، اما اعمال بسیاری از ایشان ناشایسته است.

﴿٦٧﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ

يَعِصْمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای پیامبر، پیامی را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است برسان، و اگر (چنین) نکنی رسالت او را انجام ندادی. و خداوند ترا از (شر) مردم (فسادپیشه) نگه میدارد. حقا که خداوند گروه کافر را هدایت نمیکند.

﴿٦٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

بگو: « ای اهل کتاب شما بر چیزی نیستید (که بر آن استناد ورزید) تا (رهنمودی های) تورات، انجیل و آنچه را از طرف پروردگار شما برای شما فرو فرستاده شده است عملی سازید. » و به یقین آنچه بتو از جانب پروردگارت نازل شده است به سرکشی و کفر بسیاری از ایشان می افزاید. بنابراین بر (رویه) مردم کافر غمگین مباش.

﴿٦٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنانیکه (بقرآن) ایمان دارند، و آنانیکه یهودی شدند و صابی ها و نصاری، هر کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان آرد و کار نیک کند، پس بر ایشان نه ترسی است و نه هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٧٠﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا ۗ كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

بیگمان ما از فرزندان اسرائیل پیمان (استوار) گرفتیم و بسوی ایشان پیامبرانی فرستادیم. هر باری که به ایشان پیامبری چیزی را می آورد که مطابق به هوای نفس شان نمیبود، عده ای (ازین پیامبران) را تکذیب کردند و عده ای از ایشان را به قتل میرساندند.

﴿٧١﴾ وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

ایشان پنداشتند که آزمایشی (یعنی عذابی) نخواهد بود، بنابراین کور و کر شدند. سپس خداوند توبهٔ ایشان را پذیرفت، ولی باز هم اکثر ایشان کور و کر شدند. بآنچه ایشان میکنند خداوند بینا است.

﴿٧٢﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۗ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۗ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

کسانیکه گفتند « خداوند همان عیسی پسر مریم است » واقعاً کافر شدند. در حالیکه عیسی (خود) گفت: « ای بنی اسرائیل، خداوند را که پروردگار من و شما است بپرستید. » واقعیت اینست هر کسیکه به خدا شریک بیاورد، بیگمان خداوند بر او بهشت را حرام کرده است، و جایش دوزخ است، و برای ستمکاران مددگاری نیست.

﴿٧٣﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ ۖ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ ۗ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کسانیکه گفتند « خداوند سوم (خدایان) سه گانه است » بیقین کافر شدند، در حالیکه جز خداوند یگانه هیچ معبودی نیست، و اگر ایشان ازین چیزی که میگویند خودداری نکنند، بدون شک به کسانیکه از آنها کافر گردیدند عذابی دردناک میرسد.

﴿٧٤﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آیا به خداوند رجوع نمیکنند و از او آمرزش نمی طلبند؟! و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٧٥﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ ۗ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ۗ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤفَكُونَ

مسیح پسر مریم نیست مگر پیامبری. بدون شک (بسا) پیامبرانی پیش از او گذشته است. مادر او زنی صدیقه بود. هر دوی شان طعام میخوردند. بین که چطور برای ایشان آیات خود را بیان میکنم، و باز بین که آنها چگونه (از حق) بازداشته میشوند.

﴿٧٦﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۗ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بگو: « آیا شما بجز خدا چیزی را پرستش میکنید که قدرت آنرا ندارد تا بشما زیانی یا سودی برساند؟ و خداوند هم اوست شنوا (و) دانا. »

﴿٧٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

بگو: « ای اهل کتاب، در دین خود بناحق غلو { ۱ } مکنید، و از هوای (نفس) مردمی که در گذشته به خطاء رفته اند و بسا (مردم) را گمراه ساختند و (خود شان نیز) از راه راست انحراف ورزیدند پیروی مکنید. » { ۱ } افراط؛

﴿٧٨﴾ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۗ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

(به آن) گروه از بنی اسرائیل که کافر شدند، به زبان داؤد و عیسی پسر مریم لعنت شد. این از سببی بود که ایشان نافرمانی میکردند و از حد میگذشتند.

﴿٧٩﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ ۗ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

ایشان یکدیگر را از گناهی که مرتکب شدند باز نمیداشتند. چه بد است عملی که ایشان مرتکب میشدند.

﴿٨٠﴾ تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

بسیاری از ایشان را می بینی که کافران را دوست می گیرند. چه بدی است کارهاییکه نفس شان برای آنها از پیش فرستاده است، (به سبب آن) که خداوند بر ایشان خشمگین شد، و ایشان همیشه در عذاب بسر میبرند.

﴿٨١﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ

اگر به خدا و پیامبر و به آنچه برای او فرستاده شده است ایمان می آوردند، کافران را دوست نمی گرفتند، اما بسیاری از ایشان فاسقند.

﴿٨٢﴾ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۗ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ

آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ۗ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

بیگمان شدیدترین مردم از روی دشمنی برای مؤمنان، یهود و مشرکان را می یابی، و بیگمان نزدیکترین مردم از روی دوستی برای مؤمنان کسانی را می یابی که میگویند ما نصاری ایم. این از سببی است که در بین شان قسیس ها {۱} و رهبان هایی {۲} وجود دارد، و ایشان گردنکشی نمیکنند.

{۱} دانشمندان؛ {۲} صومعه نشینانی؛

﴿٨٣﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ۗ يَقُولُونَ

رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

و وقتی ایشان آنچه را به پیامبر فرستاد شده بشنوند چشمان شان را از اشک لبریز می بینی، به سبب حقیقتی که آنرا تشخیص داده اند. میگویند: « پروردگار ما، ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس. »

جزء یا سپاره هفتم - وما لنا

﴿٨٤﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

و چه دلیل میتوانیم داشته باشیم که به خداوند و (دین) حقی که بما آمده است ایمان نیآوریم؟! در حالیکه آرزومندیم که پروردگار ما، ما را در زمره مردم صالح داخل گرداند.

﴿٨٥﴾ فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَلِكَ جَزَاءُ

الْمُحْسِنِينَ

پس بخاطر این سخن که گفتند، خداوند آنها را به بهشت هایی مزد داد که در زیر (درختهای) آن جویبارها جریان دارد و در آن جاودانه بسر میبرند، و چنین است مزد نیکوکاران.

﴿٨٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

اما آنهاييکه کافر شدند و آیات ما را دروغ پنداشتند، ایشان اهل دوزخ اند.

﴿٨٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْمُعْتَدِينَ

ای مؤمنان، چیزهای پاکیزه ای را که خداوند برای شما حلال گردانیده حرام مسازید، و از حد مگذرید، حقا که خداوند کسانی را که از حد میگذرند دوست ندارد.

﴿٨٨﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

و از چیزهای حلال و پاکیزه که خداوند بشما روزی داده است بخورید، و از خداوند - ذاتیکه به او ایمان دارید - بترسید.

﴿٨٩﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ ۗ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ

عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۗ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ

ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۗ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۗ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

خداوند شما را در برابر سوگندهای بیهوده (و بدون اراده) شما مواخذه نمیکند، اما شما را در برابر سوگندهای جدی شما مواخذه میکند. پس کفاره آن طعام دادن ده نفر نیازمند است به سویه اوسط، طعامیکه به خانواده خود می خورانید، یا دادن پوشاک ایشان یا آزاد ساختن برده ای است. اگر کسی (هیچ کدام از اینها را) نداشت سه روز روزه بگیرد. این کفاره (شکستن) سوگندهای شما است در هنگامیکه سوگند یاد کردید. و سوگندهای خود را حفظ کنید. به این ترتیب خداوند آیات خود را بشما بیان میکند تا باشد سپاسگزار شوید.

﴿٩٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ

فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای مؤمنان، شراب، قمار، سنگهای نصب شده (برای پرستش) و (بخت آزمایی بوسیله) تیر ها پلید است، از کردار شیطان. بنابراین از آن احتراز کنید تا باشد که رستگار شوید.

﴿٩١﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

بیگمان شیطان میخواهد تا بوسیله شراب و قمار دشمنی و نفرت را میان شما ایجاد کند، و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما (ازین اعمال ناشایسته) اجتناب نمیکنید؟

﴿٩٢﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا ۚ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و (از نافرمانی خدا و رسولش) حذر کنید. اگر شما رو گردانید، پس بدانید که وظیفه رسول تنها رساندن (این پیام) روشن است (و بس).

﴿٩٣﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

بر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، گناهی نیست در صورتیکه خود را (از بدی) باز دارند، ایمان آرند و کارهای نیکو نمایند و باز پرهیزگاری نمایند، و ایمان آرند و باز پرهیزگاری ورزند و نیکوکاری نمایند در آنچه (از شراب و غیره در گذشته) خورده اند. و خداوند نیکوکاران را دوست میدارد.

﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای مؤمنان، بیگمان خداوند شما را در برخی (موارد) شکار که به آن دست ها یا نیزه های شما میرسد می آزماید، تا خدا کسی را که غایبانه از او میترسد متمایز گرداند، و کسی که بعد ازین تجاوز کند برایش عذابی دردناک است.

﴿٩٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۚ وَمَن قَتَلَهُ مِنْكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدِيًّا بِالِغَيْبِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ

صِيَامًا لِّيُذَوَّقَ وَبِالْأَمْرِ ۚ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۚ وَمَن عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ
ای مؤمنان، هنگامیکه در (حرم یا) لباس احرام هستید شکار نکنید. و هر کسی از شما که عمداً آنرا بقتل برساند، باید کفاره معادل آن را از چارپایان بدهد، (کفاره ای) که دو نفر عادل از شما (معادل بودن) آنرا تصدیق کنند و بصورت هدی به (حريم) کعبه برسد. یا بر اوست تغذیه محتاجان، یا معادل آن روزه گرفتن است. تا جزای کردار خود را بچشد. خداوند آنچه را در گذشته به عمل آمده بخشیده است، اما اگر کسی باری دیگر مرتکب چنین عمل شود، خداوند از او انتقام میگیرد، و خداوند صاحب قدرت منیع (و) صاحب انتقام است.

﴿٩٦﴾ أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۗ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

به شما شکار دریا و خوردن آن برای منفعت شما و مسافران حلال است. اما شکار خشکه تا وقتی که در (حرم یا در حال) احرام هستید بر شما حرام است. از خداوند بترسید، ذاتیکه بسوی او حشر میشود.

﴿٩٧﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ۗ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند کعبه بیت الحرام را (وسیله) قوام (امور) مردم گردانید، و (همچنان) ماههای حرام، هدی و قلاده ها را (که این قربانی ها را با آن نشانی میکنند). این برای آنست تا بدانید که خداوند هر آنچه را که در آسمانها و زمین است واقعاً میداند. و بیگمان خداوند به همه چیز دانا است.

﴿٩٨﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بدانید که خداوند بدون شک سخت عذاب کننده است، و واقعاً خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٩٩﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

وظیفه پیامبر نیست مگر رسانیدن پیام، و خداوند همه چیزهایی را که شما آشکار یا پنهان میکنید میداند.

﴿١٠٠﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

بگو: « پلید و پاک همسان نیستند، اگرچه وفرت پلید ترا به شگفت آرد. پس ای خردمندان، از خدا بترسید تا باشد که رستگار شوید. »

﴿١٠١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

ای مؤمنان، در باره چیزهایی سوال نکنید که اگر بشما واضح شود، شما را ناخوشنود میسازد، و اگر شما در باره این چیزها در همان وقتی که قرآن نازل میشود سوال کنید، بشما واضح ساخته میشود. خداوند از آنها در گذشته است و خداوند آمرزند (و) صاحب حلم است.

﴿١٠٢﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

بعضی مردم پیش از شما (نیز) چنین سوالاتی را کردند، و بعد از آن (به سبب انکار) به آن کافر شدند.

﴿١٠٣﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ ۗ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۗ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

خداوند (خرافاتى چون) بحيره، سائبه، وصيله يا حام را مقرر نكرده است. مگر اين كافران اند كه بر خدا به دروغ بهتان ميبندند، و اكثر شان بيخرد اند.

﴿١٠٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و چون به ايشان گفته شود « بسوى آنچه خداوند فرو فرستاده و بسوى رسول بياييد، » ميگويند « براى ما همان چيزى كافى است كه پدران خود را بر آن يافتيم. » آيا با اينكه پدران شان چيزى را نميدانستند و رهياب نبودند (باز هم از ايشان پيروي ميكنند)!

﴿١٠٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۖ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

اى مؤمنان، مراقب نفس خود باشيد، كسانيكه گمراه هستند بشما ضررى عايد كرده نميتوانند اگر شما رهياب باشيد. بازگشت همه شما بسوى خدا است. و شما را به همه چيزهاييكه ميكنيد آگاه ميسازد.

﴿١٠٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ ۗ تَحْسِبُونَهُمَا مِنَ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ

اى مؤمنان، چون شما را مرگ در رسد، در هنگام وصيت دو نفر عادل را از ميان خود (از مسلمانان) بگواهي بگيريد، و در صورتيكه به سفر باشيد و مصيبت مرگ شما را در رسد (ميتوانيد) دو نفر از غير خود (يعنى غير مسلمان) را (براي وصيت) بگواهي بگيريد. اين دو گواه را بعد از نماز بازداريد، و (ايشان) به خدا سوگند ياد كنند كه « اگر شك داريد اين سوگند را به پول سودا نميكنيم اگرچه (طرف مقابل) از خويشاوندان ما باشد، و گواهي را كه (محض) براي خدا است نميپوشيم، اگر چنين كنيم از گنهگاران ميگرديم. »

﴿١٠٧﴾ فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتَيْهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

اگر اطلاع حاصل شد كه آن دو گواه گناه (شهادت دروغين) را مرتكب شده اند، پس بجاي آنها دو نفر ديگر از كسانيكه حق شان بوسيله دو گواه نخستين پايمال شده است به گواهي پردازند. پس (اين دو گواه چنين سوگند ياد كنند: « بيگمان شهادت ما از شهادت آن دوى ديگر راست تر است، تجاوزى نكرده ايم، اگر ما چنين كرده باشيم از جمله ستمگاران ميگرديم. »

﴿١٠٨﴾ ذَلِكْ أَذْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

این مساعدترین شیوه ای است (که با رعایت آن) ایشان شهادت را بشکل (راستین) آن میدهند، یا اینکه بترسند که بعداً سوگندهای دیگری سوگندهای ایشان را رد میکند. از خداوند بترسید و (به حکم او) گوش فرا دهید، و خداوند مردم فاسق را هدایت نمیکند.

﴿١٠٩﴾ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ ۗ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

آرروز (فرا رسیدنی است) که خداوند همه پیامبران را جمع میکند و (به آنها) میگوید « به شما (از جانب مردم) چه جوابی داده شده است؟ » میگویند « ما چیزی نمیدانیم، این تو هستی که امور غیب را میدانی. »

﴿١١٠﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ

تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۗ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۗ وَإِذْ تَخْلُقُ

مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي ۗ وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ

بِأَذْنِي ۗ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِأَذْنِي ۗ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

بیاد آر که خداوند گفت: « ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا که بتو و مادرت ارزانی داشتم بیاد آر. آنوقت که ترا به روح القدس قوت دادم، با مردم در طفلی و در سن کهولت سخن میگفتی. و بیاد آر که من بتو کتاب و حکمت و تورات و انجیل را آموختم. و بیاد آر که از گل شکل مرغی را به اجازه من میساختی و در آن میدمیدی، و آن به اجازه من مرغی میشد، و کور مادرزاد و پیس را به اجازه من شفاء میدادی. و بیاد آر که مرده را به اجازه من زنده میساختی. و بیاد آر چگونه من بنی اسرائیل را از (رسانیدن آسیب به) تو بازداشتم، دران هنگام که به ایشان نشانه های روشنی را آوردی، پس کافران ایشان گفتند "این بغیر از جادوی آشکار چیزی نیست." »

﴿١١١﴾ وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

و بیاد آر هنگامی را که به حواریون الهام کردم که بمن و پیامبرم ایمان آرید، گفتند « ایمان آوردیم، و تو گواه باش که ما واقعاً مسلمانیم. »

﴿١١٢﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ

السَّمَاءِ ۗ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و بیاد آر هنگامی را که حواریون گفتند: « ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگار تو میتواند برای ما سفره ای از آسمان فرو فرستد؟ » عیسی گفت: « از خداوند بترسید اگر ایمان دارید! »

﴿۱۱۳﴾ قَالُوا نُزِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

گفتند: « میخواهیم از آن بخوریم و دل‌های ما مطمئن شود، و بدانیم که تو واقعاً بما راست گفته‌ای، و ما بر این (معجزه) گواه باشیم. »

﴿۱۱۴﴾ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ ۗ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

عیسی پسر مریم گفت: « ای خدایا، پروردگار ما، از آسمان بر ما سفره ای فرود آور تا برای ما عید باشد، برای اول ما (که درین عصر زندگی میکنیم) و آخر ما (یعنی عیسوی هایی که بعد از ما می آیند)، و نشانه ای از جانب تو باشد. بما روزی ده و تو بهترین روزی دهنده‌گانی! »

﴿۱۱۵﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۗ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مَنكُم فإِنِّي أَعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أَعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ

الْعَالَمِينَ

خداوند گفت: « من آنرا بر شما فرود آورده ام، اما اگر کسی از شما بعد از آن کافر شود او را به چنان عذابی عذاب میکنم که بآن هیچ کسی دیگر را از جهانیان عذاب نکنم. »

﴿۱۱۶﴾ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ

اللَّهِ ۗ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ ۗ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۗ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

و بیاد آر هنگامی را که خداوند گفت: « ای عیسی پسر مریم، آیا تو ب مردم گفتی من و مادر مرا جز خدا بحیث معبود بگیرید؟ » عیسی گفت: « پاکی تو، مرا نه سزد چیزی بگویم، که حق (گفتن) آنرا ندارم. اگر چنین چیزی میگفتم تو واقعاً آنرا میدانستی. تو آنچه را در نهاد من است میدانی، اما من آنچه را در نهاد تو است نمیدانم. واقعاً این تو هستی که غیب را میدانی. »

﴿۱۱۷﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۗ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ

فِيهِمْ ۗ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۗ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

من هرگز به ایشان جز همان چیزی که تو مرا به آن امر کردی نگفتم، این که « خداوند پروردگار من و پروردگار خود را بپرستید. » و من تا هنگامیکه در میان ایشان بودم بر ایشان گواه بودم. چون مرا برداشتی، تو ناظر حال ایشان بودی و تو بر همه چیز گواهی.

﴿۱۱۸﴾ إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ ۗ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اگر ایشان را عذاب کنی، بندگان تو اند. و اگر ایشانرا بیامرزی، پس تو صاحب قدرت منیع (و) باحکمتی.

﴿١١٩﴾ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ ۗ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

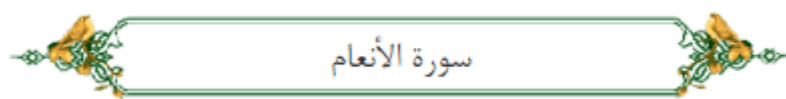
خداوند گفت: « این روزی است که در آن راستگویان را راستی شان بهره ور میسازد. ایشان را باغ هایی است که در زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد و در آن جاودانه خواهند بود. خداوند از ایشان خوشنود است و ایشان از خداوند خوشنود اند، اینست رستگاری بزرگ. »

﴿١٢٠﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست، و او بر هر چیزی توانا است.

(٦) سوره الانعام:

مکی و دارای (١٦٥) آیه است و (چهارپایان) معنی دارد و به سبب آنکه در آیات (١٣٨ و ١٣٩) از انعام یعنی چارپایان سخن رفته است آنرا به انعام مسمی کرده اند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ۗ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

ستایش خدای راست که آسمان ها و زمین را آفرید، و تاریکی و روشنایی را پیدا کرد. با این هم کافران به پروردگار خویش (دیگران را) مساوی قرار میدهند.

﴿٢﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۗ وَأَجَلٌ مُّسَمًّىٰ عِنْدَهُ ۗ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

او ذاتی است که شما را از گل آفرید، سپس موعدی را (برای شما) تعیین کرد، و موعد تعیین شده نزد او است. با این هم شما شک میورزید.

﴿٣﴾ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ ۗ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

اوست خداوند در آسمانها و در زمین، پنهان شما و آشکار شما را میداند، و (نیز) چیزی را که شما کسب میکنید میداند.

﴿٤﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

هیچ آیه ای از آیه های پروردگار به ایشان نیامد مگر آنکه از آن روی گردان بودند.

﴿٥﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و (اکنون نیز سخن) حق (یعنی قرآن) را که به ایشان آمد دروغ پنداشتند، اما بزودی بسوی ایشان خبر چیزهایی که آن را مورد تمسخر قرار میدادند می آید.

﴿٦﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ

عَلَيْهِمْ مَّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا

آخِرِينَ

آیا نمی بینند چه نسلهایی را پیش از ایشان هلاک کردیم؟! ایشان را در زمین طوری استوار ساختیم که شما را به آن قسم استوار نگردانیدیم. بر ایشان باران های پیاپی را از آسمان فرو ریختانیدیم، و برای شان جویبارهای (سرشار) دادیم (که) در زیر (آبادهای) شان جریان داشت. اما با این هم، آن ها را به سبب گناهان شان هلاک ساختیم، و بعد از ایشان نسل دیگری را بمیان آوردیم.

﴿٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

اگر بر تو نوشته ای را بر ورقی فرو میفرستادیم و آنرا با دست های خود لمس میکردند، باز هم یقیناً کافران میگفتند « این نیست مگر جادویی آشکارا. »

﴿٨﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ

و گفتند « چرا به او فرشته ای نازل نشده است؟ » و اگر فرشته ای را میفرستادیم، موضوع به یکبارگی حل و فصل میشد، و برای شان مهلتی داده نمیشد.

﴿٩﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ

و اگر فرشته ای را (پیامبر) میساختیم، او را به قسم انسان میفرستادیم. و بیگمان بر ایشان مشتبه میساختیم موضوعی را که اکنون ایشان آنرا مشتبه میسازند.

﴿١٠﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

(بسا) از پیامبران پیش از تو (نیز) مورد تمسخر قرار گرفتند، ولی سرانجام آنچه را مورد تمسخر قرار میدادند ایشانرا احاطه کرد.

﴿١١﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

بگو « در زمین گردش کنید تا ببینید که آخر کار کسانی که (حق) را تکذیب کردند چه بود. »

﴿١٢﴾ قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قُلْ لِلَّهِ ۗ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۗ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بگو « آنچه در آسمانها و در زمین است از آن کیست؟! » بگو « از آن خداست، او بر خویشتن رحمت را بنوشت (یعنی لازم گردانید). بیشک که او واقعاً شما را بروز قیامت جمع میکند که در آن هیچ شکی نیست. آنهایکه خود را زیانمند ساخته اند، پس همانهايند که ایمان نمی آرند.

﴿١٣﴾ وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۗ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

هر آنچه در شب و روز قرار دارد همه از آن اوست، و هم اوست شنوا و دانا.

﴿١٤﴾ قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ۗ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ ۗ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو « آیا کسی دیگر را جز خدا، آفریننده آسمانها و زمین، حامی بگیرم؟ در حالیکه اوست که روزی میدهد، و به او روزی داده نمیشود. » بگو « به من حکم شده تا نخستین کسی باشم که مسلمان شده است، (و بمن گفته شده که) هرگز در زمره مشرکان مباش. »

﴿١٥﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بگو: « اگر من (نیز) پروردگار خود را نافرمانی کنم، واقعاً از عذاب روز بزرگ میترسم. »

﴿١٦﴾ مَنْ يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ ۗ وَ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

در آن روز اگر از عذاب کسی صرف نظر میشود، در واقع خداوند به او مرحمت کرده است. و اینست رستگاری آشکارا.

﴿١٧﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۗ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ

اگر خداوند به تو زبانی برساند، هیچ کس به غیر از او آنرا دفع کرده نمیتواند، و اگر بتو خیری رساند پس او بر همه چیزها قدرت دارد.

﴿١٨﴾ وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۗ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

اوست بر بندگان خود قاهر {۱}، و هم اوست باحکمت و آگاه.

{۱} فروشکننده؛

﴿١٩﴾ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۗ قُلِ اللَّهُ ۗ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ ۗ أَنتُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ ۗ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۗ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

بگو « کیست که از همه در گواهی بزرگتر است؟ » بگو « خداوند در بین من و شما گواه است، و این قرآن بمن وحی شده است تا به آن شما و همه آنانی را که قرآن به ایشان میرسد بیم بدهم. آیا واقعاً شما گواهی میدهید برینکه با خدا معبودان دیگری (هم) وجود دارند؟ » بگو « من گواهی نمیدهم. » بگو « حقا که او خداوند یکتاست، و از آنچه شریک می آورید واقعاً بیزارم. »

﴿٢٠﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۗ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

کسانی که به ایشان کتاب را داده ایم، او را طوری میشناسند که فرزندان خود را می شناسند. آنها یکه بخود زیان رسانده اند، پس ایشان ایمان نمی آرند.

﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و کیست ستمگارت از کسیکه بر خدا دروغی بر بسته یا آیات او را تکذیب کرده است؟! بیگمان ستمکاران رستگار نمیشوند.

﴿٢٢﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ

و آن روز (را یاد کن) که همه ایشانرا جمع کنیم. سپس به آنانی که شریک آورده بودند، میگوییم « کجاست شریکهایی که شما گمان داشتید؟ »

﴿٢٣﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتِنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

سپس حیلۀ شان جز این نیست که بگویند: « به خدای پروردگار ما سوگند که هرگز مشرک نبودیم. »

﴿٢٤﴾ انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ۗ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بین چگونه بخود دروغ گفتند، اما دروغی را که بر بسته بودند از ایشان گم شد (یعنی ایشان را در خلا گذاشت).

﴿٢٥﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۗ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا ۗ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

و از ایشان کسانی اند که (وانمود میکنند که) بتو گوش میدهند، اما ما بر دلهای شان پرده هایی انداختیم که آنرا نمی فهمند، و در گوشهای شان گرانی نهادیم، و اگر هر معجزه ای را (هم) ببینند به آن ایمان نمی آرند، تا چون نزد تو بیایند با تو منازعه میکنند. کافران میگویند « نیست این مگر افسانه های پیشینیان. »

﴿٢٦﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ ۗ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

دیگران را از آن باز میدارند، و خودشان نیز از آن دوری میگزینند، اما ایشان جز خویشتن (کسی را) تباہ نمیکنند، ولی درک نمی نمایند.

﴿٢٧﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و اگر تو ایشان را هنگامیکه در برابر آتش قرار داده میشوند ببینی، پس میگویند: «ایکاش باز گردانیده میشدیم که آیات پروردگار خود را تکذیب نمیکردیم، و از مؤمنان میشدیم.»

﴿٢٨﴾ بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ ۗ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

بلکه هر آنچه را ایشان پیش ازین پنهان میداشتند (در آنروز) برای شان آشکار شد. و اگر ایشان (بدنیا) باز گردانیده شوند، بدون شک به سوی آنچه از آن منع شده بودند باز میگردند، و واقعاً ایشان دروغگوی اند.

﴿٢٩﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

و گفتند: «جز زندگی ما درین دنیا چیزی دیگر نیست، و ما بار دیگر برانگیخته نمی شویم.»

﴿٣٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۖ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۗ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۗ قَالَ فَذُقُوا

العَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

اگر ایشانرا هنگامیکه در پیشگاه (عدالت) پروردگار خویش ایستاده کرده شوند ببینی، و خداوند به ایشان بگوید «آیا این (رویداد) حق نیست؟» در جواب میگویند «واقعاً این رویداد حق است و به پروردگار ما قسم.» خداوند میگوید «پس عذاب را بچشید به سبب آنکه کافر بودید.»

﴿٣١﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا

فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

واقعاً کسانیکه لقای خدا را دروغ پنداشتند زیان کار اند، تا چون ناگهان قیامت بر ایشان بیاید میگویند «وا حسرتا بر ما که در آن کوتاهی کردیم!» در حالی که آنها بار (گناهان) خویش را بدوش میکشند. آه چه بد است باری که ایشان حمل میکنند.

﴿٣٢﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۗ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و نیست زندگانی دنیا جز لهو و لعب. و بیگمان سرای آخرت برای مردم باتقوی بهتر است. آیا پس شما درک نمی کنید؟

﴿٣٣﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ ۗ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ

يَجْحَدُونَ

ما واقعاً میدانیم سخنان ایشان ترا براستی اندوهگین میسازد. در واقع شما را تکذیب نمیکنند، بلکه (این) ستمکاران از آیات خداوند انکار میورزند.

﴿۳۴﴾ وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلٰی مَا كَذَّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۗ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِإِ الْمُرْسَلِينَ

بیگمان پیش از تو (نیز) پیامبران تکذیب شدند. پس در برابر هر آنچه تکذیب و اذیت میشدند صبر کردند، تا نصرت ما به ایشان رسید. برای کلمات خداوند تبدیل کننده ای نیست. واقعاً بتو از احوال آن پیامبران رسیده است.

﴿۳۵﴾ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِي نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ ۗ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

در صورتیکه اعراض ایشان بر تو گران تمام میشود، پس اگر بتوانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجوی، و به ایشان معجزه ای بیاور (باز هم ایمان نمی آورند). اگر خداوند میخواست ایشان را به راه راست جمع میساخت. پس تو از زمره جاهلان مباش.

﴿۳۶﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۗ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

تنها کسانی (دعوت ترا) اجابت میکنند که گوش شنوا دارند، (ولی) مردگان (یعنی کسانی که دعوت ترا اجابت نمیکنند) خداوند ایشانرا بر می انگیزد، و سپس به سوی او باز گردانیده میشوند.

﴿۳۷﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

میگویند « چرا بر او (یعنی محمد) نشانه ای از جانب پروردگارش فرو فرستاده نشد؟ » بگو « بیگمان خداوند قدرت دارد که نشانه ای فرو فرستد، » اما اکثر ایشان نمیدانند.

﴿۳۸﴾ وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ ۗ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه پرنده ای که با بالهای خود پرواز کند مگر اینکه امت هایی هستند مانند شما. ما در کتاب چیزی را فرو گذاشت نکرده ایم، و سپس ایشان (همه) بسوی پروردگار خود حشر میشوند.

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ ۗ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلُهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

آنانیکه آیات ما را تکذیب کردند، کر و گنگ هستند. در (عمق) تاریکی ها هر که را خداوند بخواهد گمراه میگرداند، و هر که را بخواهد بر راه راست قرار میدهد.

﴿٤٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بگو: « آیا (گاهی) بخود اندیشیده اید؟! اگر بر شما عذاب خداوند بیاید یا قیامت بسر وقت شما برسد، آیا جز خدا (دیگری) را فرا میخوانید؟ اگر راستگویید (حقیقت را بیان کنید)! »

﴿٤١﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

بلکه خاص او را فرا میخوانید. پس (آن مصیبتی را که) برای (دفع) آن دعاء میکنید، اگر بخواهد دفع میکند، و چیزی را که شریک می آوردید فراموش میکنید.

﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

حقا که برای بسیاری از امتهایی پیش از تو (پیامبرانی) فرستادیم، پس ایشانرا به سختی ها و رنجها گرفتار ساختیم تا باشد که ایشان (به قبول حق) وادار شوند.

﴿٤٣﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

پس چرا در هنگامیکه عذاب به ایشان آمد تسلیم نشدند؟ مگر دلهای شان سخت گردید و شیطان برای آنها اعمال شانرا زیبا جلوه داد (که بحق تسلیم نشدند)؟!

﴿٤٤﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم

بِعُتَّةٍ فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

پس چون آنچه را به ایشان پند داده شده بود فراموش کردند، بر ایشان دروازه های همه چیزها را گشودیم، تا اینکه به چیزهایی که داده شده بودند شادمان گشتند، ایشانرا ناگهان گرفتار کردیم، پس ایشان بیکبارگی ناامید شدند.

﴿٤٥﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس بیخ مردم ستمکار بریده شد، و ستایش خدای پروردگار جهانیان راست.

﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُم

بِهِ ۗ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

بگو: « آیا (گاهی) اندیشیده اید، اگر خداوند شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دلهای شما مهر نهد، کیست آن معبود بجز خدای (یگانه) که آنها را بشما باز دهد؟ » بین چطور ما آیت ها را بیان میکنیم ولی باز هم ایشان رو میگردانند.

﴿٤٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

بگو: « شما خود فکر کنید، اگر عذاب خداوند بر شما ناگهان یا آشکار بیاید، آیا بغیر از گروه ستمکار (کسی دیگری) هلاک خواهد شد؟ »

﴿٤٨﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۚ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

ما پیامبران را نمیفرستیم مگر (بحیث) بشارت دهنده و بیم دهنده. پس کسانی که ایمان آوردند و اصلاح شدند، برایشان نه خوفی است و نه هم ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٤٩﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به ایشان عذاب میرسد، از سبب اینکه فسق ورزیده اند.

﴿٥٠﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۚ إِنِ اتَّبَعِ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

بگو « من بشما نمیگویم که نزد من خزینه های خداوند است، و نه (هم) غیب را میدانم، و نه (هم) بشما میگویم من فرشته ام. من پیروی نمیکنم مگر آنچه را که بمن وحی شده است. « بگو « آیا نابینا و بینا برابر (پنداشته) میشوند؟ پس (با این هم) آیا فکر نمی کنید؟ »

﴿٥١﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

بدین وسیله کسانی را بیم بده که میترسند که به حضور پروردگار خویش حشر می شوند، در حالیکه جز وی نه کارسازی دارند و نه هم شفاعت کننده ای، تا باشد که ایشان بترسند.

﴿٥٢﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۚ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

کسانی را که پگاه و بیگاه پروردگار خویش را میخوانند و رضای او را میطلبند، دور مران. تو از (جای) ایشان از چیزی حسابه نیستی، و نه هم ایشان از (جای) تو از چیزی حسابه میباشند. (مبادا که) ایشانرا از خود برانی و (به این ترتیب) از جمله ستمگران شوی.

﴿٥٣﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ بَيْنِنَا ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

اینچنین بعضی را به بعضی دیگر آزمایش کردیم تا بگویند « پس آیا اینها بندگان کسانی که خداوند از میان ما بر ایشان فضل کرده است؟ » آیا خداوند سپاسگزارانرا خوب نمیشناسد؟

﴿٥٤﴾ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

آنهاییکه به آیات ما ایمان دارند، چون نزد تو می‌آیند پس به ایشان بگو: «سلام بر شما، پروردگار شما بر خود (دستور) رحمت را نوشته است که اگر کسی از شما از روی نادانی کار بدی کرد و بعد از آن توبه نمود و (اعمال خود را) اصلاح کرد، پس حقا که خداوند آمرزنده (و) مهربان است.»

﴿٥٥﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لِّيَتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ

بدین ترتیب ما آیات را به تفصیل بیان میکنیم، و تا راه گنهکاران روشن شود.

﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ ۚ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

بگو «بیگمان من ازین باز داشته شده ام که بغیر خداوند آنهایی را بپرستم که شما ایشان را می‌خوانید.» بگو «من هوای (نفس) شما را پیروی نمیکنم. اگر این کار را بکنم، بیگمان گمراه شده‌ام. و (درین هنگام) از زمره راه یافتگان نمیباشم.»

﴿٥٧﴾ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ ۚ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۚ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا

لِلَّهِ ۚ يَقْضُ الْحَقَّ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

بگو: «من بر (دلیل) روشنی از جانب پروردگار خویش می‌باشم، و شما آنرا تکذیب کردید. آنچه را شما با شتابزدگی تقاضا میکنید به نزد من نیست، حکم بدست (کسی دیگر) جز خداوند نیست. حق را بیان میکند، و او بهترین فیصله‌کنندگان می‌باشد.»

﴿٥٨﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

بگو: «اگر آنچه را شما با شتابزدگی تقاضا دارید نزد من میبود، موضوع بزودی بین ما و شما حل و فصل میشد. و خداوند به ستمکاران داناتر است.»

﴿٥٩﴾ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ

إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و کلیدهای غیب نزد او است، (خزاینی) که آنرا کسی دیگر بجز او نمیداند، و (نیز) آنچه را در خشکه و بحر است (همه را) میداند، و هیچ برگگی (از درخت) نمی‌افتد مگر اینکه آنرا میداند، و نه دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه چیزی تازه یا خشک وجود دارد، مگر آنکه در کتاب واضح (ثبت شده) است.

﴿٦٠﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ۚ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ

مُسَمًّى ۚ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

و او است که روح شما را در شب میگیرد، و به همه چیزهاییکه در روز کسب کرده اید آگاه است، سپس شما را بار دیگر در روز برمی‌انگیزد تا میعاد معینی بسر آورده شود. سپس بازگشت شما بسوی او است. بعد از آن شما را به (حقیقت) کارهاییکه انجام دادید آگاه میسازد.

﴿٦١﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۗ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ

و او است بر بندگان خود قاهر (و متسلط)، و او بر شما (فرشتگانی را بحیث) نگهبان میفرستد، تا چون مرگ یکی از شما فرا میرسد، فرشتگان (روح) او را میگیرند، و ایشان (هیچگاه در وظیفه خود) کوتاهی نمیکنند.

﴿٦٢﴾ ثُمَّ رُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مَوْلَاَهُمْ الْحَقُّ ۗ اِلَّا لَهٗ الْحُكْمُ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحَاْسِبِيْنَ

سپس ایشان بسوی خداوند مولای برحق خویش برگردانده میشوند. هان (در آن روز) حکم از آن او است، و او در حساب گرفتن (از همه) سریع تر است.

﴿٦٣﴾ قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُوْهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لِّئِنْ اُنْجَاْنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُوْنَنَّ

مِنَ الشَّاكِرِيْنَ

بگو: « کیست آنکه شما را از تاریکی های خشکه و بحر نجات میدهد؟! هنگامیکه او را با تضرع و بگونه پنهان میخوانید (و می گوئید که) "اگر ما را ازین (خطرات) نجات بدهد، براستی ما از سپاسگزاران میباشیم". »

﴿٦٤﴾ قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ

بگو: « (این) خدا است که شما را ازینها و از هر غمی (دیگر) نجات میدهد، ولی باز هم شما شرک می آورید. »

﴿٦٥﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰى اَنْ يَّبْعَثَ عَلَیْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِكُمْ اَوْ يَلْبَسَكُمْ

شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ اَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰیَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُوْنَ

بگو: « او قدرت دارد که بر شما از بالای سر شما یا از زیر پای شما عذاب بفرستد. یا شما را به نزاع های گروهی بآمیزد، و به شما مژه ستیز یکی از شما را در برابر دیگر بچشاند. « ببین، چگونه آیات را (به آنها) بیان میکنیم تا ایشان بفهمند.

﴿٦٦﴾ وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۗ قُلْ لَسْتُ عَلَیْكُمْ بِوَكِيْلٍ

و قوم تو این (قرآن را) که حق است تکذیب کردند، بگو: « من مسؤول (ایمان آوردن) شما نیستم. »

﴿٦٧﴾ لَكُمْ لَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۗ وَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ

برای هر خبری میعادى است، و بزودی میدانید.

﴿٦٨﴾ وَاِذَا رَاٰتِ الَّذِيْنَ يَخُوْضُوْنَ فِىْ اٰیَاتِنَا فَاَعْرَضَ عَنْهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِىْ حَدِيْثِ غَيْرِهٖ ۗ وَاِمَّا

يُنْسِيْنَكَ الشَّيْطٰنُ فَلَا تَقْعُدْۗ بَعْدَ الذِّكْرِۗ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ

و هنگامیکه مردمی را می بینی که در باره آیات ما به سخنان اهانت آمیزی می پردازند، از ایشان رو بگردان، تا به بحثی دیگر بپردازند. و اگر گاهی شیطان (این مطلب را) از خاطرت فراموش میسازد، پس چون بیاد تو آمد، با گروه ستمکاران منشین.

﴿٦٩﴾ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

از عملکرد کافران، بر پرهیزگاران مسؤولیتی عاید نمیشود. اما این یادآوری برای آنست تا ایشان (متوجه شوند و از خدا) بترسند.

﴿٧٠﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا

كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۚ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۗ أُولَٰئِكَ

الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۗ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

آنهايي را که دين خود را (به) بازي و بيهودگي گرفتند و زندگي (اين) دنيا ايشان را فريفته ساخت، بحال شان بگذار و (ايشان را) به اين (قرآن) پند ده، تا مبادا کسی خود را به سبب آنچه کسب کرده به تباهی بسپارد، (و درين صورت) برای او جز خدا کارساز و شفاعت کننده ای نیست. و اگر به عوض خود در مقابل مجازاتی که برایش تعيين شده هر عوضی را فديه بدهد قبول نمیشود. اينها کسانی اند که با اعمال خویش خود را به تباهی سپردند، ايشان را نوشيدنی آب جوشان و عذابی بس دردناک است به سبب آنکه کافر بودند.

﴿٧١﴾ قُلْ أَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي

اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا ۗ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ

هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَأُمْرًا لِّنُسَلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو: « آیا جز خدا چیزهایی را بخوانیم که برای ما نه سودی رسانده میتوانند و نه هم زیانی؟! و بعد از اینکه خداوند ما را رهیاب ساخت به عقب باز گردیم؟! مانند کسیکه او را شیطانها بدراه کرده و در روی زمین سرگردان ساخته باشند. او دوستانی داشته باشد که وی را براه راست فرا خوانند، (بگویند) "بسوی ما بیا". » بگو: « واقعاً هدایت خداوند همانست هدایت، و مأمور شده ایم تا خود را به پروردگار جهانیان تسلیم کنیم. »

﴿٧٢﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقَوْهُ ۗ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و (بما گفته شده که) « نمازها را به تمام و کمال برپا دارید، و از خداوند بترسید، و هم اوست که (همه شما) بسوی او حشر میشوید. »

﴿٧٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ ۗ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۗ وَلَهُ

الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۗ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و هم او است آنکه آسمانها و زمین را بحق آفرید، و روزیکه بگوید « شو » پس میشود. سخن او حق است. و در روزیکه صور دمیده میشود، پادشاهی از آن او است. او دانای غیب و آشکار است، و هم او است باحکمت و آگاه.

﴿٧٤﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا آلِهَةً ۗ إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و بیاد آر وقتی را که ابراهیم به پدر خود آزر گفت: « آیا بتان را خدا میگیری؟ من بیگمان تو و قوم ترا در گمراهی آشکارا می بینم. »

﴿٧٥﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ

و این چنین به ابراهیم قدرت مطلقه الهی را در آسمانها و زمین نشان دادیم، و تا از اهل یقین گردد.

﴿٧٦﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۗ قَالَ هَذَا رَبِّي ۗ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

وقتی که تاریکی شب او را پوشاند، ستاره ای را دید، گفت « اینست پروردگار من، » اما چون آن (ستاره از نظرش) غایب شد، گفت « من غروب کنندگان را دوست ندارم. »

﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي ۗ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ

الضَّالِّينَ

چون ماه را در حال طلوع دید، گفت « اینست پروردگار من، » اما چون غروب کرد، (ابراهیم) گفت « اگر پروردگارم مرا هدایت نکند، یقیناً از قوم گمراهان میگردم. »

﴿٧٨﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ ۗ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا

تُشْرِكُونَ

پس چون آفتاب را در حال طلوع دید، گفت « این است پروردگار من، این بزرگتر است. » اما چون غروب کرد، (ابراهیم) گفت: « ای قوم من، من واقعاً از اینکه شما (به خداوند) شریک می آرید بیزارم. »

﴿٧٩﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا ۗ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

من بیگمان به ذاتی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفرید، (در ایمان خود) خالصم، و هرگز از مشرکان نیستم.

﴿٨٠﴾ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ ۗ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ ۗ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ

رَبِّي شَيْئًا ۗ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

و قومش با او منازعه کردند. او گفت: « آیا با من در حالی در باره خدا منازعه میکنید که واقعاً او مرا هدایت کرده است؟ من از آنهایی که شما به خدا شریک می آرید نمی ترسم (و بمن زبانی نمی رساند)، مگر آنکه پروردگار من چیزی را اراده کند. علم پروردگار من همه چیز را فرا گرفته است. آیا پند نمیگیرید؟! »

﴿٨١﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ

سُلْطَانًا ۗ فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۗ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

چطور از چیزهایی بترسم که شما آنها را به خدا شریک می آرید، و شما از اینکه به خداوند شریک آورید نمیترسید؟ چیزیکه هیچ دلیلی در زمینه برای شما نفرستاده است. آیا کدام یک از (ما) دو گروه به امن حقدارتریم اگر شما میدانید؟!

﴿۸۲﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

کسانیکه ایمان آوردند و ایمان خود را به شرک نیالودند، ایشان اند که (براستی) در امن اند و هم ایشانند که هدایت شده اند.

﴿۸۳﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۖ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

این بود حجت ما که آنرا به ابراهیم در برابر مردمش دادیم. و (مرتبه) هر کسی را که بخواهیم درجه به درجه بلند میسازیم. بیگمان پروردگار تو صاحب حکمت (و) داناست.

﴿۸۴﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ كُلًّا هَدَيْنَا ۗ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۗ وَمَن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ

وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما به او اسحق و یعقوب را دادیم، همه را هدایت کردیم، و پیش از آن نوح را هدایت کردیم، و از نسل او داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون را (نیز) هدایت کردیم، و بدین ترتیب نیکوکاران را مزد میدهیم.

﴿۸۵﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۗ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ

و زکریا، عیسی، یحیی و الیاس، همه در زمره صالحان اند.

﴿۸۶﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۗ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

و اسماعیل، یسع، یونس و لوط (نیز)، و همه اینها را بر جهانیان فضیلت دادیم.

﴿۸۷﴾ وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۗ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و (نیز) از پدران شان، و اولادشان و برادران شان، و ایشانرا برگزیدیم و براه راست هدایت کردیم.

﴿۸۸﴾ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ ۗ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

این است هدایت خدا، هر که از بندگان خود را که بخواهد به آن رهنمایی میکند. اگر ایشان شرک می آوردند، همه کارهاییکه میکردند از ایشان نابود میشود.

﴿۸۹﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۗ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا

لَيُسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ

اینها کسانی اند که به آنها کتاب، شریعت و پیامبری دادیم. اگر اینها (یعنی اهل مکه معظمه) قرآن مجید را تکذیب کنند، ما قومی را به آن می گماریم که از آن انکار نمی کنند.

﴿٩٠﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ فَبِهَدَاهُمْ أَخْتَدُهُ ۖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

آنها کسانی اند که خداوند ایشانرا رهیاب ساخت، پس به روش ایشان اقتدا کن. بگو « در برابر این (تبلیغ) از شما مزدی نمی طلبم، این نیست مگر پندی برای جهانیان. »

﴿٩١﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِّنْ شَيْءٍ ۖ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ ۖ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ۖ وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

خداوند را طوریکه شایسته شأن او است قدردانی نکردند، وقتیکه گفتند « خداوند چیزی را به انسان (از طریق وحی) نفرستاده است. » بگو « پس چه کسی کتابی را نازل گردانید که موسی آنرا آورد؟ روشنایی و هدایتی برای مردم! اما (این شما هستید که) آنرا ورقها میسازید، یک تعداد از آن (ورق)ها را آشکار و بسیاری از آن (ورق)ها را پنهان میکنید، و بشما چیزی آموختانده شد که نه شما آنرا میدانستید و نه هم پدران شما. » بگو « خداوند (آنرا فرو فرستاده)!» و سپس ایشانرا بگذار تا به صحبت های بیهوده خود سرگرم باشند.

﴿٩٢﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۗ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و این کتابی است که ما آنرا فرو فرستایم، با برکت و تصدیق کننده آن (کتبی) که پیش از آن بود، تا (مردم) "ام القرى" (یعنی مکه معظمه) و حوالی آنرا بیم دهی. و کسانی که به آخرت ایمان دارند، به این کتاب ایمان دارند، و ایشان بر نماز خویش محافظت میکنند.

﴿٩٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ ۗ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

و کیست ستمگارتر از کسیکه بر خداوند دروغ بریندد، یا بگوید « برای من وحی شده است، » در حالیکه هرگز به او چیزی وحی نشده است. یا کسیکه بگوید « من نیز مثل آنچه را خداوند فرو فرستاده است نازل میکنم. » اگر تو وقتی را ببینی که ستمگاران به سكرات مرگ گرفتار میشوند، و فرشتگان دستهای خود را دراز کرده میگویند « روح خود را بیرون آرید. » امروز به عذابی اهانت آمیز عذاب میشوند، به سبب اینکه بر خداوند (سخنان) ناحق گفتید و از آیات او تکبر ورزیدید.

﴿٩٤﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ۗ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ ۗ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

بیگمان بسوی ما (بصورت) انفرادی آمدید، (درست) به همان شکلی که ما شما را بار اول آفریدیم، و تمام آنچه را بشما عنایت کرده بودیم به عقب گذاشتید. با شما اکنون شفیع های شما را که میپنداشتید واقعاً آنها با شما (در شفاعت) شریکند نمی بینیم! واقعاً حالا (پیوند) بین شما و ایشان قطع شده است، و دروغی را که بر بسته بودید از شما گم شده (یعنی شما را در خلا گذاشته است).

﴿٩٥﴾ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۗ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ ۗ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ

حقا که خداوند شکافنده دانه و خسته خرما است، زنده را از مرده بیرون می کند، و بیرون کننده مرده از زنده است. اینست خدای (شما)، پس چگونه از حق منحرف میشوید!؟

﴿٩٦﴾ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ۗ ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

او شکافنده صبح است، شب را مایه آرامش و آفتاب و ماه را برای حساب (وقت) قرار داده است، این است اندازه گیری (خداوند) صاحب قدرت منیع (و) دانا.

﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و او است که ستاره ها را برای شما (علامه هایی) گردانیده است تا در تاریکی های خشکه و بحر با آن رهیب شوید. حقا که ما نشانه های خود را به مردمی تفصیل وار بیان کردیم که می دانند.

﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

اوست که شما را از یک شخص پیدا کرد. پس (برای شما) قرارگاهی است و ودیعت جایی. بیگمان نشانه ها را تفصیل وار به مردمی بیان کردیم که میفهمند.

﴿٩٩﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ

حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ

مُتَشَابِهٍ ۗ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و او است که از آسمان آب را فرو ریخت، و باز بوسیله آن همه رویدنی ها را رویانیدیم. از آن سبزه رویانیدیم، و از (سبزه) دانه های بهم پیوسته. و از درخت خرما شگوفه آن، خوشه های بزمین رسیده (از پرباری) بیرون می

آوریم. و (همچنان) باغهای انگور، زیتون و انار را (آفریدیم) که (در شکل، رنگ، وغیره) مشابه و (در مزه و بو) متفاوت اند. و به میوه های آن ببینید چون بار آرد، و به پختگی آن. در اینها (همه) برای مردمی که ایمان دارند نشانه هایی است.

﴿۱۰۰﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۗ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحَانَہُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا یَصِفُونَ

و (با این هم) کفار برای خداوند جن را شریک می آورند، در حالیکه خداوند آنها را آفریده است، و به نادانی به خداوند پسران و دخترانی تراشیدند. منزه است خدا و برتر است از آنچه به او نسبت میدهند.

﴿۱۰۱﴾ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ ۗ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ایجادگر آسمانها و زمین است. چگونه برای او فرزندی میتواند باشد در حالیکه او هرگز همسری نداشته است؟! و همه چیز را آفریده و او به هر چیزی دانا است.

﴿۱۰۲﴾ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (آری) اینست خداوند، پروردگار شما، جز او معبودی نیست، آفریدگار همه چیزها است. پس او را پرستش کنید و (هم) او است کارساز همه چیزها.

﴿۱۰۳﴾ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ۗ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

دیده ها او را درک کرده نمیتوانند، ولی او دیده ها را درک میکند، و او است نهایت پرلطف و آگاه.

﴿۱۰۴﴾ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَن عَمِيَٰ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

حقا که برای شما از جانب پروردگار شما دلایل روشنی آمده. سپس اگر کسیکه آنرا دید (فایده آن) برای خود او میباشد، و اگر نابینا شود (نیز) به ضرر خود او است. و من پاسدار اعمال شما نیستم.

﴿۱۰۵﴾ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسَتْ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

به این ترتیب ما آیات را (به شکلهای گوناگون) توضیح میکنیم، (مهم نیست) که بگویند «درس گرفته یی،» تا آنرا به مردمی بیان کنیم که میدانند.

﴿۱۰۶﴾ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

آنچه را بتو از جانب پروردگارت وحی شده پیروی کن، جز او معبودی نیست، و از مشرکان روی برتاب.

﴿۱۰۷﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۗ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۗ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

اگر خداوند میخواست، شریک نمی آوردند، ولی ما ترا پاسدار (اعمال) آنها نگردانیدیم، و نه (هم) تو کارساز ایشان میباشی.

﴿۱۰۸﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

کسانی را که مشرکان جز خدا نیایش میکنند دشنام مدهید، تا مبدا ایشان از روی ستمگری و نادانی خدا را بد بگویند. به این ترتیب ما بهر ملتی اعمال شان را آراسته جلوه دادیم. و در آخر کار بازگشت همه آنها به خدای شان است، و ایشانرا به حقیقت آن اعمالی که انجام میدادند آگاه میسازد.

﴿۱۰۹﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۗ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ

ایشان به شدیدترین سوگندها به خداوند قسم یاد میکردند که اگر به ایشان هر نشانه ای بیاید حتماً به آن ایمان می آورند. بگو « یقیناً نشانه ها در نزد خداوند است، و چه میدانید که چون نشانه ها بیاید (باز هم) ایمان نیاورند؟! »

﴿۱۱۰﴾ وَنَقَلْبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰى مَرَّةٍ وَنَدَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

ما دل‌های شان و چشمان شانرا (از پذیرش و دیدن حق) میگردانیم، طوریکه در نخست به آن ایمان نیاوردند، و ایشان را در سرکشی شان سرگردان میگذاریم.

جزء یا سپاره هشتم - ولو اننا

﴿۱۱۱﴾ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ

(حتی) اگر بر ایشان فرشتگان را هم فرو می آوردیم و مردگان با ایشان سخن می گفتند، و همه را گروه گروه در برابر چشمان شان حشر می کردیم، باز هم ایمان نمی آوردند مگر اینکه خداوند میخواست. اما اکثر ایشان نمیدانند.

﴿١١٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ۗ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۗ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

همچنین برای هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، برخی از آنها برخی دیگر را با سخنان فریبنده و سوسه کرده و گمراه میسازند. اگر پروردگارت می خواست ایشان این (کار) را نمیکردند. پس ایشانرا با افترا^۱ های شان بگذار.

﴿١١٣﴾ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ

(این وسوسه ها برای آنست) تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند به آن تمایل پیدا کند، و تا به آن راضی گردند و تا آنچه می‌خواهند بکنند.

﴿١١٤﴾ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا ۗ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ ۗ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

(بگو) « آیا من به جز خدا حکم دیگری را طلب کنم؟ حالانکه اوست که کتاب را یا تفصیل برای شما فرو فرستاد. « کسانی که ما به ایشان کتاب را دادیم (خوب) میدانند که برآستی این (قرآن مجید) از جانب پروردگار تو نازل شده است. پس هرگز از جمله شک آوران مباش.

﴿١١٥﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۗ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

سخن پروردگار تو به انصاف و راستی تمام شد، هیچ تبدیل کننده ای برای سخنان او نیست. و (هم) اوست شنوا (و) دانا.

﴿١١٦﴾ وَإِن تَطَّعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

اگر تو روش بسا از کسانی را که در روی زمین اند پیروی کنی، ترا از راه خداوند گمراه میسازند. ایشان راهی جز گمان تعقیب نمیکنند و ایشان جز تخمین کار دیگری ندارند.

﴿١١٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

واقعاً پروردگار تو بحال کسانی که از راه او گمراه می شوند خوب آگاه است، و (هم) او به (حال) رهیابان خوب آگاه است.

﴿١١٨﴾ فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

بنابراین از آن (حیواناتی) بخورید که بر آن (در هنگام حلال کردن) نام خدا گرفته شده است، اگر به آیات او ایمان دارید.

﴿١١٩﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ

چرا از چیزهایی نمیخورید که بنام خداوند ذبح شده است؟ در حالیکه چیزهایی که (خدا) بر شما حرام گردانیده به تفصیل برای شما بیان کرده است، مگر در حالیکه از آن چاره نداشته باشید. اما بسا کسان (مردم را) به هوای نفسانی خود گمراه میسازند، بدون (آنکه از) علم (برخوردار باشند). بیگمان پروردگار تو (هم) او است که به (حال) تجاوزکاران خوب دانا است.

﴿١٢٠﴾ وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ

(همه) گناهان آشکار و پنهان را ترک کنید، واقعاً آنهاييکه مرتکب گناه میشوند بزودی در برابر عملکرد خود جزاء داده میشوند.

﴿١٢١﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ ۗ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

از آن (حیواناتی) که بر آن (در هنگام حلال کردن) اسم خدا گرفته نشده است نخورید. این واقعاً گناه است. و بیگمان شیطانها همواره به دوستان خود وسوسه میکنند تا با شما مجادله کنند. اگر از ایشان اطاعت کنید واقعاً مشرکید.

﴿١٢٢﴾ أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۗ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آیا کسیکه زنده نبود و ما به او زندگی دادیم، و به او روشنایی بخشیدیم که با آن در میان مردم برود (یعنی راه خود را بیابد) مانند کسی است که در تاریکی ها قرار دارد که از آن هرگز بیرون آمده نمیتواند؟! به این ترتیب برای کافران کردارشان خوشایند جلوه داده شده است.

﴿١٢٣﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا ۗ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

و بدین ترتیب، ما در هر قریه کلان شوندگان بدکارانرا گماشتیم تا در آنجا دسیسه چینند، ولی ایشان جز به خود (بکسی دیگری) دسیسه نمی چینند، ولی ایشان شعور ندارند.

﴿١٢٤﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ

يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ

وقتیکه به ایشان نشانه ای (از جانب خداوند) بیاید میگویند « ما هرگز ایمان نمی آوریم تا نشانه ای همانند آنچه به پیامبران خدا داده شده است بما نیز داده شود. » خداوند جایی را که در آن رسالت خویش را می نهد بهتر میداند. بزودی به گنهگاران در پیشگاه خدا به نسبت دسیسه کاری شان رسوایی و عذاب شدید میرسد.

﴿۱۲۵﴾ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ ۗ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

پس کسی را که خداوند بخواد هدایت کند، سینه او را برای اسلام باز میکند. و کسی را که بخواد گمراه کند سینه او را طوری نا آرام و تنگ میسازد که گویی به آسمان بالا میرود. اینچنین خداوند عذاب را بر کسانی که ایمان ندارند میگذارد.

﴿۱۲۶﴾ وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

و این راه پروردگار تو است، راست. حقا که آیات را برای قومی که پندپذیر اند به تفصیل بیان کردیم.

﴿۱۲۷﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برای ایشان در نزد پروردگارشان خانه با امن میباشد، و هم اوست دوست ایشان به سبب اعمال (پسندیده ای) که انجام میدهند.

﴿۱۲۸﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ۗ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِّنَ

الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا ۗ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و آن روز که خداوند همه ایشان را جمع کند (و بگوید): « ای گروه جن، شما انسانهای بسیاری را تابع (یعنی گمراه) ساختید. » دوستان ایشان از انسانها میگویند: « پروردگار ما، ما از یکدیگر بهره ور شدیم، و به موعدی که بما تعیین کرده بودی رسیدیم. » (خداوند) میگوید: « آتش رهائشگاه شما است. در آنجا همیشه بسر میبرید، مگر آنکه خداوند بخواد. بیگمان پروردگار تو صاحب حکمت (و) داناست. »

﴿۱۲۹﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

به این ترتیب، ما بعضی ستمکاران را بر بعضی دیگر مسلط میسازیم به سبب اعمالیکه مرتکب شده اند.

﴿۱۳۰﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ

يَوْمِكُمْ هَذَا ۗ قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا ۗ وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا

كَافِرِينَ

ای گروه جن و انس، آیا بشما پیامبرانی از خود شما نیامدند که بر شما آیات مرا میخواندند و شما را از روبرو شدن با این روز میترساندند؟! « میگویند « به خویشان گواهی دادیم. » و زندگی دنیوی ایشان را فریب داده بر خود گواهی دادند که ایشان کافر بودند.

﴿۱۳۱﴾ ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ

این (فرستادن پیامبران) از سببی است که پروردگار تو اراده ندارد که (باشندگان) قریه ها را بخاطر ستمگاری شان در حالیکه بی خبر باشند هلاک نماید.

﴿۱۳۲﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

هر یک از (مردم) نسبت به اعمالیکه انجام میدهند درجاتی دارند. و خداوند از اعمالیکه انجام میدهند هرگز بی خبر نیست.

﴿۱۳۳﴾ وَرَبُّكَ الْعَنِيِّ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ إِنَّ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفَ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ

پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را از بین میبرد، و بعد از شما هر که را بخواهد جانشین میسازد، چنانچه شما را (نیز) از نسل مردمی دیگر آفرید.

﴿۱۳۴﴾ إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِي ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

بیگمان همه چیزهاییکه بشما وعده شده است حتماً آمدنی است، و هرگز شما عاجز ساخته نمیتوانید (یعنی تقدیر خدا را تغییر داده نمیتوانید).

﴿۱۳۵﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

بگو: « ای مردم من، هر چه میتوانید بکنید، من (هم بسهم خود هر چه میتوانم) انجام میدهم. بزودی خواهید فهمید که سرای آخرت از آن کیست؟! واقعیت امر اینست که ستمکاران رستگار نمیشوند. »

﴿۱۳۶﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا ۚ فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ ۚ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

از آنچه خداوند از کشت و چارپایان آفریده حصه ای به خداوند مقرر داشتند، و مطابق به پندار خویش میگفتند « این برای خداوند است و این (هم) برای شریکان ما. » اما حصه شریکان ایشان به خداوند نمیرسد، و آن حصه که برای خداوند (تعیین شده) است پس آن به شریکان شان میرسد. بد است آنچه ایشان حکم میکنند.

﴿۱۳۷﴾ وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ ۚ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

همچنان برای بسیاری از مشرکان، شریکان شان کشتنِ اولادشان را (یک عمل شایسته) جلوه داده بودند، تا ایشان را تباه کنند و دین شانرا بر آنها مشتبه سازند. و اگر خداوند میخواست ایشان چنین نمیکردند. پس ایشان و تهمت های شانرا بحال خود بگذار.

﴿۱۳۸﴾ وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِرِعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ ۗ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ

و به اساس پندار خویش میگویند « این چارپایان و کشت ممنوع است و جز کسانی که ما میخواهیم کسی دیگر از آن باید نخورد. » و چارپایانی هست که پشت آن حرام است (یعنی باربری بوسیله آن جواز ندارد)، و مواشی اند که بر آن ها (در هنگام ذبح) نام خداوند ذکر نمیشود. (اینها) بهتانی است بر خداوند. بزودی آنها را در برابر (این) بهتان های شان مجازات میکند.

﴿۱۳۹﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيَّ أَزْوَاجِنَا ۗ وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ ۗ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ ۗ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و گفتند « آنچه در شکم این چارپایان میباشد (یعنی جنین و بچه) برای مردان ما اختصاص دارد و به زنان ما حرام است. » اما اگر مرده تولد شود ایشان (یعنی مرد و زن) در آن شریکند. بزودی خداوند ایشانرا در برابر این صفت شان (که نسبت این احکام را بدروغ به خداوند میدهند) مجازات میکند. حقا که او صاحب حکمت (و) دانا است.

﴿۱۴۰﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۗ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

بیگمان زیانکار شدند کسانی که اولاد خود را از روی نادانی جاهلانه کشته اند، و آنچه را خداوند به ایشان روزی گردانیده بگونه افتراء بر خداوند (بخود) حرام کرده اند، ایشان واقعاً گمراه شده اند و هرگز رهیاب نبودند.

﴿۱۴۱﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۗ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ ۗ وَلَا تُسْرِفُوا ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

و او است که باغ های چتردار (یعنی درختانی را که بر چيله ايستاده مي شوند) و باغهای بی چتر (یعنی درختانی را که بیای خود ایستاده اند) آفرید، و (نیز) درخت خرما و کشت را با خوردنی های متنوع آن و زیتون و انار را (در شکل خود) همانند و (در مزه خود) متفاوت. از میوه آن چون به ثمر رسد بخورید، و حق آنرا در روزی که حاصل برداشته میشود اداء کنید، و اسراف نکنید. حقا که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

﴿١٤٢﴾ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا ۖ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

از چارپایان باربر و پخش (آفرید). از آنچه خداوند برای شما روزی داده است بخورید، و گامهای شیطانرا پیروی نکنید. حقا که او برای شما دشمنی است آشکار.

﴿١٤٣﴾ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ۚ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ ۚ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۖ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هشت جوره (حیوان آفرید)، از گوسفند دو رأس (یعنی نر و ماده) و از بز دو راس (یعنی نر و ماده). بگو آیا (خداوند) دو نر را حرام کرده است یا دو ماده را؟ یا (چوچه ای را) که رحم دو ماده بر آن مشتمل است؟ اگر شما راستگو هستید به (اساس علم بمن جواب گوید).

﴿١٤٤﴾ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ۚ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۖ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از شتر دو رأس (یعنی نر و ماده) و از گاو دو رأس (یعنی نر و ماده)؛ بگو « آیا (خداوند) دو نر را حرام کرده است یا دو ماده را؟ یا (چوچه ای را) که رحم دو ماده بر آن مشتمل است؟ آیا وقتی که خداوند به شما چنین حکم را صادر کرد حاضر بودید؟ پس کیست که دروغی را بر خداوند بر بندد تا (بدینوسیله) مردم را بنادانی گمراه سازد؟! حقا که خداوند مردم ستمکار را رهیاب نمیکند.

﴿١٤٥﴾ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۚ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بگو « در آنچه بمن وحی شده کدام (گوشت) حرامی را که آنرا خورنده ای بخورد نمی یابم مگر اینکه آن (گوشت) خودمرده یا خون ریخته شده (یعنی خون هنگام ذبح) یا گوش خوک باشد، زیرا آن ناپاک است، یا آن (گوشت حیوانی باشد که بگونه) فسق (ذبح شده) باشد، (به این معنی) که نام غیر خدا بر آن (در هنگام ذبح) برده شده باشد. اما (درین حال نیز) اگر کسی مضطر میشود که بدون سرکشی و بدون آنکه از حد در گذرد، (از چنین گوشتی بخورد) پس بیگمان پروردگار تو آمرزگار (و) مهربان است.

﴿١٤٦﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ ۚ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۚ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبِعْثِهِمْ ۚ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

بر یهودیان، هر حیوان ناخنداری (دارای سم یکپارچه) را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند بر آنها پیه آنها را حرام کردیم، مگر آن پیهی را که بر پشت شان قرار دارد یا با روده های آنهاست یا با استخوان آنها مخلوط است. این (در واقع) جزایی است که در برابر سرکشی های شان به آنها دادیم، و بیگمان ما راستگوییم.

﴿۱۴۷﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

اگر ترا بدروغ متهم سازند، بگو: « پروردگار شما صاحب رحمت وسیع است، و (در عین حال) عقوبت او از مردم گنهگار باز گشتانده نمیشود. »

﴿۱۴۸﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ ۗ كَذَلِكَ

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا ۗ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا ۗ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

بزودی آنانیکه (به خداوند) شرک میاورند میگویند: « اگر خداوند میخواست ما به او شریک نمی آوردیم، و نه پدران ما (این کار را میکردند) و نه (هم) ما چیزی را حرام میگردانیدیم. » کسانی که پیش از ایشان بودند (نیز) چنین دروغی را گفتند تا اینکه عقوبت ما را چشیدند. بگو « آیا نزد شما علمی وجود دارد؟ پس آنرا برای ما نشان بدهید. شما بغیر از پندار چیزی را پیروی نمیکنید و بجز دروغ چیزی نمیگویید. »

﴿۱۴۹﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۗ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ

بگو « پس خدای راست دلیل رسا، اگر میخواست یقیناً شما را رهیاب میکرد. »

﴿۱۵۰﴾ قُلْ هَلَمْ شَهِدَاكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا ۗ فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ ۗ وَلَا

تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

بگو: « آن گواهان خویش را که برین گواهی میدهند که خداوند این را حرام کرده است بیاورید. » پس اگر ایشان گواهی دادند، تو با ایشان گواهی مده و از هوای (نفس) کسانی پیروی مکن که آیات ما را دروغ پنداشتند، و آنهایی که به آخرت ایمان ندارند و به پروردگار خود (دیگران را) برابر میکنند.

﴿۱۵۱﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۗ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۗ وَلَا

تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ ۗ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۗ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

بَطْنٌ ۗ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بگو « بیاوید چیزهاییرا که پروردگار شما بر شما حرام کرده است بخوانم؛ اینکه به او هیچ چیزی را شریک نیاورید، با مادر و پدر خود نیکویی ورزید، اولاد خود را از (ترس) ناداری مکشید، ما شما و آنها را روزی می دهیم، به فحشاء آنچه آشکارا باشد از آنها و آنچه پوشیده باشد نزدیک نشوید. نفسی را که خداوند حرام کرده است مکشید مگر به حق. این حکم را (خداوند) بشما توصیه کرد تا باشد که بفهمید. »

﴿١٥٢﴾ وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۗ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۗ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۗ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و به دارایی یتیم نزدیک مشوید مگر به شیوه ای که بهتر است، تا به سن رشد خود برسد. پیمانانه و وزن را با انصاف (و بصورت کامل) اداء کنید. ما بر هیچ کس باری را نمیگذاریم مگر به اندازه توان (او). و چون سخن میگویند، پس انصاف ورزید، اگرچه (در باره) خویشاوندان باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. و بدین ترتیب بشما توصیه کرد تا باشد که پندپذیر شوید.

﴿١٥٣﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۗ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

بیگمان اینست راه من (راهی) راست. پس آنرا پیروی کنید و راه هایی را پیروی نکنید که شما را از راه او دور میسازد. به این ترتیب بشما توصیه کرد تا باشد که پرهیزگار شوید.

﴿١٥٤﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

سپس به موسی کتاب را دادیم تا (بدین وسیله نعمت خویش را) بر نیکوکاران تمام کنیم، و همه چیزها را تفصیل نماییم، و تا هدایت و رحمتی باشد، تا باشد که ایشان به ملاقات پروردگار خویش ایمان آرند.

﴿١٥٥﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و این کتابی است که ما آنرا فرو فرستادیم، مبارک است، پس آنرا پیروی کنید و (از خدا) بترسید تا باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

﴿١٥٦﴾ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لِعَافِينَ

تا نگویید « کتاب (تنها) به دو قوم پیش از ما (یعنی یهود و نصاری) فرستاده شده بود، و ما بیگمان از درس و تدریس ایشان بی خبر مانده بودیم. »

﴿١٥٧﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ ۗ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُم مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى

وَرَحْمَةً ۗ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ بآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۗ سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

یا نگویید « اگر واقعاً کتاب برای ما نازل میشد، ما رهیاب تر از ایشان میبودیم. » واقعاً بشما حجتی از جانب پروردگار شما و هدایتی و رحمتی آمده است. پس کیست ستمگارتر از کسی که آیات خداوند را تکذیب کند و از

آن رو گرداند؟! بزودی کسانی را که از نشانه های ما رو میگردانند به بدترین عذاب سزا میدهیم، به سبب آنکه اعراض میکردند.

﴿۱۵۸﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ ۗ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

آیا انتظار میکشند اینکه فرشتگان پیش ایشان بیایند، یا پروردگار تو بیاید، یا بعضی از نشانه های پروردگار تو بیاید؟! روزیکه بعضی نشانه های پروردگار تو بیاید، ایمان کسیکه پیشتر به آن اعتقاد نداشته (و) یا به اساس اعتقاد خویش (کار) نیکی انجام نداده سودی ندارد. بگو « انتظار بکشید ما (نیز) در انتظاریم. »

﴿۱۵۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ ۗ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

بیگمان کسانی که دین خویش را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند، ترا با ایشان هیچگونه سروکاری نیست. بیگمان کار ایشان به خداوند (محول) است. سپس ایشانرا به حقیقت (همه) اعمالی که مرتکب میشوند آگاه میسازد.

﴿۱۶۰﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۗ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر آنکه کار شایسته ای انجام دهد مزد آنرا ده چند در می یابد، و هر آنکه عمل بدی را مرتکب گردد مجازات نمیشود مگر به مثل آن، و به ایشان ستم نمیشود.

﴿۱۶۱﴾ قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو: « حقا که مرا پروردگارم براهی راست رهنمایی کرده است، دینی استوار، ملت ابراهیم حنیف {۱}، و او در زمره مشرکان نبود. »
{۱} روگردان از انحرافات ؛

﴿۱۶۲﴾ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو: « بیگمان نماز من، مناسک من، زندگی من و مرگ من (همه) برای خداوند پروردگار جهانیان است. »

﴿۱۶۳﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

(آنکه) برای او شریکی نیست، به این امر شده ام، و من (از) نخستین مسلمانانم.

﴿١٦٤﴾ قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۗ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ

وَأَزْرَةَ وِزْرَ أُخْرَى ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

بگو: « آیا غیر از خداوند کسی دیگر را بحیث پروردگار بجویم؟! در حالیکه او پروردگار همه چیزها است و هیچ کسی هیچ کاری را نمیکند مگر آنکه (پیامد آن) بر خود اوست، و هیچ بردارنده بار دیگری را بر نمیدارد. سپس بازگشت شما بسوی خداوند است، و او شما را بآنچه در آن اختلاف ورزیدید آگاه میسازد.

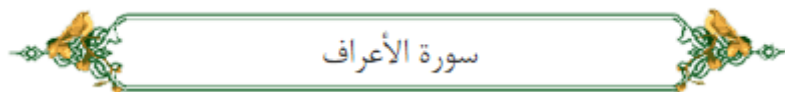
﴿١٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا

آتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

اوست ذاتی که شما را جانشینان (خود در) زمین گردانید و بعضی شما را از بعضی دیگر بدرجاتی برتر قرار داد، تا شما را در آنچه به شما ارزانی کرده است آزمایش کند. بیگمان پروردگار تو در عذاب سریع است، و بیگمان او واقعاً آمرزنده (و) مهربان است.

(٧) سوره الاعراف:

این سوره مکی و دارای (٢٠٦) آیه بوده و اعراف (جائی میان بهشت و جهنم) می باشد و به سبب آمدن اسم اعراف و داستان آن اعراف نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ المص

ال.م.ص.

﴿٢﴾ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

کتابی است که بر تو فرو فرستاده شده است، پس سینه تو ازین ناحیه نباید تنگ شود، تا با آن (خطاکاران را) بیم دهی، و برای مؤمنان پندی است.

﴿٣﴾ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

ای مردم) آنچه را که بشما از جانب پروردگار شما نازل شده است پیروی کنید، و بغیر از او دیگری را بحیث دوست و حامی پیروی نکنید. چقدر کم پندپذیر هستید؟!

﴿٤﴾ وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ

ای بسا (باشندگان) شهرهایی را (در برابر گناهان شان) تباہ کردیم، پس ناگهان عذاب ما ایشانرا در شبانگاه فرا گرفت یا در هنگامیکه ایشان بخواب نیمروز بودند.

﴿٥﴾ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

و چون عذاب ما به ایشان رسید، دعوای شان جز این نبود که بگویند ما واقعاً ستمکار بودیم.

﴿٦﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

و البته کسانی را که بسوی ایشان (پیام) فرستاده شده و (نیز) پیامبران را مورد سوال قرار میدهیم.

﴿٧﴾ فَلَنَقْصِنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ ۖ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ

و حقا که به ایشان (سرگذشت شانرا) به علم (خود که حاوی همه رویدادها است) بازگو میکنیم. (آری) و ما (لحظه ای) غایب نبوده ایم.

﴿٨﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۖ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

در آنروز وزن کردن (اعمال) حق است، پس کسانیکه وزن (اعمال نیکوی) شان گران باشد، هم ایشانند رستگار.

﴿٩﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ

(اما برعکس) کسانی که وزن (اعمال نیکوی) شان سبک باشد، هم آنهایند که خویشتن را زیانمند ساختند، به سبب ستمی که به آیات ما انجام دادند.

﴿١٠﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

حقا که ما شما را بر زمین استقرار دادیم و در آن برای شما اسباب معیشت را فراهم ساختیم. (اما) اندک است شکرانی که شما (در برابر آن) میکنید.

﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن

مِّنَ السَّاجِدِينَ

بیگمان شما را آفریدیم، سپس شما را شکل دادیم، سپس به فرشتگان گفتیم که به آدم سجده کنید (یعنی به او تعظیم کنید)، پس ایشان سجده کردند مگر ابلیس، او از جمله سجده کنندگان نبود.

﴿١٢﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۗ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

(خداوند) گفت: « آیا چه چیز ترا از سجده کردن باز داشت، در حالیکه من ترا (به این کار) امر کردم؟! » گفت: « من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل. »

﴿۱۳﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

(خداوند) گفت: « تو از آن (منزلت و مقام) فرود آی، برای تو این حق نیست که در آن (مقام و مرتبت) سرکشی کنی. پس بیرون شو، واقعاً تو از افراد ذلیل هستی. »

﴿۱۴﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

شیطان گفت: « مرا تا روزیکه ایشان برانگیخته میشوند مهلت بده. »

﴿۱۵﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

(خداوند) گفت: « تو از جمله مهلت داده شدگانی. »

﴿۱۶﴾ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

(شیطان) گفت: « چون مرا گمراه ساختی، بیگمان برای (گمراه ساختن) آدمیان بر سر راه راست تو می نشینم. »

﴿۱۷﴾ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ۗ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ

شاکرین

سپس یقیناً به ایشان از پیش روی شان، پشت سر شان، جانب راست شان و جانب چپ شان (برای گمراه ساختن شان) می آیم، و تو اکثر شانرا سپاسگزار نمی یابی.

﴿۱۸﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا ۗ لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ

(خداوند) فرمود: « از آن (مقام) بیرون آی، نکوهیده (و) رانده شده، بیگمان از ایشان کسانی که پیروی ترا میکنند از همگی شما جهنم را مالا مال میسازم. »

﴿۱۹﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا

مِنَ الظَّالِمِينَ

ای آدم، تو و همسرت در بهشت بسر برید، و از هر جا که خواستید بخورید، و به این درخت هرگز نزدیک نشوید که از زمره ستمکاران میشوید.

﴿۲۰﴾ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا

عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

سپس شیطان به ایشان وسوسه کرد، تا جایی از شرمگاه شان را که پوشیده بود برای شان آشکار سازد، و گفت « شما را پروردگار شما ازین درخت منع نکرده، مگر برای اینکه مبدا فرشته شوید یا زنده جاوید گردید. »

﴿۲۱﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ

و به ایشان سوگند خورد که « واقعاً من بشما خیرخواهم. »

﴿٢٢﴾ فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ ۖ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۗ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

سپس ایشان را فریب داد، و چون از درخت چشیدند شرمگاه شان برایشان ظاهر شد، و ایشان (ناچار) به چسپاندن برگهای درختان بهشت بر بدن خود آغاز کردند. و (درین حال) پروردگار شان بر ایشان ندا کرد: « آیا من شما را از آن درخت منع نکرده بودم و برای شما نگفته بودم که واقعاً شیطان بشما دشمنی است آشکارا؟! »

﴿٢٣﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

گفتند: « پروردگار ما، ما بر خویشتن ستم کردیم، و اگر تو ما را نیامرزی و بر ما رحمت خویشتن را ارزانی نفرمایی، ما یقیناً از زمرهٔ زبانکاران میباشیم! »

﴿٢٤﴾ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۗ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

(خداوند) گفت: « فرود آید در حالیکه بعضی شما دشمن بعضی دیگر میباشید، و در زمین برای شما تا موعده معین محل استقرار و برخورداری از وسایل زندگی میباشد. »

﴿٢٥﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ

(و) گفت: « در آنجا زندگی میکنید و در آنجا میمیرید و از آنجا بیرون آورده میشوید! »

﴿٢٦﴾ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا ۗ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۗ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

ای فرزندان آدم، ما برای شما لباسی دادیم که شرمگاه شما را بپوشاند و هم برای شما زینتی باشد. اما لباس تقوی، از همه بهتر است، این از نشانه های خداوند است تا باشد که ایشان پندپذیر شوند.

﴿٢٧﴾ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا

سَوْآتِهِمَا ۗ إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا

يُؤْمِنُونَ

ای فرزندان آدم، شیطان شما را فریب ندهد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون آورد، جامه های ایشان را از تن شان کشید تا به ایشان شرمگاه شانرا آشکار سازد. واقعاً او و قبيله اش شما را از جایی می بیند که شما آنها را دیده نمیتوانید. ما بیگمان شیطانها را به آنهايي دوست گردانیدیم که ایمان ندارند.

﴿٢٨﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ

بِالْفَحِشَاءِ ۗ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و چون عمل شرمناکی انجام دهند میگویند « پدران خود را به این (عمل) یافته ایم و خداوند ما را به این امر کرده است. » بگو: « (نه خیر) خداوند هرگز به (عملی) شرمناک امر نمیکند. آیا شما در شأن خداوند چیزی را میگویید که نمیدانید؟! »

﴿۲۹﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۖ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

بگو: « پروردگار من به عدل امر فرموده است، و (به اینکه) روهای خود را در هر مسجد (یعنی نماز) بسوی او کنید، و او را با اخلاص و فرمانبرداری بخوانید، چنانچه شما را در اول آفرید، (بسوی او) باز میگردید. »

﴿۳۰﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ

گروهی را هدایت کرده و گروهی از ایشان (به اساس اعمال خودشان) گمراهی بر ایشان مسلم گردید. ایشان واقعاً شیاطین را بجز خدا حامی (و دوست) گرفتند. و (باز هم) فکر میکنند که ایشان رهیاب هستند.

﴿۳۱﴾ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

ای فرزندان آدم! (پوشاک) زینت (بخش) خود را در هنگام هر نماز به تن کنید؛ بخورید، بنوشید و اسراف نکنید؛ حقا که او مسرفان را دوست ندارد.

﴿۳۲﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۗ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

بگو: « زینت الهی و چیزهای پاکیزه را از روزی که خداوند برای بندگان خود پیدا کرده چه کسی حرام گردانیده است؟ » بگو: « اینها در زندگی این دنیا برای کسانی است که ایمان دارند (و) در روز آخرت خاص از آن ایشان (است). » به این ترتیب ما آیات را بمردمی به تفصیل بیان میکنیم که میدانند.

﴿۳۳﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۚ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بگو: « پروردگار من واقعاً اعمال شرمناک را، خواه آشکار باشد یا پنهان، گناه و سرکشی ناحق را، و اینکه به خداوند شریک آرید – چیزها را که خدا به آن هیچ دلیل نفرستاده – حرام گردانیده است، (و نیز) این را که در باره خداوند چیزهایی بگویید که شما در باره آن دانشی ندارید. »

﴿۳۴﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۗ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

برای هر امتی میعاد است، چون میعاد شان بسر رسید نه (آنها) تأخیر کرده میتوانند و نه هم تقدیم.

﴿۳۵﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي ۖ فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

ای فرزندان آدم، چون بشما پیامبرانی از میان شما بیایند که نشانه‌های مرا برای شما بیان کنند، پس هر که (از خدا) بترسد و نیکویی ورزد، برای‌شان نه ترسی است و نه (هم) ایشان اندوهگین میشوند!

﴿۳۶﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب نمایند و از قبول آنها سرکشی کنند، اهل آتش اند و در آنجا برای همیشه بسر می‌برند.

﴿۳۷﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۖ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ النَّصِيبُ مِمَّنِ

الْكِتَابِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا آئِنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

پس کیست ستمگارت‌تر از کسی که دروغی را بر خداوند بریندد یا آیات او را تکذیب کند؟ برای چنین مردمی قسمت تعیین شده‌ایشان از کتاب (یعنی لوح محفوظ) میرسد، تا وقتیکه فرستادگان ما (که مؤظف به گرفتن روح اند) برسند و روح‌شان را قبض کنند، می‌گویند «کجا هستند آن (شریک)‌هایی که جز خدا به آنها نیایش میکردید؟!» (در جواب) می‌گویند: «آنها از (پیش) ما گم شدند (یعنی ما را در خلا گذاشتند).» و بر خود گواهی میدهند که واقعاً ایشان کافر بوده‌اند.

﴿۳۸﴾ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ ۖ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ

لَعْنَتْ أَخْتَهَا ۖ حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۖ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ

خداوند (به آنها) می‌گوید: «در زمره گروه‌های جن و انس که پیش از شما گذشته‌اند در آتش داخل شوید.» هر گروهی که (به دوزخ) داخل میشود، به گروه همانند خود (که پیش از ایشان وارد شده بود) لعنت می‌فرستد. و چون همه بیکدیگر پیوسته شوند، (دسته) آخر‌شان در مورد (دسته) اول‌شان می‌گوید: «ای پروردگار ما، همین‌ها هستند که ما را گمراه کردند. پس ایشانرا عذاب دوچند از آتش نصیب گردان.» خداوند می‌گوید: «برای هر یکی (از شما) عذاب دوچند است، اما شما نمیدانید.»

﴿۳۹﴾ وَقَالَتْ أَوْلَاهُم لَأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

و (باز دسته) اول‌شان به (دسته) دوم‌شان می‌گوید: «(ببینید) شما بر ما هیچ امتیازی ندارید، پس در برابر آنچه مرتکب شده‌اید مجازات را بچشید!»

﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ ۗ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

بیگمان آنهاییکه آیات ما را تکذیب کرده و از آن سرکشی نموده اند، دروازه های آسمان بروی شان باز نمیشود، و در بهشت داخل نمیشوند تا هنگامیکه شتر به لوف سوزن داخل گردد. و ما گنهکاران را چنین جزاء میدهیم.

﴿٤١﴾ لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۗ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

برای ایشان از دوزخ فرشی است (یعنی دوزخ برایشان همچون بستری است)، و به بالای شان پوشش هایی { ۱ } است (از آتش)، و ما ستمکاران را چنین جزاء میدهیم.
{ ۱ } طبقه هایی ؛

﴿٤٢﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

کسانیکه ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، ما بر هیچ کسی باری را نمیگذاریم مگر با اندازه توان او. ایشان اهل بهشت اند و در آنجا جاودانه بسر میبرند.

﴿٤٣﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۗ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ۗ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۗ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و از دلهای شان کینه و بدبینی را دور میکنیم. از زیر (درختان قصرهای) ایشان جویبار ها جریان دارد. ایشان میگویند: « ستایش خدای را است که ما را به این (سعادت) راه نموده است، و ما هرگز توان رهیابی نداشتیم اگر خداوند ما را هدایت نمیکرد، و واقعاً پیامبران پروردگار ما بحق آمدند. » به ایشان چنین ندا میشود: « اینست بهشتی که شما در اثر اعمال (نیک) خویش وارث آن گردیدید. »

﴿٤٤﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۗ قَالُوا نَعَمْ ۗ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

بهشتیان به دوزخیان ندا میکنند: « ما واقعاً دریافتیم که آنچه پروردگار ما بما وعده کرده بود حق است، آیا شما (نیز) دریافتید که آنچه پروردگار شما بشما وعده کرده بود حق است؟ » آنها میگویند « بلی! » درین حال آواز کننده ای در بین شان چنین آواز میدهد: « لعنت خداوند بر ستمگاران باد. »

﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَعُودُنَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ

آنهاییکه (مردم را) از راه خدا باز میداشتند، و میخواستند آنرا کج جلوه دهند، و ایشان از آخرت انکار داشتند.

﴿٤٦﴾ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ ۖ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ ۖ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

در میان ایشان (یعنی بهشتیان و دوزخیان) حجابی است. و بر اعرف مردانی اند که هر کس را به علامات او میشناسند، آنها به بهشتیان ندا میکنند: «سلام بر شما.» ایشان هنوز (به بهشت) داخل نشده اند، ولی امید (داخل شدن به آنرا) دارند.

﴿٤٧﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

هنگامیکه چشمان ایشان بسوی دوزخیان بیفتد میگویند: «پروردگار ما، ما را با گروه ستمکاران (پیوست) مگردان.»

﴿٤٨﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

و اصحاب اعرف به مردمی که آنها را از سیمای شان میشناسند ندا کرده میگویند: «شما را جمع (دنیای) شما و چیزی که به سبب آن سرکشی میکردید بکار نیامد.»

﴿٤٩﴾ أَهْؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ۖ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ

تَحْزَنُونَ

«آیا اینها همان مردمی نیستند که شما (در باره شان) سوگند میخوردید که خداوند آنها را از رحمت (خود) بهره ور نمیسازد؟» (اکنون به ایشان گفته میشود): «به بهشت داخل شوید، بر شما ترسی نیست و نه (هم) اندوهگین میشوید.»

﴿٥٠﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ ۖ قَالُوا

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ

دوزخیان به بهشتیان ندا میکنند: «برای ما آب یا از چیزهایی که خداوند برای شما روزی داده است ارزانی کنید.» ایشان میگویند: «حقا که خداوند همه این چیزها را بر کافران حرام گردانیده است.»

﴿٥١﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۖ فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ

هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

آنهایکه دین شانرا به لهو و لعب گرفتند و زندگی دنیا فریب شان داده، پس امروز ما ایشانرا فراموش میکنیم. طوریکه ایشان در زندگی دنیا ملاقات این روز خویش را فراموش کردند، و از آیات ما انکار میورزیدند.

﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ما بدون شک به ایشان کتابی را آوردیم که آنرا به (اساس) دانش تفصیل دادیم - برای هدایت و مرحمت گروه مؤمنان.

﴿٥٣﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ ۚ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

آیا ایشان متحقق شدن وعیدهای قرآن را انتظار میکشند؟ روزیکه وعیدهای قرآنی متحقق شود (یعنی بعذاب الهی گرفتار شوند)، کسانی که آنرا از پیش فراموش داشتند میگویند: « بیگمان پیامبران پروردگار ما بحق آمدند، آیا حالا ما شفاعت گرانی نداریم که برای ما شفاعت کنند یا باز گردانیده شویم؟! تا رویه ای غیر از رویه قبلی خود در پیش گیریم. » در حقیقت ایشان خود را تباه کرده اند، و چیزهایی را که (بحیث معبود) بدروغ گرفته بودند از ایشان گم میشود.

﴿٥٤﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

حقا که پروردگار شما ذاتی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش مستولی شد؛ شب را همچون پرده ای بر روز میکشد، شب روز را به سرعت میجوید؛ و آفتاب، ماه و ستارگان را که تحت فرمان اویند (آفرید). هان، آفرینش و فرمانروایی خاص از آن او است، با برکت است خداوند پروردگار جهانیان.

﴿٥٥﴾ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

با تضرع و پنهان به پروردگار خویش نیایش کنید. او بیگمان تجاوز کاران را دوست ندارد.

﴿٥٦﴾ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۗ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ

و بر زمین بعد از اصلاح آن مرتکب فساد نشوید. و او را با ترس و امیدواری نیایش کنید. بدون شک رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.

﴿٥٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و هم اوست که بادها را همچون مژده آورانی پیشاپیش (باران) رحمت خویش میفرستد، تا چون ابری گران را بردارد، آنرا بسوی سرزمین های مرده (یعنی خشک) میرانیم، پس بوسیله آن آب را فرو میریزیم، و بدین وسیله از هر میوه ای بیرون می آریم. اینچنین مردگانرا (زنده میسازیم) تا باشد که شما پند بگیرید.

﴿٥٨﴾ وَالْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا ۗ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

زمین پاک (یعنی صالح الزراعه)، رستنی آن به اذن پروردگار میروید. و آنکه ناپاک (یعنی شوره زار) باشد، از آن
جز گیاه ناچیز و بی ارزشی نمیروید. بدین ترتیب ما آیات را به گروهی که سپاسگزار اند بیان میکنیم.

﴿٥٩﴾ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بیگمان نوح را بسوی مردم او فرستادیم، پس گفت: «ای مردم من، خدا را بپرستید، شما را جز او معبودی
نیست. واقعاً من بر شما از عذاب روز بزرگی میترسم!»

﴿٦٠﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

کلان شوندهگان قوم او گفتند «ما ترا بیگمان در گمراهی واضح میبینیم.»

﴿٦١﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

او گفت: «ای مردم من، گمراهی بمن وجود ندارد، و (برعکس) من پیامبری ام از جانب پروردگار جهانیان!»

﴿٦٢﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بشما پیام های پروردگار خود را میرسانم، شما را نصیحت میکنم، و از جانب خدا چیزی را میدانم که شما
نمیدانید.

﴿٦٣﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

آیا ازین در شگفت شدید که برای شما پیامی از جانب پروردگار شما توسط انسانی از میان خود شما آمده است؟
تا شما را برحذر سازد و تا بترسید و تا باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟!

﴿٦٤﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

عَمِينَ

اما ایشان او را تکذیب کردند، پس ما او و کسانی را که در کشتی با او بودند نجات دادیم، و کسانی را که آیات ما را
تکذیب کردند غرق ساختیم. ایشان واقعاً مردمی نابینا بودند.

﴿٦٥﴾ وَالِإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ

و بقوم عاد برادر شان هود را (فرستادیم)، او گفت: «ای مردم من، خداوند را پرستش کنید، جز او برای شما
معبودی دیگر نیست. آیا (از خدا) نمیترسید؟»

﴿٦٦﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

کلان شوندگان کافران از قوم او گفتند: « ما ترا در بی خردی می بینیم، و ما ترا از زمره دروغگویان میپنداریم. »

﴿٦٧﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

او گفت: « ای مردم من، من بی خرد نیستم، بلکه پیامبری از جانب پروردگار جهانیان ام. »

﴿٦٨﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ

برای شما پیام های پروردگارم را میرسانم، و من به شما نصیحتگری قابل اعتماد هستم.

﴿٦٩﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۖ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ

مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

آیا ازین در شگفت شدید که برای شما پیامی از جانب پروردگار شما توسط انسانی از (قوم) خود شما آمده است تا شما را بترساند؟ بیاد آرید هنگامی را که شما را بعد از قوم نوح جانشین گردانید، و برای شما در آفرینش فزونی داد (یعنی در میان مردم، شما را قد بلند عنایت فرمود). پس نعمت های خدا را بیاد آرید تا باشد که رستگار شوید. »

﴿٧٠﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۚ فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ

الصَّادِقِينَ

آنها گفتند: « آیا تو نزد ما آمده ای تا ما خدا را بیگانگی بپرستیم، و آنچه را پدران ما میپرستیدند ترک کنیم؟ پس بر ما همان (غذایی) را بیاور که ما را به آن تهدید میکنی، اگر راست میگویی! »

﴿٧١﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ

وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۖ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ

گفت: « حقا که به شما از جانب پروردگار شما عذاب و غضبی واقع شد. آیا با من در باره نام های (معبودان نام نهادی) مجادله میکنید که شما و پدران شما نامگذاری کرده اید؟! (در حالیکه) خداوند برای اینکار شما دلیلی نفرستاده است. پس انتظار بکشید، من (نیز) با شما از منتظرانم. »

﴿٧٢﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

پس او و کسانی را که با وی بودند برحمت خویش نجات دادیم، و کسانی را که نشانه های ما را تکذیب کرده و ایمان نیاورده بودند ریشه کن ساختیم.

﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنَجْتَنِبُكَ يَا قَوْمِ إِيَّاهُ تَدْعُونَ لِيُكْفَرُوا بِمَا لَمْ يَكْفُرُوا ۚ وَلَوْلَا كِتَابُ اللَّهِ لَكُنْتُمْ أَشْجَارًا مَّعْبُودَةً ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَيُجْزَوْنَ كَمَا جُزِيَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ ۚ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا سَيُجْزَوْنَ كَمَا جُزِيَ الظَّالِمِينَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْكُمْ بَيِّنَاتٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۚ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ ۚ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ

و بسوی قوم ثمود برادرشان صالح را (فرستادیم. او) گفت: « ای مردم من، خداوند را پرستش کنید! جز او برای شما معبودی نیست. حقا که برای شما دلیلی آشکار از جانب پروردگار شما آمده است. این ناقة { ۱ } خداوند برای شما نشانه ای است، پس آنرا بگذارید تا در زمین خدا بچرد و به آن آسیبی نرسانید، ورنه عذاب دردناک شما را میگیرد. »

{ ۱ } ماده شتر ؛

﴿۷۴﴾ **وَإِذْ كُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ يُيُوتًا ۗ فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ**

و بیاد آورید هنگامی که شما را بعد از عاد جانشین گردانید، و شما را در زمینی جای داد که برای خود از سرزمین های هموار آن قصرها بسازید و در کوه ها خانه بتراشید. پس نعمتهای خدا را بیاد آرید، و بروی زمین به بدی و تبهکاری دست نیازید. «

﴿۷۵﴾ **قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِّنْ رَبِّهِ ۗ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ**

آن کلان شوندهگان از قوم او که سرکشی کرده بودند به محرومان - برای کسانی از ایشان که ایمان آورده بودند - گفتند: « آیا شما میدانید که واقعاً صالح از جانب پروردگار خویش پیامبر است؟ » آنها گفتند: « ما واقعاً به آنچه به او فرستاده شده ایمان داریم. »

﴿۷۶﴾ **قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ**

سرکشان گفتند: « واقعاً ما منکر آنچیزی هستیم که شما به آن اعتقاد دارید. »

﴿۷۷﴾ **فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ**

سپس ایشان آن ماده شتر را پی کردند، و از امر پروردگار خویش (گستاخانه) سرپیچی کرده گفتند: « ای صالح، اگر تو واقعاً پیامبری، آنچه را که با آن ما را وعید میدهی بیاور. »

﴿۷۸﴾ **فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ**

پس ناگهان زلزله ای ایشانرا گرفت، و ایشان در سپیده دم در داخل خانه های خویش از پای درآمدند.

﴿۷۹﴾ **فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ**

درین حال از ایشان روی برگرداند و گفت: « ای قوم من، بیگمان پیام پروردگار خود را بشما رساندم و شما را نصیحت کردم، اما شما نصیحت گران را دوست ندارید! »

﴿۸۰﴾ **وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ**

و لوط، چون به قوم خود گفت: « آیا (چنان) فحشایی را مرتکب میشوید که پیش از شما هیچ یک از (مردم) عالمیان آنرا مرتکب نشده است؟ »

﴿٨١﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

شما به مردان به شهوت پیش می‌شوید، نه به زنان. شما واقعاً قومی مسرفی هستید.

﴿٨٢﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّن قَرْيَتِكُمْ ۗ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

جواب قوم او جز این نبود که بگویند «ایشان (یعنی لوط و پیروان او) را از شهر خود بیرون کنید. اینها مردمی اند که (به تکلف می‌خواهند) پاکیزه باشند.»

﴿٨٣﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

ما او و خانواده اش را نجات دادیم، جز همسرش را که در زمره کسانی بود که به عقب ماندند.

﴿٨٤﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

و بر ایشان بارانی (از سنگریزه) فرو ریختیم. پس بین که آخر کار مجرمان چه بوده است؟!

﴿٨٥﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۗ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ

مِّن رَّبِّكُمْ ۗ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

إِصْلَاحِهَا ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و به سوی قوم مدین برادر شان شعیب را فرستادیم، گفت: «ای قوم من، خدا را پرستش کنید، جز او بری شما معبودی نیست. اکنون برای شما نشانه‌ واضحی از پروردگار شما آمد. پس پیمان‌ه و وزن را عادلانه ایفاء کنید و به مردم چیزهای شانرا کم مدهید، و در روی زمین بعد از اصلاح آن فسادی را مرتکب نشوید، این (کار) برای شما بهتر است اگر ایمان دارید.»

﴿٨٦﴾ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا

عَوَجًا ۗ وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُم ۗ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

و بر سر هر راهی منشینید که مردم را بترسانید و آنهایی را که به خدا ایمان آورده اند از راه او بازدارید و آن (راه) را کج جلوه دهید. و بیاد آرید وقتی را که شما اندک بودید و (خداوند) شما را بسیار گردانید، و ببینید که آخر کار مردم مفسد چگونه شد؟!

﴿٨٧﴾ وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ

بَيْنَنَا ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

و اگر از شما دسته ای هستند که به آنچه من به آن فرستاده شده ام ایمان دارند، و دسته ای (هم هستند) که (به آن) ایمان ندارند، پس صبر کنید تا خدا در میان ما حکم کند، و او بهترین حکم کنندگان است.

جزء یا سپاره نهم - قال الملا

﴿۸۸﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لُنْخَرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا ۗ قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ

کلان شوندگان از قوم او که سرکشی کرده بودند، گفتند: « ای شعیب، بیگمان تو و کسان مؤمن را که با تو هستند از شهر خود بیرون میرانیم، یا اینکه شما به آیین ما باز گردید. » (شعیب) گفت: « اگر چه ما ناراضی باشیم (ما را به این کار وادار میسازید)؟ »

﴿۸۹﴾ قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا ۗ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا ۗ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۗ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ۗ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

اگر به ملت شما برگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن وارهانید، حقا که ما به خداوند دروغ بر بسته ایم، و برای ما شایسته نیست که به آن باز گردیم مگر آنکه خدای پروردگار ما خواسته باشد. پروردگار ما از روی علم به همه چیز احاطه کرده است. بر خدا توکل کردیم. ای پروردگار ما، میان ما و قوم ما به حق فیصله کن، و تو بهترین فیصله کننده گانی!

﴿۹۰﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ

و کلان شوندگانی از قوم او که کافر شده بودند گفتند: « اگر شما شعیب را پیروی کنید بیگمان زیانکار میشوید. »

﴿۹۱﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ

پس زلزله ایشان را گرفت، و ایشان در سپیده دم در داخل خانه های خویش از پای درآمدند.

﴿۹۲﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ

مردمیکه شعیب را تکذیب میکردند (طوری نابود شدند که) گویی هرگز در آن خانه ها سکونت نکرده اند، آنهایی که شعیب را تکذیب میکردند از زیانکاران بودند.

﴿٩٣﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ ۖ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ

قَوْمٍ كَافِرِينَ

پس (شعیب) از ایشان روی برگردانید و گفت: « ای قوم من، بیگمان من پیامهای پروردگار خود را بشما رساندم و شما را نصیحت کردم، پس چگونه بر مردم تأسف خورم؟! »

﴿٩٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ

و ما هیچ پیامبری را به شهری نفرستادیم مگر آنکه اهل آن (شهر) را به سختی و رنج گرفتار کردیم، تا باشد که ایشان تضرع کنند.

﴿٩٥﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ

بِعُتَّةٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

سپس ما به ایشان بجای ناراحتی آرامش دادیم تا آنکه نمو کردند (یعنی بسیار شدند). و گفتند « پدران ما (نیز) به رنج و راحت مواجه شدند. » سپس ایشانرا ناگهان گرفتیم، و (خطری را که متوجه) ایشان (بود) درک نمیکردند.

﴿٩٦﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا

فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

اگر مردم (این) شهرها ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند، ما واقعاً بر آنها دروازه های برکات را از آسمان و زمین میکشادیم. ولی (چون حق را) تکذیب کردند پس ایشانرا در برابر اعمالی که مرتکب شدند گرفتار کردیم.

﴿٩٧﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ

آیا مردم (این) شهرها (ازین) ایمن شدند که در شب هنگام که ایشان خفته باشند عذاب ما بسر وقت شان برسد؟!

﴿٩٨﴾ أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًىٰ وَهُمْ يُلْعَبُونَ

آیا مردم (این) شهرها (ازین) ایمن شدند که در چاشتگاهان که ایشان (بی باکانه) به بازی مشغولند، عذاب ما بسر وقت شان برسد؟!

﴿٩٩﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ۗ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ

آیا از (گرفتار شدن خویش به) تدبیر خدا ایمنند؟! در حالیکه از (گرفتار شدن خویش به) تدبیر خداوند جز مردم زیانکار (که چنین می انگارند) کسی ایمن بوده نمیتواند.

﴿١٠٠﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّو نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ

قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

آیا برای کسانی که زمین را بعد از صاحبان (سابق) آن به میراث میگیرند این واضح نشده است که اگر ما بخواهیم، ایشانرا بگناهان شان میگیریم و بر دلهای شان مهر می زنیم؟! پس ایشان هرگز نمیشنوند؟!

﴿۱۰۱﴾ تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا ۖ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ ۖ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

این چنین بود (حال) این شهرها که ما برخی از رویدادهای آنها بتو بازگو میکنیم. پیامبران شان، بیگمان، به ایشان با نشانه های روشن آمدند. اما آنها بآنچه قبلاً (آنها) تکذیب کرده بودند ایمان نمی آوردند. به این ترتیب خداوند بر دلهای کافران مهر مینهد.

﴿۱۰۲﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ ۖ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ

در بیشتر این مردم (پابندی به) عهد نیافتیم، و بیشتر ایشانرا واقعاً فاسق یافتیم.

﴿۱۰۳﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

سپس موسی را بعد از ایشان با نشانه های خود به فرعون و کلان شوندگان قوم او فرستادیم، اما ایشان آن (نشانه) ها را (ظالمانه) رد کردند. پس بنگر (که) آخر کار فساد پیشگان چگونه بود؟!

﴿۱۰۴﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

و موسی گفت: « ای فرعون، بیگمان من پیامبری ام از جانب پروردگار جهانیان. »

﴿۱۰۵﴾ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۖ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

سزاوار آنم که در باره خداوند جز حق (چیزی) نگویم، برای شما از جانب پروردگار شما نشانه واضحی را آورده ام. پس بنی اسرائیل را با من بفرست.

﴿۱۰۶﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَآتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

(فرعون) گفت: « اگر تو واقعاً با نشانه ای آمده ای، پس آنرا بیاور، اگر تو از (زمره) راستگویانی. »

﴿۱۰۷﴾ فَالْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

آنگاه (موسی) عصای خویش را انداخت و در دم ازدهایی آشکارا گردید.

﴿۱۰۸﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ

و دست خود را (از آستین) برآورد، و در دم برای بینندگان سفید (درخشنده) بود.

﴿۱۰۹﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

کلان شوندگان قوم فرعون گفتند: « این (شخص) واقعاً ساحر ماهری است. »

﴿۱۱۰﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ ۖ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

میخواهد شما را از زمین شما بیرون کند، پس شما چه مشوره می‌دهید؟!

﴿۱۱۱﴾ قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

گفتند: « (کار) او و برادرش را به تعویق انداز، و گردآورندگان را به شهرها بفرست. »

﴿۱۱۲﴾ يَا تَوَكُّبِكُمْ لِمَنِ سَاحِرٌ عَلِيمٌ

تا برای تو همه جادوگران ماهر را بیاورند.

﴿۱۱۳﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

جادوگران نزد فرعون آمدند (و) گفتند: « آیا برای ما مزد (مناسبی) است اگر ما غالب شویم؟ »

﴿۱۱۴﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

(فرعون) گفت: « بلی، و (علاوه بر آن) شما از مقربانید. »

﴿۱۱۵﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ

گفتند: « ای موسی، آیا (در اول بار) تو می افگنی یا ما بیفگنیم؟ »

﴿۱۱۶﴾ قَالَ أَلْقُوا ۖ فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ

(موسی) گفت: « شما بیفگنید. » پس چون ایشان (بساط جادوگری خود را) انداختند، چشم های مردم را جادو کردند و ایشانرا ترساندند و جادویی بزرگ آوردند.

﴿۱۱۷﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

و به موسی وحی کردیم که « (اکنون) عصای خود را بینداز، و در دم همه فریبکاریهای شان را (در کام خود) فرو میبرد. »

﴿۱۱۸﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

به این ترتیب حق آشکار شد، و هر آنچه ایشان (سربراه) کرده بودند همه باطل گردید.

﴿۱۱۹﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

پس فرعونیان در آن هنگام مغلوب گردیدند و ذلیل و کوچک شدند.

﴿۱۲۰﴾ وَالْقِيَٰمَةِ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

و جادوگران به سجده افتادند.

﴿۱۲۱﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گفتند: « ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. »

﴿۱۲۲﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

(به) پروردگار موسی و هارون.

﴿۱۲۳﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۗ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا

أَهْلِهَا ۗ فَسَوْفَ نَعْلَمُونَ

فرعون گفت: « آیا پیش ازین که من به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟ یقیناً این نیرنگی است که شما آنرا درین شهر طرح کرده اید تا مردم آنرا از آن بیرون رانید. بزودی (نتیجه کار خویش را) درخواهید یافت! »

﴿۱۲۴﴾ لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ۗ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

بیگمان من دست ها و پاهاى شما را از جانب مخالف (یعنی دست راست و پای چپ، یا دست چپ و پای راست) میبرم، و سپس همه شما را بدار میزنم.

﴿۱۲۵﴾ قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

(آنها) گفتند: « ما بیگمان به پروردگار خود باز میگردیم. »

﴿۱۲۶﴾ وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا ۗ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ

و تو از ما بد نمیدانی مگر این که ما به نشانه های پروردگار خود - چون به ما رسید - ایمان آوردیم. ای پروردگار ما، بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران!

﴿۱۲۷﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ ۗ قَالَ

سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

کلان شوندگان از قوم فرعون گفتند: « آیا تو موسی و قوم او را می گذاری تا در روی زمین فسادپیشگی کنند و تو و معبودان ترا ترک گویند؟ » گفت: « بزودی پسران ایشانرا میکشیم و زنان ایشانرا زنده نگه میداریم، و واقعاً ما بر ایشان غالبیم. »

﴿۱۲۸﴾ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۗ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

موسی به قوم خود گفت: « از خداوند یاری بجوید و شکیبا باشید، بیگمان زمین از آن خدا است، هر که را از بندگان خود که خواهد وارث آن میسازد، و آخر کار از آن پرهیزگاران است. »

﴿۱۲۹﴾ قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۗ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ

وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

گفتند: « اذیت شدیم پیش از آنکه نزد ما بیایی، و (نیز) بعد از آنکه بسوی ما آمدی. » گفت: « شاید پروردگار شما دشمن شما را نبود کند و شما را در زمین جانشین سازد، تا آشکار گرداند که شما چگونه رفتار میکنید. »

﴿۱۳۰﴾ وَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ

ما بیگمان قوم فرعون را به خشکسالی ها و کمبود میوه ها مجازات کردیم تا باشد که ایشان پند گیرند.

﴿۱۳۱﴾ فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ ۗ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا

إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

پس چون به ایشان خوبی (یعنی رفاهیتی) میرسید، میگفتند « این از (خوبی) ماست. » و چون به ایشان بدی (یعنی سختی) میرسید، به موسی و همراهانش بدفالی میزدند. هان، بیگمان بدفالی شان (که از اعمال خود شان سرچشمه گرفته است) نزد خداوند است، اما بیشتر ایشان نمی دانند.

﴿۱۳۲﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

و گفتند: « هر آنچه از نشانه (ها) را که تو به ما بیاوری، تا ما را به آن جادو کنی، هرگز بتو ایمان نمی آوریم. »

﴿۱۳۳﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا

قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

پس بر ایشان طوفان، ملخ، شبش، بقه ها و خون را بحیث نشانه های مفصلی فرستادیم، ولی آنها سرکشی کردند، و مردمی بودند گناهکار.

﴿۱۳۴﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۗ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا

الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

و چون برایشان عذاب نازل شد، گفتند: « ای موسی، به پروردگار خود به اساس وعده ای که بتو کرده است برای ما دعا کن. اگر تو از ما عذاب را دفع کنی، ما برآستی به تو ایمان می آوریم، و با تو بنی اسرائیل را میفرستیم. »

﴿۱۳۵﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

اما چون از ایشان عذاب را تا مدت معینی که آنها به سر میفرسانیدند دفع کردیم، ناگهان خود (عهد خویش) را میشکستند.

﴿۱۳۶﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

لذا از ایشان انتقام گرفتیم و ایشانرا بدریا غرق کردیم، از سبب آنکه آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند.

﴿١٣٧﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۗ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

و ما به مردمی که محروم بودند مناطق شرقی و غربی زمینی را که در آن برکت نهادیم بمیراث دادیم، به وعده نیک پروردگار تو برای بنی اسرائیل وفا شد، به سبب آنکه شکیبایی ورزیدند، و آنچه فرعون و قوم او ساخته و آنچه برافراشته بودند (همه را) ویران گردانیدیم.

﴿١٣٨﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ ۗ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

و بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. پس چون ایشان به مردمی برخوردند که مجاور بتان خویش بودند، گفتند: «ای موسی، برای ما (نیز) معبودی بساز مانند اینکه ایشان معبودانی دارند.» (موسی) گفت: «واقعاً شما مردمی هستید که جهالت میورزید.»

﴿١٣٩﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم بِفَاعِلُونَ ۗ قَالُوا يَا مُوسَىٰ خذْ لَنَا ذَاتَ يَمِينٍ وَخِذْ لَنَا ذَاتَ شِمَالٍ ۗ قُلْ إِنِّي لَأَنذِرُكُمْ لِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

حقا که این (مردم) با همه چیزهاییکه به آن سروکار دارند نابود شدنی است، و باطل است کار (یعنی بت پرستی) که ایشان انجام میدادند.

﴿١٤٠﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

(وی به ادامه سخنان خود) گفت: «آیا برای شما جز خدا معبود (دیگر) بجویم در حالیکه او شما را بر همه جهانیان فضیلت داده است؟!»

﴿١٤١﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

و بیاد آرید هنگامی را که شما را از قوم فرعون نجات دادیم، که شما را پیوسته به بدترین طریقه ها شکنجه میکردند؛ پسران شما را قتل عام میکردند و زنان شما را زنده میگذاشتند. و در آن از طرف پروردگار شما آزمایشی بزرگ بود.

﴿١٤٢﴾ وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۗ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

برای موسی سی شب را میعاد گذاشتیم و آن را با ده روز (دیگر) تمام کردیم، پس میعاد پروردگارش چهل شب کامل شد، و موسی به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشین من شو و (امور ایشان را) اصلاح کن و راه فسادکاران را پیروی مکن.»

﴿١٤٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ ۚ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي ۚ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا ۚ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

وقتیکه موسی به وعده گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن زد، (موسی) گفت: « ای پروردگام، (خود را) بمن نشان ده تا بسوی تو نظر کنم. » (خداوند) گفت: « تو مرا نمی بینی و لیکن بسوی کوه نظر کن، اگر بجای خود قرار گرفت پس مرا خواهی دید. » وقتیکه پروردگار او بر کوه تجلی کرد، آنرا ریزه ریزه کرد و موسی بیهوش افتاد. پس چون بیهوش آمد، گفت: « تو پاکی، به تو تائب شدم و من نخستین مؤمنان هستم. »

﴿١٤٤﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

(خداوند) گفت « ای موسی، بدون شک من ترا به رسالت خود و به سخن خود بر مردم برگزیدم، پس آنچه از (وحی) بتو دادم (آنرا) بگیر، و از سپاسگزاران باش. »

﴿١٤٥﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا ۚ سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ

و برای او در الواح از هر چیزی پندی و تفصیلی برای هر چیز نوشتیم، پس (گفتیم) « اینها را به قوت بگیر و قوم خود را امر کن که بهترین آنها را بکار گیرند، و بزودی من بشما سرای فاسقان را نشان میدهم. »

﴿١٤٦﴾ سَأَصْرِفُ عَن آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۚ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

بزودی کسانی را از (توجه به) آیات خود باز میدارم که در زمین بدون استحقاق تکبر میکنند، و اگر هر آیه ای را ببینند (باز هم) به آن ایمان نمی آورند، و اگر راه رستگاری را ببینند آنرا (به حیث) راه (خویش) نمیگیرند، اما اگر راه ناصواب را ببینند، آنرا (بحیث) راه (خویش) میگیرند، این از سببی است که آیات ما را تکذیب کرده اند و از آن غافل بودند.

﴿١٤٧﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنهایکه آیات ما و لقای آخرت را تکذیب کردند، اعمال شان حبطه شده است برای شان جز مزد عملکردشان جزاء داده نمیشود.

﴿١٤٨﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجَلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ ۗ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ
وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۗ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ

قوم موسی، بعد از (رفتن) او (به کوه طور)، از زیورات خود گوساله مجسمی را ساختند که (آوازی همچون) آواز گاو داشت. آیا ندیدند که آن (گوساله) با ایشان حرف نمیزند و به ایشان راه را نشان نمیدهد؟! آنرا (به خدایی) گرفتند و ستمگار بودند.

﴿١٤٩﴾ وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخَاسِرِينَ

و چون (حقیقت) به دست شان افتاد و دریافتند که گمراه شده اند، گفتند « اگر پروردگار ما بر ما رحم نکند و ما را نیامرزد، بیگمان از زیانکارانیم. »

﴿١٥٠﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۗ أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ
رَبِّكُمْ ۗ وَالْقَىٰ الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۗ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا
يَقْتُلُونَنِي فَلَا تَشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چون موسی با خشم و اندوه به سوی قوم خویش باز گشت، گفت: « بعد از من بد جانشینی کردید. آیا بر امر پروردگار خود شتاب ورزیدید (به رسیدن فرمان پروردگار خود صبر نکردید)؟! » و لوحه ها را (بزمین) گذاشت و برادرش را از (موهای) سرش گرفته بسوی خود کشانید. (هارون) گفت: « ای پسر مادر من، مردم واقعاً مرا ضعیف یافتند، و نزدیک بود مرا بکشند. پس مرا دشمن شاد مکن و مرا با گروه ستمگاران (در یک ردیف) قرار مده. »

﴿١٥١﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۗ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

(موسی) گفت: « ای پروردگار من، من و برادر مرا بیامرزد و ما را مشمول مرحمت خویش گردان، و تو مهربان ترین مهربانانی. »

﴿١٥٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَكَذَلِكَ
نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ

بیگمان کسانی که گوساله را (به خدایی) گرفتند بزودی به ایشان خشمی از جانب پروردگار شان میرسد، و ایشانرا ذلتی است در زندگی این دنیا. و به این ترتیب ما افتری^۱ کنندگان را جزاء میدهیم.

﴿١٥٣﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَأَمْنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنَ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

اما کسانی که مرتکب اعمال بد میشوند و بعد از آن توبه میکنند و (براستی) ایمان می آورند، بیگمان پروردگار تو بعد از آن آمرزنده (و) مهربان است.

﴿١٥٤﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۗ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ

و چون خشم موسی فرو نشست لوحه ها را گرفت و در نوشته های آن هدایت و رحمتی بود برای کسانی که از پروردگار خود میترسند.

﴿١٥٥﴾ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۗ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ ۗ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۗ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ ۗ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۗ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

آنگاه موسی هفتاد تن از قوم خود را برای وعده گاه ما انتخاب کرد. پس چون ایشان را زلزله شدیدی گرفت، موسی گفت: « ای پروردگار من، اگر میخواستی (هم) ایشانرا و (هم) مرا پیش ازین هلاک میکردی، آیا تو ما را در برابر اعمال بیخردان قوم ما هلاک میکنی؟ این نیست مگر آزمایش تو! بدین وسیله هر کرا خواهی گمراه میسازی، و هر کرا خواهی هدایت میکنی، تو کارساز ما هستی، پس ما را بیامرز و بر ما مرحمت فرما، و تو بهترین آمرزندگان.»

﴿١٥٦﴾ وَاکْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ۗ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَن أَشَاءُ ۗ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۗ فَسَاكُنْهَا لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

« و برای ما آنچه را در دنیا و آنچه را در آخرت خوب است مقرر کن، واقعاً ما بسوی تو بازگشت نمودیم. » (خداوند) گفت: « مجازات خود را به هر کی بخواهم میرسانم، (اما) رحمت من همه چیز را فرا گرفته است، پس آنرا برای کسانی ارزانی میکنم که پرهیزگاری میورزند و زکات میدهند، و آنهاييکه به آیات ما ایمان می آرند. »

﴿١٥٧﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آنهاييکه پیامبر - نبی امی - را پیروی میکنند، که (نام) او را در نزد خود (هم) در تورات و (هم) در انجیل نوشته می یابند؛ ایشانرا به معروف { ۱ } امر میکند و ایشانرا از منکر { ۲ } باز میدارد، و برای شان چیزهای پاک را حلال میگرداند، و برای شان چیزهای پلید را حرام میسازد، بارهای سنگین شان و طوقی را که بر (گردن) ایشان است

برمیدارد. پس آنانیکه به او ایمان آوردند و او را تعظیم کردند و او را یاری دادند و نوری را که با او فرستاده شده است پیروی نمودند، هم ایشانند رستگار.

{۱} پسندیده؛ {۲} ناپسند؛

﴿۱۵۸﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۖ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

بگو «ای مردم، من فرستاده خدایم بسوی همه شما، (از جانب ذاتی) که پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، معبودی جز او نیست، زنده میگرداند و میمیراند. پس به خدا و پیامبر او - آن نبی امی - ایمان آرید که به خداوند و گفته های او ایمان دارد، و او را پیروی کنید تا باشد که رهیاب شوید.»

﴿۱۵۹﴾ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

و از قوم موسی گروهی هستند که بحق هدایت و به آن حکم میکنند.

﴿۱۶۰﴾ وَقَطَعْنَا لَهُمْ سَبِيلَ مَاءِ يَثْرِبَ بِحَدِّ طَيِّبَةَ الْأَنْبِيَاءِ ۖ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۖ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ما ایشانرا به دوازده قبیله امت تقسیم نمودیم، به موسی هنگامیکه قوم او از او آب خواستند وحی کردیم که با عصای خود به سنگ بزن، پس از آن دوازده چشمه جاری شد، هر گروهی جای آب خود را دریافت. از ابر برایشان سایه بان ساختیم و بر ایشان من و سلوی را نازل کردیم، (و گفتیم): «از چیزهای پاکیزه ای که بشما روزی داده ایم بخورید.» ایشان به ما ستم نکردند، بلکه بر خویشان ستم میکردند.

﴿۱۶۱﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ ۖ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

و به یاد آر هنگامی را که به ایشان گفته شد «به این شهر جایگزین شوید، و از آن هر طوریکه میخواهید بخورید، و بگویید "(خدایا) گناهان ما را ببامرز،" و به دروازه (شهر) به فروتنی درآیید.» گناهان شما را برای شما می آمرزیم و بزودی بر پاداش نیکوکاران می افزاییم.

﴿۱۶۲﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

پس ستمکاران شان آن کلمه را بغیر آنچه به ایشان گفته شده بود تبدیل کردند، پس بر ایشان به سبب ظلمی که میکردند عذابی را از آسمان فرستادیم.

﴿١٦٣﴾ **وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ ۖ لَا تَأْتِيهِمْ ۗ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ**

از ایشان در مورد شهریکه در کنار بحر قرار داشت سوال کن، که (اهالی آن) در روز شنبه دست به تجاوز میزدند. چون در روز شنبه ماهیان آنها بصورت آشکارا به ایشان می آمدند، ولی در روزیکه شنبه نداشتند (ماهی) به ایشان نمی آمد. ما ایشانرا چنین آزمودیم به سبب اینکه دستخوش فسق شده بودند.

﴿١٦٤﴾ **وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۗ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۗ قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّايَ رَبِّكُمْ وَعَلَّهِمْ يَتَّقُونَ**

و بیاد آر هنگامی را که گروهی از ایشان گفتند: « چرا کسانی را پند میدهید که خداوند ایشانرا هلاک کردنی یا به عذاب شدیدی عذاب کردنی است؟ » (واعظان) گفتند « تا ما را بحضور پروردگار شما عذری باشد، و تا باشد که ایشان بترسند. »

﴿١٦٥﴾ **فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ**

پس چون اندرزهایی را که به آن پند داده شدند فراموش کردند، کسانی را که از اعمال ناشایسته بازشان میداشتند نجات دادیم. و ستمکاران را به عذاب شدید گرفتار کردیم، به سبب آنکه دستخوش فسق شده بودند.

﴿١٦٦﴾ **فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ**

و چون از آنچه از آن باز داشته شده بودند سرکشی کردند، برای شان گفتیم « بوزینه ذلیل باشید. »

﴿١٦٧﴾ **وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۗ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ**

و بیاد آر چون پروردگار تو اعلام کرد که برایشان تا روز قیامت کسانی را میگمارد که عذاب شدیدی را پیوسته بر آنها تحمیل کند. واقعاً پروردگار تو در عذاب کردن سریع و او (در عین حال) واقعاً آمرزنده و مهربان است.

﴿١٦٨﴾ **وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا ۗ مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ ۗ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**

ایشانرا به گروه های (مختلف) در روی زمین تقسیم کردیم، بعضی شان صالح اند و بعضی شان غیر ازین، ایشانرا به نیکی ها و بدی ها آزمودیم تا باشد که (بسوی ما) باز گردند.

﴿١٦٩﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ ۗ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۗ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آنگاه بعد از ایشان، نسلی جانشین شان شد که کتاب را میراث گرفتند، و (برای خود) متاع (بی ارزش) این دنیا را برگزیدند و میگویند « ما آمرزیده خواهیم شد. » ولی (در عین حال) اگر همانند همان متاع به ایشان بیاید آنرا میگیرند. آیا از ایشان در کتاب عهد گرفته نشد که به خدا جز بحق چیزی نگویند؟ و مطالبی را که در آن است خوانده اند؟! و برای پرهیزگاران سرای آخرت بهتر است، آیا نمی فهمید؟!

﴿١٧٠﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

و کسانی که بکتاب چنگ میزنند و نماز را به تمام و کمال برپا میدارند، ما هرگز مزد مصلحان را ضایع نمیکنیم.

﴿١٧١﴾ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

بخاطر بیاور هنگامی را که ما کوه را بر بالای شان قرار دادیم، گویا که آن سایه بانی بود و پنداشتند که برایشان افتنده است، (به ایشان گفتیم) « آنچه را به شما دادیم به تمام نیرو بگیرد، و آنچه را در آن است بیاد گیرید، تا باشد که شما پرهیزگار شوید. »

﴿١٧٢﴾ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ۗ قَالُوا بَلَىٰ ۗ شَهِدْنَا ۗ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

و بیاد آر هنگامی را که پروردگار تو از فرزندان آدم — از پشت های شان — اولاد شان را گرفت (یعنی بیرون آورد) و ایشان را بر خودشان گواه ساخت، (از ایشان پرسید:) « آیا من پروردگار شما نیستم؟ » گفتند « بلی، ما شهادت میدهیم (که تو پروردگار مایی). » (این برای آنست) که مبادا در روز قیامت بگویند « ما واقعاً ازین (موضوع) غافل بودیم. »

﴿١٧٣﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ ۗ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ

یا بگویند « بیگمان پدران ما پیش از ما شرک آوردند، و ما نسلهای بعد از ایشان بودیم، پس آیا ما را به نسبت کسانی که باطل رفته اند هلاک میکنی؟ »

﴿١٧٤﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

به این ترتیب ما آیات را به تفصیل بیان میکنیم تا باشد که ایشان (به سوی ما) باز گردند.

﴿١٧٥﴾ وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ

و برای شان داستان کسی را بخوان که ما برای او آیات خود را دادیم، ولی او از آنها بیرون آمد (یعنی خود را از جلد پیروی احکام آن کشید). پس شیطان در پی او شد، و او از زمره گمراهان گردید.

﴿۱۷۶﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ ۚ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ۚ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

اگر میخواستیم او را بوسیله آن (آیات) رفعت میدادیم، اما او بزمین پایین شد و از هوای (نفس) خویش پیروی کرد، پس مثال او مثال سگ است که اگر بر او حمله کنی (هم) هلست میزند (یعنی زبان خود را بیرون می آورد) یا او را ترک کنی (باز هم) هلست میزند، اینست مثال کسانی که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان ها را (به مردم) قصه کن تا باشد که فکر کنند.

﴿۱۷۷﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

بد (مثالی) است مثال قومی که آیات ما را تکذیب کرده و بر خویش ستم مینمودند.

﴿۱۷۸﴾ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي ۚ وَمَنْ يُضِلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

کسی را که خداوند هدایت میکند هم اوست رهیاب، و کسی را که گمراه میکند پس هم آنهاست زیانکار.

﴿۱۷۹﴾ وَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ ۚ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا ۚ أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ ۚ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

بیگمان بسا از جن و انس را برای دوزخ آفریده ایم، ایشان دل‌هایی دارند که با آن نمی فهمند، و چشمانی دارند که به آن نمی بینند، و گوش‌هایی که با آن نمیشنوند، ایشان همچون چارپایان اند، بلکه از آنها هم گمراه تر اند، و هم ایشانند غفلت زده.

﴿۱۸۰﴾ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۚ وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ ۚ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نامهای نیکو از آن خداوند است، پس او را به این (نامها) بخوانید، و کسانی را که در نامهای او کجروی میکنند بکنار بگذارید، بزودی ایشان مطابق به کردار خویش جزاء داده میشوند.

﴿۱۸۱﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

از کسانی که آفریده ایم، گروهی اند که (دیگران را) به حق راه نمایی و مطابق به آن عدل میورزند.

﴿۱۸۲﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، ایشان را از راهی که (خود) نمیدانند درجه بدرجه (در عذاب) فرو خواهیم برد.

﴿۱۸۳﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ ۗ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

و به ایشان مهلت میدهم، بیگمان تدبیر من متین است.

﴿۱۸۴﴾ أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا ۗ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

آیا فکر نکردند که همنشین شان دیوانه‌گویی ندارد؟! او نیست مگر بیم دهنده ای آشکار!

﴿۱۸۵﴾ أَوْلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ

قَدْ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ ۗ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

آیا ایشان به اداره و نظم آسمانها و زمین و هر چیزی که خداوند آفریده نمی بینند؟ و به این (نمی اندیشند) که شاید اجل شان نزدیک شده باشد؟ پس آیا به کدام سخن بعد از این ایمان می آورند؟!

﴿۱۸۶﴾ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ ۗ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

کسی را که خداوند گمراه سازد رهنمایی ندارد، و خداوند ایشان را در سرکشی شان سرگردان میگذارد.

﴿۱۸۷﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي ۗ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا

هُوَ ۗ تَقُلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعْتَةً ۗ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا ۗ قُلْ

إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

از تو در باره قیامت میپرسند که لنگر انداختن آن چه وقت است؟ بگو « بیگمان علم آن (تنها) نزد پروردگار من است، هیچکس بغیر از او نمی تواند آنرا در وقت آن آشکار سازد، (بار آن) بر آسمانها و زمین سنگینی کرد. بر شما نمی آید مگر ناگهان. » از تو سوال میکنند که گویا تو بدریافت آن مشتاقی، بگو « همانا علم آن نزد خداوند است، ولی اکثر مردم نمیدانند. »

﴿۱۸۸﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ

مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ ۗ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

بگو « (من) به رسانیدن نفع یا ضرری برای خود قادر نیستم، مگر آنچه را خدا خواسته است. و اگر من غیب میدانستم خیری بی شمار بدست می آوردم و هرگز بمن زبانی نمیرسید. نیستم من مگر بیم دهنده و مژده دهنده برای گروهیکه ایمان می آورند. »

﴿۱۸۹﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ۗ فَلَمَّا تَغَشَّاهَا

حَمَلَتْ حَمْلًا حَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهِ ۗ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ

الشَّاكِرِينَ

اوست که شما را از یک شخص آفرید، و از او همسرش را آفرید تا به او آرامش یابد. پس چون او را در آغوش گرفت (یعنی با او همبستر شد) باری خفیف برداشت، پس او به دوره بارداری خود دوام میداد. چون سنگین (بار) شد به خدای پروردگار خویش دعا کردند که « اگر به ما (فرزند) شایسته ای بدهی بیگمان از زمره سپاسگزاران میباشیم. »

﴿۱۹۰﴾ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا ۗ فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

پس چون خداوند به ایشان (فرزند) صالحی عنایت کرد، برای او در آنچه به ایشان داده است شریکانی مقرر داشتند، ولی خداوند از آنچه به او شریک می آورند منزّه است.

﴿۱۹۱﴾ أَشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

آیا (به او) موجوداتی را شریک می آورند که هیچ چیزی را نمی آفرینند و خود شان (نیز) آفریده شده اند؟!

﴿۱۹۲﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

(این شریکان) نه بمشركان كمكى كرده ميتوانند و نه هم به خود يارى داده ميتوانند.

﴿۱۹۳﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ ۗ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ

اگر اينها را به راه راست بخوانيد از شما پيروي نميكنند. بشما يكسانست كه دعوت شان كنيد يا خاموش بمانيد.

﴿۱۹۴﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ ۗ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آنهایی را که جز خدا نیایش میکنید بیگمان مثل شما بندگانی اند، (اگر نه چنین است) پس آنها را بخوانید و باید که (دعای) شما را اجابت کنند، اگر راست میگویید.

﴿۱۹۵﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا ۗ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا ۗ أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا ۗ أَمْ لَهُمْ

أَذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونَ

آیا ایشان پاهایی دارند که با آن راه بروند؟ یا دست هایی دارند که با آن محکم بگیرند؟ یا چشمهایی دارند که به آن ببینند؟ یا گوشهایی دارند که به آن بشنوند؟ بگو « شریکان خود را بخوانید و سپس در برابر من هر حيله ای (را که ميتوانيد) بكار برید و مرا مهلت ندهيد. »

﴿۱۹۶﴾ إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۗ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

بیگمان کارساز من خداوند است؛ آنکه کتاب را نازل کرد، و او صالحان را کارساز می کند.

﴿۱۹۷﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

ولی آنهایی که به ایشان بجز خدا نیایش می کنید، نمیتوانند شما را کمک کنند و نه هم به خود شان کمکی کرده ميتوانند.

﴿۱۹۸﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۗ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

اگر اينها را براه راست بخوانيد نميشنوند، ايشانرا ميبيني كه بسوى تو مينگردند در حاليكه ايشان نمى بينند.

﴿١٩٩﴾ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

بخشایشگری را پیشه کن، و به کارهای پسندیده امر کن، و از مردم نادان روی برگردان.

﴿٢٠٠﴾ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

اگر وسوسه ای از شیطان به تو راه یابد، پس به خداوند پناه ببر، بیگمان او شنوا و دانا است.

﴿٢٠١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

آنانیکه پرهیزگار اند، چون وسوسه ای از شیطان ایشان را فرا میگیرد، خدا را یاد میکنند و ناگهان بینا میشوند.

﴿٢٠٢﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ

اما برادران شانرا (کسانی را که پرهیزگار نیستند) به گمراهی میکشانند، و بعد از آن (در گمراه ساختن شان) هیچ کوتاهی نمیکنند.

﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا ۗ قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۗ هَذَا بَصَائِرُ

مِن رَّبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و اگر تو به ایشان آیه ای نیآوری، میگویند « چرا خودت آنرا (از نزد خود) برنگزیدی؟ » بگو « من صرف همان چیزی را پیروی میکنم که بمن از جانب پروردگار من وحی میشود، این (قرآن) روشنایی هایی اند از جانب پروردگار شما، و رهنمایی و رحمتی است برای مؤمنان. »

﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

وقتیکه قرآن خوانده میشود، به آن (با توجه کامل) گوش دهید و خاموش باشید، تا باشد که (مورد) مرحمت (واقع) شوید.

﴿٢٠٥﴾ وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ

مِّنَ الْعَافِينَ

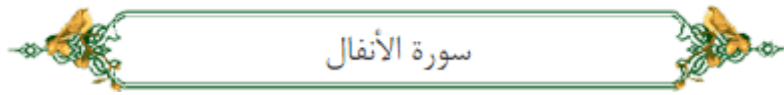
پروردگار خویش را به تنهایی، با زاری و ترس، به آوازی آهسته، نه بلند، در پگاه و بیگاه یاد کن و از غافلان مباش.

﴿٢٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿١﴾

بیگمان آنهایی که به نزدیک پروردگار تو اند از پرستش او گردنکشی نمیکنند، او را به پاکی یاد مینمایند و به او سجده میکنند.

(۸) سوره الانفال:

این سوره مدنی و دارای (۷۵) آیه بوده و (منابع و ثروت‌های عمومی در طبیعت) معنی دارد. سبب نامگذاری این سوره به انفال بیان حکم غنائم جنگی در آن است، این سوره در غزوه «بدر کبری» نازل شد و حاوی احکام جهاد فی سبیل الله، قوانین جنگ و صلح میباشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ ۗ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ

بَيْنِكُمْ ۗ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

از تو در باره مال های غنیمت میپرسند، بگو: « مال های غنیمت از آن خدا و رسول او است. بنابراین از خدا بترسید، روابط ذات البینی خویش را اصلاح کنید، و خدا و رسول او را اطاعت نمایید، اگر ایمان دارید!»

﴿۲﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

بیگمان مؤمنان کسانی اند که چون خداوند یاد شود و آیات او برای شان خوانده شود، دل‌های شان سرشار از ترس (خدا) میشود، (این آیتها) ایمان شان را نیرومندتر میسازد و بر پروردگار خود توکل مینمایند.

﴿۳﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آنهایکه نماز را به تمام و کمال برپا میدارند، و از آنچه به ایشان روزی دادیم خرج میکنند.

﴿۴﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۗ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

هم ایشانند مسلمان راستین، برای ایشان در نزد پروردگار شان درجاتی است و آمرزشی و روزی کریمانه ای.

﴿۵﴾ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنَ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهِونَ

چنانکه پروردگارت، ترا از خانه تو بحق بیرون کرد، گرچه گروهی از مسلمانان (از آن) واقعاً ناخوشنود بودند.

﴿۶﴾ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

با تو در باره حقیقتی که آشکارا شده بود مجادله میکردند، تو گویی که ایشان به سوی مرگ سوق داده میشدند، و ایشان می نگرستند.

﴿٧﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

و بیاد آر زمانی را که خداوند بشما وعده کرد که یکی از دو گروه (دشمن) از آن شماسست، شما آرزو کردید که (گروه) بدون سلاح از آن شما گردد، اما خدا میخواست تا حق را به سخنان خویش به ثبوت رساند و ریشه کفار را بکند.

﴿٨﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

تا حق را به ثبوت رساند و باطل را نابود کند، هرچند مجرمان ناخوشنود شوند.

﴿٩﴾ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ

بیاد آرید که چون از پروردگار خود کمک میخواستید، پس او (درخواست) شما را پذیرفت و (گفت) « من شما را به یکهزار فرشته ردیف شده کمک میکنم. »

﴿١٠﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ ۚ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ

خداوند این کمک را نگردانید مگر مژده ای، و تا (بدین وسیله) دل‌های شما آرام گیرد، و پیروزی نیست مگر از جانب خدا، بیگمان خداوند صاحب قدرت منیع و باحکمت است.

﴿١١﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ

الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

و بیاد آرید که چگونه پینکی را بحیث آرامشی از جانب خویش بر شما چیره ساخت، و بر شما بارانی از آسمان فرود آورد، تا شما را به آن پاک (یعنی بانشاط) سازد و آلودگی شیطان (یعنی کسالت) را از شما بزداید. تا دل‌های شما را (به نور امید) پیوست سازد و شما را با آن ثابت قدم بدارد.

﴿١٢﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا ۗ سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

بیاد آر که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد (تا بشما بگویند که: « من با شمایم. » پس مؤمنان را ثبات بخشید. بزودی در دل کفار ترس و وحشت می افکنم. پس شما بر بالای گردن‌های شان بزنید و بر هر سر انگشتی از (دست‌های) ایشان بزنید (یعنی سر و دست شان را با شمشیر قطع کنید).

﴿١٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

این از سببی است که ایشان با خدا و پیامبر او مخالفت می ورزند، و هر کسی که با خداوند و پیامبر او مخالفت ورزد، پس بیگمان خداوند سخت عذاب کننده است.

﴿١٤﴾ ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

اینرا بچشید، بیگمان به کافران عذاب آتش دوزخ (نیز در نظر گرفته شده) است.

﴿١٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ

ای مؤمنان، هنگامیکه با کفار در میدان جنگ روبرو شدید، پس هرگز به ایشان پشت مگردانید.

﴿١٦﴾ وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ

جَهَنَّمَ ۗ وَبئسَ المصيرُ

اگر کسی در چنین روزی جز برای سهمگیری در گوشه دیگری از جنگ یا پیوستن به قطعه دیگری (از مجاهدان) به دشمن پشت گشتاند، پس بیگمان به خشمی از خدا باز گشته است و جای او دوزخ است، و چه بد پناهگاهی!

﴿١٧﴾ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ ۗ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ ۗ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ

مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

این شما نبودید که ایشانرا کشتید، بلکه خداوند بود که ایشان را کشت، و تو نزدی وقتیکه (بچشمان شان خاک) زدی مگر این خداوند بود که زد، تا مسلمانان را به آن از جانب خویش آزمایش کند، آزمایشی نیکو. بیگمان خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿١٨﴾ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

این (کاری) است که شد، و بیشک خداوند سست کننده فریب کاران است.

﴿١٩﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ ۗ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَإِنْ تَعُدُّوا نَعْدًا وَلَنْ تُغْنِيَ

عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اگر به جستجوی فیصله بودید، پس بیگمان بین شما فیصله شد، (اکنون) اگر (از مخالفت) خودداری ورزید، این برای شما بهتر است، (ولی) اگر (به جنگ) باز گردید، ما هم باز میگردیم، و قوای شما هرگز شما را (در دفاع) بی نیاز ساخته نمیتواند، اگر چه بسیار هم باشند، و حقا که خداوند با مسلمانان است.

﴿٢٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

ای مؤمنان، خدا و رسول او را فرمان برید و از او رو مگردانید، در حالیکه (فرمان او را) میشنوید.

﴿٢١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

مانند کسانی نباشید که میگویند « می شنویم » اما گوش فرا نمی دهند.

﴿٢٢﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

حقا که بدترین چارپایان در نزد خداوند آنهایی اند که کر و گنگ هستند - آنهایی که درک ندارند.

﴿۲۳﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ ۗ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ

و اگر خداوند در ایشان خیری را میدانست، یقیناً آنها را میشنوند. اگر ایشان را بشنوند واقعاً ایشان روی برمیتابند، در حالیکه (از پذیرفتن حق) اعراض میکنند.

﴿۲۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهُ تَحْشَرُونَ

ای مؤمنان، (امر) خدا و رسول را اجابت کنید، در حالیکه شما را به چیزی فرا میخواند که شما را زنده میسازد. و بدانید که حقا خداوند در بین انسان و دل او حایل میشود، و حقیقت اینست که بسوی او حشر میشود.

﴿۲۵﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و از فتنه ای بترسید که تنها به ستمگاران شما نمی رسد، و بدانید که بیگمان خداوند سخت عذاب کننده است.

﴿۲۶﴾ وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و هنگامی را بخاطر آورید که در زمین (دسته) کوچک و ناتوانی بودید، ازین می ترسیدید که مردم شما را برهه آیند، پس (خدا) شما را جای داد و به یاری خود تأیید کرد، و شما را از چیزهای پاکیزه روزی داد تا باشد که سپاسگزار شوید.

﴿۲۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای مؤمنان، به خدا و رسول خیانت نکنید، و (هم) به امانت های خویش دیده و دانسته خیانت موزید.

﴿۲۸﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

و بدانید که دارایی های شما و اولاد شما (وسیله) آزمایشی اند، و بی شک خداوند است که نزد او مزدی بزرگ میباشد.

﴿۲۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ای مؤمنان، اگر شما از خدا بترسید، برای شما فرقانی (فراهم) میگرداند (که با آن میان حق و باطل فرق کنید)، و گناهان شما را از شما میزداید و خداوند صاحب فضلی بزرگ است.

﴿۳۰﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ ۗ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ

خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

و بیاد آر وقتی را که کفار بتو دسیسه می چیدند تا ترا محبوس کنند، یا ترا بکشند یا ترا (از مکه معظمه) بیرون کنند، ایشان چاره می اندیشیدند (یعنی تدبیر میکردند)، و خداوند (نیز) تدبیر میکرد، و خداوند بهترین تدبیر کنندگان است.

﴿۳۱﴾ وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا ۗ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

و چون آیات ما به ایشان خوانده شود میگویند: « ما بیگمان این را (قبلاً) شنیده ایم، اگر ما میخواستیم (کلماتی) مثل آنرا می گفتیم. این نیست مگر افسانه های پیشینیان. »

﴿۳۲﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

بیاد آرید وقتی را که ایشان گفتند: « بار خدایا، همانا اگر این حق است از جانب تو، پس بر ما از آسمان سنگ بباران، یا بر ما عذابی دردناک بفرست. »

﴿۳۳﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

و خداوند هرگز ایشان را عذاب نمیکند تا (زمانیکه) تو در میان ایشان باشی، و خداوند هرگز ایشان را عذاب نمیکند تا ایشان آمرزش بخواهند.

﴿۳۴﴾ وَمَا لَهُمْ إِلَّا يَعْذِبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۗ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ

إِلَّا الْمُتَّفِقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و چرا خداوند ایشان را عذاب نکند در حالیکه از مسجد حرام (مردم را) باز میدارند، و ایشان سرپرست آن هم نیستند. نیست سرپرست مسجد حرام مگر پرهیزگاران، اما بیشتر ایشان نمی دانند.

﴿۳۵﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً ۗ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

نماز ایشان در برابر خانه (کعبه) غیر از صفیر زدن {۱} و کف زدن (چیزی دیگر) نبود، پس عذاب را به سبب کافر بودن خویش بچشید.

{۱} شیول زدن؛

﴿۳۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ

حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

بیگمان آنهایی که کافر اند دارایی خود را خرج میکنند تا (مردم را) از راه خدا باز دارند، ایشان مال خود را (هم) مصرف خواهند کرد و سپس بر ایشان مایه حسرتی خواهد بود، و بعد از آن مغلوب میگردند، و کسانی که کافر شدند بسوی دوزخ حشر میشوند.

﴿٣٧﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

تا خداوند (مردم) ناپاک را از (مردم) پاکیزه جدا سازد، و ناپاکان را بعضی بر بعضی دیگر روی هم بگذارد و همه شانرا انباشته سازد، و آنگاه به دوزخ افکند. هم ایشانند زیانکار.

﴿٣٨﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

به کافران بگو اگر (اکنون هم از کفر خویش) باز ایستند، گذشته برای شان آمرزیده میشود، ولی اگر (به کفر خویش اصرار ورزند و به جنگ) باز گردند، سرنوشت پیشینیان در باره شان جاری شدنی (است).

﴿٣٩﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۗ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

با ایشان به جنگ ادامه دهید تا فتنه ای باقی نماند، و دین کاملاً از آن خدا باشد، اگر ایشان (از اعمال نکوهیده خویش) دست کشند، پس خداوند به آنچه میکنند بینا است.

﴿٤٠﴾ وَإِن تَوَلَّوْا فاعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ ۗ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ النَّصِيرِ

و اگر (از قبول حق) رو بگردانند، پس بدانید که بیگمان خداوند کارساز شما است، چه خوب کارسازی و چه خوب مددگاری!

جزء سپاره دهم - واعلمو

﴿٤١﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و بدانید آنچه را به غنیمت گرفتید، پس یک بر پنجم (حصه) آن از آن خدا، رسول، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و مسافران است. اگر به خدا و آنچه در روز تمایز (حق از باطل) - روز رویارویی دو قدرت - برای بنده خود نازل گردانیدیم ایمان آورده اید، و خداوند بر هر چیز توانا است.

﴿٤٢﴾ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ ۗ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَاخْتَلَفْتُمْ

فِي الْمِيْعَادِ ۗ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ

عَن بَيْنَةٍ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

بیاد آرید هنگامی را که شما به طرفِ نزدیکِ تر (مدینه) بودید و ایشان به طرفِ دورتر، و کاروان پایانتز از شما. و اگر شما با یک دیگر وعده ای (هم برای رو در رویی) میکردید یقیناً در (ایفای) وعده خود خلاف می ورزیدید. (ولی با هم روبرو شدید) تا خداوند کاری را که شدنی بود به انجام رساند، تا کسیکه هلاک میشود بدلیل روشنی هلاک شود و کسی (هم) که زنده میماند بدلیل روشنی زنده بماند. و بیگمان خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿٤٣﴾ إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا ۗ وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشَلْتُمْ وَتَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ

سَلَّمَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

و بیاد آر وقتی را که خداوند در خواب ایشان را بتو کم نشان داد. اگر ایشان را به شما بسیار مینمود، بیگمان سست می شدید و در کار (جهاد) منازعه میکردید، ولی خداوند (شما را) حفظ کرد، واقعاً خداوند به راز درون سینه ها آگاه است.

﴿٤٤﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ

مَفْعُولًا ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

بیاد آرید وقتی را که به ایشان روبرو شدید آنها را به چشم شما کم نشان داد، و شما را در چشمهای ایشان کم جلوه نمود، تا خداوند کاری را که شدنی بود به انجام رساند، و (همه) امور به خداوند ارجاع میشود.

﴿٤٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای مؤمنان، چون با گروهی (برای جنگ) روبرو شدید، پس ثبات ورزید و خداوند را زیاد یاد کنید، تا باشد که رستگار شوید.

﴿٤٦﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۗ وَاصْبِرُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

و خداوند و پیامبر او را فرمان برید، و با یکدیگر منازعه نکنید تا مبادا سست شوید و نیروی مقاومت شما از بین برود، و (باید) شکیبایی ورزید، بیگمان خداوند با شکیبایان است.

﴿٤٧﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِم بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا

يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

و مانند کسانی مباشید که با سرکشی و خودنمایی بمردم از خانه های خود بیرون شدند، و (مردم را) از راه خداوند باز میداشتند، و خداوند به آنچه میکنند فرا گیرنده است.

﴿٤٨﴾ وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ ۖ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و بیاد آرید وقتی را که شیطان کردار (گناه آلود) شانرا به آنها زیبا جلوه داد، و گفت « امروز بشما هیچ کسی از مردم غالب نمیشود، و من بیگمان بکنار شمایم! » اما همینکه آن دو گروه باهم روبرو شدند، به عقب برگشت و گفت: « بیگمان من از شما بیزارم، یقیناً من چیزی را میبینم که شما نمیبینید، بیگمان من از خدا میترسم، و خداوند سخت عذاب کننده است. »

﴿٤٩﴾ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هُوَآءٌ دِينُهُمْ ۗ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

بیاد آر وقتی را که منافقان و آنانی که در دل‌های شان بیماری است می‌گفتند « این ها را دین شان فریب داده است. » و کسیکه به خدا توکل کند، پس بیگمان خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

و اگر فرشتگان را ببینی بهنگامیکه روح کافران را میگیرند، و بر روها و پشت های شان می زنند (در حالیکه به ایشان میگویند) « عذاب (آتش) سوزان را بچشید. »

﴿٥١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتِ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

این از سبب (اعمالی) است که دست های شما از پیش فرستاده است. و خداوند هرگز به بندگان ستمگار نیست.

﴿٥٢﴾ كَذَّابٍ آلٍ فِرْعَوْنَ ۗ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

درست مانند روش فرعونیان و کسانی که پیش از ایشان بودند از آیات خداوند انکار کردند، پس خداوند ایشانرا به گناهان شان گرفت. بیگمان خداوند قوی و سخت عذاب کننده است.

﴿٥٣﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيَّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

این از سببی است که خداوند هرگز نعمتی را که بقومی ارزانی کند تغییر نمیدهد، تا آنکه ایشان چیزی را که در نهاد خویش دارند تغییر (نه) دهند، و حقا که خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿٥٤﴾ كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ ۖ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ ۖ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ

درست مانند روش فرعونیان و کسانی که پیش از ایشان بودند آیات پروردگار خویش را تکذیب کردند، پس ایشانرا در اثر گناهان شان هلاک کردیم، و قوم فرعون را غرق ساختیم، و همه ستمکار بودند.

﴿٥٥﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بیگمان بدترین جنبنندگان در نزد خداوند کسانی اند که کافر شدند، پس ایشان ایمان نمی آورند.

﴿٥٦﴾ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْتَقِضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

کسانی که از آنها عهد گرفتی، سپس در هر باری عهد خود را می شکستند، و ایشان (از خدا) نمی ترسند.

﴿٥٧﴾ فَأَمَّا تَتَّقَنَّهْمُ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَن خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ

اگر ایشان را در جنگ دریافتی، پس به (از بین بردن) ایشان کسانی را که در عقب شان قرار دارند متفرق بساز، تا باشد که پند بگیرند.

﴿٥٨﴾ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

اگر از گروهی بیم خیانت داشتی، عادلانه (بیمان شان را) بسوی شان بینداز (یعنی نقض پیمان را بگونه یک جانبه اعلام کن)، خداوند هرگز خیانتکاران را دوست ندارد.

﴿٥٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا ۗ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

کافران نپندارند که (از مسلمانان) پیشدستی کردند، ایشان هرگز (مسلمانان را) عاجز ساخته نمی توانند.

﴿٦٠﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا

تُظْلَمُونَ

و در برابر دشمنان، تا آنجا که میتوانید از نیرو آماده سازید (و هم) از اسپهای کمند، تا بدین وسیله دشمن خدا و دشمنان خویش را بترسانید، و [نیز] دیگران غیر از آنها (یعنی آن دشمنان پنهانی) را که ایشانرا نمی شناسید، اما خداوند ایشان را می شناسد. و هر آنچه را در راه خدا صرف میکنید بشما باز داده میشود، و شما (مورد) ستم (واقع) نمیشوید.

﴿٦١﴾ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اما اگر به صلح تمایل نشان دهند، تو (نیز) به صلح بگرای، و بر خداوند توکل نما، حقا که خداوند هم او است شنوا و دانا.

﴿٦٢﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ ۗ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

اگر بخواهند تا ترا فریب دهند، بیگمان خدا ترا بسنده است، هم اوست که ترا بمدد خویش و به مؤمنان تأیید کرد.

﴿٦٣﴾ وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ ۗ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و دل‌های شانرا بهم الفت داد، اگر تو تمام آنچه را که در روی زمین است (هم) خرج میکردی دل‌های شانرا بهم الفت داده نمی توانستی، مگر خداوند بین شان الفت داد. حقا که هم اوست صاحب قدرت منیع (و) باحکمت.

﴿٦٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ای پیامبر، برای تو خدا و کسانی از مسلمانان که ترا پیروی میکنند بسنده است!

﴿٦٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۗ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۗ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ برانگیز. اگر از شما بیست تن صابر و باثبات باشند بر دوصد تن غالب میشوند. اگر از شما صد نفر باشند، بر هزار نفر از کافران غالب میگردند. به این سبب که ایشان مردمانی اند که نمی فهمند.

﴿٦٦﴾ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا ۗ فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۗ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

اکنون خداوند (بارگران را) از (دوش) شما سبک ساخت، و دانسته بود که در شما ضعفی است. پس اگر از شما صد تن صبور باشد بر دوصد تن غالب میشود، و اگر از شما هزار تن باشد بر دوهزار تن به اراده خدا غالب میشود، و خداوند با شکیبایان است.

﴿٦٧﴾ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ ۗ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

برای پیامبری (سزوار) نیست که اسیران جنگی داشته باشد تا در زمین نیرومند گردد. شما (مال و) متاع دنیا را میخواهید و خدا آخرت را میخواهد، و خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٦٨﴾ لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

اگر حکم سابقی از جانب خدا نمی بود (که بدون ابلاغ، امتی را جزاء نمیدهد)، به شما در برابر جزیه ای که گرفتید عذابی شدید می رسید.

﴿٦٩﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

پس از آنچه به غنیمت گرفتید حلال وار و پاکیزه بخورید، و از خدا بترسید حقا که خداوند آمرزنده مهربان است.

﴿٧٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر، به آنانیکه در دست شما اسیر اند بگو: « اگر خداوند در دلهای شما خیری را دریابد، در برابر آنچه از شما گرفته شده چیزهای بهتر برای شما میدهد، و شما را می آمرزد، و خداوند آمرزنده مهربان است. »

﴿٧١﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

اما اگر ایشان اراده خیانت را با تو داشته باشند، پس بیگمان ایشان پیش ازین به خدا هم خیانت کردند، پس (شما را) بر ایشان مسلط ساخت. و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٧٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا

أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِم مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ

يُهَاجِرُوا ۗ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

بیگمان آنانیکه ایمان آوردند و هجرت کردند، و در راه خدا به مال و جان خود جهاد نمودند، و آنانیکه (به مهاجران) پناه و کمک دادند، اینها دوستان (یعنی کارساز) یکدیگر اند. و کسانیکه ایمان آوردند و هجرت نکردند، شما هیچ گونه ولایت (یعنی مسؤولیتی) در برابر آنها ندارید، تا ایشان (نیز) هجرت کنند. و اگر در (امور) دینی از شما مدد جویند، پس بر شماست تا به ایشان کمک کنید، مگر بر ضد مردمیکه بین شما و بین ایشان پیمانی است (اقدام نورزید)، و خداوند به آنچه میکنید بیناست.

﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

و کافران دوست (یعنی کارساز) یکدیگر اند. اگر شما این کار را نکنید (یعنی پیوستگی خود را با یکدیگر حفظ نکنید)، در زمین آشوب و فساد بزرگی برپا میشود.

﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

حَقًّا ۗ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

و آنانیکه ایمان آوردند و هجرت کردند، و در راه خدا جهاد ورزیدند و آنانیکه (به مهاجران) پناه و کمک دادند، همانانیند مسلمان واقعی، برای ایشان آمرزش و روزی سخاوتمندانه ای است.

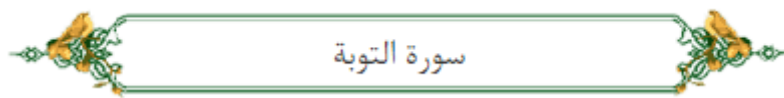
﴿٧٥﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ

بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و آنانیکه بعداً ایمان آوردند و هجرت نمودند و با شما (یکجا) جهاد کردند، پس ایشان (نیز) از شمایند. و خویشاوندان در احکام خدا بعضی بر دیگر سزاوارترند. بیگمان خداوند به هر چیز دانا است.

(۹) سوره التوبه:

این سوره مدنی و دارای (۱۲۹) آیه بوده و (بازگشت) معنی دارد. این سوره را بدان جهت توبه نامیده اند که در آن بیان توبه مومنان عموماً توبه تخلف کنندگان از جنگ تبوک مخصوصاً مطرح شده است.



﴿۱﴾ بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

(این اعلام انحلال تعهدات) بیزاریی است از جانب خدا و پیامبر او به کسانی از مشرکان که با ایشان پیمان بسته اید.

﴿۲﴾ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ

پس چهار ماه در روی زمین گشت و گذار کنید، و بدانید که خداوند را عاجز ساخته نمیتوانید، و خداوند کافران را حتماً رسوا ساختنی است.

﴿۳﴾ وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ

الْمُشْرِكِينَ ۗ وَرَسُولُهُ ۗ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و ابلاغی است از جانب خدا و پیامبر او به مردم در روز حج اکبر، که خداوند از مشرکان بیزار است و پیامبر او (نیز). پس اگر توبه کنید این به خیر شما است. ولی اگر (از توبه) خودداری کنید، پس بدانید که خداوند را عاجز ساخته نمیتوانید، و کافران را به عذابی دردناک بشارت بده.

﴿۴﴾ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا

إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

مگر کسانی از مشرکان که با ایشان پیمان بستید، و سپس با شما به چیزی کوتاهی نکردند، و برضد شما کسی را پشتیبانی نکردند. پس پیمان خود را با ایشان تا موعده (معین) آن بسر رسانید. حقا که خداوند پرهیزگاران را دوست میدارد.

﴿٥﴾ فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَخْصِرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ ۚ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

پس چون ماههای حرام بسر رسید در هر جایی که مشرکان را می یابید بکشید، ایشانرا بگیرید، محاصره کنید و در هر کمینگاهی به سر راه شان بنشینید (یعنی طوریکه همه راه های آمد و شد برایشان بسته شود). اگر توبه کنند و نماز را به تمام و کمال برپا دارند و زکات بدهند، پس راه ایشانرا باز گذارید، حقا که خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٦﴾ وَإِن أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

و اگر یکی از مشرکان از تو پناه بخواهد، او را پناه بده، تا کلام خدا را بشنود. و سپس او را به محل امنش برسان. این از سببی است که ایشان مردم نادانی اند.

﴿٧﴾ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

چطور میتواند نزد خدا و نزد پیامبر او برای مشرکان پیمانی باشد به جز کسانیکه شما با ایشان در نزد مسجدالحرام پیمان بستید؟ پس تا هنگامیکه آنها (در پیمان خود) در برابر شما پابرجا باشند، شما (هم) با ایشان پابرجا باشید، حقا که خداوند پرهیزگاران را دوست میدارد.

﴿٨﴾ كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً ۚ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ

چطور (میتواند چنین پیمانی پابرجا باشد) در حالیکه اگر بر شما غالب آیند در مورد شما نه علایق خویشاوندی را رعایت میکنند و نه (هم) پیمانی را؟! شما را بزبان خود خوش میسازند، ولی دل های شان (از شما) متنفر است، و اکثر ایشان فاسقند.

﴿٩﴾ اشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ ۚ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

در برابر آیات خدا بهایی ناچیز گرفتند، و (بسا مردم را) از راه او باز داشته اند. حقا که بد است آنچه ایشان میکنند.

﴿١٠﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

در برابر (هیچ) مسلمانی نه (علایق) خویشاوندی را رعایت میکنند و نه هم پیمان را، و هم ایشانند تجاوزگر.

﴿١١﴾ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۚ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

پس اگر توبه کنند و نماز را به تمام و کمال برپا دارند و زکات بدهند، برادران دینی شمایند و (به این ترتیب) آیات (خود) را به مردمیکه میدانند تفصیل میدهیم.

﴿۱۲﴾ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ ۖ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

و اگر سوگندهای خود را بعد از پیمان بستن نقض کردند، و دین شما را مورد طعن قرار دادند، پس با پیشوایان کفر مقاتله کنید، بیگمان ایشانرا سوگندی نیست (یعنی به سوگند خود پابند نمیباشد)، تا باشد که خودداری کنند.

﴿۱۳﴾ أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۗ أَتُخْشَوْنَهُمْ ۗ قَالَ لَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آیا با مردمی مقاتله نمیکنید که سوگندهای خود را نقض کردند و به اخراج پیامبر تصمیم گرفتند؟! و ایشان بودند که اول (به جنگ) در برابر شما آغاز کردند، آیا از ایشان میترسید؟ پس خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مسلمان هستید.

﴿۱۴﴾ قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْرِجُهُمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ

با ایشان مقاتله کنید. خداوند ایشان را به دست شما عذاب میکند، ایشانرا رسوا میسازد، شما را بر ایشان پیروز میگرداند، سینه های گروه مسلمان را شفاء میبخشد.

﴿۱۵﴾ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و خشم دلهای شانرا می زداید. خدا توبه هر که را بخواهد میپذیرد. خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿۱۶﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

آیا پنداشتید که از شما صرف نظر خواهد شد؟! و خداوند آنعه از شما را که جهاد کردند و جز خدا، پیامبر او و مسلمانان، کسی را محرم اسرار (خود) نگرفته اند، متمایز نمیگرداند؟! و خداوند به آنچه میکنید آگاه است.

﴿۱۷﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ ۗ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ

برای مشرکان (مجاز) نیست که مساجد خدا را اعمار کنند، در حالیکه ایشان بر کفر خویش گواه اند. همینهایند که اعمال شان حبطه شده است و ایشانند که در آتش همیشه اند.

﴿١٨﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ ۗ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

بیگمان کسی مساجد خدا را (از نظر عبادت و ساختمان) آباد میسازد، که به خدا و روز آخرت ایمان آورد، نماز را به تمام و کمال برپا دارد، زکات را بپردازد و جز خدا (از کسی دیگر) نترسد، پس امید میرود که چنین کسانی از رهیابان باشند.

﴿١٩﴾ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا آب دادن حاجیان و حفظ یا مراقبت مسجد حرام را به (عبادت) کسانی که به خدا و روز آخرت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده اند (مساوی) میپندارید؟ هرگز در نزد خداوند (این دو گروه) مساوی نیستند، و خداوند گروه ستمکاران را رهیاب نمیسازد.

﴿٢٠﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

آنهایی که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خدا به مال و جان خویش جهاد نمودند، در نزد خداوند درجه ای بزرگتری را حایز اند، و هم ایشانند پیروزمند.

﴿٢١﴾ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

پروردگار شان به آنها رحمتی را از نزد خویش و (نیز) رضامندی خویش و جنت هایی را بشارت میدهد که در آنها برای شان نعمت های جاودانی است.

﴿٢٢﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

ایشان در آن جاودانه بسر میبرند. بیگمان این خداست که در نزد او مزدی بزرگ است.

﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَىٰ

الْإِيمَانِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای مؤمنان، پدران و برادران خود را در صورتیکه کفر را بر ایمان برگزینند دوست مگیرید، و اگر کسی از شما ایشانرا دوست بگیرد، پس هم ایشانند ستمکار.

﴿٢٤﴾ قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ

تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ

يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

بگو: « اگر نزد شما پدران شما، فرزندان شما، برادران شما، همسران شما، خویشاوندان شما، ثروتی را که اندوخته اید، تجارتیکه از کساد آن بیم دارید، یا منازل رهاشی که به آن خوشنود میشوید؛ از خدا، پیامبر او و جهاد در راه او پسندیده تر باشد؛ پس در انتظار آن باشید که خدا فرمانش را صادر کند (یعنی شما را مورد عذاب خویش قرار دهد)، و خداوند مردم فاسق را هدایت نمیکند. »

﴿۲۵﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۗ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ۖ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَافَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ

بیگمان خداوند شما را در بسا میدانها مدد کرد، و در روز حنین (نیز). آنگاه که شما را کثرت (جنگاوران) شما به شگفت انداخت، اما (آن کثرت جنگاوران) نیازی را از شما دفع نکرد، و زمین با همه فراخی آن بر شما تنگ گشت، و سپس پشت گستانده عقب نشینی کردید.

﴿۲۶﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

بعد از آن خداوند آرامش خود را بر پیامبر خویش و بر مؤمنان ارزانی فرمود، و لشکرهایی را فرستاد که آنرا ندیدید، کافران را عذاب کرد، و این است جزای کافران.

﴿۲۷﴾ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بعد از آن، خداوند توبه هر کسی را که بخواهد می پذیرد، و خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿۲۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۗ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای مؤمنان، واقعاً مشرکان پلیدند. بنابراین بعد از این سال، ایشان به مسجدالحرام نزدیک نشوند. و اگر از فقر میترسید، در صورتیکه خدا خواسته باشد شما را بزودی از فضل خویش توانگر میسازد، بیگمان خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿۲۹﴾ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

با کسانی که نه به خدا ایمان دارند و نه هم به روز آخرت و نه چیزی را که خدا و پیامبر او حرام گردانیده حرام مپندارید و نه هم دین حق را میپذیرند، (با چنین مردمی) از اهل کتاب مقاتله کنید، تا با احساس تسلیمی جزیه بدهند و ایشان ذلیل باشند.

﴿۳۰﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ

بِأَفْوَاهِهِمْ ۗ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ ۗ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

یهود گفتند که «عزیر پسر خدا است» و نصاری گفتند که «عیسی پسر خدا است.» این گفتار شان است به دهان شان، (گفتاری است بیهوده)، ایشان به (این) گفتار (خویش به) کافران پیشین شباهت دارند، خدا آنها را بکشد، چگونه (از راه حق) برگردانیده میشوند!؟

﴿۳۱﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

کاهنان و رهبانان خود را بجز خدا (بحیث) معبود گرفتند و (نیز) مسیح پسر مریم را، در حالیکه مأمور نشده بودند مگر به اینکه خدای یکتا را بپرستند، (ذاتی را که) جز او هیچ معبودی نیست، پاکست از آنچه شریک می آورند.

﴿۳۲﴾ يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

میخواهند تا نور خدا را با دهن های خویش خاموش کنند، ولی خداوند اینرا نمیگذارد تا اینکه نور خود را کامل کند، اگرچه مشرکان را خوش نیاید.

﴿۳۳﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

اوست که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاده است. تا آنها بر همه دین (ها) پیروز سازد، اگرچه مشرکان را خوش نیاید.

﴿۳۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ

عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

ای مؤمنان، بیگمان بسا از علما و رهبانها واقعاً مال مردم را به ناحق میخورند، و (مردم را) از راه خدا باز میدارند. و کسانی که طلا و نقره را ذخیره میکنند و آنها در راه خدا خرج نمیکنند، پس ایشان را به مجازاتی دردناک بشارت بده.

﴿۳۵﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۗ هَذَا مَا كُنْتُمْ

لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

روزی که بر آنها آتش دوزخ تابانده میشود و با آنها پیشانی ها، پهلوها و پشت های شان داغ کرده میشود، (و به ایشان گفته میشود:) « اینست چیزیکه آنها برای خود ذخیره کرده اید، پس بچشید چیزی را که ذخیره کرده اید.

«

﴿٣٦﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ۗ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۗ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ۗ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

بیگمان شمار ماه ها نزد خداوند 12 ماه است در کتاب خدا، در روزیکه آسمانها و زمین را آفرید (چنین حکم شد). از آنجمله چهار (ماه) آن حرام { ۱ } است، اینست روش استوار. پس درین دوره (چهار ماهه) بر خود ستم نکنید و با مشرکان همه مقاتله کنید، چنانکه همه ایشان با شما مقاتله میکنند. و بدانید حقا که خداوند با پرهیزگاران است.
{ ۱ } صاحب حرمت ؛

﴿٣٧﴾ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ ۗ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ ۗ زَيْنٌ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

نسئی { ۱ } زیادتی است در کفر که با آن کافران گمراه گردانیده میشوند، ایشان ماهی را یک سال حلال و همان ماه را سال دیگر حرام می‌شمارند، تا شماره (ماه هایی) را که خدا حرام ساخته یوره کنند، و به این ترتیب آنچه را خدا حرام گردانیده حلال سازند، اعمال ناشایسته شان بنظرشان خوب جلوه میکند. و خداوند گروه کافران را راهیاب نمیسازد.
{ ۱ } تأخیر ماه های حرام ؛

﴿٣٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ ۗ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ ۗ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

ای مؤمنان، شما را چه شده که چون بشما گفته شود در راه خدا (به جهاد) برآید، خود را بزمین سنگین میسازید (یعنی از جا نمی جنبید)؟! آیا به زندگی دنیا بعوض آخرت خوشنود میشوید؟ در حالیکه متاع دنیا در (برابر) آخرت نیست مگر اندک.

﴿٣٩﴾ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا ۗ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اگر (به جهاد) برنیاید، شما را بعذاب دردناکی عذاب میکند، و قومی دیگر را بجای شما قرار میدهد، و به خدا هیچ ضرری رسانده نمیتوانید، و خدا به هر چیز تواناست.

﴿٤٠﴾ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ۗ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

اگر او (یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم) را کمک نکنید، بیگمان خداوند او را هنگامی کمک کرد که کافران او را بیرون رانند، (او) دوم دو نفری بود که در غار بودند، هنگامیکه به یار خویش میگفت: « غم مخور، حقا که خدا با ماست. » پس خداوند آرامش خود را بر او نازل فرمود، و او را با لشکرهایی تأیید کرد که آنها را نمی دیدید، و کلمه کافران را فروتر ساخت (یعنی ایشانرا زبون و خوار گردانید)، و کلمه (اراده و حکم) خدا همانست بلندتر، و خداوند صاحب قدرت مَنِيع (و) باحکمت است.

﴿٤١﴾ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(به جهاد) برآیید، سبکبار یا گرانبار، و در راه خدا به مال و جان خود جهاد کنید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

﴿٤٢﴾ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السُّقُوتُ ۗ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

اگر دستاوردی زودرس و سفری آسان میبود، بیشک ترا پیروی میکردند، مگر مشقت بر ایشان دراز شد، به زودی به خدا سوگند میخورند که « اگر می توانستیم بیگمان با شما بیرون میشدیم، » ایشان خویشان را هلاک میکنند، و خدا میداند که بیگمان ایشان یقیناً دروغ گویند.

﴿٤٣﴾ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

خداوند ترا بخشید، چرا ایشان را اجازه دادی؟ تا کسانیکه راست گفتند بتو روشن میشد و دروغگویان را میشناختی.

﴿٤٤﴾ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

آنهاييکه به خدا و روز جزاء ايمان دارند از تو ازينکه بمال و جان خود جهاد کنند اجازه نميگیرند، و خداوند بحال پرهیزگاران آگاه است.

﴿٤٥﴾ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ

صرف آنهایی از تو اجازه میگیرند که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند، دلهای شان در شک است و ایشان در شک خویش به تردد اند.

﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

اگر اراده بیرون شدن را میداشتند بیگمان برای آن آمادگی میگرفتند، ولی خداوند از بیرون شدن شان ناخوشنود بود، پس ایشان را سست گردانید، و گفته شد: « با کسانیکه نشسته اند بنشینید! »

﴿٤٧﴾ لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا خِلَالَكُمْ يَبْعُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

اگر در بین شما بیرون میشدند، به شما جز سستی (چیزی دیگر) نمی افزودند، و در بین شما شایعه پراگنی میکردند تا شما را به فتنه اندازند، و در میان شما کسانی (هم) بودند که به ایشان گوش فرا میدادند. و خداوند به (حال) ستمگاران آگاه است.

﴿٤٨﴾ لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ

بیگمان از پیش (نیز) فتنه جویی کرده بودند و کارها را برای تو وارونه کردند، تا آنکه حق جای خود را گرفت و حکم خداوند غالب گردید، در حالیکه ایشان کراهیت داشتند.

﴿٤٩﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنذُن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي ۗ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ

بِالْكَافِرِينَ

و از ایشان کسانی اند که میگویند: « برایم اجازه بده و مرا به فتنه مینداز. » هان! به فتنه افتادند. و بیگمان دوزخ به کافران (از همه جوانب) فراگیرنده است.

﴿٥٠﴾ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۗ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ

فَرِحُونَ

اگر بتو خوشی دست دهد ایشانرا ناراحت میسازد، و اگر به تو مصیبتی برسد میگویند « مصلحت خود را قبلاً (در نظر) گرفته ایم. » و با شادمانی برمیگردند.

﴿٥١﴾ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

بگو: « جز آنچه خداوند نصیب ما کرده بما نمیرسد، اوست کارساز ما، و باید مؤمنان (خاص) به خدا توکل ورزند. »

﴿٥٢﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۗ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ

مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا ۗ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

بگو: « آیا برای ما جز این دو خوبی (یعنی پیروزی یا شهادت) انتظار می برید؟ ولی ما بشما انتظار می بریم که خدا برای شما از نزد خویش یا بدست ما عذابی برساند، پس انتظار بکشید ما (هم) با شما انتظار کشنده هستیم. »

﴿٥٣﴾ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ ۗ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ

بگو: « به خوشی یا ناخوشی خرج کنید، از شما هرگز قبول نمیشود، زیرا شما قومی واقعاً فاسق استید. »

﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُِونَ

و هیچ چیزی مانع قبول صدقات شان نشده، جز اینکه ایشان از خدا و پیامبر او انکار کرده اند، و به نماز نمی آیند مگر با کسالت، و (در راه خدا) خرج نمیکنند مگر اینکه کراهیت دارند.

﴿٥٥﴾ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَزْهَقَ أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

پس دارایی و اولادشان ترا به شگفت نیندازد. در حقیقت خدا میخواهد ایشانرا به این (دارایی و اولاد) در زندگی دنیا عذاب کند، و جان شان در حالتی برآید که کافرند.

﴿٥٦﴾ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ

و به خدا سوگند میخورند که واقعاً ایشان از شمایند، ولی در حقیقت ایشان از شما نیستند، مگر ایشان مردمی اند که (از نشان دادن چهره واقعی خود) سخت میترسند.

﴿٥٧﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَعَارَاتٍ أَوْ مُدْخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ

اگر پناهگاهی یا غارهایی یا درآمدگاهی می یافتند، واقعاً بسوی آن عدول کرده میبودند و به شتاب میرفتند.

﴿٥٨﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

و از ایشان کسانی اند که بر تو در (مسئله تقسیم) صدقه ها عیب میگیرند، اگر به ایشان (سهمی) از آن داده شود خوشنود میشوند، ولی اگر به ایشان از آن داده نشود در آن حال خشمناک میگردند.

﴿٥٩﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ

اگر صرف به آنچه خدا و پیامبر او برای شان داده بود راضی میشدند و میگفتند « برای ما خدا بسنده است، خدا و پیامبر او بزودی از فضل خویش برای ما میدهند، ما واقعاً از خدا میخواهیم (نه از کسی دیگر)، « این برای شان بهتر بود).

﴿٦٠﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بیگمان صدقه ها (یعنی زکات) برای ناداران، مسکینان، مؤظفانِ اداره و جوه زکات، مولفه القلوب، آزادی (بردگان)، پرداخت قرض (قرضداران) و در راه (تقویت آیین) خدا و برای مسافران فریضه ای است از جانب خدا، او خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٦١﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ ۚ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ۚ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و از آنها (یعنی منافقان) کسانی اند که پیامبر را اذیت میکنند و میگویند « او شنوای سخن هر کسی است (یعنی گپ رو است). » بگو: « او سخن شنوی است که بخیر شما است، او به خداوند ایمان و به مسلمانان اعتماد دارد، و رحمتی است برای کسانی از شما که ایمان دارند، ولی آنهایی که پیامبر خدا را اذیت میکنند برای شان عذابی دردناک است. »

﴿٦٢﴾ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

برای شما به خدا سوگند میخورند تا شما را خوشنود سازند، (ولی) خدا و رسول او سزاوارترند که خوشنود ساخته شوند اگر ایشان مؤمن هستند.

﴿٦٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

آیا نمیدانند کسیکه با خدا و پیامبر او مخالفت و نزاع کند حقا که برایش آتش دوزخ است، در آنجا همیشه بسر میبرد. این است رسوایی بزرگ.

﴿٦٤﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ ۚ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ

مَا تَحْذَرُونَ

منافقان ازین میترسند که مبادا سوره ای در باره شان نازل شود که ایشانرا به چیزیکه در دلهای شان است آگاه میسازد. بگو: « تمسخر کنید، بیگمان خداوند چیزهایی را که از (افشای) آن میترسید برملا کننده است. »

﴿٦٥﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي قُلُوبِكُمْ ۚ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ

اگر از ایشان بپرسی، با تأکید میگویند « ما صرف حرفی میزدیم و مزاحی میکردیم. » بگو: « آیا به خدا، آیات او و پیامبر او تمسخر میکردید؟! »

﴿٦٦﴾ لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ۚ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا

مُجْرِمِينَ

بهبانه نکنید، بیگمان بعد از ایمان خود کافر شدید. اگر ما گروهی از شما را عفو کنیم، گروهی (دیگر) را که گناهکار بودند، عذاب میکنیم.

﴿٦٧﴾ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ

أَيْدِيَهُمْ ۚ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ ۚ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

مردان منافق و زنان منافق از همدیگر اند، بکار بد امر میکنند و از کار پسندیده باز میدارند، و دست های خود را (از داد و دهش) فرو مینندند، خدا را فراموش کرده اند، پس (او هم) ایشان را فراموش کرد. بیگمان منافقان هم ایشان اند فاسق.

﴿٦٨﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ هِيَ حَسْبُهُمْ ۗ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِمٌّ

خداوند به مردان منافق و زنان منافق و کافران آتش دوزخ را وعده کرده است، در آن همیشه بسر میبرند، این برای شان بسنده است، و خداوند ایشانرا لعنت کرده است، و برای شان عذابی است دائمی.

﴿٦٩﴾ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا ۗ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

(درست) همانند کسانی که پیش از شما بودند، از شما در نیرو قوی تر بودند و مال و اولاد بیشتری داشتند. ایشان از نصیب خویش بهره اندوز شدند، شما (هم) از نصیب خویش بهره اندوز شدید، همانگونه که آنهایکه پیش از شما بودند بهره اندوز شدند. و به گفتار بیهوده منهنمگ شدید، چنانکه ایشان منهنمگ شدند. همانهایند که اعمال شان در دنیا و آخرت حبطه شده است، و هم ایشانند زیانکار.

﴿٧٠﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ ۗ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۗ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

آیا به ایشان داستان پیشینیان شان نرسیده است؟! (داستان) قوم نوح، عاد و ثمود، و قوم ابراهیم، مردم مدین، و شهرهای زیر و رو شده. برای ایشان پیامبران شان با نشانه های روشن آمدند، خدا بر ایشان ستم نکرده بود، بلکه این خود آنها بودند که بر خویشان ستم میکردند.

﴿٧١﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مردان مسلمان و زنان مسلمان دوست (و حامی) یکدیگر اند، به کارهای پسندیده امر میکنند و از کارهای بد باز میدارند، نماز را به تمام و کمال برپا میدارند، زکات را میپردازند، و خدا و پیامبر او را فرمان میبرند. هم ایشانند که خداوند بزودی ایشانرا مورد رحمت خویش قرار میدهد. حقا که خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٧٢﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ۗ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند برای مردان مسلمان و زنان مسلمان بهشت هایی را وعده کرده است که در زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد، در آنها جاودانه بسر میبرند، و رهایشگاه های پاکیزه در بهشت های همیشگی، و بزرگتر (از همه) رضای خداوند، و اینست همانا پیروزی بزرگ.

﴿٧٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۗ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت گیر. جای ایشان دوزخ است، و چه بد جایی است!

﴿٧٤﴾ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا ۗ وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ ۗ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

به خدا سوگند میخورند که کدام چیز (بد) نگفته اند، ولی بیشک کلمه کفر را بر زبان آوردند، و بعد از اسلام خویش کافر شدند، و تصمیم به چیزی گرفتند که آنرا بسر رسانیده نتوانستند. انتقام نگرفتند مگر این را که خدا و رسولش ایشان را از فضل خویش بی نیاز ساخته است. (اکنون) اگر توبه نمایند، این برای شان خیر است. و اگر روی برتابند، خداوند به عذابی دردناک ایشان را در دنیا و آخرت عذاب میکند. و ایشانرا در روی زمین نه کارسازی است و نه هم مددگاری.

﴿٧٥﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ

و از ایشان کسانی هستند که با خدا پیمان بستند که « اگر از فضل خویش ما را برخوردار ساخت، بیگمان صدقه میدهیم، و بیگمان از مردم نیکوکار میشویم. »

﴿٧٦﴾ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

اما چون از فضل خود به ایشان ارزانی کرد، بخل ورزیدند، و از پیمان خویش برگشتند، و (از ایفای آن) اعراض کننده بودند.

﴿٧٧﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

پس به سبب خُلفِ وعده ای که با خدا کرده بودند و دروغیکه گفته بودند در آخر کار نفاق را در دلهای شان جا داد، (و) تا روزیکه او را ملاقات میکنند (این حالت دوام دارد).

﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

آیا نمیدانند که خداوند (سخنان) پنهان و راز شانرا میداند، و خداوند به همه (امور) غیب کاملاً داناست.

﴿٧٩﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ ۗ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنانیکه داوطلبان مسلمانان را در صدقات (شان) مذمت میکنند و آنانی را که جز (ثمره) کار خویش چیزی را نمی یابند (که صدقه بدهند) تمسخر میکنند، خداوند (خود) ایشانرا مسخره کرده است. و برای شان عذابی دردناک است.

﴿٨٠﴾ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

خواه تو برای ایشان طلب آمرزش بکنی یا طلب آمرزش نکنی، اگر تو هفتاد بار (هم) برای شان طلب آمرزش کنی، هرگز خداوند ایشانرا نمی آمرزد. این از سببی است که از خداوند و پیامبر او انکار کرده اند. و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمیکند.

﴿٨١﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ ۗ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۗ لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

متخلفان (غزوه تبوک) از اینکه به مخالفت رسول خدا به جای خود نشستند شادمان شدند، و ازینکه به مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند کراهیت نشان دادند و گفتند « در گرما (به جهاد) بیرون نروید! » بگو: « آتش دوزخ در گرمای خود شدیدتر است! » اگر ایشان میفهمیدند.

﴿٨٢﴾ فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيُنَكِّوْا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریزند، این جزای کارهایی است که انجام میدادند.

﴿٨٣﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا ۗ إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ

پس اگر خدا ترا بسوی گروهی از ایشان باز گرداند که از تو اجازه بیرون شدن (بجهاد) را بخواهند، بگو: « ابدًا با من بیرون نشوید و هرگز همراه من با دشمنی نجنگید، بیگمان شما در نخست به نشستن (با متخلفان) خوشنود شدید، پس (اکنون نیز) با متخلفان بنشینید. »

﴿٨٤﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

بر هیچ یک از ایشان که بمیرد ابدًا نماز مگذار، و بر قبر وی مایست. حقا که ایشان از خدا و پیامبر او انکار کردند، و در حالیکه فاسق بودند مردند.

﴿٨٥﴾ وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۖ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

اموال و اولادشان ترا به تعجب نیندازد. بیگمان خدا اراده کرده است تا ایشانرا به وسیله آن در دنیا عذاب کند، و روح شان در حالی برآید که کافر باشند.

﴿٨٦﴾ وَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةَ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

و چون سوره ای نازل شود که (ایشان را توصیه کند) به خدا ایمان آرید و به همراهی پیامبر او جهاد کنید، توانگران ثروتمند شان از تو اجازه (یعنی معافیت) میخواهند و میگویند: « ما را بگذار تا با بازنشستگان (از جهاد) باشیم. »

﴿٨٧﴾ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

به این خوشنود اند که با بازماندگان (یعنی زنان خانه نشین) باشند، بر دلهای شان مهر زده شده است، پس ایشان نمی فهمند.

﴿٨٨﴾ لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۖ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ ۖ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

ولی پیامبر و مسلمانان همراه او به مال و جان خود جهاد کردند، و هم ایشانند که همه خوبی ها از آن ایشان است، و هم ایشانند رستگار.

﴿٨٩﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند به ایشان بهشت هایی را آماده ساخته که در زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد، در آن جاودانه بسر میبرند، اینست رستگاری بزرگ.

﴿٩٠﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و عذرخواهانی از بادیه نشینان (نیز) آمدند تا به ایشان (نیز) اجازه (معافیت) داده شود. و آنهاییکه خدا و پیامبر او را تکذیب کردند، (از جهاد) باز نشستند، بزودی عذابی دردناک دامنگیر کافران شان میشود.

﴿٩١﴾ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا

نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ ۖ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بر ناتوانان، بیماران، آنانیکه چیزی نمی یابند تا (آنها در راه خدا) مصرف کنند گناهی نیست، بشرطیکه به خدا و پیامبر او صادق باشند. به (ملامت کردن) نیکوکاران راهی نیست. و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿۹۲﴾ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ

مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ

و نه (هم) بکسانی (ملامتی راجع میشود) که چون پیش تو آمدند تا ایشان را (بوسیله سواری) برداری (به ایشان) گفتی « چیزی نمی یابیم که شما را بر آن برداریم. » در حالیکه از چشمان شان اشک جاری بود، از اندوه اینکه برای مصارف (حمل و نقل خود) چیزی نمی یابند برگشتند.

﴿۹۳﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ ۖ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ

عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

بیگمان راه (ملامتی) بر کسانی است (یعنی کسانی مؤاخذه میشوند) که از تو اجازه (معافیت) میگیرند در حالیکه توانگر اند. ایشان به این خرسند اند که با باز نشستگان (یعنی زنان خانه نشین) باشند. و خداوند بر دلهای شان مهر زده است، پس ایشان نمیدانند.

جزء سپاره یازدهم - يعتذرون

﴿۹۴﴾ يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ ۗ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ

أَخْبَارِكُمْ ۗ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ

به شما عذر میکنند، هنگامیکه بسوی شان بازگردید. بگو: « عذر نخواهید، هرگز (سخن) شما را باور نمیکنم. حقا که خدا ما را از احوال (واقعی) شما آگاه ساخت، و بزودی اعمال شما را خدا و رسول او میبینند. بعد از آن به سوی (ذات) دانای پنهان و آشکار باز گردانیده میشوید. پس شما را به آنچه میکردید آگاه میسازد. »

﴿٩٥﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتُعَرِّضُوا عَنْهُمْ ۖ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۗ إِنَّهُمْ رَجِسٌ ۖ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

چون به نزد ایشان باز میگردید، برای شما به خدا سوگند میخورند تا از ایشان اعراض { ۱ } کنید. پس از ایشان اعراض کنید، بیگمان ایشان پلیدند، و جای شان دوزخ است - جزای آنچه میکردند. { ۱ } صرف نظر؛

﴿٩٦﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لَتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۖ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

به شما سوگند میخورند تا از ایشان خوشنود شوید. پس اگر شما از ایشان خوشنود (هم) شوید، خداوند هرگز از مردم فاسق خوشنود نمیشود.

﴿٩٧﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بادیه نشینان در کفر و منافقت شدیدتر اند، و سزاوار به اینکه احکامی را که خدا به پیامبرش نازل کرده ندانند. خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٩٨﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمْ الدَّوَائِرَ ۗ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بعضی از بادیه نشینان کسانی اند که آنچه را مصرف میکنند (یعنی زکات میدهند) تاوانی می پندارند، و بر شما گردش (روزگار) را انتظار میکشند. بر ایشان سختی روزگار باد! و خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿٩٩﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۗ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۗ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و از بادیه نشینان کسی هست که به خدا و روز آخرت ایمان می آورد و آنچه را (بھیث زکات) می پردازد مایه تقرب به خدا و دعاهای پیامبر میداند. هان، بیگمان این چیزها ایشان را مایه تقرب (به خدا) است. بزودی خداوند ایشانرا به رحمت خود داخل میگرداند. حقا که خداوند آمرزگار مهربان است.

﴿١٠٠﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

پیشاهنگان نخستین (اسلام) از مهاجران و انصار و کسانیکه ایشانرا به نیکی پیروی کردند، خداوند از ایشان خوشنود گردید و ایشان (نیز) از خداوند خوشنود شدند؛ برای شان بهشت هایی را آماده کرده است که در زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد، در آنجا جاودانه بسر میبرند. اینست رستگاری بزرگ.

﴿١٠١﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ ۗ وَمِنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ ۗ مَرَدُوا عَلَىٰ النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ ۗ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۗ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

بعضی از بادیه نشینانیکه گرداگرد شمایند منافقانند، و همچنان از اهل مدینه (گروهی هستند که) به نفاق عادت کرده اند. تو ایشان را نمی شناسی، ما ایشانرا میشناسیم. بزودی ایشان را دو بار عذاب میکنیم و سپس ایشان به عذاب بزرگ باز گردانیده میشوند.

﴿١٠٢﴾ وَأَخْرُونِ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و گروهی دیگر به گناهان خویش اعتراف کردند؛ ایشان عمل نیکو را با عمل دیگری که نکوهیده است درآمیختند. زود است خداوند توبه شانرا بپذیرد. حقا که خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿١٠٣﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

از اموال ایشان صدقه (یعنی زکات) بگیر تا ایشانرا با آن (صدقه) پاک سازی و برکت دهی. به ایشان دعا کن، حقا که دعای تو برای ایشان مایه آرامش است. و خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿١٠٤﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

آیا نمیدانند که بیگمان خداوند هم اوست که توبه را از بندگان خود قبول میکند و صدقات را میپذیرد، و بیگمان خداوند توبه پذیر (و) مهربان است.

﴿١٠٥﴾ وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۗ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و بگو: «عمل کنید! بزودی خداوند، پیامبر او و مؤمنان عمل شما را میبینند. و بزودی بسوی دانای نهان و آشکار باز گردانیده میشوند. سپس شما را به آنچه کرده اید آگاه میسازد.»

﴿١٠٦﴾ وَأَخْرُونِ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

گروهی دیگر (قبول توبه شان) به حکم خدا معطل گردیده است، یا ایشانرا عذاب میکند یا توبه شانرا میپذیرد. و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿١٠٧﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ۗ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

و کسانی که مسجدی برای ضرر و (تقویت) کفر و نفاق افگنی بین مسلمانان گرفتند، و کمینگاهی برای کسیکه با خدا و پیامبرش از پیش جنگیده است، بیگمان سوگند میخورند که جز خیر اراده ای نداشتیم، و خدا گواهی میدهد بر اینکه واقعاً ایشان دروغگویند.

﴿۱۰۸﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

(برای نماز) هرگز در آنجا استاده مشو. واقعاً مسجدیکه از روز نخست اساس آن بر پرهیزگاری نهاده شده سزاوارتر است که در آن (به نماز) استاده شوی. در آن مردانی اند که دوست دارند تا خوب پاک شوند، و خداوند پاکیزه کنندگان را دوست میدارد.

﴿۱۰۹﴾ أَفَمَنْ أُسَسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسَسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا کسیکه بنیان (عمارت) خود را بر ترس از خدا و خوشنودی او نهاده بهتر است یا کسی که بنیان آنرا بر کناره زمین سیل برده [ای] که به شرف افتادن باشد نهاده است؟ پس با آن در آتش جهنم فرو ریزند. و خداوند گروه ستمگاران را رهیاب نمیسازد.

﴿۱۱۰﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً إِلَّا أَنْ يَلْبِطُوا فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

عمارتیکه ساخته اند همیشه (مایه) اضطراب دل‌های شان است، تا هنگامیکه دل‌های شان پاره پاره شود. و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿۱۱۱﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآنَ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۗ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۗ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ

اللَّهِ ۗ فَاسْتَبَشِّرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

بیگمان خداوند از مسلمانان جان و مال شانرا در برابر بهشتی که به آنها میدهد خریده است، ایشان در راه خدا میجنگند، پس میکشند و کشته میشوند. (این) وعده حقی است بر خداوند در تورات، انجیل و قرآن. و چه کسی نسبت به خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به داد و ستدیکه به آن معامله کرده اید خوش باشید. و اینست همان رستگاری بزرگ.

﴿۱۱۲﴾ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ

عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

توبه کنندگان، عبادت گران، ثناگویان، سیاحت کنندگان (در راه خدا)، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، امرکنندگان بکار پسندیده و نهی کنندگان از کار ناپسند، نگهدارندگان حدود خدا (همین‌هایند مسلمانان واقعی)، و به (این) مسلمانان مژده بده.

﴿١١٣﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

برای پیامبر و مسلمانان (سزاوار) نیست که برای مشرکان، اگرچه خویشاوندان شان هم باشند، آمرزش بخواهند، بعد از آنکه برای شان روشن شود که ایشان اهل دوزخ اند.

﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۗ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ

و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش صورت نگرفت مگر به اساس وعده ای که به او کرده بود. چون به ابراهیم روشن شد که پدرش دشمن خداست، از او بیزارى جست. حقا که ابراهیم بسیار نرمدل (و) بردبار بود.

﴿١١٥﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

چنان نبوده که خداوند قومی را گمراه سازد بعد از آنکه آنرا رهیاب گردانیده است، مگر آنکه به ایشان چیزی را که باید از آن پرهیز کنند بیان کند. حقا که خداوند بهمه چیز دانا است.

﴿١١٦﴾ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

حقا که پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداوند است، (او) زنده میگرداند و می میراند، و برای شما جز خدا هیچ کارساز و مددگاری نیست.

﴿١١٧﴾ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

بیگمان خداوند رحمت خویش را شامل حال پیامبر، مهاجرین و انصار - که در لحظاتی دشوار (غزوه تبوک) از پیامبر پیروی کردند - نمود، بعد از اینکه نزدیک بود دلهای عده ای از ایشان منحرف شود، سپس ایشان را شامل رحمت (خویش) ساخت. بیگمان او به ایشان رؤوف و رحیم است.

﴿١١٨﴾ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و (نیز) برای سه نفریکه (در قبول توبه) به عقب گذاشته شده بودند، تا اینکه زمین با فراخی آن بر ایشان تنگ شد و وجود خود شان بر آنها گرانی میکرد، و یقین داشتند که از خدا هیچ پناهگاهی جز بسوی او (تعالی) و

تقدس) نیست. بعد از آن خداوند توبه شان را پذیرفت تا به خدا باز گردند. حقا که خداوند هم اوست توبه پذیر (و) مهربان.

﴿۱۱۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

ای مؤمنان، از خدا بترسید و با صادقان باشید.

﴿۱۲۰﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ۗ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

برای مردم مدینه و بادیه نشینانیکه در ماحول اوشان قرار دارند (شایسته) نبود که از (اشتراک در غزوات با) پیامبر خدا تخلف ورزند، و نه اینکه به (زندگی) خود (بیشتر) از (زندگی) پیامبر رغبت ورزند. این از سبببست که به ایشان هیچ تشنگی و هیچ رنجی و هیچ گرسنگی در راه خدا نمیرسد، و به هیچ موضعی قدم نمیگذارند که کافران را به خشم آرد، و هیچ ضربه ای را از دشمن نمیخورند مگر آنکه به سبب آن به ایشان عمل نیکی نوشته میشود. حقا که خداوند مزد نیکوکاران را ضایع نمیسازد.

﴿۱۲۱﴾ وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و نه چیزی را خرج میکنند، خواه کوچک باشد یا بزرگ، و نه هم دره ای را می پیمایند مگر اینکه برای ایشان نوشته میشود، تا خداوند به ایشان در برابر عمل شان بهترین پاداش بدهد.

﴿۱۲۲﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً ۗ فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

و (شایسته) نیست برای مؤمنان که همه یکجایی (به کارزار یا طلب علم) بیرون شوند. پس چرا از هر جمعیتی گروهی از ایشان بیرون نشوند تا در امور دینی دانایی حاصل کنند و قوم خویشرا (از ارتکاب اعمال ناشایسته) بیم دهند؟! در هنگامیکه سوی ایشان باز میگردند تا باشد که ایشان بترسند.

﴿۱۲۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ۗ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

ای مؤمنان، با کافرانی که نزدیک شماستند جنگ کنید، و باید آنها در شما شدت (و خشونت) احساس کنند. و بدانید که بیگمان خداوند با پرهیزگاران است.

﴿١٢٤﴾ وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا ۗ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

و چون سوره‌ای نزول یابد بعضی از ایشان (بیکدیگر) میگویند « این سوره به ایمان کدام یکی از شما افزوده است؟ » پس به ایمان کسانی افزوده است که ایمان آورده اند و ایشان خوشحال میشوند.

﴿١٢٥﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

ولی آنانیکه در دل‌های شان مرض است، (نزول سوره) شکی را بر شک شان افزوده است، و ایشان در حال کفر مردند.

﴿١٢٦﴾ أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

آیا ایشان نمی بینند که در هر سالی یک یا دو بار آزموده میشوند؟! ولی با این هم توبه نمیکنند و نه پند میگیرند.

﴿١٢٧﴾ وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا ۗ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

و چون سوره‌ای نزول یابد، یکی بسوی دیگری دیده (میگویند) « آیا کسی (از مسلمانان) شما را میبیند؟ » سپس باز میگردند، خداوند دل‌های شانرا (از روشنایی) بازداشته، به سبب اینکه ایشان مردمی اند که نمی فهمند.

﴿١٢٨﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

بیگمان از خود شما بشما پیامبری آمده است؛ رنج‌های شما بر او سخت است، به (خیر) شما حریص است، و بر مؤمنان رؤوف (و) رحیم است.

﴿١٢٩﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

پس اگر رو بگردانند، بگو: « خداوند مرا بسنده است. جز او معبودی نیست. بر او توکل کردم. و اوست پروردگار عرش عظیم. »

(۱۰) سوره یونس:

این سوره مکی بوده دارای (۱۰۹) آیه بوده و یونس (نام یکی از پیامبران) میباشد. بخاطر بیان داستان پیامبر یونس به این نام مسما شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الرُّ ۙ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

الر. این آیات کتاب باحکمت است.

﴿۲﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ

صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ

آیا برای مردم اعجاب انگیز است که به مردی از ایشان وحی فرستادیم؟ که « مردم را (از عاقبت اعمال ناشایسته شان) بیم بده و به مسلمانان مژده بده که ایشان در حضور پروردگار خویش مقام ارجمندی دارند. » کافران گویند: « این واقعاً جادوگری آشکار است. »

﴿۳﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُدَبِّرُ

الْأَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

بیگمان پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و آنگاه بر عرش مستولی شد، تدبیر کار (جهان) را میکند، هیچ شفاعتگری نیست مگر بعد از اجازه او. این است خداوند، پروردگار شما. پس او را پرستش کنید. آیا پند نمیگیرید؟!

﴿۴﴾ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۗ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۗ إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بازگشت همه شما بسوی او است. وعده خداوند حق است. بیگمان او است که آفرینش را آغاز میکند، و سپس آنها تکرار میکند، تا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند به انصاف پاداش دهد. و کسانی که کافر شدند برای شان آشامیدنی است از آب سوزان و عذابی دردناک، به سبب اینکه کافر گردیدند.

﴿۵﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ مَا

خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

اوست که آفتاب را درخشان گردانید، و ماه را تابان ساخت، و برای آن مراحل را قرار داد تا تعداد سالها و شمار (وقت) را بدانید. خداوند اینها را نیافرید مگر به حق. آیات خویشرا به گروهی که میدانند تفصیل وار بیان میکند.

﴿٦﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ

بیگمان در اختلاف شب و روز و در چیزهایی که خداوند در آسمان ها و زمین آفریده است، نشانه هایی است برای کسانی که میترسند.

﴿٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

آنهایی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیوی خوشنود گشته و به آن آرامش یافته اند و آنهایی که از نشانه های ما غافلند.

﴿٨﴾ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

همانها اند که جای شان دوزخ است، به سبب آنچه می اندوختند.

﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ ۖ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي

جَنَّاتِ النَّعِيمِ

بیگمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، آنها را پروردگارشان به سبب ایمان شان هدایت میکند. از زیر (قصرهای) آنها نهرها در باغستان های سرشار از نعمت جریان دارد.

﴿١٠﴾ دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۖ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ

دعای شان در آنجا « پاکی تراست بار خدایا » میباشد، و تحیت { ۱ } شان سلام است، و نهایت دعای ایشان آنست که « ستایش مر خدای راست، پروردگار عالمیان. »
{ ۱ } خوش آمدید ؛

﴿١١﴾ وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ ۗ فَنذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

اگر خداوند به مردم شر را زود میرساند، همچنانکه ایشان به دریافت خیر شتاب میورزند، بیگمان اجل شان به ایشان بسر رسانده می شد. پس کسانی را که امیدوار به ملاقات ما نیستند در سرکشی شان سرگردان میگذاریم.

﴿١٢﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ

يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ ۗ كَذَلِكَ زِينٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

چون انسان را محنتی رسد، ما را (در حالیکه) به پهلوئی خود (دراز کشیده است) یا نشسته یا ایستاده (است) میخواند. ولی همینکه محنتش را از او برطرف کنیم، (براه خود) می رود، بگونه ای که گویا هرگز ما را برای (برطرف کردن) محنتی که به او رسیده نخوانده است. اینچنین برای مردم مسرف عملکردشان نیکو جلوه داده شده است.

﴿١٣﴾ وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ۗ وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا ۗ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

و بیگمان نسلهای پیش از شما را - چون ظلم کردند - هلاک ساختیم. و (در حالیکه) پیامبران شان نشانه های روشنی را به ایشان آوردند، ولی ایشان (حاضر) نبودند که ایمان آرند. اینچنین مردم گنهکار را مجازات میکنیم.

﴿١٤﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

سپس شما را در (روی) زمین، بعد از ایشان، جانشین گردانیدیم، تا ببینیم چگونه عمل میکنید.

﴿١٥﴾ وَإِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ ۗ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ ۗ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي ۗ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۗ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

و چون آیات روشن ما به ایشان خوانده میشود، آنهاييکه به ملاقات ما امیدی ندارند گویند « برای ما قرآنی غیر از این بیاور، یا این را تغییر بده. » بگو: « من این صلاحیت را ندارم که آنرا از پیش خود تغییر بدهم. من همان چیزی را پیروی میکنم که برایم وحی شده است. بیگمان اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روز بزرگ میترسم. »

﴿١٦﴾ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ ۗ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بگو: « اگر خداوند اراده میکرد، آنرا برای شما نمیخواندم و نه هم خداوند شما را به آن آگاه میگردانید. من در میان شما پیش ازین (نیز) عمری را سپری کردم. پس آیا شما در نمی یابید؟ »

﴿١٧﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ

پس کیست ستمگارتتر از کسیکه بر خدا دروغ بربندد یا آیات او را تکذیب کند؟! بیگمان مجرمان، هرگز رستگار نمیشوند.

﴿١٨﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ قُلْ

أَتُنَبِّئُكُمْ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۗ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ایشان بجز خداوند چیزهایی را پرستش میکنند که به ایشان نه ضرری میرساند و نه نفعی، و میگویند: « اینها نزد خداوند شفاعت گران مایند. » بگو: « آیا شما خداوند را از چیزیکه در آسمانها و زمین است و او آنرا نمیداند آگاه میسازید؟ » پاک است ذات او و برتر است از چیزهایی که شریک او میپندارند.

﴿١٩﴾ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

مردم نبودند مگر ملتی واحد. پس اختلاف ورزیدند، و اگر کلمه ای قبلاً از جانب پروردگار تو صادر نمیشد، حتماً در مسایلی که در آن اختلاف میورزیدند فیصله میشد.

﴿٢٠﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ فَقُلْ إِنَّمَا الْعَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

میگویند: « چرا از پروردگارش بسوی او آیه ای نازل نشد؟ » پس بگو « واقعاً (علم) غیب نزد خدا است. پس انتظار بکشید، من (نیز) با شما از منتظرانم. »

﴿٢١﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا ۗ قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ

مَكْرًا ۗ إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ

و چون مردم را بعد از سختی که به آنها رسیده رحمتی بچشانیم، ناگاه در برابر آیات ما دسیسه میچینند. بگو: « خداوند در (بی اثر ساختن) دسیسه سریعتر است. » بیگمان آنچه را شما دسیسه میچینید فرستادگان ما (یعنی فرشتگان) مینویسند.

﴿٢٢﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ

وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ ۗ دَعَوُا

اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

او است که شما را در بر و بحر (توان) راه پیمایی میدهد، تا آنکه در کشتی قرار گیرید، و (کشتی) ایشان را بوسیله باد موافق ببرد، و به آن خوش شوند. (ناگاه) به ایشان بادی شدید (از جانب مخالف) بوزد، و به ایشان از هر طرف موجهای (طوفانی) بیاید، و بیندیشند که از هر طرف محاصره شده اند. (درین حال) خدا را با اخلاص میخوانند، بگونه ای که دین خویش را خالص از او گرفته اند، و میگویند: « اگر ما را ازین (حالت) نجات دهی، بیگمان از شکرگزاران میباشیم. »

﴿٢٣﴾ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَنْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمُ عَلَيَّ

أَنْفُسِكُمْ ۗ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

اما چون (خداوند) ایشانرا نجات داد، بیدرنگ در روی زمین به ناحق ستم میکنند. ای مردم، بیگمان ستم شما بر خود شما است. بهره ای از زندگی دنیا (را کمایی میکنید) و سپس بازگشت شما به سوی ماست. و در آنوقت شما را به آنچه میکردید آگاه میسازیم.

﴿٢٤﴾ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

بیگمان، مثال زندگانی دنیا مانند آبی است که آنرا از آسمان فرود آوردیم، سپس به (وسیله) آن رویدنی (های) زمین (از هر قسم بهم) مخلوط گردید، از آنچه مردم و چارپایان میخورند. تا اینکه زمین زیبایی خود را (بدین وسیله) فرا گرفت و زینت یافت، و مردم آن پنداشتند که بر آن دست یافته اند. (ناگهان) در شب یا روز فرمان ما به آن میرسد، و آنرا به فصل درو شده‌ای مبدل میسازیم که گویا دیروز وجودی نداشته. اینچنین ما آیات خویش را برای مردم متفکر (به) تفصیل (بیان) میکنیم.

﴿٢٥﴾ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و خداوند به سرای سلامتی میخواند، و هر کرا بخواند براه راست هدایت میکند.

﴿٢٦﴾ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۗ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

برای کسانی که نیکوکاری ورزیدند، (مزد) نیکی است و زیاده (از آن)، نه سیاهی روی شان را میپوشاند و نه (هم) ذلتی، هم ایشانند یاران بهشتی، در آنجا جاودانه بسر میبرند.

﴿٢٧﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۗ مَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن

عَاصِمٍ ۗ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ

اما کسانی که اعمال بدی کسب کرده اند، جزای بدی است، مثل آن. ذلت (روی) ایشانرا میپوشاند. ایشانرا از (عذاب) خداوند نگهدارنده ای نیست. گویی چهره شان به پاره از (سیاهی) شب تاریک پوشانده شده است. هم ایشان اند اهل دوزخ، ایشان در آنجا همیشه بسر میبرند.

﴿٢٨﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ ۗ فَزَيَّلْنَا

بَيْنَهُمْ ۗ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ

روزی که همه شانرا جمع کنیم، سپس به مشرکان بگوییم: « شما و شریکان شما بجای خود باشید. » پس ایشانرا از یکدیگر جدا کنیم. شریکان شان (به آنها) میگویند: « شما (هرگز) ما را پرستش نمیکردید. »

﴿٢٩﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغَافِلِينَ

« پس خداوند (خود) در میان ما و شما بحيث گواه کافی است، ما یقیناً از (این) پرستش شما بی خبر بودیم. »

﴿٣٠﴾ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ ۗ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ ۗ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

آنجاست که هر کسی به آنچه از پیش فرستاده مبتلا میشود. و به سوی خدا، مالک حقیقی خویش، برگردانیده میشوند، و چیزی را که افترا کرده بودند از ایشان گم میشود.

﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ ۗ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

بگو « کیست که شما را از آسمان و زمین روزی میدهد؟ آیا کیست که مالک شنوایی و بینایی (شما) است؟ آیا کیست که زنده را از مرده بیرون میآرد و مرده را زنده بیرون میآرد؟ و کیست که کار(ها) را تدبیر میکند؟ » پس ایشان بزودی خواهند گفت: « خداوند (است که اینکارها را میکند). » بگو « پس چرا نمیترسید؟ »

﴿٣٢﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ ۗ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۗ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

چنین است خداوند، پروردگار (بر)حق شما. پس آیا بعد از حق جز گمراهی وجود دارد؟ پس چطور (از حق) برگردانده میشوید؟!

﴿٣٣﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

اینچنین حکم پروردگارت بر کسانی که فسق کردند متحقق گردید، به اینکه ایشان هرگز ایمان نمی آرند.

﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۗ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۗ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ

بگو « آیا از (شریکان) شما کسی هست که آفرینش را آغاز نماید و سپس آنرا اعاده کند؟ » بگو « (این تنها) خداوند (است که) آفرینش را آغاز و سپس اعاده میکند. پس چگونه (از راستی) برگردانیده میشوید؟ »

﴿٣٥﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ ۗ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ ۗ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ ۗ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

بگو « آیا از (شریکان) شما کسی هست که بسوی حق هدایت کند؟ » بگو « این خداوند است که بسوی حق هدایت میکند. پس آیا کسی که بسوی حق هدایت میکند سزاوارتر است که پیروی شود یا کسی که (خودش) راه نمی یابد مگر اینکه هدایت شود؟ پس شما را چه شده است (و) چگونه قضاوت میکنید؟ »

﴿٣٦﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا ۗ إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

اکثر شان جز گمان چیز دیگری را پیروی نمیکنند. واقعاً گمان انسانرا از حق هرگز بی نیاز ساخته نمیتواند. بیگمان خداوند به آنچه ایشان میکنند خوب آگاه است.

﴿۳۷﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ

الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

جای ندارد که این قرآن به غیر خدا نسبت داده شود، ولی تصدیقی است (برای) آنچه پیش از آن (نازل شده) است. و تفصیل کتاب است، (کتابیکه) در آن شبهه ای نیست، (کتابی) از جانب پروردگار جهانیان.

﴿۳۸﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَدْعَيْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آیا میگویند « آنرا (محمد) افتری کرده است؟! بگو: « سوره‌ای همانند آن بیاورید، و جز خدا هر کرا میتوانید (بکمک) فرا خوانید، اگر صادق هستید. »

﴿۳۹﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ ۗ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ فَانظُرْ

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

بلکه چیزی را تکذیب کردند که به آن از نظر دانش احاطه‌ای ندارند و هنوز معنای (واقعی) آن برای شان متحقق نشده است. اینچنین کسانی که پیش از آنها بودند (نیز) دروغ بر بستند. پس ببین که آخر کار ستمکاران چگونه بود!

﴿۴۰﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ۗ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ

از آنها کسانی اند که به این کتاب ایمان می‌آورند و کسانی اند که به آن ایمان نمی‌آورند. و پروردگار تو به (حال) مفسدان آگاه تر است.

﴿۴۱﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۗ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ

اگر ترا تکذیب کردند، به ایشان بگو: « عمل من برای من است و عمل شما برای شما. از آنچه من میکنم شما بیزارید و از آنچه شما میکنید من بیزارم. »

﴿۴۲﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۗ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ

از ایشان کسانی اند که (وانمود می‌سازند) بتو گوش فرا میدهند. آیا تو (مردم) کر را شنونده میتوانی اگر چه ندانند؟

﴿۴۳﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ ۗ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

و از ایشان کسانی اند که (وانمود می‌سازند) بسوی تو مینگردند. آیا تو (مردم) کور را راه راست نشان داده میتوانی اگر چه نبینند؟

﴿۴۴﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

بیگمان خداوند بر مردم هیچ ستمی نمیکند، ولی این مردم هستند که بر خود ستم میکنند.

﴿٤٥﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۗ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا
بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

و روزیکه ایشانرا حشر کند (چنین فکر میکنند که) گویا جز ساعتی از (یک) روز (در دنیا) درنگ نکرده اند،
یکدیگر را میشناسند. واقعاً کسانیکه دیدار خدا را تکذیب کردند زینکار شدند، و ایشان رهیاب نبودند.

﴿٤٦﴾ وَإِنَّمَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّيكَ فَالْيَنَّا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

خواه بعضی از چیزهایی را که به ایشان وعده کرده ایم (در این دنیا) بتو نشان بدهیم، یا اینکه ترا (پیش از آن)
بمیرانیم، در هر صورت بازگشت شان بسوی ما است. سپس خداوند بر آنچه میکنند گواه است.

﴿٤٧﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۗ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

برای هر قومی پیامبری است. چون پیامبران آمد، میان شان به انصاف فیصله میشود و بر ایشان ستم نمیشود.

﴿٤٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

میگویند: « این وعده چه وقت بسر میرسد اگر شما راستگویید؟ »

﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۗ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا

يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۗ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

بگو: « من به خویشتن زیان و فایده‌ای رسانده نمیتوانم، مگر آنچه خدا بخواهد. برای هر امتی میعاد است،
چون میعاد شان بسر رسید، نه (آنها) ساعتی تأخیر کرده میتوانند و نه هم تقدیم. »

﴿٥٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن آتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

بگو: « ببینید، اگر عذاب او در شب یا روز بشما بیاید، گنهکاران به چه چیز آن شتاب میورزند؟! »

﴿٥١﴾ أَنتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ ۗ آلآنَ وَقَدْ كُنتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

آیا باز هنگامیکه (عذاب) آمد به آن ایمان می آورید؟ اکنون (دیر شده است!) در حالی که پیشتر به (آمدن) آن
شتاب داشتید.

﴿٥٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ

سپس به ستمگاران گفته میشود « عذاب همیشگی را بچشید! آیا جز به آنچه کسب کرده اید جزاء داده
میشوید؟ »

﴿٥٣﴾ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ ۗ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ ۗ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

از تو میپرسند « آیا این (روز جزا) حق است؟ » بگو: « آری، و سوگند به پروردگارم که واقعاً آن حق است، و شما
از آن جلوگیری کرده نمیتوانید. »

﴿٥٤﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا

الْعَذَابَ ۗ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۗ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

اگر هر ستمگاری دارایی (روی) زمین را در اختیار خود داشته باشد بیگمان آنرا فدیهِه میدهد. وقتی که عذاب را ببینند، پشیمانی خود را میپوشند. و در میان شان بانصاف حکم میشود، و برایشان ستم نمیشود.

﴿٥٥﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آگاه باشید، بیگمان آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. آگاه باشید بیگمان وعده خداوند حق است، مگر اکثر شان نمیدانند.

﴿٥٦﴾ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

اوست که زنده میگرداند و میمیراند. و بسوی او باز گردانده میشود.

﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ

ای مردم، بیگمان برای شما از جانب پروردگار شما پندی آمده است، و شفایی برای آنچه در سینه هاست، و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.

﴿٥٨﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

بگو « به فضل خداوند و به رحمت او، به این چیز(ها) باید شادمان شوند. « این از هر آنچه می اندوزند بهتر است.

﴿٥٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ ۗ أَمْ عَلَى

اللَّهِ تَفْتَرُونَ

بگو « آیا دیدید آنچه را که خداوند برای شما از روزی فرو فرستاده است؟ شما (بعضی) از آنها را حرام و (بعضی) را حلال گردانیدید. « بگو: « آیا خداوند بشما اجازه داده است یا بر خدا افتراء میکنید؟ «

﴿٦٠﴾ وَمَا ظُنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ

أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

کسانیکه بر خدا دروغ می بندند، آیا به (مجازات) روز قیامت چه فکر میکنند؟ بیگمان خداوند به مردم صاحب فضل است، ولی اکثر شان ناسپاس اند.

﴿٦١﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۗ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و به هیچ کاری (یا فکری مشغول) نمی باشی و هیچ (آیه‌ای) از قرآن را تلاوت نمیکنی و (شما) هیچ کاری را نمیکنید مگر آنکه چون به آن داخل میشوید بر شما گواه هستیم. و از پروردگار تو به اندازه ذره‌ای، نه از آن کوچکتر و نه (هم) از آن بزرگتر، نه در زمین و نه (هم) در آسمان، پوشیده است. مگر اینکه (همه اینها) در کتاب روشن (ثبت) است.

﴿٦٢﴾ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آگاه باشید! بیگمان بر دوستان خدا ترسی نیست، و نه (هم) ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٦٣﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

آنانیکه ایمان آوردند و تقوی داشتند.

﴿٦٤﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۗ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

برای ایشان (هم) در دنیا و (هم) در آخرت مزدگانیست. در سخنان خدا تغییری نیست. این است همانا رستگاری بزرگ.

﴿٦٥﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ ۗ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۗ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

سخن شان تر اندوهگین نسازد. حقا که عزت کاملاً از آن خدا است. اوست شنوا (و) دانا.

﴿٦٦﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ ۗ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

آگاه باشید، بیگمان هر آنچه در آسمانها و هر آنچه در زمین است از آن خدا است، و کسانی که جز خدا (چیزهای) دیگر را بحیث شریک نیایش مینمایند جز گمان چیزی را پیروی نمیکنند، و نیستند ایشان مگر اینکه دروغ میگویند.

﴿٦٧﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

اوست که برای شما شب را آفرید تا در آن آرام گیرید، و روز را روشنی بخش گردانید. حقا که درین (پدیده ها) نشانه هایی است برای مردمیکه میشوند.

﴿٦٨﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۗ سُبْحَانَهُ ۗ هُوَ الْغَنِيُّ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ إِنَّ

عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا ۗ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفتند « خداوند فرزندی گرفته است. » پاک است او، هم او است بی نیاز. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن او است. شما بر این (ادعای خود) حجتی ندارید. آیا در باره خدا چیزی میگویید که نمیدانید؟

﴿٦٩﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

بگو: « بدون شک آنانیکه دروغی را بر خدا برمی بندند (هرگز) رستگار نمیشوند. »

﴿٧٠﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

(آنها از) متاع دنیوی (استفاده محدودی میکنند). سپس بازگشت شان بسوی ماست. و در آن فرصت به ایشان عذاب شدید را میچشانیم، به سبب آنکه کافر بودند.

﴿٧١﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ

فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا

تَنْظُرُونَ

بر ایشان داستان نوح را بخوان، چون بقوم خود گفت: « ای قوم من، اگر بر شما موقف من و اینکه من بشما آیات خدا را یاد آوری میکنم گران تمام میشود، پس من به خدا توکل کردم. شما (در زمینه) موافقت خود و شریکان خود را فراهم آرید، تا امر شما بر شما پوشیده نماند. و سپس حکم خود را در باره من صادر کنید (یعنی به زندگی من خاتمه دهید)، و مرا (هیچ) مهلت ندهید. »

﴿٧٢﴾ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنَّ أَجْرٍ ۗ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۗ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ

الْمُسْلِمِينَ

اگر (از دعوت) روی برگردانید، من از شما مزدی نخواسته ام. نیست مزد من مگر بر خدا، و مأمور شده ام که از مسلمانان باشم.

﴿٧٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۗ فَانظُرْ

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

مگر او را تکذیب کردند، ولی ما او و کسانی را که با وی بودند در کشتی نجات دادیم، ایشانرا جانشینان (روی زمین) گردانیدیم. و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق نمودیم. پس بنگر که عاقبت کار بیم داده شدگان چگونه بوده است.

﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ ۚ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

سپس، بعد از وی (بسا) پیامبران را برای مردم شان فرستادیم. ایشان به مردم خود نشانه های روشنی آوردند، ولی ایشان به چیزیکه آنرا از پیش تکذیب کرده بودند ایمان نیاوردند. بدینترتیب بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم.

﴿٧٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

سپس موسی و هارون را بعد از ایشان بسوی فرعون و کلان شوندگان (قوم) او با نشانه های خویش فرستادیم، ولی ایشان تکبر ورزیدند و مردمی گنهکار بودند.

﴿٧٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

چون به ایشان از جانب ما (معجزه بر) حق آمد، گفتند « این واقعاً جادویی است آشکار. »

﴿٧٧﴾ قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۗ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

موسی گفت: « آیا درباره (معجزه بر) حقیکه بشما آمده است (چنین) میگویید؟ آیا این سحر است؟ در حالیکه جادوگران (هرگز) رستگار نمیشوند. »

﴿٧٨﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ

گفتند: « آیا تو برای آن به (سوی) ما آمده ای تا ما را از آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم بگردانی و بزرگی در روی زمین از آن شما (یعنی تو و برادرت) گردد؟ مگر ما بشما ایمان آورده نیستیم. »

﴿٧٩﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

فرعون گفت: « همه ساحران دانایی را بمن بیاورید. »

﴿٨٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ

چون ساحران آمدند، موسی به ایشان گفت: « آنچه را (از وسایل سحر) افکننده اید بیفکنید. »

﴿٨١﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ

الْمُفْسِدِينَ

پس چون (ساحران وسایل سحر خویش را) افکندند، موسی گفت: « آنچه را شما آورده اید سحر است، و بیگمان خداوند بزودی آنرا باطل میگرداند. حقا که خداوند کار مفسدان را به صلاح نمی آورد. »

﴿٨٢﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

خداوند حق را به کلمات خویش (به همانگونه‌ای که وعده کرده است) تحقق میبخشد، هرچند برای مجرمان ناخوش آیند باشد.

﴿۸۳﴾ فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ ۗ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ

ولی به موسی ایمان نیلورد مگر فرزندان‌ای از قوم وی، (آن‌هم) با ترس از فرعون و کلان شوندگان شان، تا مبادا ایشان را تعذیب کنند. بدون شک فرعون در زمین سرکش بود و واقعاً او از اسراف کاران بود.

﴿۸۴﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ
موسی گفت: « ای قوم من، اگر شما (واقعاً) به خدا ایمان دارید، پس بر وی توکل کنید، اگر تسلیم (فرمان او) هستید. »

﴿۸۵﴾ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

(در جواب) گفتند: « بر خدا توکل نمودیم. پروردگارا، ما را (وسیله) آزمایش مردم ستمگار مگردان. »

﴿۸۶﴾ وَنَجَّنا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و ما را برحمت خود از گروه کافران نجات ده.

﴿۸۷﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

و به موسی و برادر او وحی فرستادیم: « برای قوم خود در مصر خانه‌هایی تهیه کنید، و خانه‌های خود را قبله بگردانید، نماز را بتمام و کمال اداء کنید، و مؤمنان را بشارت ده. »

﴿۸۸﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَآمَوالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ ۗ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

موسی گفت: « پروردگارا، تو واقعاً فرعون و کلان شوندگان (قوم) او را در زندگی دنیا زینت و ثروت دادی، پروردگارا، تا (مردم را) از راه تو گمراه سازند. پروردگارا، ثروت ایشانرا نابود ساز و دل‌های شانرا سخت گردان که ایمان نیاورند، تا عذاب دردناک را ببینند. »

﴿۸۹﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَنَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

(خداوند) گفت: « حقا که دعای شما (دو برادر) قبول شد. پس استقامت ورزید و راه مردم نادان را پیروی نکنید. »

«

﴿٩٠﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ
آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

بنی اسرائیل را از بحر گذرانیدیم. سپس فرعون و لشکریانش - به (قصد) ظلم و تعدی - ایشان را تعقیب کردند، تا چون غرقاب او را فرا گرفت، گفت: «ایمان آوردم به اینکه جز ذاتیکه به او بنی اسرائیل ایمان آورده اند معبودی نیست، و من از مسلمانانم.»

﴿٩١﴾ الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

(به او گفته شد: «حالا (ایمان می آوری)؟ در حالیکه پیش ازین عصیان کردی و از مفسدان بودی!»)

﴿٩٢﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ

امروز ترا به بدنت نجات میدهیم، تا برای آیندگان خویش نشانه ای باشی. و بدون شک بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند.

﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبِوَأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ

الْعِلْمُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

بیگمان بنی اسرائیل را بجایی شایسته ای جاگزین ساختیم و برای شان از چیزهای پاکیزه روزی دادیم، ولی اختلاف نکردند تا هنگامیکه به ایشان علم و دانش آمد. حقا که پروردگار تو در میان ایشان، در آنچه در مورد آن اختلاف ورزیدند، در روز قیامت قضاوت میکند.

﴿٩٤﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ۗ لَقَدْ جَاءَكَ

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

اگر تو در مورد آنچه نازل کردیم در شک هستی، از کسانی که کتاب (های آسمانی) را (که) پیش از تو (نازل شده) میخوانند بپرس، بیگمان حق بتو از (جانب) پروردگار تو آمده است، لذا از شک آرندگان مباش.

﴿٩٥﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و نه (هم) از کسانی باش که آیات خدا را تکذیب کردند، تا از (زمره) زیانکاران نشوی.

﴿٩٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

بدون شک، کسانی که بر ایشان حکم پروردگار تو تحقق یافته است ایمان نمی آرند.

﴿٩٧﴾ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

هر چند به ایشان تمام آیات (هم) بیاید، تا آنکه عذاب دردناک را ببینند.

﴿٩٨﴾ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيبَةً أَمَنْتُ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

پس چرا (اهل) هیچ شهری (به موقع مناسب) ایمان نیاوردند که ایمان شان به نفع شان تمام شود؟! مگر قوم یونس، چون ایمان آوردند عذاب رسواکننده ای را از ایشان در زندگی دنیا دفع کردیم، و تا مدت (اجل شان) ایشانرا بهره‌مند ساختیم.

﴿٩٩﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا ۖ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

و اگر پروردگار تو میخواست، همه کسانیکه در روی زمین اند ایمان می آوردند. آیا تو مردم را مجبور میسازی تا مسلمان شوند؟

﴿١٠٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

هیچکس نمیتواند جز به اراده خدا ایمان آرد. و خداوند شک را بر کسانی مقرر میگرداند که نمی فهمند.

﴿١٠١﴾ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

بگو « بنگرید چه چیز است در آسمانها و زمین؟ اما این نشانه ها و این بیم دهندگان (هیچکدام) برای نامسلمانان سودی بار نمی آورد. »

﴿١٠٢﴾ فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

پس آیا به چیزی غیر از مثال روزهای پیشینیان خویش انتظار میکشند؟ بگو: « انتظار بکشید! من نیز از منتظرانم. »

﴿١٠٣﴾ ثُمَّ نُجِجِي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا ۖ كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِجِ الْمُؤْمِنِينَ

سپس ما پیامبران و مؤمنان را نجات میدهیم. این چنین بر ما است که مؤمنان را نجات دهیم.

﴿١٠٤﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ

أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بگو: « ای مردم، اگر شما در مورد دین من در شک هستید، من آنانی را که شما بجز خدا می پرستید نمی پرستم، ولیکن من خدایی را میپرستم که شما را می میراند. و مأمور شده ام که از مؤمنان باشم. »

﴿١٠٥﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

و (به من گفته شده) که به سوی دین خالص رو آور، و هرگز از مشرکان مباش.

﴿١٠٦﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ

و بجز خدا، چیزی را که نه بتو سودی میرساند و نه (هم) زیانی، مخوان! پس اگر چنین کنی، واقعاً از ستمگرانی.

﴿١٠٧﴾ وَإِنْ يَمَسِّنْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۗ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۗ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

اگر خدا بتو زبانی برساند، جز او کسی دفع کننده آن نیست. اگر او در حق تو خیری را اراده کند، هیچ کسی باز دارنده فضل او نیست. بهر کسی از بندگان خود که بخواهد از آن (فضل) میرساند، و او آمرزنده (و) مهربان است.

﴿١٠٨﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

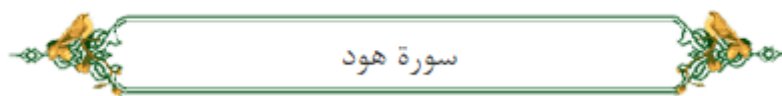
بگو: «ای مردم، بیگمان بشما حق از جانب پروردگار شما آمد. پس هر که رهیاب شد، حقا که به (سود) خویشان رهیاب میشود. و هر که گمراه شد، پس حقا که به (زیان) خویشان گمراه میشود، و من کارساز شما نیستم.»

﴿١٠٩﴾ وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

و آنچه را بتو وحی میشود پیروی کن، و صبر کن تا خدا حکم (خویش را صادر) کند، و او بهترین فیصله کنندگان است.

(۱۱) سوره هود:

این سوره مکی و دارای (۱۲۳) آیه میباشد و هود (نام یکی از پیامبران) است، به سبب آنکه مشتمل داستان هود است به این نام یاد شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ الرَّ ۗ كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ

الر. (این) کتابی است که آیات آن استحکام داده شده است (یعنی معانی آن ثابت است) و سپس تشریح گردیده است، (کتابی که) از نزد (خداوند) باحکمت (و) آگاه (نازل شده است).

﴿٢﴾ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ إِنَّنِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ

(میگوید): « جز خدا (چیزی دیگری) را عبادت نکنید. بدون شک من از جانب او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام. »

﴿۳﴾ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

و اینکه: « از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به او رجوع کنید (یعنی توبه نمایید)، تا شما را به وجه شایسته‌ای تا موعدی معین بهره‌مند گرداند. و به هر صاحب فضلی (جزای) فضیلتش را بدهد. و اگر رو برگردانید، پس بیگمان بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم. »

﴿۴﴾ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بسوی خدا بازگشت شماست، و او بر هر چیز تواناست.

﴿۵﴾ أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۗ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

آگاه باشید، بی شک سینه‌های خویش را دولا میکنند. تا (راز خود را) از او پنهان نگهدارند. آگاه باشید، (حتی) در وقتیکه لباسهای خویش را میپوشند (خداوند) آنچه را پنهان میکنند و آنچه را آشکار مینمایند میداند. حقا که او به گنه دلها آگاه است.

جزء یا سپاره دوازدهم - ومامن

﴿۶﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۗ كُلُّ فِي كِتَابٍ

مُبِينٍ

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر (اینکه) روزی آن بر خداست، و خداوند رهایشگاه همیشگی و رهایشگاه موقت آنرا میداند. همه اینها در کتاب روشن (درج) است.

﴿٧﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِن قُلْتِ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک شما در عمل نیکوتر هستید. و چون (به ایشان) بگویی « یقیناً بعد از مرگ برانگیخته میشوید، » کافران میگویند: « این (سخن) جز سحری (یعنی دروغی) آشکار چیز دیگری نیست. »

﴿٨﴾ وَلَئِن أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولَنَّ مَا يَحْبِسُهُ ۗ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و اگر عذاب را از ایشان تا مدت محدود به تعویق اندازیم، بیگمان میگویند: « چی چیز این (عذاب) را باز میدارد؟ » آگاه باشید، روزیکه (عذاب) به ایشان برسد، هرگز از آنها باز داشته نمیشود. و آنچه را مسخره میکردند ایشانرا فرا میگیرد.

﴿٩﴾ وَلَئِن أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ

و اگر به انسان از نزد خود رحمتی بچشانیم و سپس (آنها) از وی باز گیریم، بیگمان مایوس و ناسپاس است.

﴿١٠﴾ وَلَئِن أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۗ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

و اگر ما به او بعد از سختی و مشکلاتیکه دیده نعمت ها عنایت کنیم، بیگمان میگوید: « (همه) مصیبتها از من دور شد. » واقعاً او شادمان (و) خودستا میباشد.

﴿١١﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

جز کسانیکه شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته کردند، هم اینها نیستند که برای شان آمرزش و مزدی بزرگ (ارزانی شده) است.

﴿١٢﴾ فَالْعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ

مَعَهُ مَلَكٌ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

شاید (بخاطرت بیاید که) بعضی از آنچه را بتو وحی شده ترک نمایی، و سینه ات تنگ شود، ازینکه میگویند « چرا بر او گنجی فرود آورده نشده یا با او فرشته ای نیامده است؟ » (بخاطر داشته باشی که) تو صرف بیم دهندهای می باشی و خداوند به هر چیز نگهبان است.

﴿١٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ

كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آیا میگویند «قرآن را افتری کرده است»؟ بگو: «پس ده سوره افتری شده مانند این (سوره ها) بیاورید، و هر کسی را که میتوانید جز خدا (برای کمک خود) بخوانید، اگر صادق هستید.»

﴿١٤﴾ فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ

اگر (درخواست) شما را اجابت نکردند، پس بدانید آنچه نازل شده به علم خدا (نازل شده) است، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما مسلمان شدنی هستید؟

﴿١٥﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسُونَ

کسانیکه خواهان زندگی دنیا و زینت آن باشند، (جزای) اعمال شانرا کاملاً درین (دنیا) به ایشان میدهیم، و ایشان در آن زیانمند ساخته نمیشوند.

﴿١٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

همینهایند که برای شان در آخرت جز آتش نیست، و آنچه را در دنیا انجام دادند حبطه شد، و آنچه کردند باطل است.

﴿١٧﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ أُولَئِكَ

يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِّنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ ۗ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۗ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن

رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

آیا کسیکه بر راهی واضح از جانب پروردگارش قرار دارد، و از پی آن گواهی از جانب خداوند به وی می آید،

(طوریکه) پیش از آن کتاب موسی (بحیث) پیشوا و رحمتی (آمده) بود، (مانند کسی است که از حق انکار میکند؟). همینهایند که به قرآن ایمان می آورند. و کسی از گروه ها که به آن کافر شد آتش وعده گاه او است. پس در مورد (نزول) آن در شبهه مباش. بیگمان این (کتاب) حق است از جانب پروردگار تو، اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

﴿١٨﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۗ أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ

الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

و کیست ستمگارت از کسیکه بر خدا دروغی را افتری کرد؟! ایشان (در روز قیامت) به پروردگار خویش پیش کرده میشوند، و گواهان میگویند: «اینهایند کسانیکه به پروردگار خویش دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمگاران است.»

﴿١٩﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آنانیکه (مردم را) از راه خدا باز میدارند، و در آن وارونگی میجویند (یعنی آنرا نادرست جلوه میدهند)، و ایشان به آخرت کافرنند.

﴿٢٠﴾ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ۚ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ۚ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ

اینها (خدا را) در زمین عاجز ساخته نمیتوانند (یعنی از مجازات اعمال خویش فرار کرده نمیتوانند). و برای شان جز خدا کارساز (و پشتیبانی) نیست. عذاب برای شان دوچند میشود. ایشان توانایی شنیدن (حق) را نداشتند و (آنها) دیده نمی توانستند.

﴿٢١﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

ایشانند که خود را زیانمند ساختند. و آنچه را ایشان افتری کردند از ایشان گم شد (یعنی آنها را در خلا گذاشت).

﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ

لاجرم اینها در آخرت (از همه) زیانکارتر اند.

﴿٢٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بیگمان، آنانیکه ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و به پروردگارشان فروتنی کردند، هم ایشان اند اهل بهشت، جاویدانه در آنجا میباشند.

﴿٢٤﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۗ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

مثال (این) دو فریق (درست) همانند کور و کر (در برابر) بینا و شنوا است. آیا اینها در مقایسه (با یکدیگر) مساوی اند؟ آیا پند نمیگیرند؟!

﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

بیگمان ما نوح را به قوم او فرستادیم که (به آنها گفت): « من برای شما بیم دهنده آشکارم. »

﴿٢٦﴾ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَوْمِ

بر اینکه جز خدا (چیزی دیگر) را نپرستید. بیگمان من بر شما از عذاب روز دردناک میترسم.

﴿٢٧﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ

أَرَادْنَا بِآدِي الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

کلان شوندگان قوم او، کافران، گفتند: « ما ترا جز بشری مثل خویش نمی بینیم. کسانی را که از تو پیروی کرده اند، در ظاهر رأی جز گروهی از اراذل نمی یابیم. و برای شما بر خود فضیلتی نمی بینیم. بلکه شما را دروغگو فکر میکنیم. »

﴿٢٨﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّن عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنذَرْتُمْ كُفُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ

(نوح) گفت: « ای قوم من، ببینید! اگر من از جانب پروردگار خود حجتی داشته باشم و برای من رحمتی از نزد خودش داده باشد که آن (رحمت) بر شما پوشیده باشد، آیا شما را به (قبول) آن وادار کنیم در حالیکه از آن بیزارید؟ »

﴿٢٩﴾ وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۖ إِنِ اجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۖ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا ۖ إِنَّهُمْ مُّلاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

وای قوم من، در برابر آن (دعوت) از شما مالی نمیخواهم، نیست مزد من مگر بر خدا. و من کسانی را که ایمان آورده اند از پیش خود نمیرانم. بیگمان ایشان پروردگار خویش را ملاقات میکنند، و لیکن من شما را قومی جاهل میبینم.

﴿٣٠﴾ وَيَا قَوْمِ مَن يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدْتُهُمْ ۖ أَلَا تَذَكَّرُونَ

ای قوم من، آیا چه کسی مرا در برابر (عقوبت) خدا کمک میکند اگر ایشانرا از خود برانم؟ آیا پند نمیگیرید؟!

﴿٣١﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ ۖ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

و بشما نمیگویم که خزاین خدا نزد منست، و نه هم غیب میدانم. نمیگویم که من فرشته ام. نمیگویم به کسانی که چشمان شما برایشان بحقارت مینگرد خداوند به ایشان هرگز خیری نمیدهد. خداوند به آنچه در دلهای ایشان میباشد داناتر است، (اگر من ایشان را از خود برانم) آنگاه بیگمان از ستمگاران خواهم بود.

﴿٣٢﴾ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

گفتند: « ای نوح، تو با ما مجادله کردی و با ما بسیار مجادله کردی، پس آنچه را بما وعده میکنی بر ما بیاور، اگر صادق هستی. »

﴿٣٣﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

(نوح) گفت: « بیگمان آنرا خداوند بر شما میآورد، اگر بخواهد. و شما (این عذاب را) مغلوب کننده نیستید. »

﴿٣٤﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِن أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ ۖ هُوَ رَبُّكُمْ

وإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

اگر خدا بخواهد شما را گمراه بسازد، اگر من بخواهم شما را نصیحت کنم (نیز) نصیحت من به شما سودی ندارد. اوست پروردگار شما، و بسوی او باز گردانیده میشوید.

﴿٣٥﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ

آیا میگویند « آنرا افتری کرده است »؟ بگو: « اگر من آنرا افتری کرده ام، پس گناه من بر منست. و من از گناهیکه کرده اید مبرايم. »

﴿٣٦﴾ وَأَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

به نوح وحی شد که « هرگز کسی از قوم تو ایمان نمی آورد مگر آنانیکه تا اکنون ایمان آورده اند، پس به سبب آنچه میکنند اندوهگین مباش. »

﴿٣٧﴾ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ

و کشتی را زیر نظر ما و مطابق به وحی ما بساز، و (بعد ازین) در مورد ستمگاران با من سخن مگو (یعنی شفاعت شان را مکن). بیگمان ایشان غرق شدنی هستند.

﴿٣٨﴾ وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ ۗ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ

مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

(نوح) کشتی را میساخت، و هرباریکه (گروهی) از کلان شوندگان قوم او بر آن میگذشتند او را تمسخر میکردند. (نوح) گفت: « شما (حالا) ما را تمسخر میکنید، بیگمان ما (هم) شما را تمسخر میکنیم، همانگونه ایکه (اکنون) شما ما را تمسخر میکنید. »

﴿٣٩﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُثْقِمٌ

بزودی خواهید دانست بر کدام کس عذاب رسوا کننده ای خواهد آمد، و عذاب چه کسی همیشگی خواهد بود.

﴿٤٠﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ

عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ ۗ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

(وضع به همین منوال دوام کرد) تا اینکه فرمان ما رسید و تنور جوشید. (به نوح) گفتیم: « از هر جنسی دو تن - نر و ماده - و نیز از خاندانت، جز کسیکه بر او حکم (عذاب) قبلاً صادر شده است، و (همین) مسلمانان را در کشتی حمل کن. » و (درین هنگام) با او ایمان نیاورده بودند مگر عده معدودی.

﴿٤١﴾ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا ۗ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

(نوح) گفت: « در کشتی سوار شوید، بنام خداست حرکت آن و لنگر انداختن آن، حقا که پروردگار من آمرزنده (و) مهربان است. »

﴿٤٢﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا

تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ

و کشتی ایشانرا در امواج کوه پیکر می بُرد. و نوح پسرش را که در گوشه ای بود صدا زد: « ای پسرکم با ما سوار شو و با کفار مباش. »

﴿٤٣﴾ قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ ۖ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۗ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

(پسر نوح) گفت: « بزودی به کوهی پناه میبرم (که) مرا از آب نگهدارد. » (نوح) گفت: « امروز از فرمان خدا نگهدارنده‌ای نیست، مگر کسیکه خدا او را ببخشد. » و میان ایشان موجی حایل شد. و او از جمله غرق شدگان بود.

﴿٤٤﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ ۗ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و (از جانب خدا) گفته شد: « ای زمین، آب خود را فرو بر! و ای آسمان، (باران خود را) باز دار! » آب فرو نشست، کار تمام شد، و (کشتی) بر (کوه) جودی قرار گرفت. و گفته شد: « دور باد مردم ستمگر (از مرحمت خداوند)! »

﴿٤٥﴾ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و نوح پروردگار خود را ندا کرد: « ای پروردگار من، بیگمان پسر من از اهل من است. و وعده تو حق است. و تو بهترین حکم‌کنندگان هستی. »

﴿٤٦﴾ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ۖ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ۗ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ

عِلْمٌ ۗ إِنِّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

(خداوند) گفت: « ای نوح، بدون شک او از اهل تو نیست. زیرا او (دارای) عمل ناشایسته است. پس چیزی که به آن علمی نداری از من میپرس. واقعاً که من ترا پند میدهم، تا مبادا از جاهلان باشی. »

﴿٤٧﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ ۗ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ

الْخَاسِرِينَ

(نوح) گفت: « پروردگار من، من بیگمان بتو پناه میبرم از آنکه از تو چیزی را می‌پرسم که به آن علمی ندارم. و اگر مرا نیامرزی و بر من رحمت نفرمایی، بیگمان از زیانکاران میباشم. »

﴿٤٨﴾ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ ۗ وَأُمَّمٌ سَنُنْتَعِبُهُمْ ثُمَّ

يَمْسُهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

(از جانب خدا) گفته شد: « ای نوح، با سلامتی و برکتهایی (که) از جانب ما (شامل حال) تو و گروه‌های همراه (تو شده است از کشتی) فرود آی. و امتهایی نیز که بزودی ایشانرا (برای یک دوره محدود) بهره‌مند میگردانیم، سپس از جانب ما به ایشان عذابی دردناک می‌رسد. »

﴿٤٩﴾ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْعَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ ۗ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا ۖ فَاصْبِرْ ۗ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

اینها از خبرهای غیب است، که آنرا بتو وحی میکنم. پیش ازین نه تو و نه (هم) قوم تو اینها را میدانستند. پس صبر (و استقامت) کن، بیگمان عاقبت (نیکو) از آن پرهیزکاران است.

﴿٥٠﴾ وَاللّٰی عَادِ اَٰحَٰهُمْ هُوْدًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ ۗ اِنۡ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُونَ

و به (قوم) عاد، برادرشان هود را (فرستادیم). او گفت: «ای قوم من، خدا را پرستش کنید، که برای شما جز او معبودی نیست. و (درینکه به خدا شریک می آورید) نیستید مگر افتری' کنندگان.»

﴿٥١﴾ يَا قَوْمِ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا ۗ اِنۡ اَجْرِي اِلَّا عَلٰی الَّذِي فَطَرَنِي ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

ای قوم من، در برابر این (دعوت) از شما مزدی نمی طلبم، مزد من نیست جز بر آنکه مرا آفریده است. آیا نمیفهمید!؟

﴿٥٢﴾ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلٰی قُوَّتِكُمْ وَلَا

تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِيْنَ

وای قوم من، از پروردگار خود آمرزش بخواهید. سپس به او رجوع کنید (یعنی توبه نمایید) تا بر شما از آسمان (باران را) پیوسته بفرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید. و گنهکارانه (از حق) روگردان مشوید.

﴿٥٣﴾ قَالُوْا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ

گفتند: «ای هود، بما حجتی نیاوردی، و ما معبودان خود را بگفته تو ترک گفتنی نیستیم، و نه (هم) به تو ایمان آورده ایم.»

﴿٥٤﴾ اِنۡ نَّقُوْلُ اِلَّا اَعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوْءٍ ۗ قَالَ اِنِّیْٓ اُشْهِدُ اللّٰهَ وَاَشْهَدُوْا اَنِّیْٓ اَبْرِیْءٌ مِّمَّا

تُشْرِكُوْنَ

« ما نمیگوییم مگر این را که شاید بعضی از معبودان ما به (عقل) تو زبانی رسانده اند.» گفت: « من خدا را گواه می آورم، و شما گواه باشید که من واقعاً از آنچه شما شرک می آورید بیزارم.»

﴿٥٥﴾ مِنْ دُوْنِهِ ۗ فَكَيِّدُوْنِيْ جَمِيْعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُوْنَ

به جز وی، پس همه شان در حق من دسیسه بچینید، سپس به من مهلت ندهید.

﴿٥٦﴾ اِنِّیْٓ اَتُوْكَلْتُ عَلٰی اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكُمْ ۗ مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ اَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا ۗ اِنَّ رَبِّيْٓ عَلٰی

صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

بیگمان من بر خدای - پروردگار خویش و پروردگار شما - توکل کردم. هیچ جاننداری نیست مگر آنکه خدا از موی پیشانی آن میگیرد (یعنی بر آن تسلط کامل دارد). بیگمان، پروردگار من بر راه راست است.

﴿٥٧﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ ۖ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

اگر روی برگردانید (یعنی نافرمانی کنید)، پس بیگمان پیامی را که با آن بسوی شما فرستاده شدم ابلاغ کردم، و پروردگار من قوم (دیگری) را جز شما جانشین میسازد. و شما به او هیچ ضرری رسانده نمیتوانید. حقا که پروردگار من به هر چیز نگهبان است.

﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَا هُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

و چون فرمان ما فرا رسید، هود و آنانی را که با او ایمان آوردند به مرحمتی از جانب خود نجات دادیم، و ایشان را از عذاب شدید رها کردیم.

﴿٥٩﴾ وَتِلْكَ عَادٌ ۖ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و این قوم عاد بود که آیات پروردگار شانرا تکذیب و پیامبران او را نافرمانی کردند، و فرمان هر سرکش ستیزه کاری را پیروی نمودند.

﴿٦٠﴾ وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۚ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ

و لعنت درین دنیا ایشانرا دنبال کرد (یعنی از ایشان نام ننگین ماند)، و در آخرت (نیز). بیگمان عاد به پروردگار خود کافر شدند. آگاه باشید، دور باد عاد - قوم هود - (از رحمت الهی)!

﴿٦١﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهِ غَيْرُهُ ۚ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

و به قوم ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم. او) گفت: « ای قوم من، خدا را پرستش کنید. برای شما جز او معبودی نیست. او شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن گماشت. لذا از او آمرزش بخواهید. سپس به او رجوع کنید، بیگمان پروردگار من نزدیک و اجابت کننده (دعا) است. »

﴿٦٢﴾ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا ۚ أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ

مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ

گفتند: « ای صالح، واقعاً تو قبلاً در میان ما مایه امید بودی. آیا تو ما را از پرستش آنچه پدران ما می پرستیدند منع میکنی؟ و ما بیگمان به آنچه تو ما را به آن میخوانی در شک و تردید هستیم. »

﴿٦٣﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ

عَصَيْتُهُ ۚ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

(صالح) گفت: « ای قوم من، به من بگویید اگر من از (جانب) پروردگار خود دلیل آشکاری داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی داده باشد، کی مرا در برابر خدا یاری می دهد در صورتیکه او را نافرمانی کنم؟ پس شما جز نقصان به من (چیزی) زیاده نمیکنید. »

﴿٦٤﴾ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

ای قوم من، این ناقه (از جانب) خدا برای شما نشانه‌ای است. پس آنرا بگذارید تا (آزادانه) در زمین خدا بچرد و به آن ضرری مرسانید. (در غیر آن) بزودی عذاب شما را گرفتار میکند.

﴿٦٥﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرٍ مَّكَذُوبٍ

ایشان آن (اشتر) را پی کردند. پس (صالح) گفت: « در خانه های خود سه روز (از زندگی) بهره‌مند باشید. این وعده ای است غیرقابل تکذیب. »

﴿٦٦﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ ۖ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

پس چون فرمان ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند بر مرحمتی از جانب خود نجات دادیم، و (ایشان را) از رسوایی آنروز (وارهانیدیم). حقا که پروردگار تو، هم اوست قوی و صاحب قدرت منیع.

﴿٦٧﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ

و ستمگاران را آوازی مهیب فرو گرفت. پس در خانه های خود (چون) مردگان به روی افتاده‌ای گردیدند.

﴿٦٨﴾ كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا ۖ آلَا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّتَمُودَ

که گویی هرگز در آن سرزمین زندگی نداشتند. آگاه باشید، واقعاً تمود به پروردگار خود کفر ورزیدند. هان، دورباد تمود (از رحمت خداوند)!

﴿٦٩﴾ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ ۗ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ

به تحقیق که فرستادگان (یعنی فرشتگان) ما به ابراهیم بشارتی آوردند. گفتند « سلام (بر تو). » گفت: « و بر شما نیز سلام. » پس طولی نکشید که (برای شان) گوساله بریانی آورد.

﴿٧٠﴾ فَلَمَّا رَأَى أَن يُدْيِهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْ قَوْمِ لُوطٍ

و چون دید دست آنها به طعام نمیرسد (یعنی از آن نمیخورند)، (رویه) ایشانر ناآشنا پنداشت، و از ایشان احساس ترس کرد. گفتند: « مترس، بیگمان ما بسوی قوم لوط فرستاده شده ایم. »

﴿٧١﴾ وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَلَبَسْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

زن ابراهیم (که در آنجا) ایستاده بود خندید. پس ما او را به (پیدایش) اسحاق، و از پی اسحاق، به (پیدایش) یعقوب بشارت دادیم.

﴿٧٢﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ يَا وَيْلَتَىٰ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا ۗ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ

آن زن گفت: « وای بر من، آیا در حالیکه من پیرزنی ام (باز هم) فرزندی خواهم آورد؟ و این شوهر من (مردی بس) کلان سال است. واقعاً این چیز عجیبی است. »

﴿٧٣﴾ قَالُوا أَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ۗ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ

(فرستادگان) گفتند: « آیا از قدرت خدا تعجب میکنی؟ رحمت خدا و برکات او شامل حال شما خانواده است. حقا که خداوند ستوده (و) بزرگ است. »

﴿٧٤﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ

چون از ابراهیم ترس دور شد، و این مژده به او رسید، با ما در باره قوم لوط مجادله میکرد.

﴿٧٥﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ

آری، ابراهیم برده بار، دلسوز (و) خداجو بود.

﴿٧٦﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ۗ إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ ۗ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ

(خداوند به او گفت): « ابراهیم، ازین (کار) صرف نظر کن. واقعیت این است که فرمان پروردگارت صادر شده، و بیگمان به ایشان عذابی که برگشت ندارد رسیدنی است. »

﴿٧٧﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ

هنگامیکه فرستادگان ما نزد لوط آمدند، ناراحت و دل تنگ گردید، (از ترس اینکه مبادا نتواند ایشانرا حفاظت کند). و گفت: « این روز سختی است. »

﴿٧٨﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۗ قَالَ يَا قَوْمِ هُوَآءِ بَنَاتِي هُنَّ

أَطْهَرُ لَكُمْ ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۗ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

و قوم او بسوی او یورش کنان آمدند، و ایشان قبلاً کارهای زشت میکردند، (لوط) گفت: « ای قوم من، این ها دختران من هستند، ایشان برای شما (اگر نکاح شان کنید) پاکیزه تر اند. بنابراین از خدا بترسید، و مرا در مورد مهمانان من رسوا مکنید. آیا در میان شما مرد رشیدی وجود ندارد؟

﴿٧٩﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ

ایشان گفتند: « واقعاً تو میدانی که به دختران تو حق (و میلی) نداریم، و تو خوب میدانی که ما چه میخواهیم. »

﴿٨٠﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ

گفت: « یکاش در برابر شما قدرتی میداشتم یا به تکیه گاهی مستحکم پناه برده میتوانستم. »

﴿۸۱﴾ قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ ۖ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ

أَحَدٌ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ ۗ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ ۗ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ۗ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

(فرستادگان) گفتند: « ای لوط، بیگمان ما فرستادگان پروردگار تو هستیم. ایشان هرگز به تو دست یافته نمیتوانند. پس در پاسی از شب خانواده خویشرا (ازین شهر) ببر، و هیچکس از شما به پشت سر خود نگاه نکند، مگر همسرت که به او (نیز) همان چیزی رسیدنی است که به ایشان میرسد. بیگمان موعد ایشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟! »

﴿۸۲﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ

چون فرمان ما فرا رسید، آن (خانه ها) را زیر و رو کردیم، و بر ایشان از سنگ گل (یعنی گل پخته) پی در پی بارانیدیم.

﴿۸۳﴾ مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ ۗ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ

(سنگهایی) که در نزد پروردگارت نشان کرده شده بود. و این از ستمگاران دور نیست.

﴿۸۴﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ وَلَا تَنقُصُوا

الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ ۗ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

و به سوی (قوم) مدین، برادر ایشان شعیب را (فرستادیم). او گفت: « ای قوم من، خدا را پرستش کنید. شما را جز او معبودی نیست. و پیمان و وزن را کم مکنید. بیگمان من شما را بخیر (یعنی در آسودگی) می بینم. بیگمان بشما عذاب روز فراگیر را خوف دارم. »

﴿۸۵﴾ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۗ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ

و ای قوم من، پیمان و وزن را به انصاف اداء کنید، به مردم هیچ چیز شانرا کم ندهید، و در زمین به فسادکاری دست نیازید.

﴿۸۶﴾ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ۗ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

آنچه خدا بشما (بعد از ایفای پیمان و وزن) باقی گذارد برای شما بهتر است، اگر مؤمن هستید. و من بر شما نگهبان نیستم.

﴿۸۷﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ۗ إِنَّكَ

لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

گفتند: « ای شعیب، آیا نماز تو ترا دستور میدهد که آنچه را پدران ما می پرستیدند ترک گوئیم؟ یا در اموال خود طوریکه بخواهیم تصرف نکنیم؟ بیگمان، تو (انسان) بردبار و راه یافته‌ای میباشی. »

﴿۸۸﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۖ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْخَالَفَكُم بِإِلَهِ مَا أَنهَأَكُم عَنْهُ ۖ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۖ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۗ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

گفت: « ای قوم من، به من بگوئید، اگر من از جانب پروردگار خود دلیل آشکاری داشته باشم و او مرا روزی خوبی از جانب خود داده باشد، (آیا باز هم از فرمان او تخلف ورزم)؟ من اراده ندارم که با شما مخالفت کنم (یعنی نمیخواهم مرتکب عملی شوم) در چیزی که شما را از آن منع مینمایم. من تا حدیکه بتوانم جز اصلاح نمی خواهم. و توفیق من جز به (مدد) خدا (میسر) نیست؛ بر وی توکل کردم و به او رجوع میکنم. »

﴿۸۹﴾ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُمْ بِبَعِيدٍ

ای قوم من، مبادا دشمنی (شما با) من شما را (نیز) به سرنوشت قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح دچار سازد، و قوم لوط از شما دور نیست.

﴿۹۰﴾ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ

و از پروردگار خود آمرزش بخواهید. سپس به سوی او (به توبه) رجوع کنید. حقا که پروردگار من مهربان (و) دوستدارنده است.

﴿۹۱﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا ۚ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزٌّ

گفتند: « ای شعیب، بسا از چیزهایی را که میگویی نمی فهمیم. و بیگمان ترا در میان خود ضعیف می بینیم. و اگر (بخاطر) قبیلۀ تو نمی بود، بیگمان ترا سنگسار میکردیم. و تو پیش ما عزتی نداری. »

﴿۹۲﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا ۚ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

(شعیب گفت:) « ای قوم من، آیا قبیلۀ من نزد شما از خدا عزیزتر است؟ در حالیکه (فرمان) خدا را پشت سر خویش انداخته اید. بیگمان به آنچه میکنید پروردگار من احاطه دارد.

﴿۹۳﴾ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۗ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۗ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ

و ای قوم من، هر چه میتوانید بکنید، من هم (آنچه میتوانم) انجام خواهم داد. بزودی خواهید دانست عذاب رسوا کننده به (سر وقت) که می آید و که دروغگوست. انتظار بکشید، بیگمان من نیز با شما منتظرم.

﴿٩٤﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ

فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ

و چون فرمان ما رسید، شعیب و کسانی که با او ایمان آوردند برحمتی از نزد خود نجات دادیم، و ستمگران را آواز مهیب فرا گرفت. پس در خانه های خود (مردگان) به روی افتاده ای گردیدند.

﴿٩٥﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ أَلَا بُعْدًا لِّلْمَدِينِ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ

گویی هرگز در آنجا زندگی نداشتند. آگاه باش، دور باد مدین (از رحمت خدا)! چنانکه (قوم) ثمود دور شدند.

﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

بیگمان ما موسی را با آیات خود و با حجتی آشکار فرستادیم.

﴿٩٧﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۗ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ

بسوی فرعون و کلان شوندگان (قوم) او. ولی آنها فرمان فرعون را پیروی کردند. در حالیکه فرمان فرعون مایه رهیایی نبود.

﴿٩٨﴾ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۗ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ

او در روز قیامت جلوروی قوم خود میشود، و ایشانرا (در آن گرمی سوزان، عوض آنکه به آبگاہ ببرد) وارد آتش میکند. و چه بد جایی است (دوزخ) که به آن وارد ساخته میشوند.

﴿٩٩﴾ وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ بِئْسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ

ایشان درین جهان و (هم) در روز قیامت با لعنت تعقیب میشوند. و چه بد عطیه ای است که (به ایشان) داده میشود.

﴿١٠٠﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ ۗ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

این از احوال شهرهاست که برای تو بازگو مینماییم، که بعضی (هنوز) برپایند و بعضی درو شده (یعنی از بین رفته).

﴿١٠١﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ۗ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۗ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

ما به آنها ستم نکردیم، بلکه خودشان بر خویشان ستم کردند. چون امر پروردگار تو رسید، آن معبودانی که جز خدا (به ایشان) نیایش میکردند از آنها دفاع نتوانستند، و به ایشان جز هلاکت نیفزودند.

﴿١٠٢﴾ وَكَذَلِكَ أَخَذُ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۗ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ

و چنین است گرفتار کردن پروردگار تو، چون (مردم) شهرها را گرفتار کند و ایشان ستمگار باشند. حقا که گرفتار کردن او دردناک (و) شدید است.

﴿۱۰۳﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۗ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ

مَشْهُودٌ

بیگمان درین (سخن) نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت (یعنی روز قیامت) بترسد. این روزی است که در آن (همه) مردم جمع میشوند، و روزی است که همه در آن حضور دارند.

﴿۱۰۴﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

ما آنرا به تأخیر نمی اندازیم، مگر تا زمانی مقرر شده.

﴿۱۰۵﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

روزیکه (قیامت) فرا رسد، هیچکس جز به اجازه او سخن نمی گوید. بعضی از ایشان بدبخت اند و بعضی (هم) سعادت‌مند.

﴿۱۰۶﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

پس کسانیکه بدبخت شدند در آتش میباشند. در آنجا برای شان فریاد شدید و ناله زار است.

﴿۱۰۷﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ

تا آسمانها و زمین پابرجاست، در آن (آتش) همیشه بسر میبرند، مگر آنچه پروردگار تو بخواهد. حقا که پروردگار تو هر چیزی را که بخواهد انجام دادنی است.

﴿۱۰۸﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ

رَبُّكَ ۗ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٍ

و اما آنانیکه سعادت‌مند شدند، در بهشت میباشند. و تا آسمانها و زمین پابرجاست، در آنجا جاودانه بسر میبرند، مگر آنچه پروردگار بخواهد، بخشش بلا انقطاع.

﴿۱۰۹﴾ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَٰؤُلَاءِ ۗ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ ۗ وَإِنَّا

لَمَوْفُونَ لَهُمْ نَصِيْبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ

پس در مورد آنچه ایشان میپرستند، شبهه‌ای بخود راه مده. ایشان نمی پرستند مگر بگونه ایکه پیش ازین پدران شان پرستش میکردند. و بیگمان ما نصیب ایشانرا بدون کم و کاستی میدهیم.

﴿۱۱۰﴾ وَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقَضِيَ

بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

حقا که به موسی کتاب (یعنی تورات) را دادیم. پس در آن اختلاف بعمل آمد. و اگر قبلاً از جانب پروردگار تو حکمی صادر نمیشد، بیگمان در میان شان داوری صورت میگرفت. و واقعاً ایشان در مورد آن در شک آمیخته با بدگمانی اند.

﴿۱۱۱﴾ وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُؤْفِقِينَ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ ۗ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

بیگمان پروردگارت به همه مردم (جزای کامل) اعمال شان را می دهد. حقا که او به آنچه میکنند آگاه است.

﴿۱۱۲﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ۗ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

پس به همانگونه‌ایکه مأمور شدی ثابت قدم باش؛ (هم تو و هم) آنهایکه با تو (به خدا) رو آورده اند. و سرکشی مکنید، حقا که او به آنچه میکنید بیناست.

﴿۱۱۳﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

و به ستمگاران میل نورزید (یعنی ایشانرا تکیه‌گاه خود نسازید)، زیرا (با این کار) آتش شما را میگیرد، و برای شما جز خدا حامیانی نیست، و درین حال به شم کمک نمیشود.

﴿۱۱۴﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ ۗ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ۗ ذَلِكَ ذِكْرَىٰ

لِلذَّاكِرِينَ

و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب برپا دار. بیگمان حسنات سیئات را میزداید. این پندیست به مردم پند نیوش.

﴿۱۱۵﴾ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

و صبر کن، حقا که خداوند مزد نیکوکاران را ضایع نمیکند.

﴿۱۱۶﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ

أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

پس چرا در قرنهاى پیش از شما مردم خیرمندی نبودند که از (گسترش) فساد در (روی) زمین جلوگیری میکردند، مگر تعداد قلیلی از ایشان که آنها را نجات دادیم. و ستمگاران براهی رفتند که غرق تن پروری شدند و گنهکار بودند.

﴿۱۱۷﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ

و چنین نیست که پروردگارت آبادیها را به ستم نابود سازد، در حالیکه اهل آن در صدد اصلاح باشند.

﴿۱۱۸﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ

و اگر پروردگارت میخواست، مردم را امتی واحد میگردانید. ولی ایشان همواره در اختلافند.

﴿١١٩﴾ إِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ ۚ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جز کسانی که خداوند بر آنها رحم کند. و بهمین (مقصد) ایشانرا آفرید، و حکم پروردگارت قطعیت یافت که «
دوزخ را از مجموعه‌ای از جن و انس پر میکنیم.»

﴿١٢٠﴾ وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ ۗ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ
وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

هر چیزی را که ما بتوا از احوال پیامبران بیان میکنیم، با آن قلبت را قوت میبخشیم. و در این (داستانها) برای تو
(سخن) حق آمده است، و پندی و یادبودی برای مؤمنان.

﴿١٢١﴾ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ

و به آنهایی که ایمان نمی آرند بگو: « هر چه میتوانید بکنید، ما نیز (آنچه میتوانیم) انجام خواهیم داد.»

﴿١٢٢﴾ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

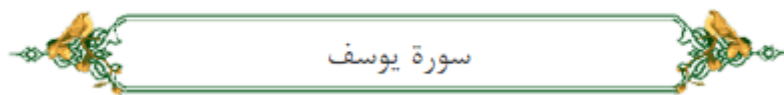
انتظار بکشید، ما (نیز) منتظریم.

﴿١٢٣﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۗ وَمَا رَبُّكَ
بِعَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

(اسرار) غیب آسمانها و زمین از آن خداست، و همه کارها به او ارجاع میشوند. پس او را پرستش کن و بر او
توکل نما. و از آنچه میکنید پروردگارت بیخبر نیست.

(۱۲) سوره یوسف:

این سوره مکی و دارای (۱۱۱) آیه بوده و یوسف (نام یکی از پیغمبران) میباشد، بخاطر ذکر داستان یوسف
به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ الرَّ ۗ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

الر. این آیات کتاب آشکار است.

﴿۲﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

حقا که ما آنرا قرآنی عربی نازل کردیم تا باشد که شما درک کنید.

﴿۳﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ

الْغَافِلِينَ

ما به تو بهترین قصه ها را قصه میکنیم که اینکه بتو این قرآن را وحی کردیم، هرچند پیش ازین از غافلان بودی.

﴿۴﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي

سَاجِدِينَ

به یاد آر هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: « ای پدرم، من یازده ستاره و خورشید و ماه را (به خواب) دیدم که بمن سجده میکنند. »

﴿۵﴾ قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۗ إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ

مُبِينٌ

(یعقوب) گفت: « ای پسرکم، رؤیای خود را به برادرانت قصه مکن، مبادا برای تو دسیسه‌ای بسازند. حقا که شیطان برای انسان دشمنی است آشکار. »

﴿۶﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ

كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و بدین ترتیب پروردگارت ترا برمیگزیند، و از تعبیر خوابها (و حوادث) به تو می آموزد، و نعمت خویشرا بر تو و بر آل یعقوب تمام میکند، مثلیکه آنرا پیش ازین بر پدران ابراهیم و اسحق تمام کرد. حقا که پروردگارت دانا (و) باحکمت است.

﴿۷﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلْمُتَسَاءِلِينَ

واقعاً در (داستان) یوسف و برادرانش نشانه هایی است برای جویندگان (حق).

﴿۸﴾ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنََّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

بیاد آر وقتی را که (برادران) گفتند: « براستی که یوسف و برادر (سکه) او نزد پدر ما از ما محبوب تر اند، در حالیکه ما نیرومندیم. بیگمان که پدر ما در خطای آشکار است. »

﴿۹﴾ اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ

یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی (نامعلوم) بیفکنید، تا توجه پدر شما (تنها) به شما بماند، و بعد از وی گروهی صالح باشید.

﴿۱۰﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوْهَ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ

فَاعِلِينَ

یکی از آنها گفت: « یوسف را مکشید. اگر کاری میخواهید بکنید، او را در قعر چاهی بیفکنید، تا (یکی) از رهگذران او را بگیرد. »

﴿۱۱﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ

گفتند: « ای پدر ما، ترا چه شده که بر یوسف ما را امین نمی دانی، در حالیکه ما واقعاً خیرخواه اوبیم؟ »

﴿۱۲﴾ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

او را با ما فردا بفرست تا دمی بیاساید و بازی کند، و بیگمان ما بر او نگهبانیم.

﴿۱۳﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذَّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ

(یعقوب) گفت: « واقعاً مرا اندوهگین میسازد که او را از پیش من ببرید. و هراس دارم مبادا در هنگامیکه متوجه او نباشید او را گرگ بخورد. »

﴿۱۴﴾ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذَّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ

گفتند: « اگر او را گرگ بخورد در حالیکه ما نیرومندیم، حقا که در آن صورت زیانکار خواهیم بود. »

﴿۱۵﴾ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ ۗ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

پس چون یوسف را بردند و اتفاق کردند تا او را در قعر چاهی بیفکنند، به وی وحی کردیم: « یقیناً (روزی) ایشان را به این کار شان آگاه میگردانی، در حالیکه آنها (ترا) شناسند. »

﴿۱۶﴾ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

و شبانگاه گریه کنان نزد پدر خود آمدند.

﴿۱۷﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذَّبُّ ۗ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا

وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ

گفتند: « ای پدر ما، حقیقت اینست که ما رفتیم (با هم) مسابقه میکردیم، و یوسف را نزد کالاهای خود گذاشتیم. پس گرگ او را خورد. ولی تو (سخن) ما را باور نمیکنی، اگرچه ما راستگو (هم) باشیم. »

﴿١٨﴾ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۚ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا ۚ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۗ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ

و پیراهن او را با خون دروغینی (که به آن آغشته بودند) آوردند. یعقوب گفت: « (نخیر،) بلکه (هوای) نفس شما برای شما این کار را آراسته است. پس کار من صبر جمیل است. و خدا بر آنچه میگویید مددگار است. »

﴿١٩﴾ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ ۚ قَالَ يَا بُشْرَىٰ هَذَا غُلَامٌ ۚ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و کاروانی آمد، آبدار خود را فرستادند، او دلو خود را انداخت، و گفت: « چه مزده‌ای! این نوجوانی است! » و او را بحيث سرمایه ای پنهان داشتند، و خداوند به آنچه میکردند دانا است.

﴿٢٠﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ

او را به بهایی ناچیز فروختند، درهمی چند. و در مورد (فروختن) او بی اعتناء بودند.

﴿٢١﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا ۗ وَكَذَلِكَ

مَكَانًا لِيُوسَفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۗ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و کسیکه او را از مصر خرید به همسر خود گفت: « مقام او را گرامی دار، شاید او بما مفید ثابت شود یا او را فرزند بگیریم. » و بدینگونه یوسف (علیه السلام) را در (آن) سرزمین جایگزین ساختیم. تا به او تعبیر خوابها (و حوادث) را بیاموزیم، و خداوند بر کار خود غالب است، و لیکن اکثر مردم نمیدانند.

﴿٢٢﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۗ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

و چون (یوسف) به حد بلوغ رسید، او را قدرت (داوری) و علم دادیم. و این چنین نیکوکاران را پاداش میدهیم.

﴿٢٣﴾ وَرَأَوْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۗ قَالَ مَعَاذَ

اللَّهِ ۗ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و زنی که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد. و درها را بست و گفت: « پیش آی، برای (کامجویی) تو (آماده) ام. » (یوسف) گفت: « پناه (می برم) به خدا. بیگمان شوهر تو صاحب (نعمت) من است. او مقام مرا (درین خانه) گرامی ساخت. حقا که ستمگاران رستگار نمیشوند. »

﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۗ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ ۗ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ

وَالْفَحْشَاءَ ۗ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ

و آن زن از یوسف کام خواست. او نیز اگر دلیل پروردگارش را نمیدید از آن زن کام میجست. اینچنین (کردیم) تا از او بدی و فحشاء را دور سازیم. بیگمان او از بندگان مخلص ماست.

﴿۲۵﴾ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ ۗ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

هر دو بسوی دروازه شتافتند، (او) پیراهن یوسف را از پشت درید، و شوهر آن زن را نزدیک دروازه یافتند. (زن) گفت: « جزای کسیکه به خانواده تو بدی بخواد چیست؟ جز آنکه زندانی شود یا عذاب دردناک (ببیند). »

﴿۲۶﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي ۗ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

(یوسف) گفت: « این او بود که مرا به کامجویی فراخواند. » و گواهی از کسان آن زن گواهی داد (بر اینکه): « اگر پیراهن او از پیش دریده شده است، پس زن راست میگوید، و یوسف از دروغگویان است. »

﴿۲۷﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ

ولی اگر پیراهن او از پشت دریده شده است، پس آن زن دروغ گفته است، و یوسف از راستگویان است.

﴿۲۸﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ ۗ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

و چون (عزیز) پیراهن او را دید که از پشت دریده شده است، گفت: « بیگمان این کار را از مکر و افسون شما (زنان) است. و بیگمان مکر و افسون شما بزرگ (و خطرناک) است. »

﴿۲۹﴾ يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا ۗ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ۗ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ

یوسف، ازین (ماجرا) در گذر! و تو (هم ای زن) برای گناهت آمرزش بخواه، تو واقعاً از خطاکاران بوده یی.

﴿۳۰﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ ۗ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۗ إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

گروهی از زنان در شهر گفتند: « زن عزیز از غلامش کام میجوید. براستی (عشق این جوان) به اعماق دل او راه یافته است. بیگمان ما او را در گمراهی آشکار میبینیم. »

﴿۳۱﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ۗ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

چون (زن عزیز) از مکرشان آگاه شد، ایشانرا دعوت کرد و برای شان تکیه گاهایی آماده ساخت (یعنی مهمانی مجللی برپا نمود). و (برای بریدن میوه) به (دست) هر یک شان کاردی داد. و (به یوسف) گفت: « بر ایشان بیرون

آی! « پس چون او را دیدند، او را ستودند، و (در عالم حیرت) دستهای خود را بردند. و گفتند: « پاک است خدا، این (جوان) بشر نیست. این نیست مگر فرشته ای نجیب. »

﴿۳۲﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ ۖ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَنِ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا
أَمَرُهُ لَيُصْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ

(زن عزیز) گفت: « این است آنکه مرا در مورد (عشق با) وی ملامت کرده بودید. من واقعاً برای کام گرفتن از او (با وی) مراوده (برقرار) کردم، ولی او خویشتنداری کرد. ولی اگر اکنون از آنچه به او دستور میدهم ابا و ورزد، البته به زندان خواهد افتاد، و مسلماً از زمره مردم ذلیل خواهد شد. »

﴿۳۳﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ
وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ

(یوسف) گفت: « پرورگار من! زندان نسبت به آنچه مرا به آن فرا میخوانند برایم خوش آیندتر است. و اگر از من دسیسه این زنان را دفع نکنی، به ایشان شیفته میشود و از جاهلان میگردم. »

﴿۳۴﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ ۖ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

درین حال پروردگارش (دعای) او را اجابت کرد، و دسیسه ایشانرا از او دفع نمود. حقا که هموست شنوا (و) دانا.

﴿۳۵﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ

سپس، بعد از اینکه نشانه هایی را (از پاکی یوسف) دیدند، (با آن هم) بخاطر ایشان آمد [که] (بهتر است) او را تا مدتی زندانی کنند.

﴿۳۶﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا ۖ وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي
أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ۖ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

و با او، در زندان دو جوان داخل شدند. یکی از ایشان گفت: « خود را در خواب میبینم که (انگور را برای) شراب میفشارم. » و آن دیگر گفت: « خود را (در خواب) میبینم که به سرم نان میبرم و مرغان از آن میخورند. ما را از تعبیر آن آگاه ساز. ما ترا واقعاً از نیکوکاران می بینیم. »

﴿۳۷﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ۖ ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي

رَبِّي ۖ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

(یوسف) گفت: « برای شما طعامیکه (جیره) داده میشود نمی آید، مگر اینکه پیش از آن من از تعبیر آن (خوابها) شما را آگاه سازم. (این) از چیزهایی است که خداوند بمن آموخته است. بیگمان من کیش گروهی را ترک گفتم که به خدا ایمان نمی آرند، و ایشان به آخرت کافرند (یعنی از قیامت انکار دارند). »

﴿٣٨﴾ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و کیش پدران خود، ابراهیم، اسحاق و یعقوب را پیروی کردم. برای ما (روا) نیست که به خدا چیزی را انباز گیریم. این از فضل خدا بر ما و بر مردم است. و لیکن اکثر مردم ناسپاس اند.

﴿٣٩﴾ يَا صَاحِبِي السَّجْنِ الرَّبَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

ای دو یار هم زندان من، آیا معبودان متعدد بهتر اند یا خدای واحد (و) بسیار غالب؟

﴿٤٠﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۗ إِنْ

الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۗ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۗ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

شما غیر خدا نمی پرستید مگر اسمهای (بی مسمایی) را که شما و پدران شما بر آنها نام (خدا را) گذاشته اید. خداوند بر آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. نیست حکم مگر از جانب خدا. حکم کرده است که جز او کسی دیگر را نپرستید. اینست آیین واقعی و لیکن اکثر مردم نمیدانند.

﴿٤١﴾ يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا ۗ وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ ۗ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

ای دو دوست هم زندان من! اما یکی از شما (آزاد میشود و) به بادارش شراب مینوشاند. و اما آندیگر، بدار آویخته میشود و مرغان از سر او میخورند. در موضوعی که سوال میکنید، چنین حکم شده است.

﴿٤٢﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي

السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

و یوسف به یکی از آن دوتن که می پنداشت آزاد میشود، گفت: « مرا نزد بادارت یاد کن. » اما شیطان یاد یوسف را نزد بادارش از خاطر او برد، و یوسف چند سال در زندان باقی ماند.

﴿٤٣﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعُ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ

يَابَسَاتٍ ۗ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ

پادشاه (مصر) گفت: « (در خواب) هفت گاو فربه را میبینم که هفت گاو لاغر آنها را میخورند، و هفت خوشه سبز (غله) و هفت خوشه خشک را. ای کلان شوندگان! حکم خوابم را روشن کنید، اگر خواب را تعبیر کرده میتوانید.

«

﴿٤٤﴾ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ ۗ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ

گفتند: « خواب های پریشان است. و ما به تعبیر خوابهای پریشان آگاهی نداریم. »

﴿٤٥﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

یکی از آن دو نفر که (از محبس) نجات یافته بود و بعد از مدتی (یوسف را) به یاد آورد، (به پادشاه) گفت: « من شما را به تعبیر این خواب خبر میدهم، پس مرا (نزد یوسف) بفرستید. »

﴿٤٦﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

یوسف، ای مرد راستگوی! برای ما تعبیر (روای) هفت گاو فربه که آنها را هفت گاو لاغر میخورند و هفت خوشهٔ سبز و (هفت) خوشهٔ دیگر خشکیده را بگو. شاید من بسوی این مردم برگردم تا ایشان بدانند.

﴿٤٧﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ

(یوسف) گفت: « هفت سال (پیاپی) طبق معمول زراعت میکنید. پس آنچه را درو میکنید در خوشهٔ آن بگذارید، مگر اندکی از آنرا که میخورید. »

﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ

باز بعد از آن، هفت سال سخت (خشکی و قحطی) می آید، که آنچه را برای ایشان از پیش ذخیره کرده بودید میخورند، مگر اندکی از آنچه که (برای تخم) نگه میدارید.

﴿٤٩﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُعَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ

بعد از آن، سالی می آید که در آن برای مردم باران فراوانی میشود، و در آن (انگور و دیگر دانه ها را) می فشردند (و از آن آب می کشند).

﴿٥٠﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ

الَّتِي قَطَعْنَ أَجْدِيهِنَّ ۗ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

پادشاه گفت: « او را نزد من بیاورید. » اما (یوسف) هنگامی که فرستاده نزد او آمد، گفت: « نزد بادارت باز گرد، و از او بپرس: و موقف زانی که دستهای خود را بریدند چیست؟ بیگمان خداوند من از مکر ایشان آگاه است. »

﴿٥١﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ ۗ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ

سُوءٍ ۗ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنِ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

(پادشاه به زنان) گفت: « هنگامیکه میخواستید از یوسف کام بگیرید، موقف شما چه بود؟ » گفتند: « پاک است خدا، ما در او (یعنی یوسف) از بدی (چیزی) نیافتیم. » زن عزیز گفت: « حالا حق آشکار شد، من با او برای کام گرفتن مراده (برقرار) کردم، و او واقعاً از راستکاران است. »

﴿٥٢﴾ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

این را (گفتم) تا بدانند که من در غیابش به او خیانت نکرده ام، و خداوند هرگز نیرنگ خاینان را رهبری نمیکند.

جزء یا سپاره سیزدهم - وما ابری

﴿٥٣﴾ وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ ۚ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۗ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و خویشتن را هرگز تبرئه نمیکنم، که نفس (سرکش انسان را) یقیناً به بدی امر میکند، مگر کسی که پروردگارم (بر او) رحم کند. بیگمان پروردگار من آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٥٤﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي ۗ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اٰمِيْنٌ

پادشاه گفت: « او را نزد من بیاورید، تا او را خاص به (خدمت) خویش بگمارم. پس چون (پادشاه) به او سخن زد، (برایش) گفت: « بیگمان امروز تو نزد ما دارای مقامی والا و اعتمادی (کامل) میباشی. »

﴿٥٥﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلٰى خَزَائِنِ الْاَرْضِ ۗ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيْمٌ

(یوسف) گفت: « مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار. بیگمان من محافظت کننده آگاهی هستم. »

﴿٥٦﴾ وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْاَرْضِ يَتَّبِعُوْا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۗ نُوِصِيْ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَّشَاءُ ۗ وَلَا

نُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ

و بدینگونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) مکنت (و مقام) دادیم. به هر جایکه در آن جایگزین میشد، بهرگونه ایکه میخواست (تصرف میکرد). رحمت خود را به هر کس که بخواهیم نصیب میکنیم و مزد نیکوکاران را ضایع نمی گردانیم.

﴿٥٧﴾ وَلَا جُرْ الْاٰخِرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ

بیگمان برای آنانیکه ایمان آوردند و پرهیزگاری ورزیدند، مزد آخرت بهتر است.

﴿٥٨﴾ وَجَاءَ اِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوْا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُوْنَ

برادران یوسف (به مصر) آمدند، و بر او وارد شدند. (یوسف) ایشانرا شناخت، ولی آنها او را نشناختند.

﴿٥٩﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِاَخٍ لَّكُمْ مِّنْ اٰيِكُمْ ۗ اَلَا تَرَوْنَ اَنِّيْ اُوفِي الْكَيْلَ وَاَنَا

خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ

هنگامیکه (یوسف) ایشانرا به بارهای شان مجهز ساخت، گفت: « برادری را که از پدر شما است (نیز) نزد من بیاورید. آیا نمی بینید که من پیمانه را کامل میدهم و من بهترین میزبانانم؟ »

﴿٦٠﴾ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

و اگر او را پیش من نیاورید، پس برای شما به نزد من پیمانه‌ای (از غله) نخواهد بود، و بمن نزدیک نشوید.

﴿٦١﴾ قَالُوا سُرَّادُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ

گفتند: « ما درباره او با پدرش صحبت خواهیم کرد. و ما البته (این کار را) انجام دادنی هستیم. »

﴿٦٢﴾ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ

يَرَجِعُونَ

وی به کارمندان خود گفت: « مال (یعنی قیمت غله) شان را در بارهای شان بگذارید، تا چون بسوی خانواده خویش بازگردند از آن خبر شوند. تا باشد که ایشان باز آیند. »

﴿٦٣﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَّكَتِلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

چون نزد پدر خود باز گشتند، گفتند: « ای پدر ما، از ما پیمانه (یعنی دادن غله) منع شده است (مگر اینکه برادر خود را با خود ببریم). پس برادر ما را با ما بفرست، تا پیمانه بگیریم (یعنی غله بدست آریم). و ما واقعاً او را نگهبانیم. »

﴿٦٤﴾ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ ۗ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا ۗ وَهُوَ أَرْحَمُ

الرَّاحِمِينَ

گفت: « آیا شما را به وی ایمن شمارم چنانچه شما را پیش ازین به برادرش (یوسف) ایمن شمردم؟ پس خداوند بهترین نگهبان است، و او مهربان ترین مهربانان است. »

﴿٦٥﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ ۗ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي ۗ هَذِهِ بِضَاعَتُنَا

رُدَّتْ إِلَيْنَا ۗ وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانًا وَنَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ۗ ذَلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ

و چون متاع خود را گشودند، دریافتند آنچه برای خرید غله تأدیه کرده بودند به ایشان مسترد شده است، گفتند: « ای پدر ما، آیا (بیش ازین) چه میخواهیم؟! این است مال (یعنی قیمت غله) که به ما مسترد شده است. و برای خانواده خود غذا می آوریم، و برادر خود را نگهبانی میکنیم، و (بر غله خود) پیمانه یک اشتر را می افزاییم. (و گرفتن) این پیمانه آسان است. »

﴿٦٦﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتَنَّنِي بِهِ إِلَّا أُن يُحَاطَ بِكُمْ ۗ فَلَمَّا آتَوْهُ

مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

(یعقوب) گفت: « هرگز او را با شما نمیفرستم تا بمن عهدی مؤکد بنام خدا بدهید که او را واقعاً بمن باز می آورید، مگر اینکه محاصره شوید. » چون به او عهد مؤکد دادند، گفت: « به آنچه میگوییم خداوند وکیل (یعنی گواه و نگهبان) است. »

﴿٦٧﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ ۗ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ۗ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۗ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

و (در هنگام حرکت شان) گفت: « ای پسران من، از یک دروازه وارده (شهر) نشوید، و از دروازه های متفرق داخل شوید. و با این هم از شما چیزی را از (قضای) خدا دفع کرده نمیتوانم. حکم تنها از آن خدا است، بر وی توکل کردم، و همه متوکلان باید بر او توکل ورزند. »

﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۗ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لَمَّا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و چون ایشان به گونه ای که پدرشان به آنها امر کرده بود داخل (شهر) شدند، این کار چیزی را (که) از جانب خدا به ایشان (تعیین شده بود) دفع کرده نمیتوانست، مگر حاجتی را که در دل یعقوب بود برآورده ساخت. و او بیگمان از علمیکه به وی آموخته بودیم برخوردار بود، مگر اکثر مردم نمیدانند.

﴿٦٩﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ ۗ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبَتُّسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و چون بر یوسف وارد شدند، برادر (سکه) خود را نزد خود جای داد، و (برایش) گفت: « بیگمان من برادر تو میباشم، پس [به] آنچه ایشان میکردند اندوهگین مباش. »

﴿٧٠﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتْهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ پس چون ایشانرا به بارهای شان مجهز ساخت، جام (آبی) را در بار برادرش نهاد. سپس، آواز دهنده ای آواز داد: « ای کاروانیان، بیگمان شما دزد هستید! »

﴿٧١﴾ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَّاذَا تَفْقِدُونَ

(برادران یوسف) به ایشان روی آورده گفتند: « چه چیز را گم کرده اید؟ »

﴿٧٢﴾ قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ

گفتند: « پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم، و هر کسی که آنرا بیآورد یک بار شتر (غله برایش مقرر شده) است، و من به آن ضامنم. »

﴿٧٣﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ

(برادران) گفتند: « سوگند به خدا، شما میدانید که ما نیامده ایم تا در زمین فساد نماییم، و هرگز دزد نبوده ایم. »

﴿٧٤﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ

(کارمندان توزیع غله) گفتند: « اگر دروغگو باشید، جزای این (کار) چه خواهد بود؟ »

﴿۷۵﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ ۖ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

گفتند: « جزای آن (این است) هر کسی که در بار او (جام) یافت شود، پس خود آن (شخص) جزای آن باشد، ستمگاران را این چنین جزاء میدهیم. »

﴿۷۶﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ ۖ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۗ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ ۗ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ

پس وی قبل از بار برادرش به (تلاشی) بار آنها آغاز کرد. سپس آنرا از بار برادرش برآورد. بدینگونه برای یوسف چاره سازی کردیم. او نمیتوانست برادرش را (مطابق) به آیین پادشاه (مصر اسیر) بگیرد، مگر اینکه خداوند بخواهد. درجات هر کسی را که بخواهیم بلند میگردانیم. و خداوند بالاتر از هر صاحب علمی عالم است.

﴿۷۷﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرِقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ ۖ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۗ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ

گفتند: « اگر او دزدی کرده است، پس بیگمان برادریکه او پیش ازین داشت (نیز) دزدی کرده بود. » اما این را یوسف در دلش نگهداشت، و آنرا به ایشان آشکار نکرد. و (باخود) گفت: « شما در بدترین موقف قرار دارید، و خدا به (حقیقت) آنچه بیان میکنید آگاهتر است. »

﴿۷۸﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۗ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

گفتند: « ای عزیز، بیگمان او پدری بسیار سالخورده دارد، پس یکی ما را بعوض او بگیر. بیگمان ما ترا از نیکوکاران می بینیم. »

﴿۷۹﴾ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ

(یوسف) گفت: « پناه به خدا ازینکه جز همان کسی را بگیریم، که متاع خود را نزد او یافته ایم. در آنصورت ما بیگمان از ستمگاران خواهیم بود. »

﴿۸۰﴾ فَلَمَّا اسْتِيسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۗ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ ۗ فَلَنْ أْبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

پس چون برادران از وی مایوس شدند، در خلوت با هم مشوره کردند. (برادر) بزرگ شان گفت: « آیا نمیدانید که واقعاً پدر شما از شما عهدی بنام خدا گرفت، و پیش ازین در مورد یوسف چه تقصیری را مرتکب شدید؟! من این سرزمین را رها نمیکنم، تا پدرم بمن اجازه بدهد یا خدا بمن حکم کند، و او بهترین حکم کنندگان است. »

﴿٨١﴾ اَرْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ

حَافِظِينَ

بسوی پدر خویش باز گردید و (برایش) بگوئید: "ای پدر ما، بیگمان پسرت دزدی کرد، و ما گواهی نمیدهیم مگر به آنچه میدانیم، و ما (حوادث) غیبی را جلوگیری کرده نمیتوانستیم."

﴿٨٢﴾ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا ۗ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

(برای علم آوری خویش) از (مردم) شهری که در آن بودیم و از کاروانی که در آن آمدیم، بپرس. واقعاً ما راستگوییم.

﴿٨٣﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا ۗ فَصَبِرْ جَمِيلًا ۗ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ

هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

(یعقوب) گفت: « (نخیر) بلکه (هوای) نفس شما برای شما کاری را آراسته است. پس (چاره من) صبر جمیل است. امید است که خدا ایشانرا یکجا بمن باز گرداند. حقا که هم او است دانا (و) باحکمت. »

﴿٨٤﴾ وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِبيضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

و از آنها روی گردانید، و گفت: « ای دریغ بر یوسف! » و چشمان او از اندوه سفید شد. پس او خشمش را فرو میبرد.

﴿٨٥﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

گفتند: « به خدا که تو از یوسف همیشه یاد میکنی، تا (در غم او) بیمار شوی یا هلاک گردی. »

﴿٨٦﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفت: « من غم و اندوه خود را تنها به خدا شکوه میکنم، و از خدا چیزی را میدانم که شما نمیدانید. »

﴿٨٧﴾ يَا بَنِيَّ ادْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ۗ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ

اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ

ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید، و از رحمت خدا ناامید نشوید. حقا جز گروه کافران (کسی دیگر) از رحمت خدا ناامید نمیشود.

﴿٨٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ

وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ۗ إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

پس چون بر او (یعنی یوسف) وارد شدند، گفتند: «ای عزیز، ما و خانواده ما به سختی دچار شده ایم و سرمایه ناچیزی با خود آورده ایم. پس بما پیمانه کاملی بده، و بر ما صدقه کن. حقا که خداوند مزد صدقه دهندگان را میدهد.»

﴿۸۹﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَّا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

(یوسف) گفت: «آیا دانستید که با یوسف و برادرش چه کردید، آنگاه که جاهل بودید؟»

﴿۹۰﴾ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ ۖ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي ۖ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا ۖ إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ

وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

گفتند: «آیا تو واقعاً یوسف هستی؟» گفت: «بلی، من یوسفم. و این برادر من است. واقعاً خداوند بر ما منت نهاد. بیگمان هر که پرهیزگاری کند و شکیبایی ورزد، پس خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمیکند.»

﴿۹۱﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ

گفتند: «سوگند به خدا که واقعاً ترا بر ما برگزید، و واقعاً ما خطاکار بودیم.»

﴿۹۲﴾ قَالَ لَا تَتْرِبْ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۖ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

گفت: «امروز بر شما سرزنشی نیست. خداوند شما را بیامرزد، و او مهربان ترین مهربانان است.»

﴿۹۳﴾ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ

این پیراهن مرا ببرید و آنرا به روی پدرم بیندازید، او بینا میشود. و (تمام) خانواده خویش را یکجا نزد من بیاورید.

﴿۹۴﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ ۖ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ

و چون کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان گفت: «بیگمان من بوی یوسف را احساس میکنم، اگر مرا به ساده لوحی نسبت ندهید.»

﴿۹۵﴾ قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

گفتند: «به خدا سوگند که تو واقعاً در همان گمراهی سابقته هستی.»

﴿۹۶﴾ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا

لَا تَعْلَمُونَ

پس چون بشارت دهنده آمد، (و) آن (پیراهن) را بروی او انداخت، بیدرنگ بینا شد. گفت: «آیا بشما نگفتمه بودم؟! من از خدا چیزی را میدانم که شما نمیدانید.»

﴿۹۷﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

(برادران) گفتند: «ای پدر ما، (از خدا) برای ما از گناهان ما آمرزش بخواه، بیگمان ما خطاکار بودیم.»

﴿٩٨﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

گفت: « بزودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم. بیگمان او آمرزنده (و) مهربان است. »

﴿٩٩﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ

پس چون بر یوسف وارد شدند، پدر و مادر خویش را به آغوش گرفت، و گفت: « اگر خدا بخواهد به مصر ایمن داخل شوید. »

﴿١٠٠﴾ وَرَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ

جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ

الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

و پدر و مادرش را بر تخت (عزت) نشاند. ایشان در برابر او به سجده افتادند، و (یوسف) گفت: « ای پدر من، اینست تعبیر خواب پیشین من. حقا که خدا آنرا راست ساخت. و بیگمان (ذات یکتای او) بمن نیکی کرد، هنگامیکه مرا از زندان بیرون کرد و شما را از بادیه (به اینجا) آورد، بعد از آنکه شیطان میان من و برادران من دشمنی افکند. حقا که پروردگار من برای کسیکه بخواهد صاحب لطف است. بیگمان هم اوست دانا (و) صاحب حکمت. »

﴿١٠١﴾ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ

وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

ای پروردگار من، واقعاً مرا از قدرت برخوردار گردانیدی، و به من از (علم) تعبیر خوابها (و حوادث) آموختی. ای آفریدگار آسمانها و زمین! تو در دنیا و آخرت کارساز منی! مرا مسلمان بمیران، و مرا با صالحان پیوست گردان!

﴿١٠٢﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۖ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ

این از خبرهای غیب است، که آنرا بتو وحی میکنیم. و تو نزد ایشان نبودى هنگامیکه کار خویش را هماهنگ میساختند و به دسیسه میپرداختند.

﴿١٠٣﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ

و اگرچه تو اصرار ورزی، (باز هم) اکثر مردم ایمان نمی آورند.

﴿١٠٤﴾ وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

تو برای این امر، از ایشان پاداشی نمیخواهی. این نیست مگر پندی برای جهانیان.

﴿١٠٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

و ای بسا از نشانه ها که در آسمانها و زمین وجود دارد، از کنار آنها میگذرند در حالیکه از آن روگردانده اند.

﴿١٠٦﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ

و اکثر ایشان به خدا ایمان نمی آورند، مگر در حالیکه با وی شریک (هم) میگیرند.

﴿١٠٧﴾ أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آیا ازین ایمن شده اند که به ایشان عذاب فراگیری از جانب خدا برسد؟ یا بر ایشان قیامت ناگهان بیاید در حالیکه ملتفت نیستند؟

﴿١٠٨﴾ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ

الْمُشْرِكِينَ

بگو: « این راه منست، که من و پیروانم (مردم را) با بصیرت (کامل) به سوی خدا دعوت میکنم. منزه است خدا و من از مشرکان نیستم. »

﴿١٠٩﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۚ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و نفرستادیم پیش از تو جز مردانی از اهل شهرها که به آنها وحی میکردیم. آیا ایشان در زمین سفر نکرده اند تا میدیدند که عاقبت (کار) پیشینیان آنها چه شد؟ و بیگمان سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی فهمید؟!

﴿١١٠﴾ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ ۚ وَلَا يُرَدُّ

بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

تا آنگاه که پیامبران مأیوس میشدند، و چنین می پنداشتند که واقعاً ایشان دروغگوی پنداشته شدند، (درین حال) کمک ما به ایشان می آمد. پس هر که را می خواستیم نجات داده میشد، و عذاب ما از گروه جنایتکاران باز داشته نمیشود.

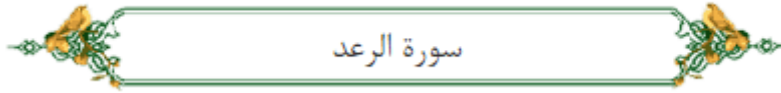
﴿١١١﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي

بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْقَوْمِ الْيُؤْمِنِينَ

بیگمان در داستان های ایشان برای صاحبان خرد (درس) عبرتی است. (قرآن) سخنی نیست که بر بسته شده باشد، و لیکن تصدیق کننده چیزی است که پیش از آن (آمده) است، و تفصیل همه چیز هاست و هدایتی و رحمتی است برای گروه مؤمنان.

(۱۳) سوره الرعد:

این سوره مدنی و دارای (۴۳) آیه بوده و (غرش آسمان و ابر) معنی دارد، بخاطر آنکه در آن از رعد و برق و صاعقه و فرود باران سخن رفته است به رعد نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ المرَّءُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ ۚ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

المر. اینها آیات کتاب (آسمانی) است، و آنچه از پروردگارت به تو نازل شده حق است، ولیکن اکثر مردم ایمان نمی آورند.

﴿۲﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۗ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ

وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ

خداوند، آن (ذاتی) است که آسمانها را بدون ستونی که شما آنرا ببینید بلند کرد، و آنگاه بر عرش مستولی شد. و آفتاب و ماه را رام کرد، همه چیزها تا زمانی معین (به مسیر خود) حرکت دارند. همه کارها را تدبیر میکند. آیات (خود) را تفصیل وار بیان میکند تا باشد، که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید.

﴿۳﴾ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا ۗ وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ

أُنثِينَ ۗ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و اوست که زمین را گسترد و در آن کوه های (استوار) را قرار داد، و (نیز) رودبارها را. و از تمام میوه ها، در آنها دو جفت آفرید. شب را به روز می پوشاند. بیگمان درین ها آیتاتی است برای قومی که تفکر می ورزند.

﴿۴﴾ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ

بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضْلُ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و در زمین قطعات (متفاوتی) در کنار هم قرار دارند، و باغهای انگور و کشتزارها و نخلستان های خرما که بعضی از یک تنه رسته اند و برخی (هم) از تنه های جداگانه، از یک آب آبیاری میشوند، برخی را بر برخی در طعم (میوه های) شان برتری میدهیم. حقا که درین آیتاتی است برای مردمیکه از عقل خود کار میگیرند.

﴿۵﴾ وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذْآ كُنَّا تُرَابًا ۗ إِنَّا لَنَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ أَوَلَيْكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِرَبِّهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ الْأَعْلَالُ ۗ فِي أَعْنَاقِهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

اگر تو (از چیزی) تعجب می کنی، پس این گفتارشان عجیب است [که می گویند] « آیا ما وقتی که خاک شویم، واقعاً در آفرینش جدیدی خواهیم بود (یعنی دوباره زنده خواهیم شد)؟ » همین هایند که بر پروردگار خود کافر شدند. و آنها، یوغ های (اسارت) است بر گردن شان. و ایشان اهل آتش اند، در آنجا همیشه بسر میبرند.

﴿٦﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

و پیش از نیکی بدی را از تو بشتاب میطلبند، و بیگمان پیش از ایشان (نیز) مثالهایی (ازین عقوبت ها) گذشته است. حقا که پروردگار تو برای مردم، با وجود ستمگاری ایشان، صاحب آمرزش است. و بیگمان پروردگار تو سخت عذاب کننده است.

﴿٧﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ ۗ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

کافران میگویند: « چرا بر وی نشانه ای از پروردگارش نازل نشد؟ » ولی تو بیگمان بیم دهنده ای، و برای هر قومی هدایت کننده ایست.

﴿٨﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۗ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

خدا آنچه را (رحم) هر (انسان یا حیوان) ماده برمیدارد، و (نیز) آنچه را رحم ها در دوره معین (حمل) میبکشد و آنچه (بر آن) میفزایند میدانند. و هر چیز نزد او به مقدار (معین) است.

﴿٩﴾ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

(او) است دانای پنهان و آشکارا، (و اوست) بزرگ (و) بلند مرتبه.

﴿١٠﴾ سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسْرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

(برای او) یکسان است؛ (خواه) کسی از شما راز را پنهان دارد یا آنرا آشکار سازد، و کسیکه خود را در شب پنهان کند یا در روز بگونه آشکارا براهش دوام دهد.

﴿١١﴾ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ

يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ۗ وَمَا لَهُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ

برای انسان نگرهبانانی اند که پیاپی از پیشرو پس پشت { ۱ } او را به حکم خدا نگاه میدارند. بیگمان خداوند حالت هیچ قومی را تا وقتی تغییر نمیدهد که ایشان خود را تغییر ندهند. و چون خدا بقومی بدی را بخواهد، از آن بازدارنده ای نیست، و نه (هم) برای ایشان جز او کارسازی است.

{ ۱ } پس پشت: پشت سر و عقب؛

﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ

اوست که بشما برق را برای ترس (یا) امید می نمایاند. و ابرهای گران را ایجاد میکند.

﴿١٣﴾ وَيَسْبَحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ

يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ

و رعد او را به پاکی ستایش میکند و (نیز) فرشتگان از هیبت او. و (اوست که) صاعقه ها را می فرستد، پس به هر که بخواهد به (وسیله) آن (آسیب) میرساند. (با این هم) در باره خدا جدال میکنند، در حالیکه او در نهایت (تدبیر) و نیرومندی است.

﴿١٤﴾ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ ۗ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى

الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ ۗ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

دعای (بر) حق (یعنی مقرون به اجابت) از آن اوست، و کسانی که جز او (چیزهای) دیگری را می خوانند (دعای شانرا) بهیچ وجه اجابه نمیکند. (ایشان) بگونه کسی اند که کفهای خود را بسوی آب میگشاید تا بدان او برسد، ولی هرگز آن (آب به دهان او) رسیدنی نیست. و نمیباشد دعای کافران مگر در گمراهی.

﴿١٥﴾ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝

و هر چیزیکه در آسمانها و زمین اند به خدا سجده میکنند، به خوشی یا ناخوشی، و (نیز) سایه های شان صبحگاهان و شامگاهان.

﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ

لِنَفْسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۗ أَمْ

جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۗ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ

الْقَهَّارُ

بگو « کیست پروردگار آسمانها و زمین؟ » بگو « خدا. » بگو « آیا شما جز او دوستانی (یعنی معبودانی) گرفتید که برای خویشتن مالک نفعی و ضرری نیستند؟ » بگو « آیا نابینا و بینا یکسان شده میتوانند؟ یا آیا تاریکی ها و نور برابر اند؟ آیا (چنان) شریکانی به خدا قرار دادند که مانند آفرینش او بیافرینند، به گونه ای که این آفرینش برایشان مشتبه شده باشد؟ » بگو « خداوند آفریننده همه چیزهاست، و اوست یکتا (و) بسیار غالب. »

﴿١٧﴾ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا ۗ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ

فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُ ۗ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۗ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ

جُفَاءً ۗ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۗ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

آب را از آسمان فرو فرستاد، و (از) دره ها به اندازه (ظرفیت) آنها (آب) جاری شد. پس سیلاب کفی رو به تزاید را برداشت. و از آنچه برای تهیه زینت آلات یا ابزار به (کوره) آتش می اندازند، (در آنها نیز) کفی است مانند آن.

این چنین خداوند برای حق و باطل مثال می آورد. اما کفها بیرون خشکیده میروند. ولی آنچه بمردم سود میرساند، پس در زمین میماند. این چنین خداوند مثال میزند.

﴿۱۸﴾ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ ۗ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

برای آنانیکه (حکم) پروردگار خود را اجابت کردند، (سرانجام) نیکو است. اما آنانیکه (فرمان) او را اجابت نکردند، اگر تمام آنچه در زمین است و همانند آن از آن شان باشد و آنرا در بدل (نجات خود) فدیة بدهند (پذیرفته نمیشود). برای آنها حساب بدی است، و جای شان دوزخ است، و چه بد جایی!

﴿۱۹﴾ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آیا کسیکه میداند آنچه بتو از جانب پروردگارت نازل شده حق است، مانند کسی است که نابیناست؟ بیگمان خردمندان پند میگیرند.

﴿۲۰﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

آنانیکه به عهد خدا وفا میکنند و آن پیمان استوار را نمی شکنند.

﴿۲۱﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

آنانیکه چیزهایی را که خدا به پیوستگی آن فرمان داده است وصل میکنند، و از پروردگار خویش میترسند، و از بدی حساب بیم دارند.

﴿۲۲﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ

بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

و آنانیکه برای به دست آوردن خوشنودی پروردگار خویش شکیبایی ورزیدند، و نماز را با تمام و کمال برپا داشتند، و از آنچه ایشان را روزی داده ایم پنهان و آشکارا خرج کردند، و (آنانیکه) با نیکی بدی را دفع میکنند، ایشانند که عاقبت (نیک) آن سرای از آن شان است.

﴿۲۳﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ ۗ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ

عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

باغهای جاویدان - در آن داخل میشوند. و (نیز) آنانیکه صالح اند، از پدران، همسران و اولادشان. فرشتگان بر ایشان از هر دروازه داخل می شوند (و میگویند):

﴿۲۴﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ۗ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

سلام بر شما، بخاطر صبر (و استقامت) شما، پس چه نیکو است جزای آن سرای!؟

﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و آنهاييکه پيمان خدا را بعد از استواری آن ميشکنند، و چيزی را که خداوند به پيوند آن امر کرده قطع میکنند، و در روی زمین فساد مينمايند، همين هايند که به ايشان لعنت است و برای شان بدی سراي (آخرت) است.

﴿٢٦﴾ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ

خدا روزی را به هر که ميخواهد فراخ ميسازد و (يا) تنگ می نمايد. و (کافران) به زندگانی دنیا شاد شدند، در حالیکه زندگانی دنیا در برابر آخرت نيست مگر متاعي (ناچيز).

﴿٢٧﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ

کافران ميگويند: « چرا از نزد پروردگارش بر او (يعنی پيامبر) نشانه‌ای نازل نشد؟ » بگو: « بيگمان خداوند هر که را بخواهد گمراه ميسازد، و هر که را که (به او) رجوع کرد بسوی خویش رهياب ميگرداند. »

﴿٢٨﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

آنانی که ايمان آوردند و دلهاي شان به ذکر خدا آرامش می يابد. هان، به ذکر خدا دلها آرامش می يابد.

﴿٢٩﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ

آنانيکه ايمان آوردند و کارهای نيك کردند، برای شان (زندگی) خوش آيندی است، و (نيز) بهترين سرانجام.

﴿٣٠﴾ كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَتَتْلُو عَلَيَّهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ

يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ۗ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ

اينچنين ترا در (ميان) قومی فرستاديم که پيش از آن (نيز) قوم های (ديگر) گذشتند، تا آنچه را به تو وحی کرديم بر ايشان بخوانی. در حالیکه ايشان از رحمن منکر ميشوند. بگو: « او پروردگار من است. معبودی جز او نيست. بر او توکل کردم. و بازگشتم سوی اوست. »

﴿٣١﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُتِبَ بِهِ الْمَوْتَىٰ ۗ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ

جَمِيعًا ۗ أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا ۗ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا

تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ

الْمِيعَادَ

اگر قرآنی میبود که به آن کوهها به حرکت می افتادند، یا به آن زمین قطعه قطعه میشد، یا به آن مردگان سخن میگفتند (باز هم ایمان نمی آوردند). اما هر کار از آن خدا است. آیا مؤمنان نومید نشدند (یعنی به این یقین حاصل نکردند) که اگر خدا میخواست همه مردم را رهیاب میگردانید؟ و کافران به سبب کارهایی که انجام داده اند همیشه مورد مصایب کوبنده‌ای قرار میگیرند، یا (این مصایب) به نزدیک خانه‌شان فرود می آید، تا اینکه وعده‌ خدا فرا رسد. حقا که خداوند وعده‌ خود را خلاف نمی کند.

﴿۳۲﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۗ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

و بیگمان پیامبران پیش از تو (نیز) تمسخر شدند. پس به کافران مهلت دادم، سپس ایشان را گرفتار کردم. پس (دیدی که) عقوبت (من) چگونه بود!

﴿۳۳﴾ أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلُوبًا سَمُوهُمْ ۗ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ

بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۗ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصُدُّوا عَنِ

السَّبِيلِ ۗ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

آیا ذاتیکه بر هر کس به آنچه کرده مراقب است (همتایی داشته میتواند)؟ ولی (با این هم) به خدا شریکانی می آورند. بگو: « آنها را نام ببرید. آیا شما او را به چیزی خبر میدهید که (به زعم شما او) در زمین نمیداند؟ یا به سخنان ظاهری (فریفته شده اید)؟ » اما به کافران فریب شان خوب جلوه داده شده است، و از راه (خدا) باز داشته شده اند. و هر که را خدا گمراه کند، پس برای او رهنمایی نیست.

﴿۳۴﴾ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَلِعَذَابِ الْأٰخِرَةِ أَشَقُّ ۗ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ

برای ایشان در زندگی دنیا عذاب است، و بیگمان عذاب آخرت سخت تر است. و برای ایشان در برابر خداوند بازدارنده نیست.

﴿۳۵﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۗ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا ۗ تِلْكَ

عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ

مثال جنتی که به پرهیزگاران وعده شده است، در زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد، میوه های آن همیشگی است، و (نیز) سایه‌ آن. چنین است سرانجام پرهیزگاران. و سرانجام کافران آتش است.

﴿۳۶﴾ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ۗ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَن يُنْكِرُ بَعْضَهُ ۗ قُلْ إِنَّمَا

أُمرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ ۗ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ

و آنهاييکه برايشان کتاب داديم، به آنچه به تو نازل شده شاد ميشوند. اما از گروهها کسانی اند که برخی از آنرا تکذیب می کنند. بگو: « بیگمان به من امر شده تا خدا را پرستش کنم، و به او شریک نیاورم. به سوی او دعوت میکنم، و بسوی او بازگشت (همگان) است. »

﴿٣٧﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۗ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

و بهمین گونه آنرا (بحیث) فرمانی (بزبان) عربی نازل کردیم. و بعد ازینکه برای تو از علم آمده است، اگر از هوسهای ایشان پیروی کنی، بتو از جانب خدا حامی و نگهبانی نیست.

﴿٣٨﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً ۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ

بیگمان پیامبرانی را پیش از تو (نیز) فرستادیم، و به ایشان زنان و فرزندان داده‌ایم. هیچ پیامبری نبوده که جز به فرمان خدا نشانه‌ای بیاورد. برای هر دوره‌ای کتابی است.

﴿٣٩﴾ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ۗ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

خدا هرچه را می‌خواهد نابود می‌سازد، و (هرچه را می‌خواهد) اثبات می‌کند. و نزد او است أم الكتاب (یعنی اصل کتاب).

﴿٤٠﴾ وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ

خواه پاره‌ای از آنچه را به ایشان وعده کرده‌ایم به تو نشان دهیم یا (پیش از بجا شدن این وعده) ترا بمیرانیم، پس بیگمان رساندن (پیام خداوند) بر توست، و حساب (اعمال) بر ماست.

﴿٤١﴾ أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۗ وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ ۗ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

آیا نمی بینند که ما به (این) زمین (طوری) رسیدگی می‌کنیم (که به تدریج) از اطراف آن کم می‌سازیم؟ و خدا فرمان می‌دهد. کسی ردکننده حکم او نیست. و او در حساب گرفتن سریع است.

﴿٤٢﴾ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۗ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۗ وَسِعَعِلْمُ الْكُفَّارِ لِمَن عُقِبَى الدَّارِ

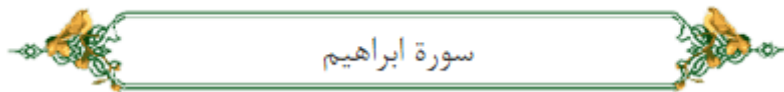
و بیگمان پیشینیان شان نیز دسیسه چیدند. پس تدبیر همه جانبه از آن خدا است. هر کسی هر کاری را که انجام می‌دهد او (تعالی) میداند. و کافران بزودی میدانند که (سرانجام نیکوی) سرای آخرت از آن کیست.

﴿٤٣﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۗ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

کافران می‌گویند « تو پیامبر نیستی. » بگو: « خدا به حیث گواه میان من و شما بسنده است، و (نیز) کسیکه نزد او علم کتاب است. »

(۱۴) سوره ابراهیم:

این سوره مکی و دارای (۵۲) آیه بوده و ابراهیم (نام یکی از پیغمبران) میباشد، بخاطر ذکر داستان پیامبر اولی العزم ابراهیم به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الرَّ ُ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

الر. (قرآن) کتابیست که آنرا به تو نازل کردیم، تا مردم را به اذن پروردگارش از تاریکی ها به روشنایی بیرون آری. براه صاحب قدرت منیع (و) ستوده.

﴿۲﴾ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ُ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

خداییکه آنچه در آسمانها و زمین است از آن او است. و وای بر کافران از مجازات شدید.

﴿۳﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ُ أُولَئِكَ

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

آنانیکه زندگی دنیا را بر آخرت برمیگزینند، و (مردم را) از راه خدا باز میدارند، و در آن وارونگی میجویند (یعنی آنرا نادرست جلوه میدهند)، ایشان در گمراهی دوری اند.

﴿۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ُ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ

يَشَاءُ ُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر بزبان قوم او، تا (حقیقت را) برای شان روشن سازد. پس خدا هرکه را خواهد گمراه میکند و هرکه را خواهد رهیاب میسازد. و اوست صاحب قدرت منیع (و) باحکمت.

﴿۵﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ ُ إِنَّ

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

و بیگمان موسی را با آیات خود فرستادیم (و به او هدایت دادیم) که: « قومت را از تاریکی ها بسوی روشنایی بیرون آور. و به ایشان روزهای خدا را یاد آور شو. » بیگمان درین نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگذاری.

﴿٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا لِلّٰهِ عَلٰیكُمْ اِذْ اَنْجَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبُّوْنَ اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَاءَكُمْ ۗ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَاٌۢءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ

و بیاد آور وقتی را که موسی به قوم خود گفت: « نعمتی را که خدا بشما ارزانی کرده بیاد آرید، وقتیکه شما را از فرعونیان نجات داد. به شما عذاب های شدیدی میرساندند، پسران شما را می کشتند و زنان شما را زنده می گذاشتند. و در آن برای شما از طرف پروردگار شما آزمایشی بزرگی بود. »

﴿٧﴾ وَاِذْ تَاَذَنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَّاۤزِيْدَنَّكُمْ ۗ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِيْ لَشَدِيْدٌ

و بیاد آرید وقتی را که پروردگار شما اعلام داشت: « اگر شکر کنید، بیگمان (نعمت خود را) بر شما می افزایم. و اگر ناسپاسی کنید، بدون شک عذاب من شدید است. »

﴿٨﴾ وَقَالَ مُوسٰى اِنْ تَكْفُرُوْا اَنْتُمْ وَمَنْ فِى الْاَرْضِ جَمِيْعًا فَاِنَّ اللّٰهَ لَعَنِيْ حَمِيْدٌ

موسی گفت: « اگر شما و هر کسیکه در روی زمین است همه ناسپاسی کنید، باز هم بیگمان خداوند بی نیاز (و) ستوده است. »

﴿٩﴾ اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَاُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُوْدَ ۗ وَالَّذِيْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۗ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ ۗ جَاۤءَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرَدُّواۤ اَيْدِيَهُمْ فِىۡۤ اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوْا اِنَّا كَفَرْنَاۤ بِمَاۤ اُرْسِلْتُمْۢ بِهٖ وَاِنَّا لَفِىۡ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهٖ مُّرِيْبٍ

آیا به شما خبر پیشینیان شما نرسیده است؟! (خبر) قوم نوح، عاد و ثمود، و کسانی (که) بعد از ایشان (بودند). جز خدا (کسی دیگر احوال) ایشانرا نمیداند. پیامبران شان با نشانه های روشن نزد شان آمدند. پس ایشان دستهای خود را به دهن های خود گذاشتند و گفتند: « بیگمان ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید ایمان نداریم، و بیگمان به آنچه ما را به سوی آن فرا میخوانید در شک و شبهه میباشیم. »

﴿١٠﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ اَفِى اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ يَدْعُوْكُمْ لِيُغْفَرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُوْخَّرَكُمْ اِلَىۤ اَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ قَالُوْا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّاۤ اَبَشْرٌ مِّثْلُنَاۤ تُرِيْدُوْنَ اَنْ تَصُدُّوْنَآ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَاؤُنَاۤ فَاتُّوْنَاۤ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ

پیامبران شان گفتند: « آیا در خدا شک است؟! (خدای) آفریدگار آسمانها و زمین! (او که) شما را میخواند تا گناهان شما را بیاورد و تا موعدی معین شما را مهلت دهد. » گفتند: « شما نیستید مگر بشری همانند ما. می خواهید ما را از آنچه پدران ما پرستش میکردند باز دارید. پس دلیل روشنی بما بیاورید. »

﴿١١﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

پیامبران شان برای شان گفتند: « (درست است که) ما نیستیم مگر بشری همانند شما، و لیکن خدا بر هر کسی از بندگان خود که بخواهد منت میگذارد. و به ما (ممکن) نیست که به شما حتی (یعنی معجزه‌ای) بیاوریم جز به اجازه خدا. و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند. »

﴿١٢﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَىٰ اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا ۗ وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا أَدَيْتُمُونَا ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

و ما را چه شده است که بر خدا توکل نکنیم؟ واقعاً او ما را به راههای (خیر و سعادت) هدایت نموده است. و البته ما در برابر ادیتی که بما میرسانید صبر میکنیم. و توکل کنندگان باید بر خدا توکل کنند.

﴿١٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۗ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

کافران به پیامبران خود گفتند: « یقیناً شما را از زمین خویش بیرون میکنیم، یا باید به آیین ما برگردید. » پس پروردگارشان برایشان وحی کرد: « بیگمان ستمگاران را هلاک کردنی هستیم. »

﴿١٤﴾ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

و بیگمان شما را بعد از ایشان در زمین جایگزین ساختنی هستیم. این (موهبت) برای کسی است که از مقام من بترسد، و از وعید (عذاب) من بترسد.

﴿١٥﴾ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و ایشان (خواهان فیصله شدند و) طلب پیروزی کردند، و هر گردن کش ستیزه کاری ناامید شد.

﴿١٦﴾ مِّنْ وَّرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

بدنبال او دوزخ است، و برایش از زردآب (متعفن) نوشانیده میشود.

﴿١٧﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

جرعه جرعه آنرا (بزحمت) سرمیکشد، و نزدیک نیست که آنرا (از گلو) فرو برد. مرگ از هرسو به سراغش می آید، ولی او نمی میرد. و بدنبال او عذابی شدید است.

﴿١٨﴾ مِثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۗ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۗ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

مثال (اعمال) کسانی که از پروردگار خود منکر شدند مانند خاکستری است که بر آن در روز طوفانی تندبادی وزیده باشد. ایشان بر هیچ چیزی از آنچه انجام داده بودند دسترس ندارند اینست. همانا گمراهی دور.

﴿١٩﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ يَشَأُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

آیا ندیدی که خداوند واقعاً آسمانها و زمین را بحق آفرید؟! اگر بخواهد شما را (از بین) می برد، و مخلوق جدیدی را بمیان می آورد.

﴿٢٠﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

و این برای خداوند دشوار نیست.

﴿٢١﴾ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ

عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ ۗ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ

مَّحِصٍ

همه شان بحضور خدا حاضر می شوند. پس ضعیفان به متکبران می گویند: « بیگمان ما پیرو شما بودیم، پس آیا از ما چیزی از عذاب خدا را دفع کننده هستید؟ » آنها میگویند: « اگر خدا ما را هدایت میکرد، بیگمان ما (نیز) شما را رهیاب میگردانیدیم. (اکنون) برای ما برابر است خواه بیصبری کنیم یا شکیبایی ورزیم، برای ما نجاتی نیست. »

﴿٢٢﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ ۚ وَمَا كَانَ

لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي ۚ فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ مَا أَنَا

بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي ۚ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ ۚ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ

و چون کار تمام شود، شیطان میگوید: « بیگمان خداوند شما را وعده داد، وعده حق! و من به شما وعده دادم، و با شما تخلف ورزیدم. و من بر شما تسلطی نداشتم، جز این که شما را دعوت کردم و شما (دعوت) مرا پذیرفتید. پس مرا ملامت نکنید و خویشتن را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم، و نه (هم) شما فریادرس من هستید. واقعاً از اینکه پیش ازین مرا (با خدا) انباز گرفتید بیزار هستم. بیگمان برای ستمگاران عذابی است دردناک. »

﴿٢٣﴾ وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ

رَبِّهِمْ ۚ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

و آنانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، به باغهایی داخل میشوند که در زیر (درختان) آن رودبارها جریان دارد، جاودانه به حکم پروردگار خویش در آنجا بسر میبرند. خوش آمدید شان در آنجا « سلام » است.

﴿٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه پاکیزه را همچون درخت پاکیزه‌ای مثال زد که ریشه آن ثابت و شاخ آن در آسمان است؟!

﴿٢٥﴾ تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

میوه خود را در هر فصل به حکم پروردگار خود میدهد. و خداوند به مردم مثل هایی میزند، تا باشد که ایشان پند گیرند.

﴿٢٦﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

و مثال کلمه ناپاکیزه مانند درختی ناپاکیزه است، (ریشه های آن) از روی زمین برکنده شده، ثباتی ندارد.

﴿٢٧﴾ يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۗ وَيُضِلُّ اللَّهُ

الظَّالِمِينَ ۗ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

خداوند مسلمانان را به سخنی استوار در زندگی دنیا و در آخرت ثابت (قدم) میسازد. و خداوند ستمگاران را گمراه می گرداند، و خداوند هر آنچه بخواهد انجام میدهد.

﴿٢٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ

آیا بسوی کسانی ندیدی که نعمت خدا را به ناسپاسی تبدیل کردند و قوم خویشرا به منزل تباهی جایگزین ساختند؟

﴿٢٩﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ۗ وَبئْسَ الْقَرَارُ

دوزخ - در آنجا میسوزند. و (چه) بد قرارگاهی (است).

﴿٣٠﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ

و با خدا همتیانی قرار دادند، تا (مردم را) از راه او گمراه سازند. بگو: « (چند روزی از لذایذ این دنیا) بهره ور شوید. بیگمان راه شما بسوی آتش (دوزخ) است. »

﴿٣١﴾ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ

يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ

به بندگان مسلمان من بگو: نماز را به تمام و کمال اداء کنند، و از آنچه به آنها روزی دادیم (بگونه) پنهان و آشکارا نفقه نمایند، پیش ازینکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروشی است، و نه هم دوستی.

﴿٣٢﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا

لَكُمْ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ

خداوند است که آسمان ها و زمین را آفرید، و آب را از آسمان فرود آورد، و بوسیله آن میوه ها را بشما بحیث روزی برآورد. و برای شما کشتی ها را ساخت تا بحکم او در بحر حرکت کنند. و برای شما جوی ها را رام ساخت.

﴿۳۳﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

و برای شما آفتاب و ماه را با دستوری منظم رام ساخت. و برای شما شب و روز را رام گردانید.

﴿۳۴﴾ وَأَتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ ۗ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

و به شما از هر چه خواستید داد. و اگر نعمت (های) خدا را بشمارید، آنرا شمار کرده نمی توانید. بیگمان انسان بسیار بیدادگر (و) خیلی ناسپاس است.

﴿۳۵﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

و بیاد آر وقتی را که ابراهیم گفت: « پروردگارا، این شهر را (محل) امن گردان، و من و اولاد مرا از پرستش بتان دور نگهدار. »

﴿۳۶﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۗ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۗ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ

رَحِيمٌ

ای پروردگار من، این بتان واقعاً بسیاری از مردم را گمراه ساختند. پس هر کس از من پیروی کند، واقعاً او از من است. و هر که مرا نافرمانی کند پس حقا که تو آمرزنده (و) مهربان هستی.

﴿۳۷﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

ای پروردگار ما، بیگمان من بعضی از اولاد خود را در وادی بی آب و گیاهی در پهلوی خانه‌ای که حرم تست جایگزین ساختم. ای پروردگار ما، تا نماز را به تمام و کمال بر پا دارند، پس دل (گروهی) از مردم را به ایشان مایل گردان، و از میوه ها ایشانرا روزی ده، تا باشد که سپاسگزار شوند.

﴿۳۸﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

السَّمَاءِ

ای پروردگار ما، حقا که تو آنچه را که پنهان میداریم و آنچه را آشکار میداریم میدانی. و چیزی در زمین و آسمان از خدا پنهان نیست.

﴿۳۹﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۗ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

ستایش خدایی را که به من، باوجود کبر سن، اسمعیل و اسحاق را اعطاء کرد. بیگمان پروردگار من، هم اوست شنونده دعا.

﴿٤٠﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

ای پروردگار من، مرا برپا دارنده نماز بگردان، و از اولاد من (نیز). ای پروردگار ما، دعای مرا قبول فرما.

﴿٤١﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

ای پروردگار ما، مرا و (نیز) مادر و پدر مرا و همه مسلمانان را در روزیکه حساب برپا میشود بیامرز.

﴿٤٢﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

خداوند را از آنچه ستمگران میکنند غافل مپندار. بیگمان ایشانرا برای روزی مهلت میدهد که در آن چشمها (از فرط دهشت) خیره میشوند.

﴿٤٣﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۗ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ

شتابان سر خود را (به سوی آسمان) بلند میکنند، (از شدت اندوه و ناآرامی) پلک های چشم شان از حرکت می ماند. و دلهای شان (از همه امیدها) خالی است.

﴿٤٤﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبْ

دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۗ أَوْلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ

و مردم را از روزی بترسان که عذاب به (سراغ) ایشان می آید. پس ظالمان میگویند: « ای پروردگار ما، ما را (اگرچه) برای مدت کوتاهی (هم باشد) مهلت ده، تا دعوت ترا قبول کنیم و پیامبران را پیروی نماییم. » (درین حال به جواب ایشان گفته میشود): « مگر پیش ازین سوگند نمی خوردید که شما را زوالی نیست؟! »

﴿٤٥﴾ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُم كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ

و در رهایشگاه آنانی جایگزین شدید که بر خویشان ستم کردند. و به شما آشکار شد که چگونه با ایشان رفتار کردیم. و برای شما (از سرگذشت پیشینیان) مثال ها زدیم (ولی پند نگرفتید).

﴿٤٦﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرَهُمْ لِلتَّرْوَلِ مِنْهُ الْجِبَالُ

واقعاً ایشان نهایت دسیسه های خود را بکار بردند، و همه دسیسه های شان نزد خدا (آشکارا) است. هرچند دسیسه های شان کوهها را از جا برمیکند.

﴿٤٧﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

پس خدا را متخلف وعده اش با پیامبرانش مپندار. حقا که خداوند صاحب قدرت منیع (و) صاحب انتقام است.

﴿٤٨﴾ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ ۗ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

روزی که (این) زمین به زمینی دیگر مبدل شود، و (نیز) آسمانها و (مردم) بحضور خدای یگانه بسیار غالب ظاهر شوند.

﴿٤٩﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

در آن روز گناهکاران را در زنجیرها بهم بسته می‌بینی.

﴿۵۰﴾ سَرَابِلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ

لباس شان از قطران است، و روی های شانرا آتش میپوشاند.

﴿۵۱﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

تا خداوند هر کسی را (مطابق به) آنچه انجام داده جزا بدهد. بیگمان خداوند در محاسبه سریع است.

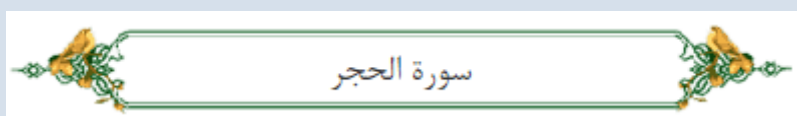
﴿۵۲﴾ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

این (قرآن) پیامی است برای مردم تا به آن ترسانیده شوند، و تا بدانند که بیگمان او تعالی معبود یکتاست. و تا خردمندان پند گیرند.

جزء یا سیاره چهاردهم - ربما

(۱۵) سوره الحجر:

این سوره مکی و دارای (۹۹) آیه بوده و نام سرزمین قوم ثمود میباشد، به سبب بیان داستان اصحاب حجر (حجر وادیی است در میان مدینه و وشام میباشد) در آن به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الرَّ ۗ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ

الر. این آیات کتاب و قرآن آشکار است.

﴿۲﴾ رَبِّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ

ای بسا که کافران آرزو می کنند (ای کاش) مسلمان می بودند.

﴿٣﴾ ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

بگذار ایشان را تا بخورند و بهره‌مند شوند، و آرزو ایشانرا مشغول نگهدارد. پس بزودی خواهند فهمید.

﴿٤﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ

ما (اهل) هیچ دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن (از پیش) موعدی تعیین شده.

﴿٥﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ

هیچ گروهی از وقت معین خود سبقت نمیکند و نه (هم) عقب میماند.

﴿٦﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

و گفتند: « ای کسیکه بر تو قرآن نازل شده است واقعاً که تو دیوانه‌یی. »

﴿٧﴾ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

اگر از راستگویان هستی، پس چرا فرشتگان را پیش ما نمی آوری؟

﴿٨﴾ مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ

ما فرشتگان را نمیفرستیم مگر به حق، (اگر فرستاده شوند) درین هنگام به آنهایکه خواستار آمدن فرشتگان شده اند مهلت داده نمی شود.

﴿٩﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

ما بیگمان قرآن را نازل کردیم و ما بیگمان آنرا نگهبانیم.

﴿١٠﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ

و بیگمان پیش از تو (نیز) در میان اقوام پیشین (پیامبران را) فرستادیم.

﴿١١﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

هیچ پیامبری به ایشان نمی آمد مگر آنکه او را استهزاء می کردند.

﴿١٢﴾ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

این چنین آن (استهزاء) را در دل های مجرمین راه میدهیم.

﴿١٣﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

(با این هم) به آن ایمان نمی آورند، و بیگمان سنت پیشینیان (نیز به این منوال) گذشته است.

﴿١٤﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِنْ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ

و اگر بر ایشان دری از آسمان بگشاییم و ایشان مرتباً در آن بالا روند...

﴿١٥﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ

البته میگویند: « واقعاً چشمان ما بسته شده، بلکه ما قومی هستیم جادو شده. »

﴿۱۶﴾ وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

و بیگمان در آسمان برجهایی آفریدیم و آنرا برای بینندگان زینت دادیم.

﴿۱۷﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

و آنرا از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم.

﴿۱۸﴾ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ

مگر آنکه کسی استراق سمع {۱} کند. پس نیزه روشن آتشی‌نی او را تعقیب میکند.

{۱} استراق سمع: دزدیده گوش بداشتن؛

﴿۱۹﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

و زمین را گسترده‌ایم، و بر آن کوه‌ها را (همچون لنگری) قرار دادیم، و در آن از هر چیزی بگونه‌ی موزونی

رویاندیم.

﴿۲۰﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ

و در آن برای شما اسباب معیشت ساختیم، و (نیز) برای آنانیکه شما روزی دهنده‌شان نیستید.

﴿۲۱﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ

و هیچ چیزی نیست مگر (اینکه) خزاین آن نزد ماست، و ما آنرا فرود نمی‌آوریم مگر به اندازه‌ی معینی.

﴿۲۲﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

و بادهای باردار کننده را فرستادیم، آنگاه از آسمان آب فرو ریختیم، و شما را با آن سیراب گردانیدیم، در حالیکه

شما توانایی ذخیره کردن آنرا ندارید.

﴿۲۳﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

و این ما هستیم که زنده میگردانیم و میمیرانیم، و ما وارث (همه اشیاء) هستیم.

﴿۲۴﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ

و بیگمان آنانی را که پیشقدم شده‌اند شناخته‌ایم، و بیگمان آنهایی را که عقب مانده‌اند (نیز) شناخته‌ایم.

﴿۲۵﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۗ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و بیگمان این پروردگار تست که ایشانرا حشر میکند. حقا که او صاحب حکمت (و) داناست.

﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ

بیگمان انسان را از گل آوازدهنده‌ی بدبوی متغیر آفریدیم.

﴿٢٧﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ

و جن را از پیش از آتش گرم و سوزان آفریدیم.

﴿٢٨﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

و بیاد آر وقتی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: « بیگمان من انسان را از گل آوازدهندهٔ بدبوی متغیر آفریننده ام. »

﴿٢٩﴾ فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

پس چون پیکر او را راست کردم و در آن از روح خود دمیدم، پس به او سجده کنان بیفتید.

﴿٣٠﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

پس همه فرشتگان یکجایی سجده کردند.

﴿٣١﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

جز ابلیس، که ابا و ورزید از آنکه با سجده کنندگان باشد.

﴿٣٢﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

(خداوند) گفت: « ای ابلیس، دلیل تو چیست که با سجده کنندگان نمی باشی؟ »

﴿٣٣﴾ قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

گفت: « من هرگز (حاضر) نیستم بشری را سجده کنم که او را از گل آواز دهندهٔ بدبوی متغیر آفریده‌ی. »

﴿٣٤﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

(خداوند) گفت: « از آنجا بیرون شو، زیرا تو رانده شده‌ی. »

﴿٣٥﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

و بیگمان تا روز قیامت بر تو لعنت است.

﴿٣٦﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

گفت: « ای پروردگار من، پس مرا تا روزی که (مردگان) برانگیخته شوند مهلت ده. »

﴿٣٧﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

(خداوند) گفت: « پس بیگمان تو از جملهٔ مهلت یافتگانی. »

﴿٣٨﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

تا روز وقت مقرر شده (یعنی قیامت).

﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

گفت: « ای پروردگار من، بسبب آنکه مرا گمراه کردی، بیگمان من (نعمت های) روی زمین را بر ایشان (زیب و) زینت میدهم، و بیگمان همه ایشان را گمراه میسازم. »

﴿٤٠﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

مگر بندگان مخلص تو از ایشان.

﴿٤١﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ

(خداوند) گفت: « این (روش بندگان صالح) راهیست راست بر من. (بر خود لازم گرفته ام که این بندگان را رهیاب سازم). »

﴿٤٢﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ

بیگمان تو بر بندگان من تسلطی نخواهی یافت، مگر (آنچه) از گمراهان که از تو پیروی میکنند.

﴿٤٣﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ

و بیگمان دوزخ وعده‌گاه همه ایشان است.

﴿٤٤﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ

آنرا هفت در است، برای هر دری گروهی از این گمراهان مشخص شده اند.

﴿٤٥﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

بیگمان پرهیزگاران در بهشت ها و (در کنار) چشمه‌سارها میباشند.

﴿٤٦﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ

(به ایشان به قسم تهنیت گفته میشود) با سلامتی و امنیت به آن درآیید.

﴿٤٧﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

هر کینه ای را که در سینه دارند میزداییم، برادروار بر تخت های به مقابل یکدیگر قرار دارند.

﴿٤٨﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ

در آنجا به ایشان رنجی نمی رسد، و نه هم از آنجا بیرون شدنی اند.

﴿٤٩﴾ نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بندگانم را خبر بده که بیگمان منم آن آمرزنده مهربان.

﴿٥٠﴾ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ

و (در عین حال) این عذاب من همانا عذابی است دردناک.

﴿٥١﴾ وَنَبِّئْهُمْ عَنْ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ

به ایشان از مهمان ابراهیم خبر بده.

﴿٥٢﴾ اِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ اِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ

چون بر او داخل شدند، (به او) سلام گفتند. (ابراهیم) گفت: « بیگمان ما از شما ترسناکیم. »

﴿٥٣﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

گفتند: « مترس، بیگمان ما بتو پسری دانا را مژده میدیم. »

﴿٥٤﴾ قَالَ اَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ اَنْ مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ

گفت: « آیا با وجود اینکه پیری‌ام فرا رسیده مرا بشارت دادید؟! پس به چه چیز مژده میدهید؟ »

﴿٥٥﴾ قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ

گفتند: « ما ترا به حق مژده دادیم. پس از (زمره) ناامیدان مباش. »

﴿٥٦﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَّحْمَةِ رَبِّهِ اِلَّا الضَّالُّونَ

گفت: « چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید میشود جز گمراهان؟! »

﴿٥٧﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

گفت: « ای فرستادگان (خدا) پس مأموریت شما چیست؟ »

﴿٥٨﴾ قَالُوا اِنَّا اُرْسِلْنَا اِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

گفتند: « بیگمان ما بسوی قوم گنهکار فرستاده شده‌ایم. »

﴿٥٩﴾ اِلَّا آلَ لُوطٍ اِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ اَجْمَعِينَ

مگر خانواده لوط، بیگمان ایشان همه را یکجا نجات خواهیم داد.

﴿٦٠﴾ اِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا ۗ اِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

جز زنش، مقدر داشتیم که او واقعاً از بازماندگان است.

﴿٦١﴾ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

پس چون فرستادگان نزد آل لوط آمدند.

﴿٦٢﴾ قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

او (به فرشتگان) گفت: « بیگمان شما گروهی ناآشنایید. »

﴿٦٣﴾ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ

گفتند: « بلکه ما بتو همان چیزی را آوردیم که ایشان به آن شک داشتند. »

﴿٦٤﴾ وَاتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّا لَصَادِقُونَ

به تو چیزی را آوردیم که حق است، و ما واقعاً راستگوییم.

﴿٦٥﴾ فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ

پس در پاسی از شب خانواده‌ات را (ازین شهر) ببر، عقب شان حرکت کن، و هیچ کدام از شما به عقب ننگرد. و بجاییکه مأمور شده اید بروید.

﴿٦٦﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوَلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ

این را (نیز) به وی وحی کردیم که بیگمان (در) صبحگاهان بنیاد آنها برکنده میشود.

﴿٦٧﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

ساکنان شهر (بسوی منزل لوط) آمدند، در حالیکه به یکدیگر (از مهمانان خوش روی لوط) بشارت میدادند.

﴿٦٨﴾ قَالَ إِنَّ هُوَلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ

لوط گفت: « بیگمان اینها مهمانان من اند، پس مرا رسوا نکنید. »

﴿٦٩﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

و از خدا بترسید، و مرا خجالت ندهید.

﴿٧٠﴾ قَالُوا أَوْلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ

گفتند: « آیا ترا از (حمایت) جهانیان منع نکرده بودیم؟ »

﴿٧١﴾ قَالَ هُوَلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

گفت: « اینها دختران من اند، اگر میخواهید کار (مشروع) انجام دهید (از ایشان بچیث زن نکاحی خود استفاده کنید). »

﴿٧٢﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

قسم به زندگانی تو (ای پیامبر)، ایشان در (نشئه) مستی خود سرگردان میباشند.

﴿٧٣﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ

و همینکه خورشید سر برکشید، ایشان را صدایی هولناک فرو گرفت.

﴿٧٤﴾ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ

پس ما (شهرهای شانرا زیرو رو کردیم و) بالای آنها پایین قرار دادیم، و بر ایشان سنگهایی از گل پخته بارانیدیم.

﴿٧٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ

بیگمان درین (قصه) نشانه‌هایی است برای علامه شناسان (یعنی مردم با فراست).

﴿٧٦﴾ وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ

این (شهر) ها در راه (آمد و شد مردم) واقع اند.

﴿٧٧﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

حقا که درین نشانه ایست برای مؤمنان.

﴿٧٨﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ

و بیگمان اهل ایکه (نیز از) ستمگاران بودند.

﴿٧٩﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ

لذا از آنها انتقام گرفتیم، و آن هر دو (شهر) بر سر راه آشکار قرار دارند.

﴿٨٠﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ

و بیگمان اهل حجر (نیز) پیامبران را تکذیب کردند.

﴿٨١﴾ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

ما آیات خویش را به آنها دادیم، ولی ایشان از آن روگردان بودند.

﴿٨٢﴾ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ

ایشان خانه های امنی را از کوهها برای خود می تراشیدند.

﴿٨٣﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْبِحِينَ

پس ناگاه صدای هولناکی ایشان را صبحگاهان گرفت.

﴿٨٤﴾ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

پس آنچه را بدست می آوردند از ایشان (عذاب خدا را) دفع نکرد.

﴿٨٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ ۗ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ

الْجَمِيلَ

و ما آسمانها، زمین و آنچه را در بین آنهاست نیافریدیم مگر به حق. و بیگمان قیامت آمدنی است. لذا (از ایشان) به گذشتی نیکو درگذر.

﴿٨٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

بیگمان پروردگار تو، هم اوست آفریننده (و) دانا.

﴿٨٧﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ

و بیگمان به تو هفت آیه ای از دوتایی ها (یعنی آیات هفتگانه سوره فاتحه را که مکرر خوانده میشود) و قرآن عظیم (الشأن) را دادیم.

﴿۸۸﴾ لَا تُمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ

چشمان خود را به آنچه به گروه هایی از ایشان دادیم مدوز، و بر ایشان اندوهگین مشو، و بال خود را بر مؤمنان بگستر.

﴿۸۹﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ

و بگو: «حقا که منم آن بیم دهنده آشکار.»

﴿۹۰﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

(بر شما) چنان (عذابی را) نازل کنیم که بر تقسیم کنندگان (نازل گردانیدیم).

﴿۹۱﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ

آنهایی که قرآن را متفرق ساختند (یعنی بعضی را قبول و برخی را رد کردند).

﴿۹۲﴾ فَوَرِّبْكَ لِنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

پس قسم به پروردگارت که البته از همه ایشان سوال کنیم.

﴿۹۳﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

از آنچه میکردند.

﴿۹۴﴾ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

پس آشکارا ساز آنچه را به آن مأمور میشوی، و از مشرکان روی برتاب.

﴿۹۵﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ

حقا که ما در برابر تمسخر کنندگان ترا بسنده ایم.

﴿۹۶﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

آنانیکه با خدا معبودی دیگر را قرار میدهند، ولی بزودی (به حقیقت) پی میبرند.

﴿۹۷﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ

ما واقعاً میدانیم که از سبب آنچه میگویند سینهات تنگ میشود.

﴿۹۸﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

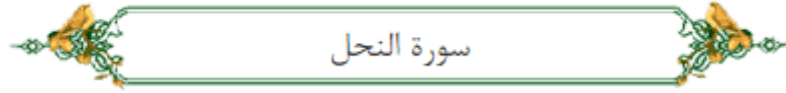
پس پروردگارت را به پاکی یاد کن، و از زمره سجده کنندگان باش.

﴿۹۹﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

و پروردگارت را پرستش کن تا هنگامیکه به تو یقین (یعنی مرگ) فرا رسد.

(۱۶) سوره النحل:

این سوره مکی و دارای (۱۲۸) آیه بوده و (زنبور غسل) معنی دارد، بخاطر ذکر داستان نحل یا زنبور غسل به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۗ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

فرمان خدا فرا رسید، پس به آن شتاب مکنید. پاکی مر او راست، و برتر است از اینکه به او شریک می‌آورند.

﴿۲﴾ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ

فرشتگان را با وحی به اراده خود بر هر که از بندگان خود که بخواهد نازل میگرداند، (و به آنها دستور میدهد) که «مردم را برحذر دارید، به اینکه بیگمان معبودی جز من نیست، لذا از من بترسید.»

﴿۳﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

آسمانها و زمین را بحق آفرید. برتر است از آنکه به او شریک قرار میدهند.

﴿۴﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

انسان را از نطفه‌ای آفرید، و سرانجام او ستیزنده‌ای آشکارا شد.

﴿۵﴾ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا ۗ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

و چارپایان را برای شما آفریده است، در آنها برای (گرم ساختن بدن) شما لباس و منافعهای دیگری است، و از (گوشت و شیر) آنها میخورید.

﴿۶﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

و چون شامگاهان آنها را به استراحتگاههای شان میرانید، و حینیکه صبحگاهان ایشانرا به چراگاهها میبرید، در آنها برای شما زینتی است.

﴿۷﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۗ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ

و بارهای سنگین شما را به شهری حمل میکنند، که شما (بدون این چارپایان) به آن رسنده نیستید، مگر به تن دادن به مشقت. حقا که پروردگار شما واقعاً رؤوف و مهربان است.

﴿۸﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۗ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و اسپها، قاطرها و خرانرا (آفریدیم) تا بر آنها سوار شوید و (تا مایه) زینت (شما باشد)، و (خداوند) وسایل (حمل و نقل دیگری) را می آفریند که شما نمی دانید.

﴿٩﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ ۖ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ

و خداوند (بر خود لازم گرفته است که) براه راست رهنمایی میکند، ولی راههای کجی هم است، و اگر (خدا) میخواست همه شما را رهیاب میساخت.

﴿١٠﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

اوست که از آسمان آب را نازل کرد که آشامیدنی شما از آن است، و از آن نباتات (شما سیراب میشود)، (و) در آن (حیوانات خود را) میچرانید.

﴿١١﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

بوسیله آن (آب) برای شما غله، زیتون، خرما، انگور و از هر نوع میوهها را میرویانند. بیگمان درین نشانه‌ای است برای مردمی که فکر میکنند.

﴿١٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّلَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۚ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و برای شما شب، روز، آفتاب و ماه را رام گردانید، و (نیز) ستارگان به حکم او رام شده اند. حقا که درین نشانه‌هایی است برای مردمی که میفهمند.

﴿١٣﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

و آنچه را برای شما در زمین با رنگ‌های گوناگون آفرید (نیز دست آموز شما گردانید)، بیگمان درین نشانه‌ایست برای مردمی که پند میگیرند.

﴿١٤﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ

مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و اوست که بحر را دست آموز گردانید، تا از آن گوشت تازه بخورید، و از آن زیور بیرون آرید که آنرا میپوشید، و کشتی‌ها را می بینی که سینه دریا را میشگافند، و تا (بوسیله تجارت) از فضل خداوند بهره اندوز شوید، و تا باشد که شما سپاسگزار شوید.

﴿١٥﴾ وَالْقَلَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و در زمین کوههای محکم پا برجا کرد، تا مبادا شما را بجنباند. و رودبارها و راهها را (آفرید) تا باشد که رهیاب شوید.

﴿١٦﴾ وَعَلَامَاتٍ ۗ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

و (نیز) نشانه ها را (آفرید)، و بوسیله ستارگان ایشان (یعنی انسانها) رهیب میشوند.

﴿١٧﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند؟! آیا پند نمیگیرید؟

﴿١٨﴾ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ

و اگر نعمت های خدا را حساب کنید، آنها را (هرگز) شمار کرده نمیتوانید. حقا که خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿١٩﴾ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

و خداوند آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار میکنید می داند.

﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

و آنانی را که بجز خدا می پرستند چیزی را نمی آفرینند، بلکه خودشان آفریده میشوند.

﴿٢١﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ ۗ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

مردگانی اند بدون زندگانی، و نمیدانند که کی برانگیخته میشوند.

﴿٢٢﴾ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۗ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

خدای شما خداوند یگانه است، و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند دلهای شان منکر (حق) است، و هم ایشانند سرکش.

﴿٢٣﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ

لاجرم آنچه را ایشان پنهان میدارند و آنچه را آشکارا می کنند خداوند میداند، بیگمان او سرکشان را دوست ندارد.

﴿٢٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۗ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

و چون به ایشان گفته شود « چیست آنچه پروردگار شما نازل کرده است؟ » میگویند: « افسانه های پیشینیان است. »

﴿٢٥﴾ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَمَنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ أَلا سَاءَ مَا

يُزْرُونَ

تا بار گناهان خود را روز قیامت بطور کاملی بر دوش کشند، و نیز قسمتی از بار گناه کسانی را که بر اساس نادانی آنها را گمراه کرده اند. آه چه بد است بار گناهی که آنرا بر دوش میکنند؟!

﴿٢٦﴾ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

بیگمان کسانی که پیش از ایشان بودند (نیز) دسیسه چیدند. پس خداوند ریشه شانرا از بیخ و بن برکشید، سقف بر ایشان از بالای سر شان فرو ریخت، و عذاب از جایی به سراغ شان آمد که هرگز احساس نمیکردند.

﴿٢٧﴾ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ وَيَقُولُ أَيَّنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

سپس در روز قیامت (خداوند) ایشانرا رسوا میکند، و میگوید: « کجايند شريكان من که بخاطر ایشان (با خداجويان) منازعه میکردید؟ » کسانی که برای شان علم داده شده میگویند: « بیگمان رسوایی و بدنامی امروز بر کافران است. »

﴿٢٨﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ ۚ فَأَلْقُوا السَّلَامَ ۗ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ ۚ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آنانی که فرشتگان روح شان را در حالی میگیرند که بر خود ستم کار بودند، پس ایشان تسلیم میشوند (و میگویند) « ما عملی بدی انجام نمی دادیم.» آری بیگمان خداوند به آنچه میکردید داناست.

﴿٢٩﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

پس به درهای دوزخ درآیید، برای همیشه در آن بسر برید، و چه بد جایی است جایگاه سرکشان؟!

﴿٣٠﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۚ قَالُوا خَيْرًا ۗ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ ۗ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ

و چون به پرهیزگاران گفته شود « چیست آنچه پروردگار شما نازل کرده است؟ » میگویند: « خیر را، برای کسانی که درین دنیا نیکوکاری کردند خوبی می شود. و بیگمان سرای آخرت (از آن هم) بهتر است، و هرآینه (آخرت) سرای نیکو برای متقیان است. »

﴿٣١﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ ۗ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

بهشت های جاودانیکه به آن داخل میشوند، از زیر (درختان) آنها جوی بارها جریان دارد. در آنجا برای شان هر چه بخواهند فراهم میشود. خداوند پرهیزگاران را بدینگونه مزد میدهد.

﴿٣٢﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ۗ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آنانیکه فرشتگان روح شان را در حالی میگیرند که پاکیزه‌اند. (فرشتگان برای شان) میگویند: «سلام بر شما باد. داخل جنت شوید، به سبب آنچه می‌کردید.»

﴿۳۳﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ ۗ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

آیا (کافران) جز به آمدن فرشته‌ای (در هنگام قبض روح) یا فرمان پروردگارت (در روز قیامت) انتظار میکشند؟ کسانی که پیش از ایشان بودند (نیز) چنین کردند، و خدا بر ایشان ستم نکرد بلکه ایشان خود بر خویش ستم میکردند.

﴿۳۴﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

پس به ایشان جزای اعمال ناشایسته‌ای که انجام میدادند رسید، و چیزی که به آن تمسخر می کردند آنها را فرا گرفت.

﴿۳۵﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

مشرکان گفتند: «اگر خداوند میخواست هیچ چیزی را بجز او پرستش نمی کردیم، نه ما و نه (هم) پدران ما، و نه به غیر (از فرمان) وی چیزی را حرام میدانستیم.» کسانی که پیش از ایشان بودند (نیز) چنین کردند، ولی آیا بر پیامبران جز ابلاغ آشکارا چیز دیگری هست؟

﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۗ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ۗ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ

و بیگمان در هر امتی رسولی (با این فرمان) فرستادیم که خدا را پرستش کنید و از بتان بپرهیزید. از ایشان کسی بود که خدا او را هدایت کرد، و از ایشان کسی بود که بر وی گمراهی متحقق گردید. پس در زمین سفر کنید، و بنگرید که تکذیب کنندگان (حق) به چه سرنوشتی دچار شدند.

﴿۳۷﴾ إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ ۗ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

هر قدر بر هدایت ایشان حریص باشی، پس بیگمان خدا کسی را که گمراه میسازد هدایت نمیکند، و ایشان را یاری دهنده‌ای نیست.

﴿۳۸﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۗ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ ۗ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و شدیدترین سوگندهای شان را به خدا می خورند که کسی را که بمیراند بر نمی انگیزد. نه خیر، (این) وعده‌ای است بر وی لازم (یعنی بجا کردن این وعده را بر خود لازم کرده است) اما اکثر مردم نمی دانند.

﴿٣٩﴾ لَبِيبِينَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ

(ایشان برانگیخته میشوند) تا آنچه را در آن اختلاف میکنند برای شان روشن سازد، و تا کافران بدانند که واقعاً دروغگو بودند.

﴿٤٠﴾ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

بیگمان حکم ما برای چیزی که (پیدایش) آنرا اراده کنیم اینست که به آن میگوییم « شوا! » پس میشود.

﴿٤١﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۗ وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ

أَكْبَرُ ۗ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

و آنانیکه برای خدا ترک دیار کردند، بعد از آنکه به ایشان ستم شده است، در (این) دنیا ایشان را جای نیکو میدهیم. و مزد آخرت (ایشان) واقعاً بزرگتر است اگر میدانستند.

﴿٤٢﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

آنها که صبر ورزیدند و بر پروردگارشان اعتماد میکنند.

﴿٤٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ ۗ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و پیش از تو (نیز) جز مردانی را که به ایشان وحی مینمودیم نفرستادیم. پس اگر آگاهی ندارید از مردم باخبر بپرسید.

﴿٤٤﴾ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۗ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

(ایشانرا) با نشانه های روشن و کتب (فرستادیم)، و به تو (نیز) کتاب را نازل کردیم، تا آنچه را بمردم نازل شده به ایشان بیان کنی، و تا باشد که ایشان فکر کنند.

﴿٤٥﴾ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا

يَشْعُرُونَ

آیا آنانیکه توطئه های شومی میچینند ازین ایمن شدند که خداوند ایشانرا به زمین فرو برد یا به ایشان عذاب از جانبی بیاید که ندانند؟

﴿٤٦﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

یا ایشانرا در (هنگام) آمد و شد شان بگیرد، در حالیکه آنها (خداوند را ازین) عاجز ساخته نمیتوانند (که ایشانرا عذاب کند)؟

﴿٤٧﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

یا ایشانرا بعد از هوشدار گرفتار کند؟ پس بیگمان پروردگار شما مهربان (و) بخشاینده است.

﴿٤٨﴾ أَوْلَم يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ

دَاخِرُونَ

آیا به چیزهاییکه خدا آفریده است نمی نگرند که سایه های آن از راست و چپ در حال فروتنی به خدا سجده میکنند.

﴿٤٩﴾ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از جانداران و فرشتگان (همه آنها) به خدا سجده میکنند و ایشان سرکشی نمی نمایند.

﴿٥٠﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾

(ایشان) از پروردگار خود که بر ایشان (حاکم) است می ترسند، و به آنچه به آن امر کرده میشوند بجا می آورند.

﴿٥١﴾ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلِهَيْنِ اثْنَيْنِ ۚ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۚ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ

و خدا هدایت داده است که دو معبود مگیرید. بیگمان او همانا خدای یگانه است. پس از من (و تنها از من) بترسید.

﴿٥٢﴾ وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا ۚ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ

آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست، و دین همواره از آن اوست. پس آیا از غیر خداوند میترسید؟!

﴿٥٣﴾ وَمَا بِكُمْ مِّنْ نُّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۚ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ

و هر نعمتی که بشما (ارزانی شده) است از جانب خداوند است. سپس چون بشما مصیبتی برسد بسوی او می نالید.

﴿٥٤﴾ ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

باز چون مصیبت را از شما برطرف ساخت، در آن وقت گروهی از شما به پروردگار خود شریک می آوردند.

﴿٥٥﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ ۚ فَتَمَتَّعُوا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

و به این ترتیب به آنچه (از نعمتهای خویش) به ایشان دادیم ناسپاسی میکنند. پس (روزی چند) بهره مند شوید. به زودی (جزای خود را) درخواهید یافت.

﴿٥٦﴾ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۚ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ

برای چیزیکه نمیدانند (برای بتان) قسمتی از آنچه را به ایشان روزی دادیم اختصاص میدهند. به خدا که از آنچه افتراء میکنید مورد سوال قرار میگیرید!

﴿٥٧﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ ۚ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ

و برای خدا دخترانی قرار میدهند. منزه است او (از اینکه فرزندی داشته باشد) و برای خویش آنچه را میل دارند (مقرر میدارند).

﴿٥٨﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

و هنگامی به یکی از آنها از (تولد) دختری مژده داده شود، رنگش سیاه و (چهره‌اش) غضب آلود میگردد.

﴿٥٩﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

از سبب خبر بدی که به او داده شده از اقوام خود متواری میگردد. آیا آنرا با (قبول) ننگ نگهدارد یا در خاک گورش کند؟ آه چه بد است آن چه حکم میکنند!

﴿٦٠﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّءِ ۗ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند صفت (های) زشت است، و برای خداوند صفت (های) عالی. و اوست صاحب قدرت منیع (و) باحکمت.

﴿٦١﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۗ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

و اگر خدا مردم را بخاطر ستمگاری ایشان مؤاخذه کند، هیچ جانوری را بر زمین نمیگذارد. ولی ایشانرا تا وقتی معین مهلت میدهد. پس وقتی که میعادشان بسر رسید، نه تأخیر میکنند و نه هم (ساعتی) پیش میروند.

﴿٦٢﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ ۗ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ

و آنچه را که (خود) از آن کراهیت دارند به خدا نسبت می دهند، و زبان شان (این) دروغ را میگوید که ایشانرا (سرانجام) نیک است. لاجرم برای ایشان آتش است و ایشان از پیشگامان (دوزخ) اند.

﴿٦٣﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَرِئِن لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

به خدا که به امت های پیش از تو (نیز پیامبران را) فرستادیم، پس شیطان اعمال (زشت) شانرا به ایشان نیکو جلوه داد. امروز (نیز) شیطان یاورشان است، و برای ایشان عذابی است دردناک.

﴿٦٤﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ما قرآن را جز برای این به تو نازل نکردیم که همان چیزی را که در آن اختلاف میورزیدند بیان کنی، و (نیز) هدایتی و مرحمتی باشد برای مؤمنان.

﴿٦٥﴾ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

و خدا از آسمان آبی را فرستاد، و با آن زمین را بعد از مرگ آن زندگی بخشید. حقا که درین نشانه ایست برای گروهی که گوش فرا میدهند.

﴿٦٦﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ

و بیگمان در چارپایان (نیز) برای شما (درس) عبرتی است از آنچه در شکم وی است. از میان سرگین و خون به شما (چنان) شیر خالصی می نوشانیم که برای نوشندگان خوشگوار است.

﴿٦٧﴾ وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و از میوه های درختان خرما و تاک انگور شراب نشه آور و روزی نیکو میگیرید. بیگمان درین نشانه ایست برای گروهی که عقل خویش را بکار می برند.

﴿٦٨﴾ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ

و پروردگار تو به زنبور عسل الهام کرد که « از کوهساران و درختان و از چيله هایی که (مردم) میسازند برای خود خانه ای برگزین. »

﴿٦٩﴾ ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۗ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

سپس از همه (انواع) میوه ها بخور، و از راه هایی (که) پروردگارت (برای تو) هموار (و تعیین کرده) برو. از شکم آنها نوشیدنی با رنگهای گوناگون بیرون میشود، که در آن شفایی است برای مردم. بیگمان در این نشانه ایست برای قومی که فکر میکنند.

﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۗ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

و خداوند شما را آفرید، سپس شما را میمیراند. و بعضی شما به ذلیل ترین (دوره) عمر بازگشت داده میشود، بگونه ای که بعد از آنکه (بسا چیزها را) فرا گرفته بود (بار دیگر) چیزی را نمیداند. بیگمان خداوند دانا (و) تواناست.

﴿٧١﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۗ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۗ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

و خداوند بعضی شما را بر بعضی در روزی برتری داد. پس آنانیکه برای شان برتری داده شده حاضر نمیشوند روزی خود را بر بردگان خود واگذار شوند، تا ایشان مساوی گردند. آیا ایشان نعمت خدا را انکار میکنند؟!

﴿۷۲﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

و خداوند برای شما از جنس خود شما همسرانی آفرید، و از همسران شما برای شما فرزندان و نواسگانی آفرید، و از چیزهای پاک به شما روزی داد. آیا به باطل (یعنی بتان) ایمان می آورند و به نعمت خدا ناسپاس میشوند؟

﴿۷۳﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ
و جز خدا (کسی را) پرستش میکنند که برای شان از آسمان ها و زمین چیزی را روزی داده نمی تواند و توانایی این کار را (هم) ندارد؟

﴿۷۴﴾ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

پس برای خدا همانندانی قرار ندهید. بیگمان خدا میداند و شما نمی دانید.

﴿۷۵﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۗ هَلْ يَسْتَوُونَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

خداوند مثل میزند بنده مملوک را که بر چیزی توانایی ندارد، و کسی را که از نزد خود برای او روزی نیک دادیم. پس او از آن روزی پنهان و آشکارا خرج می کند. آیا (این دو تن) برابر بوده میتوانند؟ ستایش خدای راست، ولی اکثر ایشان نمیدانند.

﴿۷۶﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يُاتِ بِخَيْرٍ ۗ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ ۗ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و خداوند مثالی زده است از دو نفر که یکی از ایشان گنگ است، بر چیزی قدرت ندارد، و بر دوش صاحب خود باری گران است، به هر جا که او را بفرستد خیری از آنجا نیاورد. آیا این شخص با کسی برابر شده میتواند که به عدل دستور می دهد، و خودش (هم) براه راست قرار دارد؟

﴿۷۷﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحٍ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(علم) غیب آسمانها و زمین از آن خداوند است. آمدن قیامت به مانند چشم بهم زدن (زود و آسان صورت میگیرد) یا از آن (هم) نزدیکتر. بیگمان خداوند بر همه چیزها تواناست.

﴿٧٨﴾ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
وَالْأَفْئِدَةَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و خداوند شما را از شکم مادران شما بیرون آورد، در حالیکه چیزی را نمی دانستید. و برای شما (گوش) شنوا، چشم (بینا) و دل آگاه داد، تا باشد که سپاسگذار شوید.

﴿٧٩﴾ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا به پرندگان که در جو آسمان رام شونده اند (یعنی به پرواز می آیند) نظر نیفگندند؟ ایشان را (در آنجا) نگه
نمیدارد مگر خدا. بیگمان درین نشانه هایی است برای گروه مؤمنان.

﴿٨٠﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ
ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ ۗ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

و خداوند از خانه های شما برای شما محل آرامش ساخت، و از پوست حیوانات (نیز) برای شما خانه ها ساخت،
که در هنگام (حمل و نقل) سفر خویش و در هنگام اقامت خویش آن (خانه ها) را سبک می یابید. و از پشم
کُرک و موی آنها اثاثیه و سامان مهیا فرمود (که) تا وقت معینی (از آن کار میگیرید).

﴿٨١﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ضَلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيكُمْ
الْحَرَّ وَسَرَائِلَ تَقِيكُمْ بِأَسْكُمْ ۗ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

و خداوند از آنچه آفرید برای شما سایه هایی بوجود آورد، و برای شما از کوهها پناهگاه هایی ساخت، و برای شما
پیراهن هایی آفرید که در گرما نگهبان شما باشد، و پیراهن هایی آفرید که در جنگ نگهبان شما باشد. بدینگونه
نعمت های خود را بر شما تمام میکند تا باشد که فرمانبردار باشید.

﴿٨٢﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

پس اگر روی برتابند، بر تو جز این نیست که پیام آشکارا را ابلاغ کنی.

﴿٨٣﴾ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ

نعمت خداوند را میشناسند، باز از آن انکار میورزند، و اکثر ایشان ناسپاس اند.

﴿٨٤﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

و روزی که ما از هر گروهی گواهی برمی انگیزیم. سپس به کافران اجازه (سخن گفتن) داده نمیشود، و نه (هم)
توبه شان قبول میشود.

﴿٨٥﴾ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

و هنگامیکه ستمگران عذاب را ببینند، از ایشان (عذاب) تخفیف نمیشود، و نه (هم) مهلت داده میشوند.

﴿۸۶﴾ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِن

دُونِكَ ۖ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

و هنگامیکه مشرکان شریکان خود را ببینند میگویند: « پروردگار ما، اینها همان شریکانی اند که ما به ایشان بجای تو نیایش میکردیم. « درین حال (مشرکان) سخن شانرا بروی شان زده (می گویند): « بیگمان شما دروغگو هستید. »

﴿۸۷﴾ وَالْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

در آن روز همه خود را به خداوند تسلیم میکنند. و آنچه را افتراء میکردند از آنها گم میشود (یعنی آنها را در خلاء میگذارد).

﴿۸۸﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ زِنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

آنانیکه کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بر ایشان عذابی را بر بالای عذابی دیگر می افزاییم، به سبب اینکه فساد میکردند.

﴿۸۹﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ ۖ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ ۖ وَنَزَّلْنَا

عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

و روزی که ما در هر امتی از (میان) خودشان گواهی برانگیزیم، و ترا بر این ها گواه بیاوریم. و بر تو کتاب را نازل کردیم که هر چیز را توضیح میکند، و هدایت، رحمت و (نیز) مژدهای است برای مسلمانان.

﴿۹۰﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

وَالْبَغْيِ ۖ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

بیگمان خداوند به عدل، نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان امر کرده، و از فحشاء، کار ناپسندیده و ظلم نهی میکند. شما را پند میدهد تا باشد پندپذیر شوید.

﴿۹۱﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ

كَفِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

پیمان خدا را - چون متعهد میشوید - ایفا کنید. و سوگندهای خویشرا بعد از تأکید آنها مشکنید، در حالیکه واقعاً خدا را بر (سوگند) خود ضامن گردانیده اید. حقا که خداوند آنچه را شما انجام میدهید میداند.

﴿۹۲﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقْضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ

أُمَّةً هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۗ إِنَّمَا يَبُلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۗ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و مانند زنی مباشید که رشته خود را بعد از تابیدن آن می‌گسست و وا می‌تابید، و (به این ترتیب) سوگندهای خود را در میان خویش بهانه‌ای (برای فریبکاری‌ها) قرار دهید به اینکه گروهی از گروهی (دیگر) سبقت جسته اند. حقیقت اینست که خداوند شما را به این (چیز) ها می‌آزماید، و تا برای شما در روز قیامت چیزهایی را که در مورد آن اختلاف داشتید روشن سازد.

﴿۹۳﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَلْتَسألنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و اگر خدا میخواست شما را امت واحدی میساخت، و لیکن هرکرا بخواید گمراه میکند و هرکرا بخواید رهیاب میگرداند. و البته در برابر اعمال خود مورد سوال قرار داده میشود.

﴿۹۴﴾ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَرِلَّ أقدامُ بَعْدَ ثبوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

سوگندهای خود را بهانه (برای فریبکاری) میان خویش مگردانید، تا مبادا قدمی بعد از استوار شدن آن بلغزد. و به سبب اینکه مردم را از راه خدا باز داشته اید، عقوبت آنرا بچشید، و بشما عذابی دردناک عاید شود.

﴿۹۵﴾ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و در برابر عهد خدا بهای ناچیزی نستانید. بیگمان آنچه نزد خداست برای شما بهتر است، اگر بدانید.

﴿۹۶﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنچه نزد شماست تمام (یعنی فانی) میشود، و آنچه نزد خداست باقی می‌ماند. و بیگمان مزد صبر کنندگان را به نیکوترین اعمال شان پاداش میدهیم.

﴿۹۷﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ۗ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر کسیکه کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، و (در صورتیکه) مسلمان باشد، پس بیگمان او را زندگی پاکیزه‌ای (میسر) می‌گردانیم، و ایشانرا به نیکوترین اعمال شان پاداش میدهیم.

﴿۹۸﴾ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و چون قرآن را می‌خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.

﴿۹۹﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

بیگمان بر آنانیکه ایمان آوردند و بر خدا توکل میورزند (شیطان) سلطه‌ای ندارد.

﴿١٠٠﴾ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ

سلطه او بر کسانی است که او را حامی خود قرار میدهند، و (نیز) آنانیکه (به خدا) شرک می آورند.

﴿١٠١﴾ وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا

يَعْلَمُونَ

و چون آیه‌ای را به آیه دیگر عوض کنیم، و خدا بر هر چیزیکه نازل میکند بهتر میدانند، میگویند بیگمان تو مفتری هستی. بلکه اکثر ایشان نمیدانند.

﴿١٠٢﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ

بگو روح القدس این (آیات) را از جانب پروردگار تو بحق نازل کرده است، تا مؤمنان را ثابت قدم گرداند، و هدایت و مزدهای باشد برای مسلمانان.

﴿١٠٣﴾ وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ۗ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ

عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

و بیگمان ما می دانیم که کافران میگویند: « کسی که به او این (آیات) را می آموزد بشر است. » زبان کسی که به او اشاره می کنند عجمی است، و این (قرآن) به زبان عربی آشکار است.

﴿١٠٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بیگمان آنانیکه به آیات خدا ایمان نمی آرند خدا ایشانرا رهیاب نمیسازد، و برای شان عذابی دردناک است.

﴿١٠٥﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

واقعاً کسانی این دروغ را بر می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند، و ایشان (خود) واقعاً دروغگویان اند.

﴿١٠٦﴾ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ

صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

هر کس به خدا کافر شد بعد از ایمان خود، (خشم خدا بر اوست) مگر آنکه مجبور ساخته شد ولی دلش به ایمان استوار بود. اما آنکه به کفر سینه‌اش گشوده شد، پس خشم خدا بر آنهاست. و عذاب بزرگی در انتظارشان است.

﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

این (عذاب) از آن سبب است که ایشان زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند. و اینکه خدا گروه کافران را رهیاب نمی سازد.

﴿١٠٨﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَتْهُمْ ۗ وَأَبْصَارِهِمْ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

ایشان اند که خدا بر دلها، گوشها و چشمان شان مهر نهاده، و هم ایشان اند غفلت زدگان (واقعی).

﴿١٠٩﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

لاجرم در آخرت هم ایشان اند زیانکاران.

﴿١١٠﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ

رَحِيمٌ

اما واقعاً پروردگارت برای آنانی که بعد از تحمل مصیبت هجرت کردند، سپس به جهاد پرداختند و صبر کردند، حقا که پروردگار تو بعد ازین (در حق ایشان) آمرزگار (و) مهربان است.

﴿١١١﴾ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

روزی که هر شخصی بیاید و برای خویش جدال کند، به هر شخصی جزای آنچه کرده (کاملاً) داده می شود، و به ایشان ستم نمیشود.

﴿١١٢﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ

اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و خدا (اهل) قریه‌ای را مثال زد که از آرامش کاملی برخوردار بودند، و از هر جا برای شان روزی فراوان می آمد، پس در برابر نعمت های خدا ناسپاس شدند. بنابراین خداوند بر ایشان به سبب آنچه مرتکب میشدند (تلخکامی) لباس گرسنگی و دهشت را چشانید.

﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

بیگمان به ایشان از (میان) خودشان پیامبری آمد ولی او را تکذیب کردند. پس در حالیکه به ستمکاری خویش دوام میدادند، ایشان را عذاب فرا گرفت.

﴿١١٤﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

لذا از آنچه خداوند به شما روزی گردانیده حلال (وار) و پاکیزه بخورید، و شکر نعمت خداوند را بجا آرید، اگر او را میپرستید.

﴿١١٥﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۗ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ

وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

خداوند تنها به شما (گوشت) خودمرده، خون و گوشت خوک را حرام گردانیده و (نیز) آنچه با نام غیر خدا ذبح شده باشد. چون کسی ناچار شد، در صورتیکه ستم نورزد و از حد تجاوز نکند، پس بیگمان خداوند آمرزگار مهربان است.

﴿١١٦﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتُفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ

الْكَذِبَ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

به هر چیزیکه زبان شما به دروغ (حکم) آنرا بیان میکند مگویید: « این حلال است و این حرام است » تا (بدین وسیله) بر خدا دروغی را افتراء کنید. بیگمان کسانی که بر خدا دروغی را افتراء میکنند (هرگز) رستگار نمیشوند.

﴿١١٧﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

(از) بهره‌مندی اندک (مستفید میشوند، ولی) برای شان عذابی دردناک است.

﴿١١٨﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ

يَظْلِمُونَ

و بر یهودان (صرف) چیزهایی را که به تو پیش ازین بیان کردیم حرام گردانیده بودیم. ما بر ایشان ستم نکردیم، بلکه خودشان بر خویشان ستم کردند.

﴿١١٩﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّوْءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ

بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ

سپس پروردگار تو کسانی را که به نادانی مرتکب اعمال ناشایسته شدند ولی بعد از آن توبه کردند و نیکوکار شدند، بیگمان پروردگار تو بعد ازین توبه (شان) آمرزگار و مهربان است.

﴿١٢٠﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بیگمان ابراهیم (به خودی خود) یک امت بود، (بنده‌ای بود) فرمان بردار خدا و برکنار از انحراف، و از (زمره) مشرکان نبود.

﴿١٢١﴾ شَاكِرًا لِنِعْمِهِ ۗ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

سپاسگزار نعمت های خدا، (خداییکه) او را برگزید و براه راست رهیابش نمود.

﴿١٢٢﴾ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۗ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

در دنیا برایش نیکویی دادیم، و بیگمان در آخرت از (زمره) نیکوکاران است.

﴿١٢٣﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

سپس به تو وحی کردیم که آیین ابراهیم را پیروی کن، (کسی را) که از انحراف برکنار بود و از مشرکان نبود.

﴿١٢٤﴾ إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا

كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

واقعاً شنبه (و محدودیتهای این روز) بر کسانی قرار داده شد که در مورد آن اختلاف ورزیدند، و بیگمان پروردگار تو در میان ایشان در آنچه در آن اختلاف کردند در روز قیامت فیصله میکند.

﴿۱۲۵﴾ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۗ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

(مردم را) بسوی راه پروردگارت به حکمت و پند نیکو دعوت کن. و به ایشان به طریقه‌ایکه بهترین (و مطبوع‌ترین طرق) است مناظره (و استدلال) کن. بیگمان پروردگار تو کسی را که از راه او منحرف شد از همه بهتر میشناسد، و (نیز) او راه یافتگان را از همه بهتر میشناسد.

﴿۱۲۶﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۗ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

و اگر مجازات میکردید، پس به همان اندازه‌ایکه بشما تعدی شده مجازات کنید. و اما اگر شکیبایی ورزید، این کار برای شکیبایان بهتر است.

﴿۱۲۷﴾ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۗ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

صبر کن، و نیست صبر تو مگر به (توفیق) خدا. و بر ایشان اندوهگین مشو، و از دسیسه‌های شان دلتنگ مباش.

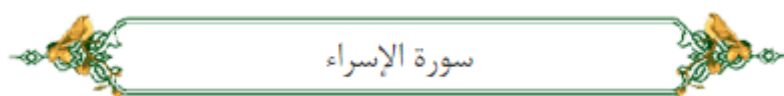
﴿۱۲۸﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

حقا که خداوند با پرهیزگاران و نیکوکاران است.

جزء یا سپاره پانزدهم - سبحان الذی

(۱۷) سورة الإسراء:

این سوره مکی و دارای (۱۱۱) آیه بوده و به معنی (حرکت شبانه) است، به سبب بیان اخبار رویداد عظیم و معجزه بزرگ سیر دادن شبانگاهی خاتم انبیا حضرت محمد صل الله و علیه وسلم از مکه به سوی مسجد الاقصی در جزئی از یک شب به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

پاک و منزه است ذاتیکه بنده خود را شبی از مسجد حرام به مسجد اقصا - که حومه آنرا با برکت ساختیم - برد، تا به او از آیات خود نشان بدهیم. بیگمان او شنوا (و) بینا است.

﴿٢﴾ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا

و موسی را کتاب دادیم، و آنرا هدایتی برای بنی اسرائیل گردانیدیم، و (گفتیم:) « بجز من کارسازی (برای خود) مگیرید. »

﴿٣﴾ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

(ای) فرزندان کسانی که ایشان را با نوح (در کشتی) برداشتیم، بدون شک نوح بنده سپاسگزاری بود.

﴿٤﴾ وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا

و به بنی اسرائیل در کتاب (شان) خاطر نشان کردیم که در زمین دو بار فساد خواهید کرد، و سرکشی بزرگی خواهید نمود (و دو بار مجازات خواهید شد).

﴿٥﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ ۚ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

چون موعد نخستین فرا رسد، بر شما بندگان پیکارجوی خود را می‌گماریم، که تا داخل خانه های (شما) را جستجو کنند. و این وعده ای است عملی شدنی.

﴿٦﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

سپس شما را بر ایشان غلبه دادیم، و شما را به دارایی و فرزندان مدد کردیم، و برای شما نفوس بیشتر دادیم.

﴿٧﴾ إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ ۖ وَإِن أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۚ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوِعُوا وُجُوهَكُمْ

وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا

اگر نیکویی کنید، به خود نیکویی میکنید. و اگر بدی کنید، باز هم به خود (بدی) میکنید. پس چون باری دیگر (موعد مؤاخذه شما) فرا رسد (همان کنیم که در نخستین بار کردیم)، تا بر چهره های شما آثار غم و اندوه ظاهر شود. و (باز دشمنان شما) داخل مسجد (اقصی) میشوند، همانگونه که بار اول داخل شده بودند، و بر هر چه دست یابند آنرا تباه میکنند.

﴿٨﴾ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ ۚ وَإِنْ عُدتُمْ عَلَيْنَا ۖ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

شاید پروردگار شما بر شما رحم کند. اما اگر شما (به گناهان خود) برگردید، ما هم (به مجازات خود) برمیگردیم، و دوزخ را برای کافران زندان ساختیم.

﴿٩﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

بیگمان این قرآن به راهی که استوارتر است هدایت میکند، و مسلمانانی را که عملی نیکو انجام میدهند بشارت میدهد که برای شان پاداشی بزرگ است.

﴿١٠﴾ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و کسانی که به آخرت ایمان نیاورده اند، برای شان عذابی دردناک آماده کرده ایم.

﴿١١﴾ وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا

و انسان بدی را بگونه‌ای میطلبد که (باید) نیکویی را طلب نماید. و آدمی شتابکار است.

﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۗ فَمَحْوِنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ ۗ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلَنَاهُ تَفْصِيلًا

ما شب و روز را دو نشانه گردانیدیم، پس نشانه شب را محو گردانیدیم، و نشانه روز (یعنی آفتاب) را روشنی بخش گردانیدیم، تا از پروردگار خویش طلب فضل کنید و تا شمار سالها و حساب را بدانید، و هر چیز را به تفصیل بیان کردیم.

﴿١٣﴾ وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۗ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا

شئامت عمل هر انسان را به گردن خود او بستیم، و روز قیامت کتابی را برای او بیرون می آوریم که آنرا کشوده می یابد.

﴿١٤﴾ أَفْرَأَى كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

(برای او گفته میشود که:) « کتاب (اعمال) خود را بخوان. خودت امروز بر خود بحيث حسابگر بسنده‌یی.]

﴿١٥﴾ مِّنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ

أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا

کسیکه رهیاب شد، بیگمان به فایده خود رهیاب میشود، و کسیکه گمراه شد بیگمان به زیان خود گمراه میشود. و هیچ بردارنده‌ای بار دیگری را برنمیدارد، و ما هرگز (کسی را) عذاب کننده نیستیم تا پیامبری را بفرستیم.

﴿١٦﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا

و چون بخواهیم دیاری را تباه گردانیم، توانگران سرکش آنرا امر میکنیم تا نافرمانی کنند. پس بر آن دیار حکم (عذاب) عملی میشود، و ما ایشانرا (بگونه شدیدی) در هم میکوبیم.

﴿١٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

چه بسا کسانی را از نسلهای بعد از نوح هلاک ساختیم، و پروردگار تو به گناهان بندگان خود بحيث دانا و بینا بسنده است.

﴿۱۸﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا

مَذْحُورًا

هر کسی چیزهای زودگذر (این دنیا) را خواسته باشد، ما در دم چیزی را که اراده کنیم برای کسی که خواسته باشیم میدهیم. سپس برای او دوزخ را آماده کرده ایم، در آنجا نکوهیده و رانده شده خواهد سوخت.

﴿۱۹﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُورًا

و هر که آخرت را بخواهد و برای (حصول) آن سعی خود را بکار برد و او مسلمان (نیز) باشد، پس سعی چنین کسانی پذیرفته شدنی است.

﴿۲۰﴾ كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۗ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

از عطای پروردگار تو (هم) این (گروه) و هم آن (گروه) همه را برخوردار میسازیم، و عطای پروردگار تو از کسی هرگز بازداشته نمیشود.

﴿۲۱﴾ انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا

بین چگونه بعضی را بر بعضی دیگر فضیلت داده ایم. (ولی) بیگمان آخرت بزرگتر است، هم از روی درجات و هم از روی فضیلت.

﴿۲۲﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا

با خدا معبود دیگری مگیر. ورنه (ای انسان) نکوهیده و بیچاره، زمین گیر میشوی!

﴿۲۳﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۗ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ

كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

پروردگار تو حکم کرده است که بجز او (هیچ کسی و هیچ چیزی) را پرستش نکنید، و با پدر و مادر نیکی کنید. اگر کسی از ایشان یا هردوی شان نزد تو به بزرگسالی می رسند، پس به ایشان اف مگو (یعنی کمترین اهانتی مکن)، و بر ایشان بانگ مزین، بلکه به ایشان به نیکویی سخن زن.

﴿۲۴﴾ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا

و بر ایشان بالهای تواضع خود را با مرحمت بگستران، و بگو: « پروردگارا، بر ایشان ببخشا! همچنانکه مرا در خوردسالی تربیه کرده اند. »

﴿۲۵﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ۗ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

پروردگار شما به آنچه در دلهای شما است بهتر میداند. اگر نیکوکار باشید، پس بیگمان خداوند کسانی را که بسوی او رجوع میکنند (یعنی توبه مینمایند) می آمرزد.

﴿٢٦﴾ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا

حق صاحب قرابت را بپرداز، و (نیز) حق مسکین و مسافر را. اما از اسراف خودداری کن.

﴿٢٧﴾ إِنَّ الْمُبْذَرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

مُسرفان بیگمان برادران شیاطین هستند، و شیطان به پروردگار خود ناسپاس است.

﴿٢٨﴾ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

و اگر از ایشان (یعنی ناداران) روی برمیتابی (که نادار هستی)، و در انتظار دریافت مرحمتی از جانب پروردگارت میباشی که امید آنرا داری، پس با ایشان سخنی ملایم بگو.

﴿٢٩﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

دست خود را (بخیلانته) به گردن خود میند، و (نیز) به آخرین حد آن مگشا، (به حدی) که ملامت و درمانده شوی و زمین گیر گردی.

﴿٣٠﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

حقا که پروردگار تو روزی را به هر که بخواهد میگشاید یا تنگ می گرداند. حقا که او به (مصلح) بندگان خویش آگاه (و) بینا است.

﴿٣١﴾ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۗ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۗ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

و اولاد خود را از ترس فقر مکشید، ما آنها و شما را روزی می دهیم. بیگمان کشتن ایشان گناهی بزرگ است.

﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْنَةَ ۗ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

و به زنا نزدیک مشوید، بیگمان (عملی) زشت است و راه بدی است.

﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا

يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ۗ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا

و کسی را که خداوند (قتل) او را حرام ساخته جز به حق مکشید. و کسی که به ستم کشته شود، پس بیگمان وارث او را صلاحیت (قصاص) دادیم. پس نباید در کشتن زیاده روی کند، بیگمان او (شرعاً) یاری داده شده است.

﴿٣٤﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۗ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ ۗ إِنَّ الْعَهْدَ

كَانَ مَسْئُولًا

به مال یتیم، جز به طریقی که نیکو است نزدیک مشوید، تا به نهایت قوت (یعنی سن رشد) خود برسد. و به عهد خود وفا کنید، بیگمان (هر کس) در مورد عهد (خویش) سوال میشود.

﴿٣٥﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۗ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و چون پیمانہ می‌کنید، (حق) پیمانہ را اداء کنید، و با ترازوی درست وزن کنید. این (کار) بهتر است و عاقبت آن نیکوتر.

﴿۳۶﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

و در پی چیزیکه به آن علم نداری مرو. بیگمان گوش، چشم و دل، هر یکی از اینها، مورد سؤال قرار داده میشود.

﴿۳۷﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

و بر زمین خرامان (یعنی باتکبر) راه مرو. بیگمان تو نمیتوانی زمین را بشگافی، و نه (هم) در درازی به کوه‌ها میرسی.

﴿۳۸﴾ كُلُّ ذَلِكُمْ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

از همه اینها، بدی آن نزد پروردگار تو ناپسندیده است.

﴿۳۹﴾ ذَلِكُمْ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۚ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ

مَلُومًا مَّدْحُورًا

این (رهنمودها) از حکمت‌هایی است که پروردگارت برایت وحی کرده است. و با خدا معبودی دیگر را قرار مده، تا ملامت شده و رانده شده به دوزخ افکنده نشوی.

﴿۴۰﴾ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ۚ إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا

آیا پروردگار شما، شما را به پسران برگزید و از فرشتگان برای خود دخترانی گرفت؟ برآستی که شما سخنی بزرگ (یعنی نهایت زشت) می‌گویید.

﴿۴۱﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا

و بیگمان ما درین قرآن انواع (مسایل) را بیان کردیم، تا ایشان پند بگیرند. ولی این (امر) بجز نفرت به ایشان نمی‌افزاید.

﴿۴۲﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَآتَوَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا

بگو: «اگر آنچنانکه می‌پندارند با خداوند معبودانی دیگر میبود، در آنصورت در جستجوی راهی (برای منازعه) بسوی (خداوند) صاحب عرش می‌افتادند.»

﴿۴۳﴾ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا

پاک است او از آنچه ایشان می‌گویند، بالاتر و در نهایت بزرگی است.

﴿۴۴﴾ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ ۚ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

او را آسمانهای هفتگانه، زمین و آنچه در میان آنهاست به پاکی یاد میکنند. و هیچ چیزی نیست مگر اینکه او را به پاکی می ستاید، ولیکن شما تسبیح ایشان را نمیدانید. حقا که او صاحب حلم و آمرزنده است.

﴿٤٥﴾ وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا

و چون قرآن را میخوانی، میان تو و آنانیکه به آخرت ایمان ندارند، حجابی نامرئی قرار میدهیم.

﴿٤٦﴾ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ

وَلَوْأَ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا

بر دلهای شان پوشش هایی می نهیم تا آنها نفهمنند، و در گوشهای شان گرانی را. و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد کنی، پشت میگردانند و فرار میکنند.

﴿٤٧﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ

إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

ما داناتریم به اینکه ایشان به چه چیزی گوش فرا میدهند، هنگامیکه به تو گوش فرا میدهند، و (نیز) هنگامیکه با هم به راز و نیاز میپردازند، در آن هنگامیکه ستمگاران میگویند: « پیروی نمیکنید مگر مرد جادو شده‌ای را. »

﴿٤٨﴾ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

بین چگونه برای تو مثالها زدند. پس گمراه شدند، و توان یافتن راهی را ندارند.

﴿٤٩﴾ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

و گفتند چون ما (مشتی از) استخوانها شویم و پوسیده گردیم، آیا (باز هم) به آفرینشی نو برانگیخته میشویم؟

﴿٥٠﴾ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

بگو: « آری، اگر سنگ باشید یا آهن. »

﴿٥١﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا ۚ قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ

مَرَّةٍ ۚ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۚ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا

« یا هر مخلوقی که در نظر شما بزرگ جلوه میکند (باز هم خدا به زنده ساختن شما قادر است). » آنها بزودی میگویند: « کیست که ما را باز میگرداند؟ » بگو: « کسی که شما را بار اول آفرید. » پس بزودی سرهای خود را (ه بعلامت انکار) بسوی تو جنبانیده خواهند گفت: « آن (برانگیختن) چه وقت است؟ » بگو: « شاید که نزدیک باشد. »

﴿٥٢﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا

روزیکه خدا شما را بخواند، و شما ستایش کنان او را اجابت کنید، و چنین پندارید که درنگ نکردید مگر اندکی.

﴿٥٣﴾ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا

و به بندگان من بگو تا چیزی بگویند که بهترین است. بیگمان شیطان میان ایشان نزاع می افکند. حقا که شیطان برای انسان دشمن آشکاری است.

﴿٥٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۚ إِنَّ يَشَأُ يَرْحَمَكُمُ أَوْ إِنْ يَشَأُ يُعَذِّبُكُمْ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا

پروردگار شما، شما را بهتر میشناسد. اگر بخواهد به شما رحم میکند، و اگر بخواهد شما را مجازات میکند. و ترا بر ایشان بحيث نگهبان نفرستادیم.

﴿٥٥﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

و پروردگار تو به آنچه در آسمانها و زمین است آگاه تر است. و بیگمان ما بعضی پیامبران را بر بعضی دیگر فضیلت دادیم. و به داوود زبور را دادیم.

﴿٥٦﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

بگو: « همانهایی را که غیر از او معبود میپندارید بخوانید. پس آنها توان رفع مشکلات را از شما ندارند، و نه (هم) در آن تغییری ایجاد کرده میتوانند. »

﴿٥٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا

آنهايي را که (کافران) نیایش میکنند خود به پروردگار خویش وسیله میجویند، تا کدام ایشان تقرب بیشتری حاصل کند، و رحمت او را توقع دارند، و از عذاب او میترسند. حقا که عذاب پروردگار تو محل ترس است.

﴿٥٨﴾ وَإِنْ مِّنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

و نیست شهر (و آبادی) مگر آنکه ما پیش از روز قیامت (اهل) آنرا هلاک کننده ایم، یا (ایشانرا) با عذاب شدید عذاب کننده ایم. این (حکم) در کتاب (یعنی لوح محفوظ) نوشته شده است.

﴿٥٩﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ ۚ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا ۚ وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا

هیچ چیزی ما را از این باز نداشت که نشانه های (قدرت خود) را بفرستیم، بجز آنکه پیشینیان آنها را تکذیب کردند. و اشتر ماده را به ثمود بحيث معجزه دادیم، اما ایشان بر آن ستم کردند. و ما با معجزات نمی فرستیم مگر تهدید را.

﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ ۗ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ ۗ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

و به یاد آور وقتی را که به تو گفتیم که بیگمان پروردگار تو به مردم احاطه (کامل) دارد. و ما آن رؤیا را که به تو نمایانیدیم نگردانیدیم مگر آزمایشی برای مردم، و (نیز) درخت لعنت شده را (که) در قرآن (ذکر شده است). و ما ایشانرا میترسانیم، ولی (این ترسانیدن) به ایشان نمی افزاید مگر سرکشی شدیدی را.

﴿٦١﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

و بیاد آر وقتی را که به فرشتگان گفتیم: « به آدم سجده کنید. » پس آنها سجده کردند، جز ابلیس. ابلیس گفت: « آیا کسی را سجده کنم که از گل آفریدی؟ »

﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَكِنَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا

(وی) گفت: « آیا دیدی این را که بر من برگزیدی؟ اگر مرا تا روز قیامت فرصت بدهی، یقیناً جز عده‌ای از اولاد او (دیگران همگی) را از ریشه برمیکشم (یعنی از راه حق به کنار میکشم). »

﴿٦٣﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا

(خداوند) گفت: « برو، پس هر کس از ایشان که ترا پیروی کند، بیگمان دوزخ جزای شماست، جزای کامل. »

﴿٦٤﴾ وَاسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَاعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ

وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

« هر کدام از ایشان را که میتوانی با آواز (فریبنده) خود (بسوی تباهی) برانگیزی، و با سواره و پیاده خود بر ایشان هجوم آور، و با ایشان در ثروت و فرزندان شریک شو، و به ایشان وعده بده. » و شیطان به اینها وعده نمیدهد مگر فریب را.

﴿٦٥﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ۗ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا

واقعاً برای تو بر بندگان من سلطه‌ای نیست، و پروردگارت به حیث کارساز کافی است.

﴿٦٦﴾ رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

پروردگار شما همان است که برای شما کشتی را در بحر جاری میسازد، تا از فضل او بهره‌اندوز شوید. بیگمان او بر شما مهربان است.

﴿٦٧﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَاهُ ۗ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

وقتی که در بحر به شما سختی برسد، آنهایی که جز خدا به ایشان نیایش میکنید گم میشوند. و (باز) چون (خدا) شما را نجات میدهد (و) به خشکه (می رساند) روی برمیتابید. و انسان بسیار ناسپاس بوده است.

﴿٦٨﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا

آیا ازین ایمن شده اید که (خداوند) شما را در گوشه‌ای از خشکه فرو برد یا بر شما طوفان شدیدی از سنگریزه ها بفرستد (و) سپس برای خود نگهبانی نیابید؟

﴿٦٩﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ۗ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

یا ازین ایمن شده اید که شما را بار دیگر به دریا باز گرداند، تندبادی شدید بر شما بفرستد، و شما را به سبب ناسپاسی شما غرق گرداند، باز برای خود در برابر ما بازخواست کننده‌ای نیابید!؟

﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

بیگمان به بنی آدم کرامت بخشیدیم، و ایشانرا (بوسیلهٔ مرکوب های رهوار) در خشکه و بحر برداشتیم، و به ایشان از چیزهایی پاکیزه روزی دادیم، و ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده ایم فضیلت بخصوص دادیم.

﴿٧١﴾ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ ۗ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

روزی که هر (فرقه) مردم را با پیشوای ایشان بخوانیم. پس هر که کتاب (یعنی نامهٔ اعمال) او به دست راست او داده شود، همینها نامهٔ خویشرا (با خوشی) می خوانند، و به ایشان ذره‌ای ستم نمیشود.

﴿٧٢﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا

و کسی که درین دنیا کور باشد، پس وی در آخرت نیز کور می باشد، و از راه بسیار دور است.

﴿٧٣﴾ وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ ۗ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا

و نزدیک بود که ترا از آنچه به تو وحی نمودیم بفریبند، تا بر ما جز آن (وحی که بتو فرستاده ایم) چیزی دیگر افترا کنی، و آنگاه ترا دوست (خود) بگیرند.

﴿٧٤﴾ وَلَوْلَا أَنْ تَبَتَّنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرَكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

و اگر چنین نمی بود که ما ترا ثابت قدم گردانیدیم، نزدیک بود بسوی ایشان کمی تمایل نمایی.

﴿٧٥﴾ إِذَا لَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

آنگاه ترا دوچند (عذاب) دنیا و دوچند (عذاب) مرگ می چشاندیم. و در برابر (عذاب) ما برای خود مددگاری نمی یافتی.

﴿٧٦﴾ وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا ۗ وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا

نزدیک بود ترا (دشمنان) از (سر)زمین (تو) دلگیر و ناآرام سازند، تا ترا از آن بیرون سازند. اما در آن صورت ایشان بعد از تو جز مدت کوتاهی باقی نمی ماندند.

﴿٧٧﴾ سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا ۗ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا

(این بود) روش ما با پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم، و در روش ما تغییری نمی یابی.

﴿٧٨﴾ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ ۗ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

نماز را به کمال و تمام از هنگام زوال آفتاب تا تاریکی شب برپا دار، و قرآن بامداد (را). حقا که قرآن بامداد (یعنی نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است.

﴿٧٩﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا

و در پاسی از شب نماز تهجد را اداء کن؛ نافله‌ای برای تو. تا باشد که پروردگارت ترا به مقامی ستوده قرار دهد.

﴿٨٠﴾ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

نَصِيرًا

و بگو: « پروردگارا، مرا (در هر کار) صادقانه وارد کن و صادقانه بیرون کن، و از نزد خود به من قدرتی مددگار عنایت فرما. »

﴿٨١﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ۗ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

و بگو: « حق آمد و باطل نابود شد، حقا که باطل نابود شدنی است. »

﴿٨٢﴾ وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۗ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

و قرآن را که برای مسلمانان شفا و رحمت است (مرحله به مرحله) نازل میکنیم، و به ستمگاران جز زیان (چیزی دیگر) نمی افزاید.

﴿٨٣﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ ۗ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُيُوسَا

و چون به انسان نعمت ارزانی کنم، رو میگرداند و پهلو تهی می کند. و چون به او شری میرسد، ناامید میگردد.

﴿٨٤﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا

بگو: « هر کس بر اساس روش خود عمل میکند، پس پروردگار شما آنانی را که رهیب ترند خوبتر میشناسد. »

﴿۸۵﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۗ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

ایشان از تو در مورد روح می پرسند. بگو: «روح از حکم پروردگار من است، و از علم بجز اندکی داده نشده اید.»

﴿۸۶﴾ وَلَكِنْ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

اگر میخواهیم آنچه را به تو وحی فرستاده‌ایم ببریم (یعنی باز گیریم)، در آن صورت کسی را نمی یابی که برای تو در برابر ما کارساز شود (و از تو دفاع کند).

﴿۸۷﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۗ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

مگر مرحمتی از جانب پروردگار تو. حقا که فضل او بر تو بزرگ است.

﴿۸۸﴾ قُلْ لِّئِن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

بگو: «اگر آدمیان و جن (همه) جمع شوند تا مانند این قرآن را بیاورند، هرگز مانند آنرا آورده نمیتوانند، اگرچه بعضی شان بعضی دیگر را (درین کار) یاری دهنده باشند.»

﴿۸۹﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

و ما برای مردم درین قرآن بگونه های مختلف مثال آوردیم. ولی اکثر مردم از (پذیرفتن) چیزی جز ناسپاسی ابد و ورزیدند.

﴿۹۰﴾ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

و گفتند: «هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا برای ما از زمین چشمه‌ای بیرون آری.»

﴿۹۱﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

یا باغی از خرما و انگور از آن تو باشد، و در میان آن جویبارها با آب وافر جاری سازی.»

﴿۹۲﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلِّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا

یا طوریکه (خودت) میگوی، آسمان را پارچه پارچه برما فرود آوری. یا خدا و فرشتگان را روبروی ما بیاوری.

﴿۹۳﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا

نَقْرُوه ۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا

«یا خانه‌ای آراسته از زر داشته باشی، یا به آسمان بالا روی، و به این بالا رفتنت ایمان نمی آوریم تا بر ما کتابی نازل کنی که آنرا بخوانیم.» بگو: «پاک است پروردگار من. آیا من جز بشری هستم که بحیث پیامبر فرستاده شده‌ام؟»

﴿٩٤﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

در هنگامیکه به مردم هدایت آمد، ایشان را از ایمان آوردن باز نداشت مگر اینکه گفتند: « آیا خدا بشری را (بعیث) پیامبر فرستاد؟ »

﴿٩٥﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

بگو: « اگر در زمین فرشتگانی می بودند که به آرامش آمد و شد میداشتند، یقیناً بر ایشان از آسمان فرشته‌ای را به حیث پیامبر نازل میکردیم. »

﴿٩٦﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

بگو: « خدا کافی است که میان من و شما گواه است، بیگمان او به (حال) بندگانش آگاه و بینا است. »

﴿٩٧﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۗ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا ۗ مَّوَاهِمٌ جَهَنَّمَ ۗ كُلَّمَا حَبَتِ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا

کسی را که خدا رهیاب میسازد، پس هم او رهیاب (واقعی) است. و هر کس را که او گمراه میسازد، پس بر ایشان جز خدا کارسازانی را نخواهی یافت. و در روز قیامت ایشان را بر روی های شان (نگونسار) برمی‌انگیزیم. (و) نابینا، گنگ و کر (میباشند) جای ایشان دوزخ است. هر باری که (زبانۀ آتش) فرو نشیند، بر ایشان شعلۀ آتش را می‌افزاییم.

﴿٩٨﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهم بَانَهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

این جزای ایشان است به سبب اینکه به آیات ما کافر شدند و گفتند: « آیا هنگامی که (مشتی از) استخوانها شویم و پوسیده گردیم، باز هم به آفرینش تازه ای برانگیخته میشویم؟! »

﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ

أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا

آیا نمی بینند خدایکه آسمانها و زمین را آفرید قادر است تا مثل آنها را بیافریند و برای ایشان میعادی را مقرر نموده که در آن شکی نیست؟ ولی ظالمان جز ناسپاسی را نپذیرفتند.

﴿١٠٠﴾ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا

بگو: « اگر شما مالک خزانه های رحمت پروردگار من می بودید، در آن وقت از ترس به مصرف رسیدن (آن) بخیلی می کردید. و انسان (واقعاً) سختگیر (یعنی بخیل) است. »

﴿١٠١﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۗ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي

لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا

و بیگمان به موسی نه نشانه روشن دادیم. از بنی اسرائیل بپرس، هنگامی که برای (رهنمایی) ایشان آمد، فرعون به او گفت: « ای موسی، من یقیناً ترا جادو کرده شده میپندارم (یعنی گمان میکنم که ترا جادو کرده اند). »

﴿۱۰۲﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ

مَثْبُورًا

موسی گفت: « تو خوب می دانی که اینها را، در حالیکه دلایل روشن هستند، جز پروردگار آسمانها و زمین نفرستاده است. و بیگمان من ترا، ای فرعون، نابود شونده میپندارم. »

﴿۱۰۳﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا

پس فرعون خواست ایشانرا از زمین بیرون راند، ولی او و همراهانش همه را غرق گردانیدیم.

﴿۱۰۴﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا

و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: « در این سرزمین مسکن گزینید. » پس چون وعده آخرت (یعنی روز قیامت) فرا رسد، شمايان را درهم آمیخته می آوریم. »

﴿۱۰۵﴾ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ما قرآن را به حق نازل کردیم، و به حق نازل شد. و نفرستادیم ترا جز بشارت دهنده و بیم دهنده.

﴿۱۰۶﴾ وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا

و قرآن را به تفریق قسمت فرستادیم، تا آنرا با درنگ (قسمتی بعد از قسمت دیگر) به مردم بخوانی، و (آری) به همین کیفیت آنرا نازل کردیم.

﴿۱۰۷﴾ قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا ۗ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ

سُجَّدًا

بگو: « (خواه) به آن ایمان آرید یا ایمان نیارید، بیگمان کسانیکه پیش ازین به ایشان علم داده شده بود، چون به ایشان (این قرآن) خوانده شود، بر زنخها (یعنی روی خویش) به سجده می افتند. »

﴿۱۰۸﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

و میگویند: « منزه است پروردگار ما، براستی که وعده پروردگار ما بجا شده است. »

﴿۱۰۹﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَسْكُونُ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

بر زنخها (یعنی روی خویش) می افتند، گریه میکنند و خشوع (و فروتنی) شان فزون میگردد.

﴿۱۱۰﴾ قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ ۗ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ

وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

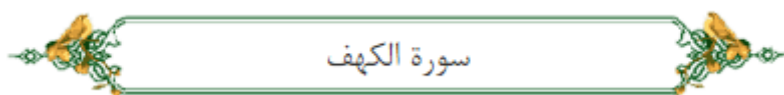
بگو: « خدا را بخوانید یا رحمن را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامهای نیکو از آن او است. و نمازت را نه به آواز بلند بخوان و نه (هم) به آواز آهسته، و در بین این (دو) راه (میان) ای را اختیار کن. »

﴿۱۱۱﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا ۗ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

و بگو: « ستایش خدایی راست که برای خود فرزندی نگرفته، در پادشاهی شریکی ندارد، و برای او کارسازی (که) از ذلت (او را رها) نیازی نیست. و او را به بزرگی یاد کن، بزرگی (بس شکوهمندی)! »

(۱۸) سوره الکهف:

این سوره مکی و دارای (۱۱۰) آیه بوده و (غار) معنی میدهد، بخاطر بیان داستان شگف انگیز اصحاب کهف (باران غار) به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۗ

ستایش خدای را، ذاتی که بر بنده خود کتاب را نازل کرد، و برای آن هیچگونه کجی را قرار نداد.

﴿۲﴾ قِيمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا

حَسَنًا

(در حالیکه) استوار (یعنی قایم به مصالح مردم است) تا (بدکاران را) از عذاب شدیدی که از جانب اوست بترساند. و مسلمانانی را که کارهای نیکو میکنند بشارت بدهد که برای شان مزدی نیکو (یعنی بهشت جاودان) است.

﴿۳﴾ مَا كَثِيرٌ فِيهِ اَبَدًا

همیشه در آن میباشند.

﴿۴﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا

و کسانی را که گفتند خداوند فرزندی گرفته است بترساند.

﴿۵﴾ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ ۗ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ۗ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

(چیزیکه) نه خودشان به آن علم دارند و نه هم پدران شان، سخن بزرگ (و خطرناکی) است که از دهن های شان بیرون میشود، به جز دروغ چیزی نمیگویند.

﴿٦﴾ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا

اگر به این سخن ایمان نیاورند، پس آیا تو خود را از (فرط) اندوه به پی ایشان هلاک میگردانی؟

﴿٧﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

ما هر آنچه را در زمین است، بیگمان آنرا برایش زینتی قرار دادیم، تا ایشان را بیازماییم که کدام یک شان از حیث عمل نیکوتر است.

﴿٨﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا

و ما بیگمان آنچه را به روی زمین است (سر انجام) خاک بی گیاهی خواهیم گرداند.

﴿٩﴾ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

آیا پنداشتی که بیگمان اصحاب کهف و رقیم از جمله نشانه های عجیب ما بودند؟

﴿١٠﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

چون این جوانان به غار پناه بردند، پس گفتند: « پروردگار ما از نزد خود رحمتی بر ما ارزانی فرما، و برای ما از (این) مشکل ما راه نجاتی فراهم گردان. »

﴿١١﴾ فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

سپس بر گوشهای شان در غار چندین سال (پرده خواب را) زدیم.

﴿١٢﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا

بعد از آن ایشانرا برانگیختیم، تا آشکار کنیم کدام یک از دو گروه مدت درنگ خود را بهتر حساب کرده است.

﴿١٣﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ ۗ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

ما برای تو داستان ایشانرا به حق میگوییم. بیگمان ایشان جوانانی بودند که به پروردگار خویش ایمان آوردند، و ما بر هدایت شان افزودیم.

﴿١٤﴾ وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَدْعُو مِنْ دُونِهِ

إِلَّهَا ۗ لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا

و ما به دلهای شان قوت دادیم، هنگامیکه برخاستند و گفتند: « پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است، بجز وی به هیچ معبودی نیایش نمیکنیم. (که اگر چنین کنیم) درین هنگام سخن دور از سنجش زده ایم. »

﴿١٥﴾ هُوَلَاءِ قَوْمَنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً ۗ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ ۗ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ

افترى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

و اینها قوم های ما هستند که بجز خدا معبودان دیگری را برگزیده اند. چرا صحبتی روشن بر (ثبوت) آن نمی آورند؟ پس کیست ستمگارت از کسیکه بر خداوند به دروغ افتری کرد؟!

﴿١٦﴾ وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ

لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا

و چون از ایشان و آنچه را بجز خدا میپرستند دوری جستید، پس در غار پناهنده شوید. پروردگار شما از رحمت خویش به شما فیضان میکند، و در کار شما گشایشی فراهم مینماید.

﴿١٧﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوَّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ

الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ۗ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ ۗ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلْ

فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا

و خورشید را در آوانیکه طلوع میکند می بینی که به سمت راست غار (یعنی محل سکونت) شان میلان میکند، و در هنگام غروب به طرف چپ شان میگذرد. و ایشان در گشادگی از آن (غار) قرار داشتند. این از آیات خداوند است. هر که را خدا رهیاب گرداند، حقا که راه یافته است. و هر که را به گمراهی بگذارد، برای او حامی (و) رهنمایی هرگز نیایی.

﴿١٨﴾ وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ ۗ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ ۗ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ

ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ ۗ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَكَلِمَاتٍ مِنْهُمْ رُعبًا

ایشانرا بیدار میپنداشتی، در حالیکه خفته بودند. و ما ایشان را به پهلو راست و پهلو چپ شان میگردانیدیم. و سگ ایشان (همچون پاسداری) بازوهای خود را بر آستانه غار دراز کرده بود. اگر به ایشان نگاه می کردی، بیگمان از ایشان روی برتافته فرار می کردی، و ترس از ایشان سراپای وجود ترا میگرفت.

﴿١٩﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ ۗ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ ۗ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ

يَوْمٍ ۗ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى

طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

و بدین گونه ما ایشانرا از (خواب) بیدار کردیم تا بین خود سوال کنند. یکی از ایشان گفت: « چه مدتی درنگ کردید؟ » گفتند: « (شاید) روزی یا پاره‌ای از روز درنگ کرده باشیم. » (و چون به نتیجه ای نرسیدند) گفتند: « پروردگار شما به آنچه درنگ کردید بهتر میدانند. اکنون یکی را از (میان) خود با این پول خود به شهر بفرستید،

تا ببیند کدام یک از ایشان غذای پاکیزه تر دارد و از آن بشما غذایی بیاورد. و باید (در شهر) روش لطف کارانه ای را در پیش گیرد، و بر شما کسی را آگاه نسازد. «

﴿۲۰﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا

واقعاً اگر ایشان بر شما دست یابند، شما را سنگسار یا شما را به آیین خود برمیگردانند، و آنگاه هرگز رستگار نخواهید شد.

﴿۲۱﴾ وَكَذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ

أَمْرَهُمْ ۖ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا ۗ رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ

عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

و بدینگونه مردم را از حال ایشان خبر گردانیدیم، تا بدانند وعده خداوند حق است و در قیامت شکی نیست. هنگامی که (مردم آن سرزمین) میان خود در زمینه نزاع میکردند، (بعضی) گفتند: « عمارتی بر (غار) ایشان بسازید. « پروردگار ایشان بحال ایشان آگاه تر است. (ولی) آنانیکه در کارشان حقیقت را دریافتند گفتند: « یقیناً بر (غار) ایشان مسجدی بسازیم. «

﴿۲۲﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ

سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۗ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً

ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

(گروهی) خواهند گفت: « (اصحاب کهف) سه کس بودند که چهارم ایشان سگ آنها بود. « و (گروهی دیگر) خواهند گفت « پنج کس بودند و ششم ایشان سگ آنها بود، « (همچون) تیری که بر تاریکی می اندازند. و خواهند گفت: « هفت کس بودند که هشتم ایشان سگ آنها بود. « بگو: « پروردگار من به تعداد ایشان آگاه تر است. (تعداد) ایشان را جز گروهی اندک (کسی) نمیداند. « پس در مورد ایشان جز بگونه بسیار روشن و واضح گفت و شنود مکن، و در مورد ایشان از هیچ یک از ایشان (که برای گفته های خود دلیل ندارند) مپرس.

﴿۲۳﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا

و هرگز مگوی: « من فردا این کار را انجام میدهم. «

﴿۲۴﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا

مگر اینکه (به آن علاوه کنی) « اگر خدا بخواهد. « و چون فراموش کردی، (همینکه به یاد آمد آن فراموشی را جبیره کن، پروردگارت را یاد کن و بگو: « امید است مرا پروردگارم به راهی مقرون به صواب نزدیکتر ازین رهنمایی کند. «

﴿۲۵﴾ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

ایشان در غار خویش سه صد سال درنگ کردند، و نه (سال دیگر بر آن) افزودند.

﴿٢٦﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا ۗ لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ ۗ مَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

بگو: «مدتی را که ایشان درنگ کردند خداوند بهتر میداند. (اسرار) آسمانها و زمین از آن اوست. چقدر بینا و چقدر شنوا است! ایشان بجز او حامی ندارند، و هیچکس را در حکم خویش شریک نمیگیرند.

﴿٢٧﴾ وَأَنْتَ مَا أَوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۗ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

آنچه را به تو از کتاب پروردگارت وحی شده است تلاوت کن. هیچ تبدیل کننده ای برای سخنان او نیست، و بجز او هیچ پناهگاهی نمی یابی.

﴿٢٨﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۗ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ

عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا
و خویشتن را به بودن با کسانی شکیبایی بخش که به پروردگار خویش در پگاه و بیگاه نیایش میکنند، (تنها) رضای او را میجویند. و بخاطر جستجوی زینت زندگی دنیا، چشمان خویش را از ایشان مگردان. و کسی را پیروی مکن که دلش را از یاد خویش غافل ساختیم. او که هوای (نفس) خود را پیروی کرد، و کار او افراط است.

﴿٢٩﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۗ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۗ وَإِنْ يَسْتَعِثُّوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ ۗ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا

بگو: « (این سخنان) حق است از (جانب) پروردگار شما. پس هر که خواهد ایمان آرد و هر که خواهد کافر شود. « بیگمان ما به ستمکاران آتشی را آماده کرده ایم که سرافرده آن ایشان را احاطه میکند. و اگر فریادرسی بخواهند، برای شان آبی چون فلز گداخته شده داده میشود، که روهای شانرا بریان میکند. چه بد آشامیدنی و چه بد آسایشگاهی!

﴿٣٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

ولی کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، ما بیگمان مزد کسی را که کار نیکو کرده است ضایع نمی کنیم.

﴿٣١﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ

وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۗ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا

برای چنین کسانی باغهای جاودان است که در زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد. در آنجا دستبندهای طلائی را بحیث زیور می پوشند، و جامه های سبز از لباس ابریشمین نازک و لباس ابریشمین ضخیم میپوشند. در آنجا بر تخت ها تکیه کنان (نشسته) اند. چه نیکو مزدی و چه خوب تکیه گاهی!

﴿۳۲﴾ **وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا**

به ایشان داستان دو مرد را بیان کن که برای یکی از ایشان دو باغ از انگور دادیم، و گرداگرد آنها را بوسیله درختان خرما احاطه کردیم. و در میان این دو (باغ) حاصل زراعتی (بسیار خوب) قرار دادیم.

﴿۳۳﴾ **كَلْنَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا**

هر دو باغ بارور گردید، و ازین (حاصلات) هیچ کمبودی بوجود نیامد. و در هر باغ جویبارهایی را جاری ساختیم.

﴿۳۴﴾ **وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا**

و برای (صاحب) آن میوه (وافری) بدست می آمد. او در حالیکه باهم صحبت میکردند، به دوستش گفت: « از تو به مال فزونی دارم، و نفرهای نیرومندتری در اختیار دارم. »

﴿۳۵﴾ **وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا**

و به باغ خویش در حالی داخل شد که به خویشتن ستمگار بود، گفت: « هرگز گمان نمیکنم که این باغ نابود شود. »

﴿۳۶﴾ **وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا**

و نه (هم) گمان دارم که قیامت برپا شدنی باشد، و (حتی) اگر بسوی پروردگارم (هم) باز گردانده شوم، یقیناً جایگاهی بهتر ازین خواهم یافت.

﴿۳۷﴾ **قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا**

در حالیکه دوستش با وی صحبت میکرد، گفت: « آیا به کسی که ترا از خاک و باز از نطفه آفرید و باز ترا بشکل مردی درآورد، کافر شدی؟ »

﴿۳۸﴾ **لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا**

ولی من (به این اعتراف دارم که) همانا خداوند پروردگار من است، و به پروردگار خود هیچکس را شریک نمی آورم.

﴿۳۹﴾ **وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ إِنَّ تَرَنَ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا**

چرا هنگامیکه به باغ درآمدی نگفتی « این همان چیزی است که خدا خواسته است، قوتی نیست بجز خدا؟ » اگر مرا ببینی، از نگاه ثروت و فرزندان تو کمترم.

﴿۴۰﴾ **فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا**

(با این هم) شاید پروردگرم برایم چیزی بهتر از باغ تو بدهد، و بر باغ تو (عذاب) حساب شده‌ای از آسمان بفرستد، و آن را به میدانِ صافِ لغزنده‌ای مبدل سازد.

﴿٤١﴾ **أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلْبًا**

یا آب آن در اعماق زمین فرو رود. پس تو هرگز قدرتِ بازجستنِ آنرا نداشته باشی.

﴿٤٢﴾ **وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا**

لَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا

بدین ترتیب میوه‌اش را تباهی فرا گرفت. او به حسرت مصارفیکه در آن کرده بود، دستهای خود را بهم میمالید. در حالیکه (پایه های) باغ بر سقفهای خود فرو افتاده بود، و میگفت: « ای کاش هیچ کسی را به پروردگرم شریک نمی آوردم. »

﴿٤٣﴾ **وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا**

(اکنون) او جمعیتی نداشت که او را بجز خدا (در برابر عذاب خدا) یاری کنند، و نه از خودش کاری ساخته بود.

﴿٤٤﴾ **هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ۗ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا**

این جا است که (آشکار می گردد [که]) اختیار (مطلق) از آن خدای بر حق است، و اوست که بهترین ثواب و بهترین عاقبت را فراهم میکند.

﴿٤٥﴾ **وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ**

هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

زندگی این دنیا را به ایشان به آبی تشبیه کن که آنرا از آسمان فرو ریختیم، با آن سبزه زمین در هم می پیچد، سپس (می خشکد و) درهم میشکند، و (کاه) آنرا باد به هرسو میکشاند. و خداوند بر هر چیز تواناست.

﴿٤٦﴾ **الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا**

مال و فرزندان (وسیله) زینت دنیا هستند، ولی (اعمال) ماندگار نیکو در نزد پروردگار تو هم از روی ثواب بهتر است و هم از روی امیدواری.

﴿٤٧﴾ **وَيَوْمَ نُسِِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَم نُوَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا**

و روزیکه ما کوهها را به حرکت می آوریم، و زمین را آشکار (هموار شده) میبینی، و همه آنها (یعنی انسانها) را یکجا گرد می آوریم. پس هیچ یک از ایشان را (باقی) نمیگذاریم.

﴿٤٨﴾ **وَعَرِّضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۗ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَجْعَلَ لَكُمْ**

مَّوْعِدًا

همه صف کشیده به (حضور) پروردگارت پیش میشوند (و به ایشان گفته میشود): « اکنون به همان شکلی به پیش ما آمدید که در اول بار شما را آفریدم. آری، شما فکر میکردید که ما برای شما موعودی قرار خواهیم داد. »

﴿٤٩﴾ وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا

يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ۗ وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

و کتاب (یعنی نامه اعمال) نهاده میشود. و گنهکاران را از سبب چیزهاییکه در آن (ثبت شده) است ترسناک می بینی. (ایشان) میگویند: « وای به حال ما! این کتاب را چه شده است که هیچ چیز را چه کوچک و چه بزرگ فرو گذاشت نکرده، مگر که آنرا حساب کرده است؟! » و همه اعمال خود را حاضر می بینند. و پروردگارت به هیچ کس ظلم نمیکند.

﴿٥٠﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ

رَبِّهِ ۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ ۗ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

و به یاد آر وقتی را که به فرشتگان گفتیم: « به آدم سجده کنید. » پس سجده کردند، جز ابلیس. او از جن بود.

لذا از حکم پروردگارش نافرمانی کرد. (با این هم) آیا شما او و فرزندان او را بجز من (بحیث) دوستان خویش انتخاب میکنید در حالیکه ایشان دشمن شمایند؟ چه بد عوض است برای ستمکاران (که بجای من می گیرند)؟!

﴿٥١﴾ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

من ایشان (یعنی شیاطین) را بر آفرینش آسمانها و زمین و بر آفرینش خودشان شاهد نساختم، و من گمراهان را دستیار قرار نمی دهم.

﴿٥٢﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا

و بیاد آرید روزی را که (خداوند) میگوید: « آنانی را که با من شریک قرار داده بودید فراخوانید. » هر قدر که ایشان را فرامیخوانند، جواب شانرا نمیدهند. و در میان ایشان (مشرکان و بتان معبود شانرا) مایه تباهی قرار دادیم.

﴿٥٣﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

گنهکاران آتش (دوزخ) را میبینند و پی میبرند که در آن افتادنی هستند. و برای بازگشت از آن وسیله ای نخواهند یافت.

﴿٥٤﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۗ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

و ما برای مردم درین قرآن بگونه های مختلف مثال آوردیم. و اما انسان پیش از هر چیز جدل میورزد.

﴿٥٥﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ

يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا

مردم را هنگامیکه هدایت به سراغ شان رسید، ازین باز نداشت که ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز اینکه به سرنوشت پیشینیان دچار شوند یا عذاب الهی در برابرشان قرار گیرد.

﴿٥٦﴾ وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ ۚ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا

ما پیامبران را نمی فرستیم مگر بشارت دهنده و بیم دهنده. و کافران همواره بوسیله (دلایل) باطل مجادله میورزند، تا (اگر بتوانند) بدان وسیله حق را از میان ببرند. و آیات من و مجازاتی را که به ایشان وعده داده شده به مسخره بگیرند.

﴿٥٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ ۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا

و کیست ستمگارت از شخصیکه به آیات پروردگارش پند داده شود، ولی او از آن رو برتابد و آنچه را دست های او انجام داده فراموش کند؟! بیگمان ما بر دلهای شان پرده افگندیم تا نفهمند، و در گوش های شان گرانی نهادیم. و چون ایشانرا به سوی هدایت فراخوانی، هرگز رهیاب نمیشوند.

﴿٥٨﴾ وَرَبُّكَ الْعَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ۚ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا

و پروردگار تو آمرزنده (و) صاحب مرحمت است. اگر از ایشان در برابر اعمال شان حساب می گرفت، بدون شک عذاب را بر ایشان تسریع میبخشید. اما برای ایشان موعدی است که جز آن هرگز پناهگاهی ندارند.

﴿٥٩﴾ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا

و آن شهرها(بی) را (که) ستمگاران نشیمن داشتند) به سبب ظلمیکه بعمل آوردند هلاک گردانیدم، و برای نابودی ایشان موعدی را تعیین کردیم.

﴿٦٠﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا

به یاد آر وقتی را که موسی به جوان (همراه) خود گفت: « من تا به محل تلاقی دو بحر برسم یا راهی بس طولانی را بیمایم، از رفتن باز نمی افتم. »

﴿٦١﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا

و چون به محل تلاقی بین آن (بحر)ها رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند. آن (ماهی) راه خود را در بحر نقب زد.

﴿٦٢﴾ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا

پس چون (از آنجا) گذشتند، (موسی) به جوان (همسفر) خویش گفت: « صبحانه ما را بیاور. بیگمان ما ازین سفر خود سخت خسته شدیم. »

﴿٦٣﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْهُوتَ وَمَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ ۗ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

(همسفرش) گفت: « بیاد داری هنگامی را که به (کنار) آن سنگلاخ جای گرفتیم؟ من در آنجا (جریان فرار) ماهی را فراموش کردم، و جز شیطان (کسی دیگر اینرا) فراموشم نگردانید، تا (به تو) یادآوری کنم (و بگویم) که [ماهی] بگونه شگفت انگیزی راه خود را در بحر گرفت. »

﴿٦٤﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ ۗ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا

(موسی) گفت: « این بود چیزی که ما میخواستیم. » پس به نشان قدم های خود باز گشتند.

﴿٦٥﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا

ایشان بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خود مرحمتی عنایت کرده بودیم، و از نزد خود به او علمی را آموخته بودیم.

﴿٦٦﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا

موسی به او گفت: « آیا (اجازه میدهی) که از آنچه به تو از رشد آموخته شده بمن بیاموزی؟ »

﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

(در جواب) گفت: « تو هرگز با من توان شکیبایی را نداری. »

﴿٦٨﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا

و چطور بر چیزیکه به آن آگاهی همه جانبه نداری شکیبایی می ورزی؟

﴿٦٩﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

(موسی) گفت: « اگر خدا بخواهد، مرا صابر خواهی یافت، و از امر تو هرگز سرپیچی نخواهم کرد. »

﴿٧٠﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

(آن دیگر) گفت: « اگر مرا پیروی میکنی، از من درباره هیچ چیزی سوال مکن، تا من خود در مورد آن به تو یاد کنم. »

﴿٧١﴾ فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۗ قَالَ أَخَرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

ایشان براه افتادند ته به کشتی سوار شدند. (آن شخص) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: « آیا کشتی را سوراخ کردی تا اهل آن را غرق گردانی؟ راستی چه کار بدی کردی؟! »

﴿٧٢﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

او گفت: « آیا به تو نگفتمه بودم که هرگز با من صبر کرده نمی توانی؟ »

﴿٧٣﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

(موسی) گفت: « مرا در برابر چیزی که فراموش کردم مؤاخذه مکن، و درین کار با من سختگیر منما. »

﴿٧٤﴾ فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بَعْضًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكْرًا

باز به راه افتادند، تا با نوجوانی روبرو شدند. (آن شخص) نوجوان را کشت. (موسی گفت): « آیا تو شخص پاکی را کشتی که کسی را نکشته بود؟ براستی کار زشتی را مرتکب شدی. »

جزء یا سپاره شانزدهم - قال الم

﴿٧٥﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

گفت: « آیا به تو نگفتم که هرگز با من صبر کرده نمیتوانی؟ »

﴿٧٦﴾ قَالَ إِنْ سَأَلْتِكُ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي ۗ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا

(موسی) گفت: « اگر بعد ازین از تو در مورد چیزی پرسیدم، پس با من همراهی مکن. بیگمان از جانب من معذور پنداشته خواهی شد. »

﴿٧٧﴾ فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ

أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ ۗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا

باز براه افتادند، تا اینکه به باشندگان شهری رسیدند. از آنها غذا طلب کردند، اما (اهل شهر) از مهمانداری آنها خودداری کردند. ایشان در آنجا دیواری را یافتند که در شرف غلتیدن بود، و (آن شخص) دیوار را راست ساخت. (موسی) گفت: « اگر میخواستی در مقابل آن مزدی میگرفتی. »

﴿٧٨﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ ۗ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

او گفت: « اینک وقت جدایی میان من و تو است. اکنون در مورد آنچه صبر کرده نتوانستی، ترا آگاه میسازم. »

﴿٧٩﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ

كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

اما آن کشتی از نیازمندی بود که در بحر کار میکردند. پس خواستم آنرا معیوب سازم، (زیرا) در پی شان پادشاهی بود که هر کشتی (سالمی) را به زور میگرفت.

﴿۸۰﴾ وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَحَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا

اما آن نوجوان، پدر و مادر او مؤمن بودند. ترسیدیم که (مبادا) ایشان را به سرکشی و کفر بکشاند.

﴿۸۱﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا

خواستیم تا خداوند به ایشان (فرزند) بهتری از وی بدهد، پاکیزه تر و دلپذیرتر.

﴿۸۲﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا

فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ۗ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۗ ذَٰلِكَ

تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

و اما آن دیوار، به دو پسر یتیم آن شهر تعلق داشت، در زیر آن (دیوار) گنجی برای شان وجود داشت، و پدر ایشان مرد صالحی بود. پس پروردگارت خواست ایشان به سن رشد خود برسند و گنج خود را بیرون آرند. (و این) مرحمتی بود از پروردگارت. و آنرا از پیش خود نکردم. اینست تأویل چیزهاییکه در برابر آن شکیبایی کرده نتوانستی.

﴿۸۳﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ ۗ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا

از تو در باره ذوالقرنین میپرسند. بگو: « اینک به شما قسمتی از داستان او را بیان میکنم. »

﴿۸۴﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

ما در روی زمین او را قدرت دادیم، و همه وسایل را در اختیار او گذاشتیم.

﴿۸۵﴾ فَاتَّبَعَ سَبَبًا

و او ازین وسایل استفاده کرد.

﴿۸۶﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ۗ قُلْنَا يَا ذَا

الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

تا چون به غروبگاه آفتاب رسید، پنداشت که خورشید در چشمه گل آلودی می نشیند، و در نزدیک آن قومی را یافت. گفتیم: « ای ذوالقرنین (تو میتوانی) ایشان را مجازات کنی یا با ایشان از در نیکویی پیشآمد ورزی. »

﴿۸۷﴾ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا

گفت: « اما کسیکه ستم کرده باشد، او را مجازات خواهیم کرد. سپس چون به پروردگار خویش باز گردد، خداوند او را مجازات شدید (تری) خواهد کرد. »

﴿۸۸﴾ وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا

و اما هر که ایمان آورد و نیکوکاری ورزد، پس پاداش نیکو خواهد داشت، و به او دستور آسانی خواهیم داد.

﴿۸۹﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا

و باز با استفاده از وسایل دست داشته به کار خود دوام داد.

﴿۹۰﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

تا اینکه به خاستگاه آفتاب رسید، آفتاب را چنان یافت که بر گروهی که میان ایشان و میان آفتاب هیچ حایلی قرار نداده بودیم بر می آمد.

﴿۹۱﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

(و) این چنین بود، و ما به آنچه به دسترس او بود کاملاً آگاه بودیم.

﴿۹۲﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا

و باز با استفاده از وسایل دست داشته بکار خود دوام داد.

﴿۹۳﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

تا چون به میان دو کوه رسید، در آنجا مردمی را یافت که به فهم سخن نزدیک نبودند.

﴿۹۴﴾ قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ

تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا

گفتند: « ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در زمین فسادکارند. آیا امکان دارد که به تو مزدی بپردازیم تا میان ما و ایشان سدی بسازی؟ »

﴿۹۵﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

(ذوالقرنین) گفت: « دسترسی را که پروردگارم در روی زمین به من داده است (از مزد شما) بهتر است. پس مرا به نیروی (خویش) یاری کنید، تا میان شما و میان ایشان سدی بسازم. »

﴿۹۶﴾ أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا ۗ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ

أَتُونِي أفرغ عَلَيْهِ قِطْرًا

« تخته های آهن را به من بیاورید. » تا آنگاه که [به] هر دو کرانه کوه برابر شد، گفت: « (آتشی بزرگ در کنار این توته های آهن بیفروزید) تا چون آن (تخته های آهن) را آتشی (افروخته) گردانید. » گفت: « به من مس بیاورید، تا بر آن (دیوار این) مس گداخته (را) بریزم. »

﴿۹۷﴾ فَمَا اسطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا

پس (دشمنان) نتوانستند بر آن بالا روند و (هم) نتوانستند آنرا شگاف کنند.

﴿٩٨﴾ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي ۖ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۗ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا

(ذوالقرنین) گفت: « این رحمتی است از جانب پروردگار من، و چون وعده پروردگار من فرا رسد، آنرا هموار میگرداند، و وعده پروردگار من حق است. »

﴿٩٩﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۗ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا

در آن روز بعضی ایشانرا میگذاریم تا در بعضی دیگرشان درآمیزند، و در صور دمیده میشود، پس همه شان را جمع میکنیم.

﴿١٠٠﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا

در آن روز دوزخ را به کافران به شکل گسترده‌ای عرضه میکنیم.

﴿١٠١﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا

همان (کافرانی) که چشمان شان از یاد من در پرده ای (از غفلت) بود، و شنیده نمی توانستند.

﴿١٠٢﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ ۗ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ

نُزُلًا

آیا کافران پنداشتند که بندگان مرا بجای من اولیای خویش انتخاب کرده میتوانند؟ بیگمان دوزخ را برای کافران (بحیث) مهمانخانه ای مهیا گردانیدیم.

﴿١٠٣﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

بگو: « آیا شما را به زیانکارترین (اشخاص) از روی عمل خبر بدهیم؟

﴿١٠٤﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

کسانیکه تلاشهای شان در زندگی این دنیا به هدر رفته، و با این هم فکر میکنند که کار نیکی انجام میدهند؟

﴿١٠٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

آنها کسانی اند که از آیات پروردگارشان و از دیدار او انکار ورزیدند، پس اعمال شان حبطه شد. و به همین دلیل، در روز قیامت برای ایشان وزنی قرار نمی دهیم (یعنی قدری قایل نمیشویم).

﴿١٠٦﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا

به این ترتیب جزای ایشان دوزخ است، زیرا کافر شدند و آیات و پیامبران مرا به مسخره گرفتند.

﴿١٠٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا

واقعاً کسانیکه ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، برای ایشان بهشت های فردوس بحیث مهمانسرا آماده شده است.

﴿۱۰۸﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

که در آن جاودانه بسر برده و از آن تغییر محل نمیکنند.

﴿۱۰۹﴾ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا

بِمِثْلِهِ مَدَدًا

بگو: « اگر بحر برای (تحریر) کلمات پروردگرم (بحیث) رنگ قرار داده شود، بیگمان قبل از اینکه کلمات پروردگرم ختم شود، بحر خشک میشود. و اگرچه همانند آن (بحرهای دیگری) را (بحیث رنگ) کمک بیاوریم. »

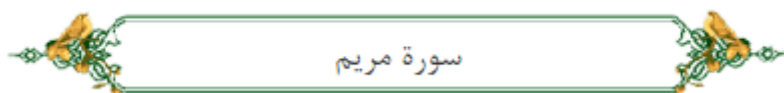
﴿۱۱۰﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ ۖ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ

فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

بگو: « بیگمان من (نیز) مثل شما بشر هستم، به من وحی میشود که خدای شما همانا خدای یگانه است. پس هر که آرزوی دیدار پروردگارش را دارد، باید عمل نیک انجام دهد، و کسی را در عبادت پروردگار خود شریک نسازد. »

(۱۹) سوره مریم:

این سوره مکی و دارای (۹۸) آیه بوده (نام مادر حضرت عیسی) می باشد، بخاطر ذکر داستان بارداری حضرت مریم و ولادت عیسی علیه سلام به این نام نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ كهيعص

ک، ه، ی، ع، ص.

﴿۲﴾ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا

(این) ذکری است از رحمت پروردگارت به بندهاش زکریا.

﴿۳﴾ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا

هنگامیکه پروردگارش را به آهستگی دعا کرد.

﴿٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

(و) گفت: « ای پروردگار من، بیگمان استخوانم ضعیف شده و پیری بر (موهای) سر من شعله ور شده است، و من از (اجابت) نیایش به درگاه تو هرگز محروم ساخته نشدم. »

﴿٥﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

و من از وابستگی (که) از عقب من (میمانند) بیمناکم، و زخم نازای است. پس به من از نزد خودت جانشینی عنایت فرما.

﴿٦﴾ يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۗ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

که وارث من و وارث اولاد یعقوب شود. و ای پروردگرم، او را مورد خوشنودی خویش بگردان.

﴿٧﴾ يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا

(گفتیم) « ای زکریا، بیگمان ترا به فرزندی بشارت میدهیم که نام او یحیی است، پیش ازین برای او همنامی قرار ندادیم. »

﴿٨﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

گفت: « ای پروردگار من، چگونه برایم فرزندی خواهد بود در حالیکه زخم نازای است، و من (نیز) از پیری پای مانده شده ام؟ »

﴿٩﴾ قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا

گفت: « اینچنین است. » پروردگارت گفت: « این کار بر من آسان است، بیشتر ازین ترا آفریدم که چیزی نبود. »

﴿١٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا

(زکریا) گفت: « ای پروردگار من، برایم نشانه‌ای معین فرما. » (خداوند) گفت: « نشانه تو اینست که سه شب (و روز پیاپی) با مردم سخن نمی زنی، در حالیکه زبان تو سالم است. »

﴿١١﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

او (به این ترتیب) از عبادتگاهش نزد قوم خویش بیرون شد، و به اشاره به ایشان گفت که صبح و شام تسبیح بگویند.

﴿١٢﴾ يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ۗ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

(به وی ندا آمد که:) « ای یحیی، کتاب (خدا) را با قوت بگیر! » و ما به او در کودکی حکمت دادیم.

﴿١٣﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً ۗ وَكَانَ تَقِيًّا

و به او مرحمتی از جانب خود ارزانی کردیم، و (نیز) پاکیزگی. و او پرهیزگار بود.

﴿١٤﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

و (او) به پدر و مادر خود نیکوکار بود، و ستمگر و سرکش نبود.

﴿١٥﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

سلام بر او، در روزیکه تولد شد، روزیکه می میرد، و روزیکه (باز) زنده برانگیخته میشود.

﴿١٦﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا

(باری) در (این) کتاب از مریم یاد کن، هنگامیکه از خانواده خویش خود را به ناحیه شرقی به کنار کشید.

﴿١٧﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

و در برابر ایشان پرده گرفت. درین حال بسوی او روح خود را فرستادیم، که درست مانند بشری بر وی ظاهر شد.

﴿١٨﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

(مریم) گفت: « از تو به رحمن پناه می برم. اگر (از خدا) می ترسی (به من نزدیک مشو). »

﴿١٩﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا

(فرشته) گفت: « من فرستاده پروردگار تو ام، تا به تو پسر پاکیزه ای ببخشم. »

﴿٢٠﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا

(مریم) گفت: « از کجا می توانم پسری داشته باشم، در حالیکه بشری به من تماس نگرفته و (زنی) بدکاره نبوده

ام؟ »

﴿٢١﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ ۖ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا ۚ وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا

(فرشته) گفت: « اینچنین است. » پروردگارت گفت: « و این کار بر من آسان است، تا ما او را نشانه‌ای برای مردم

گردانیم و مرحمتی از جانب خویش، امری بود فیصله شده. »

﴿٢٢﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا

سرانجام مریم به او باردار شد، و با این (کودکی که در شکم داشت) بجای دور دستی رفت.

﴿٢٣﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا

درد زه { ۱ } او را به زیر درخت خرمايي كشاند، (و از شدت ناآرامی) گفت: « ايکاش پیش ازین می مُردم و کاملاً

فراموش میشدم. »

{ ۱ } زائیدن ؛

﴿٢٤﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

(آوازدهنده ای) از زیر پای او ندا کرد: « اندوهگین مباش، پروردگارت زیر پای تو چشمه (گواری) را جاری

ساخته است. »

﴿٢٥﴾ وَهَزَبِي إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا

این تنه درخت خرما را بسوی خود تکان ده، بر تو خرمایی تازه پخته می ریزد.

﴿٢٦﴾ فَكُلِّي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۖ فَأَمَّا تَرِينٌ مِنَ الْبَشْرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

فَلَنْ أَكَلَّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

بخور و بنوش و چشم (خود) را (به این کودک) روشن ساز. اگر کسی از مردم را دیدی بگو: « من برای (خدای) رحمن روزه گرفته ام، پس امروز با هیچ آدمی سخن نخواهم زد.

﴿٢٧﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۖ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا

آخرا امر کودکش را بدوش کشید و به پیش قوم خود آورد. گفتند: « ای مریم، براستی که عمل تعجب آوری انجام دادی. »

﴿٢٨﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْيًّا

ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بود و نه (هم) مادرت زنی بدکاره بود.

﴿٢٩﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۖ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا

از اینرو (مریم) بسوی کودک اشاره کرد. آنها گفتند: « ما با کودکی که در گهواره است چطور سخن زنیم؟ »

﴿٣٠﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

(کودک به سخن آمده) گفت: « من بیگمان بنده خدا ام. خداوند به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است. »

﴿٣١﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا

و مرا در هر جایی که باشم پُر برکت ساخته است. و تا وقتی که زنده ام مرا به نماز و زکات امر فرموده است.

﴿٣٢﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

(مرا) به مادرم مهربان ساخته، و مرا سرکش بدبخت نگردانیده است.

﴿٣٣﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

سلام بر من در روزیکه پیدا شدم، روزیکه می میرم، و روزیکه (باز) زنده برانگیخته می شوم.

﴿٣٤﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۖ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

اینست (سرگذشت) عیسی، پسر مریم. سخن حقی که در آن جدال میکنند.

﴿٣٥﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ۖ سُبْحَانَهُ ۖ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برای خدا (شایسته) نبوده است که فرزندی بگیرد. پاکی از آن اوست. هرگاه چیزی را بخواهد (که انجام یابد) صرف به آن می گوید « شو » پس میشود.

﴿٣٦﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

بیگمان خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید. اینست راه راست.

﴿٣٧﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۗ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ولی فرقه‌ها در میان خویش اختلاف ورزیدند. پس وای بر کافران از رو به رو شدن (به) این روز بس بزرگ.

﴿٣٨﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا ۗ لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

چه شنوایی به ایشان و چه بینایی (رخ میدهد) روزیکه بحضور ما می آیند؟! ولی ستمگاران امروز در گمراهی آشکارند.

﴿٣٩﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

و ایشان را از روز حسرتباری بیم ده که در آن همه چیز فیصله میشود. ایشان در غفلتند و ایمان نمی آرند.

﴿٤٠﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

این ما هستیم که زمین و هرچه را در آن به ارث می بریم، و بسوی ما باز گردانیده می شوند.

﴿٤١﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ۗ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

در (این) کتاب (از) ابراهیم یاد کن. بیگمان او نهایت صادق (و) پیامبر بود.

﴿٤٢﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُعْنِي عَنْكَ شَيْئًا

هنگامیکه به پدرش گفت: « ای پدر من، چرا چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و هیچ نیازی را از تو برطرف نمی سازد پرستش می کنی؟ »

﴿٤٣﴾ يَا أَبَتِ إِنَّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

ای پدر من، حقا که به من از آن علمی آمده است که به تو نیامده است. پس مرا پیروی کن، تا ترا به راه راست رهنمون شوم.

﴿٤٤﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۗ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

ای پدر من، شیطان را پرستش مکن. بیگمان شیطان در برابر (خدای) رحمن نهایت سرکش است.

﴿٤٥﴾ يَا أَبَتِ إِنَّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

ای پدر من، میترسم (مبادا) عذابی از جانب (خدای) رحمن به تو برسد، و با شیطان پیوست شوی.

﴿٤٦﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ ۗ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ ۗ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا

(پدر) گفت: « ای ابراهیم، آیا تو از معبودان من روی برتافته‌یی؟ اگر (ازین کار) خودداری نکنی، ترا سنگسار خواهم کرد. (اکنون) از من تا مدت درازی دور شو. »

﴿٤٧﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ ۖ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي ۗ إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

(ابراهیم) گفت: « سلام بر تو، بزودی برایت از پروردگارت طلب آمرزش میکنم. بیگمان او به من بسیار مهربان است. »

﴿٤٨﴾ وَأَعْتَزِلُّكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

من از شما و آنچه بجز خدا نیایش میکنید دوری می جویم، و به پروردگار خویش نیایش میکنم. امید است به (برکت) نیایش پروردگار خویش بدبخت نشوم.

﴿٤٩﴾ فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

چون ابراهیم از ایشان و آنچه به جز خدای یکتا می پرستیدند دوری جست، به او اسحاق و یعقوب را ارزانی کردیم، و هر یک را پیامبر ساختیم.

﴿٥٠﴾ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

و از رحمت خویش به ایشان موهبت کردیم، و برای شان نیکنامی بلند مرتبه ای را قرار دادیم.

﴿٥١﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ ۗ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

و در (این) کتاب از موسی یاد کن. بیگمان او مخلص بود، و او رسول (و) نبی بود.

﴿٥٢﴾ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

ما به او از جانب راست (کوه) طور ندا کردیم، و او را به راز (و نیاز) خویش قرب بخشیدیم.

﴿٥٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

و به مرحمت خویش، به او برادرش هارون را - که پیامبر بود - (همکاری) بخشیدیم.

﴿٥٤﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ ۗ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

در (این) کتاب از اسمعیل یاد کن. بیگمان او به وعده خود صادق بود، و رسول (و) نبی بود.

﴿٥٥﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

او خانواده خود را به نماز و زکات توصیه میکرد، و در نزد پروردگارش پسندیده بود.

﴿٥٦﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ ۗ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

در (این) کتاب از ادريس یاد کن. بیگمان او بسیار صادق بود (و) پیامبر بود.

﴿٥٧﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

و ما او را به مقام بلند بالا بردیم.

﴿٥٨﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ۚ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝

اینها بودند که خداوند بر ایشان نعمت داده بود، از پیامبرانی از نسل آدم، و از آنانیکه با نوح (در کشتی) برداشتیم، و از نسل ابراهیم و اسرائیل، و از کسانیکه (آنها را) هدایت نمودیم و برگزیدیم. چون آیات (خدای) رحمن به ایشان خوانده میشد، سجده کنان (و) گریان بزمین می افتادند.

﴿٥٩﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ ۖ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا

اما از پی ایشان بازماندگانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند، و بزودی (جزای) گمراهی خویش را خواهند دید.

﴿٦٠﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

جز کسانیکه توبه کردند و ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، پس چنین کسانی داخل بهشت می شوند، و بر ایشان هرگز ستمی نمی شود.

﴿٦١﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا

باغ هایی جاودانی که (خدای) رحمن به بندگان خود در غیب وعده کرده است. حقا که وعده او ایفا شدنی است.

﴿٦٢﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا ۚ وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

در آنجا هرگز سخن بیهوده ای را نمیشنوند، جز سلام را. و در آن به ایشان روزی شان صبح و شام آماده است.

﴿٦٣﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا

این همان بهشتی است که ما آنرا به کسانی از بندگان خود میراث میگذاریم که پرهیزگار باشند.

﴿٦٤﴾ وَمَا نَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ۚ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

(فرشتگان می گویند:) « ما جز به حکم پروردگار تو فرود نمی آییم. آنچه پیش روی ماست، آنچه پشت سر ماست، و آنچه در بین این دو است، همه از آن اوست. و پروردگار تو فراموشکار نیست. »

﴿٦٥﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه بین آنها است. پس او را پرستش کن، و در بندگی او شکبیا باش. آیا برای او همتایی سراغ داری؟

﴿٦٦﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

انسان میگوید: « آیا بعد از آنکه بمیرم باز دوباره زنده گردانیده خواهم شد؟ »

﴿٦٧﴾ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا

آیا انسان بخاطر نمی آورد که ما پیش ازین او را آفریدیم در حالیکه او هیچ چیزی نبود؟

﴿٦٨﴾ فَوَرَّبُّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

به پروردگارت قسم که ایشانرا گرد آوریم، و شیاطین را (نیز)، و باز همه را - در حالیکه بزانو درافتاده اند - پیرامون دوزخ حاضر می سازیم.

﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

سپس از هر فرقه، همانهایی را که در برابر (خدای) رحمن سخت سرانه تر سرکشی میکردند، بیرون میکشیم.

﴿٧٠﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا

و باز ما یقیناً کسانی را که برای سوختن در آتش سزاوارتر اند خوب می شناسیم.

﴿٧١﴾ وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ۖ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

هیچکس از شما نیست مگر (اینکه) بر آن (گذر دوزخ) وارد میشود. نزد پروردگارت امریست مقرر.

﴿٧٢﴾ ثُمَّ نُجِجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

سپس پرهیزگاران را نجات داده و ستمگاران را در آن به زانو درافتاده می گذاریم.

﴿٧٣﴾ وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ

نَدِيًّا

و چون آیات روشن ما به ایشان خوانده میشود کافران به مسلمانان می گویند: « کدام یک از دو گروه (ما و شما) از نظر مقام برتر و از نظر مجالس (و تشکیل محضرهای مجلل) بهتر است؟ »

﴿٧٤﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِئِيًّا

(آیا نمیدانند) چه تعداد (بیشمار) از مردمی را پیش از ایشان نابود کردیم که ساز و برگ بهتر و ظاهری آراسته تر داشتند؟

﴿٧٥﴾ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا ۖ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ

وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

بگو: « کسی که در گمراهی است، (خدای) رحمن به او مهلت دراز میدهد، تا چون جزایی را که به ایشان وعده داده شده ببیند، عذاب یا قیامت. درین حال میدانند که کیست که مقام بدتری دارد و کی لشکر ناتوانتری؟ »

﴿٧٦﴾ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۖ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا

و خداوند به هدایت رهیابان می افزاید، و باقیات الصالحات نزد پروردگارت (هم) ثواب بهتری دارد و (هم) عاقبت ارزشمندتری.

﴿٧٧﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

آیا کسی را دیدی که از آیات ما انکار ورزید و گفت: « یقیناً (در آن جهان نیز) به من دارایی و اولادی داده میشود »؟

﴿۷۸﴾ أَطَّلَعَ الْغَيْبِ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

آیا او به (اسرار) غیب آگاه شده یا از نزد (خدای) رحمن عهده گرفته است؟

﴿۷۹﴾ كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

نه چنان است (که او می گوید)، بزودی گفته هایش را می نویسیم، و عذاب او را مداوم می سازیم.

﴿۸۰﴾ وَنَزَّلْنَا مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

و همه چیزهایی را که گفته از وی به میراث میبریم، و خودش نزد ما به تنهایی می آید.

﴿۸۱﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

(مشرکان) جز خدا معبودانی گرفتند تا برای شان مایه عزت باشند.

﴿۸۲﴾ كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

نه چنان است (که ایشان می پندارند)، بزودی از پرستش آنها بیزار می جویند و بر ضد ایشان قرار میگیرند.

﴿۸۳﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا

آیا ندیدی که ما شیطان ها را بر کافران گماشتیم تا ایشان را شدیداً تحریک کنند؟

﴿۸۴﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

پس در مورد ایشان شتاب مکن. ما (اعمال) ایشانرا دقیقاً بررسی میکنیم.

﴿۸۵﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

روزیکه پرهیزگاران را هم چون وفدی بسوی (خدای) رحمن گرد آوریم.

﴿۸۶﴾ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا

و گناهکاران را با تشنه کامی بسوی (آتش) دوزخ برانیم.

﴿۸۷﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

در آن روز هیچ کس شفاعت کرده نمیتواند، مگر کسی که از جانب (خدای) رحمن پیمان گرفته باشد.

﴿۸۸﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

گفتند: « خدای (رحمن) فرزند گرفته است. »

﴿۸۹﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

واقعاً سخن زشتی (به زبان) آوردید.

﴿٩٠﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشِقُ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا

نزدیک است که آسمانها از سبب آن (سخن ایشان) متلاشی گردد، زمین شکافته شود، و کوه ها در دم فرو غلتند.

﴿٩١﴾ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

از (شومی) اینکه برای رحمن فرزندی میگیرند.

﴿٩٢﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

(در حالیکه) برای رحمن سزاوار نیست تا فرزندی بگیرد.

﴿٩٣﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا

هیچکس در آسمانها و زمین نیست جز اینکه (بحیث) بنده‌ای (نزد خدای) رحمن می آید.

﴿٩٤﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

خداوند همه اینها را حساب کرده و آنها را دقیقاً شمرده است.

﴿٩٥﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

و همه ایشان نزد او در روز قیامت به تنهایی می آیند.

﴿٩٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

بر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، (خدای) رحمن محبت ایشانرا (در دلها) قرار میدهد.

﴿٩٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا

بیگمان ما قرآن را به زبان تو آسان گردانیدیم، تا با آن پرهیزگاران را بشارت دهی و ستیزندگان را برحذر سازی.

﴿٩٨﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا

و چه تعداد (بی حسابی) از اقوام (بی ایمان و گنهگار) را پیش از ایشان هلاک کردیم؟! آیا از ایشان احدی را

(حالا) می بینی؟ یا آیا (حتی) صدایی از ایشان میشنوی؟

(٢٠) سوره طه:

این سوره مکی و دارای (١٣٥) آیه است و طه (رمزی است خطاب به پیامبر اسلام) میباشد. موضوع این سوره همچون موضوعات سایر سوره های مکی اثبات توحید و عقاید حق است که در خلال يك مقدمه و دو داستان به آن پرداخته شده است. در آن مقدمه حکمت نزول قرآن بیان میشود ، سپس داستان موسی در سه مرحله مطرح میگردد آن گاه مجددا ذکر اوصاف قرآن در میان میآید بعدا داستان آدم بیان می شود و در پایان هم به اقامه حجت علیه معاندان پرداخته میشود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ طه

ط.هـ.

﴿٢﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى

ما قرآن را بر تو (برای آن) نازل نکردیم که رنج بکشی.

﴿٣﴾ إِلَّا تَذَكْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى

بلکه (آنها) صرف بحدیث پندی برای کسانیکه (از خدا) می ترسند نازل کردیم.

﴿٤﴾ تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى

نازل شده‌ای است از جانب آنکه زمین و آسمانهای بلند را آفرید.

﴿٥﴾ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى

(خدا) رحمانیکه بر عرش مستولی است.

﴿٦﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى

آنچه در آسمانها و در زمین است، و آنچه در میان این هر دو، و در زیر زمین است، از آن اوست.

﴿٧﴾ وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى

اگر به آواز بلند سخن گویی، بیگمان او پنهان و پنهانتر را میداند.

﴿٨﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

خدا، جز او معبودی نیست. نام های نیک از آن اوست.

﴿٩﴾ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى

و آیا داستان موسی به تو رسیده است؟

﴿١٠﴾ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ

هُدًى

هنگامیکه آتشی را دید، به خانواده اش گفت: « اینجا درنگ کنید، من (از دور) آتشی دیدم، شاید من به شما پاره‌ای از آن (آتش) بیاورم، یا بوسیله آن آتش راه را بیابم. »

﴿۱۱﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى

اما چون پیش آتش آمد، نداء شد: « ای موسی! »

﴿۱۲﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۖ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

بیگمان که من پروردگار تو ام، کفش های خود را بکش، واقعاً تو به وادی مقدس طوی میباشی.

﴿۱۳﴾ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

من ترا (به پیامبری) برگزیده ام، پس به آنچه به تو وحی می شود گوش فرا ده.

﴿۱۴﴾ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

حقا که من خدایم. جز من معبودی نیست. پس (تنها) مرا عبادت کن، و نماز را برای یاد من به تمام و کمال اداء کن.

﴿۱۵﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ

بیگمان قیامت آمدنی است. می خواهم آنرا پنهان دارم، تا هر کس به اساس کوشش خود پاداش داده شود.

﴿۱۶﴾ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

بنابراین ترا نباید از این امر (یعنی ایمان به قیامت)، کسانی که به آن ایمان ندارند و هوا و هوس خود را پیروی میکنند، باز دارند. زیرا (درینصورت) نابود میشوی.

﴿۱۷﴾ وَمَا تَلَكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ

ای موسی، در دست راست تو چیست؟

﴿۱۸﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ

(موسی) گفت: « این عصای من است، که بر آن تکیه میکنم و با آن برگاهی را برای مواشی خود فرو میریزم، و از آن برایم فایده های دیگری نیز هست. »

﴿۱۹﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ

(خداوند) گفت: « ای موسی، آنرا بیفکن! »

﴿۲۰﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ

(موسی) آنرا افکند، ناگهان ماری شد که (اینسو و آنسو) می دويد.

﴿۲۱﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ ۗ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ

(خداوند) گفت: « آنرا بگیر و مترس! ما آنرا بحالت نخستین باز میگردانیم. »

﴿٢٢﴾ وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِن غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ

دست خود را به زیر بغل خود ببر، تا سفید (درخشان) بی عیب برآید، (و این) معجزه دیگر (است).

﴿٢٣﴾ لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ

تا به تو از نشانه های بزرگ خود نشان دهیم.

﴿٢٤﴾ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

بسوی فرعون برو. بیگمان او سرکشی کرده است.

﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

موسی گفت: « پروردگارا، سینه ام را برای من فراخ گردان! »

﴿٢٦﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

و کار مرا برای من آسان کن.

﴿٢٧﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي

و گره را از زبانهم بگشای.

﴿٢٨﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي

تا سخنم را بفهمند.

﴿٢٩﴾ وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

برای من وزیری از خاندانم قرار بده.

﴿٣٠﴾ هَارُونَ أَخِي

هارون، برادر مرا.

﴿٣١﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي

(و) بوسیله او پشتم را قوی گردان.

﴿٣٢﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي

و او را در کار من شریک ساز.

﴿٣٣﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا

تا ترا بسیار ستایش کنیم.

﴿٣٤﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا

و ترا بسیار یاد کنیم.

﴿٣٥﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

بیگمان تو (همواره) بحال ما بینایی.

﴿٣٦﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى

(خداوند) گفت: « ای موسی! بیگمان آنچه خواسته یی به تو داده شد. »

﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى

و بیگمان باری دیگر نیز بر تو منت نهادیم.

﴿٣٨﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

هنگامیکه به مادرت آنچه را که لازم بود الهام کردیم.

﴿٣٩﴾ أَنْ أِقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ

لَهُ ۗ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي

که او (یعنی موسی) را در صندوق بینداز، و صندوق را در دریا بیفکن، تا دریا آن را به ساحل بیفکند، و او را کسیکه (هم) دشمن من است و (هم) دشمن او بگیرد. و من محبتی بر تو از خود افکنم، و تا زیر نظر من پرورده شوی.

﴿٤٠﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا

تَحْزَنَ ۗ وَفَقُلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۗ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ

عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ

هنگامیکه خواهرت (در نزدیک قصر فرعون) میرفت و میگفت: « و آیا به شما خانواده ای را نشان دهم که این طفل را تربیه کند؟ » پس ترا نزد مادرت باز آوردیم، تا چشم او روشن شود و غم نخورد. سپس تو کسی را کشتی، و ما ترا از مشکل (آن) نجات دادیم، و ترا به روشهای گوناگون آزمودیم. سپس تو چندین سال در میان اهل مدین ماندی. باز تو، ای موسی، به اینجا طوریکه مقرر شده بود آمدی.

﴿٤١﴾ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

و من ترا برای (خدمت) خودم ساختم.

﴿٤٢﴾ اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

(گفتم): « برو، تو و برادرت با نشانه های من، و در یاد من سستی مکنید. »

﴿٤٣﴾ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

بسوی فرعون بروید که او واقعاً سرکشی کرده است.

﴿٤٤﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى

ولی با او به نرمی سخن بگویند، شاید پند گیرد یا بترسد.

﴿٤٥﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى

گفتند: «ای پروردگار ما، میترسیم که مبادا (فرعون) بر ما تجاوز نماید یا سرکشی کند.»

﴿٤٦﴾ قَالَ لَا تَخَافَا ۖ إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى

(خداوند) گفت: «مترسید! بیگمان من با شمایم. (همه چیز را) می شنوم و می بینم.»

﴿٤٧﴾ فَأَتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۖ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن

رَبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

«پیش او بروید و بگویند: «حقا که ما فرستادگان پروردگار تو هستیم. بنی اسرائیل را با ما بفرست، و ایشانرا عذاب مکن. بیگمان با نشانه ای از پروردگارت بسوی تو آمده ایم. و سلام بر کسیکه از راه راست پیروی کرد.»

﴿٤٨﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

بیگمان بما وحی شده است که عذاب بر کسی (تطبیق شدنی) است که (حق را) تکذیب کند و (از آن) رو گرداند.

﴿٤٩﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ

(فرعون) گفت: «پس کیست پروردگار شما؟ ای موسی!»

﴿٥٠﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ

گفت: «پروردگار ما ذاتی است که به هر چیز (لازمه) آفرینش آنرا داد، و سپس (او را) رهنمایی کرد.»

﴿٥١﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

(فرعون) گفت: «پس آیا سرنوشت پیشینیان چه خواهد بود؟»

﴿٥٢﴾ قَالَ عَلِمْتُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ ۖ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَىٰ

(موسی) گفت: «علم آن نزد پروردگار در کتابی ثبت (شده) است. پروردگار من نه غلط می کند و نه هم فراموش می نماید.»

﴿٥٣﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ

أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ

ذاتی که زمین را برای شما محل آسایش گردانید، و برای شما در آن راههایی کشیده، و از آسمان آب فرو ریخت، که به (وسیله) آن جوهره هایی از رویدنی های گوناگون را برآوردیم.

﴿٥٤﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ

(ازینها) بخورید و مواشی خویش را بچرانید. بیگمان درین نشانه هایی است برای صاحبان خرد.

﴿٥٥﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ

از خاک شما را آفریدیم، و در آن شما را برمیگردانیم. و از آن بار دیگر شما را بیرون می آوریم.

﴿٥٦﴾ وَلَقَدْ آرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ

و بیگمان به فرعون همه نشانه های خود را نمایاندیم، اما او (آنها را) تکذیب کرد، و (از پذیرش آن) سر باز زد.

﴿٥٧﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ

(فرعون) گفت: « ای موسی، آیا آمده یی تا با جادوی خویش ما را از سرزمین ما بیرون کنی؟ »

﴿٥٨﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى

ما (نیز) واقعاً جادویی هم مانند آن خواهیم آورد. پس میان ما و خود وعده ای بگذار، که نه ما از آن تخلف ورزیم و نه (هم) تو. در میدانی هموار. »

﴿٥٩﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحَشِّرَ النَّاسَ ضُحًى

(موسی) گفت: « وعده گاه شما در روز زینت (یعنی عید) است، و مردم در هنگام چاشت جمع شوند. »

﴿٦٠﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ

آنگاه فرعون رفت و طرح خویش را ریخت و باز آمد.

﴿٦١﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَىٰ

موسی به ایشان گفت: « وای بر شما، بر خدا دروغی را برمبندید. پس شما را به وسیله عذابی محو کند. و شکست از آن کسی است که (بر خدا) دروغ بربست. »

﴿٦٢﴾ فَتَنَّا زُجُوجَهُمْ وَأَسْرَوْا النَّجُوجَ

ایشان با یکدیگر (در) امر خویش منازعه کردند، و این راز و نیاز خود را پنهان نگه داشتند.

﴿٦٣﴾ قَالُوا إِنَّ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ

الْمُثَلَّىٰ

ایشان گفتند: « واقعاً این دو تن جادوگرانی اند که میخواهند با جادوی خویش شما را از ملک شما بیرون سازند، و آیین ستوده شما را از بین ببرند. »

﴿٦٤﴾ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفًّا ۗ وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَىٰ

پس طرح خویش را هماهنگ سازید، و آنگاه صف (خویش) را فشرده نمایید، و امروز کامیابی از آن کسی است که برتری خویش را ثابت سازد.

﴿٦٥﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَن تُلْقِي وَإِنَّمَا أَن نَّكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

گفتند: « ای موسی، یا اینست که تو (عصای خویش را) می افگنی، یا ما خواهیم بود کسانی که اول می افگند؟ »

﴿٦٦﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا ۗ فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

(موسی) گفت: « بلکه شما بیفکنید. » پس ناگهان ریسمانها و عصاهای ایشان به سبب جادوی شان به خیال وی آورد که به سرعت حرکت می کنند.

﴿٦٧﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ

پس موسی ترسی خفیف در دل خویش احساس کرد.

﴿٦٨﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ

گفتیم: « مترس، بیگمان تو (بر ایشان) برتری. »

﴿٦٩﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا ۗ إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ ۗ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ

أَتَىٰ

و چیزی را که در دست راست تو است بیفکن، تا آنچه را (ساحران) ساخته اند ببلعد. بیگمان آنچه را ساخته اند (صرف) فریب جادوگر است. جادوگر به هر جایکه بیاید رستگار نمی شود.

﴿٧٠﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ

درین حال جادوگران به سجده افتاده گفتند: « به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. »

﴿٧١﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۗ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۗ فَلَا تُقَطِّعْنَ أَيْدِيَكُمْ

وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صَلِّبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ إِنَّمَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

(فرعون) گفت: « آیا پیش ازینکه به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟! یقیناً او بزرگ شما است که به شما جادو آموخته است. پس بیگمان من دستها و پاهاى شما را از جانب مخالف (یکدیگر) می بَرَم. و شما را بر تنه درختان خرما به دار میزنم، تا بطور یقین بدانید که مجازات کدام یک ما سخت تر و بادوام تر است. »

﴿٧٢﴾ قَالُوا لَن نُّؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا ۗ فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ ۗ إِنَّمَا

تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

گفتند: « ترا هرگز بر نشانه های روشنی که به ما آمده است و کسیکه ما را آفریده است بر نمی گزینم. پس هر چه میخواهی دستور ده. بیگمان تو صرف به زندگی این دنیای ما خاتمه میدهی. »

﴿٧٣﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَأَبْقَى

ما واقعاً به پروردگار خویش ایمان آوردیم، تا گناهان و چیزی را از جادوگری که ما را بدان مجبور ساختی ببخشد. و خداوند بهتر و ماندگارتر است.

﴿٧٤﴾ إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

یقیناً کسیکه در نزد پروردگارش (بحیث) گنهکار بیاید، برای او دوزخ است، در آن نه می میرد و نه (هم) زنده می ماند.

﴿٧٥﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

و کسیکه نزد او (بحیث) مؤمن بیاید، که اعمال شایسته کرده باشد، پس برای ایشان درجات بلند است.

﴿٧٦﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ

بهشت های همیشگی (که) در زیر (درختان) آنها جویبارها در جریان است. در آنجا جاودانه بسر می برند. اینست پاداش کسیکه خود را پاک ساخت.

﴿٧٧﴾ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا

وَلَا تَخْشَىٰ

و بیگمان ما به موسی وحی کردیم که شبانگاه بندگانم را ببر، و برای شان راه خشکی را در (دل) دریا بشگاف. نه از گرفتار شدن (توسط فرعون) بترس، و نه (هم) از غرق شدن در دریا.

﴿٧٨﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

درین حال فرعون ایشانرا با لشکریان خویش دنبال کرد، پس دریا آنها را فرو گرفت و کاملاً پوشانید.

﴿٧٩﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ

(آری) فرعون قومش را گمراه کرد و رهیاب نگردانید.

﴿٨٠﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ

الْمَنَّٰ وَالسَّلْوَىٰ

ای بنی اسرائیل، حقا که شما را از (شر) دشمنان شما نجات دادیم، و با شما در سمت راست کوه طور { ۱ } وعده گذاشتیم، و به شما من و سلوی^۱ فرو فرستادیم.

{ ۱ } سینا؛

﴿٨١﴾ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۗ وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي

فَقَدْ هَوَىٰ

(و گفتیم:) « از چیزهای پاکیزه ای که برای شما روزی گردانیده ایم بخورید، ولی در (استفاده از) آن افراط نکنید، تا مبادا خشم من بر شما فرود آید. و بر کسیکه خشم من فرود آید، واقعاً هلاک میشود. »

﴿۸۲﴾ **وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ**

اما بیگمان که من کسی را، که توبه کرد، ایمان آورد، عمل شایسته انجام داد و آنگاه رهیاب شد، آمرزنده ام.

﴿۸۳﴾ **وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ**

(گفتیم:) « ای موسی، چه چیز ترا بر آن داشت تا از قومت پیشی گیری؟ »

﴿۸۴﴾ **قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ**

(موسی) گفت: « هم ایشان در پی من روانند. و من بسوی تو شتافتم، ای پروردگارم، تا (از من) خوشنود شوی. »

﴿۸۵﴾ **قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ**

(خداوند) گفت: « ما بعد از تو قوم ترا به آزمایش مبتلا ساختیم، و سامری ایشانرا گمراه کرد. »

﴿۸۶﴾ **فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا ۚ أَفَطَالَ**

عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي

پس موسی خشمگین و افسوس کنان بسوی قوم خویش باز گشت، و گفت: « ای قوم من، آیا پروردگار شما به شما وعده نیکی نکرده بود؟ پس آیا این دوره بر شما طولانی شد؟ یا خواستید بر شما خشمی از پروردگار شما فرود آید که شما عهد (خود) را با من نادیده گرفتید؟ »

﴿۸۷﴾ **قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَىٰ**

السَّامِرِيُّ

گفتند: « ما به اختیار خود عهد ترا نادیده نگرفتیم، مگر بار سنگینی را از زیور قوم (فرعون) برداشته بودیم، آنها را (به یکسو) انداختیم. » سامری اینچنین القاء کرد.

﴿۸۸﴾ **فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِي**

و به این ترتیب برای ایشان گوساله ای را بیرون آورد، جسدی را که (همچون گاو) همبوع میکشید. درین حال گفتند: « این است معبود شما و معبود موسی. » و به این ترتیب او فراموش کرده است.

﴿۸۹﴾ **أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا**

آیا نمی بینند که (آن گوساله) سخنی را به ایشان جواب داده نمی توانست، و توان رساندن زیان و سودی را به ایشان نداشت؟

﴿٩٠﴾ وَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ ۗ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

و بیگمان هارون به ایشان گفته بود: « ای قوم من، شما درین (کار) مورد آزمایش قرار گرفتید. و حقا که پروردگار شما بسیار مهربان است. پس مرا پیروی کنید، و فرمان مرا بپذیرید. »

﴿٩١﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

گفتند: « بگونه پیوسته به (پرستش) آن دوام میدهیم، و مجاور آن می باشیم، تا آنکه موسی بسوی ما باز گردد. »

﴿٩٢﴾ قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

(موسی) گفت: « ای هارون، چه چیز ترا از پیروی من بازداشت چون ایشانرا دیدی که گمراه شدند؟ »

﴿٩٣﴾ أَلَا تَتَّبِعَنِ ۗ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

آیا از فرمان من رو برتافتی؟

﴿٩٤﴾ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ۗ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

(هارون) گفت: « ای پسر مادر من، نه ریشم را بگیر و نه (موی) سرم را. بیگمان من ترسیدم مبدا بگویی "میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و به حرفم نکردی." »

﴿٩٥﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ

(موسی) گفت: « مشکل بزرگ تو چه بود، ای سامری؟ »

﴿٩٦﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي

نَفْسِي

(سامری) گفت: « من چیزی را دیدم که دیگران آنرا ندیدند. پس مشتیی (از خاک) از پیل پای رسول گرفتم، و آنرا (در میان این طلای گداخته) افگندم، و این چنین نفسم به من (این را) جلوه داد. »

﴿٩٧﴾ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ ۗ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ ۗ وَانظُرْ

إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا ۗ لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

(موسی) گفت: « پس برو برای تو در زندگی این (مجازات تعیین شده) است که بگویی به من تماس گرفته نشود. و بیگمان برای تو موعدی است که از آن هرگز با تو تخلف کرده نمیشود. بسوی معبود خود بنگر که خدمت و

عبادت او را بر خود لازم گرفته بودی. واقعاً آنرا می سوزانیم، و سپس آنرا ریز ریز کرده (خاکسترش را) به دریا می پاشیم. «

﴿٩٨﴾ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

بدرستی که معبود شما همان خدایی است که جز او معبودی نیست. علم او همه چیز را فرا گرفته است.

﴿٩٩﴾ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۗ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا

این چنین به تو از رویدادهای آنچه گذشته است بیان میکنیم. و بیگمان به تو از جانب خود ذکری دادیم (یعنی قرآن مجید را به تو نازل کردیم).

﴿١٠٠﴾ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا

کسیکه از آن رو بگرداند، بیگمان در روز قیامت گناه بزرگ را بدوش میگیرد.

﴿١٠١﴾ خَالِدِينَ فِيهِ ۗ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا

همیشه در آن می مانند، و چه بد است برای ایشان این باری که در روز قیامت بدوش می کشند؟! «

﴿١٠٢﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۗ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا

روزی که در صور دمیده شود، و مجرمان را در آن روز با چشمان کبود حشر می کنیم.

﴿١٠٣﴾ يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

بین خویش آهسته می گویند: « درنگ نکردید (در دنیا) مگر ده (روز). » «

﴿١٠٤﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا

ما به آنچه می گویند داناتریم، هنگامیکه بهترین شان از نظر روش می گوید: « درنگ نکردید مگر یکروز. » «

﴿١٠٥﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا

از تو در مورد کوهها می پرسند، بگو: « پروردگرم آنها را (از ریشه بر می کند و) بر باد میدهد. » «

﴿١٠٦﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

و آنرا (همچون) میدانی صاف میگرداند.

﴿١٠٧﴾ لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا

در آن هیچ پستی و بلندی را نمی بینی.

﴿١٠٨﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ ۗ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا

در آن روز (همگان) دعوتگر (الهی) را پیروی میکنند، و از آن هیچ انحرافی بعمل نمی آید. آوازاها (از ترس خدای) رحمن پخش میشوند، و تو جز آوازی بسیار آهسته چیزی نمی شنوی.

﴿١٠٩﴾ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا

در آن روز شفاعت سودی ندارد، مگر (شفاعت) کسیکه (خدای) رحمن به او اجازه دهد، و از سخنش راضی باشد.

﴿١١٠﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا

(خداوند) آنچه پیش روی و پشت سر بندگان قرار دارد، (همه را) میداند. ولی آنها به علم (او) احاطه ندارند.

﴿١١١﴾ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

چهره ها در حضور زنده به خود پاینده ذلیل میشوند، و بیگمان کسیکه مرتکب ستم گردیده ناکام و بینوا شد.

﴿١١٢﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا

و هر کسیکه چیزی از کارهای نیکو انجام دهد، در حالیکه مؤمن (هم) باشد، پس نه از ستمی می ترسد و نه (هم) از شکستی.

﴿١١٣﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا

و این چنین ما این را قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن به اشکال گوناگون هوشدارهایی را آوردیم، تا باشد که بترسند، یا به ایشان مایه پندی شود.

﴿١١٤﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۗ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۗ وَقُلْ رَبِّ

زِدْنِي عِلْمًا

پس بلند مرتبه است خدای، پادشاه برحق. به (خواندن) قرآن پیش از آنکه وحی آن به تو تمام شود شتاب مکن، و بگو: « پروردگارا، بر دانشم بیفز!»

﴿١١٥﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

و بیگمان پیش ازین با آدم پیمان بستیم، اما او فراموش کرد، و ما برای او عزمی نیافتیم.

﴿١١٦﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ

و چون به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجد کنید،» پس (همه) سجده کردند، مگر ابلیس (که) سر باز زد.

﴿١١٧﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ

آنگاه گفتیم: « ای آدم، این واقعاً دشمن تو و همسر تو است، بنابراین (باید) شما را از جنب بیرون نکند که بدبخت می شوی. »

﴿١١٨﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ

برای تو (در آنجا ساز و برگی) هست، که گرسنه و برهنه نمی مانی.

﴿١١٩﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ

و نه (هم) در آن تشنه می مانی، و نه هم از گرمی آفتاب رنجی میبری.

﴿۱۲۰﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ

ولی شیطان به او وسوسه کرد (و) گفت: «ای آدم، آیا ترا بسوی درخت جاودانی (یعنی عمر جاودانی) و ملکی که فنا نپذیرد است رهنمایی کنم؟»

﴿۱۲۱﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۗ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ

سرانجام هر دو از آن درخت خوردند، پس شرمگاه ایشان برای شان ظاهر شد، و ازین رو (به ناچار) به چسپاندن برگهای (درختان) بهشت بر خویشان آغاز کردند. (بدین ترتیب) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و راه خود را نیافت.

﴿۱۲۲﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ

سپس پروردگارش او را برگزید، پس توبه اش را پذیرفت، و به این ترتیب (او) راه (خود) را بازیافت.

﴿۱۲۳﴾ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۗ فَأَمَّا يَا تَيْنَكُم مِّنِّي هُدًىٰ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ

خداوند گفت: «هر دوی شما با هم ازینجا فرود آید، در حالیکه بعضی شما دشمن بعضی دیگرید. پس چون بشما از جانب من هدایتی آمد، هر که هدایتم را پیروی کند، پس نه گمراه میشود و نه (هم) بدبخت.»

﴿۱۲۴﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ

اما هر که از یاد من رو بگرداند، پس بیگمان برای او زندگی تنگی است، و ما او را در روز قیامت نابینا حشر می کنیم.

﴿۱۲۵﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

میگوید: «ای پروردگار (من)، چرا مرا نابینا حشر کردی حالانکه (پیش ازین) بینا بودم؟»

﴿۱۲۶﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا ۗ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ

(خداوند) میگوید: «از آنجاییکه آیات من به تو آمد (و) تو آنها را نادیده گرفتی، اینک تو هم امروز نادیده گرفته میشوی (یعنی چیزی را نمی بینی).»

﴿۱۲۷﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۗ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ

و بدین ترتیب کسی را که از حد گذشت و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد جزا میدهم. و عذاب آخرت، ای بسا، که دردناکتر و پایدارتر است!

﴿١٢٨﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ

آیا برای رهیابی ایشان این کافی نیست که چه تعداد نسل هایی را هلاک گردانیدیم که (اکنون) ایشان در منازل (ویران شده) آنان گشت و گذار میکنند؟ بیگمان درین برای صاحبان عقل نشانه هایی است.

﴿١٢٩﴾ وَأُولَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِرِأَمًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

اگر حکم مقرر شده از جانب پروردگار تو و وعده مقرر شده (مبنی بر اینکه عذاب بجهان آخرت موکول گردیده) نمی بود، حتماً باید (مجازات ایشان درین دنیا) عملی میشد.

﴿١٣٠﴾ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۗ وَمِنْ آنَاءِ

اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ

پس در برابر آنچه میگویند شکیبا باش، و پروردگار خویش را (همواره) پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن به پاکی بستای، و در قسمت‌هایی از شب و در اطراف روز (نیز) به ستایش او بپرداز، تا باشد که خوشنود شوی.

﴿١٣١﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۗ وَرِزْقُ

رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

و به چیزهایی که دسته ای از آنها را بهره ور ساختیم چشمان خود را مدوز. (اینها) بهره زندگی این دنیا اند، تا با آن ایشانرا آزمایش کنیم. اما چیزی که پروردگار تو روزی دهد (و نصیب گرداند) بهتر و پاینده تر است.

﴿١٣٢﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۗ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۗ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

اهل خویش را به نماز فرا خوان و خود (نیز) به آن شکیبا باش. ما از تو روزی نمی خواهیم، (بلکه) ما ترا روزی می دهیم. و عاقبت نیکو برای پرهیزگاران است.

﴿١٣٣﴾ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۗ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

می گویند « چرا او معجزه ای از پروردگارش برای ما نمی آورد؟ » آیا برای ایشان نشانه های روشنی از کتابهای پیشین نرسیده است؟

﴿١٣٤﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا رَّسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ

أَنْ نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ

اگر ما ایشانرا قبل از این (یعنی نزول قرآن) با عذابی هلاک می کردیم، به یقین می گفتند: « پروردگارا، چرا به ما پیامبری نفرستادی تا از آیات پیروی میکردیم پیش از اینکه ذلیل و رسوا می شدیم؟! »

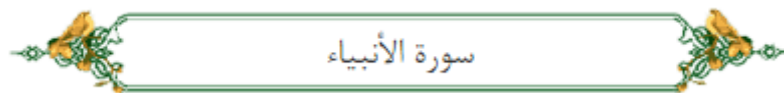
﴿١٣٥﴾ قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ

بگو: « هر کدام (از ما و شما) در انتظار است. پس انتظار بکشید، و به زودی خواهید دانست که چه کسانی به راه راست اند، و چه کسانی رهیاب شده اند. »

جزء یا سپاره هفدهم - اقترَب

(۲۱) سوره الانبیاء:

این سوره مکی و دارای (۱۱۲) بوده و بدان « جهت انبیاء » نامیدند که متضمن بیان جهاد و مبارزه انبیای عظام علیه اقوام بت پرست و مشرکشان است و (پیامبران) معنی میدهد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

برای مردم حساب شان نزدیک شد، ولی ایشان در غفلت اند، (و از تسلیم شدن به حق) روی گردان.

﴿۲﴾ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

هر یادآوری تازه ای که به ایشان از جانب پروردگارشان می آید، آنرا می شنوند ولی به بازی می گیرند.

﴿۳﴾ لَا هِيَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ ۗ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ

تُبْصِرُونَ

در حالیکه دلهای شان به امور بیهوده گرفتار شده است، و ستمگاران به پنهانی (با یکدیگر) به راز و نیاز پرداخته (می گویند): « آیا این (پیامبر) بشری مثل شما نیست؟ آیا دیده (و دانسته) فریب سحر او را می خورید؟ »

﴿۴﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

گفت: « پروردگار من (هر) سخنی را (که) در آسمان و زمین (گفته شود) می داند، و او شنوا (و) داناست. »

﴿۵﴾ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ

بلکه میگویند: « (آنچه را محمد آورده است) خوابهای شوریده ایست، (و) بلکه آنرا افتری کرده، بلکه او شاعر است. (و اگر چنین نیست) پس برای ما معجزه ای بیاورد به همانگونه ایکه پیشینیان (با آن) فرستاده شده اند. »

﴿٦﴾ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۗ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ

(مردم) هر سرزمینی را پیش از ایشان که هلاک ساختیم ایمان نیاوردند، آیا اینها ایمان می آورند؟

﴿٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ ۗ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی را که به ایشان وحی می کردیم. درینصورت از مردم باخبر بپرسید، اگر نمی دانید.

﴿٨﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ

و ما ایشان را جسدهایی که طعام نمی خورند نیافریدیم، و جاودان نبودند.

﴿٩﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ

و سپس وعده ای را که به ایشان داده بودیم بجا آوردیم. پس آنها را با هر کس (دیگر) که خواستیم نجات دادیم، و اسراف کنندگان را هلاک ساختیم.

﴿١٠﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بیگمان به شما کتابی فرستادیم که در آن عزت شما است، آیا نمیدانید؟

﴿١١﴾ وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ

چه سرزمینهایی را که (مردم آن) ستمگار بودند در هم شکستیم، و بعد از ایشان گروهی دیگر را آفریدیم.

﴿١٢﴾ فَلَمَّا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يِرْكُضُونَ

ولی چون عذاب ما را احساس کردند، در دم از آن گریختند.

﴿١٣﴾ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ

نگریزید، به همان جای آسوده حالی که داشتید و به خانهای خویش برگردید، تا باشد که سوال کرده شوید.

﴿١٤﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

گفتند: « ای وای به حال ما، واقعاً که ما ستمگار بودیم. »

﴿١٥﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ

و همیشه این دعوی شان بود، تا اینکه آنها را درو (یعنی ریشه کن) کردیم و خاموش ساختیم.

﴿١٦﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ

و ما آسمان و زمین را و آنچه را در میان آنهاست برای بازی نیافریدیم.

﴿١٧﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَهْوًا لَتَّخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ

اگر می خواستیم که بازیچه ای بگیریم، بیگمان بازیچه ای مناسب به شأن خویش بر می گزیدیم، اگر (چنین) میکردیم.

﴿١٨﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۚ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم، (حق) باطل را نابود می سازد، و به این ترتیب باطل تباہ شدنیست. (ولی) وای به شما، ازین توصیف (نادرستی) که می کنید.

﴿١٩﴾ وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

و از آن او هستند همه کسانی که در آسمانها و زمین اند، و آنانیکه نزد او هستند از پرستش او سرکشی نمی کنند، و نه (هم) خسته میشوند.

﴿٢٠﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ

شب و روز تسبیح می گویند و هرگز سستی نمی ورزند.

﴿٢١﴾ أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ

(با) آیا ایشان معبودانی گرفتند که میتوانند از زمین موجودات را (زنده و) پراکنده کنند؟

﴿٢٢﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

اگر درین (زمین و آسمان) ها معبودانی جز خداوند (یکتا) می بودند، بیگمان نظام (زمین و نظام آسمان) هر دو بهم میخورد. پس منزّه است خدای، پروردگارِ عرش، از آنچه (او را به آن) وصف می کنند.

﴿٢٣﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

(او) از آنچه میکند پرسیده نمیشود، ولی ایشان بازخواست میشوند.

﴿٢٤﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ۚ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ ۚ فَهُمْ مُعْرِضُونَ

آیا جز او معبودانی دیگر برگزیدند؟ بگو: « دلیل خویشرا بیاورید. اینست پیام کسانی که با من هستند، و پیام آنانیکه پیش از من بودند. « اما اکثر ایشان (سخن) حق را نمیدانند، (پس ایشان به این دلیل از آن) گریزانند.

﴿٢٥﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه به وی وحی کردیم (که): « نیست معبودی بجز من، پس مرا پرستش کنید. «

﴿٢٦﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَهُ ۚ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ

و گفتند: « (خدای) رحمن (برای خویش) فرزندی گرفته است. » او (ازین نسبت ها) منزّه است. بلکه اینها (که به خدایی نسبت داده میشوند) بندگان صاحب مکرمتی هستند.

﴿۲۷﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ

و هرگز پیش از دستور او سخن نمی گویند، و تنها به حکم او عمل میکنند.

﴿۲۸﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ

خداوند کارهای گذشته و آینده شانرا میداند، و جز برای کسی که خدا از او راضی باشد شفاعت نمی کنند، و از ترس او بیمناک اند.

﴿۲۹﴾ وَمَنْ يُقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكْ نَجْرِيهِ جَهَنَّمَ ۖ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

هر که از ایشان بگوید « من جز خدا معبودم، » پس او را به دوزخ جزاء میدهیم، و ستمگاران را چنین جزاء میدهیم.

﴿۳۰﴾ أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ

شَيْءٍ حَيٍّ ۖ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

آیا کافران ندیدند که آسمان ها و زمین بهم پیوست بودند، و ما آنها را از یکدیگر جدا کردیم، و از آب هر چیز زنده را ساختیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟

﴿۳۱﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًّا أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

و بر زمین کوه ها را برقرار گردانیدیم، تا ایشان را حرکت ندهد. و در آن وادی ها (و) راههایی قرار دادیم تا باشد که ایشان رهیاب شوند (و بجایی که میخواهند برسند).

﴿۳۲﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ

و آسمانرا سقفی محفوظ ساختیم. اما ایشان از نشانه های آن روگردانند.

﴿۳۳﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

و اوست که شب و روز و آفتاب و ماه را آفرید (که) هر کدام در مداری شنا میکنند.

﴿۳۴﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَأَنْ مَّتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ

برای هیچ بشری از تو زندگی جاودان ندادیم. پس اگر تو بمیری، آیا آنها جاودانه زندگی می کنند؟

﴿۳۵﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

هر کس چشنده طعم مرگ است، و ما شما را با آزمونهاى خیر و شر مبتلا می سازیم، و بسوی ما باز گردانیده میشوید.

﴿٣٦﴾ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

چون کافران ترا می بینند، ترا جز به استهزاء نمی گیرند (و می گویند): « آیا اینست همان کسی که درباره خدایان شما حرف می زند؟ » و ایشان از ذکر (خداوند) رحمن انکار می ورزند.

﴿٣٧﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۗ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ

(آری) انسان از شتابزدگی آفریده شده است. بزودی به شما نشانه های خود را نشان می دهیم، پس شتاب موزید.

﴿٣٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

می گویند: « چه وقت این وعده بجا می شود، اگر راست می گوید؟ »

﴿٣٩﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

اگر کافران آن وقت را میدانستند که (چون عذاب خدایی بیاید) آتش را از روی خود و از پشت خویش دفع کرده نمی توانند، و به ایشان کمکی نمیشود، (اینقدر در جستجوی عذاب خدا نمی شدند).

﴿٤٠﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

آری (این عذاب) ناگهانی به سر وقت شان میرسد، و ایشان را مبهوت میگرداند، که نه آنرا رد کرده می توانند و نه به آنها مهلتی داده میشود.

﴿٤١﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و بیگمان به پیامبران پیش از تو نیز استهزاء شده است. پس به همان (عذابی) که آنرا استهزاء می کردند گرفتار شدند.

﴿٤٢﴾ قُلْ مَنْ يَكْلُؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ ۗ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ

بگو: « شما را کی شب و روز از (عذاب خداوند) رحمن نگهبانی میکند؟ » ولی ایشان از یاد پروردگار خویش روگردانند.

﴿٤٣﴾ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا ۗ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ

آیا ایشان جز از ما معبودانی دارند که ایشان را دفاع کنند؟ ایشان بخود کمک کرده نمی توانند، و نه از جانب ما حمایت میشوند.

﴿٤٤﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۗ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ

أَطْرَافِهَا ۗ أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ

بلکه این ما بودیم که ایشانرا و پدران ایشانرا (از وسایل زندگی) بهره اندوز گردانیدیم، تا اینکه عمر شان دراز شد. آیا نمی بیند که ما زمین را بگونه ای تصرف می کنیم که به تدریج از اطراف آن می کاهیم؟ پس آیا ایشان غالب اند (یا ما)؟

﴿٤٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ

بگو: « من شما را بوسیله وحی بیم میدهم، ولی کران آواز را نمی شنوند چون بیم داده شوند. »

﴿٤٦﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

و اگر باد سوزانی از عذاب پروردگارت به ایشان برسد، یقیناً می گویند: « ای وای بر ما، واقعاً ستمگار بودیم! »

﴿٤٧﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا ۚ وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ

أَتَيْنَا بِهَا ۚ وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

ترازوی عدالت را در روز قیامت (در میان) میگذاریم، پس به هیچ کس ظلمی نمی شود. و اگر به وزن خردلی هم (عملی) باشد، آنرا (به میدان محاسبه) می آوریم. و ما بحیث حساب کننده بسنده ایم.

﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

بدون شک، ما به موسی و هارون فرقان {۱} و نوری و (مایه) پند پرهیزگاران را دادیم. {۱} جدا کننده حق از باطل ؛

﴿٤٩﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ

آنهاییکه از پروردگارشان در غیب {۱} می ترسند، و (نیز) ایشان از قیامت ترس دارند. {۱} نهان ؛

﴿٥٠﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ ۚ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

و این (قرآن) پیامی است مبارک، که آنرا نازل کردیم. پس آیا از آن انکار میکنید؟

﴿٥١﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ

و بدون شک ما به ابراهیم از پیش (وسیله) رشد او را داده بودیم، و از (احوال او) خبر داشتیم.

﴿٥٢﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ

هنگامیکه به پدرش و قومش گفت: « این تمثال ها چیست که به خدمت آن کمر بسته اید؟ »

﴿٥٣﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ

گفتند: « پدران خویشرا دیدیم که آنها را می پرستند. »

﴿٥٤﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

گفت: « شما و پدران شما یقیناً در گمراهی آشکارا بوده اید. »

﴿٥٥﴾ قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ

گفتند: « آیا تو به ما چیزی را که حق است آوردی یا از (جمله) شوخی کنندگان هستی؟ »

﴿٥٦﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

گفت: « بلکه پروردگار شما، (همانا) پروردگار آسمانها و زمین است، آنکه آنها را (از هیچ) آفرید. و من از گواهان این (حقیقت) می باشم. »

﴿٥٧﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

و به خدا سوگند که در مورد بت‌های شما، چون از ایشان روی برگشتانید و رفتید، چاره می اندیشم. »

﴿٥٨﴾ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

سرانجام (همه) آنها را قطعه قطعه کرد، جز (بت) کلان آنها را. تا به آن رجوع کنند (و از آن چگونگی موضوع را بپرسند).

﴿٥٩﴾ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

گفتند: « کسیکه این کار را در حق معبودان ما کرده، بیگمان از جمله ستمگران است. »

﴿٦٠﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ

(عده ای از ایشان) گفتند: « جوانی را شنیدیم که در باب بت‌ها سخنان (زشتی) می گفت، او را ابراهیم می گفتند. »

﴿٦١﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

گفتند: « او را به حضور مردم بیاورید، تا باشد که ایشان شاهد باشند. »

﴿٦٢﴾ قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ

گفتند: « ای ابراهیم، آیا این کار را به حق بت‌های ما تو انجام دادی؟ »

﴿٦٣﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

گفت: « بلکه این (کار) را کلان شان کرده است. از ایشان بپرسید اگر سخن میگویند. »

﴿٦٤﴾ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

چون به (عقل و وجدان) خود رجوع کردند، (با خود) گفتند: « واقعاً شما ستمگارید. »

﴿٦٥﴾ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

سپس سرهای خویش را پایان انداخته (به ابراهیم) گفتند: « یقیناً میدانید که اینها سخن نمی گویند. »

﴿٦٦﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

(ابراهیم) گفت: « آیا شما جز خدا، چیزهایی را می پرستید که به شما نه سودی رسانده می توانند و نه (هم) زبانی؟ »

﴿٦٧﴾ أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آف بر شما و بر آنچه بجز خداوند(برحق) می پرستید! آیا عقل ندارید!؟

﴿٦٨﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

گفتند: « او را بسوزانید، و معبودان خویش را سرافراز سازید، اگر کاری می کنید. »

﴿٦٩﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

گفتیم: « ای آتش، برای ابراهیم سرد و (مایه) سلامتی شو. »

﴿٧٠﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

خواستند به او دسیسه ای چینند، اما ما ایشان را زیانکارترین مردم گردانیدیم.

﴿٧١﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

و ما نجات ابراهیم و لوط را بسوی سرزمینی فراهم ساختیم که در آن برای جهانیان برکت نهادیم.

﴿٧٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

و ما به او اسحق را دادیم، و (هم) یعقوب را بر آن علاوه ساختیم. و هر یک (از ایشان) را نیکوکار گردانیدیم.

﴿٧٣﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ

الزَّكَاةِ ۗ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ

و ایشان را پیشوایانی گردانیدیم که (مطابق) به امر ما مردم را رهنمایی میکردند. و به ایشان کارهای نیکو، ادای نماز به تمام و کمال، و دادن زکات را وحی کردیم (یعنی فرمان دادیم). و اینها (تنها) ما را پرستش می کردند.

﴿٧٤﴾ وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ

سَوْءٍ فَاسِقِينَ

و به لوط (نیز) حکمت و علم دادیم، و او را از سرزمینی که (مردم آن) به کارهای پلید گراییده بودند نجات دادیم. بیگمان ایشان مردمی بد (و) فاسق بودند.

﴿٧٥﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا ۗ إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

و ما لوط را به (آغوش) مرحمت خویش جای دادیم، واقعاً او از نیکوکاران بود.

﴿٧٦﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

و نوح را (به یاد آور) که پیش از آن (ها به پروردگار خویش) نیایش کرد. پس (دعای) او را اجابت کردیم، و او و خانواده اش را از آن مصیبت بزرگ نجات دادیم.

﴿٧٧﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

او را در برابر قومی که آیات ما را تکذیب میکردند کمک کردیم. واقعاً ایشان گروه بدی بودند، پس همهٔ ایشان را غرق کردیم.

﴿٧٨﴾ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

و داوود و سلیمان را (به یاد آر) هنگامیکه در بارهٔ کشتزاری که شبانگاه در آن گوسفندان آن قوم پراکنده شده بودند (و مزرعه را پایمال کرده بودند) داوری مینمودند، و ما شاهد داوری شان بودیم.

﴿٧٩﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۚ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ

وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

این داوری را به سلیمان فهماندیم، و به هر یک (از ایشان) حکمت و دانش دادیم. و کوهها را طوری سر بفرمان قرار دادیم که در تسبیح (خداوند) داوود را همراهی می نمودند، و مرغان نیز. و این (کار)ها را کردیم.

﴿٨٠﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ ۚ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

و به او صنعت زره را برای شما آموختیم، تا شما را در جنگ های شما حفاظت کند. پس آیا شما شکر گذار هستید؟

﴿٨١﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ

عَالِمِينَ

و برای سلیمان تندباد را (مسخر) گردانیدیم، که به فرمان او بسوی زمینی که در آن برکت نهاده ایم میوزید. و ما به هر چیز آگاهیم.

﴿٨٢﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ ۚ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ

و از شیاطین (گروهی را مطیع ساختیم) که برای او غواصی و (نیز) کارهای دیگری غیر ازین میکردند. و ما مراقب (حال) شان بودیم.

﴿٨٣﴾ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و ایوب (را بیاد آر) هنگامی که به پروردگارش نیایش کرد که « واقعاً بیچارگی به من روی آورده، و تو مهربانترین مهربانانی. »

﴿٨٤﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ ۚ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرًا

لِّلْعَابِدِينَ

پس دعای او را اجابت کردیم، و بیچارگی اش را برطرف ساختیم، و خانواده او را به او باز دادیم. و بر ایشان همانند تعداد شانرا افزون گردانیدیم. از روی مرحمتی از جانب ما (برایشان) بود و پندی برای پرستش کنندگان.

﴿۸۵﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ

و اسمعیل، ادريس و ذالكفل را (بیاد آر) - همه ایشان از شکیبایان بودند.

﴿۸۶﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا ۖ إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ

ما ایشان را در (آغوش) مرحمت خویش جای دادیم، و حقا که ایشان از نیکوکاران بودند.

﴿۸۷﴾ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

و ذالنون را (بیاد آر) چون (از میان قومش) خشمناک رفت، و گمان میکرد که ما بر او سخت نمی گیریم. او درین حال تاریکی های تو در تو چنین) نیایش کرد که « نیست معبودی جز تو، پاکی تو (ای خدا)، بیگمان من از جمله ستمگاران بودم. »

﴿۸۸﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ ۖ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

درین حال دعای او را قبول کردیم، و او را از آن تنگنا نجات دادیم، و اینچنین مؤمنان را نجات میدهیم.

﴿۸۹﴾ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

و زکریا را (بیاد آر) هنگامی که به پروردگارش (چنین) نیایش کرد: « پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی. »

﴿۹۰﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ

وَيَدْعُونََنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

درین حال دعای او را قبول کردیم، و به او یحیی را دادیم، و همسرش را برای او برومند ساختیم (یعنی از نازایی نجات دادیم). بیگمان اینها (مردمی) بودند که در امور خیر پیشدستی میکردند، و به ما به امید (برخورداری از مرحمت ما) و بیم (از عذاب ما) نیایش میکردند، و برای ما فروتن بودند.

﴿۹۱﴾ وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ

و زنی را (بیاد آور) که پاکدامنی خویش را حفظ کرد، و ما به او از روح خویش دمیدیم، و او و پسرش را برای جهانیان معجزه ای گردانیدیم.

﴿۹۲﴾ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

این ها (همگی) امت شمایند، امتی واحد. و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستید.

﴿۹۳﴾ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

(بعد از ایشان بازماندگان شان) در امور خویش تفرقه بمیان آوردند، (ولی در آخر کار باز) همه بسوی ما باز میگردند.

﴿٩٤﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ

ازین رو کسیکه نیکویی کند و مؤمن (هم) باشد، به مساعی او ناسپاسی نمیشود، و بیگمان آنرا برای او می نویسیم.

﴿٩٥﴾ وَحَرَامٌ عَلَيَّ قَرْيَةً أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

بر سرزمینهایی که آنها را هلاک گردانیدیم، (بازگشت شان را بحق) حرام قرار دادیم، و ازینرو ایشان (بحق) باز نمی گردند.

﴿٩٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ

تا چون (سد) یاجوج و ماجوج گشوده شود، و از هر تپه ای هجوم آورند.

﴿٩٧﴾ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا

بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ

و وعده حق نزدیک میشود، پس در آن وقت است که چشمان کافران باز می ماند، (با خود میگویند): « ای وای بر ما، ازین (روز) غفلت داشتیم، بلکه ما ستمکار بودیم. »

﴿٩٨﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ

بیگمان شما (ای کفار) و چیزهایی را که بجز خدا می پرستید، هیزم دوزخ هستید. (همه) شما به آن وارد شدنی هستید.

﴿٩٩﴾ لَوْ كَانَ هُوَآلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا ۗ وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ

اگر اینها خدا می بودند (هرگز) به دوزخ وارد نمی شدند، در حالیکه همه در آن برای همیشه بسر می برند.

﴿١٠٠﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ

در آنجا برای اینها ناله های دردناکی است، ایشان در آنجا (چیزی دیگر را) نمی شنوند.

﴿١٠١﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

بیگمان برای آنانیکه از جانب ما از پیش به آنها (وعده) نیکویی داده شده، ایشان از دوزخ دور ساخته شده اند.

﴿١٠٢﴾ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۗ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ

صدای آتش آنرا نمی شنوند، و آنچه میل کنند (به ایشان میسر است)، و (به این حالت) زندگی جاودانه ای را بسر می برند.

﴿١٠٣﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

دهشت بزرگ ایشان را غمگین نمی گرداند، و فرشتگان ایشان را استقبال کرده (به ایشان میگویند): « این همان روزی است که به شما وعده شده بود. »

﴿۱۰۴﴾ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۗ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۗ وَعَدَّا عَلَيْنا ۗ إِنَّا

كُنَّا فَاعِلِينَ

روزی که آسمانها را مانند پیچیدن طومار کتاب درهم پیچیم. به همان گونه ای که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، آنرا باز میگردانیم. (این) وعده ای است بر ما، و چنین می کنیم.

﴿۱۰۵﴾ وَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

بیگمان در زبور بعد از ذکر نوشتیم: « حقا که زمین را بندگان نیک من وارث می شوند. »

﴿۱۰۶﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

بیگمان درین پیامی است برای مردمی که (خدا را) پرستش می کنند.

﴿۱۰۷﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

و ترا جز مرحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

﴿۱۰۸﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

بگو: « بیگمان به من وحی شده است که خدای شما خدای یکتاست، پس آیا شما (به حق) تسلیم می شوید؟ »

﴿۱۰۹﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۗ وَإِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوْعَدُونَ

اگر رو برتافتند، پس بگو: « من همه شما را یکسان (از عذاب الهی) خبر دادم. اما نمیدانم آنچه به آن وعده داده شده اید، آیا نزدیک است یا دور. »

﴿۱۱۰﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

بیگمان او سخن آشکارا را می داند، و آنچه را پنهان می دارید (نیز) می داند.

﴿۱۱۱﴾ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

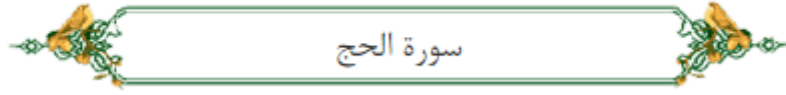
من نمیدانم، شاید این (تأخیر عذاب) برای شما آزمایشی و منفعتی باشد تا مدتی (معین).

﴿۱۱۲﴾ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

(پیامبر) گفت: « بار خدایا، (در میان ما) به حق فیصله کن! » و پروردگار ما (خداوند) رحمن است، و از وی در برابر این اوصافی که شما (به وی) نسبت می دهید یاری خواسته میشود.

(۲۲) سوره الحج:

این سوره مدنی و دارای (۷۸) آیه بوده و به سبب اعلان فریضه حج در آن برای مردم بر زبان ابراهیم خلیل الله بعد از بنای بیت عتیق به خداوند نام حج نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۖ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردم، از پروردگار خویش بترسید. بیگمان زلزله قیامت امر عظیمی است.

﴿۲﴾ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ

سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

روزی را که می بینید در آن هر شیردهنده‌ای کودکان شیرخوار خویش را فراموش می کند، و هر بارداری حمل خود را سقط می کند، و مردم را مست می بینی، اما (در حقیقت) مست نیستند بلکه عذاب خدا شدید است.

﴿۳﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

و در میان مردم گروهی اند که بدون دانشی در باره خداوند به مجادله می پردازند، و از هر شیطان سرکش پیروی می کنند.

﴿۴﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

در حق شیطان نوشته شده که هر که او را دوست بگیرد، شیطان او را گمراه میسازد، و او به عذاب دوزخ رهنمون میشود.

﴿۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن

عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَعَیْرٍ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبِّئَنَّ لَكُمْ ۖ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنكُمْ مَّن يُوْتَفَىٰ وَمِنكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۖ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن

كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

ای مردم، اگر در مورد رستاخیز در شک هستید، (چرا درین نمی اندیشید که) بیگمان شما را از خاک آفریدیم، باز از نطفه، باز از خون بسته، باز از پارچه گوشت، که بعضی شان خلقت کامل دارند و بعضی خلقت کامل ندارند. تا (قدرت خویش را) به شما واضح سازیم. و هر که را بخواهیم تا موعدی معین در رحمها باقی می گذاریم، باز شما را به شکلی طفلی بیرون می آوریم. تا (چون) به سن رشد رسیدید، بعضی از شما می میرد، و بعضی از شما به بدترین عمر میرسد تا هیچ نداند بعد از آنکه میدانست. و زمین بی برگ و بار را می بینی، پس چون بر آن آب فرو ریزیم، ناگاه (می بینی که) به حرکت می افتد و نمو میکند، و در آن انواع رویدنی های زیبا می روید.

﴿٦﴾ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتٰى وَاَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

این به سبب آنست که خداوند، هم اوست حق، و هم اوست که مردگان را زنده میگرداند، و هم اوست که بر همه اشیاء قدرت دارد.

﴿٧﴾ وَاَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ

بیگمان قیامت آمدنی است، در آن شکی نیست. و بیگمان خدا کسانی را که در قبرهایند بر می انگیزد.

﴿٨﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيْرٍ

(با این هم) در میان انسان ها کسی پیدا می شود که بدون دانش، بدون رهیابی و بدون (آنکه) کتاب روشنی (او) را رهنمایی کرده باشد) به مجادله می پردازد.

﴿٩﴾ ثٰنِي عِطْفِهٖ لِيُضِلَّ عَن سَبِيْلِ اللّٰهِ ۗ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ۗ وَنُذِيْقُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيْقِ

(با اهانت و تکبر) خود را دور میدهد تا (مردم را) از راه خدا گمراه سازد. برای او در دنیا رسوایی است، و در روز قیامت به او عذاب (آتش) سوزنده را میچشانیم.

﴿١٠﴾ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعٰبِدِ

(خداوند می گوید:) « این به سبب چیزی است که دستهای تو از پیش فرستاده است، و خدا هرگز بر بندگان خویش ستمگار نیست. »

﴿١١﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ ۗ فَاِنْ اَصَابَهُ خَيْرٌ اَطْمَآنَّ بِهٖ ۗ وَاِنْ اَصَابَتْهٖ فِتْنَةٌ

انْقَلَبَ عَلٰى وَجْهِهٖ خَسِرَ الدُّنْيَا وَاْلآخِرَةَ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرٰنُ الْمُبِيْنُ

از مردم کسی هست که خدا را بر یک پهلو (برای دست یافتن به منافع خاص خود) می پرستد. اگر به او خوبی رسد به آن مطمئن میشود، اما اگر به مصیبتی مبتلا شود، روی خود را بر می گرداند. (او) در دنیا و در آخرت خساره مند شده، (و) همین است خسران آشکارا.

﴿١٢﴾ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ

بجز خدا چیزی را پرستش می کند که نه برایش ضرری رسانده میتواند و نه (هم) نفعی، و این است گمراهی دور (از حق).

﴿١٣﴾ يَدْعُو لَمَنْ صَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ ۗ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ

کسی را پرستش میکند که ضررش از نفع او نزدیکتر است. چه بد یوری و چه بد دوستی؟!

﴿١٤﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ إِنَّ اللَّهَ

يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

بیگمان خدا آنانرا که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند به بهشت هایی داخل میکند که در زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد. حقا که خداوند آنچه می خواهد بسر می رساند.

﴿١٥﴾ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ

فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَعِیْظُ

هر گاه کسی فکر میکند که خداوند او (پیامبر) را در دنیا و در آخرت کمک نمی کند، پس با ریسمانی (خود را) به سقف بیاویزد، و سپس (آنرا) قطع کند تا ببیند (این) چاره سنجی او خشمش را فرو می نشاند؟

﴿١٦﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ

بدین گونه ما آن (قرآن) را آیه های روشن نازل کردیم، و بیگمان خداوند هر که را بخواهد رهیاب میسازد.

﴿١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

مسلمانان، یهودیان، صابی ها، نصاری، مجوس و مشرکان، خداوند در میان ایشان در روز قیامت داوری میکند. حقا که خداوند بر همه چیز گواه است.

﴿١٨﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ

وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۗ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

مِنْ مُّكْرِمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾

آیا ندیدی هر که در آسمانها و هر که در زمین است خدا را سجده می کند، و (نیز) آفتاب، ماه، ستارگان، کوهها، درختان، جانوران، و (تعداد) کثیری از مردم. و بر (تعداد) کثیر آنها عذاب متحقق شده است. و کسی را که خدا خوار کند هیچ کسی نمی تواند او را گرامی دارد. حقا که خداوند هر چه بخواهد میکند.

﴿١٩﴾ هُذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۗ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن

فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ

این دو گروه متخاصم در مورد پروردگارشان به خصومت پرداختند. پس آنانیکه کافر شدند، برای ایشان از آتش جامه هایی بریده شده است، از بالای سر ایشان آب جوش انداخته می شود.

﴿٢٠﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ

با آن، آنچه در شکم های شان است و (نیز) جلدهایشان ذوب می شود.

﴿٢١﴾ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ

و (افزون بر آن)، برای شان گرزهایی است از آهن.

﴿٢٢﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

هرگاه بخواهند از آن از غم و اندوه بیرون آیند، به آن باز گردانیده میشوند، و (برای شان گفته میشود): « عذاب آتش را بچشید. »

﴿٢٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا

مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۗ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

بیگمان خداوند آنانی را که ایمان آوردند و اعمال صالحی انجام دادند به بهشت هایی داخل میکند که در زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد، و در آنجا با زیورهای دست بندهای طلا و مروارید پوشانیده میشوند، و لباسهای شان در آنجا حریر است.

﴿٢٤﴾ وَهَدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهَدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ

و بسوی سخن نیکو (یعنی بی آرایش) هدایت میشوند، و به راه (خداوند) ستوده رهنمایی میشوند.

﴿٢٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً

الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

آنانی که کافر شدند و (دیگران) را از راه خدا و مسجد حرام باز میدارند، آن جایی را که برای (همه) مردم (عبادتگاه) قرار دادیم، چه مردم بومی آن سرزمین باشند و چه بحیث زایر، (همه) مساوی اند. و هرکه در آن به ظلم انحراف جوید، او را از عذاب دردناک می چشانیم.

﴿٢٦﴾ وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ

وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

و (به یاد آور) وقتی را که برای ابراهیم جای خانه (کعبه) را آماده ساختیم، (و به او گفتیم): « با من چیزی را شریک مگردان، و خانه ام برای طواف کنندگان، قیام کنندگان، رکوع کنندگان، و سجده کنندگان پاک ساز. »

﴿٢٧﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

مردم را به حج فراخوان، تا بسوی تو پیاده و (سواره) بر مرکبهای لاغر و از راه های دور بیایند.

﴿٢٨﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ

الْأَنْعَامِ ۖ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ

تا به سود خویش دسترسی یابند، و در روزهای مشخص نام خدا را بر چارپایانی که به ایشان ارزانی گردانیده ببرند (یعنی آنها را بنام خدا قربان کنند)، از گوشت اینها (حیوانات قربانی شده) بخورید، و نیز انسانهای بینوای فقیر را بخورانید.

﴿٢٩﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

سپس چرک بدن خود را برطرف کنند، و به نذرهای خویش وفا نمایند، و به (دور) بیت العتیق { ۱ } طواف کنند. { ۱ } خانه خدا ؛

﴿٣٠﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ

عَلَيْكُمْ ۗ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

اینست (مناسک حج)، و هرکه حرمت خدا را (یعنی چیزهایی را که خدا به آن حرمت داده) تعظیم کند، این برای او در نزد پروردگارش بهتر است. برای شما چارپایان حلال شد، جز آنچه برای شما خوانده میشود. ازین رو از پلیدی بتها خودداری نمایید، و (نیز) از سخن دروغ بپرهیزید.

﴿٣١﴾ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۗ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ

تَهْوِي بِهِ فِي الْمَكَانِ سَاحِقٍ

(در حالیکه) به خدای خود راست باشید، به او شریک نیاورید. و کسیکه به خدا شریک آورد، گویی از آسمان افتاده، و آنگاه او را پرندگان ربوده اند، یا باد او را در محلی دور انداخته است.

﴿٣٢﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ

این است (حال مشرکان)، و هرکه شعایر خدا را تعظیم کند، پس این (بزرگداشت) از پرهیزگاری دلها است.

﴿٣٣﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

در آنها برای شما منافی است تا وقتی معین. سپس محل (قربانی آنها) بسوی بیت العتیق { ۱ } است. { ۱ } خانه کعبه ؛

﴿٣٤﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۗ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ

وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ۗ وَبَشِّرِ الْمُخْتَبِينَ

برای هر امتی قربانی قرار دادیم، تا نام خدا را به آن چارپایانی که به ایشان ارزانی کرده است (در هنگام ذبح آنها) ببرند. پس خدای شما معبود یگانه است، خود را به او تسلیم کنید، و متواضعان را بشارت بده.

﴿۳۵﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

کسانیکه چون نام خدا برده شود، دل‌های شان را ترس فرا میگیرد، و صابران را چون مصیبتی به ایشان برسد شکیه ایند، و آنانی که نماز را به کمال و تمام برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم خرج می‌کنند.

﴿۳۶﴾ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۗ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۗ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۗ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و شترهای قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم. در آنها برای شما خیر است. و در حالی که صف بسته اند، نام خدا را بر آنها ببرید. پس چون (گردن زده شدند و) به پهلوهای خود افتادند، از (گوشت) آنها بخورید. و (تنگدستانی را که) قانع (اند) و آنهایی را که قانع نیستند از آن بخورانید. برای شما (حیوانات را) اینچنین رام گردانیدیم، تا باشد که شکر کنید.

﴿۳۷﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۗ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

هرگز به خداوند گوشت آنها و خون آنها نمیرسد مگر به او پرهیزگاری شما میرسد. برای شما (حیوانات را) اینچنین رام گردانیده، تا خدا را بزرگی یاد کنید. و نیکوکاران را بشارت بده.

﴿۳۸﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

بیگمان خداوند (دسایس کافران را) از مسلمانان دفع میکند، بیگمان خداوند هیچ خاین ناسپاسی را دوست ندارد.

﴿۳۹﴾ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

به کسانی که با ایشان مقاتله میشود، اجازه (جنگ) داده شده، به سبب آنکه به ایشان ستم شده است، و حقا که خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست.

﴿۴۰﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهُدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

آنانیکه به ناحق از دیارشان بیرون آورده شدند، جز اینکه میگفتند: « پروردگار ما الله است. » و اگر خداوند یک دسته از مردم را بوسیلهٔ دستهٔ دیگر (مردم) دفع نکند، بیگمان صومعه‌ها، کلیساها، معابد یهودیان و مساجد - که در آنها ذکر خدا به کثرت صورت میگیرد - ویران میگردد. و خداوند کسانی را که در راه (تبلیغ آیین) او کمک می‌کنند یاری مینماید. حقا که خداوند توانا (و) صاحب قدرت منیع است.

﴿٤١﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

کسانیکه اگر ایشانرا در زمین مستقر گردانیدیم نماز را به تمام کمال برپا داشته، زکات میدهند، و به کار نیک امر می کنند، و از کار بد نهی میورزند. و انجام امور از آن خدا است.

﴿٤٢﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ

اگر ترا تکذیب کنند، بیگمان قبل از ایشان قوم نوح، عاد و ثمود (نیز پیامبران شانرا) تکذیب کردند.

﴿٤٣﴾ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمِ لُوطٍ

و قوم ابراهیم، قوم لوط.

﴿٤٤﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ ۗ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ ۗ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

و اصحاب مَدْيَن (نیز عین کار را کردند). همچنین موسی تکذیب شد. به این ترتیب کافران را مهلت دادیم، و سپس ایشانرا گرفتار ساختیم. پس انکار (عقوبت من) چگونه بود؟!

﴿٤٥﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبُئِرٌ مُعَطَّلَةٌ وَقَصْرٌ مَشِيدٌ

ای بسا از شهرها را که تباہ کردیم، به سبب اینکه (ساکنان آن) ستمگار بودند، به گونه ای که بر سقفهای خود فرو ریختند. و ای بسا چاه ها که متروک شد، و ای بسا که قصرهای مستحکم (و سر به فلک کشیده از سکنه خالی شد).

﴿٤٦﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى

الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

آیا آنها در زمین سیاحت نکردند تا صاحبدهایی میبودند که با آن (حقیقت را) درک میکردند؟ یا گوشهایی که با آن می شنیدند؟ پس بیگمان چشمهای ایشان نابینا نمیشود، مگر دلهایی که در سینه هاست نابینا میشود.

﴿٤٧﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ۗ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

و از تو با شتابزدگی عذاب را تقاضا می کنند، و خداوند وعده خویشرا خلف نمیکند. و بیگمان یک روز نزد پروردگار تو معادل هزار سالی است از آنچه شما می شمارید.

﴿٤٨﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ

ای بسا از قریه ها که به (اهل) آن مهلت دادم، در حالیکه ایشان ستمگار بودند، باز ایشانرا گرفتار ساختم، و بازگشت (همگان) بسوی منست.

﴿٤٩﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ

بگو: « ای مردم، جز این نیست که من بپیم دهنده آشکاری هستم. »

﴿٥٠﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

پس کسانی که ایمان آوردند و عمل نیکو انجام دادند، برای ایشان آمرزش و روزی کریمانه است.

﴿٥١﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

و آنانیکه در (برابر) نشانه های ما تلاش کردند، (به این پندار) که (ما را) عاجز بسازند، هم ایشانند اهل دوزخ.

﴿٥٢﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ

مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و پیش از تو هیچ رسولی و هیچ نبیی را نفرستادیم مگر چون آرزویی (برای تأمین رسالتش) به دل می پروراند، شیطان در (آن) آرزوی او القاءاتی بعمل می آورد. آنگاه خداوند چیزی را که شیطان القاء کرده بود از میان می برد، و بعد از آن خدا آیات خویشرا استحکام می بخشید، و خدا دانا (و) باحکمت است.

﴿٥٣﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

(حکمت این رویداد آن بود) تا چیزی را که شیطان القاء می کند برای کسانی که در دل‌های شان مرضی است و نیز برای کسانی که دل‌های شان سخت است (وسیله) آزمایش گرداند. و بیگمان ستمگاران در مخالفت (یعنی عداوت شدیدی) و (از حق) دور قرار دارند.

﴿٥٤﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ

الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و تا آنانیکه به ایشان علم داده شده بدانند که بدون شک این (وحی) حق (است) و (از جانب پروردگار تو است، و به این ترتیب به آن ایمان آرند، و دل های شان در برابر آن نرم شود. و بیگمان خداوند رهیاب سازنده مؤمنان است بسوی راه راست.

﴿٥٥﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ

کافران در مورد این (وحی) همیشه در شک اند، تا ناگهان قیامت به ایشان بیاید یا برای شان عذاب روز نهایت نحس فرا رسد.

﴿٥٦﴾ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۗ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

سلطنت در آن روز از آن خدا است، در میان ایشان حکم می کند. پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند در بهشت های (پر) نعمت (و ناز) اند.

﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، برای ایشان عذاب رسوا کننده است.

﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ

الرَّازِقِينَ

برای آنانیکه در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، بیگمان خدا بر ایشان روزی نیکویی عنایت میکند. و حقا که خداوند هم اوست بهترین روزی دهندگان.

﴿٥٩﴾ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

بیگمان ایشان را به جایی داخل میگرداند که به آن خوشنود میشوند، و بیگمان خداوند دانا (و) صاحب حلم است.

﴿٦٠﴾ ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ

این چنین است، هرگاه کسی به همان اندازه‌ای مجازات کند که به او ستم شده است و باز بر او تعدی شود، بیگمان خدا او را کمک می کند. حقا که خدا بخشایشگر (و) آمرزنده است.

﴿٦١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

این به سبب آنست که خدا شب را در روز و روز را در شب داخل می سازد، و بیگمان خداوند شنوا (و) بیناست.

﴿٦٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

این به سبب آنست که بیگمان خداوند، هم اوست حق. و بیگمان آنانی را که ایشان جز او نیایش می کنند، همان است باطل. و حقا که خداوند هم اوست بلند (مرتبه) (و) بزرگ.

﴿٦٣﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۗ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

آیا نمی بینی که بیگمان خدا از آسمان آب را نازل می کند، پس زمین (به آن) سرسبز می شود. حقا که خداوند صاحب لطف (و) آگاه است.

﴿٦٤﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ

آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست، و بیگمان خداوند هم اوست بی نیاز (و) ستوده.

﴿٦٥﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ

تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

آیا نمی بینی که خداوند هر آنچه را در زمین است به شما رام گردانید؟ و (نیز) کشتی ها را که در بحر به حکم او در حرکت اند، و آسمان را نگه میدارد از آن که جز به حکم او بر زمین بیفتد. حقا که خداوند به مردم مهربان (و) بخشاینده است.

﴿٦٦﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

اوست که شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند، (و) باز زنده می کند. بیگمان انسان ناسپاس است.

﴿٦٧﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ۖ فَلَا يُنَازِعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ ۖ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

برای هر امتی روشی در عبادت قرار دادیم که به آن شیوه روان اند، پس نباید با تو درین کار نزاع کنند، و (ایشانرا) به سوی پروردگارت دعوت کن، حقا که تو براه راست هستی.

﴿٦٨﴾ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

و اگر با تو نزاع ورزند، پس بگو: «خدا به آنچه می کنید داناتر است.»

﴿٦٩﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

خداوند در میان شما در آنچه در آن اختلاف داشتید در روز قیامت حکم میکند.

﴿٧٠﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ ۖ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

يَسِيرٌ

آیا نمیدانی خداوند به آنچه در آسمانها و زمین است میدانند؟ بیگمان اینها همه در کتاب (ثبت) اند. حقا که این برای خدا آسان است.

﴿٧١﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

نَصِيرٍ

(با این هم) ایشان جز خدا چیزی را که خدا برای آن دلیلی نفرستاده و چیزی را که به آن علم ندارند می پرستند، و برای ستمگاران هیچ مددگاری نیست.

﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ ۖ يَكَادُونَ يَسْطُونَ

بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا ۖ قُلْ أَفَأَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَُمُ ۖ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ

كَفَرُوا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و چون آیات روشن ما به ایشان خوانده میشود، در چهره کافران (حالت) انکار را می بینی، به حدی که نزدیک است به آنانیکه آیات ما را به ایشان میخوانند حمله کنند. بگو: «آیا شما را به بدتر ازین (حالت ناآرام کننده) خبر دهم؟ (و) آن آتش (دوزخ) است، خدا آنرا به کافران وعده داده، و چه بد جای باز گشتی است؟!»

﴿٧٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ ۖ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ

اجْتَمَعُوا لَهُ ۖ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ۖ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ

ای مردم، مثلی زده شده است، پس به آن گوش دهید. بیگمان کسانی را که بجز خدا نیایش می کنید مگسی را (هم) آفریده نمی توانند، گرچه (همه شان) برای آن جمع شوند. و اگر مگس از ایشان چیزی را برباید، آنرا از مگس باز گرفته نمی توانند. طالب و مطلوب (هر دو) ناتوانند.

﴿٧٤﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

خدا را به گونه ایکه لایق اوست قدر نکرده اند. حقا که خداوند توانا (و) صاحب قدرت منیع است.

﴿٧٥﴾ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

خداوند از فرشتگان پیامبرانی بر می گزیند، و از مردم (نیز). بیگمان خداوند شنوا (و) بینا است.

﴿٧٦﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

آنچه را در پیش روی آنها و آنچه در پشت سر ایشان است می داند. و همه امور به خدا رجعت می کند.

﴿٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾

ای مؤمنان، رکوع کنید، سجده کنید، پروردگار خویش را بپرستید، و کار نیک انجام دهید، تا باشد که رستگار شوید.

﴿٧٨﴾ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۗ مَلَّةً

أَيُّكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۗ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۗ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۗ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ

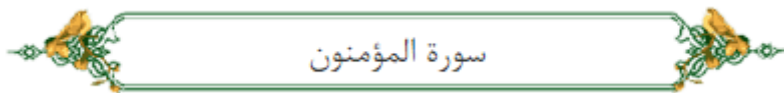
وَنِعْمَ النَّصِيرُ

و در راه خدا (آنگونه) جهاد کنید که حق جهاد او را بجا آورده باشید. او شما را برگزید و برای شما در دین هیچ مشکلی نگردانید. (دینی که) آیین پدر شما ابراهیم است. هم اوست که شما را مسلمان نامید، (هم) پیش ازین و (نیز) درین (کتاب)، تا باشد که پیامبر بر شما و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را به تمام و کمال بجا آورید، زکات بدهید، و به خدا تمسک جوئید. او حامی شماست. پس چه خوب مولایی و چه خوب مددگاری!

جزء یا سپاره هژدهم - قد افلح

(۲۳) سوره المومنون:

این سوره مکی و دارای (۱۱۸) آیه بوده و (ایمان آوردگان) معنی دراد، این سوره به مومنون از سبب نامیده شده است که با این فرمان حق تعالی (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ) آغاز شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

بیگمان مؤمنان رستگار شدند.

﴿۲﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

آنهاييکه در نماز خویش فروتن اند.

﴿۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

آنهاييکه از سخن بیهوده اعراض میکنند.

﴿۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

آنهاييکه زکات را اداء میکنند.

﴿۵﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ

آنهاييکه فروج خویش را حفظ میدارند.

﴿۶﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

مگر بر همسران یا کنیزان خویش که (با آمیزش جنسی با ایشان) مورد ملامت قرار نمی گیرند.

﴿۷﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

کسانیکه غیر از این (راه دیگری) را بجویند، پس ایشان اند تجاوز کار.

﴿۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آنهاييکه امانات و عهد خویش را رعایت میکنند.

﴿۹﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

آنهاييکه از نمازهاي خويش محافظت ميکنند.

﴿١٠﴾ **أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ**

هم ايشان اند وارثان (واقعي).

﴿١١﴾ **الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ**

كسانيکه بهشت را ميراث برده در آن جاودانه بسر ميبرند.

﴿١٢﴾ **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ**

بيگمان انسان را از عصاره‌اي از گل آفريديم.

﴿١٣﴾ **ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ**

پس او را (بحيث) نطفه‌اي در قرارگاهي مطمئن (يعني رحم) قرار داديم.

﴿١٤﴾ **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا**

ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

سپس آن نطفه را خون بسته ساختيم، پس آن خون بسته را گوشتپاره گردانيديم، باز آن گوشت پاره را (بصورت) استخوان در آورديم، پس استخوانها را با گوشت پوشانيديم، بعد از آن به او آفرينش ديگري بخشيديم. بس بزرگ است خدايي که بهترين آفرينندگان است.

﴿١٥﴾ **ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ**

پس بيگمان بعد از آن شما مردني هستيد.

﴿١٦﴾ **ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ**

باز بيگمان در روز قيامت برانگيخته ميشويد.

﴿١٧﴾ **وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ**

و حقا که بر بالاي شما هفت راه (يعني طبقه) را آفريديم. و ما از خلق (جهاني که آنرا آفريده ايم) غافل نبوده ايم.

﴿١٨﴾ **وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ**

و آب را از آسمان به اندازه (لازم) نازل كرديم، و آنرا در زمين جاي داديم. و بيگمان به از بين بردن آن قادريم.

﴿١٩﴾ **فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ**

پس بوسيله آن براي شما باغهايي از درخت خرما و انگور رويانيديم. درين (باغ) ها ميوه هاي فراواني براي شما وجود دارد، و از آن ميخوريد.

﴿٢٠﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْأَكْلِينَ

و (نیز) درختی از کوه سینا بیرون می آید. و با روغن و نان خورش برای خورندگان میروید.

﴿٢١﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا

تَأْكُلُونَ

و بیگمان در چارپایان (نیز) برای شما (مایه) عبرت است. از آنچه در شکم های شان است (از شیر) شما را می نوشانیم، و در آن برای شما منافع بسیاری است، از (گوشت) آنها میخورید.

﴿٢٢﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

و بر چارپایان و بر کشتی ها سوار میشوید.

﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ

و ما بیگمان نوح را بسوی قوم او فرستادیم، پس به آنها گفت: « ای قوم من، خدا را بپرستید. جز او هیچ معبودی ندارید. پس آیا (از او) نمی ترسید؟ »

﴿٢٤﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ

اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

پس کلان شوندهگان قوم او، که کافر شده بودند، گفتند: « او نیست مگر بشری مثل شما، که میخواهد بر شما برتری جوید. و اگر خدا میخواست بیگمان فرشتگان را (بحیث پیامبر) می فرستاد. ما هرگز این چیزی را (که او میگوید) از نیاکان خویش نشنیده ایم. »

﴿٢٥﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

نیست او مگر مردی که به جنون مبتلا شده. پس تا مدتی به او انتظار بکشید.

﴿٢٦﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

(نوح) گفت: « پروردگارا، مرا در برابر تکذیب ایشان کمک کن. »

﴿٢٧﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ ۗ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ

كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۗ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ۗ إِنَّهُمْ

مُغْرَقُونَ

پس به وی وحی کردیم که کشتی را زیر نظر ما و وحی ما بساز. چون امر ما فرا رسید و (آب از) تنور جوشید، از هر چیزی جوهره های (نر و ماده) را، و (نیز) خانواده خود را در کشتی بردار، مگر آنهاييکه قبلاً وعده هلاکت شان داده شده است. و درباره کسانیکه ستم کردند با من گفتگو مکن، که ایشان غرق شونده اند.

﴿٢٨﴾ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أُنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و هنگامیکه تو و همراهانت در کشتی جابجا شدید، پس بگو: « ستایش مر خدای را، ذاتی که ما را از قوم ستمگار نجات بخشید. »

﴿٢٩﴾ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

و بگو: « پروردگارا، مرا به جای با برکتی فرود آر، و تو (ذاتی [هستی] که) به شایسته ترین شیوه‌ای ما را فرود می آری. »

﴿٣٠﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

بیگمان درین (داستان) نشانه هایی است، و ما واقعاً (شما را) آزمایش کننده ایم.

﴿٣١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

سپس بعد از ایشان دوره دیگری بوجود آوردیم.

﴿٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ

پس در میان شان رسولی را از خودشان فرستادیم (تا به ایشان ابلاغ کند) که: « خدا را بپرستید، جز او برای شما خدایی نیست، آیا (از او) نمی ترسید؟ »

﴿٣٣﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا

إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

کلان شوندهگان قوم او که کافر شده بودند، و از لقاء آخرت انکار داشتند، و آنهایی که بر ایشان در زندگی دنیا رفاه بخشوده بودیم، گفتند: « این نیست جز بشری مثل شما. آنچه شما می خورید میخورد، و از آنچه شما می نوشید مینوشد. »

﴿٣٤﴾ وَلَئِن أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ

و اگر از بشری مثل خود فرمان برید، مسلماً شما درین حال زیانکار خواهید بود.

﴿٣٥﴾ أَيْعِدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ

آیا به شما وعده میدهد که چون مردید و خاک و استخوان شدید، بیگمان (بار دیگر از قبرها) برآورده میشوید؟

﴿٣٦﴾ هِيَ هَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ

هیجات، هیجات، از آنچه بشما وعده داده میشود.

﴿٣٧﴾ إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

(برای ما) جز این زندگی دنیا (هیچ چیز دیگری) نیست، می میریم و زنده میشویم، و ما هرگز برانگیخته نمی شویم.

﴿۳۸﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ

نیست این مگر مردی که بر خدا به دروغ تهمت بسته است، و ما به او ایمان آوردنی نیستیم.

﴿۳۹﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

(پیامبر) گفت: « پروردگارا مرا در برابر تکذیب شان کمک کن. »

﴿۴۰﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحَنَّ نَادِمِينَ

(خداوند) گفت: « بزودی پیشمان میشوند. »

﴿۴۱﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُتَاءً ۗ فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس ایشان را صیحه ای به حق فرو گرفت، و ما ایشان را همچون خاشاک روی آب گردانیدیم. پس برای قوم ستمگر (از مرحمت خدا) دوری باد.

﴿۴۲﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ

سپس بعد از ایشان دوره های دیگری را بوجود آوردیم.

﴿۴۳﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ

هیچ قومی نمیتواند بر میعاد خویش سبقت جوید یا آنرا به تأخیر اندازد.

﴿۴۴﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رَسُولَنَا تَتْرَىٰ ۗ كُلُّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۗ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ

أَحَادِيثَ ۗ فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ لَا يُؤْمِنُونَ

سپس پیامبران خویش را پیپی فرستادیم. هر باری که به قومی پیامبران آمد، او را تکذیب کردند. پس ما بعضی را از پی بعضی دیگر آوردیم، و ایشانرا افسانه ساختیم. پس دوری (از مرحمت خداوند) باد قومی را که ایمان نمی آورند.

﴿۴۵﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خویش حجتی آشکار فرستادیم.

﴿۴۶﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

بسوی فرعون و کلان شوندگان (قوم) او. ولی (فرعونیان) تکبر کردند، و ایشان قومی برتری جو بودند.

﴿۴۷﴾ فَقَالُوا أَنْتُمْ لِبَشَرِينَ مِثْلَنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ

گفتند: « آیا به دو نفر از افراد بشر همانند خود ایمان آوردیم در حالیکه قوم ایشان ما را می پرستند؟ »

﴿۴۸﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ

پس (فرعونیان) این دو (پیامبر) را تکذیب کردند، و سرانجام (همه) هلاک شدند.

﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

بیگمان به موسی کتاب (یعنی تورات) را دادیم، تا باشد که ایشان هدایت شوند.

﴿٥٠﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ

و ما پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای گردانیدیم. و ایشان را در سرزمین بلند، دارای استقرار و آب روان جای دادیم.

﴿٥١﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۗ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

ای پیامبران، از (خوردنی های) پاکیزه بخورید، و عمل نیکو انجام دهید، بیگمان من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم.

﴿٥٢﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

و بیگمان این امت شماست، امتی یک پارچه. و من پروردگار شمایم. لذا از من بترسید (نه از کسی دیگر).

﴿٥٣﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ۗ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

اما ایشان (وحدت خویش را حفظ نکرده) کار خود را در بین خویش به پراگندگی کشانیدند. هر حزبی به آنچه نزد خودشان است شادمان اند (بدون آنکه وسعت نظر داشته حقایق را پیروی کنند).

﴿٥٤﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

پس ایشانرا به همان غفلت شان بگذار تا لحظه مشخص (فرا رسد).

﴿٥٥﴾ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ

آیا ایشان می‌پندارند که با آنچه از مال و اولاد که به ایشان کمک می‌نماییم...

﴿٥٦﴾ نَسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ

خوبی ها را به ایشان به سرعت عنایت میکنیم؟ نخیر، ایشان نمی دانند.

﴿٥٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

بیگمان کسانی که از ترس پروردگار خویش بیمناک اند.

﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

و آنانیکه به آیات پروردگار خویش ایمان دارند.

﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

و آنانیکه به پروردگار خویش شریک نمی آورند.

﴿٦٠﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

و آنانیکه چون میدهند آنچه را میدهند دل‌هایشان ترسناک است، از اینکه به پروردگار خویش باز میگردند.

﴿٦١﴾ **أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ**

هم ایشان اند که در نیکویی سرعت به خرج میدهند، و ایشان به سوی آن سبقت می جویند.

﴿٦٢﴾ **وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ ۗ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ**

و ما هیچکس را جز به قدر طاقت او مکلف نمی سازیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن میگوید، و بر ایشان ظلم نمیشود.

﴿٦٣﴾ **بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ**

ولی دل‌هایشان از نامه اعمال در غفلت است و ایشان اعمال دیگری جز این دارند که به آن (پیوسته) عمل میکنند.

﴿٦٤﴾ **حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ**

تا زمانیکه آسوده حالان ایشان را به عذاب بکشانیم، در آن وقت است که ایشان فریاد می کشند.

﴿٦٥﴾ **لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ ۗ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصَرُونَ**

(به ایشان گفته می شود): « امروز فریاد نکشید، یقیناً از جانب ما مدد نمیشوید. »

﴿٦٦﴾ **قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُنلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ**

(به یاد دارید که) آیت های من بشما خوانده میشد و شما بر پاشنه (های خویش) به عقب بر می گشتید (و از آن) اعراض میکردید؟

﴿٦٧﴾ **مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ**

تکبر کنان در برابر آن در جلسات شبانه (دور از دیگران) بدگویی میکردید؟

﴿٦٨﴾ **أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ**

آیا ایشان درین گفتار (یعنی گفتار خدا) تفکر نکرده اند؟ یا به ایشان چیزی آمده که به نسلهای پیشین شان نیامده بود؟

﴿٦٩﴾ **أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ**

یا آیا پیامبر خویشرا شناختند که از او انکار می ورزند؟

﴿٧٠﴾ **أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ**

یا آیا میگویند که « او دیوانه است »؟ نخیر، به ایشان سخن حق را آورده است، ولی اکثر شان از (سخن) حق کراهت دارند.

﴿٧١﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۗ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ

و اگر حق از هوس های شان پیروی کند، یقیناً آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست فاسد می شوند. بلکه حقیقت این است که ما به ایشان پند ایشانرا فرستادیم، اما اکثر ایشان از پند خویش رو گردانند.

﴿٧٢﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

یا اینکه تو از ایشان پاداشی میجویی؟ پس مزد پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهندهگان است.

﴿٧٣﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و بیگمان تو ایشان را به راه راست فرا میخوانی.

﴿٧٤﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ

و کسانیکه به آخرت ایمان نمی آورند بیگمان از آن راه (راست) منحرف اند.

﴿٧٥﴾ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

و اگر بر ایشان رحم کنیم و اندوهی را که بر ایشان عارض شده رفع نماییم، (باز هم) در سرکشی خویش با سرگردانی اصرار میورزند.

﴿٧٦﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ

و بیگمان ما ایشان را به عذاب گرفتار کردیم، با این هم به پروردگار خویش تن‌دهی نکردند و تضرع نورزیدند.

﴿٧٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

تا چون بر ایشان دری از عذاب شدید را گشودیم، ناگهان ناامید شدند.

﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

و اوست که برای شما گوش و چشم و دل ارزانی کرد، (اما) کمتر شکر میکنید.

﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و اوست که شما را در زمین آفرید، و (بار دیگر) بسوی او محشور می شوید.

﴿٨٠﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و اوست که زنده میکند و میمیراند، و آمد و شد شب و روز از آن اوست. آیا نمی فهمید؟

﴿٨١﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ

اما (بالعکس) ایشان چیزهایی گفتند که پیشینیان شان میگفتند.

﴿٨٢﴾ قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنَّا لَمَبْعُوثُونَ

گفتند: « آیا چون مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا (بعد از آن) برانگیخته خواهیم شد؟ »

﴿۸۳﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

بیگمان به ما و پدران ما قبل ازین این وعده داده شده بود. این نیست مگر افسانه های پیشینیان.

﴿۸۴﴾ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بگو: « زمین و آنچه در آن است از آن کیست؟ اگر شما میدانید؟! »

﴿۸۵﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۗ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

خواهند گفت: « از آن خداوند است. » بگو: « پس آیا پند نمی گیرید؟ »

﴿۸۶﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بگو: « کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم؟ »

﴿۸۷﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۗ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

خواهند گفت: « از آن خداست. » بگو: « پس آیا نمی ترسید؟ »

﴿۸۸﴾ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بگو: « کیست که سلطنت هرچیز بدست اوست؟ و اوست که پناه میدهد، ولی (خود) او به پناه دادن نیازی ندارد،

اگر میدانید. »

﴿۸۹﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۗ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

خواهند گفت: « (این اوصاف) از آن خداست. » بگو: « از کجا فریب داده میشوید؟ »

﴿۹۰﴾ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

بلکه (حقیقت این است که) ما برای ایشان حق را آورده ایم، و حقا که ایشان دروغ گویند.

﴿۹۱﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ ۚ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ

عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

خداوند هرگز فرزندی نگرفته است، و نه با وی خدای دیگری است. اگر چنین میبود، هر معبود چیزی را که آفریده بود میگرفت، و یکی بر دیگری زبردستی می نمود. منزه است خدا از آنچه (مشرکان) وصف میکنند.

﴿۹۲﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

(او) دانای پنهان و آشکار (است). پس برتر است ازینکه به او شریک می آورند.

﴿۹۳﴾ قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ

بگو: « ای پروردگار من، اگر (بنا باشد) آنچه را ایشان وعید میشوند به من نشان دهی... »

﴿٩٤﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس ای پروردگار من، مرا در میان مردم ستمگار قرار مده!

﴿٩٥﴾ وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ

و ما یقیناً به این قادریم که آنچه وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم.

﴿٩٦﴾ اذْفَعْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ ۗ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

با آنچه بهتر است بدی را دفع کن. ما به آنچه ایشان توصیف میکنند خوب آگاهیم.

﴿٩٧﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

و بگو: « پروردگارا، من از وسوسه های شیاطین به تو پناه می‌گیرم. »

﴿٩٨﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

ای پروردگار من، و (نیز) از حضور (و نزدیکی) ایشان به تو پناه می‌برم.

﴿٩٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

(آنها همچنان به راه غلط دوام خواهند داد) تا چون به یکی ایشان مرگ برسد، میگوید: « ای پروردگار من، مرا (به زندگی) باز گردان. »

﴿١٠٠﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ ۗ كَلَّا ۗ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا ۗ وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ

يَوْمٍ يُبْعَثُونَ

« شاید در (عوض) آنچه ترک کردم، عمل صالحی انجام دهم. » (به او میگویند): « چنین نیست، بیگمان این سخنی است که او به زبان آورده است. » و از ورای ایشان (بین زندگی دنیا و قیامت) برزخی است تا روزی که برانگیخته میشوند.

﴿١٠١﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ

سپس چون در صور دمیده شود، آنروز میان ایشان رابطهٔ نسب (در نظر) نخواهد بود، و از یکدیگر (کمک) نمی‌خواهند.

﴿١٠٢﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پس کسانی که وزن (حسنات) شان سنگین شد، هم ایشان اند رستگار.

﴿١٠٣﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

و کسانی که وزن (حسنات) شان سبک است، هم ایشانند که خویشان را زیانمند ساخته، در دوزخ همیشه خواهند بود.

﴿١٠٤﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

روهای شانرا آتش می سوزاند، و ایشان در آن چهره درهم کشیده‌ای دارند.

﴿١٠٥﴾ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

(به ایشان گفته میشود): « آیا به شما آیه های من خوانده نشده بود؟ و شما آنرا تکذیب میکردید. »

﴿١٠٦﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

میگویند: « پروردگار ما، شقاوت ما بر ما غلبه کرده و ما قوم گمراهی بودیم. »

﴿١٠٧﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

پروردگار ما، ما را از آن بیرون آر. پس اگر ما (همان اعمال را) تکرار کردیم، در آن صورت واقعاً ستمگار میباشیم.

﴿١٠٨﴾ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ

(خداوند) میگوید: « دور شوید در آن، و با من سخن مگویید. »

﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

از بندگان من واقعاً گروهی بودند که میگفتند: « ای پروردگار ما، ما ایمان آوردیم، پس ما را بیمارز، بر ما رحم کن، و تو بهترین رحم کنندگانی. »

﴿١١٠﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

اما شما ایشان را به تمسخر گرفتید، به حدی که ایشان (به این حالت خود) شما را از یاد من غافل کردند، و (به حالتی) بودید که به ایشان می خندیدید.

﴿١١١﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

اکنون من ایشان را در برابر صبرشان پاداش داده ام، و حقا که هم ایشانند پیروزمند.

﴿١١٢﴾ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

(خداوند) گفت: « چه مدت در زمین به حساب سال درنگ کردید؟ »

﴿١١٣﴾ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ

گفتند: « یک روز یا پاره ای از روز درنگ کردیم، از شمارندگان بپرس. »

﴿١١٤﴾ قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۗ لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(خداوند) گفت: « درنگ نکردید مگر اندکی، ایکاش که میدانستید. »

﴿١١٥﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

پس آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما نزد ما باز گردانده نمی شوید؟!

﴿١١٦﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ

پس برتر است خداوند، پادشاه برحق. بجز او معبودی نیست، پروردگار عرش کریم.

﴿١١٧﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

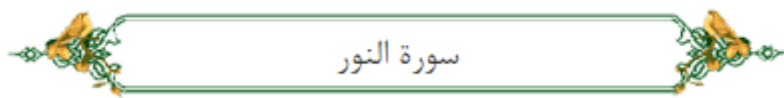
و هر که با خداوند معبود دیگر را بخواند - و مسلماً به این (کار خویش) دلیلی ندارد - پس بیگمان حساب او نزد پروردگار او است، و هرگز کافران رستگار نه می شوند.

﴿١١٨﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

و بگو: « پروردگارا، (مرا) بیامرز و (بر من) رحم کن، و تو بهترین رحم کنندگانی. »

(۲۴) سوره النور:

این سوره مدنی و دارای (۶۴) آیه بوده و به سببی که در برگیرنده آیه ای بس نورانی و درخشان یعنی این فرموده خداوند توانا (الله نور السماوات و الارض) میباشد به این نام مسما گردیده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

(این) سوره ایست که آنرا نازل کردیم، و (تعمیل احکام) آنرا (بر شما) فرض گردانیدیم. و در آن آیات روشنی را نازل کردیم، تا باشد که پند بگیرید.

﴿٢﴾ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۗ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ

إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

زن زناکار و مرد زناکار، هر یک از ایشان را صد دره بزنیید. و شما را در مورد ایشان در دین خدا رأفت نگیرد، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید. و باید یکدسته از مسلمانان مجازات ایشان را مشاهده کنند.

﴿٣﴾ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۗ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ

مرد زناکار نکاح نمیکند مگر زن زناکار یا مشرک را، و زن زناکار نکاح نمیکند مگر مرد زناکار یا مشرک را. و این کار بر مؤمنان حرام شده است.

﴿٤﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

کسانیکه زنان پاکدامن را متهم (به زنا) میکنند، و سپس (برای اثبات اتهام خویش) چهار شاهد نمی آورند، پس ایشانرا هشتاد دره بزنیید. و هرگز شهادت شانرا قبول نکنید، هم ایشانند فاسق.

﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر آنانیکه توبه کردند و (خویشتن را) بعد ازین اصلاح کردند، پس بیگمان خداوند آمرزگار و مهربان است.

﴿٦﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

و کسانیکه زنان خود را متهم (به زناکاری) میکنند و (برای اقامه آن) گواهانی بجز خود شان ندارند، پس گواهی یکی از ایشان چهار بار شهادت است، به اینکه به الله (قسم است) که او واقعاً از راستگویان است.

﴿٧﴾ وَالْخَامِسَةَ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

و (سوگند) پنجم این است که لعنت خدا بر وی باد اگر از دروغگویان باشد.

﴿٨﴾ وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

و زن مجازات را از خود (به این طریق) دفع میکند که چهار بار به خدا شهادت دهد، که بدون شک او (یعنی شوهرش) از دروغگویان است.

﴿٩﴾ وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

و (سوگند) پنجم (وی این باشد که) غضب خدا بر وی باد اگر (شوهر) او از راستگویان باشد.

﴿١٠﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نمی بود، و این که خدا توبه پذیر (و) باحکمت است (شما واقعاً تباہ میشدید).

﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ ۗ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ ۗ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ لِكُلِّ

أَمْرٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ ۗ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

واقعاً کسانی که این تهمت بزرگ را وارد کردند گروهی از شمایند. آنرا به خود بد میندازید، بلکه (در) آن برای شما خیر است. برای هر یک از ایشان از گناهی که مرتکب شده است (مجازات است). و کسی از ایشان که بار زیاد این گناه را بدوش گرفت، برای او عذاب بزرگی است.

﴿١٢﴾ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

هنگامیکه آن (تهمت) را شنیدید، چرا مسلمانان (یعنی زن و مردشان) در مورد خویش گمان نیک نبردند و نگفتند « این (تهمت) دروغی است آشکار »؟

﴿۱۳﴾ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءٍ ۖ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

چرا ایشان بر این (اتهام) چهار شاهد نیاوردند؟ و چون گواهان را حاضر کرده نتوانستند، پس چنین مردمی (خودشان) در نزد خداوند دورگویند.

﴿۱۴﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و اگر فضل خداوند و رحمت او به شما در دنیا و آخرت نمی بود، به شما در آنچه مرتکب شدید عذاب بزرگی میرسید.

﴿۱۵﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنِّتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ

عَظِيمٌ

وقتی را بخاطر آورید که این اتهام بزرگ را به زبان می آوردید، و به دهن خویش چیزی میگفتید که به آن علم نداشتید، و آنرا آسان می پنداشتید، در حالیکه این امر در نزد خدا بزرگ است.

﴿۱۶﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

و چون آن (سخن) را شنیدید، چرا نگفتید: « به ما شایسته نیست که در مورد این (موضوع) حرف بزنیم، پاکی تو (ای خدا)، این بهتانی بزرگ است. »

﴿۱۷﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

خداوند شما را پند میدهد که هرگز به مثل این (کار) باز (نه) گردید، اگر مسلمانید.

﴿۱۸﴾ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و خدا به شما آیات (خویش) را بیان میکند، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿۱۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

بیگمان آنانیکه میخواهند فحشاء در میان مسلمانان شایع گردد، برای ایشان در دنیا و در آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می داند و شما نمی دانید.

﴿۲۰﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ

و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی بود، و اینکه خدا مهربان و رحیم است (واقعاً حالت سختی دامنگیر شما می شد).

﴿٢١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ ۚ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای مسلمانان، قدم های شیطان را پیروی نکنید، و هر که قدم های شیطان را پیروی کند، پس بیگمان شیطان به فحشاء و کارهای ناشایسته امر میکند. و اگر فضل و مرحمت خداوند بر شما نمی بود، هیچ یک از شما هرگز پاک نمی شد، ولی خدا هر کرا بخواهد پاکیزه می سازد، و خداوند شنوا و داناست.

﴿٢٢﴾ وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَيُعْطُوا وَيُصَفَّحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مردم بافضیلت و توانگر شما نباید سوگند بخورند که از امداد به اقارب، مساکین و مهاجرین راه خدا دریغ ورزند، باید عفو کنند و گذشت ورزند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد؟ و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٢٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

بیگمان آنانیکه زنان پاکدامن (از آلودگی [و]) بیخبر مؤمن را (به فحشاء) متهم می سازند، در دنیا و آخرت (به) لعنت (خدا گرفتار) شده اند، و برای ایشان عذابی بزرگ است.

﴿٢٤﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

در روزیکه زبانهای شان، دست های شان و پاهای شان بر ایشان به اعمالی که مرتکب شده اند شهادت میدهد.

﴿٢٥﴾ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

در آن روز خداوند جزایی را که مستحق آنند به تمام و کمال به ایشان میدهد، و پی میبرند که خداوند هم اوست حق آشکار کننده.

﴿٢٦﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ ۗ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۗ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۗ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

زنان آلوده (به فحشاء) شایسته مردان آلوده میباشند، و مردان آلوده شایسته زنان آلوده اند. زنان پاکدامن شایسته مردان پاکدامن اند، و مردان پاکدامن شایسته زنان پاکدامن اند. ایشان از آنچه مردم میگویند مبرینند. برای ایشان آمرزش و روزی خوب، پاک و وافر است.

﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

ای مؤمنان، به خانه غیر خود داخل نشوید، تا اجازه بگیرید. و به اهل آن سلام دهید. این (کار) بخیر شمامست، تا باشد که پند بگیرید.

﴿۲۸﴾ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۖ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا

فَارْجِعُوا ۗ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

اگر در آن کسی را نیابید، پس در آن داخل نشوید، تا به شما اجازه داده شود. و اگر به شما گفته شود که باز گردید، برگردید. این (کار) برای شما شایسته تر است. و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

﴿۲۹﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

تَكْتُمُونَ

بر شما گناهی نیست که وارد آن منازل غیر مسکونه شوید که در آنجا مال و متاعی است که از آن شما می‌باشد، و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌کنید می‌داند.

﴿۳۰﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۖ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا

يَصْنَعُونَ

برای مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را پایان اندازند، و دامان خود را (پاک) نگهدارند. این (کار) برای شان شایسته تر است. بیگمان خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

﴿۳۱﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ

مِنْهَا ۗ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۗ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ

بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ

مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ

عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ ۗ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ

الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

برای زنان مؤمن بگو چشم‌های خویش را پایان اندازند، دامان خود را (پاک) نگهدارند، و زینت خود را جلوه ندهند، بجز آنچه از آن (بطور عادی) نمایان است. و باید ایشان چادرهای خویش را به گریبان خود اندازند، و زینت خویش را جلوه ندهند، مگر به شوهران خویش، یا پدران خویش، یا پدران شوهران خویش، یا پسران خویش، یا پسران شوهران خویش، یا برادران خویش، یا برادران شوهران خویش، یا پسران خواهران خویش، یا زنان (هم‌کیش) خویش، یا بردگان خویش، یا خدمتگاران مردی که تمایلات شهوانی ندارند، یا اطفالی که هنوز احساس

جنسی در آنها بیدار نشده است. پاهای خود را (در هنگام راه رفتن طوری) به زمین نزنند که از زینت خویش آنچه را پنهان نگه میدارند آشکار شود. و همه بسوی خدا رو آورید، ای مؤمنان، تا باشد که رستگار شوید.

﴿۳۲﴾ وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

(مردان و زنان) بی همسر خویش را به همسر دهید، و نیز غلامان و کنیزان صالح خویش را. اگر نادر باشند، خداوند ایشانرا از فضل خویش توانگر میسازد. و خداوند گشایشگر (و) داناست.

﴿۳۳﴾ وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ وَأَتَوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۗ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و آنانیکه قدرت (مادی) ازدواج را نمی یابند، باید عفت خویش را نگهدارند، تا خداوند ایشان را به اساس فضل خویش بی نیاز سازد. و آنعده از بردگان شما که آزادی خود را در برابر پرداخت پول می جویند، ایشان را در برابر پول آزاد کنید، اگر در ایشان خیر و صلاحی را سراغ دارید. و به ایشان از مالیکه خدا به شما داده است چیزی بدهید. کنیزان خویش را، اگر خواهان حفظ عفت خویش باشند، به فحشاء مجبور نسازید، تا بدین وسیله متاع زندگی دنیا را بدست آرید. و هرکه ایشان را مجبور سازد، پس بیگمان خداوند بعد ازین جبر و اکراه شان آمرزنده (و) مهربان است.

﴿۳۴﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

و بیگمان به شما آیه های روشنی نازل کردیم، و (نیز) مثالی از (زندگی) پیشینیان شما، و پندی برای پرهیزگاران.

﴿۳۵﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۗ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۗ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۗ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند نور آسمانها و زمین است. مثال نور او چون طاقی است که در آن چراغی قرار دارد، (و) چراغ در شیشه ای است، آن شیشه گویی ستاره ایست مرواریدگون. (چراغ) از (روغن) درخت مبارک زیتونی افروخته میشود، که نه شرقی است نه غربی. نزدیک است که روغن آن روشن شود، اگرچه آتشی به آن تماس نگرفته باشد؛ نوری بر

نوری دیگر. خداوند به نور خویش هر که را بخواهد هدایت می کند، و خداوند برای مردم مثالهایی میزند، و خداوند به هر چیز داناست.

﴿۳۶﴾ فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

(چنین چراغ ها) در خانه هایی (روشن میشود) که خداوند اجازه داده است که بلند کرده شوند، و نام خدا در آنها ذکر شود. در آنها خداوند را صبح و شما (بار بار) به پاکی یاد میکند.

﴿۳۷﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ۗ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که ایشانرا تجارت و دادوستد از ذکر خدا و از ادای نماز و دادن زکات غافل نمی سازد. آنها از روزی می ترسند که در آن دلها و چشم ها منقلب میشود.

﴿۳۸﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

تا خداوند ایشان را به بهترین عملی که انجام داده اند پاداش دهد، و به ایشان از فضل خود علاوه کند، و خداوند هر که را بخواهد روزی بی حساب می دهد.

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

کافران، بیگمان اعمال ایشان مانند سرابی است در دشت های ریگزار، که آنرا انسان تشنه آب می پندارد. تا به نزدیک آن بیاید، آنرا چیزی (که فکر میکرد) نمی یابد. و خدا را در نزد خود می یابد که حساب او را فیصله می کند، و خداوند در حساب گرفتن سریع است.

﴿۴۰﴾ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ۗ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا ۗ وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ

یا (اعمال شان) همچون تاریکی هایی است در بحری پهناور، که آنرا موجی پوشانده باشد، و بر بالای آن موجی دیگر (قرار بگیرد)، و بر بالای آن ابر باشد. تاریکی هایی است برخی از آن بر برخی دیگر (طبقه زده). (کسیکه درین تاریکی ها گیر آمده) چون دست خود را بیرون آرد، ممکن نیست آنرا ببیند. هر کرا خداوند نوری نداده، پس برای او (بهره ای) از نور نیست.

﴿۴۱﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ ۗ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

آیا ندیدی که خدا را هر آنچه در آسمانها و در زمین اند تسبیح میگویند؟ و (نیز) پرندگان بال گشاده؟ هر کدام شان نماز (یعنی نحوه پرستش و ستایش) خود را می داند، و خداوند به آنچه میکنند آگاه است.

﴿٤٢﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

پادشاهی آسمانها و زمین از آن خدا است، و بازگشت (همه موجودات) به سوی اوست.

﴿٤٣﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْزُقِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ

وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ ۗ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

آیا ندیدی که خداوند ابر را به آرامی میراند، سپس میان آن پیوند میدهد، بعد آنرا متراکم می سازد، پس قطره های باران را می بینی که از لابلاهی آن بیرون می آیند، و از آسمان — از کوه هایی که در آن است — زاله را فرو می ریزد؟ پس هرکه را بخواهد به آن مصاب می کند، و هرکه را بخواهد از آن باز میدارد. نزدیک است روشنی برق آن دیده ها را بر باید.

﴿٤٤﴾ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ

خداوند شب و روز را (به یکدیگر) تبدیل می کند، و بیگمان در آن برای صاحبان بصیرت عبرتی است.

﴿٤٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ ۗ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ

وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ ۗ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خداوند هر جانوری را از آبی آفریده است. بعضی از اینها بر شکم خود می خزند، بعضی از ایشان بر دو پای (خود) راه می روند، و بعضی از ایشان بر چهارپا راه میروند. خداوند هرچه را بخواهد می آفریند. حقا که خداوند بر هر چیز توانا است.

﴿٤٦﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

بیگمان ما آیه های روشنایی بخشی را نازل کردیم، و خداوند هرکرا بخواهد براه راست هدایت میکند.

﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ ۗ وَمَا أُولَئِكَ

بِالْمُؤْمِنِينَ

(منافقان) میگویند « به خدا و رسول (او) ایمان آورده ایم و فرمان برده ایم. » ولی بعد از این، فرقه ای از ایشان رو می گردانند، و ایشان مؤمن نیستند.

﴿٤٨﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

و چون بسوی خدا و پیامبر او خوانده می شوند، تا در میان ایشان حکم کند، آنگاه گروهی از ایشان روگردان می شوند.

﴿٤٩﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

اما اگر حق به طرف ایشان باشد، با فرمانبرداری (کامل) بسوی او می آیند.

﴿٥٠﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ ۗ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ

الظَّالِمُونَ

آیا در دل‌های شان بیماری است؟ یا در شک افتادند؟ یا می ترسند که مبادا خدا و پیامبرش بر ایشان ستم کند؟ (نخیر) بلکه ایشان خود ستمگر اند.

﴿٥١﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا

وَأَطَعْنَا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سخن مسلمانان، چون بسوی خدا و رسول او فرا خوانده میشوند تا در میان شان حکم کند، جز این نیست که بگویند: « شنیدیم و اطاعت کردیم. » و هم ایشانند رستگار.

﴿٥٢﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و هر که خدا و پیامبر او را اطاعت کند و از خدا بترسد و از او هراس نماید، پس هم ایشانند پیروزمند.

﴿٥٣﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجْنَ ۗ قُلْ لَا تَقْسِمُوا ۗ طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ ۗ إِنَّ

اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

به خدا با نهایت تأکید خود سوگند خوردند، که اگر به ایشان امر کنی بیگمان (از جان و مال خود در میگذرند و) بیرون میشوند. بگو: « سوگند نخورید، فرمانبری پسندیده یی است (یعنی حسن نیت نشان دهید). حقا که خداوند به آنچه میکنید آگاه است. »

﴿٥٤﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ ۗ وَإِنْ

تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۗ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

بگو: « خدا را فرمان برید، و پیامبر را فرمان برید. و اگر رو برگردانید، پس پیامبر مسؤل چیزی است که بر دوش او گذاشته شده است، و شما مسؤل چیزی هستید که بر دوش شما گذاشته شده است. و اگر او را فرمان برید، رهیاب میشوید. بر پیامبر نیست مگر ابلاغ آشکار. »

﴿٥٥﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ

أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

خداوند به آنانی از شما که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده داده است که البته ایشانرا در زمین خلیفه می سازد، طوریکه آنهایی را که قبل از ایشان بودند خلیفه ساخته بود، تا دین ایشان را که به ایشان خوش

آیند است پابرجا و استوار گرداند، و (حالت) ایشان را بعد از خوف به امن مبدل سازد. ایشان (تنها) مرا پرستش می کنند و با من چیزی را شریک نمی آورند. و کسانی که بعد از آن کافر شدند، پس هم ایشانند فاسق.

﴿٥٦﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

نماز را به تمام و کمال اداء کنید، زکات را بپردازید، و پیامبر را اطاعت کنید، تا باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

﴿٥٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۗ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ

گمان مبر که کافران (خداوند را) در زمین عاجز ساخته می توانند. جای ایشان آتش است، و چه بد جایی برگشت است!؟

﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ آذَانُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ

مَرَّاتٍ ۗ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ

العِشَاءِ ۗ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ ۗ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ ۗ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ

بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای مسلمانان، باید بردگان شما و نیز فرزندان شما که (هنوز) به سن بلوغ نرسیده اند، از شما در سه موقع اجازه (ورود) بگیرند: پیش از نماز صبح، در نیم روز، هنگامیکه لباس های خویش را از تن می کشید، و بعد از نماز خفتن. این سه وقت (هنگام) خلوت شماست. بعد از این اوقات، بر شما و ایشان گناهی نیست که بعضی شما بر بعضی دیگر آمد و شد کنند. بدینگونه خداوند به شما این آیات را بیان می کند، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٥٩﴾ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ

لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و چون اطفال شما به سن بلوغ رسیدند، ایشان نیز باید مانند کسانی که پیش ازین (به سن بلوغ رسیده بودند) اجازه بخواهند. بدینگونه خداوند آیات خود را بیان می کند، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٦٠﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرِ

مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۗ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

زنان نشسته (یعنی کلانسالی) که امید ازدواج ندارند، بر ایشان گناهی نیست که (قسمتی از) جامه های خویش را از تن بکشند، و آرایش خود را (به مردم) جلوه ندهند. ولی اگر (لباس کامل بپوشند و) از عفاف کار بگیرند، برای شان بهتر است. و خداوند شنوا (و) دانا است.

﴿٦١﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ

أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ

يُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ يُيُوتِ عِمَاتِكُمْ أَوْ يُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْهُم مَّقَاتِحُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ ۗ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا ۗ فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَاسْلُمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ ۗ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

نه بر نابینا حرجی است، نه بر لنگ حرجی است، و نه بر بیمار حرجی است (که با شما یکجا غذا بخورند). و نه بر خود شما (حرجی) است که از خانه های خود، یا خانه های پدران خویش، یا خانه های مادران خویش، یا خانه های برادران خویش، یا خانه های خواهران خویش، یا خانه های کاکاهای خویش، یا خانه های عمه های خویش، یا خانه های ماماهاى خویش، یا خانه های خاله های خویش، یا خانه هایى که کلیدهای آن در اختیار شما است، یا (خانه های) دوستان خویش غذا بخورید. (همچنین) به شما گناهی نیست که یکجایی (نان) بخورید، یا به تنهایی. پس چون به خانه داخل شدید، برخویشتن سلام کنید؛ تحیتی از جانب خدا، (تحیتی) مبارک و پاکیزه. بدین گونه خداوند آیات خود را به شما بیان میکند تا باشد که بفهمید.

﴿٦٢﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لَمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ ۗ وَإِنِ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

بیگمان کسانی مؤمن هستند که به خداوند و پیامبر او ایمان آوردند، و چون در کارهای دسته جمعی با پیامبر باشند، تا اجازه او را حاصل نکنند نمی روند. بیگمان آنانیکه از تو اجازه می طلبند، به خدا و به پیامبر او ایمان دارند. پس چون برای (اجرای) پاره ای از امور خویش از تو اجازه بخواهند، هر کدام شانرا که خواهی اجازه بده، و از خدا برای ایشان آمرزش بخواه. حقا که خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٦٣﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۗ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا ۗ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

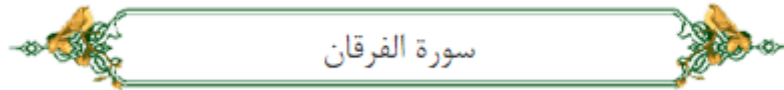
فراخوانی پیامبر را در میان خویش مانند فراخوانی که شما از یکدیگر خود میکنید، تلقی ننمایید. بیگمان خداوند آنده را که از میان شما در خفیه و به آهستگی میگریزند میشناسد. پس کسانی که از حکم پیامبر تخلف می ورزند، باید بترسند که مبادا با فتنه ای مواجه شوند یا عذابی دردناک به ایشان برسد.

﴿٦٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هان، (بخاطر داشته باشید که) هر آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خدا میباشد. بیگمان او حالتی را که در آن هستید، و (نیز) روزی را که به او باز گردانده میشوید میداند. پس ایشانرا به آنچه میکردند آگاه می سازد و خداوند به هر چیز دانا است.

(۲۵) سوره افرقان:

این سوره مکی و دارای (۷۷) آیه است و (جداکننده) معنی میدهد. در این سوره به بیان آیات و معجزاتی پرداخته شده که حجت حق در آنها به طور کامل آشکار و فرق میان حق و باطل در آن تماماً جلوه گر است از این روی این سوره فرقان نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

بابرکت است آنکه فرقان را بر بنده خود نازل کرده است، تا برای جهانیان هوشداری باشد.

﴿۲﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ

شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا

ذاتی که پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، فرزندی نگرفته است، و او را در پادشاهی شریکی نیست. و هر چیز را آفرید، و آنرا دقیقاً اندازه گیری کرد.

﴿۳﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا

(مشرکان چیزهای دیگری را) بجز او معبود گرفتند، چیزهایی را که نمیتوانند موجودی را بیافرینند، بلکه خودشان آفریده شده اند. و (آنها که) مالک ضرری و نفعی (حتی) برای خویشان نیستند، و نه مالک مرگ اند، نه (مالک) زندگانی، و نه (هم مالک) رستاخیز.

﴿۴﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ ۗ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

کافران گفتند: « این (قرآن) نیست مگر دروغی که (محمد) آنرا افتراء کرده، و گروهی دیگر او را درین کار مدد نموده اند. » بیگمان ایشان (با این سخن خویش) ظلم و دروغی را مرتکب شدند.

﴿۵﴾ وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۗ اَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

و (باز) گفتند: « (قرآن) افسانه های پیشین است که وی آنرا بازنویس کرده است، و به وی صبح و شام خوانده میشود. »

﴿٦﴾ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

بگو: «قرآن را کسی نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می داند. حقا که او آمرزنده (و) مهربان است.»

﴿٧﴾ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ ۗ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ

نَذِيرًا

و گفتند: «چطور (است که) این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا به او فرشته ای فرستاده نشده است تا با او (یکجا به مردم) هوشدار دهنده باشد؟»

﴿٨﴾ أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا ۗ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

«یا (چرا) خزانه ای در اختیار وی گذاشته نشده است؟ یا (چرا) به وی باغستانی داده نشده تا از آن بخورد؟»

ستمگاران گفتند: «شما پیروی نمی کنید جز مرد جادوشده ای را.»

﴿٩﴾ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

بین، ایشان برای تو چه مثالهایی زدند، ایشان گمراه شدند، و ازینرو توان رهایی را ندارند.

﴿١٠﴾ تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ

قُصُورًا

با برکت است آنکه اگر بخواهد (چیزهای) بهتر ازین را از آن تو میگرداند، باغستان هایی را که در زیر (درختان) آنها جویبارهایی جریان دارد، و (نیز) قصرهایی را از آن تو میگرداند.

﴿١١﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

بلکه (حقیقت اینست که کافران) از قیامت انکار ورزیده اند، و برای کسیکه قیامت را تکذیب کرد آتشی سوزان مهیا کردیم.

﴿١٢﴾ إِذَا رَأَتْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا

هنگامیکه (دوزخ) آنها را از جای دور ببیند، جوشش و دم درکشیدن آنها می شنود.

﴿١٣﴾ وَإِذَا الْقُورَاءُ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

و چون زنجیرپیچ در تنگنایی از آن انداخته شوند، درین حالت است که مرگ میخواهند.

﴿١٤﴾ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا

(به ایشان گفته میشود: «امروز تنها یک بار مرگ خواهید، بلکه بار بار (برای خویشتن) مرگ خواهید.»

﴿١٥﴾ قُلْ أَذَلِكُمْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۗ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا

بگو: « آیا این بهتر است یا بهشت جاودانیکه به پرهیزگاران وعده شده؟ (جنت) برای شان پاداش و جای بازگشت است. »

﴿١٦﴾ لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا

به ایشان در آن هر چه بخواهند فراهم میشود، و (در آن) جاودانه می باشند، (این) وعده ای است که پروردگارت ایفای آنرا به عهده گرفته است.

﴿١٧﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَقُولُ أَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هُوَ لَا إِمَّ لَهُمْ ضَلُّوا

السَّبِيلَ

و روزی را (بیاد آر) که خداوند ایشان و چیزهایی را که جز وی می پرستند جمع میکند و میگوید: « آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید؟ یا خودشان گمراه شدند؟ »

﴿١٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ

حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

میگویند: « پاکی تو، برای ما شایسته نبود که جز تو (هیچ دوستی) از دوستان را برگزینیم، ولی تو ایشان و پدران شانرا (از نعمت ها) بهره‌ور ساختی تا از یاد تو غافل شدند، و ایشان قوم تباه شدنی بودند. »

﴿١٩﴾ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا ۚ وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا

كَبِيرًا

(خداوند می گوید): « بیگمان (این معبودان شما) شما را در آنچه میگویند تکذیب کردند، پس باز گشته نمی توانید، و نه هم پیروزی حاصل کرده می توانید. هر که از شما که ستمگار است به او عذاب بزرگی می چشانیم. »

﴿٢٠﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا

بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

و پیش از تو (نیز) هیچکس از پیامبران را نفرستادیم مگر اینکه ایشان غذا می خوردند و در بازارها آمدوشد میکردند، و ما بعضی از شما را برای بعضی (وسیله) آزمایش قرار دادیم، (تا دیده شود که) آیا صبر و شکیبایی میورزند؟! و پروردگارت بینا بوده است.

=====

جزء یا سپاره نژدهم - وقال الذین

﴿٢١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا

و آنانیکه به دیدار ما (در روز قیامت) امیدی ندارند میگویند: « چرا برای ما فرشتگان فرستاده نشده؟ یا چرا پروردگار خویش را نمی بینیم؟ » ایشان واقعاً خود را بزرگ پنداشتند (یعنی به خود مغرور شدند)، تکبر ورزیدند و سرکشی بزرگی را مرتکب شدند.

﴿٢٢﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا

روزی که فرشتگان را ببینند، در آن روز (این دیدار) برای گنهکاران مژده ای نخواهد بود، و میگویند: « ما را امان دهید، امانی برگشت ناپذیر. »

﴿٢٣﴾ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا

و به هر آنچه (در زندگی خویش) انجام دادند رو آوردیم، و آنرا مانند (ذره های) غباری (که در هوا تیت شود) پراکنده ساختیم.

﴿٢٤﴾ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

اهل بهشت در آن روز از بهترین قرارگاه و بهترین رهائشگاه برخوردارند.

﴿٢٥﴾ وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا

و روزیکه آسمان با ابرها شکافته شود، و فرشتگان بگونه ای (منظم) فرو فرستاده شوند.

﴿٢٦﴾ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ۗ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا

پادشاهی درین روز از آن (خداوند) رحمن است. و آنروز بر کافران (واقعاً) دشوار است.

﴿٢٧﴾ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

روزیکه آدم ستمگار دست خود را می گزد (و) میگوید: « ای کاش، من با رسول راهی را بر می گزیدم! »

﴿٢٨﴾ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

واویلا، ایکاش من هرگز فلانی را دوست نمی گرفتم!

﴿٢٩﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا

بیگمان مرا از یادِ (رهنمایی های خدا) بعد از اینکه به (سراغ) من آمده بود گمراه ساخت، و شیطان همواره فریب دهندهٔ انسان است.

﴿۳۰﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

پیامبر گفت: « ای پروردگار من، بیگمان قوم من این قرآن را به کنار گذاشتند. »

﴿۳۱﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا

و بدینگونه برای هر پیامبری دشمنی از میان مجرمان قرار دادیم. و برای تو پروردگارت بحیث رهنما و مددگار کافی است.

﴿۳۲﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۖ كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۗ وَرَتَّلْنَاهُ

تَرْتِيلًا

کافران گفتند: « چرا قرآن به او به یکبارگی نازل نشد؟ » اینچنین (نازل شده) است تا با آن دل ترا استوار گردانیم. و ما آنرا برای تو بگونهٔ مرتب و منظم نازل گردانیدیم.

﴿۳۳﴾ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

هیچ مثالی را برای تو نمی آورند مگر اینکه ما (به جواب آن) حق و بهترین تفسیری را به تو نازل میکنیم.

﴿۳۴﴾ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا

آنانیکه به روی های خویش به دوزخ گرد آورده می شوند، هم ایشانند که بدترین موقف و دورترین موقعیت را از راه (راست) دارند.

﴿۳۵﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا

و بیگمان به موسی کتابی را دادیم، و همراهش برادر او هارون را (بحیث) وزیر گردانیدیم.

﴿۳۶﴾ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا

و گفتنیم: « بسوی قومیکه آیات ما را تکذیب کردند بروید. » و ایشانرا بگونه ای تباہ ساختیم.

﴿۳۷﴾ وَقَوْمِ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

و قوم نوح، هنگامیکه پیامبران را تکذیب کردند، ایشان را غرق ساختیم، و ایشانرا برای مردم مایهٔ عبرت گردانیدیم. و برای ستمگاران عذاب دردناک آماده کرده ایم.

﴿۳۸﴾ وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

و (همچنان) عاد، ثمود و اصحاب الرس، و بسا اقوام دیگر را که درین میان بودند.

﴿۳۹﴾ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۗ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا

و برای هر یک، ما مثلها زدیم. و (چون به آن توجهی نکردند) همهٔ شانرا بگونه ای هلاک گردانیدیم.

﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ آتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا ۖ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَتَّخِذُونَ نَذِيرًا

و حتماً آنها از کنار شهری که بر آن باران شومی باریده بود گذشتند. آیا آنرا نمی دیدند؟ بلکه زنده شدن بعد از مرگ را توقع نداشتند.

﴿٤١﴾ وَإِذَا رَأَوْكَ إِذْ يَتَخَذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذًا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا

و چون ترا ببینند، جز به تمسخر نمیگیرند (و میگویند): « آیا این همان کسی است که خدا او را پیامبر فرستاده است؟ »

﴿٤٢﴾ إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۖ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا

« (بیگمان) نزدیک بود که ما را از پرستش خدایان ما گمراه سازد، اگر بر آن استقامت نمیکردیم. » مگر چون عذاب را ببینند، بیدرنگ می فهمند که چه کسی گمراهتر است.

﴿٤٣﴾ أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

آیا آن کسی را دیدی که هوای نفس خویش را معبود خویش گرفت؟ آیا تو میتوانی که ضامن (رهبایی) او شوی؟

﴿٤٤﴾ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ ۚ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

یا می پنداری که بیشتر ایشان می شنوند و می فهمند؟ ایشان نیستند مگر مانند چارپایان، بلکه ایشان از آنها هم از (جهت) راه (یابی) گمراه تر اند.

﴿٤٥﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

آیا ندیدی پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر میخواست آنرا ساکن میگردانید. سپس آفتاب را دلیل (وجود) آن قرار دادیم.

﴿٤٦﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا

سپس آنرا آهسته آهسته بسوی خود جمع کردیم.

﴿٤٧﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا

و اوست که شب را به شما لباسی گردانید، و خواب را (مایه) آرامش، و روز را (وسیله) فعالیت و زندگی.

﴿٤٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

و اوست که بادهای را بحیث مزده ای در پیشاپیش رحمت خود فرستاد، و آب پاک کننده را از آسمان فرود آوردیم.

﴿٤٩﴾ لُنْحِي بِهٖ بَلَدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْآسِي كَثِيرًا

تا با آن سرزمین مرده ای را زنده کنیم، و آنرا به چارپایان و مردم بسیاری که آفریده ایم بنوشانیم.

﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا هٗ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

بیگمان آب (و نعمتهای دیگر) را در بین شان به شکلهای گوناگون تقسیم نمودیم، تا پند گیرند. ولی بیشتر مردم (از هر حالتی) جز ناسپاسی ابا و ورزیدند.

﴿٥١﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا

اگر می خواستیم در هر دیاری بیم دهنده ای می فرستادیم.

﴿٥٢﴾ فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا

بنابر آن از کافران اطاعت مکن، و با ایشان بوسیلهٔ این (قرآن) جهاد بزرگ (و همه جانبه ای) را براه انداز.

﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا

مَّحْجُورًا

و اوست که دو دریا را کنار هم جاری گردانید؛ یکی گوارا و خوش طعم، و دیگری شور و تلخ. و در میان آنها برزخی قرار داد، حایل غیر قابل نفوذی.

﴿٥٤﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

و اوست که بشر را از آب آفرید، سپس برای او نسبی و خویشاوندی قرار داد. و پروردگارت (به هر چیز) تواناست.

﴿٥٥﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا

ایشان جز خداوند چیزهایی را می پرستند که برای شان سود و زبانی نمیرساند، و (برخی دیگر از افراد) کافر در برابر پروردگار خود پشتیبان (برخی دیگر) اند.

﴿٥٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

و ترا نفرستادیم مگر مژده دهنده و بیم دهنده.

﴿٥٧﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَٰهِي رَبِّهٖ سَبِيلًا

بگو: « من درین (امر) از شما مزد نمی خواهم، جز اینکه هر که بخواهد بسوی پروردگار خود راهی را برگزیند. »

﴿٥٨﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۗ وَكَفَىٰ بِهٖ بُدْنُوبٍ عِبَادَهٗ خَيْرًا

به ذاتی توکل نما که زنده است و هرگز نمی میرد، و صفات ستودهٔ او را به پاکی یاد کن، و کافی است که خداوند به گناه بندگان خود آگاه میباشد.

﴿٥٩﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا

اوست که آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان آنها است در شش روز آفرید. سپس بر عرش مستولی شد. (او) رحمن است. پس در مورد او از (شخص) آگاهی بپرس.

﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۞

و چون به ایشان گفته شود: « به (خدای) رحمن سجده کنید، » میگویند: « رحمن چیست؟ آیا ما به چیزی سجده کنیم که تو به ما امر میکنی؟ » و این روش جز آنکه بر نفرت شان می افزاید (حاصلی ندارد).

﴿٦١﴾ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

با برکت است ذاتی که در آسمان برجهایی آفرید، و در آن چراغ و ماه نوربخشی قرار داد.

﴿٦٢﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا

اوست که شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید، برای کسیکه بخواهد پند گیرد یا بخواهد سپاس گزارد.

﴿٦٣﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

بندگان (خدای) رحمن کسانی اند که بر زمین با (تواضع و) آرامش راه میروند، و هنگامی که نادانان ایشان را خطاب می کنند، میگویند « سلام. »

﴿٦٤﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا

آنانیکه به (حضور) پروردگار خود به سجده و قیام، شب زنده داری می کنند.

﴿٦٥﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۗ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

آنانیکه میگویند: « ای پروردگار ما، از ما عذاب دوزخ را باز دار، بیگمان عذاب آن شدید و دایمی است. »

﴿٦٦﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

واقعاً که این بد قرارگاه و اقامتگاهی است.

﴿٦٧﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

آنانیکه چون خرج میکنند، نه اسراف می کنند و نه (هم) سختی میکنند، و (روش شان) اعتدال میان این (و آن) میباشد.

﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا

يَزْنُونَ ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا

آنانیکه با خداوند معبود دیگری را نیایش نمی کنند، و انسانی را که خداوند (قتل) او را حرام ساخته است جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند، و کسی که چنین کند جزای آنرا میبند.

﴿٦٩﴾ يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا

عذاب برای او در روز قیامت دوچندان میشود، و او در آنجا به خواری و برای همیشه می ماند.

﴿٧٠﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ

غَفُورًا رَحِيمًا

مگر کسیکه توبه کند، ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد. چنین مردمی اند که خداوند بدی های شانرا به نیکویی تبدیل می کند. و خداوند بخشاینده (و) مهربان است.

﴿٧١﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا

و هر کسی که توبه کند و عمل نیکو انجام دهد، پس اوست که واقعاً به خداوند بطور پسندیده ای رو می آورد.

﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

آنانیکه گواهی ناحق نمیدهند (و به کار باطل حاضر نمیشوند). و چون با لغو و کار بیهوده ای برخوردند، از آن به روش بزرگوارانه ای درمیگذرند.

﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا

و آنانیکه چون به آیات پروردگار خویش پند داده شوند، بر آن کر و کور نمی افتند (یعنی این پندها را نادیده نمیگیرند).

﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

و آنانیکه میگویند: « پروردگار ما، از همسران ما و فرزندان ما برای ما نور چشمانی ارزانی کن، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا ساز. »

﴿٧٥﴾ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

هم ایشانند که به (جزای) آنکه صبر کردند بهشت برین را صاحب میشوند، در آنجا ایشان با تحیت و سلام روبرو میشوند.

﴿٧٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

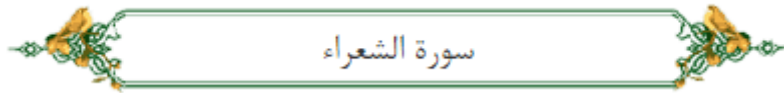
(و) در آنجا جاودانه بسر میبرند، و چه قرارگاه و اقامتگاه نکویی؟!

﴿٧٧﴾ قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۗ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا

بگو: « اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما اهمیتی قایل نمیشود، بلکه شما واقعاً (او را) تکذیب کردید. پس به زودی (این مجازات بر شما) لازم میگردد. »

(۲۶) سوره الشعراء:

این سوره مکی و دارای (۲۲۷) آیه است و به معنی (شاعران) میباشد. در این سوره بین شعرای مومن و گمراه مقارنه و مقایسه صورت گرفته تا ادعای مشرکانی را که می پنداشتند رسول خدا شاعر است را رد نماید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ طسم

ط.س.م.

﴿۲﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

این آیات کتابی است که (حق را) آشکار می سازد.

﴿۳﴾ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

شاید تو (از پی ایشان) خود را از شدت اندوه هلاک گردانی به اینکه چرا مسلمان نمی شوند.

﴿۴﴾ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

اگر بخواهیم، از آسمان بر ایشان نشانه ای فرود می آریم که در برابر آن گردنهای شان خم گردد.

﴿۵﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ

هیچ پند جدیدی نیست که از جانب (پروردگار) رحمن به ایشان بیاید مگر آنکه از آن روی برتابنده اند.

﴿۶﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

ایشان واقعاً (پیام حق را) تکذیب کردند، ولی به ایشان در مورد آنچه به آن استهزاء می کردند به زودی آگاهی (لازم) خواهد آمد.

﴿۷﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

آیا به زمین ندیدند که چه تعداد از هر جنس مفیدی را در آن گنجانیدیم؟!

﴿۸﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بیگمان درین نشانه ای است، اما اکثرشان مسلمان نبوده اند.

﴿٩﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

حقا که پروردگار تو، هم او است صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿١٠﴾ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و بیاد آر هنگامی را که پروردگار تو به موسی ندا داد که « برو پیش قوم ستمگار. »

﴿١١﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ

قوم فرعون؛ آیا ایشان (از خدا) نمی ترسند؟

﴿١٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

موسی گفت: « ای پروردگار من، واقعاً میترسم از اینکه مرا تکذیب کنند. »

﴿١٣﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ هَارُونَ

و سینه من تنگ می شود، و زبانم روان نیست (یعنی بندش دارد). پس به هارون (نیز) رسالت بخش.

﴿١٤﴾ وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

و (افزون بر آن) ایشان بر من (ادعای) جرمی دارند که میترسم مرا بکشند.

﴿١٥﴾ قَالَ كَلَّا ۗ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۗ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ

(خداوند) گفت: « چنین نیست (آنها به شما آسیبی رسانیده نمیتوانند). پس هردوی شما با نشانه های ما بروید.

بیگمان که ما با شما مییم (و) شنونده (این جریانات) می باشیم. »

﴿١٦﴾ فَآتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شما هر دو نفر نزد فرعون بروید و بگویید: « ما فرستاده پروردگار عالمیانیم. »

﴿١٧﴾ أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

که با ما بنی اسرائیل را بفرست.

﴿١٨﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

(فرعون) گفت: « آیا ما ترا در کودکی در میان خود پرورش نکردیم؟ و تو سالیان درازی از عمر خود را در میان

ما نگذراندی؟ »

﴿١٩﴾ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و آن کرده خود را انجام دادی و تو از ناسپاسانی.

﴿٢٠﴾ قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ

(موسی) گفت: « من این کار را در حال ناخبری کردم. »

﴿۲۱﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

از پیش شما گریختم، چون از شما ترسیدم. درین دوره بود که پروردگارم به من قدرت بخشید، و پروردگار من مرا از پیامبران گردانید.

﴿۲۲﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

و (آیا) این نعمتی است که آنرا بر من منت میگذاری، که بنی اسرائیل را برده ساختی؟

﴿۲۳﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

فرعون گفت: « چیست پروردگار عالمیان؟ »

﴿۲۴﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

(موسی) گفت: « پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر اهل یقینید. »

﴿۲۵﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

(فرعون) به کسان دور و بر خود گفت: « آیا نمی شنوید؟ »

﴿۲۶﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

(موسی) گفت: « پروردگار شما و پروردگار نسلهای پیشین شما. »

﴿۲۷﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

(فرعون) گفت: « یقیناً پیامبر شما (آن) که بسوی شما فرستاده شده دیوانه است. »

﴿۲۸﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

(موسی) گفت: « پروردگار مشرق و مغرب، و هر آنچه در بین ایندوست، اگر عقل دارید. »

﴿۲۹﴾ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

(فرعون) گفت: « اگر جز من معبودی بگیری، ترا از زندانیان خواهم ساخت. »

﴿۳۰﴾ قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ

(موسی) گفت: « آیا (حتی) اگر بتو نشانه روشنی بیاورم؟ »

﴿۳۱﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

(فرعون) گفت: « اگر راست میگویی آنرا بیاور. »

﴿۳۲﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

درینحال (موسی) عصای خود را افکند و ناگهان آن (عصا) بگونه آشکار ازدهایی شد.

﴿۳۳﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ

و (باز) دست خود را (از گریبان) کشید، ناگهان برای بینندگان سفید (درخشنده) می نمود.

﴿۳۴﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

(فرعون) به بزرگان دور و بر خویش گفت: « این (شخص) واقعاً جادوگری داناست. »

﴿۳۵﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

میخواهد شما را با سحرش از سرزمین شما بیرون سازد. پس مشوره شما چیست؟

﴿۳۶﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

گفتند: « او و برادرش را مهلت ده، و به شهرها کسانی را بفرست که مردم را جمعآوری کنند. »

﴿۳۷﴾ يَا تُوكَّ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ

و (از میان ایشان) ساحران ماهری را برای تو بیاورند.

﴿۳۸﴾ فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

به این ترتیب ساحران به همان روز مشخصی جمعآوری شدند.

﴿۳۹﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ

و به مردم گفته شد: « آیا شما (نیز در پی) اجتماع (اشتراک) می کنید؟ »

﴿۴۰﴾ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

تا باشد که ما ساحران را پیروی کنیم اگر پیروز شوند.

﴿۴۱﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا لِأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

چون ساحران آمدند، به فرعون گفتند: « آیا برای ما پاداشی (مناسب) داده می شود، اگر ما برنده شویم؟ »

﴿۴۲﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

(فرعون) گفت: « بلی، و یقیناً در چنین حالتی از مقربان خواهید بود. »

﴿۴۳﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْتَقُونَ

موسی به ساحران گفت: « بیفکنید؛ آنچه را که میخواهید بیفکنید. »

﴿۴۴﴾ فَالْقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

درین حال ساحران ریسمانها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: « به عزت فرعون، ما یقیناً پیروز می شویم. »

﴿۴۵﴾ فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

سپس موسی عصای خود را افکند، و همان دم هر آنچه تزویر کرده بودند همه را (به کام خود) فرو برد.

﴿٤٦﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ

ساحران (بی اختیار) به سجده افتادند.

﴿٤٧﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

(و) گفتند: « ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم. »

﴿٤٨﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

(همان) پروردگار موسی و هارون.

﴿٤٩﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۗ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ

تَعْلَمُونَ ۗ لَا قُطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتِكُمْ أَجْمَعِينَ

(فرعون) گفت: « آیا به او ایمان آوردید، پیش از اینکه من برای شما اجازه بدهم؟ یقیناً او سرکرده شماس است که به شما سحر آموخت. اما به زودی (به سرنوشت خود) پی خواهید برد! به یقین دست ها و پاهای شما را از طرف مخالف قطع میکنم، و بیگمان همه شما را به دار میکشم. »

﴿٥٠﴾ قَالُوا لَا ضَيْرَ ۗ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

گفتند: « باکی نیست! (چون) بیگمان ما بسوی پروردگار خویش بازگشتنی هستیم. »

﴿٥١﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

توقع داریم پروردگار ما خطاهای ما را ببامرزد، چون ما نخستین کسانی هستیم که ایمان آوردیم.

﴿٥٢﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانگاه (از مصر) ببرد، « و یقیناً شما تعقیب می شوید. »

﴿٥٣﴾ فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

آنگاه فرعون به (همه) شهرها کسانی را فرستاد تا مردم را جمع کنند.

﴿٥٤﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

(و به ایشان بگویند): « اینها (یعنی بنی اسرائیل) گروهی اندک (و پراکنده ای) اند. »

﴿٥٥﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ

و بیگمان ایشان ما را شدیداً خشمناک ساختند.

﴿٥٦﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ

و ما همه (مسلح و) آماده پیکاریم.

﴿٥٧﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

پس ایشانرا از باغها و چشمه سارها خارج گردانیدیم.

﴿٥٨﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

و (نیز) از گنجها و مقام و منزل گرامی.

﴿٥٩﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

آری، اینچنین. و به بنی اسرائیل اینها را میراث دادیم.

﴿٦٠﴾ فَأَتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ

به این ترتیب ایشانرا در هنگام طلوع آفتاب تعقیب کردند.

﴿٦١﴾ فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

چون این دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: « واقعاً که ما دستگیر شدگانیم. »

﴿٦٢﴾ قَالَ كَلَّا ۗ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

(موسی) گفت: « هرگز نی، واقعاً پروردگار من با من است، او بزودی مرا رهاییب میسازد. »

﴿٦٣﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۗ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ

درین حال به موسی وحی کردیم که: « عصایت را به دریا بزن. » پس (دریا) شق شد، و هر قسمت (آن) مانند کوهی نهایت بزرگ گردید.

﴿٦٤﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ

(گروه) دیگر را در آنجا نزدیک آوردیم.

﴿٦٥﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ

موسی و همه آنانی را که با او بودند نجات دادیم.

﴿٦٦﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ

سپس دیگران را غرق کردیم.

﴿٦٧﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

بیگمان درین (رویداد) نشانه ایست، اما اکثر شان ایمان نیاوردند.

﴿٦٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بیگمان پروردگار تو، هم او است صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿٦٩﴾ وَآتَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ

و بر ایشان خبر ابراهیم را بخوان.

﴿٧٠﴾ اِذْ قَالَ لِاٰبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُوْنَ

چون به پدر خویش و قوم خویش گفت: « چه چیز را می پرستید؟ »

﴿٧١﴾ قَالُوْا نَعْبُدُ اَصْنَامًا فَنُظَلُّ لَهَا عَاكِفِيْنَ

گفتند: « بتانی را می پرستیم، و به خدمت آنها مجاوریم. »

﴿٧٢﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُوْنَكُمْ اِذْ تَدْعُوْنَ

گفت: « آیا (این بتان) از شما می شنوند هنگامیکه به آنها نیايش میکنند؟ »

﴿٧٣﴾ اَوْ يَنْفَعُوْنَكُمْ اَوْ يَضُرُّوْنَ

یا آیا به شما سودی یا زیانی می رسانند؟

﴿٧٤﴾ قَالُوْا بَلْ وَجَدْنَا اٰبَاءَنَا كَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ

گفتند: « (نه) بلکه پدران خود را یافتیم که چنین می کردند. »

﴿٧٥﴾ قَالَ اَفَرَاٰيْتُمْ مَّا كُنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ

گفت: « آیا ندیدید آنچه را... »

﴿٧٦﴾ اَنْتُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ الْاَقْدَمُوْنَ

شما و پدران و پیشینیان شما می پرستیدید؟ »

﴿٧٧﴾ فَاِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّيْ اِلَّا رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ

همانها همه به من دشمن اند، مگر پروردگار عالمیان.

﴿٧٨﴾ الَّذِيْ خَلَقَنِيْ فَهُوَ يَهْدِيْنِ

آنکه مرا آفرید، و باز مرا رهیاب میگرداند.

﴿٧٩﴾ وَالَّذِيْ هُوَ يُطْعِمُنِيْ وَيَسْقِيْنِ

آنکه مرا غذا میدهد و آب می دهد.

﴿٨٠﴾ وَاِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِيْنِ

و هنگامیکه مریض شوم، او مرا شفا میدهد.

﴿٨١﴾ وَالَّذِيْ يُمِيْتُنِيْ ثُمَّ يُحْيِيْنِ

و آنکه مرا می میراند، و باز مرا زنده می گرداند.

﴿٨٢﴾ وَالَّذِيْ اَطْمَعُ اَنْ يَّغْفِرَ لِيْ خَطِيْئَتِيْ يَوْمَ الدِّيْنِ

آنکه امیدوارم خطاهای مرا در روز جزاء ببامرزد.

﴿۸۳﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

پروردگارا، بر من حکمت ارزانی کن، و مرا به صالحان پیوست گردان!

﴿۸۴﴾ وَاجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

برای من در (امتهای) آینده ذکر خیری را قرا ده.

﴿۸۵﴾ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

مرا از وارثانِ بهشت (سرشار از) نعمت ها بگردان.

﴿۸۶﴾ وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ

پدرم را بیامرز، بیگمان او از گمراهان بود.

﴿۸۷﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ

و مرا در روزیکه (آدمیان) برانگیخته میشوند رسوا مکن.

﴿۸۸﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

روزیکه ثروت و فرزندان سودی نمی بخشند.

﴿۸۹﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

جز آنکسیکه بحضور خداوند با قلب سلیم بیاید.

﴿۹۰﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

(در آن روزیکه) برای پرهیزگاران بهشت نزدیک میشود.

﴿۹۱﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

و دوزخ برای گمراهان ظاهر میشود.

﴿۹۲﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

و به ایشان (مشرکان) گفته شود: « کجاست آنچه را می پرستیدید؟ »

﴿۹۳﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ

بجز خدا، آیا (این معبودانِ شما) شما را کمک کرده میتوانند؟ یا (در حد اقل) از خود دفاع کرده می توانند؟ »

﴿۹۴﴾ فَكُفُّوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ

به این ترتیب، اینها (یعنی معبودان باطل) و (پیروان) گمراه شان در آن نگونسار میشوند.

﴿۹۵﴾ وَجُنُودُ إبْلِيسَ أَجْمَعُونَ

و همه لشکریان ابلیس (نیز).

﴿٩٦﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

ایشان در آنجا، در حالیکه به مخاصمه می پردازند، (خطاب به معبودان باطل خویش) میگویند:

﴿٩٧﴾ تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

به خدا، که ما در گمراهی آشکاری بودیم.

﴿٩٨﴾ إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

که شما را با پروردگار عالمیان برابر می پنداشتیم.

﴿٩٩﴾ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ

و ما را جز مجرمان (کسی) گمراه نکرد.

﴿١٠٠﴾ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

اکنون ما کسانی را نداریم که از ما شفاعت کنند.

﴿١٠١﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

و نه هم دوست گرم (یعنی مهربان).

﴿١٠٢﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

اگر برای ما بازگشتی (به دنیا) باشد، از مؤمنان می باشیم.

﴿١٠٣﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

بیگمان درین (رویداد) نشانه ای است، (ولی) بیشتر ایشان مؤمن نیستند.

﴿١٠٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

حقا که پروردگار تو، هم اوست صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿١٠٥﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند.

﴿١٠٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

چون برادرشان نوح برای شان گفت: « آیا (از خدا) نمی ترسید؟ »

﴿١٠٧﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بیگمان من برای شما پیامبری امین هستم.

﴿١٠٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

باری از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!

﴿١٠٩﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

از شما بر این (تبلیغ خویش) پاداشی نمی جویم، نیست پاداشم مگر بر پروردگار عالمیان.

﴿١١٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لذا از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید.

﴿١١١﴾ قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ

گفتند: « آیا ما به تو ایمان آوریم، در حالیکه پستترین مردم ترا پیروی کرده اند؟ »

﴿١١٢﴾ قَالَ وَمَا عَلَّمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

(نوح) گفت: « آیا چه میدانم که ایشان چه اعمال داشتند؟ »

﴿١١٣﴾ إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي ۗ لَوْ تَشْعُرُونَ

نیست حساب شان مگر بر پروردگار من، اگر شعور داشته باشید.

﴿١١٤﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

من مؤمنان را (از پیش خود) نمی رانم.

﴿١١٥﴾ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ

من نیستم مگر بیم دهنده آشکاری.

﴿١١٦﴾ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

گفتند: « ای نوح، اگر تو (ازین دعوت خویش) دست بردار نشوی، از جمله سنگسارشدگان خواهی شد. »

﴿١١٧﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ

(نوح) گفت: « ای پروردگار من، براستی قوم من مرا تکذیب کرده اند. »

﴿١١٨﴾ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس تو در میان من و میان ایشان بگونه آشکاری فیصله کن، و مرا و مؤمنانی را که با من هستند نجات بده.

﴿١١٩﴾ فَانجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

پس او و همراهانش را در کشتی مملو (از انسان و انواع حیوانات) نجات دادیم.

﴿١٢٠﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ

سپس بقیه را بعداً غرق ساختیم.

﴿١٢١﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بیگمان درین نشانه ایست، اما اکثر ایشان مؤمن نبودند.

﴿۱۲۲﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بیگمان پروردگار تو، هم اوست صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿۱۲۳﴾ كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ

(قوم) عاد پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۲۴﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

چون برادر ایشان هود گفت: « آیا شما (از خدا) نمی ترسید؟ »

﴿۱۲۵﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما پیامبر امانتکاری ام.

﴿۱۲۶﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لذا از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید.

﴿۱۲۷﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

از شما بر این (تبلیغ خویش) پاداشی نمی جویم. نیست پاداشم مگر بر پروردگار عالمیان.

﴿۱۲۸﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ

آیا در هر جای بلندی از روی بوالهوسی نشانه ای آباد میکنید؟

﴿۱۲۹﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

و برای خود قلعه های مستحکمی می سازید تا مگر جاودانه بمانید؟

﴿۱۳۰﴾ وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ

و چون (کسی را) دستگیر کنید، ستمگاران دستگیر میکنید؟

﴿۱۳۱﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لذا از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید.

﴿۱۳۲﴾ وَأَتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

و از ذاتی بترسید که شما را به چیزهایی که میدانید امداد کرده است.

﴿۱۳۳﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ

شما را به چارپایان و (نیز) به فرزندان (برومند) امداد کرده است.

﴿۱۳۴﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

همچنین به باغها و چشمه ها.

﴿۱۳۵﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

به راستی من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم.

﴿۱۳۶﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

گفتند: « برای ما یکسان است، خواه ما را پند دهی یا از پند دهندگان نباشی. »

﴿۱۳۷﴾ إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ

نیست این جز همان روش پیشینیان.

﴿۱۳۸﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد.

﴿۱۳۹﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

به این ترتیب، او را تکذیب کردند. پس ما ایشان را هلاک ساختیم. بیگمان درین نشانه ایست، مگر بیشتر ایشان ایمان ندارند.

﴿۱۴۰﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بیگمان پروردگار تو، هم اوست صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿۱۴۱﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

(قوم) ثمود پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۴۲﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

چون برادرشان صالح برای شان گفت: « آیا شما از خداوند نمی ترسید؟ »

﴿۱۴۳﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

حقا که من برای شما پیامبر امانتکاری هستم.

﴿۱۴۴﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لذا از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

﴿۱۴۵﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

از شما بر این (تبلیغ به شما) پاداشی نمی جویم، پاداش من صرف بر پروردگار عالمیان است.

﴿۱۴۶﴾ أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ

آیا شما در (لذت جویی از نعمت های) اینجا ایمن گذاشته می شوید؟

﴿۱۴۷﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

در (این) باغها و چشمه ها.

﴿۱۴۸﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَهَا هَظِيمٌ

و (این) کشت ها و نخلستان هاییکه میوه نوبر آن نازک و شاداب است.

﴿۱۴۹﴾ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ

و شما از کوه ها خانه ها می تراشید، و در آن به عشرت می گذرانید.

﴿۱۵۰﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونَ

لذا از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

﴿۱۵۱﴾ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید.

﴿۱۵۲﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

آنانیکه در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی ورزند.

﴿۱۵۳﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

گفتند: « واقعاً تو از جادو کرده شدگانی. »

﴿۱۵۴﴾ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

تو نیستی جز بشری مثل ما. اگر راست میگویی، پس برای ما نشانه ای بیاور.

﴿۱۵۵﴾ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ

گفت: « (نشانه ایکه آوردم) این ماده شتر است، که برای او (از نهر این قریه) حقایبه ایست. و برای شما نیز حقایبه ایست در روز معینی. »

﴿۱۵۶﴾ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

به او آزاری نرسانید، ورنه شما را عذاب روز بزرگ فرو می گیرد.

﴿۱۵۷﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ

اما ایشان ماده اشتر را پی کردند، و بعداً (از کرده خویش) پشیمان شدند.

﴿۱۵۸﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

پس عذاب (الهی) ایشان را فرو گرفت. حقا که درین نشانه ایست، اما اکثر ایشان مؤمن نبودند.

﴿۱۵۹﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بیگمان پروردگارت، هم اوست صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿١٦٠﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند.

﴿١٦١﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

وقتی که برادرشان لوط به ایشان گفت: « آیا (از خدا) نمی ترسید؟ »

﴿١٦٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بیگمان من برای شما پیامبر امانتکاری هستم.

﴿١٦٣﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لذا از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید.

﴿١٦٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۗ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

از شما بر این (تبلیغ خویش) پاداشی نمی جویم. پاداش من صرف بر پروردگار عالمیان است.

﴿١٦٥﴾ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

آیا از همهٔ جهانیان به مردان پیش می شوید؟

﴿١٦٦﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

و آنانی را که خداوند برای شما بحیث جفت (یعنی همسر) آفریده است میگذارید؟ بلکه شما قومی تجاوزگر میباشید.

﴿١٦٧﴾ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

گفتند: « ای لوط، اگر تو بس نکنی، یقیناً از اخراج شدگان خواهی بود. »

﴿١٦٨﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

گفت: « من ازین عمل شما از نفرت دارندگانم. »

﴿١٦٩﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

پروردگارا، من و خانواده ام را ازین عملی که ایشان انجام میدهند نجات بده.

﴿١٧٠﴾ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

پس ما او را و خانواده او - همگی را - نجات دادیم.

﴿١٧١﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

جز پیرزنی را که در میان باقی ماندگان بود.

﴿١٧٢﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

سپس دیگران را هلاک کردیم.

﴿۱۷۳﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ

و بر ایشان بارانی را (از سنگچل) بارانیدیم. پس چه بد است باران بیم داده شدگان!؟

﴿۱۷۴﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بیگمان درین (رویداد) نشانه ایست، مگر اکثر ایشان مؤمن نبودند.

﴿۱۷۵﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بیگمان پروردگار تو، هم اوست صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿۱۷۶﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

اصحاب آیکه پیامبران را تکذیب کردند.

﴿۱۷۷﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وقتیکه شعیب به ایشان گفت: « آیا شما از (خدا) نمی ترسید؟ »

﴿۱۷۸﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما پیامبر امانتکاری هستم.

﴿۱۷۹﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لذا از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

﴿۱۸۰﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

بر این (تبلیغ خویش) از شما پاداشی نمی جویم. پاداش من صرف بر پروردگار عالمیان است.

﴿۱۸۱﴾ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

پیمانانه را کامل بدهید، و از آنهایی مباشید که (مردم را) خساره مند می سازند.

﴿۱۸۲﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ

و با ترازوهای صحیح وزن کنید.

﴿۱۸۳﴾ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و به مردم اموال شانرا کم ندهید، و در زمین فسادکنان به تبهکاری دست میازید.

﴿۱۸۴﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ

و از ذاتی که شما و نسل های پیشین را آفریده بترسید.

﴿۱۸۵﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

گفتند: « تو صرف از جادو شدگانی. »

﴿۱۸۶﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

و نیستی تو جز بشری مانند ما، و یقیناً می پنداریم که تو از دروغگویانی.

﴿۱۸۷﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پس اگر از راستگویان هستی، پاره ای از آسمان را بر ما بینداز.

﴿۱۸۸﴾ قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

گفت: « پروردگار من به آنچه می کنید آگاهتر است. »

﴿۱۸۹﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

به این ترتیب او را تکذیب کردند، پس عذاب روز « ابر سایه افکن » ایشان را فرا گرفت. بیگمان که آن عذاب روزی بزرگ بود.

﴿۱۹۰﴾ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

حقا که درین نشانه ایست، ولی بیشترشان ایمان نیاوردند.

﴿۱۹۱﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بیگمان پروردگار تو، هم اوست صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿۱۹۲﴾ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و حقا که این (قرآن) فرود آورده پروردگار عالمیان است.

﴿۱۹۳﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

آنرا روح الامین فرود آورده است.

﴿۱۹۴﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

بر دل تو، تا از پنددهندگان باشی.

﴿۱۹۵﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ

به زبان عربی واضح.

﴿۱۹۶﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ

بیگمان این (امر) در کتب پیشینیان (نیز آمده) است.

﴿۱۹۷﴾ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

آیا این (خود) نشانه ای برای ایشان نیست که علمای بنی اسرائیل (حقانیت) آنرا میدانند؟

﴿١٩٨﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

اگر ما آنرا به برخی از عجمیان نازل می کردیم،

﴿١٩٩﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

و اگر آنرا بر ایشان میخواند، به آن ایمان نمی آوردند.

﴿٢٠٠﴾ كَذٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوْبِ الْمُجْرِمِيْنَ

به این ترتیب ما آنرا در دل های گنهکاران درآوردیم.

﴿٢٠١﴾ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِهِ حَتّٰى يَرُوْا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ

به آن ایمان نمی آورند، تا آنکه عذاب دردناک را ببینند.

﴿٢٠٢﴾ فَيَاْتِيْهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ

اما (عذاب) بر ایشان ناگهان می آید، در حالیکه هیچ توجهی (به آن) ندارند.

﴿٢٠٣﴾ فَيَقُوْلُوْا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُوْنَ

درین حالت است که می گویند: « آیا ما مهلت داده میشویم؟! »

﴿٢٠٤﴾ اَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُوْنَ

آیا به عذاب (کردن) ما شتاب می کنند؟

﴿٢٠٥﴾ اَفَرَاَيْتَ اِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِيْنَ

آیا دیدی؟ اگر ایشان را سال ها (از زندگی) بهره ور گردانیم،

﴿٢٠٦﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوْا يُوعَدُوْنَ

بعد از آن همان عذابیکه به ایشان وعده داده شده به ایشان بیاید،

﴿٢٠٧﴾ مَا اَغْنٰى عَنْهُمْ مَا كَانُوْا يُمْتَعُوْنَ

همه چیزهایی که از آن بهره ور بودند، ایشان را (ازین عذاب) بی نیاز ساخته نمیتواند.

﴿٢٠٨﴾ وَمَا اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا لَهَا مُنْذِرُوْنَ

هرگز ما (اهل) سرزمینی را هلاک نکردیم، مگر (اینکه) برای آنها اخطاردهنگانی بوده است.

﴿٢٠٩﴾ ذِكْرٰى وَمَا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ

تا مگر پند گیرند، و ما هرگز ستمگر نبودیم.

﴿٢١٠﴾ وَمَا تَنْزَلَتْ بِهٖ الشَّيَاطِيْنُ

شیاطین این (قرآن) را فرود نیاوردند.

﴿٢١١﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ

نه به ایشان شایسته است و نه هم میتوانند (که چنین قرآنی به وجود آورند).

﴿٢١٢﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ

واقعاً ایشان از شنیدن آن (یعنی اخبار آسمانها) برکنار شده اند.

﴿٢١٣﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ

پس هیچ معبودی را با خدا نیایش مکن، (ورنه) از عذاب شدگان خواهی بود.

﴿٢١٤﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

و خویشاوندان نزدیکت را بیم بده.

﴿٢١٥﴾ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و بال خود را برای مؤمنانی که ترا پیروی میکنند بگستر.

﴿٢١٦﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِّمَّا تَعْمَلُونَ

اگر ترا نافرمانی کنند، پس بگو: « بیگمان من از آنچه شما انجام میدهید بیزارم. »

﴿٢١٧﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

و بر خداوند صاحب قدرت منیع (و) مهربان توکل کن.

﴿٢١٨﴾ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ

آنکه ترا وقتیکه (برای عبادت) بر می خیزی می بیند.

﴿٢١٩﴾ وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ

و (نیز) حرکات ترا در میان سجده کنندگان.

﴿٢٢٠﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

حقا که هم اوست شنوا (و) دانا.

﴿٢٢١﴾ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ

آیا شما را باخبر کنم که شیاطین بر که فرود می آیند؟!

﴿٢٢٢﴾ تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَّاكٍ أَثِيمٍ

بر هر دروغگوی گنهگاری فرود می آیند.

﴿٢٢٣﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ

گوش میگیرند (و آنچه را شنیده اند به دوستان خود می رسانند)، و بیشترشان دروغگو هستند.

﴿٢٢٤﴾ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

(پیامبر شاعر نیست). شعراء کسانی اند که گمراهان ایشان را پیروی میکنند.

﴿٢٢٥﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

آیا ندیدی که ایشان در هر وادی (از سخن) سرگردان می شوند؟

﴿٢٢٦﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

و ایشان چیزی را میگویند که به آن عمل نمی کنند؟

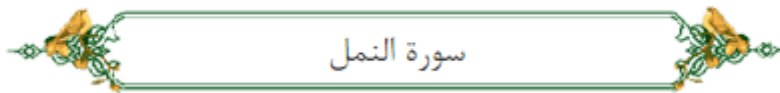
﴿٢٢٧﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

بجز آنانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح انجام دادند، و خدا را بسیار یاد کردند، و چون مظلوم واقع شدند از خود دفاع کردند. ستمگاران به زودی پی میبرند که به چه سرنوشتی دچار میشوند.

(٢٧) سوره النمل:

این سوره مکی و دارای (٩٣) آیه است و (مورچه) معنی دارد و از جهتی به نمل نامیده شد که داستان وادی موران و نصیحت موری از آنان به بقیه آنها در پرهیز از لگدمال شدن به وسیله سپاه سلیمان در آن آمده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ طس ۗ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ

ط.س. این آیات قرآن و کتاب واضح آشکار کننده است.

﴿٢﴾ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

هدایتی و مزده ای برای مؤمنان.

﴿٣﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

آنانیکه نماز را به تمام و کمال برپا میدارند، و زکات میدهند، و هم ایشانند که بر آخرت یقین دارند.

﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ

بیگمان آنانیکه به آخرت ایمان ندارند، اعمال شان را برای شان آراسته ایم، پس ایشان سرگردان اند.

﴿٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ

اینهائند که برای شان عذاب شدیدی است، و در آخرت هم ایشانند زیان کارترین (مردم).

﴿٦﴾ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

و بیگمان قرآن به تو از نزد (خدای) باحکمت (و) دانایی رسانیده می شود.

﴿٧﴾ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ

تَصْطَلُونَ

به یاد آور وقتی را که موسی به خانواده خود گفت: « بیگمان آتشی را دیده ام، بزودی من از آن برای شما خبری

می آورم، یا پاره آتشی می آورم تا گرم شوید. »

﴿٨﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس چون پیش آن (آتش) آمد، نداء شد: « بابرکت است آنکه در آتش است و آنکه پیرامون آن می باشد، و منزّه

است خداوند پروردگار عالمیان. »

﴿٩﴾ يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ای موسی این منم، آن خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت.

﴿١٠﴾ وَالْقِ عَصَاكَ ۖ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۗ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي

لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ

« عصایت را بیفگن! » پس چون آنرا دید که حرکت میکرد، گویی مار سفید باریکی است. برگشت، پا به فرار

نهاد، و به عقب خود ندید. « ای موسی، مترس! بیگمان پیامبران نزد من نمی ترسند. »

﴿١١﴾ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسیکه ستم کرد، سپس در بدل (آن) بعد از بدی نیکی کرد. پس حقا که من آمرزنده (و) مهربان هستم.

﴿١٢﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ يَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

وَقَوْمِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

دست خود را در گریبان خود درآور که سفید (درخشان) بدون لکه ای (یا عیبی) بیرون آید. (اینها) از نه نشانه ای

(اند) به فرعون و قوم او. بیگمان ایشان قوم فاسق اند.

﴿١٣﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

اما هنگامیکه نشانه های روشنی بخش ما به ایشان آمد، آنها گفتند: « این سحری است آشکار. »

﴿١٤﴾ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

و از روی ستمگاری و تکبر از آنها انکار کردند، گرچه دل شان به آن گواهی میداد. پس ببین که سرانجام مفسدان چه شد؟!

﴿١٥﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا ۖ وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ

الْمُؤْمِنِينَ

بیگمان ما به داوود و سلیمان علم دادیم، و آنها گفتند: « ستایش خدایی راست که ما را بر بسا از بندگان مؤمن خود برتری بخشید! »

﴿١٦﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ ۖ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۗ إِنَّ

هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: « ای مردم، برای ما لسان مرغان تعلیم داده شده است، و از هر چیز بما عطاء شده است. واقعاً این است همان فضیلت آشکار. »

﴿١٧﴾ وَحَشَرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

و برای سلیمان لشکریان او از جن، آدمی و مرغ جمع می شدند، و ایشان همه با نظم خاص قرار داده شده بودند.

﴿١٨﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ

سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

تا چون به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه ای گفت: « ای مورچگان، به لانه های خود درآیید. مبادا سلیمان و لشکریانش شما را ناهمیده پایمال کنند. »

﴿١٩﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ

وَالِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

سلیمان از سخن مورچه تبسم کرده گفت: « پروردگارا! مرا بر آن دار تا شکر نعمتی را بستایم که به من و به پدر و مادر من عنایت کردی، و عمل صالحی انجام دهم که مورد رضای تو گردد، و به مرحمت خود مرا در صف بندگان صالح خود درآر. »

﴿٢٠﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ

و او از پرنندگان بازجویی کرد و گفت: « مرا چه شده که هُدُهد را نمی بینم؟ یا او از جمله غایبان است؟ »

﴿٢١﴾ لِأَعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

بیگمان او را شدیداً مجازات خواهیم کرد، یا او را سر خواهیم برید، مگر اینکه (بر غیاب خود) برایم دلیل واضحی بیاورد.

﴿۲۲﴾ فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ

اما (دوره غیاب) هدهد صرف کمی دوام کرد، (چون باز گشت) گفت: « من (معلومات) فراگیری کسب کرده ام که تو آنرا فرا نگرفته یی، و به تو از (سرزمین) سبا خبری راستین آورده ام. »

﴿۲۳﴾ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

بیگمان (در آنجا) زنی را یافتم که بر ایشان سلطنت میکرد، و به او از هر چیز داده شده است، و تختی بزرگ دارد.

﴿۲۴﴾ وَجَدْتُهُا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ

السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

و دریافتم که او و قومش به عوض خداوند به آفتاب سجده میکنند. شیطان اعمال شانرا برای شان زینت داده است، و ایشان را از راه (حق) بازداشته است، و ازین رو رهیاب نخواهند شد.

﴿۲۵﴾ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

چرا به خداوند سجده نمی کنند که آنچه را که در آسمانها و زمین پنهان است بیرون می آورد، و آنچه را پنهان میدارید و آنچه را آشکارا میکنید میدانند؟!

﴿۲۶﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

خداوند (یکه) جز او معبودی نیست، (و) پروردگار عرش عظیم است.

﴿۲۷﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

(سلیمان) گفت: « به زودی ما خواهیم دید که آیا راست گفته یی یا از دروغگویانی. »

﴿۲۸﴾ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقِهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

این نامه ام را ببر، آنرا به ایشان بیفکن، سپس از ایشان کناره بگیر، و (انتظار بکش) ببین که چه جواب میدهند.

﴿۲۹﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ

(ملکه) گفت: « ای بزرگان (قوم)، بیگمان نامه گرامی به سوی من افکنده شده است. »

﴿۳۰﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این نامه از سلیمان است. و این بنام خداوند بی اندازه مهربان و نهایت بارحم (آغاز یافته).

﴿۳۱﴾ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

و به این (توصیه شده) که بر من برتری مجوید، و بسوی من (بحیث) مسلمان بیایید.

﴿۳۲﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ

(ملکه) گفت: « ای بزرگان (قوم)، درین کارم به من فتوی دهید. من (تا کنون) هیچ کاری را فیصله نکرده ام مگر آنکه شما حاضر بودید. »

﴿۳۳﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

گفتند: « ما صاحب قوتیم و نیروی شدید جنگی داریم، ولی فیصله کار در اختیار تست، پس ببین چه دستور میدهی. »

﴿۳۴﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً ۗ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

گفت: « چون پادشاهان به سرزمینی درآیند، آنرا به تباهی می کشانند، و اهالی صاحب عزت آنرا ذلیل می سازند، و چنین می کنند. »

﴿۳۵﴾ وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

به ایشان تحفه ای میفرستم، و به این ترتیب می بینم که فرستادگان (من) با چه برداشتی بر میگردند.

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ

تَفْرَحُونَ

چون (نماینده ملکه) نزد سلیمان آمد، (سلیمان) گفت: « آیا مرا به مال امداد میکنید؟ پس آنچه خداوند به من داده بهتر است از آنچه برای شما داده. بلکه این شما هستید که به هدیه خود دلخوش کرده اید. »

﴿۳۷﴾ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ

بسوی ایشان باز گرد (و به ایشان بگو که:) با چنان لشکریانی به (جنگ) ایشان خواهیم آمد که توان مقابله با آنرا نداشته باشند. ایشان را از آنجا با ذلت بیرون میکنیم، و ایشان احساس حقارت خواهند کرد.

﴿۳۸﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

(سلیمان) گفت: « ای بزرگان (قوم)، کدام یک از شما تخت او را نزد من می آورید، پیش ازینکه ایشان با فرمانبری نزد من بیایند. »

﴿۳۹﴾ قَالَ عَفْرَيْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ ۗ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

(فرد) کارآموده ای از (طایفه) جن گفت: « من آنرا پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی به تو می آورم. و بیگمان من به این کار واقعاً توانا و امینم. »

﴿٤٠﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَالشَّكْرُ أَمْ الْكُفْرُ ۗ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

شخصی که علمی از کتاب داشت گفت: « من آنرا به تو پیش از آنکه چشم بر هم زنی می آرم. » پس چون سلیمان آن (تخت) را دید که در نزد او استقرار یافته گفت: « این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر میکنم یا ناسپاسی مینمایم. کسیکه شکر کند پس حقا که برای خود شکر میکند، و کسیکه ناسپاسی کند، یقیناً پروردگار من بی نیاز (و) صاحب کرم است. »

﴿٤١﴾ قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ

(سلیمان) گفت: « تختش را برای او ناآشنا سازید، تا ببینم آیا رهیاب میشود یا از کسانی است که رهیاب نمیشوند. »

﴿٤٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ ۗ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۗ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

پس چون (ملکه) آمد، (به او) گفته شد: « آیا تخت تو اینگونه است؟ » گفت: « عیناً این همان است، و پیش ازین بما علم داده شده بود، و فرمانبردار بودیم. »

﴿٤٣﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ ۗ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ

(سلیمان) او را از آنچه در سابق جز خدا می پرستید بازداشت. وی بیگمان از گروه کافران بود.

﴿٤٤﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۗ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا ۗ قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ

مُمرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ۗ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

به او گفته شد: « به قصر درآی! » اما هنگامیکه آنرا دید، آنرا آبی پنداشت که دارای امواج متلاطم است، و از ساقهایش جامه را بر زد. (سلیمان) گفت: « بیگمان این قصری است که از شیشه شفاف ساخته شده است. » (بلقیس) گفت: « ای پروردگار من، واقعاً بر نفس خود ستم کرده ام، و (حالا) با سلیمان به خداوند، پروردگار عالمیان ایمان آوردم. »

﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

و بسوی (قوم) ثمود برادر شان صالح را فرستادیم که خداوند را بپرستید. اما ایشان دو گروه شدند، و با هم به خصمه پرداختند.

﴿٤٦﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۗ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

(صالح) گفت: « ای قوم من، چرا به بدی بیش از نیکویی شتاب میکنید؟ چرا از خدا طلب آمرزش نمیکنید تا باشد بر شما رحم شود؟! »

﴿٤٧﴾ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ ۗ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

گفتند: « ما به تو و با کسانی که همراه تو اند شگون بد زدیم. » صالح گفت: « مرغ (اقبال و ادبار) شما در نزد خداوند است، بلکه شما مردمی هستید که آزمایش می شوید. »

﴿٤٨﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

و در آن شهر نه گروه بودند که در زمین فساد می ورزیدند و مصلح نبودند.

﴿٤٩﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

گفتند: « (بیایید) به خدا سوگند یاد کنید، بر صالح و خانواده او شبخون می زنیم، و بعد از آن به ولی او می گوئیم "ما هلاکت خانواده او را مشاهده نکردیم، (و از آن خبر نداریم) و ما راست گوئیم." »

﴿٥٠﴾ وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَمَكْرَنَا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

ایشان چاره ای سنجیدند، و ما (نیز) چاره ای سنجیدیم، در حالیکه ایشان احساس نداشتند.

﴿٥١﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ

پس ببین انجام دسیسه ایشان چگونه بود؟ همین بود که ایشان و قوم شان همه را نابود کردیم.

﴿٥٢﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

پس اینست خانه هایشان که به سبب ظلم شان ویران شده است. بیگمان در این نشانه ایست برای قومی که میدانند.

﴿٥٣﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

و آنانرا که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات دادیم.

﴿٥٤﴾ وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

و (به یاد آور) لوط را هنگامی که به قوم خویش گفت: « آیا کار شرم آور انجام می دهید در حالیکه (زشتی این عمل را) می بینید؟ »

﴿٥٥﴾ أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

آیا با مردان، و نه با زنان، به شهوت پیش می شوید؟ بلکه شما قوم جاهلی هستید.

=====

جزء یا سپاره بیستم - امن خلق

﴿٥٦﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ ۗ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

پس جواب قوم او جز این نبود که (به یکدیگر) گفتند: « خانواده لوط را از شهر خود بیرون کنید، ایشان یقیناً مردم پاکدامنی هستند. »

﴿٥٧﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ

پس او و خانواده اش را نجات دادیم، جز زنش را که مقدر کردیم از جمله باقیمانندگان (در عذاب) باشد.

﴿٥٨﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۗ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ

و بر ایشان بارانی (از سنگچل) را بارانیدیم، و چه بد است باران بیم داده شدگان؟!

﴿٥٩﴾ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ

بگو « ستایش خدای راست، و سلام بر بندگانی که ایشان را برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه (به او) شریک می آورند؟! »

﴿٦٠﴾ أَمْنَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا

كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ ۗ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

یا کیست که آسمانها و زمین را آفریده و برای شما از آسمان باران را نازل کرد؟ پس به وسیله این (آب) باغهای سرسبز و شادابی را رویانیدیم. برای شما ممکن نبود که درختان آنرا برویانید. آیا معبودی دیگر با خدا هست؟ (نخیر) بلکه آنها مردمی اند که (از راه حق) انحراف می ورزند.

﴿٦١﴾ أَمْنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ

حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

یا کیست که زمین را قرارگاهی گردانید، و در میان آن رودبارها را جریان داد، و بران کوه های استوار را قرار داد، و میان دو آب حایلی را بمیان آورد؟ آیا معبودی دیگر با خدا هست؟ (نخیر) بلکه اکثر شان نمیدانند.

﴿٦٢﴾ أَمْنَ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمُ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ

اللَّهِ ۗ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

یا کیست که دعای درمانده ای را چون به او نیایش کند اجابت می کند، و سختی را برطرف می نماید، و شما را خلفای زمین قرار میدهد؟ آیا معبودی دیگر با خدا هست؟ بسیار کم است آنچه پند می گیرید.

﴿٦٣﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَكُمْ
اللَّهُ ۗ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

یا کیست که شما را در تاریکی های خشکه و بحر رهنمایی میکند؟ و کیست که بادهای او را پیش از رحمت خود (بحیث) بشارت دهنده می فرستد؟ آیا معبودی دیگر با خدا هست؟ خداوند از اینکه به او شریک می آورند برتر است.

﴿٦٤﴾ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِذِي هَاتُوَا
بُرْهَانِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

یا کیست که آفرینش را آغاز میکند و باز آنرا تجدید میکند؟ و کیست که شما را از آسمان و زمین روزی میدهد؟ آیا معبودی دیگر با خدا هست؟ بگو: « دلیل خود را بیاورید اگر راست می گوید. »

﴿٦٥﴾ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

بگو: « جز خدا (هیچ) یک از کسانی که در آسمانها و زمین اند غیب را نمیدانند، و (نیز) نمی دانند چه وقت برانگیخته میشوند. »

﴿٦٦﴾ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا ۗ بَلْ هُمْ عَنْهَا عَمُونَ

بلکه علم ایشان در مورد آخرت بهم پیوست (یعنی در زمینه به حیرت ماندند)، بلکه ایشان در آن در شک هستند، بلکه ایشان در مورد آن نابینا هستند.

﴿٦٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ

کافران میگویند: « آیا وقتی که ما خاک باشیم، و پدران ما (نیز)، آیا (باز هم از خاک) بیرون آورده میشویم؟ »

﴿٦٨﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

واقعا به ما این وعده داده شده، و قبل ازین به پدران ما (نیز)، و این جز افسانه پیشینیان نیست.

﴿٦٩﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

بگو: « در زمین سیاحت کنید، پس بنگرید که عاقبت گنهکاران چگونه شد. »

﴿٧٠﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

و بر ایشان غم مخور، و از دسیسه های شان تنگدل مباش.

﴿٧١﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

میگویند: « چه وقت این وعده بسر خواهد رسید اگر راست میگویند؟ »

﴿٧٢﴾ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ

بگو: « شاید بعضی چیزهایی را که به شتاب می طلبید بر شما پیاپی فرا رسد. »

﴿۷۳﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

و بیگمان پروردگار تو بر مردم صاحب فضل است، اما اکثر ایشان سپاسگزار نیستند.

﴿۷۴﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

و بیگمان پروردگار تو همه چیزهایی را که در سینه های خویش پنهان میکنند و همه چیزهایی را که آشکارا میکنند (به خوبی) میداند.

﴿۷۵﴾ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

هیچ رازی در آسمان و زمین نیست مگر آنکه در کتاب آشکارا (ثبت شده) است.

﴿۷۶﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفْصُلُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

بیگمان این قرآن برای بنی اسرائیل بیشتر آنچه را ایشان در آن اختلاف میورزند بیان میکند.

﴿۷۷﴾ وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

و بیگمان این (قرآن) هدایتی است و رحمتی برای مؤمنان.

﴿۷۸﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

بیگمان پروردگار تو به حکم خود در میان شان فیصله میکند، و هم اوست صاحب قدرت منیع (و) دانا.

﴿۷۹﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

پس بر خدا توکل کن، حقا که تو بر (طریقه) حق آشکار هستی.

﴿۸۰﴾ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

بیگمان تو مردگان را شنونده نمیتوانی، و نه (هم) به آدمهای کر دعوت (بسوی حق) را شنونده میتوانی، هنگامیکه رو به فرار نهند و پشت بگردانند.

﴿۸۱﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمِّيِّ عَن ضَلَالَتِهِمْ ۗ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

نه (هم) می توانی رهنمای نابینایان از گمراهی شان باشی. شنونده نمی توانی مگر کسانی را که به آیات ما ایمان آورده اند، پس ایشان (به آن) تسلیم هستند.

﴿۸۲﴾ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا

يُوقِنُونَ

و چون وعده عذاب شان فرا رسد، از زمین جانوری (یعنی دابة الارض) را برای ایشان بیرون آوریم که به آنها سخن گوید، به سبب آنکه مردم به آیات ما یقین نداشتند.

﴿۸۳﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

و روزیکه از هر امتی طایفه ای از کسانی را که آیات ما را تکذیب میکردند گرد آوریم، و ایشان دسته بندی شوند.

﴿۸۴﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تا چون (برای بازپرسی) بیایند و (خداوند به ایشان) بگوید: « آیا آیات مرا تکذیب کردید، در حالیکه علم شما به آن احاطه ندارد؟ یا چه میکردید؟ »

﴿۸۵﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ

و وعدهٔ عذاب بر ایشان به نسبت اینکه ستم میکردند تطبیق شد، و ایشان سخنی گفته نمیتوانند (زیرا جواب و دلیلی ندارند).

﴿۸۶﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا ندیده اند که شب را آفریدیم تا در آن آرام گیرند، و روز را روشنی بخش (آفریدیم)؟! بیگمان درین نشانه هایی است برای مردم مؤمن.

﴿۸۷﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۗ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

و روزی (را به یاد داشته باشید) که در صور دمیده میشود. پس آنانی که در آسمانهایند و آنانیکه در زمین اند (همه) مضطرب میشوند، جز کسانیکه خدا بخواهد. و همه به (حضور) او به خواری می آیند.

﴿۸۸﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۗ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ

شَيْءٍ ۗ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

و کوه ها را می بینی و می پنداری ساکن اند، ولی (در حقیقت) همچون ابری در حرکت اند. صنع خدا (و آفرینش او) است که هر چیز را محکم و استوار ساخته است. حقا که او به آنچه میکنید آگاه است.

﴿۸۹﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ

کسی که کار نیکی انجام دهد، پس به او (پاداش) بهتری از آن میباشد، و ایشان از دهشت آن روز در امانند.

﴿۹۰﴾ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و کسیکه عمل ناشایسته ای انجام دهد، پس چنین مردمی به روی خود در آتش انداخته میشوند. آیا جز به همان چیزیکه عمل می کردید پاداش داده میشود؟

﴿۹۱﴾ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۗ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ

الْمُسْلِمِينَ

(بگو): « به من امر شده است تا پروردگار این شهر (یعنی مکه) را پرستش کنم. ذاتیکه آن را حرم قرار داده، و هر چیز از آن اوست. و به من امر شده تا از مسلمانان باشم. »

﴿٩٢﴾ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ ۖ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ

و اینکه قرآن را بخوانم. پس هر که رهیاب شد، به (نفع) خودش رهیاب میشود. و هر که گمراه شود، پس بگو: « من صرف از بیم دهندگان هستم. »

﴿٩٣﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

و بگو: « ستایش از آن خداست، ذاتی که بزودی نشانه های خود را (به شما) می نمایاند، و آنها را می شناسید. و پروردگار تو از آنچه می کنید غافل نیست. »

(۲۸) سوره القصص:

این سوره مکی و دارای (۸۸) آیه است و به معنی (قصه ها) میباشد. در این سوره، قصه‌هایی از ولادت موسی تا نبوتش و مبارزه‌اش با فرعون و نجات بنی اسرائیل از استضعاف، و نیز زر اندوزی قارون و سرنوشت تلخش، بیان شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ طسم

ط.س.م.

﴿٢﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

این آیات کتاب روشن است.

﴿٣﴾ نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

بر تو (قسمتی) از داستان موسی و فرعون را برای مردمی که ایمان دارند به درستی میخوانیم.

﴿٤﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُمْ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي

نِسَاءَهُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

بیگمان فرعون در زمین سرکشی کرد، و مردم آنرا (به دسته هایی) متفرق ساخت. یکدسته ایشان را زبون گردانید، پسران ایشانرا می کشت، و دختران ایشان را زنده نگاه میداشت. حقا که وی از مفسدان بود.

﴿٥﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و ما میخواستیم بر کسانی که در (آن سر)زمین زبون گردانیده شده بودند منت گذاریم، ایشانرا پیشوا گردانیم و ایشانرا وارث (آن سرزمین) سازیم.

﴿٦﴾ وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

ایشانرا در زمین جایگزین گردانیم، و (تا) برای فرعون، هامان و لشکریان شان از طرف بنی اسرائیل چیزهایی را نشان دهیم که از آن میترسیدند.

﴿٧﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا

تَحْزَنِي ۖ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

به مادر موسی الهام کردیم که: « او را شیر بده، پس چون در مورد او برایت خوف دست داد، او را به دریا بینداز، مترس و غمگین مشو! بیگمان او را به تو باز می آوریم، و او را از پیامبران میگردانیم.»

﴿٨﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۖ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

پس کسان فرعون او را (از دریا) برداشتند. (آری، این سرنوشت شده بود) تا موسی برای فرعونیان دشمن و سبب اندوه باشد. بیگمان فرعون و هامان و (همه) لشکریان شان خطاکار بودند.

﴿٩﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا

يَشْعُرُونَ

زن فرعون گفت: « (این طفل) برای من و تو نور دیده است. او را مکشید، شاید به ما سودی برساند، یا ما او را فرزند بگیریم.» و ایشان احساس نمی کردند (که به چه سرنوشتی دچار خواهند شد).

﴿١٠﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ

دل مادر موسی بیتاب شد، و نزدیک بود آن (رویداد) را افشاء کند، اگر آن نمی بود که ما دل او را نیرومند و شکیبا گردانیدیم تا از باورمندان (وعده ما) باشد.

﴿١١﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

به خواهر (موسی) گفت: « برادرت را تعقیب کن.» پس او از دور موسی را دیده بانی میکرد، ولی فرعونیان احساس نمیکردند.

﴿١٢﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ

نَاصِحُونَ

موسی را از پیش از (گرفتن پستان) شیرآوران باز داشتیم. پس خواهرش گفت: « آیا شما را به خانواده ای راه نمایم که او را برای شما تربیت کنند و به او خیرخواه باشند؟ »

﴿١٣﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

به این ترتیب او را به مادرش باز گستاندیم، تا چشم او روشن شود و اندوهگین نشود، و تا بداند که وعده خداوند راست است، اما اکثر مردم نمیدانند.

﴿١٤﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

و چون (موسی) به کمال نیرومندی خود رسید، و (بر امور خویش) مسلط شد، به او حکمت و علم دادیم. و نیکوکاران را اینچنین پاداش دهیم.

﴿١٥﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا

مِنْ عَدُوِّهِ ۗ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۗ قَالَ

هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

و به شهر هنگامی داخل شد که مردم آن متوجه نبودند. در آنجا به دو مرد برخورد که با هم شدیداً پرخاش میکردند؛ یکی از قوم خود او بود و دیگری از (قوم) دشمنان او. آنکه از قوم خود او بود از وی در برابر دشمن خود دادخواهی کرد. درین حالت موسی آن (دشمن) را مشت زد، که کارش را تمام کرد. (موسی) گفت: « این از عمل شیطان است؛ بیگمان که او بگونه آشکارا دشمن گمراهگری است. »

﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

(موسی) گفت: « ای پروردگار من، واقعاً بر نفس خود ستم کردم. مرا ببامرز! » خداوند او را آمرزید. حقا که او آمرزنده (و) مهربان است.

﴿١٧﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ

گفت: « ای پروردگار من، چون بر من نعمت (فراوان) دادی، ازین رو هرگز مددگار مجرمان نمی شوم. »

﴿١٨﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ ۗ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ

إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ

بامدادان با ترس در شهر دیده‌بانی میکرد که ناگهان با مردی برخورد که دیروز از او کمک خواسته بود، (باز) فریاد (دادخواهی) زد. موسی به او گفت: « براستی که بگونه آشکاری تو گمراه هستی. »

﴿١٩﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۗ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

سپس هنگامیکه موسی خواست تا مردی را که دشمن شان بود گرفتار کند، آن شخص (بگونه دادخواهی) گفت: « ای موسی، آیا میخواهی که مرا بکشی طوریکه شخصی را دیروز کشتی؟ جز ستمگری در زمین اراده ای نداری و نمی خواهی که از جمله مصلحان باشی؟! »

﴿٢٠﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُتِمُّونَ بِكَ لِقَتْلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

مردی از دورترین قسمت شهر شتابان آمده گفت: « ای موسی، بزرگان (دربار فرعون) با هم در مورد تو مشورت دارند تا ترا بکشند. پس بیرون رو، بیگمان من به تو از نیک خواهانم. »

﴿٢١﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۗ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

(موسی) از شهر با ترس و دیده‌بانی بیرون رفت، (درین حال) گفت: « ای پروردگار من، مرا از قوم ستمگار نجات ده. »

﴿٢٢﴾ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ

چون بسوی مدین روی آورد، گفت: « امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند. »

﴿٢٣﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۗ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ۗ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ ۗ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

چون به آب مدین رسید، در آنجا دسته ای از مردم را دید که (رمه های شانرا) آب میدهند، و به عقب آنها دو زن را دید که (رمه شانرا) پاسداری میکنند. گفت: « مشکل شما چیست؟ » گفتند: « (رمه خود را) تا وقتی آب نمی نوشانیم که (دیگر) شبانان (رمه هایشان را) باز گردانند، و پدر ما کهنسال است. »

﴿٢٤﴾ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

او (رمه شانرا) برای شان آب داد. سپس به سایه ای روی آورد، و گفت: « ای پروردگار من، به چیزی از خیر که به من فرود آری نیازمندم. »

﴿٢٥﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ

لَنَا ۗ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ ۗ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

یکی از آن دو دوشیزه با (نهایت) حیا بسوی او باز گشت، و گفت: « پدرم ترا میخواهد تا در برابر آب دادن (رمه ما) به تو مزد بدهد. » چون (موسی) به پیش پدر آن دوشیزگان آمد، و قصه خود را به او بیان کرد، (آن شخص) گفت: « مترس، (اکنون) از قوم ستمگار نجات یافته ای. »

﴿٢٦﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ ۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

یکی از آن دوشیزگان گفت: « ای پدر من، او را استخدام کن، براستی بهترین کسی را که استخدام کنی آنست که قوی (و) امانتکار باشد. »

﴿٢٧﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ ۖ فَإِنْ

أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۖ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ۖ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

گفت: « میخواهم یکی ازین دو دختر خود را به تو به نکاح بدهم، به (شرط) آنکه هشت سال خدمت مرا کنی. اما اگر ده سال را بسر رسانی این (مهربانی است) از جانب تو. و من نمیخواهم بر تو سخت گیرم، انشاءالله مرا از صالحان خواهی یافت. »

﴿٢٨﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ۖ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ

وَكَيْلٌ

گفت: « اینست (قول و قرار) میان من و تو. هر کدام ازین دو مدت را تکمیل کنم، ملامتی بر من نیست. و بر آنچه میگویم خدا گواه است. »

﴿٢٩﴾ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي

آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

چون موسی ميعاد را تکمیل کرد، و خانواده خود را برد، آتشی را در سمت کوه طور دید. به خانواده خود گفت: « درنگ کنید، بیگمان من آتشی دیدم، شاید از آن به شما خبری بیاورم، یا پاره ای از (آن) آتش بیاورم تا خود را گرم کنید. »

﴿٣٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي

أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

چون به آن (آتش) رسید، از کرانه راست وادی، از درختی در سرزمین بابرکت، آوازی بلند شد که « ای موسی، حقا که من خداوند، پروردگار عالمیان هستم. »

﴿٣١﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۖ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا

تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ

« و عصای خود را بیفکن. » چون آنرا دید که حرکت میکند، گویی ماری است، روی گردانید و به عقب باز ندید. (گفتیم): « ای موسی، مترس، روی بیاور بیگمان تو از ایمنانی. »

﴿٣٢﴾ اسَلُّكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنْ

الرَّهْبِ ۖ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

دست خود را در گریبان خود درآر تا سفید (یعنی درخشان) بیرون آید، بدون (آنکه این سفیدی) از عیبی (باشد). و بازوی خود را به پهلوئی خود بچسپان (که) از ترس (ایمن شوی). این دو معجزه ایست از طرف پروردگار تو، برای فرعون و بزرگان (دربار) او. بیگمان ایشان قومی فاسق بودند.

﴿٣٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

(موسی) گفت: « ای پروردگارم، بیگمان من کسی را از ایشان کشته ام، ازین رو میترسم که ایشان مرا خواهند کشت. »

﴿٣٤﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

و برادر من، هارون، او در زبان از من فصیحتر است. پس او را با من بحیث مددگاری بفرست، تا مرا تصدیق نماید، (که) می ترسم آنها مرا تکذیب کنند.

﴿٣٥﴾ قَالَ سَنَسُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۚ بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنْ

اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ

(خداوند) گفت: « ما یقیناً بازوی ترا به (وسیله) برادرت محکم میسازیم، و برای (هر دوی) شما سلطه میدهیم که (دشمنان) به شما دست نمی یابند، و بوسیله (این) معجزه های ما، شما و پیروان شما غالبید. »

﴿٣٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا

الْأَوَّلِينَ

چون موسی معجزه های روشن ما را به ایشان آورد، گفتند: « این جز جادویی افتراء شده ای نیست، و ما چنین چیزهایی از نسلهای پیشین خود نشنیده ایم. »

﴿٣٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا

يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

موسی گفت: « پروردگارم به (حال) کسیکه هدایتی را از جانب خدا آورده و (نیز به حال کسیکه) سرای آخرت از آن اوست داناتر می باشد. حقیقت اینست که ستمگاران (هرگز) رستگار نمی شوند. »

﴿٣٨﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ

فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

فرعون گفت: « ای بزرگان (دربار)، برای شما جز خود خدای دیگری سراغ ندارم. و (تو) ای هاملان، برایم بر کوره خشت پزی آتشی بیفروز، و برایم قصری بساز تا باشد که به خدای موسی سری بکشم. و من او را واقعاً از دروغگویان می پندارم. »

﴿٣٩﴾ **وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ**

و (به این ترتیب) فرعون و لشکریانش در زمین به ناحق تکبر ورزیدند، و پنداشتند که ایشان به سوی ما بازگشته‌اند.

﴿٤٠﴾ **فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ**

که (درین حال) او و لشکریانش را گرفتار ساختیم، و آنها را به دریا انداختیم. نگاه کن که عاقبت ستمگاران چگونه شد!

﴿٤١﴾ **وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ**

و ایشان را پیشوایانی گردانیدیم که (مردم را) به آتش میخوانند، و در روز قیامت ایشان مدد کرده نمی‌شوند.

﴿٤٢﴾ **وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ**

درین دنیا از پی ایشان لعنت فرستادیم، و در روز قیامت ایشان از زشت‌ترینانند.

﴿٤٣﴾ **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً**

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

بعد ازینکه نسل‌های نخستین را هلاک گردانیدیم، به موسی کتاب را (بحیث) بصیرتی، هدایتی و رحمتی برای مردم دادیم، تا باشد که ایشان پند پذیرند.

﴿٤٤﴾ **وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ**

تو به جانب غربی نبودی، هنگامیکه به سوی موسی امر (پیامبری) را رساندیم، و نه (هم) از گواهان (آن رویداد) بودی.

﴿٤٥﴾ **وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۖ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا**

وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

مگر ما (از آن به بعد) نسلهایی را آفریدیم، بر ایشان دوره‌های پیاپی گذشت. در (میان) اهل مدین (هم) نبودی که آیات ما را بر ایشان میخواندی. مگر ما فرستنده (پیامبرانی) بودیم.

﴿٤٦﴾ **وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ**

و (نیز) به گوشه کوه طور نبودی، هنگامیکه ما ندا دردادیم. مگر (این وحی) رحمتی است از جانب پروردگار تو، تا همان قومی را بیم بدهی که برایشان بیم دهنده ای پیش از تو نیامده بود، تا باشد که ایشان پند گیرند.

﴿٤٧﴾ **وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**

اگر این نمی بود که چون به ایشان نظر به اعمالی که دستهای شان از پیش فرستاده مجازاتی داده میشد، میگفتند: « پروردگار ما، چرا بسوی ما پیامبری نفرستادی؟ تا آیات ترا پیروی میکردیم و از مؤمنان میبودیم. »

﴿٤٨﴾ **فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى ۚ أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ ۚ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ**

پس چون سخن حق از جانب ما برای شان رسید، گفتند: « چرا به او آیاتی داده نشد همانند آنچه به موسی داده شد؟ » آیا به آنچه پیش ازین به موسی داده شد کافر نشدند؟ گفتند: « دو سحر است، پشتیبان یکدیگر! » و گفتند: « بیگمان ما هر کدام آنرا رد می کنیم. »

﴿٤٩﴾ **قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا اتَّبِعْهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ**

بگو: « پس کتابی از نزد خداوند بیاورید که آن رهنما تر از این دو باشد تا آنرا پیروی کنم، اگر شما صادق هستید. »

﴿٥٠﴾ **فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**

اگر ایشان درخواست ترا اجابت نمیکنند، پس بدان که ایشان هوای (نفس) خویشرا پیروی میکنند. و کیست گمراهتر از کسی که هوای (نفس) خود را بدون (در نظر گرفتن) رهنمایی خدا پیروی کند؟ حقا که خداوند مردم ستمگار را هدایت نمیکند.

﴿٥١﴾ **وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ**

و بیگمان کلام خویش را برای شان پی در پی فرستادیم، تا باشد که پند بگیرند.

﴿٥٢﴾ **الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ**

آنانیکه برای شان کتاب را پیش ازین دادیم، ایشان به آن ایمان دارند.

﴿٥٣﴾ **وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ**

و وقتیکه (قرآن) به ایشان خوانده میشود، میگویند: « به آن ایمان داریم، واقعاً این حق است از جانب پروردگار ما، یقیناً ما پیش ازین (نیز) مسلمان بودیم. »

﴿٥٤﴾ **أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ**

ایشان پاداش خود را دو بار درخواهند یافت، به سبب آنکه شکیبایی ورزیدند، با نیکویی بدی را دفع میکنند، و از آنچه به ایشان روزی داده ایم خرج می کنند.

﴿۵۵﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي

الْجَاهِلِينَ

و چون سخن بیهوده ای را بشنوند، از آن خود را بکنار میکشند، و میگویند: « برای ماست اعمال ما و برای شماست اعمال شما، سلام بر شما، ما آرزوی (پیوستن به صحبت) جاهلان را نداریم. »

﴿۵۶﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

واقعاً تو نمیتوانی هر کسی را که دوست داری رهیاب گردانی، و لیکن خداوند هر کسی را که بخواهد رهیاب می سازد. و او به حال راه یافتگان داناتر است.

﴿۵۷﴾ وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا ۗ أَوَلَمْ نُمْكِن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ

ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و گفتند: « اگر با تو هدایت را پیروی کنیم، ازین سرزمین خود ربوده میشویم. » آیا ایشان را در حرمی مأمن جایگزین نگردانیدیم که به آن هر حاصل و هر میوه‌ای آورده میشود؟ روزی از جانب ما. اما اکثر ایشان نمیدانند.

﴿۵۸﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا ۗ فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكَنْ مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا

قَلِيلًا ۗ وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

ای بسا سرزمین‌ها را که چون در (امور) معیشت خویش زیاده‌روی کردند هلاک گردانیدیم. این است منازل شان که بعد از ایشان هرگز کسی به آن نشیمن نگرفت، جز محدودی (از مردم یا جز در اندکی از زمان). و ما هستیم (که) وارث (آن سرزمینها ایم).

﴿۵۹﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا ۗ وَمَا كُنَّا

مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ

و پروردگار تو ویران کننده هیچ سرزمینی نبوده است تا در مرکز آن پیامبری را (نه) فرستاده که آیات ما را بر ایشان بخواند. و ما هرگز سرزمین‌ها را ویران نمی کنیم مگر در حالیکه اهل آنها ستمگار باشند.

﴿۶۰﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

چیزیکه به شما داده شده همانا (برخورداری) از وسایل محدود زندگی دنیا و آرایش آنست. و آنچه در نزد خدا است بهتر و پاینده تر است. آیا نمی فهمید؟!

﴿٦١﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

آیا کسیکه به او وعده نیکی وعده کردیم، و او از آن بهره اندوز شد، مانند کسی است که او را از متاع زندگی دنیا بهره مند ساختیم و سپس او در روز قیامت از احضار شدگان است؟

﴿٦٢﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

و روزیکه (خداوند) ایشان را صدا کند و بگوید: « کجاست شریکان من آنانیکه شما می پنداشتید؟! »

﴿٦٣﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا ۖ تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ ۗ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

(درین حال) آنهایکه جرم شان (بحیث گمراهگر) به اثبات میرسد، میگویند: « ای پروردگار ما، اینها ایند که ما (ایشانرا) گمراه کردیم. ایشانرا گمراه کردیم طوریکه خود ما گمراه شدیم. اکنون به (حضور) تو (از کرده خویش) بیزار میجویم، ایشان ما را پرستش نمیکردند. »

﴿٦٤﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۗ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

(به این مشرکان) گفته میشود: « شریکان خود را بخوانید (تا شما را از عذاب نجات دهند). » ایشان را میخوانند، ولی (آن شریکان) به ایشان جواب نمیدهند. (مشرکان) عذاب را می بینند (و آرزو میکنند) [که] ای کاش ایشان رهیاب میشدند.

﴿٦٥﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

و روزی (را به یاد آرید) که (خداوند) بر ایشان صدا کرده می گوید: « پیامبران را چه جواب داده بودید؟ »

﴿٦٦﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

درین حال همه موضوعات نزدشان مبهم می ماند، و گفت و شنید نمی کنند.

﴿٦٧﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

اما کسی که توبه کرد، ایمان آورد و نیکوکاری ورزید، پس امید است که از زمره رستگاران باشد.

﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

و پروردگار تو، هر چه را بخواهد می آفریند و (هرکه را خواهد) برمیگزیند، حق انتخاب (در زمینه) به ایشان سپرده نشده است. منزه است خدا، و برتر است از آنچه به او شریک می آورند.

﴿٦٩﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

و پروردگار تو چیزهایی را که سینه شان پوشیده نگه میدارد و آنچه را آشکار میسازند (همه را) میداند.

﴿٧٠﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و اوست خدا، معبودی جز او نیست. در اول و در آخر، ستایش از آن اوست. و فرمانروایی از آن اوست، و به او بازگردانیده می شوید.

﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ

بگو: « چه میگوئید اگر خدا شب را تا روز قیامت بر شما دائمی گرداند؟! کیست صاحب اختیار جز خدا که به شما روشنی بیاورد؟ آیا نمی شنوید؟ »

﴿٧٢﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

بگو: « چه میگوئید اگر خداوند تا روز قیامت روز را بر شما دائمی گرداند؟! کیست صاحب اختیار جز خدا که به شما شب را بیاورد که در آن آرام گیرید؟ آیا نمی بینید؟ »

﴿٧٣﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و از رحمت خویش برای شما شب و روز را ساخت، تا شما (در شب) آرام گیرید و تا (در روز) از فضل او بجوئید، و تا باشد که شما سپاسگزار شوید.

﴿٧٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

و روزی که خداوند ایشانرا صدا کند، و بگوید: « کجایند آنهایی که (ایشانرا) شریکان من می پنداشتید؟ »

﴿٧٥﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ

و از (میان) هر گروهی، گواهی را بیرون می آوریم، و میگوییم: « دلیل خود را بیاورید! » درین حال واقعاً درخواهند یافت که حق تنها از آن خداست، و آنچه را افتراء کرده بودند از ایشان گم میشود (یعنی ایشان را در خلاء میگذارد).

﴿٧٦﴾ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ

بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

بیگمان قارون از قوم موسی بود، پس بر ایشان سرکشی کرد، و آنقدر از گنج ها به او داده بودیم که حتی (حمل) کلیدهای آن بر جماعتی از مردان نیرومند گرانی میکرد. چون قومش به او گفتند: « ناشکری مکن، خداوند ناسپاسان را دوست ندارد. »

﴿٧٧﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۗ وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

و با آنچه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را بجو. و (در عین حال) بهره خود را از دنیا (نیز) فراموش مکن. و نیکوکاری کن، چنانکه خداوند به تو نیکویی کرده است. و در زمین فتنه انگیزی منما، بیگمان خداوند مفسدان را دوست ندارد.

﴿٧٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۗ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا ۗ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

گفت: « این دارایی به من از (سبب) علمی که دارم داده شده است. » آیا ندانست که خداوند پیش از او نسل هایی را که (هم) نیروی بیشتری داشتند و (هم) دارایی بیشتری هلاک گردانید؟ اما از گناهان خود گنهکاران (فورا) سوال نمیشوند.

﴿٧٩﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۗ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

او در میان قومش در (لباسی) آراسته بیرون شد. آنانیکه زندگی این دنیا را می جستند، گفتند: « ایکاش به ما هم مثل آنچه به قارون داده شده باشد، بیگمان او صاحب بهره بزرگ می باشد. »

﴿٨٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلِكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

اما کسانی که به ایشان علم داده شده بود، گفتند: « وای بر شما، ثواب (ارزانی شده از جانب) خدا برای کسانیکه ایمان دارند و اعمال صالحی انجام میدهند بهتر است، و با این (ثواب) بر نمی خورند مگر شکیبایان. »

﴿٨١﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ

پس خود او و سرای او را به زمین فرو بردیم، و برای او دسته ای نبود که او را مدد کند، (و) از (خشم) خدا (نجات دهد). و او از پیروزمندان نبود.

﴿٨٢﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآنَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ ۗ لَوْلَا أَنَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا ۗ وَيَكَآنَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

و کسانی که منزلت او را دیروز آرزو میکردند، گفتند: « شگفتا، خداوند برای هر که از بندگان خود که بخواد روزی را میگذاید و تنگ میسازد! اگر خدا بر ما احسان نمی کرد، میتوانست ما را هم (در زمین) فرو برد. شگفتا که کافران رستگار نمیشوند! »

﴿۸۳﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

آن سرای آخرت را برای آنانی میگردانیم که در زمین اراده سرکشی و فساد ندارند، و عاقبت (نیکو) از آن پرهیزگاران است.

﴿۸۴﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا ۗ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر که نیکی کند، پس برای او (مزدی) بهتر از آن پرداخته می شود. و هر که بدی کند، پس بدکاران جزاء داده نمیشوند مگر مطابق به آنچه میکردند.

﴿۸۵﴾ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ ۗ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ

فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

همانا آنکه قرآن را بر تو فرض گردانید، یقیناً ترا به همان جای بازگشت تو باز میگرداند. بگو: « پروردگار من بهتر میداند چه کس رهنمایی را آورده است و چه کسی در گمراهی آشکار است. »

﴿۸۶﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ۗ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

و توقع نداشتی که کتاب به تو فرود آورده میشود. (این کار) نبود جز رحمتی از جانب پروردگار تو. پس هرگز پشتیبان کافران مشو.

﴿۸۷﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ ۗ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۗ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

الْمُشْرِكِينَ

و (هیچ چیزی) ترا از (ابلاغ) آیات خدا باز ندارد، بعد از آنکه به تو نازل شده است. (مردم را) به سوی پروردگارت بخوان، و (هرگز) از مشرکان مباش.

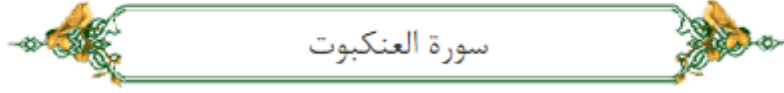
﴿۸۸﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۗ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ

و با خدا معبودی دیگر را در نیایش (شریک) مگردان. جز او معبودی نیست. هر چیز هلاک شدنی است، مگر ذات او. حکم از آن اوست. و بسوی او باز گردانیده میشوید.

(۲۹) سوره العنکبوت:

این سوره مکی و دارای (۶۹) آیه است و چون در آن خداوند بت پرستان را به عنکبوتی تشبیه کرده است که برای خود خانه سست و بی بنیاد بنا می کنند، از این جهت به عنکبوت نامگذاری شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الم

ال.م.

﴿۲﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

آیا مردم پنداشتند که همینکه بگویند « ما ایمان داریم، » گذاشته میشوند و ایشان آزمایش کرده نمیشوند؟

﴿۳﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

بیگمان کسانی را که پیش از ایشان زندگی میکردند (نیز) آزمایش کردیم، تا خدا صادقان را متمایز گرداند و کاذبان را مشخص سازد.

﴿۴﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آیا آنانیکه مرتکب اعمال ناشایسته میشوند گمان میکنند که بر ما پیشدستی خواهند کرد؟ بد است قضاوتی که میکنند.

﴿۵﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

آنکه امیدوار دیدار خداوند است، بیگمان میعاد (یعنی دیدار) خدا آمدنی است. و او شنوا (و) دانا است.

﴿۶﴾ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

کسیکه جهاد کند، واقعاً برای خود جهاد میکند. حقا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

﴿۷﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

و آنانیکه ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بدی های شانرا از ایشان میزداییم، و بیگمان ایشانرا به نیکوترین اعمال شان پاداش دهیم.

﴿۸﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ۗ وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا

تُطِعْهُمَا ۗ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

و انسان را به نیکی به پدر و مادرش سفارش کردیم. اگر سعی کنند (تا ترا مجبور سازند) که با (پرستش) من چیزی را شریک سازی که به آن علم نداری، پس ایشانرا اطاعت مکن. بازگشت شما بسوی منست، و (در آنجا) من شما را به حقیقت اعمالی که انجام میدادید آگاه میسازم.

﴿٩﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

و آنانیکه ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بیگمان ایشان را در زمره صالحان درمی آریم.

﴿١٠﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ

نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

از مردم کسی هست که میگوید: « به خداوند ایمان آوردیم. » اما چون در راه خدا به او اذیتی رسد، آنچه را از مردم متحمل میشود مانند عذاب خدا می پندارد. و اگر (به تو) از جانب پروردگارت مددی رسد، میگویند: « ما واقعاً با شما بودیم. » آیا خداوند با آنچه در دلهای جهانیان است داناتر نیست؟

﴿١١﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

و خداوند کسانی را که ایمان آورده اند خوب میشناسد، و (نیز) منافقان را خوب میشناسد.

﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ

خَطَايَاهُمْ مِّن شَيْءٍ ۗ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

کافران به مسلمانان گفتند: « راه ما را پیروی کنید، ما بار گناه شما را به گردن میگیریم. » در حالیکه ایشان چیزی از گناهان مسلمانان را به گردن گرفته نمی توانند، و در حقیقت ایشان دروغگویند.

﴿١٣﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ ۗ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ

بیگمان ایشان سنگینباری های خود و (نیز) سنگینباری های دیگری را با سنگینباری های خود بر میدارند، و حتماً در روز قیامت ازین افتراءهایی که بر بسته اند مورد سوال قرار میگیرند.

﴿١٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ

ظَالِمُونَ

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم. او در میان شان پنجاه کم یکهزار سال درنگ کرد. پس آنها (یعنی قوم نوح) را طوفان فرو گرفت، و ایشان ستمگار بودند.

﴿١٥﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ

درین حال نوح و اهل کشتی را نجات دادیم، و کشتی را نشانه ای برای جهانیان گردانیدیم.

﴿١٦﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و (نیز) ابراهیم را (نجات دادیم)، وقتیکه به قوم خود گفت: « خدا را پرستش کنید و از او بترسید. این (کار) برای شما بهتر است، اگر (حقیقت را) میدانید. »

﴿۱۷﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

واقعاً شما جز خدا بتانی را پرستش میکنید و از خود دروغ را میسازید. آنهایی را که جز خدا می پرستید مالک این نیستند که بشما روزی بدهند. لذا (از) نزد خداوند روزی بجوید، او را بپرستید و به او سپاسگزارید. بسوی او باز گردانده میشوید.

﴿۱۸﴾ وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ۚ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و اگر (پیام خدا را) تکذیب میکنید، پس (بخاطر داشته باشید که) بیگمان امت هایی پیش از شما (نیز این پیام را) تکذیب کرده بودند. و نیست بر پیامرسان جز رساندن پیام بگونه آشکارا.

﴿۱۹﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

آیا ندیدند که خداوند مخلوق را چگونه از نو پیدا میکند و باز (بار دیگر هستی) آنها را از سر میگرداند؟! براستی که این کار بر خداوند آسان است.

﴿۲۰﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ۚ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: « در زمین سفر کنید، و ببینید چطور (خداوند) آفرینش را آغاز کرده است، باز بار دیگر خداوند هستی آخرت را بوجود می آورد. حقا که خداوند بر هر چیز تواناست. »

﴿۲۱﴾ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

هرکرا بخواهد عذاب میکند، و به هرکه بخواهد رحم میکند. و بسوی او باز گردانیده میشوید.

﴿۲۲﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۚ وَمَا لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

نه در زمین، نه در آسمان، (در هیچ جای اراده خدا را) عاجزکننده نیستید (تا بدین ترتیب خود را از دم تقدیر نجات دهید). و برای شما جز خدا حامی و مددگاری نیست.

﴿۲۳﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَسُؤُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنانیکه به آیات خدا و لقاء او کافر گردیدند، هم ایشان اند که از رحمت من ناامید شدند، و همینها را عذابی دردناک است.

﴿۲۴﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

پس جواب قوم ابراهیم جز این نبود که گفتند: « او را بکشید یا او را بسوزانید. » اما خداوند او را از آتش نجات داد. بیگمان درین نشانه هایی است برای قومی که ایمان دارند.

﴿۲۵﴾ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ

ابراهیم گفت: « شما بت هایی را بجز خدا (به خدایی) گرفتید، تا درین زندگی دنیا (آنرا) وسیله دوستی میان خویشتن قرار دهید. سپس در روز قیامت بعضی شما از بعضی دیگر منکر گردیده و یکدیگر را لعنت خواهید کرد. پناهگاه شما آتش است، و شما را مددگاری نیست. »

﴿۲۶﴾ فَأَمَّن لَّهُ لُوطٌ ۖ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پس لوط به (پیام) ابراهیم ایمان آورد، و گفت: « بیگمان من بسوی (همانجا که) پروردگار من (هدایت داده است) هجرت کننده ام. حقا که او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است. »

﴿۲۷﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

و به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را دادیم، و در میان نسل او نبوت و کتاب را قرار دادیم. به او پاداش او را در دنیا دادیم، و بیگمان او در آخرت از صالحان است.

﴿۲۸﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

و لوط را (به خاطر آور) وقتیکه به قوم خود گفت: « شما چنان فسق و فجوری را مرتکب میشوید که هیچ یک از اقوام جهان در آن از شما پیشدستی نکرده است. »

﴿۲۹﴾ أَتَيْتُكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ ۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

« آیا شما برآستی به مردان پیش میشوید و رهنزی میکنید؟ و در مجالس خویش اعمال ناشایسته ای را مرتکب میشوید؟ » ولی جواب قوم او جز این نبود که گفتند: « عذاب خدا را بر ما بیاور اگر از راستگویانی. »

﴿۳۰﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

لوط گفت: « ای پروردگار من، مرا بر این قوم فسادپیشه پیروز گردان. »

﴿۳۱﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانَوَا

ظَالِمِينَ

و چون فرستادگان ما به ابراهیم مژده آوردند، گفتند: « ما یقیناً مردم این دیار را تباه کننده ایم، زیرا ایشان واقعاً ستمگار بودند. »

﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا ۖ قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا ۗ لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ

الْغَابِرِينَ

(ابراهیم) گفت: « اما لوط (هم) در آنجاست. » آنها گفتند: « ما بهتر میدانیم که کی در آنجا است. یقیناً او و خانواده وی را نجات خواهیم داد، جز زنش را که در زمره ماندگاران است. »

﴿٣٣﴾ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۗ إِنَّآ

مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، وی از سبب ایشان اندوهگین شد، و دلش به نسبت آنها تنگ گردید. گفتند: « مترس و اندوهگین مباش. بیگمان ترا و خانواده ترا نجات میدهیم. جز همسرت را که او از ماندگاران خواهد بود. »

﴿٣٤﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

ما عذابی را از آسمان بر اهل این دیار به سبب فسقی که مرتکب شدند فرود می آوریم.

﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيْنَهُ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و بیگمان از آن نشانه واضحی را برای مردم هوشیار باقی گذاشتیم.

﴿٣٦﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ

و برای (قوم) مدین برادر ایشان شعیب را فرستادیم. به ایشان گفت: « ای قوم من، خدا را پرستش کنید، روز قیامت را در نظر داشته باشید، و در زمین فسادکنان به تبهکاری دست نیازید. »

﴿٣٧﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ

(قومش) او را تکذیب کردند. لذا آواز مهیبی ایشان را فرا گرفت، و در خانه های خود (مردگان) به روی افتاده ای گردیدند.

﴿٣٨﴾ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسَاكِينِهِمْ ۗ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ

السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ

و عاد و ثمود، (یقیناً) به شما از خانه های نشیمن شان معلوماتی حاصل شده است. شیطان کردارشان را برای شان زینت بخشیده بود، و ایشان را از راه باز داشت. هر چند (به ظاهر حال) از بینش برخوردار بودند.

﴿٣٩﴾ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ ۗ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا

سَابِقِينَ

و قارون و فرعون و هامان (را به یاد آور). موسی به ایشان معجزه هایی آورد، اما ایشان در زمین تکبر کردند، و پیشدستی (هم) نتوانستند.

﴿٤٠﴾ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَنۢ مِّنۢ مَّنۢ مَّنَّ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنۢ مِّنۢ مَّنۢ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنۢ مِّنۢ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنۢ مِّنۢ أَعْرَفْنَا ۖ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

هر یک شانرا در برابر گناهش گرفتار ساختیم. بر برخی از آنها سنگباران نازل کردیم، برخی از ایشانرا آواز سهمگین فرو گرفت، برخی از ایشان را به زمین فرو بردیم، و برخی شان را (در آب) غرق ساختیم. (چنین) نبود که خدا بر ایشان ستم کند، بلکه ایشان خود بر خویشان ستم کرده بودند.

﴿٤١﴾ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا ۖ وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ ۖ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

مثال آنانیکه جز خدا (چیز دیگری را) سرپرست (امور خویش) گرفتند، (این کارشان) مانند عنکبوت است که (برای خود) خانه ای ساخته است. براستی که سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است، اگر ایشان بدانند.

﴿٤٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

حقا که خدا آنچه را ایشان جز او میپرستند از هر چیزی (که باشد) میداند، و او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٤٣﴾ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

این ها مثالهایی اند که آنرا برای مردم میزنیم، و آنرا جز دانشمندان نمیدانند.

﴿٤٤﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید، و واقعاً درین نشانه ایست برای مؤمنان.

﴿٤٥﴾ اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

وَالْمُنْكَرِ ۖ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

بخوان آنچه به تو از کتاب وحی شده است، و نماز را به تمام و کمال برپا دار. بیگمان نماز از فحشاء و (کارهای) ناپسند باز میدارد. و حقا که ذکر خدا (از همه) بزرگتر است. و خداوند آنچه را میکنید میداند.

=====

جزء یا سپاره بیست و یکم - اتل ما اوحی

﴿٤٦﴾ وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي
أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

و با اهل کتاب جز به روش نیکو مجادله مکنید، مگر (با) کسانی از ایشان که ستم کردند. و بگویید: « به آنچه برای ما نازل شده است و برای شما نازل شده است ایمان آوردیم. خدای ما و خدای شما یکی است، و ما به او فرمانبرداریم. »

﴿٤٧﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ ۖ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ
بِهِ ۖ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

همچنین کتاب را به تو نازل کردیم، پس به آنانیکه کتاب دادیم به این (کتاب نیز) ایمان می آورند، و از اینها (یعنی مشرکان عرب نیز) کسانی هستند که به آن ایمان می آورند، و جز کافران (کسی) آیات ما را تکذیب نمیکنند.

﴿٤٨﴾ وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ يَمِينِكَ ۖ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ

و تو پیش ازین کتابی را نمی خواندی، و نه (هم) آنرا بدست خود می نوشتی، که در آنصورت این راهیان راه باطل (مردم را) به شک می انداختند.

﴿٤٩﴾ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ۖ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

بلکه این آیات روشنی است در سینه های کسانی که به ایشان علم داده شده است. و جز ستمکاران آیات ما را تکذیب نمیکنند.

﴿٥٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ ۖ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و (باز این منکران حق) گفتند: « چرا از پروردگار وی بر او معجزه‌هایی نازل نشد؟ » بگو: « معجزه ها یقیناً در نزد خداوند است، و من صرف بیم دهنده ای هستم آشکارا. »

﴿٥١﴾ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا به ایشان همین بسنده نیست که بر تو کتاب را نازل کردیم که به ایشان خوانده میشود؟ بیگمان درین رحمتی است و پندی برای قومی که ایمان می آورند.

﴿٥٢﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيِّنَاتٍ شَهِيدًا ۖ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

بگو: « خداوند میان من و میان شما بحيث گواه بسنده است. او آنچه را در آسمانها و زمین است میداند. و آنانیکه به (معبودان) باطل ایمان میآورند و از (وجود) خداوند (برحق) انکار میکنند، هم ایشانند زیانکاران. »

﴿٥٣﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۖ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

و با شتاب زدگی از تو عذاب میجویند. اگر وعده ای مقرر نمیبود، یقیناً به ایشان عذاب می آمد. و بیگمان (عذاب) به گونه ناگهانی به (سر وقت) ایشان می رسد، در حالیکه از آن بیخبر می باشند.

﴿٥٤﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

با شتاب زدگی از تو عذاب میجویند، و بیگمان دوزخ کافران را احاطه میکند.

﴿٥٥﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

روزی که ایشان را از بالای (سر) شان و از زیر پای ایشان عذاب بیوشاند، و (آواز دهنده ای به ایشان) بگوید: « (ثمره) اعمالی را که مرتکب شده اید بچشید. »

﴿٥٦﴾ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإَيَّايَ فَاعْبُدُونِ

ای بندگان مسلمان من، بیگمان زمین من فراخ است. پس خاص مرا پرستش کنید.

﴿٥٧﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

هر کس چشنده مرگ است، و سپس بسوی ما باز گردانده می شوید.

﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا ۗ نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

(درین حال) کسانی را که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، بیگمان ایشانرا در بالاخانه هایی از بهشت جاگزين میسازیم، که از زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد، ایشان در آن جاودانه بسر میبرند. و چه خوب است مزد نیکوکاران!

﴿٥٩﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

آنانیکه صبر کرده اند و به پروردگار خویش توکل میورزند.

﴿٦٠﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

ای بسا جانورانیکه روزی خویش را بر نمی دارند (یعنی پس انداز نمیکنند، که) خداوند (هم) آنها و (هم) شما را روزی میدهد، و او شنوا (و) دانا است.

﴿٦١﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

اگر از آنها بپرسی کیست آنکه آسمانها و زمین را آفرید، و آفتاب و ماه را رام گردانید (و به نظام آورد)، یقیناً میگویند «خداوند!» پس چطور ایشان برگردانیده (یعنی فریفته) میشوند؟

﴿٦٢﴾ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند به هر که از بندگان خود که بخواهد روزی را فراخ می کند، و به هر که بخواهد تنگ میکند. حقا که خداوند به هر چیز داناست.

﴿٦٣﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

و اگر از آنها بپرسی کیست که از آسمان آب را فرود آورد، و با آن زمین را بعد از مرگ آن زنده ساخت، یقیناً میگویند «خداوند!» بگو: «ستایش از آن خداست.» اما اکثر ایشان نمی فهمند.

﴿٦٤﴾ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ ۗ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ۗ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

زندگی این دنیا بیش از بازی بیهوده نیست، و بیگمان سرای آخرت همانست زندگی (واقعی)، اگر (این مردم) میدانستند.

﴿٦٥﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

(این بندگان ناسپاس) همینکه به کشتی سوار شدند، با اخلاص (کامل و صدق دل) نیایش میکنند، اما وقتیکه (خداوند) ایشانرا نجات داد و به خشکه رساند، به او شریک می آورند.

﴿٦٦﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

تا بدین وسیله به آنچه به ایشان دادیم ناسپاس گردند. اکنون (از نعمت های دنیا) برخوردار شوند ولی بزودی پی میبرند (که مرتکب چه اشتباهی شده اند).

﴿٦٧﴾ أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۗ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ

يَكْفُرُونَ

آیا ایشان نمی بینند که ما (ساحه زندگی شانرا) حرم مصنوعی قرار دادیم در حالیکه مردم از پیرامون شان ربوده میشوند؟ آیا ایشان به (معبودان) باطل ایمان می آورند و از نعمت خدا ناسپاسی میکنند؟

﴿٦٨﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

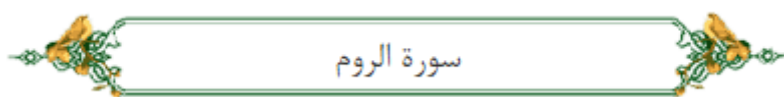
و کیست ستمگارت‌تر از کسی که بر خداوند دروغی را افت‌ری کرد؟ یا چون به وی (دعوت بر) حق رسید، آنرا تکذیب نمود؟ آیا در دوزخ جایی برای کافران نیست؟!

﴿٦٩﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

و کسانی‌که در راه ما جهاد می‌کنند یقیناً به ایشان راه‌های خود را می‌نمایانیم، و خداوند یقیناً با نیکوکاران است.

(٣٠) سوره الروم:

این سوره مکی و دارای (٦٠) آیه است. این سوره به سبب افتتاح با بیان شکست رومیان از فارسیان و سپس خبر دادن قرآن کریم از پیروزی رومیان بعد از گذشت چند سال روم نامیده شد. البته این یکی از معجزات قرآن کریم است که از وقوع رخداد‌های عیبی آینده‌ای خبر میدهد که به واقعیت می‌پیوندد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی‌اندازه‌مهربان، نهایت‌بارحم.

﴿١﴾ الم

ال.م.

﴿٢﴾ غَلَبَتِ الرُّومُ

(امپراتوری) روم مغلوب شد.

﴿٣﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

در نزدیکترین سرزمین؛ و ایشان بعد از (این) شکست خویش عنقریب غالب میشوند.

﴿٤﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ ۗ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

در چند سال؛ فیصله از آن خداست، (هم) پیش‌ازین و (هم) بعد‌ازین، و در آن روز مسلمانان شادمان میشوند.

﴿٥﴾ يَنْصُرِ اللَّهُ ۗ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

به کمک خداوند؛ (آری خداوند) هر کرا بخواهد پیروز میگردداند. و او صاحب قدرت منیع (و) مهربان است.

﴿٦﴾ وَعَدَ اللَّهُ ۗ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وعدۀ خداوند؛ خداوند وعدۀ خود را خلف نمیکند. اما اکثر مردم نمیدانند.

﴿٧﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

ایشان امور ظاهری از زندگانی دنیا را میدانند، و اما از آخرت غافل اند.

﴿٨﴾ أُولَٰئِكَ يَتَفَكَّرُونَ فِي أَنفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ

مُسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

آیا به خود نمی اندیشند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست نیافریده مگر به حق و در دورۀ معینی. و بیگمان بسیاری از مردم از دیدار پروردگار خویش (در آخرت) منکر اند.

﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ يَسِيرُونَ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُونَ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً

وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۗ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ

وَلَكِنَّ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

آیا در زمین سفر نکردند تا ببینند که آخر کار کسانی که پیش از ایشان بودند چگونه بود؟ ایشان در قدرت خویش از اینها نیرومندتر بودند، و زمین را (برای کشت) زیر و رو و آنرا نسبت به اینها بیشتر آباد کردند. و برای ایشان پیامبران شان با معجزه ها آمدند. چنین نبود که خداوند بر ایشان ستم کند، بلکه ایشان خود بر خویشان ستم میکردند.

﴿١٠﴾ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاءُوا الشُّوَأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

پس عاقبت کسانی که بدی کردند بد شد، چون معجزه های خدا را تکذیب و به آن استهزاء می کردند.

﴿١١﴾ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آنرا باز میگردداند، سپس بسوی او باز گردانده می شوید.

﴿١٢﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

و روزیکه قیامت برپا میشود گناهکاران ناامید (و حیرت زده) میشوند.

﴿١٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

و از شریکان شان برای ایشان شفاعتگری نمیباشد، (درین حالت است که) ایشان از شریکان خویش انکار میکنند.

﴿١٤﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدِ يَتَفَرَّقُونَ

و روزیکه قیامت برپا میشود، در آن روز (مردم از یکدیگر) متمایز میشوند.

﴿۱۵﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

درین حال، آنانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو ورزیدند در بهشت شادمان ساخته میشوند.

﴿۱۶﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

و اما آنانیکه کافر شدند و از آیات ما و لقای آخرت انکار ورزیدند، هم ایشان اند که برای عذاب احضار میشوند.

﴿۱۷﴾ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

پس خداوند را در شامگاهان و صبحگاهان به پاکی یاد کنید.

﴿۱۸﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

و ستایش از آن اوست، (هم) در آسمانها و (هم) در زمین و (هم) در آخر روز و در هنگامیکه وقت چاشت را می گذرانید.

﴿۱۹﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَلِكَ

تُخْرِجُونَ

زنده را از مرده بیرون می آرد، و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را بعد از مردن آن زنده میگرداند. و شما (نیز) این چنین (از قبر خویش) برآورده میشوید.

﴿۲۰﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

و از نشانه های او (یکی هم) این است که شما را از خاک آفرید، و باز شما مردمی پدید آمدید که به هر طرف پراکنده شوید.

﴿۲۱﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و از نشانه های او (یکی هم) اینست که برای شما از خود شما زنان را آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید، و او در میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. بیگمان در اینها برای گروهیکه فکر میکنند نشانه هایی است.

﴿۲۲﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

لِّلْعَالَمِينَ

و از نشانه های او آفرینش آسمانها و زمین است، و نیز اینکه شما به زبانهایی مختلفی سخن میزنید، و دارای رنگهای مختلفی میباشید. واقعاً درین ها برای دانشمندان نشانه هایست.

﴿۲۳﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِعَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

و از نشانه های او خوابیدن شما است در شب و روز، و (نیز) جستن چیزی از فضل او است. بیگمان درین برای کسانی که (سخن حق را) میشنوند نشانه هایی است.

﴿۲۴﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و از نشانه های او این است که به شما برق را می نمایاند، که (هم موجب) ترس و (هم مایه) امید(واری) است. و (نیز) آب را از آسمان نازل میکند، و با آن زمین را بعد از پژمردگی آن زنده میسازد. بیگمان درین برای کسانی که هوشیار اند نشانه هایی است.

﴿۲۵﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ۗ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُم دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

و از نشانه های او اینست که آسمانها و زمین به حکم او می ایستند. سپس همینکه شما را از زمین فرا خواند، آنگاه (از قبر خویش) بیرون میشوید.

﴿۲۶﴾ وَ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ

هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست. همه به او فرمانبر اند.

﴿۲۷﴾ وَهُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ ۗ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و اوست که همه مخلوقات را در آغاز می آفریند، و بار دیگر آنها را باز میگرداند، و این (آفرینش دومی) بر او آسانتر است. به او نمونه اعلا(ی جهان هستی هم) در آسمانها و (هم در) زمین تمثیل میشود. و او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۲۸﴾ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۗ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

برای شما از (تجارب) خود شما مثال زد. آیا شما را بردگانی هست که در آنچه به شما روزی داده ایم (با شما) شریک اند، و شما (و ایشان) در آن برابر اید، از ایشان (طوری) میترسید که از (قوم) خود میترسید؟ به این ترتیب این آیات را بری مردمی که عقل خود را بکار می اندازند تفصیل میدهیم.

﴿۲۹﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۗ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

(نخیر) بلکه ستمکاران (تنها) هوی^۱ و هوس خود را پیروی کردند، بدون (آنکه در زمینه) علمی (داشته باشند). پس آیا کسی را که خداوند گمراه کرد کی هدایت می کند؟ و برای ایشان مددگرانی نیست.

﴿٣٠﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

پس روی خود را به دین خالص و پاک راست کن، به همان سرشتی که خداوند مردم را بر آن آفریده است. در آفرینش خداوند هیچ تغییری صورت گرفته نمیتواند. اینست آیین استوار، اما اکثر مردم نمی دانند.

﴿٣١﴾ مُبَيِّنِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

به او روی آورنده (باشید) و از او بترسید. نماز را با تمام و کمال اداء کنید، و از مشرکان مباشید.

﴿٣٢﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

از آنانیکه در آیین خویش تفرقه انداختند و در گروه ها تقسیم شدند، هر گروهی به راهی که در پیش گرفته است خرسند است.

﴿٣٣﴾ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

و چون به مردم مشکلی عاید شود، پروردگار خود را میخوانند، (و) به او رجوع میکنند. اما چون به ایشان مرحمتی از جانب خویش بچشاند، آنگاه گروهی از ایشان به پروردگار خود شریک می آورند.

﴿٣٤﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ ۚ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

تا به آنچه که به ایشان دادیم ناسپاسی میکنند. اکنون (از لذایذ زندگی) بهره گیرند، اما بزودی (به قصور خویش) پی میبرند.

﴿٣٥﴾ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ

یا آیا به ایشان دلیلی فرو فرستادیم تا مطلبی را بزبان آورند که بوسیله آن (حقانیت) شرک آنها ثابت گردد؟

﴿٣٦﴾ وَإِذَا آذَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا ۚ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

و چون به مردم مرحمتی بچشانیم، به آن شادمان میشوند. اما اگر به ایشان از سبب اعمالی که از پیش انجام داده اند مصیبتی برسد، درین حال است که ایشان ناامید میگردند.

﴿٣٧﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا نمی بینند که خدا به هر که بخواهد روزی او را فراخ یا تنگ میسازد؟ بیگمان درین نشانه هایست برای آنانیکه ایمان دارند.

﴿٣٨﴾ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پس حق صاحب قربت، مسکین و وامانده در راه را بده. و این کار برای کسانی که رضای خدا را میجویند بهتر است، و هم ایشان اند رستگار.

﴿٣٩﴾ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيُرَبُّوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرَبُّوا عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

آنچه را از سود میدهید، تا در مالهای مردم بیفزایید، پس در نزد خدا فزونی ببار نمی آورد. و آنچه را زکات میدهید که (با آن) رضای خدا را میجویند، هم ایشان اند صاحب فزونی.

﴿٤٠﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن دَلِكُمْ مِّن شَيْءٍ ۗ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

خداوند ذاتی است که شما را آفرید، سپس شما را روزی داد، باز شما را می میراند، و باز شما را زنده میگرداند. آیا از شرکای شما کسی هست که برخی از این چیزها را کرده بتواند؟ پاک است او، و او از آنچه به او شریک می آورند برتر است.

﴿٤١﴾ ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

به نسبت اعمالی که مردم مرتکب میشوند، خشکه و بحر را فساد فرا گرفته است. تا (خداوند) به ایشان جزای بعضی از اعمال شانرا بچشاند، تا باشد که ایشان (از گناهان خویش) باز گردند.

﴿٤٢﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ ۗ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ

بگو: « در زمین سفر کنید، و ببینید که آخر کار پیشینیان چگونه بود؟ اکثر ایشان مشرک بودند. »

﴿٤٣﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ

پس به آیین برحق روی آور، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن راه بازگشتی از (عذاب) خدا نباشد. و در آن روز است که (نیکوکاران از بدان) جدا میشوند.

﴿٤٤﴾ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۗ وَمَن عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ

هر که کافر شد، پس بر اوست (جزای) کفر او. و آن کسانی که اعمال شایسته انجام دادند، پس ایشان برای خود (در بهشت) گهواره ای میسازند.

﴿٤٥﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

تا (خداوند) آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند به فضل خویش پاداش بدهد، بیگمان خداوند کافران را دوست ندارد.

﴿٤٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و از نشانه های او اینست که بادهای را بحیث مژده دهنده میفرستد، تا شما را از فضل و مرحمت خویش بچشاند، و تا کشتی ها به حکم او براه افتند، و تا شما چیزی از فضل او را بجوید (یعنی در جستجوی روزی حلال شوید)، و تا باشد که سپاسگزاری نمایید.

﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا ۗ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

بیگمان پیش از تو پیامبرانی را بسوی قوم شان فرستادیم، پس ایشان به قوم خویش معجزه هایی آوردند، و درین حال از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم. و بر ماست (که به) مددگاری مسلمانان (برسیم).

﴿٤٨﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۗ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

خداوند ذاتیست که بادهای را میفرستد، سپس ابرهایی را برمی انگیزد، و درین حالت آنها را در آسمان به هر گونه ای که بخواهد گسترش میدهد، و پارچه پارچه میسازد. پس قطرات باران را می بینی که از میان آن بیرون می آیند، و درین حالت به هر که از بندگان خود بخواهد آنرا میرساند. و ایشان (همینکه قطرات باران بر ایشان باریدن میگیرد) ناگهان شادمان میشوند.

﴿٤٩﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِّنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ

هرچند قبلاً پیش ازین که بر ایشان (باران) فرود آید ناامید بودند.

﴿٥٠﴾ فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى ۗ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سپس به آثار رحمت خدا نظر بینداز (که) چگونه زمین را بعد از پژمردگی آن زنده میگرداند (یعنی سرسبز میسازد). واقعاً همین (آفریدگار) است که زنده گرداننده مردگان است، و او بر همه چیزها قدرت دارد.

﴿٥١﴾ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ

و اگر بادی را بفرستیم که (به سبب) آن (کشت) شانرا زرد شده ببینند، البته بعد از آن (از همه نعمتهای پیشین) ناسپاس میشوند.

﴿٥٢﴾ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

پس بیگمان تو مردگانرا شنونده نمیتوانی. نه (هم) به کران - چون پشت برگردانند - صدایی را شنونده میتوانی.

﴿٥٣﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمِّيِّ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۗ إِنَّ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

و نه (هم) تو کوران را از گمراهی شان براه بازگردانده میتوانی. شنواینده نمیتوانی مگر کسانی را که به آیات ما ایمان دارند، و ایشان مسلمان اند.

﴿٥٤﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

خداوند ذاتی است که شما را از ناتوانی آفرید، و سپس بعد از ناتوانی (شما را) نیرومند گردانید. سپس بعد از نیرومندی، باز شما را ناتوان ساخت، و پیری به سراغ شما آمد. (خداوند) آنچه بخواهد می آفریند، و او است همان (ذات) دانا (و) توانا.

﴿٥٥﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ۗ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

و روزیکه قیامت برپا شود، گنهگاران سوگند میخورند که درنگ نکردند مگر ساعتی. بدین ترتیب ایشان (از راه حق) باز داشته میشوند.

﴿٥٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ ۗ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

(مگر) آنانیکه برای شان دانش و ایمان داده شده بود می گفتند: « واقعاً طبق کتاب خدا تا روز رستاخیز درنگ کردید. و این است روز رستاخیز! مگر شما (چنین) بودید که نمیدانستید. »

﴿٥٧﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

پس در آن روز عذرخواهی ستمگاران سودی بار نمی آورد، و نه هم ایشان به توبه دعوت می شوند.

﴿٥٨﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۗ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

و بیگمان در این قرآن برای مردم از هر (نوعی) مثال زدیم. اگر برای شان (هر نوع) معجزه ای بیاوری، (باز هم) بیگمان کافران میگویند: « شما جز دروغگو نیستید. »

﴿٥٩﴾ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

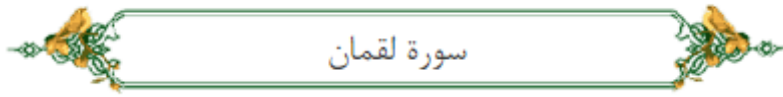
همچنین خداوند بر دلهای آنانی مهر می نهد که نمیدانند.

﴿٦٠﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۗ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

پس صبر کن، حقا که وعده خدا حق است. (هان به هوش باش) که ناباوران ترا به سبکسری نکشانند!

(۳۱) سوره لقمان:

این سوره مکی و دارای (۳۴) آیه است و به سبب بیان داستان لقمان حکیم به این نام یاد شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الم

ال.م.

﴿۲﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

اینها آیات کتاب باحکمت است.

﴿۳﴾ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

هدایتی و رحمتی است برای نیکوکاران.

﴿۴﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

آنانیکه نماز را به تمام و کمال برپا میدارند، و زکات میدهند، و به آخرت یقین دارند.

﴿۵﴾ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

هم ایشانند بر هدایتی (راستین) از (جانب) پروردگارشان، و هم ایشانند رستگار.

﴿۶﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۗ أُولَئِكَ

لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می خرد، تا با بی دانشی (مردم را) از راه خدا باز دارد، و آنرا به

تمسخر گیرد. چنین مردمی به عذاب رسوا کننده ای گرفتار میشوند.

﴿۷﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَوَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۗ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

چون بر وی آیات ما خوانده شود، تکبرکنان روی برمیگرداند، که گویی آنرا نشنیده، گویی در گوشهای او کری

است. پس او را به عذاب دردناکی مژده بده.

﴿۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ

بیگمان آنانیکه ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، برای ایشان باغهای (سرشار از) نعمت هاست.

﴿٩﴾ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

در آن جاودانه بسر می برند. وعده خداوند حق است، و او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿١٠﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۗ وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ

كُلِّ دَابَّةٍ ۗ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

آسمانها را بدون پایه ای که دیده بتوانید آفرید، و بر زمین کوهها را قرار داد تا شما را نجنباند، و در زمین از هر جانوری پراکنده ساخت، و از آسمان آب فرود آوردیم. و به این ترتیب در زمین از هر جوهره ای (از رویدنی های) سودمند رویانیدیم.

﴿١١﴾ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

این (چنین) است آفرینش خدا. پس به من نشان دهید کسانی که جز وی (مورد نیایش قرار گرفته) اند چه چیزی را آفریده اند؟ بلکه ستمگاران (مشرك) در گمراهی آشکار اند.

﴿١٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۗ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ

اللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

بیگمان به لقمان حکمت دادیم، (و گفتیم) که « خدا را سپاس گزار، و کسیکه سپاسگزاری کند به سود خود سپاسگزاری میکند. و کسیکه ناسپاسی کند، پس حقا که خداوند بی نیاز و ستوده است. »

﴿١٣﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

به یاد آور هنگامی را که لقمان به پسر خود، در حالیکه او را پند میداد، گفت: « ای پسرک من، به خدا شریک میاور، بیگمان شرک ستم بزرگی است. »

﴿١٤﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمِيمٍ أَنْ اشْكُرْ لِي

وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

و انسان را به (اطاعت) پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را در سستی و ناتوانی به سستی و ناتوانی (دیگر) برداشت. و جدا کردن او (از شیر) دو سال است. به اینکه مرا و مادر و پدر خود را شکر گویی. بسوی من است بازگشت.

﴿١٥﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا

مَعْرُوفًا ۗ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَيَّ ۗ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و اگر (پدر و مادر) ترا بر این وادارند که به من شریک بیآوری، چیزی را که خود آنرا نمیدانی از ایشان پیروی مکن. ولی با ایشان درین دنیا به وجه پسندیده مصاحبت کن، و راه کسی را پیروی کن که بسوی من رو می آورد. سپس بازگشت شما بسوی منست، و من شما را به (کنه) آنچه میگردید آگاه میگردانم.

﴿١٦﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

ای پسرک من، اگر خصلتی (که انجام میدهی) به اندازه دانه ای از خردلی باشد، و بر سر لایخ (کوهی) یا بر (فراز) آسمانها یا در (قعر) زمین قرار داشته باشد، خداوند آنرا می آورد. حقا که خداوند به امور دقیق (و پنهان) آگاه (و) باخبر است.

﴿١٧﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ ۗ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای پسرک من، نماز را به تمام و کمال اداء کن، به کارهای پسندیده امر کن، و از کارهای ناشایسته منع کن، و به مصیبتی که به تو میرسد شکیبا باش. بیگمان اینها از کارهای مهم است.

﴿١٨﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
باتکبر روی خود را از مردم مگردان، و در زمین با ناز (و نخوت) مرو. بیگمان خداوند هیچ نازفروش خودستایی را دوست ندارد.

﴿١٩﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۗ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ
در روش خود میانه رو باش، و از بلندی آواز خود بکاه، واقعا زشت ترین آواها آواز خر است.

﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

آیا ندیدید که خدا برای شما همه چیزهایی را که در آسمانها و در زمین است رام ساخت (که به معرض استفاده شما قرار دارد) و نعمت های خود را بگونه آشکارا و پنهان بر شما وافر گردانید و تمام کرد؟ و (با این هم) از مردم کسی است (که) بدون دانش و بدون (آنکه) کتاب روشنایی بخش (بدست داشته باشد) در مورد خدا مجادله می کند.

﴿٢١﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أُولَئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

چون به ایشان گفته شود آنچه را خدا نازل کرده پیروی کنید، میگویند: « بلکه چیزی را پیروی میکنیم که پدران خود را بر آن یافتیم. » حتی اگر شیطان (پدران) ایشانرا به عذاب شعله ور دوزخ فرا میخواند (باز هم اینها از پدران خود پیروی میکردند).

﴿٢٢﴾ وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ۗ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

و هر کسیکه خود را به خدا تسلیم کرد و او نیکوکار بود، بیگمان به دستگیره محکم چنگ زده است. و عاقبت همه کارها بسوی خداست.

﴿٢٣﴾ وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۗ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

و هر که کافر شد، پس کفر او ترا اندوهگین نسازد. بازگشت ایشان به سوی ماست. پس ما ایشان را به (حقیقت) آنچه می‌کنند، آگاه می‌گردانیم. بیگمان خداوند به همه آنچه در سینه هاست آگاه می‌باشد.

﴿٢٤﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

کمی ایشان را (از نعمت های خویش) بهره مند می‌سازیم، باز ایشانرا به (تحمل) عذاب سخت ناچار می‌سازیم.

﴿٢٥﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و اگر از ایشان بپرسی « کیست که آسمانها و زمین را آفرید؟ » یقیناً می‌گویند « خدا. » بگو: « همه ستایش از آن خدا است. » اما اکثر ایشان نمی‌دانند.

﴿٢٦﴾ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. بیگمان خداوند بی نیاز (و) ستوده است.

﴿٢٧﴾ وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و اگر هر چه در زمین از درخت یافت شود همه قلم شوند، و دریا را پس از آن هفت دریای دیگر افزایش دهد (و) با این قلم و این مرکب کلمات خدا نوشته شود، باز هم (سخنان خدا به پایان نمی‌رسد. حقا که خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٢٨﴾ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

آفریدن شما و باز زنده گراندن دوباره شما نیست مگر مانند (آفریدن) یک شخص. بیگمان خداوند شنوا (و) بیناست.

﴿٢٩﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا

يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

آیا ندیدی که خدا شب را در روز داخل میکند و روز را در شب داخل می کند، و آفتاب و ماه را رام ساخته است؟ هر کدام مسیر خود را تا مدت معینی می پیماید. و اینکه خداوند بآنچه می کنیدی آگاه است.

﴿۳۰﴾ ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

این به سبب آن است که بیگمان خداوند هم اوست حق، و بیگمان جز او هرچه را نیایش میکنند باطل است، و بیگمان خداوند هم اوست بلند (مرتبه و) بزرگ.

﴿۳۱﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ

صَبَّارٍ شَكُورٍ

آیا ندیدی که کشتی در دریا به فضل خداوند می رود تا به شما نشانه های قدرت او را نشان بدهد؟ بیگمان درین برای هر شکیبای سپاسگزاری نشانه هایی است (بر قدرت و علم خداوند).

﴿۳۲﴾ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلُلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ

مُقْتَصِدٌ ۗ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ

و هنگامیکه ایشان را موجی همچون سایه بان هایی بپوشاند، خدا را میخوانند و با اخلاص کامل او را عبادت میکنند. اما همینکه ایشانرا به خشکه نجات داد، پس صرف برخی از ایشان به اعتدال می مانند. و نشانه های ما را تکذیب نمی کند مگر هر عهد شکن ناسپاسی.

﴿۳۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنِ وَالِدِهِ

شَيْئًا ۗ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۗ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

ای مردم، از پروردگار خویش بترسید، و از روزی بترسید که در آن هیچ پدری نمی تواند (از) جای فرزندش (گناه او را به دوش) بگیرد، و نه فرزندی می تواند (از) جای پدرش (گناه او را بدوش) بگیرد. حقا که وعده خداوند حق است. پس شما را زندگی دنیا فریب ندهد، و (نیز) فریبنده (یعنی شیطان) شما را در مورد خداوند هرگز فریب ندهد.

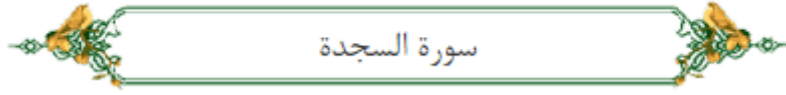
﴿۳۴﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ ۗ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا

تَكْسِبُ غَدًا ۗ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

بیگمان علم (به) قیامت (خاص) به نزد خداوند میباشد. او باران را نازل میکند، و آنچه را در رحم هاست میداند، و هیچکس نمی داند که فردا چه میکند، و هیچ کسی نمی داند که در کدام سرزمین می میرد. حقا که خداوند دانا (و) آگاه است.

(۳۲) سوره السجده:

این سوره مکی و دارای (۳۰) آیه است و از جهتی که در آن وصف مومنانی بیان می شود که برای خداوند متعال سجده می کنند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الم

ال.م.

﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

در نازل شدن این کتاب از جانب پروردگار جهانیان هیچ شبهه ای نیست.

﴿۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ

يَهْتَدُونَ

آیا میگویند « (محمد) آنرا افترا کرده است »؟ (هرگز چنین نیست)، بلکه این (کتاب) حق است از جانب پروردگار تو، تا مردمی را بترسانی که برای شان پیش از تو بیم دهنده ای نیامده است، تا باشد که رهایی شوند.

﴿۴﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ مَا

لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

خداوند است آنکه آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید. سپس بر عرش مستولی شد. شما بجز او هیچ دوست و هیچ شفاعتگری ندارید. پس آیا پند نمی گیرید؟

﴿۵﴾ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

همه کارها را از آسمان تا زمین (او) اداره میکند. سپس در (دوره) یک روز که مقدار آن از چیزیکه شما می شمارید یکهزار سال میشود، (همه امور) بسوی او بالا میرود.

﴿۶﴾ ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

این است (وصف) دانای پنهان و آشکار، (ذات) صاحب قدرت منیع (و) مهربان.

﴿۷﴾ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۗ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

آنکه هر چیز را که آفریده نیکو آفریده، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

﴿۸﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ

و سپس نسل او را از نطفه ای از آب بی قدر به میان آورد.

﴿۹﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ۗ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

سپس او را (به شکل مناسبی) برابر گردانید، و در او از روح خود دمید، و برای شما گوش و چشم و دل داد، ولی اندک است این شکری که میکنید.

﴿۱۰﴾ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

و میگویند: « آیا چون در زمین گم شویم (یعنی جسم ما خاک شود)، آیا در آفرینش جدیدی قرار خواهیم گرفت؟ » بلکه (این سخن را از سببی می گویند که) ایشان از لقاء پروردگار خود منکر اند.

﴿۱۱﴾ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

بگو: « فرشته مرگ، که بر شما مؤکل شده، شما را می میراند. سپس به پروردگار خویش برگردانیده می شوید. »

﴿۱۲﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا

إِنَّا مُوقِنُونَ

و اگر میدیدی هنگامیکه گنهکاران در نزد پروردگار خود سرافکنده اند (و میگویند): « ای پروردگار ما، (اکنون این حالت را) دیدیم و این سخنان را شنیدیم، ما را (به دنیا) باز گردان تا کار شایسته ای انجام دهیم، ما (اکنون) به یقین کاملیم. »

﴿۱۳﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

أَجْمَعِينَ

اگر می خواستیم برای هر کس هدایت او را میدادیم، ولیکن سخن من حق است که « دوزخ را از جنیان و آدمیان در مجموع پر میکنیم. »

﴿۱۴﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ ۗ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

سپس (این عذاب را) بچشید به این نسبت که روبرو شدن با این روز خود را فراموش کردید، بیگمان ما نیز شما را فراموش کردیم، و عذاب همیشگی را بچشید به سبب اعمالی که آنرا مرتکب می شدید.

﴿۱۵﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا

يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾

واقعاً کسانی به آیات ما ایمان دارند که چون به آن پند داده شوند به سجده بر روی می افتند و به ستایش پروردگار خویش تسبیح میگویند، و ایشان تکبر نمی ورزند.

﴿١٦﴾ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

پهلوی های شان بر بستر آرام نمی گیرد، و به پروردگار خویش با خوف و امیدواری دعا می کنند. و از آنچه به ایشان روزی ساختیم خرج میکنند.

﴿١٧﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هیچکس نمیداند چه (شادمانی ها و) چشم روشنی هایی (برای شان در نظر گرفته شده، و اکنون) از نظر دور نگهداشته شده است. و این به جزای اعمال (نیکوی) شان است.

﴿١٨﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا ۗ لَا يَسْتَوُونَ

پس آیا کسی که مسلمان است مانند کسی است که فاسق میباشد؟ نه، هرگز (این دو گروه) برابر نیستند.

﴿١٩﴾ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اما کسانی که ایمان دارند و کارهای نیکو انجام دادند، برای ایشان باغهایی (برای) بودوباش است، و این مهمانی (شان) به سبب اعمال (نیکی) است که انجام میدادند.

﴿٢٠﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۗ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا

عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

اما فاسقان، پس جای ایشان آتش است. هر باری که بخواهند از آنجا بیرون شوند، در آن باز گردانیده میشوند، و به ایشان گفته میشود: « بچشید عذاب آتش (دوزخ) را که آنرا دروغ می پنداشتید. »

﴿٢١﴾ وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

بیگمان ایشان را از عذاب نزدیک پیش از عذاب بزرگ (یعنی آتش دوزخ) می چشانیم، تا باشد که (به حق) باز گردند.

﴿٢٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا ۗ إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

و کیست ستمگارت از کسیکه به آیات پروردگار خویش پند داده شود و باز از آن روی برتابد؟! بیگمان ما از گنهکاران انتقام گیرنده ایم.

﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ ۗ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

بیگمان به موسی کتاب (یعنی تورات) را دادیم، ازین رو از برخورد با آن در شبهه مباش، و آنرا هدایتی برای بنی اسرائیل گردانیدیم.

﴿٢٤﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا ۗ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ

و از میان ایشان رهبرانی گردانیدیم که به حکم ما رهنمایی می نمودند، چون شکیبایی ورزیدند و به آیات ما یقین حاصل کردند.

﴿٢٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

بیگمان پروردگار تو، هم اوست که در میان ایشان - در مواردیکه در آن اختلاف می ورزیدند - در روز قیامت فیصله میکند.

﴿٢٦﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لآيَاتٍ ۗ أَفَلَا يَسْمَعُونَ

آیا به ایشان رهنمایی نشد که پیش از ایشان چه نسل هایی را هلاک گردانیدیم؟ و (اکنون) ایشان در سرزمین هایی که (همان) پیشینیان بسر می بردند گشت و گذار میکنند. بیگمان درین نشانه هاست، آیا ایشان گوش فرا نمی دهند؟

﴿٢٧﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ

وَأَنْفُسُهُمْ ۗ أَفَلَا يُبْصِرُونَ

آیا ندیدند که آب را به زمین سوخته بی گیاه جاری می سازیم؟ پس به وسیله آن کشت را می روینیم تا از آن مواشی شان و خودشان بخورند، آیا نمی بینند؟

﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و میگویند: « این پیروزی چه وقت بسر میرسد، اگر راستگویید؟ »

﴿٢٩﴾ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

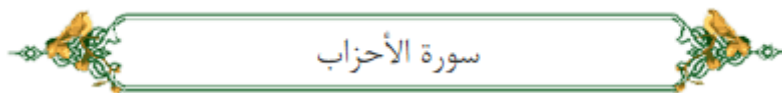
بگو: « در روز (بسر رسیدن این) پیروزی، برای کافران ایمان آوردن شان سودی ندارد، و نه هم به ایشان مهلت داده میشود. »

﴿٣٠﴾ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَاَنْتَظِرُ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ

لذا از ایشان اعراض کن، و انتظار بکش. یقیناً ایشان (نیز با ناباوری) به انتظار (چنین روزی) هستند.

(٣٣) سوره الاحزاب:

این سوره مدنی و دارای (٧٣) آیه است. این سوره به جهت اینکه در برگیرنده واقعه خندق و هجوم احزاب و طوایف مشرکان به مدینه است، احزاب نامیده شد. احزاب به معنی فرقه ها، طایفه ها، لشکر ها (منظور لشکرهای کفار مکه و سایر قبایل عرب است که برای جنگ با مسلمین به مدینه آمدند).



سورة الاحزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

ای پیامبر، از خدا بترس، و از کافران و منافقان اطاعت مکن. بیگمان خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٢﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

و چیزی را که از جانب پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن. بیگمان خدا به آنچه می کنی آگاه است.

﴿٣﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

و بر خدا توکل کن، و خدا بحیث وکیل بسنده است.

﴿٤﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ۗ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ

أُمَّهَاتِكُمْ ۗ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۗ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ

يَهْدِي السَّبِيلَ

خداوند برای هیچ کس دو دل در داخل وجود او قرار نداده است، و نه زنان شما را که مادر می خوانید مادر شما گردانیده است، و نه (پسر) خواندگان شما را پسران شما گردانیده است. این سخن شماست که به دهن خود میگویند، و خداوند حقیقت را میگوید، و او راه را نشان میدهد.

﴿٥﴾ ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ

وَمَوَالِيكُمْ ۗ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

رَحِيمًا

ایشان را به (نام) پدران شان بخوانید، این در نزد خدا منصفانه تر است. اگر (نام) پدران شانرا نمیدانید، در آنصورت برادران دینی شما و دوستان شمایند. بر شما گناهی نیست اگر در زمینه خطا کرده باشید. مگر در صورتیکه دلهای شما قصداً (این گناه را) مرتکب شود، (قابل اندیشه است، در آن حال نیز) خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿٦﴾ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۗ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ

فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَّعْرُوفًا ۗ كَانَ ذَٰلِكَ فِي

الْكِتَابِ مَسْطُورًا

پیامبر به مؤمنان از خودشان (نیز) سزاوارتر است، و زنان او مادران شان هستند. خویشاوندان بعضی شان به بعضی دیگرشان در حکم خدا نسبت به (آنعه) مؤمنان و مهاجران (که با آنها عقد برادری بسته اند) سزاوارتر اند، مگر اینکه به دوستان خود نیکویی کنید. این حکم در کتاب نوشته شده است.

﴿٧﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ۗ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

و بیاد آور چون از پیامبران عهدشان را گرفتیم، و از تو (نیز). و از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی پسر مریم، از ایشان عهد محکم گرفتیم.

﴿٨﴾ لَيْسَ السَّالِئِينَ عَنِ الصَّادِقِينَ ۗ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

تا (خداوند) صادقانرا از صدق شان بپرسد، و برای کافران عذابی دردناک را آماده کرده است.

﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

ای مسلمانان، نعمت خدا را بر خود بخاطر آورید، هنگامیکه بر شما لشکرهایی آمدند، پس بر ایشان بادی و لشکرهایی فرستادیم که آنرا را دیده نمی توانستید، و خداوند به آنچه می کنید بینا است.

﴿١٠﴾ إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

چون (لشکرهای دشمن) بر شما از قسمت های فراز شما و از قسمت های نشیب شما آمدند، و چون چشم ها خیره شدند و دلها تا گلوها رسید، و در مورد خداوند گمان های گوناگون بخاطر شما خطور کرد.

﴿١١﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

درینجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و شدیداً تکان داده شدند.

﴿١٢﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

(و به یاد آر) هنگامی را که منافقان و آنانی که در دلهای شان مرضی است گفتند: « خداوند و پیامبر او جز فریب را به ما وعده ای ندادند. »

﴿١٣﴾ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۗ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ

يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۗ إِنَّ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

و آن وقت را (بیاد آرید) که طایفه ای از ایشان گفتند: « ای اهل یثرب، (درینجا) برای شما جای نیست. پس برگردید. » و گروهی از ایشان از پیامبر اجازه خواستند، و میگفتند: « براستی خانه های ما بی سرپرست (مانده) است، » در حالیکه بی سرپرست مانده بود. ایشان جز فرار چیزی نمی خواستند.

﴿١٤﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَاتَوَّهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا

اگر بر ایشان از قسمت های متعدد (مدینه آشوبگران) وارد میشد، و از ایشان خواسته میشد که فتنه انگیزی کنند، واقعاً آن کار را میکردند، و درین کار جز اندکی درنگ نمی کردند.

﴿١٥﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۗ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

ایشان پیش ازین (نیز) با خدا عهد بسته بودند که (در میدان جنگ) پشت برنگردانند، و (از) عهد خدا (یقیناً) سوال شدنی است.

﴿١٦﴾ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

بگو: « به شما فرار فایده ای ندارد، اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، و درین حال جز دوره کوتاهی (از زندگی) بهره ور نخواهید شد. »

﴿١٧﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۗ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

بگو: « کیست آنکه شما را از (اینکه اراده) خداوند (در مورد شما عملی شود) باز میدارد، اگر به شما اراده بدی کند یا بشما اراده مرحمت نماید؟ » و ایشان برای خود جز خدا دوست و مددگاری نمی یابند.

﴿١٨﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۗ وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا

بیگمان خداوند بازدارندگان (از جنگ) را از شما می شناسد، و آنهایی را که به برادران خود می گویند: « بسوی ما بشتابید. » و به جنگ نمی آیند مگر اندکی.

﴿١٩﴾ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۗ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ

مِنَ الْمَوْتِ ۗ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالْسِنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۗ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا

فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۗ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

بر شما بخیل اند (یعنی از شما دریغ میورزند)، پس چون وقت ترس فرا رسد، می بینی که بسوی تو مینگردند، و چشم شان دور میخورد همانند کسی که مرگ بر او سایه افکنده باشد. باز چون ترس از میان رفت، شما را با زبان های تیز خود نیش میزنند، در حالیکه بر خیر بخیل اند. اینها ایمان نیاوردند، پس خداوند اعمال ایشانرا حبطه گردانید، و این (کار) به خداوند آسان است.

﴿٢٠﴾ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ۗ وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ

يَسْأَلُونَ عَنِ أَنْبَائِكُمْ ۗ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

چنین می پندارند که قشون (کافران) نرفته اند. و اگر (این) قشون (دوباره) بیایند، آرزو میکنند کاش در صحرا و در میان بادیه نشینان میبودند، (و آنجا) از احوال شما سوال میکردند. و اگر در میان شما میبودند، (باز هم) جنگ نمی کردند مگر اندکی.

﴿۲۱﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

برای شما واقعاً رسول خدا نمونه نیکویی است، برای کسیکه آرزوی او (ثواب) خداوند و روز آخرت است، و خدا را بسیار یاد میکند.

﴿۲۲﴾ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۗ وَمَا

زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

و چون مسلمانان احزاب {۱} را دیدند، گفتند: « این همان (چیزی) است که خداوند و پیامبر او بما وعده داده بودند، و خداوند و پیامبرش راست گفتند. » و این رویداد در ایشان جز ایمان و فرمانبری چیز دیگری را نیفزود. {۱} هجوم دسته جمعی دشمنان ؛

﴿۲۳﴾ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ ۗ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن

يَنْتَظِرُ ۗ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

از مؤمنان کسانی اند که بر چیزی که به آن با خدا پیمان بسته اند صادق بودند. بعضی از آنها ذمه داری خود را اداء کردند، و بعضی از ایشان هنوز هم منتظر اند و (به روش خود) تغییری ندادند.

﴿۲۴﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

غَفُورًا رَّحِيمًا

تا خداوند صادقانرا به صدق شان مکافات دهد، و منافقان را - اگر بخواهد - عذاب کند یا توبه شانرا بپذیرد. حقا که خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿۲۵﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا ۗ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا

عَزِيزًا

خداوند کافران را با خشم شان باز گرداند، که هیچ خیری بدست نیاوردند. خداوند مؤمنان را درین مقاتله بسنده شد. خداوند نیرومند (و) صاحب قدرت منیع است.

﴿۲۶﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا

تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

و خداوند آنعهه از اهل کتاب را که با لشکرهای کافران کمک کردند از قلعه های شان پایان کرد، و در دلهای شان خوف انداخت، (تا اینکه) گروهی (از ایشان) را میکشید و گروهی را (هم) اسیر میگرفتید.

﴿٢٧﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوُّهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

و زمین شان، خانه های شان و اموال شان را بشما به میراث داد، زمینی را که شما (تا هنوز) مورد استفاده قرار نداده اید، و خداوند بر همه چیز قدرت دارد.

﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعِكُنَّ وَأُسْرِحِكُنَّ

سَرَاحًا جَمِيلًا

ای پیامبر، به زنان خود بگو: « اگر زندگانی و آرایش این دنیا را میخواهید، پس بیایید من شما را از آن بهره ور میسازم. و آنگاه شما را به شیوه نیکویی رها میکنم. »

﴿٢٩﴾ وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

اما اگر خدا و پیامبر او و سرای آخرت را می جوئید، پس بیگمان خدا برای زنان نیکوکاری از شما پاداش بزرگی آماده کرده است.

﴿٣٠﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۗ وَكَانَ ذَٰلِكَ

عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

ای زنان پیامبر، اگر کسی از شما بگونه آشکاری مرتکب عمل ناشایسته ای شود، مجازات او دو چند است، و این (کار) برای خداوند آسان است.

جزء یا سپاره بیست و دوم - ومن یفنت

﴿٣١﴾ وَمَن يَفْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

و هر که از شما خدا و پیامبر او را اطاعت کند و عمل نیک انجام دهد، مزد او را دو چند می‌دهیم، و برای او روزی گرامی آماده کرده ایم.

﴿٣٢﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ ۗ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي

قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

ای زنان پیامبر، شما مانند یکی از زنان (عادی) نیستید، اگر پرهیزگاری کنید. پس در گفتار (خویش) نرمش نشان ندهید، تا مبدا کسی که در دلش مرض است طمع کند. و سخن پسندیده بگویید.

﴿۳۳﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۗ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ

اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و در خانه های خویش بمانید، و مانند عهد جاهلیت پیشینه زینت خویش را ظاهر نسازید، و نماز را با کمال و تمام بر پا دارید، و زکات بدهید، و خدا و پیامبر او را اطاعت کنید. بیگمان خداوند می خواهد تا از شما "اهل بیت" ناپاکی ها را بزدايد، و شما را پاک و پاکیزه سازد.

﴿۳۴﴾ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

آنچه به شما در خانه های شما از آیات خدا و حکمت خوانده می شود، آنرا بیاد گیرید. بیگمان خدا لطف کار و آگاه است.

﴿۳۵﴾ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ

وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ

اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

واقعا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار، مردان صادق و زنان صادق، مردان صابر و زنان صابر، مردان متواضع و زنان متواضع، مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، مردانی که ذکر خدا را بسیار میکنند و زنانی که ذکر خدا را بسیار میکنند، خداوند برای همه اینها آمرزش و مزد بزرگی را آماده کرده است.

﴿۳۶﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ

أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا

چون خدا و پیامبر کاری را فیصله کنند، برای هیچ مرد مؤمن و هیچ زن مؤمن (جایز) نیست که در امر خویش اختیاری داشته باشند. اگر کسی خداوند و رسول او را نافرمانی کند، او واقعا بگونه آشکاری گمراه شده است.

﴿۳۷﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي

نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۗ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا

زَوْجَنَا كَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا ۗ وَكَانَ

أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

و بیاد آور، چون به کسی که خدا بر وی احسان کرده است و تو (نیز) بر وی احسان نموده یی، گفتی: « زن خود را (در قید نکاح خویش) برای خود نگهدار، و از خداوند بترس. » و تو چیزی را در دل خویش پنهان داشتی، که خداوند آنرا آشکار سازنده است. و از مردم میترسی، در حالیکه خداوند سزاوارتر است تا از او بترسی. پس چون زید از وی (یعنی زینب) کام یافت، او را به نکاح تو درآوردیم، تا برای مؤمنان در (ازدواج با) زنان (فرزند) خوانده های شان حرجی نباشد، هر گاه (فرزند خوانده ها) از آن زنان کام گرفته باشند. و حکم خداوند حتماً بجا آورده شدنی است.

﴿۳۸﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ۖ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۗ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

بر پیامبر در (بجا آوردن) آنچه خداوند بر او فرض گردانیده حرجی نیست. این سنت خداست در میان کسانی که پیش ازین گذشتند، و حکم خداوندی تقدیری است که مقرر شده است.

﴿۳۹﴾ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

(در میان) آنهاییکه پیام های خدا را می‌رسانند، و (تنها) از او می‌ترسیدند و از هیچکس جز خدا نمی‌ترسیدند. و خداوند در حساب گرفتن بسنده است.

﴿۴۰﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولیکن پیامبر خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به هر چیز دانا است.

﴿۴۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

ای مسلمانان، خدا را به یاد کردن بسیار یاد کنید.

﴿۴۲﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

و او را صبح و شام به پاکی بخوانید.

﴿۴۳﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

اوست که بر شما درود می‌فرستد، و نیز فرشتگان او، تا شما را از تاریکی ها به روشنایی برآرد، و (خدا) به مؤمنان مهربان است.

﴿۴۴﴾ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۗ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

تحیت ایشان، روزیکه خدا را ملاقات میکنند، "سلام" است. و برای ایشان مزد گرامی آماده کرده است.

﴿٤٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ای پیامبر، حقا که ما ترا بحیث گواهی و مژده دهنده و بیم دهنده ای فرستادیم.

﴿٤٦﴾ وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

و (نیز بحیث) دعوتگری بسوی خدا به اجازه او، و (بحیث) چراغی درخشان.

﴿٤٧﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

و مؤمنان را به این مژده بده که برای شان از جانب خدا فضل بزرگی (ارزانی شده) است.

﴿٤٨﴾ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

کافران و منافقان را پیروی مکن، اذیت شان را به دل مگیر، بر خدا توکل کن، و خداوند بحیث کارساز بسنده است.

﴿٤٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ

عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا ۖ فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای مسلمانان، وقتی که شما زنان مسلمان را به نکاح می گیرید، و آنگاه ایشان را پیش از اینکه از آنها کام بگیرید طلاق می دهید، به شما بر ایشان عده ای نیست که آنرا بشمارید. پس به ایشان (مال و) متاعی بدهید، و ایشان را به طریقی پسندیده آزاد گذارید.

﴿٥٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ

عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً

مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ

عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ اللَّهُ

غَفُورًا رَحِيمًا

ای پیامبر، ما به تو زنان ترا که به ایشان مهر شانرا داده یی حلال گردانیدیم، و (نیز) آنانی را که مالک شان شده یی از آنچه خدا برای تو به غنیمت داده است، و (نیز) دختران کاکای ترا و دختران عمه های ترا و دختران ماماهاى ترا و دختران خاله های ترا که (از مکه) با تو هجرت کردند، و (نیز) زن مسلمانی را اگر خود را به پیامبر ببخشد (و باز) در صورتیکه پیامبر بخواهد او را نکاح کند (همه اینها را بتو حلال گردانیدیم). این (حکم) خاص برای تو است، نه برای همه مسلمانان. بیگمان آنچه را برای شان در مورد زنان شان و اسیرانی که مالک ایشان هستند مقرر کردیم میدانیم، تا برای تو مشکلی نباشد. و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٥١﴾ تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ ۗ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ۗ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقْرَءَ عَيْنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

هر که را از ایشان که بخواهی میتوانی از خود باز داری، و هر که را بخواهی میتوانی نزد خود جای دهی، و کسی را که بخواهی از آنها یکی که از خود دور ساختی (نیز میتوانی به خود نزدیک گردانی)، و بر تو هیچ گناهی نیست. این کار بهتر میتواند موجبات خوشنودی شانرا فراهم سازد، و آنها را از اندوه برکنار گرداند، و به آنچه تو به همه ایشان میدهی خوشنود شوند. خداوند به چیزی که در دلهای شما است آگاه میباشد، و خداوند دانا (و) صاحب حلم است.

﴿٥٢﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

برای تو بعد ازین (گرفتن) زنان (دیگری) حلال نیست، و نه میتوانی به آنان زنان دیگری را تبدیل نمایی، اگر چه شیفته حسن شان شوی، مگر زنانی که آنها را مالک میشوی. خداوند به هر چیز نگهبان است.

﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۗ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ ۗ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۗ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۗ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا ۗ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

ای مسلمانان، به خانه های پیامبر داخل نشوید مگر هنگامیکه به طعامی برای شما اجازه داده شود، (پیشتر نیابید)، به انتظار پخته شدن آن (در آنجا) دیر نپایید، مگر چون دعوت شدید به خانه داخل شوید، و باز چون طعام را خوردید پراکنده شوید، به صحبت در آنجا منشینید. واقعاً این کار پیامبر را اذیت میکند، از شما شرم مینماید، و خداوند از حق شرم نمی کند. و اگر از (زنان پیامبر) چیزی را می پرسیدید، از پس پرده بپرسید، این رویه پاکتر است (هم) به دلهای شما و (هم) به دلهای ایشان. برای شما جایز نیست که پیامبر خدا را برنجانید، و نه هم اینکه هرگز زنان او را پس از وی به نکاح گیرید، براستی که این کار در نزد خدا (گناهی) بزرگ است.

﴿٥٤﴾ إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

اگر چیزی را آشکار سازید یا آنرا پنهان دارید، خدا بر هر چیز دانا است.

﴿٥٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ ۚ وَاتَّقِينَ اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

بر این زنان (یعنی ازواج مطهرات) نه در پدران شان، نه در بچه های شان، نه در برادران شان، نه در بچه های برادران شان، نه در بچه های خواهران شان، نه در زنان شان، نه در بردگانی که آنها را مالک شده اند، (در هیچ یک ازینها) گناهی نیست (اگر با آنها بدون پرده و حجاب صحبت کنند). از خدا بترسید، خداوند بر هر چیز گواه {۱} است.

{۱} یعنی حاضر و ناظر؛

﴿٥٦﴾ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود میفرستند. ای مسلمانان، بر وی درود بفرستید، و با اخلاص کامل به او سلام دهید.

﴿٥٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا

بیگمان آنانیکه خداوند و پیامبر او را می رنجانند، خدا ایشان را در دنیا و در آخرت لعنت کرده است، و برای ایشان عذاب رسوا کننده ای را آماده ساخته است.

﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

و آنانیکه مردان مؤمن و زنان مؤمن را بی سبب می رنجانند، بیگمان بهتان و گناه بزرگی را متحمل شدند.

﴿٥٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَزْوَاجِ كَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ۚ ذَلِكَ

أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ای پیامبر، به زنان خود و به دختران خود و به زنان مسلمان بگو که (قسمتی) از چادرهای خود را بر خویشتن بیوشند. این وسیله مناسبی است به اینکه شناخته شوند، و مورد آزار قرار نگیرند. و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٦٠﴾ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا

يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

اگر منافقان و آنانیکه در دلهاشان بیماری است و آشوبگران مدینه خودداری نورزند، یقیناً ترا بر ایشان چیره میسازیم. و سپس در آنجا جز دوره محدودی همسایه تو نخواهند بود.

﴿٦١﴾ مَلْعُونِينَ ۚ أَيَّمَا تَقْفُوا أُخَذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا

(اینها) لعنت شدگان اند، در هر جایی که یافت شوند گرفتار میشوند، و به شدت کشته میشوند.

﴿٦٢﴾ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

(اینست) سنت خدا از دیر باز، در میان کسانی که پیشتر بودند، و برای سنت خداوند هرگز تبدیلی نمی یابی.

﴿٦٣﴾ يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

مردم از تو از قیامت می پرسند، بگو: « علم آن (تنها) در نزد خداوند است. » و تو چه میدانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

﴿٦٤﴾ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

بیگمان خدا کافران را لعنت کرده، و برای ایشان آتش سوزانی را آماده کرده است.

﴿٦٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

در آنجا همیشه و بگونه ابدی بسر میبرند. در آنجا نه دوستی می یابند، و نه (هم) مددگاری.

﴿٦٦﴾ يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ

روزی که روی های شان در آتش زیر و رو میشود، میگویند: « ای کاش که ما از خدا فرمان میبردیم، و از رسول فرمان می بردیم. »

﴿٦٧﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا

و میگویند: « پروردگارا، ما از سرداران و بزرگان خود فرمان بردیم، ولی ایشان ما را گمراه ساختند. »

﴿٦٨﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا

ای پروردگار ما، برای شان دوچند این عذاب را بده، و ایشان را به لعنتی بزرگ روبرو گردان.

﴿٦٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا ۗ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ

وَجِيهًا

ای مسلمانان، مانند آنانی مباشید که موسی را رنجانیدند، ولی خداوند او را از آن گفتار (بی حقیقت) شان برائت بخشید، و او در نزد خداوند آبرومند است.

﴿٧٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

ای مسلمانان، از خدا بترسید و (همواره) سخن درست بگویید.

﴿٧١﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

تا اعمال شما را به صلاح آرد، و گناهان شما را ببامزد. و هر که از خدا و پیامبر او فرمان برد، بیگمان به بزرگترین پیروزی دست یافته است.

﴿٧٢﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۗ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ما امانت را به آسمانها، زمین و کوهها عرضه کردیم، اما آنها از قبول آن خودداری کردند و از آن ترسیدند، و انسان آنرا بعهده گرفت. او واقعاً بسیار ظالم و بسیار نادان است.

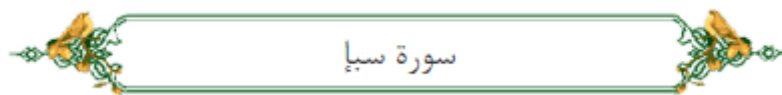
﴿۷۳﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

تا خداوند مردان منافق و زنان منافق، مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند، و خداوند مردان و زنان مؤمن را مورد مرحمت خویش قرار دهد، و خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

(۳۴) سوره سبأ:

این سوره مکی و دارای (۵۴) آیه است و سبأ نام قومی است. این سوره را به سبب ذکر داستان قبیله سبأ در آن سبأ نامیده اند، محور این سوره اثبات معاد است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ

الْخَبِيرُ

ستایش خدایی را است که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (همه) از آن اوست، و در آخرت (نیز) ستایش از آن اوست، و او است صاحب حکمت و (به همه چیز) آگاه.

﴿۲﴾ يَعْلَمُ مَا يَلْبِغُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۗ وَهُوَ الرَّحِيمُ

الْغَفُورُ

آنچه در زمین در می آید، آنچه از آن بر می آید، آنچه از آسمان فرو می آید، و آنچه در آن بالا می رود، (همه را) میداند. و او مهربان (و) آمرزنده است.

﴿۳﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۗ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ۗ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

کافران میگویند: « هرگز بر ما قیامت نمی آید. » بگو: « آری، و قسم به پروردگار من، حقا (قیامت) بر شما آمدنی است. (قسم به) دانای غیب، (ذاتیکه) از او کوچکترین ذره ای پنهان نیست، نه در آسمانها و نه (هم) در زمین، نه چیزی کمتر از آن، نه (هم) بزرگتر (از آن)، مگر اینکه (همه آنها) در کتاب روشن درج است. »

﴿٤﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

تا کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند پاداش دهد. اینها هستند که برای شان آمرزش و روزی گرامی است.

﴿٥﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ

ولی آنانیکه در برابر آیات ما به معارضة شتافتند، برای شان عذاب است، از عذابی دردناک.

﴿٦﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِينَ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ

الْحَمِيدِ

آنانیرا که برای شان علم داده شده است می بینند که چیزی که به تو از جانب پروردگار تو نازل شده است، همان است حق، و به راه (خداوند) صاحب قدرت منیع (و) ستوده هدایت میکند.

﴿٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ إِنَّا لَنَنبئُكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

و کافران (به تمسخر) گفتند: « آیا شما را به مردی رهنمون شویم که به شما خبر میدهد، چون (مردید و) و کاملاً پارچه پارچه شدید، درین حال باز شما در آفرینش جدیدی قرار میگیرید؟ »

﴿٨﴾ أَفَتُرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

« آیا این شخص بر خدا دروغی را بر بسته یا به او دیوانگی عارض شده است؟ » بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب (واقعی) و دورترین گمراهی قرار دارند.

﴿٩﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ إِن نَّشَأُ نَحْصِفْ بِهِمُ

الْأَرْضِ أَوْ نُسِقِطْ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

آیا (اینها) به این چیزهایی که پیش روی و پشت سر شان از آسمان و زمین قرار دارد نظر نکردند؟ اگر بخواهیم ایشانرا به زمین فرو می بریم، یا پارچه ای از آسمان را بر ایشان می افکنیم. بیگمان درین نشانه ایست برای هر بنده (به خدا) بازگردنده ای.

﴿١٠﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۗ يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۗ وَالتَّا لهُ الْحَدِيدَ

بیگمان به داود از جانب خود فضیلت دادیم (و گفتیم): « ای کوهها، (در انعکاس دادن آواز او) با او همنوایی کنید، و (نیز) پرندگان را (برای او همنوا ساختیم)، و آهن را برای او نرم ساختیم. »

﴿١١﴾ أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ ۗ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۗ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

(به او گفتیم) زره های گشاده و فراخی بساز، و در بافتن (حلقه های زنجیری) آن اندازه را رعایت کن، و به اعمال شایسته دست یازید. بیگمان من به آنچه میکنید بینا هستم.

﴿۱۲﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَّاحُها شَهْرٌ ۚ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ ۚ وَمِنَ الْجِنِّ مَن

يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۚ وَمَن يَزِغْ مِنْهُم عَن أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِن عَذَابِ السَّعِيرِ

و برای سلیمان باد را (رام گردانیدیم). رفتار صبحانه آن یکماهه راه بود، و رفتار شبانه آن یکماهه راه بود. و برایش چشمه ای از مس گداخته شده را جاری ساختیم. و از جن کسانی بودند که به اجازه پروردگار او به پیش روی او کار میکردند. و اگر یکی از ایشان از امر ما سر باز میزد، به او از آتش سوزان می چشاندیم.

﴿۱۳﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحَارِبٍ وَتَمَائِيلَ وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ ۚ اعْمَلُوا آلَ

دَاوُدَ شُكْرًا ۚ وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ

برای او آنچه میخواست از رواقها، تمثالها، کاسه های بزرگ همچون حوضها میساختند، و دیگ هایی که بر دیگدانها قرار داده شده بود. ای خانواده داود، سپاسگزاری کنید، و تعداد کمی از بندگان من سپاسگزار اند.

﴿۱۴﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِن سَائِغِهِ ۚ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتْ

الْجِنَّ أَنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

پس چون بر سلیمان دستور مرگ را صادر کردیم، هیچ چیزی ایشان را بر مرگ او آگاه نساخت، جز جنبنده زمین - (کوبه ای) که عصای او را میخورد. سپس چون به زمین افتاد، جن ها دریافتند که اگر غیب را می دانستند درین عذاب اهانت آمیز (یعنی این کار پر زحمت) باقی نمی ماندند.

﴿۱۵﴾ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ ۚ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۚ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ

وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ

بیگمان، برای قوم سبا در سرزمین شان نشانه ای (داده شده) بود. و (آن) دو باغستان (بود که) از راست و چپ شان (جلب نظر میکرد. به ایشان گفته شد:) « روزی را از (جانب) پروردگار خویش بخورید، و به او سپاسگزار باشید، شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. »

﴿۱۶﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ حَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ

مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ

چون ایشان (از حق) روی برگشتانند، بر ایشان سیل (بند) عرم را فرو ریختیم، و بجای دو باغستان شان باغستانهایی از میوه های تلخ و شوره گز و چیزی از درخت سدر قرار دادیم.

﴿۱۷﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُم بِمَا كَفَرُوا ۚ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ

ای جزایی بود که به ایشان به سبب ناسپاسی ایشان دادیم، و جزا نمیدهیم مگر (مردم) ناسپاس را.

﴿١٨﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۗ سِيرُوا فِيهَا لِيَأْتِيُوا وَيَأْتِيَهُمْ آمِنِينَ

و میان ایشان و شهرهایی که بر آنها برکت نهادیم آبادانی های چشمگیری (بر سر راه) قرار دادیم، و در (مسیر) این (راه) منزلهایی را به مسافت معین مشخص ساختیم. (و به ایشان گفتیم:) « در آن شب و روز مصئون مسافرت کنید. »

﴿١٩﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا لَهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

گفتند: « پروردگارا، بین (منزلهای) سفر ما فاصله را زیاد گردان. » و ایشان بر خود ستم کردند. سرانجام ایشان را افسانه ساختیم، و ایشانرا بی حد و حساب پارچه پارچه گردانیدیم. بیگمان درین (رویداد) برای هر کسیکه بسیار شکوبا و نهایت سپاسگزار میباشد نشانه هایی است.

﴿٢٠﴾ وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

و بیگمان ابلیس پندار خود را در مورد آنها به اثبات رساند، که او را پیروی کردند جز گروهی از مؤمنان.

﴿٢١﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

که او بر ایشان سلطه ای ندارد، جز برای اینکه روشن سازیم چه کسی به آخرت ایمان می آورد، و چه کسی از آن به شک اندر است. و پروردگار تو به هرچیز نگهبان میباشد.

﴿٢٢﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ ۗ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شَرِكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّن ظَهِيرٍ

بگو: « آنانی را که جز خدا (معبود خویش) می پندارید بخوانید، نه در آسمانها و نه در زمین به مقدار ذره ای (هم) قدرتی دارند، و نه در اینها ایشان اشتراکی دارند، و نه (هم) هیچ یک از ایشان برای خدا مددگاری است. »

﴿٢٣﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَن أَذِنَ لَهُ ۗ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ۗ قَالُوا الْحَقُّ ۗ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

« هیچ شفاعتی در حضور او سودی ندارد، مگر برای کسیکه خودش او را اجازه میدهد. » چون دهشت از دلهای شان رفع شود، (در آنوقت با هم) میگویند: « پروردگار شما چه حکم کرد؟ » می گویند: « (سخن) حق را. » (گفت:) « و او بلند (مرتبه) و بزرگ است. »

﴿٢٤﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قُلِ اللَّهُ ۗ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي

ضَلَالٍ مُّبِينٍ

بگو: « کی شما را از آسمانها و زمین رزق میدهد؟ » بگو: « خدا! و بیگمان آیا ما یا شما براه راستیم یا به گمراهی آشکار؟ »

﴿٢٥﴾ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بگو: « شما از گناهی که ما مرتکب شدیم سوال نمیشوید، و ما (نیز) از اعمالی که شما انجام میدهید مورد سوال قرار نمی گیریم. »

﴿٢٦﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ

بگو: « پروردگار ما، ما را با هم جمع میکند، و سپس در میان ما (و شما) به حق فیصه میکند. و اوست همان گشایشگر (و) دانا. »

﴿٢٧﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ ۗ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بگو: « برای من آنانیرا که با خداوند شریک بر بسته اید نشان دهید، نه چنان است (که شما پنداشته اید) بلکه اوست خدای صاحب قدرت منیع (و) باحکمت. »

﴿٢٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

ما ترا نفرستاده ایم مگر مژده دهنده و بیم دهنده برای همه مردم، اما اکثر مردم نمی دانند.

﴿٢٩﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

میگویند: « اگر راست میگوئید، این وعده (قیامت) چه وقت (آمدنی) است؟ »

﴿٣٠﴾ قُلْ لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

بگو: « برای شما وعده روزی (آمدنی) است که از آن نه ساعتی تأخیر کرده میتوانید، و نه (هم) از آن پیشی کرده می توانید. »

﴿٣١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ

مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا

أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

کافران میگویند: « ما هرگز نه به این قرآن و نه (هم) به کتابی، که پیش از آن بود، (هیچ یک) ایمان می آوریم. » و اگر وقتی را ببینی که ستمگاران به حضور پروردگار خویش ایستاده شده اند، سخن (ملامتی) را به یکدیگر حواله میکنند؛ بینوایان به سرکشان میگویند: « اگر شما نمی بودید، ما یقیناً مسلمان می بودیم. »

﴿۳۲﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوهُمُ أَنْحُنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ ۗ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

سرکشان به بینوایان می گویند: « آیا ما شما را از راه باز داشتیم بعد از آنکه (حق) به شما آمد؟ (خیر) بلکه شما خود مجرم بودید. »

﴿۳۳﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوهُمُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا ۗ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بینوایان به سرکشان میگویند: « بلکه این دسیسه شباروزی (شما) بود که پیوسته به ما دستور می دادید تا از خداوند (یکتا) انکار کنیم و به او همتیانی قرار دهیم. » چون مجازات را دیدند، پشیمانی خود را پنهان نگه میدارند. زنجیرها را به گردن کافران قرار می دهیم. آیا جز آنچه عمل می کردند به ایشان جزاء داده می شود؟!

﴿۳۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

ما برای هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه نعمت پروردگان شان گفتند: « ما به پیامی که شما به آن فرستاده شده اید ایمان نمی آریم. »

﴿۳۵﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

و گفتند: « ما از مال و اولاد بیشتری برخورداریم، و ما هرگز عذاب نمی شویم. »

﴿۳۶﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

بگو: « بیگمان پروردگار من (دروازه) روزی را به هر که بخواهد می گشاید یا تنگ می سازد، اما بیشتر مردم نمی دانند. »

﴿۳۷﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ

نه دارایی شما و نه اولاد شما (هیچکدام) چیزی نیست که شما را به ما به گونه ای مقرب گرداند، مگر کسیکه ایمان آورد و عمل نیکو انجام داد. چنین مردمی به نسبت اعمالی که انجام دادند، بر ایشان مزد دوچند داده میشود، و ایشان در منازل بلند مرتبه ای ایمن میباشند.

﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

و آنانیکه سعی میکنند تا با معجزه های ما مقابله کنند به عذاب (ما) حاضر کرده میشوند.

﴿٣٩﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۖ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

بگو: « بیگمان پروردگارم روزی را به هر که از بندگان خود که بخواهد گشایش میدهد یا به او تنگ میسازد، و چیزی را که (در راه او) خرج کنید، او عوض آنرا میدهد، و او بهترین روزی دهندگان است. »

﴿٤٠﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهُولَاءِ أَيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

و روزیکه (خدا) ایشانرا یکجا جمع کند، سپس به فرشتگان بگوید: « آیا اینها شما را پرستش میکردند؟ »

﴿٤١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ ۗ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ ۗ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

فرشتگان میگویند: « پاکی تراست، تو کارساز ما هستی، نه ایشان. بلکه ایشان جن ها را پرستش میکردند، (و) بیشترشان به آنها ایمان داشتند. »

﴿٤٢﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

پس امروز بعضی شما به بعضی دیگر نه سودی رسانده می توانید و نه هم زیانی. به ستمگاران می گوئیم: « عذاب دوزخی را که دروغ می پنداشتید بچشید. »

﴿٤٣﴾ وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ

وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ ۗ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

چون آیات روشن ما به ایشان خوانده می شود، میگویند: « این نیست مگر مردی که میخواهد شما را از چیزی که پدران شما پرستش میکردند باز دارد. » و میگویند: « این نیست مگر دروغی بر بسته شده. » و چون به کافران (آیات بر) حق می آید، میگویند: « نیست این مگر جادوی آشکاری. »

﴿٤٤﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا ۗ وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ

و ما به ایشان (قبلاً) کتابهایی ندادیم که بخوانند، و نه هم برای شان پیش از تو بیم دهنده ای فرستاده بودیم.

﴿٤٥﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مَعْشَرَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي ۗ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

پیشینیان شان (نیز حق را) تکذیب کردند، در حالیکه اینها به ده یک چیزی که به آنها داده بودیم هم نرسیده اند، آنها پیامبران مرا تکذیب کردند. پس مجازات (شان) چگونه بود؟!

﴿٤٦﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ ۗ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ۗ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ

جِنَّةٍ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

بگو: « شما را به یک (چیز) پند میدهم؛ به اینکه برای خدا دو نفری و یک نفر به پا خیزید، و باز بسنجید که به یار شما (یعنی محمد) جنونی عارض نشده، نیست وی جز بیم دهنده ای برای شما، در پیشاپیش عذابی شدید. »

﴿٤٧﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۗ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۗ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

بگو: « چیزی را که از شما (بحیث) مزد خواستم، آن (نیز) برای (خود) شما است، مزد من نیست جز به خدا، و او بر هر چیز گواه است. »

﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَآمُ الْغُيُوبِ

بگو: « بیگمان پروردگار من حق را فرو می فرستد، و او به (نهانخانه های) غیب کاملاً آگاه است. »

﴿٤٩﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

بگو: « حق آمده است، و باطل هرگز چیزی را آفریده نمی تواند، و نه (هم) چیزی را اعاده کرده می تواند. »

﴿٥٠﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي ۗ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي ۗ إِنَّهُ سَمِيعٌ

قَرِيبٌ

بگو: « اگر من گمراه میشوم، خودم شخصاً مقصر گمراهی خود می باشم. و اگر رهیب شوم، به سبب آنست که پروردگارم به من وحی میفرستد. بیگمان او شنوا (و) نزدیک است. »

﴿٥١﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

و اگر بینی چون می ترسند، ولی در آنوقت (برای شان) خلاصی نیست، و از جای نزدیکی گرفتار میشوند.

﴿٥٢﴾ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

و گفتند: « به آن (قرآن) ایمان آوردیم. » و از کجا برای شان این امر از آن همه دوری (از جهان دیگر) میسر میشود؟

﴿٥٣﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ ۗ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

در حالیکه پیش ازین (در دنیا) از آن انکار داشتند. و از این راه دور نادیده (تیری به تاریکی) می اندازند!

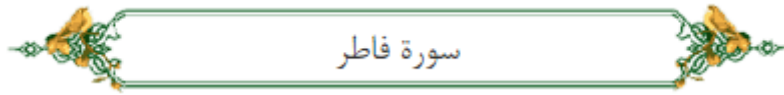
﴿٥٤﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ

و بین ایشان و امیدهایی که به آن دل بسته بودند پرده انداخته شد. همچنانکه از پیش با همانندهای شان چنین معامله شد. واقعاً ایشان در شکی تهمت اندوز بسر می بردند.

=====

(۳۵) سوره فاطر:

این سوره مکی و دارای (۴۵) آیه است و فاطر به معنی پدید آورنده میباشد. این سوره به سبب افتتاح آن با صفت فاطر برای خدای عزوجل که بر آفرینشگری و ابداع و ایجاد این کائنات عظیم از سوی وی دلالت می کند فاطر نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ

وَرُبَاعَ ۖ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ستایش خدای آفریننده آسمانها و زمین راست، آنکه فرشتگان را پیام آورانی گردانیده، که دارای دو دو بال سه سه بال و چار چار بال اند. در (جهان) آفرینش هرچه را بخواهد می افزاید، بیگمان خداوند بر هر چیز تواناست.

﴿۲﴾ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۗ وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هر دری را که از مرحمت به روی مردم بگشاید، آنرا باز دارنده ای نیست. و آنچه را او میگیرد، بعد از او بازدهنده ای نیست. و او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۗ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

وَالْأَرْضِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآَنِي تَتُفَكَّرُونَ

ای مردم، نعمت خداوند را بر خود یاد کنید. آیا جز خداوند آفریدگاری هست تا به شما از آسمانها و زمین روزی بدهد؟ جز او خدایی نیست. پس چگونه (از حق) بازگردانده می شوید؟

﴿۴﴾ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

و اگر ترا تکذیب میکنند، بیگمان پیامبران پیش از تو (هم) تکذیب شده بودند. و (همه) امور به خداوند باز گردانده می شود.

﴿۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۗ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

ای مردم، بیگمان وعده خدا حق است. پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد! و (این) فریب دهنده شما را در مورد خدا فریب ندهد!

﴿٦﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۗ إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

بیگمان شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید، واقعاً او گروه خود را دعوت میکند تا اهل دوزخ شوند.

﴿٧﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

برای کافران عذاب شدیدی است. و آنانیکه ایمان آوردند و عمل نیکو انجام دادند، برای ایشان آمرزش و مزد بزرگی است.

﴿٨﴾ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا ۗ فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ فَلَا

تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

آیا کسیکه برایش عمل زشت او زیبا جلوه داده شد، بگونه ایکه آنرا نیکو تلقی کرد (با کسی که رهیاب است مساوی بوده می تواند)؟ بیگمان خدا هر کس را که خواهد گمراه میکند، و هر که را که خواهد رهیاب میگرداند. ازینرو تو خود را (به سودای ایشان) هلاک مکن، و حسرتی را بخود راه مده. بیگمان خدا به آنچه میکنند دانا است.

﴿٩﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

مَوْتِهَا ۗ كَذَلِكَ النُّشُورُ

خداوند ذاتیست که بادهای او را فرستاد، پس ابر را بر می انگیزد، و ما آنرا بسوی زمین مرده راندیم، و با آن زمین را بعد از مردن آن زنده ساختیم، و چنین است رستاخیز.

﴿١٠﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۗ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ

يَرْفَعُهُ ۗ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۗ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ

هر که در جستجوی عزت است، پس (باید بداند که) عزت - همه آن - از آن خداست. کلمات پاک به سوی او بالا می رود، و عمل صالح آنرا بالا میبرد. آنانیکه دسیسه های ناشایسته ای را به کار می برند، ایشانرا عذاب شدیدی فرا میگیرد. و مکرشان از میان میرود.

﴿١١﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ۗ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ

إِلَّا بِعِلْمِهِ ۗ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ ۗ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

خدا شما را از خاک آفرید، سپس از قطره آبی پیدا کرد، باز شما را همسران (یکدیگر) ساخت. هیچ زنی باردار نمیشود، و نه هم بار خود را میگذارد، مگر به علم خداوند. و هیچ صاحب عمری به عمر دراز نمیرسد، و از عمر او کم نمیشود، مگر آنکه در کتاب ثبت میباشد. و این کار واقعاً بر خداوند آسان است.

﴿١٢﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شْرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۗ وَمِن كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا ۗ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لِيَتَّبِعُوا مِنَ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و نه (هم) این دو بحر (که هر دو از نشانه های قدرت خداوند به شمار میروند) با هم مساوی اند؛ این (یکی) آبی شیرین، گوارا و نوشین دارد، و این (دیگری) شور و تلخ است. و از هر دوی اینها گوشت تازه میخورید، و زیوری بدست می آرید که آنرا می پوشید. و کشتی ها را در آن می بینی که آب را می شگافند، تا از فضل وی بهره مند گردید، و تا باشد که سپاسگزار شوید.

﴿١٣﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۗ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ

شب را به روز در می آورد و روز را به شب در می آورد، و آفتاب و ماه را رام گردانید، هر یک تا زمانی معین (به مسیر خویش) میروند. این چنین است (فرمانروایی) خداوند، پروردگار شما. پادشاهی از آن اوست. و آنانیکه جز او (دیگری) را نیایش میکنند مالک هیچ چیزی نیستند.

﴿١٤﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرْكُمْ ۗ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

اگر به ایشان نیایش کنید، دعای شما را نمی شنوند، و (باز) اگر بشنوند به شما جوابی نمی گویند، و در روز قیامت از شرک شما انکار می ورزند. و هیچکسی به مانند (ذات) آگاه به تو (از حقیقت امور) خبر نمیدهد.

﴿١٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

ای مردم، شما به خدا محتاجید، و خداوند هم اوست بی نیاز (و) ستوده.

﴿١٦﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

اگر بخواهد، شما را (از بین) می برد و (بجای شما) آفریده نوی (بمیان) می آورد.

﴿١٧﴾ وَمَا ذُلُّكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

و این کار بر خداوند دشوار نیست.

﴿١٨﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ إِنْمَّا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ وَمَنْ تَرَكَىٰ فَإِنَّمَا يَتَرَكَىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

و هیچ کس بر دیگری بارش را نهد. و اگر مثقله ای را بخواند که از او بخواهد بارش را بردارد، چیزی از او برداشته نمی شود، و اگر کسی را بخواند که از او بخواهد بارش را بردارد، چیزی از او برداشته نمی شود. و آنرا تنها برای آنست که از او بترسند و نماز را برپا دارند. و آنرا تنها برای آنست که از او بترسند و نماز را برپا دارند. و آنرا تنها برای آنست که از او بترسند و نماز را برپا دارند. و آنرا تنها برای آنست که از او بترسند و نماز را برپا دارند.

هیچکسی بار کسی دیگری را بدوش نمیگیرد. و اگر سنگین باری بخواهد بار او را بردارد، از بار او چیزی برداشته نمیشود، هر چند از وابستگان باشد. واقعاً کسانی را (بگونه موثری) بیم داده میتوانی که از پروردگارش غایبانه میترسند، و نماز را با تمام و کمال اداء میکنند. کسیکه خود را پاک ساخت (به نفع خود) خویشرا پاکیزه ساخته است. و بازگشت (همه) بسوی خداست.

﴿۱۹﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

بینا و نابینا مساوی نیستند.

﴿۲۰﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ

و نه (هم) تاریکی و روشنایی.

﴿۲۱﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ

و نه (هم) سایه (سرد) و آفتاب سوزان (با هم برابرند).

﴿۲۲﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ۗ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي

الْقُبُورِ

زندگان و مردگان (نیز) برابر نیستند. بیگمان (خداوند) هرگرا بخواهد می شنواند، ولی تو کسانی را که در قبر هستند شنونده نمی توانی.

﴿۲۳﴾ إِنَّ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ

تو صرف بیم دهنده می باشی.

﴿۲۴﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۗ وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

به حق که ما ترا بیگمان مژده دهنده و بیم دهنده فرستادیم، و هیچ امتی نیست مگر اینکه در میان آن بیم دهنده ای گذشته است.

﴿۲۵﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

و اگر ترا تکذیب کنند، (شگفتی نیست زیرا) پیشینیان شان نیز پیامبرانی را که با معجزه ها، صحیفه ها و کتاب های روشنایی بخش آمده بودند تکذیب کردند.

﴿۲۶﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

سپس آنانیرا که کافر شدند گرفتار ساختیم، پس عذاب من چگونه بود؟

﴿۲۷﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا ۗ وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ

بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

آیا ندیدی که خداوند آب را از آسمان نازل گردانید؟ پس به وسیله آن حاصلات را با رنگ های مختلف برآوردیم، و در کوهها رده هایی است که رنگ (برخی آن) سفید و برخی سرخ است، و برخی هم سیاه مشکین هستند.

﴿۲۸﴾ وَمِنَ النَّاسِ وَالذَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ ۗ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

از مردم، جانوران و چارپایان نیز رنگهای آنها مختلف اند. بیگمان از خداوند، همانا بندگان دانشمند او میترسند. حقا که خداوند صاحب قدرت منیع (و) آمرزگار است.

﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ

بیگمان کسانی که کتاب خدا را میخوانند و نماز را به تمام و کمال اداء می کنند، و از آنچه ما به ایشان روزی دادیم پنهان و آشکارا خرج میکنند، امیدوار تجارتنی هستند که هرگز کساد نمی شود (یعنی از رواج نمی افتد).

﴿۳۰﴾ لِيُوفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

تا به ایشان مزد شانرا کامل بدهد، و از فضل خویش بر ایشان بیفزاید. بیگمان او آمرزنده، (و) پاداش دهنده است.

﴿۳۱﴾ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

آنچه را بتو از کتاب وحی کردیم، هم آنست حق، (و) تصدیق کننده کتاب هایی پیشین است. حقا که خداوند به (حال) بندگان خود کاملاً آگاه (و) بیناست.

﴿۳۲﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۗ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ ۗ يُؤْتِنَ اللَّهُ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

سپس کسانی را که از میان بندگان خویش برگزیدیم وارث کتاب ساختیم. (ازین میان) بعضی شان بر خویشتن ستمگاردند، بعضی شان میانه رو اند، و بعضی شان به اجازه خدا به امور نیک پیشدستی میکنند. (و) اینست فضل بزرگ.

﴿۳۳﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۗ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

در بهشتهای جاودانی که به آن داخل میشوند دستبندهایی از طلا(ی) مروارید(نشان) (به ایشان) پوشانده میشود، و لباس شان در آنجا ابریشمین است.

﴿۳۴﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۗ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ

میگویند: « ستایش خدای راست، آنکه از ما غم را زدود. حقا که پروردگار ما آمرزنده (و) پاداش دهنده است. »

﴿٣٥﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

آنکه ما را به فضل خویش به این اقامتگاه دائمی جایگزین ساخت، که در آن نه بما رنجی می رسد و نه هم ذلگی (احساس میکنیم).

﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ

عَذَابِهَا ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ

اما کافران، برای ایشان آتش دوزخ است. مرگ به سراغ شان نمی آید که بمیرند، و نه هم عذاب شان تخفیف میشود. هر ناسپاس را اینگونه جزاء میدهیم.

﴿٣٧﴾ وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أُولَٰئِكَ نُعَمِّرُكُمْ مَا

يَتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرٍ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ ۚ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ

در آنجا ایشان فریاد می کنند که: « پروردگارا، ما را بیرون آور، تا عمل نیکویی را غیر از آنچه میکردیم انجام دهیم. » (به ایشان گفته میشود): « آیا به شما (در دوره) زندگی (دنیا به حدی مهلت) ندادیم که هر انسان پندنیوش در آن پند میگرفت؟ و (در عین حال) برای شما بیم دهنده (نیز) آمد، (چون فرصت را از دست دادید) پس اکنون (این عذاب شدید را) بچشید، (که) حالا برای ستمگاران مددگاری نیست. »

﴿٣٨﴾ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

بیگمان خداوند به (همه) چیزهای نهانی آسمانها و زمین آگاه است، و (نیز) بیگمان به آنچه در اندرون سینه هاست آگاه می باشد.

﴿٣٩﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ۚ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۚ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ

عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۚ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

اوست که شما را در زمین خلیفه ساخت. پس هر که کافر شود، (زیان) کفرش بخودش عاید می شود. و کفر کافران در نزد پروردگارشان جز خشم چیزی را فزون نمیسازد، و کفر به کافران جز زیان هیچ چیز دیگر را نمی افزاید.

﴿٤٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ

فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِّنْهُ ۚ بَلْ إِنْ يَعْذِبُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا

عُرُورًا

بگو: « آیا آنهایی را که به خدا شریک می آورید و به ایشان جز خدا نیایش میکردید دیدید؟ به من نشان دهید که چه چیز از (چیزهای روی) زمین را آفریده اند؟ یا چه شرکتهای در آسمانها دارند؟ یا به ایشان کتابی دادیم و

آنها از این کتاب (بر این دعاوی خود) دلیل دارند؟» بلکه (واقعیت اینست که) ستمگاران یکدیگر را جز به فریب وعده ای نمیدهند.

﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۖ وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ ۗ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

بیگمان خدا آسمانها و زمین را نگه میدارد (از اینکه از جای خود) زایل شوند. و اگر زایل شوند، بعد از آن هیچکس آنها را نگه نمیدارد. حقا که او صاحب حلم (و) آمرزگار است.

﴿٤٢﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ إِحْدَى الْأُمَمِ ۗ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا

به سخت ترین سوگندهای خود به خدا سوگند یاد می کنند، که اگر برای ایشان بیم دهنده ای آمد، واقعاً از هر یک از اقوام دیگر رهیابتر خواهند شد. اما چون بیم دهنده ای به ایشان آمد، جز بر نفرت شان نیفزود.

﴿٤٣﴾ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۗ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۗ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۗ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۗ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

برای سرکشی بر زمین و دسیسه زشت! ولی دسیسه زشت جز به اهل آن (دسیسه) آسیبی نمی رساند. آیا ایشان جز همان سنت پیشینیان را (که مطابق به آن به عذابهایی دردناک مبتلا شدند) انتظار میکشند؟ پس برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی، و برای سنت خدا تغییری نمی یابی.

﴿٤٤﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ

فُورَةً ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

آیا در زمین سفر نکردند، تا می دیدند آنانیکه پیش از ایشان بودند به چه سرنوشتی گرفتار شدند؟ با آنکه آنها نسبت به اینان نیرو و توانایی بیشتری داشتند. آری، هیچ چیزی در آسمانها و زمین مانع (اراده) خداوند شده نمی تواند. بیگمان خداوند دانا (و) تواناست.

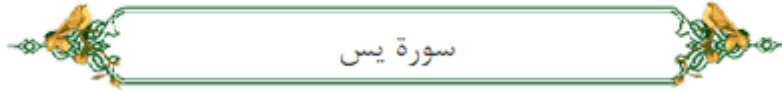
﴿٤٥﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

مُسَمًّى ۗ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

اگر خداوند مردم را به آنچه میکردند مؤاخذه میکرد، بر پشت زمین جانوری را (هم) نمی گذاشت، مگر (مرگ) ایشان را به مدت مشخصی به تعویق می اندازد. و چون میعادشان فرا رسد، پس بیگمان خداوند بر بندگان خود بیناست.

(۳۶) سوره یس:

این سوره مکی و دارای (۸۳) آیه است و یس یکی از حروف مقطعه قرآن است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ یس

یس.

﴿۲﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

قسم به قرآن صاحب حکمت.

﴿۳﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

تو واقعاً از پیامبرانی.

﴿۴﴾ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بر راهی راست.

﴿۵﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

(این کتاب) فرو فرستاده صاحب قدرت منیع (و) مهربان است.

﴿۶﴾ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

تا قومی را بیم دهی که پدران ایشان بیم داده نشده اند، پس ایشان غافل (مانده) اند.

﴿۷﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بیگمان حکم (عذاب) بر بیشتر ایشان ثابت شده است، که ایشان ایمان نمی آرند.

﴿۸﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

ما به گردن شان طوق انداختیم که تا زنج شان رسید، و ازینرو سر شان شیخ مانده (که به دور و بر خود دیده نمی توانند).

﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

در پیشروی شان سدی و از پشت سر شان سدی قرار دادیم، و (روی) ایشانرا پوشاندیم که هیچ چیزی را نمی بینند.

﴿۱۰﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

به ایشان (هر دو حالت) یکسان است. چه آنها را بترسانی و چه نترسانی، ایمان نمی آرند.

﴿۱۱﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

واقعاً تو کسی را (بگونه مؤثر) بیم میدهی که پند را بکار بندد و از (خداوند) رحمن غائبانه بترسد، پس چنین کسی را به آمرزش و مزد گرامی مزدگانی بده.

﴿۱۲﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ

بیگمان این ما هستیم که مرده را زنده میگردانیم، و اعمالی را که از خود پیشتر فرستاده اند و (نیز) آثاری را که به عقب خود گذاشته اند (همه آنها را) در کتابی روشن احصائیه گرفته ایم.

﴿۱۳﴾ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

برای شان اهل قریه ای را مثال بزن، چون در آن پیامبرانی آمدند.

﴿۱۴﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ

آنگاه که (در اول) به ایشان دو (تن) را فرستادیم، ولی (اهل قریه) آنها را تکذیب کردند. آنها را به (وسیله) سومین (پیامبر) تقویت بخشیدیم، ایشان گفتند: « ما بسوی شما (بحیث پیامبر) فرستاده شده ایم. »

﴿۱۵﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ

(مردم) گفتند: « شما نیستید مگر بشری مثل ما، و (خداوند) رحمن چیزی (بوسیله شما) نازل نکرده است، شما محض دروغ می گوئید. »

﴿۱۶﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ

(این پیامبران) گفتند: « پروردگار ما میداند، بیگمان ما بسوی شما (بحیث پیام آور) فرستاده شده ایم. »

﴿۱۷﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

ما جز رساندن این پیام روشن وظیفه نداریم.

﴿۱۸﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ ۖ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

(اهل آن قریه) گفتند: « ما (قدم) شما را به فال بد گرفتیم، (و) اگر خودداری نکنید، یقیناً شما را سنگسار می کنیم. و البته از جانب ما عذاب دردناکی به شما عاید می شود. »

﴿۱۹﴾ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ ۖ إِنَّنِ ذُكَّرْتُمْ ۖ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

(پیامبران) گفتند: « فال بد شما با خود شماست. آیا اگر پند داده می شوید (این را فالی بد می پندارید)؟ (نخیر) بلکه شما قومی تجاوزکار هستید. »

﴿٢٠﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

و از منتهای آن شهر مردی با سرعت آمده گفت: « ای قوم من، (این) پیامبران را پیروی کنید. »

﴿٢١﴾ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

کسی را پیروی کنید که از شما مزدی (برای خود) نمی خواهد، و ایشان (خود) رهیابند.

﴿٢٢﴾ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

مرا چه شده که ذاتی را نپرستم که مرا آفریده است، و بسوی او (و تنها بسوی او) باز گردانیده می شوید.

﴿٢٣﴾ اتَّخِذْ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرَدِّنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونَ

آیا جز او معبودان دیگری را (به خدایی) بگیرم؟ (موجوداتی را) که اگر (خدای) رحمن به من اراده زبانی را بکند، شفاعت ایشان از من چیزی را دفع نمی کند، و مرا نجات نمی دهند (یعنی نجات داده نمی توانند).

﴿٢٤﴾ إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

(و) در آنصورت واقعاً در گمراهی آشکاری می باشم.

﴿٢٥﴾ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ

بیگمان من به پروردگار شما ایمان آوردم، لذا از من بشنوید.

﴿٢٦﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ۗ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

(بعد از شهادتش به او) گفته شد: « به بهشت در آی. » گفت: « ایکاش، قوم من آگاه میشدند. »

﴿٢٧﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

به آمرزشی که پروردگارم به من ارزانی کرده، و مرا از جمله گرامی شدگان قرار داده است.

جزء یا سپاره بیست و سوم - ومالی

﴿٢٨﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

بعد از وی بر قومش هیچ لشکری را از آسمان فرو نفرستادیم، و نه هم ما فرود آورنده (چنین لشکری) میباشیم.

﴿٢٩﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

این (جزا دادن شان) جز یک آواز شدیدی نبود، و ناگهان (شعله) زندگی شان خاموش شد.

﴿۳۰﴾ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ ۚ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

ای وای برین بندگان که هیچ پیامبری به ایشان نیامد مگر اینکه او را استهزاء میکردند.

﴿۳۱﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

آیا ندیدند که پیش از ایشان نسلهای بسیاری را هلاک ساختیم که آنها بسوی ایشان باز نمی گردند؟

﴿۳۲﴾ وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

هرچند همه شان در مجموع به نزد ما حاضر شدنی میباشند.

﴿۳۳﴾ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

و برای شان زمین مرده (یعنی خشک) نشانه ایست، آنرا زنده گردانیدیم و از آن غله بیرون آوردیم که از آن میخورند.

﴿۳۴﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

و در آن باغهایی را از درختان خرما و انگور آفریدیم، و در آن از چشمه ها جاری ساختیم.

﴿۳۵﴾ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ ۗ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

تا از میوه آن بخورند. این (میوه و غله) را دست شان نساخته است. پس آیا شکر نمیکنند؟

﴿۳۶﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

پاک است آنکه همه چیزهایی را که زمین می رویاند و از خود ایشان (بنی نوع انسان را)، و از چیزهایی که نمیدانند، همه را جفت آفرید.

﴿۳۷﴾ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ

و شب بر ایشان نشانه ایست، از آن روز را میکشیم. پس ناگهان، اینان در تاریکی فرو میروند.

﴿۳۸﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ۗ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

و خورشید بر قرارگاه خود میرود (یعنی مدار خود را طی میکند)، اینست تقدیر خداوند صاحب قدرت منیع (و) دانا.

﴿۳۹﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

و برای ماه منزلهای را مقرر کردیم تا به حالت چوب خشک شده خوشه خرما باز گردد (یعنی دوباره به شکل ماه نو در آید).

﴿۴۰﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۗ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

نه آفتاب را شایسته است که به ماه برسد، و نه شب بر روز سبقت جوینده است. هر یک در مدار (خود) شنا میورزد.

﴿٤١﴾ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

و برای ایشان این نشانه ایست که ما ذریه {۱} ایشانرا در کشتی های انباشته شده برداشتیم.
{۱} نسل؛

﴿٤٢﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ

و برای شان همانند آن (کشتی انباشته شده) چیزی را که بر آن سوار میشوند آفریدیم.

﴿٤٣﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ

اگر بخواهیم، ایشانرا غرق میکنیم، پس در این حال نه برای شان فریادرسی است (که صدای شانرا بشنود) و نه (هم)ایشان نجات داده میشوند.

﴿٤٤﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

مگر آنکه به رحمت خویش (ایشانرا نجات دهیم)، و (برای اینکه) تا دوره محدودی بهره‌مندی (حاصل کنند).

﴿٤٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و چون به ایشان گفته شود: « به آنچه پیشروی شما (گذشته) است و آنچه پشت سر شما (میگذرد) بیندیشید (یعنی اعمال خود و مجازات آنرا مورد مطالعه قرار دهید)، تا مگر (از اعمال زشت خودداری کنید و) به شما مرحمت شود، (به این سخن اعتنایی نمیکنند). »

﴿٤٦﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان به ایشان نمی آید، مگر آنکه از آن روی گردانند.

﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ

أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و چون به ایشان گفته شود: « شما از آنچه خداوند برای شما داده است (در راه خدا) خرج کنید، » کافران به مسلمانان میگویند: « آیا به کسی طعام بدهیم که اگر خداوند میخواست (خود) به او طعام میداد؟ نیستید شما مگر در گمراهی آشکاری. »

﴿٤٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(کافران) میگویند: « اگر شما راستگوی هستید، (عملی شدن) این وعده کی خواهد بود؟ »

﴿٤٩﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

انتظار نمیکشند مگر یک آواز مهیبی را که ایشانرا در حالی بگیرد که با هم به خصومت مشغولند.

﴿٥٠﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

و (درینحال) نه معاونتی کرده میتوانند و نه هم به خانواده خود برگشته میتوانند.

﴿٥١﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ

در صور دمیده میشود، و ناگهان ایشان از قبرها بسوی پروردگار خویش می شتابند.

﴿٥٢﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۚ ۗ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

میگویند: « ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاه ما برانگیخت؟ (آری!) اینست آنچه (خدای) رحمن وعده کرده بود، و پیامبران راست گفته بودند. »

﴿٥٣﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

این (برپا شدن قیامت) صرف به یک آواز هیبتناکی صورت میگیرد، و درین هنگام همگان بسوی ما حاضر آورده میشوند.

﴿٥٤﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظَلِّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

امروز بر هیچ کسی ستمی نمیشود، و بجز آنچه میکردید جزا داده نمیشوید.

﴿٥٥﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ

بیگمان اهل بهشت امروز مشغول ناز و نعمتند.

﴿٥٦﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ

ایشان و زنان شان در سایه ها بر تخت هایی تکیه زده اند.

﴿٥٧﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَّا يَدَّعُونَ

برای ایشان در آنجا میوه لذیذ و همه چیزهای خاطر خواه (میسر) است.

﴿٥٨﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ

به ایشان از طرف پروردگار مرحمت کار سلام گفته میشود.

﴿٥٩﴾ وَامْتَاَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

ای مجرمان! شما امروز جدا شوید.

﴿٦٠﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای فرزندان آدم! آیا از شما عهد نگرفته بودم که شیطان را پرستش نکنید (که) او دشمن آشکارای شماست؟

﴿٦١﴾ وَأَنِ اعْبُدُونِي ۚ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

و مرا بپرستید (که) اینست راه راست.

﴿٦٢﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۗ أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

و بیگمان (شیطان) افراد بسیاری از شما را گمراه ساخت. آیا نمیدانستید؟

﴿٦٣﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

این است همان دوزخیکه وعده داده میشدید.

﴿٦٤﴾ أَصَلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

امروز در آن درآید، به سبب آنکه کافر بودید.

﴿٦٥﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امروز بر دهن شان مهر می نهیم، و دست های شان با ما سخن گویند و پاهای شان به آنچه میکردند گواهی میدهند.

﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ

اگر بخواهیم چشمان ایشانرا محو میکنیم. (گیریم که) برای پیمودن راه راست پیشدستی کردند، از کجا (راه را) می بینند؟

﴿٦٧﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

و اگر بخواهیم، ایشان را جابجا مسخ میکنیم. در آنصورت نه به راه خود ادامه داده میتوانند، و نه هم باز گشته میتوانند.

﴿٦٨﴾ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۗ أَفَلَا يَعْقِلُونَ

و هرکرا عمر دراز میدهیم، او را در خلقت او به ناتوانی (اولی اش) باز میگردانیم. آیا نمی فهمند؟

﴿٦٩﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ

ما به او (یعنی پیامبر) شعر نیاموختیم، و نه این کار شایسته اوست، این (کتاب) نیست مگر پندی و قرآن روشن بیان.

﴿٧٠﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

تا کسی را که زنده است بترساند، و بر کافران الزام آور شود.

﴿٧١﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ

آیا نمی بینند که ما بر ایشان از (جمله) چیزهاییکه دستهای ما آنها ساخته است چارپایانی آفریدیم، و (باز) ایشان مالک آنهاند؟

﴿٧٢﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

این (چارپایان) را رام شان ساختیم، که برخی از آنها (وسیله) سواری شان است و از برخی از آنها میخورند.

﴿٧٣﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

و در آنها برای شان منفعت ها و نوشیدنی هایی است، پس آیا شکر نمیکنند؟

﴿٧٤﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُم يُنصَرُونَ

و جز خدا معبودان (دیگری) گرفتند، به این امید که یاری شوند.

﴿٧٥﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُم جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ

(واقعیت اینست که) اینها توان یاری دادن شانرا ندارند، و اینان (یعنی این بت پرستان) بر ایشان لشکری است، (برای افتادن به دوزخ) آماده شده.

﴿٧٦﴾ فَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ ۚ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

پس گفتارشان ترا اندوهگین نسازد. بیگمان آنچه را ایشان پنهان میدارند و آنچه را آشکار میسازند میدانیم.

﴿٧٧﴾ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

آیا انسان نمیبیند که ما او را از نطفه ای آفریدیم؟ با این هم، او خصومت کننده آشکار است.

﴿٧٨﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ

و برای ما مثلی زد، و (منشاء) آفرینش خودش را فراموش کرده گفت: «چه کسی میتواند استخوان ها را، در حالیکه پوسیده است، زنده سازد؟»

﴿٧٩﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

بگو: «آنها را همان کسی زنده میسازد که در اول بار آنها را آفریده است، و او به هر آفرینشی داناست.»

﴿٨٠﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّن الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ

(ذاتی) که برای شما از درخت سبز آتشی آفرید، و شما از آن (آتش) می افروزید.

﴿٨١﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ

الْعَلِيمُ

آیا آنکه آسمانها و زمین را آفرید، قادر نیست که مثل آنها را بیافریند؟ آری، (او تواناست) و اوست آفریننده دانا.

﴿٨٢﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

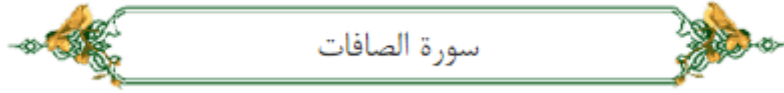
بیگمان فرمان وی (این است که) چون چیزی را اراده کند، برایش میگوید "شو!" و آن چیز (فوراً) میشود.

﴿٨٣﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

پس پاک است ذاتیکه مالکیت و فرمانروایی همه چیزها به ید اوست، و بسوی او باز گردانیده میشوید.

(۳۷) سوره الصافات:

این سوره مکی و دارای (۱۸۲) آیه است و صافات به معنی صف کشندگان ، فرشتگان صف کشیده میباشد. این سوره به جهت افتتاح با سوگند الهی به فرشتگان صف کشیده به صافات نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا

سوگند به آن (فرشتگانی) که بگونه (منظمی) صف کشیده اند.

﴿۲﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا

و باز سوگند به آنیکه (به گونه نیرومندی انسان را از اعمال ناشایسته) باز میدارند.

﴿۳﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا

و باز سوگند به آنیکه ذکر را تلاوت میکنند.

﴿۴﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

بیگمان خدای شما یکتاست.

﴿۵﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، و پروردگار مشرقها.

﴿۶﴾ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَبِينَةِ الْكَوَاكِبِ

ما بیگمان نزدیکترین آسمان را به زیور ستارگان بیاراستیم.

﴿۷﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ

و (نیز) برای نگهداری از هر شیطان سرکش.

﴿۸﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

(از اینرو) نمیتوانند به (سخنان) عالم بالا گوش فرا دهند، و از هر سو (با تیرهای شهابی) زده میشوند.

﴿۹﴾ دُحُورًا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ

تا رانده شوند و بر ایشان عذاب همیشگی است.

﴿١٠﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعُهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

جز آنکه (خبر) ربودنی را برآید، و در دم (تیر) شهابی سوزانی او را تعقیب کند.

﴿١١﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمَ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا ۗ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّازِبٍ

و از ایشان بپرس (که) آیا آفرینش اینها دشوارتر است، یا چیزهای (دیگر) را که آفریده ایم؟ بیگمان ایشان را از گل چسپیده ای آفریده ایم.

﴿١٢﴾ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ

بلکه تو در شگفتی و آنها تمسخر میورزند.

﴿١٣﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

و هنگامیکه پند داده شوند، پند نمیگیرند.

﴿١٤﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ

و چون نشانه ای را ببینند تمسخر میکنند.

﴿١٥﴾ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و میگویند: « این جز جادوی آشکاری نیست. »

﴿١٦﴾ أَأَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنَّا لَمَبْعُوثُونَ

آیا هنگامیکه مردیم، خاک شدیم و (مشتی) استخوان گردیدیم، آیا باز برانگیخته میشویم؟

﴿١٧﴾ أَوَابَاؤُنَا الْأَوْلُونَ

یا پدران نخستین ما (برانگیخته میشوند)؟

﴿١٨﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ

بگو: « بلی، به خواری و ذلت (برانگیخته) میشوید. »

﴿١٩﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ

این صرف صدای (مهبیبی) است، ایشان ناگاه (منظره قیامت را) می بینند.

﴿٢٠﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ

و میگویند: « وای بر ما، اینست روز جزا! »

﴿٢١﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

(به ایشان گفته میشود): « این همان روز فیصله است، (روزیکه) آنرا تکذیب میکردید. »

﴿٢٢﴾ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ

ستمکاران، همسران، (همکاران و همردیفان) و معبودان شانرا جمع کنید.

﴿۲۳﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ

(چیزهایی را) که جز خدا می پرستیدند، پس ایشان را به راه دوزخ سوق دهید.

﴿۲۴﴾ وَقَفُوهُمْ ۗ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ

و ایشانرا نگاه دارید، حقا که ایشان مسؤول اند.

﴿۲۵﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ

و شما را چه شده که یکدیگر را کمک نمی کنید؟

﴿۲۶﴾ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ

بلکه ایشان در آن روز تسلیم شونده اند.

﴿۲۷﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

و به یکدیگر رو آوردند، و از هم می پرسیدند.

﴿۲۸﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

(بعضی شان به بعضی دیگر) میگفتند: « شما بودید که (ظاهراً) با خیرخواهی پیش ما می آمدید. »

﴿۲۹﴾ قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

گفتند: « بلکه شما (خود) مسلمان نبودید. »

﴿۳۰﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ ۗ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ

و ما بر شما هیچ تسلطی نداشتیم، بلکه شما خود مردمی سرکش بودید.

﴿۳۱﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا ۗ إِنَّآ لَذٰئِقُونَ

اکنون بر ما اجرای حکم پروردگار ما لازم شد، و یقیناً (عذاب را) چشیدنی هستیم.

﴿۳۲﴾ فَأَغْوَيْنَاكُمْ ۗ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ

شما را گمراه کردیم، حقا که ما گمراه بودیم.

﴿۳۳﴾ فَأَنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

پس درین روز ایشان در عذاب شریک اند.

﴿۳۴﴾ إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

بیگمان ما با مجرمان به این گونه معامله میکنیم.

﴿۳۵﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

(آری) ایشان چنین بودند، چون به آنها گفته میشد «جز خدا معبودی نیست،» تکبر می ورزیدند.

﴿۳۶﴾ وَيَقُولُونَ أَيُّنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ

و میگویند: «آیا خدایان خود را به خاطر شاعر دیوانه ترک گوییم؟»

﴿۳۷﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ

(این درست نیست) بلکه او به حق آمده است، و پیامبران (پیشین) را تصدیق کرده است.

﴿۳۸﴾ إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ

بیگمان شما عذاب دردناکی را چشیدنی هستید.

﴿۳۹﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و جز (در برابر) اعمالیکه مرتکب میشدید مجازات نمیشوید.

﴿۴۰﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

مگر بندگان مخلص خداوند (از عذاب برکنار اند).

﴿۴۱﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ

این گروه بر ایشان روزی معلومی مقرر است.

﴿۴۲﴾ فَوَاكِهُ ۖ وَهُمْ مُكْرَمُونَ

(انواع) میوه ها، و ایشان محترم اند.

﴿۴۳﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

در بهشت های سرشار از نعمت.

﴿۴۴﴾ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

بر تخت هایی روبروی یکدیگر (قرار دارند).

﴿۴۵﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ

(دمادم) جامی از شراب صافی به ایشان پیش کرده میشود.

﴿۴۶﴾ بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ

(شرابی) سفید (یعنی روشن)، لذت بخش برای نوشندگان.

﴿۴۷﴾ لَا فِيهَا عَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْفَوْنَ

نه در آن سرگرانی است، و نه هم ایشان بیخود میشوند.

﴿۴۸﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ

و از همسرانی (پاکدامن) برخوردارند، که نگاه خود را از دیدن بیگانه نگاه داشته، (و) چشمان درشت (و زیبا) دارند.

﴿٤٩﴾ كَانَهُنَّ بَيِّضٌ مَّكْنُونٌ

(در پاکیزگی و صفایی) همچون تخمی (اند که زیر سینه مرغ) محفوظ (مانده) است.

﴿٥٠﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

در این حال، برخی رو به برخی دیگر آورده پرسش کنان (به صحبت خود دوام میدهند).

﴿٥١﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ

یکی از آنها میگوید: « من (در دنیا) همنشینی داشتم. »

﴿٥٢﴾ يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ

که (به من) میفگت: « آیا تو از تصدیق کنندگان (این سخن) هستی؟ »

﴿٥٣﴾ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَدِينُونَ

که چون بمیریم و خاک و (مشتی) استخوان شویم، جزاء داده خواهیم شد؟

﴿٥٤﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ

پس میگوید: « آیا میخواهید به او سری بکشید؟ »

﴿٥٥﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

پس به او سری میکشد، او را در وسط دوزخ می بیند.

﴿٥٦﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ

میگوید: « سوگند به خدا، که نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بیندازی. »

﴿٥٧﴾ وَوَلَا نِعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

اگر فضل پروردگار من نمی بود، من (نیز) یقیناً در میان احضار شدگان (عذاب) میبودم.

﴿٥٨﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَبِيتِينَ

آیا درست است که ما مردنی نیستیم؟!

﴿٥٩﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدَّبِينَ

جز مرگ اول ما؟ (آری) و ما مجازات (هم) نمیشویم؟!

﴿٦٠﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

بیگمان این همان پیروزی بزرگ است.

﴿٦١﴾ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ

برای (دستیابی به) این چنین (پیروزی) باید تلاش کنندگان بکوشند.

﴿٦٢﴾ أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ

آیا این (نعمت ها) بحيث مهمانی بهتر است یا درخت زقوم؟

﴿٦٣﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

بیگمان این (درخت زقوم) را عقوبتی برای ستمگاران گردانیده ایم.

﴿٦٤﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

این درختی است که در قعر دوزخ میروید.

﴿٦٥﴾ طَلَعَهَا كَأَنَّه رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

شگوفه های آن مانند کله های شیطانهاست.

﴿٦٦﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

براستی که ایشان از آن می خورند، و با آن شکم های خود را پر میکنند.

﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

و در پی آن، برای ایشان آمیختنی است از آب جوشان (بحیث نوشیدنی).

﴿٦٨﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ

سپس بیگمان بازگشت ایشان به دوزخ است.

﴿٦٩﴾ إِنَّهُمْ أَفْوَاءُ أَبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

یقیناً ایشان پدران خویش را گمراه یافتند.

﴿٧٠﴾ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ

و اکنون ایشان بر نقش قدم آنها می شتابند.

﴿٧١﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ

و یقیناً پیش از ایشان (نیز) بسا از پیشینیان گمراه شدند.

﴿٧٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنْذِرِينَ

واقعاً در میان شان بیم دهندگانی را فرستادیم.

﴿٧٣﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ

پس ببین سرنوشت بیم داده شدگان چه بود؟

﴿٧٤﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

مگر بندگان مخلص خدا.

﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ

باری، نوح به (حضور) ما دعا کرد، و ما نیک اجابت کننده ایم.

﴿٧٦﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

او و کسانش را از آن بلیهٔ بزرگ نجات دادیم.

﴿٧٧﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ

و تنها دودمان او، هم ایشان را باقی گذاشتیم.

﴿٧٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و بر او در (میان) آیندگان این (رسم) را گذاشتیم.

﴿٧٩﴾ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

که « سلام بر نوح در جهانیان. »

﴿٨٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

(آری) ما به اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

﴿٨١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

بیگمان او از بندگان مؤمن ماست.

﴿٨٢﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخَرِينَ

سپس دیگران را غرق گردانیدیم.

﴿٨٣﴾ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ

بیگمان ابراهیم از پیروان او بود.

﴿٨٤﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

چون با قلبی سلیم به حضور پروردگار خویش آمد.

﴿٨٥﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

هنگامیکه به پدر و قوم خود گفت: « چه چیز را می پرستید؟ »

﴿٨٦﴾ أَئِفْكَآ آلهةَ دُونِ اللَّهِ تُرِيدُونَ

آیا جز خدا معبودان دروغین را می جویید؟

﴿۸۷﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

پس گمان شما به پروردگار عالمیان چیست؟

﴿۸۸﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ

سپس (برای چاره جویی) نگاهی به ستارگان کرد.

﴿۸۹﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

و گفت: « واقعاً بیمارم. »

﴿۹۰﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

آنگاه از وی روی برتافتند، در حالیکه او را پشت سر گذاشتند.

﴿۹۱﴾ فَرَاغَ إِلَى آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

او (با استفاده ازین فرصت) بسوی معبودان شان رفت، و (با اشاره به خوردنی هایی که آنجا بود) گفت: « چرا نمی خورید؟ »

﴿۹۲﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

شما را چه شده که حرف نمی زنید؟

﴿۹۳﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ

و درین حال، بر ایشان ضربه شدیدی با دست راست وارد کرد.

﴿۹۴﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ

(چون این حال را دریافتند،) بسوی او با شتاب روی آوردند.

﴿۹۵﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ

گفت: « آیا چیزی را که (خود) میتراشید پرستش میکنید؟ »

﴿۹۶﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

در حالیکه خدا هم شما و هم چیزی را که میسازید آفریده است.

﴿۹۷﴾ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ

قومش گفتند: « برای او بنایی (آتشخانه ای) بسازید، و سپس او را در آن انبار آتش بیفکنید. »

﴿۹۸﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

به این ترتیب، خواستند طرح (نابودی) او را بریزند، ولی ما ایشانرا سخت ناکام ساختیم.

﴿۹۹﴾ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ

و گفت: « (راه هجرت را پیش میگیرم و) بسوی پروردگار خود میروم، (او خود) مرا رهیاب خواهد ساخت. »

﴿۱۰۰﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

(چون به هجرتگاه خویش رسید، با تضرع گفت: « پروردگرم، به من (فرزندی) از (زمره) نیکوکاران عنایت کن. »

﴿۱۰۱﴾ فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

درینحال ما به او فرزند بردباری را مژده دادیم.

﴿۱۰۲﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا

أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۚ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

چون به سنی رسید که با او در تلاش و تکاپویش همراهی میکرد، گفت: « ای بچه گکم، بخواب می بینم که ترا ذبح میکنم. پس ببین که رأی تو چیست؟ » گفت: « ای پدرم، آنچه به تو امر میشود، انجام ده! به خواست خدا مرا از شکیبایان خواهی یافت. »

﴿۱۰۳﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ

چون (به این حکم) تن در دادند، او را به پیشانی او (به زمین) انداخت.

﴿۱۰۴﴾ وَنَادَيْنَاهُ أَن يَا إِبْرَاهِيمُ

و به او ندا کردیم: « ای ابراهیم! »

﴿۱۰۵﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا ۚ إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

خوابی را که دیدی واقعاً راست کردی. حقا که نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم.

﴿۱۰۶﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

بیگمان این رویداد آزمایش آشکاری بود.

﴿۱۰۷﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

و گوسفند بزرگی را فدای او کردیم.

﴿۱۰۸﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و بر او در نسلهای بعدی (این را) گذاشتیم که:

﴿۱۰۹﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

« سلام بر ابراهیم. »

﴿۱۱۰﴾ كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

(حقا که) نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

﴿۱۱۱﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

بیگمان او از بندگان مؤمن ماست.

﴿۱۱۲﴾ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

و او را به اسحق، پیامبر صالح، مژده دادیم.

﴿۱۱۳﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ

بر او و بر اسحق برکت نهادیم، و از دودمان شان (برخی) نیکوکار، و (برخی هم) بر خویش بگونه آشکاری ستم پیشه‌اند.

﴿۱۱۴﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

بیگمان بر موسی و هارون منت گذاشتیم.

﴿۱۱۵﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ

و ایشان و قوم شانرا از (آن) اندوه بزرگ نجات دادیم.

﴿۱۱۶﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

ایشان را یاری دادیم، و (در نتیجه بر دشمنان خود) پیروز شدند.

﴿۱۱۷﴾ وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

و به ایشان کتاب روشن را دادیم.

﴿۱۱۸﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

و ایشان را به راه راست هدایت کردیم.

﴿۱۱۹﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ

و برای ایشان در نسلهای بعدی (این را) گذاشتیم که:

﴿۱۲۰﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

« سلام بر موسی و هارون. »

﴿۱۲۱﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

حقا که نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

﴿۱۲۲﴾ إِنَّهُمْ مِّنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

ایشان واقعاً از بندگان مؤمن ما هستند.

﴿١٢٣﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

و بیگمان، الیاس از پیامبران بود.

﴿١٢٤﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ

چون به قوم خود گفت: « آیا از خدا نمی ترسید؟ »

﴿١٢٥﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

آیا "بعل" را می پرستید؟ و (پرستش) نیکوترین آفرینندگان را میگذارید؟

﴿١٢٦﴾ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

خدایی را که پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست.

﴿١٢٧﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

پس او را تکذیب کردند، و یقیناً ایشان (برای عذاب) احضار شدند اند.

﴿١٢٨﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

جز بندگان مخلص خدا (که تکذیب نکردند).

﴿١٢٩﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

بر او در نسلهای بعدی اینرا گذاشتیم که:

﴿١٣٠﴾ سَلَامٌ عَلَيَّ إِلَى يَأْسِينَ

« سلام بر الیاسین. »

﴿١٣١﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

حقا که نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم.

﴿١٣٢﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

حقا که او از بندگان مؤمن ماست.

﴿١٣٣﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

بیگمان لوط از پیامبران بود.

﴿١٣٤﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

چون او و اهلس همه را نجات دادیم.

﴿١٣٥﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

جز پیرزالی را که در زمرة باقیمانندگان بود.

﴿۱۳۶﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ

سپس دیگران را نابود کردیم.

﴿۱۳۷﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ

شما بر (خرابه های) ایشان صبحگاهان میگذرید.

﴿۱۳۸﴾ وَبِاللَّيْلِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و در شب نیز. آیا نمی اندیشید؟

﴿۱۳۹﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

و بیگمان یونس از پیامبران است.

﴿۱۴۰﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

چون به کشتی مشحون (از بار و نفر) گریخت.

﴿۱۴۱﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

و (با اهل کشتی) قرعه انداخت، و از لغزیدگان بود.

﴿۱۴۲﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ

او را ماهی بزرگی بلعید، و او ملامت بود.

﴿۱۴۳﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

و اگر او به تسبیح {۱} مشغول نمی بود،

{۱} یاد خدا؛

﴿۱۴۴﴾ لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُعْتَبُونَ

بیگمان تا روز رستاخیز در شکم آن باقی میماند.

﴿۱۴۵﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ

پس او را به دشت بی آب و گیاهی انداختیم، و او بیمار بود.

﴿۱۴۶﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ

بر او جلنگی (یعنی بته ای) از کدو را رویاندیم.

﴿۱۴۷﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

و او را به سوی صد هزار (نفر) یا بیشتر از آن فرستادیم.

﴿۱۴۸﴾ فَأَمَّنُوا فَمَرَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ

پس ایمان آوردند، و ایشانرا تا مدتی (از مواهب زندگی) بهره ور ساختیم.

﴿۱۴۹﴾ فَاسْتَفْتِهِمَ أَلَرَّبُّكَ أَلْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ

باری، از مشرکان بپرس: « (آیا درست است که) پروردگارت دخترانی دارد و ایشان پسرانی؟ »

﴿۱۵۰﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ

یا ما فرشتگان را زن آفریدیم، و ایشان حاضر بودند؟

﴿۱۵۱﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ أَفْكِهَمُ لَيَقُولُونَ

ملفت باشید! حتماً ایشان به اساس افترای خویش میگویند:

﴿۱۵۲﴾ وَلَدَ اللَّهِ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

« خدا فرزند آورد. » و ایشان واقعاً دروغ گویند.

﴿۱۵۳﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

آیا (خدا) دختران را به پسران برگزیده؟

﴿۱۵۴﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

شما را چه شده؟ چگونه حکم میکنید؟

﴿۱۵۵﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

پس آیا نمی اندیشید؟

﴿۱۵۶﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ

یا دلیل روشنی دارید؟

﴿۱۵۷﴾ فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

پس همان کتاب خویش را (که به شما وحی آمده) بیاورید، اگر راست میگویید؟

﴿۱۵۸﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا ۗ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

و بین خداوند و بین جنیان نسب قرار دادند. در حالیکه جنیان میدانستند که ایشان حتماً (برای عذاب) احضار میشوند.

﴿۱۵۹﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

خداوند پاکست از چیزهای که به او نسبت میدهند.

﴿۱۶۰﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

مگر بندگان مخلص خدا (که ازین عذاب برکنار اند).

﴿۱۶۱﴾ فَأَنْتُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

پس نه شما و نه (هم) چیزی که آنرا میپرستید...

﴿۱۶۲﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ

هرگز برخلاف (اراده) او (کسی را) فتنه انگیزی کرده نمیتوانند.

﴿۱۶۳﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

جز کسی را که داخل شونده دوزخ است.

﴿۱۶۴﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ

(فرشتگان) میگویند: «هیچ یک از ما نیستیم مگر آنکه برای او مقام معینی است.»

﴿۱۶۵﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ

و بیگمان ما در صفهای (منظم) قرار داریم.

﴿۱۶۶﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

و این ماییم که (خدا را) به پاکی یاد میکنیم.

﴿۱۶۷﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ

ایشان (یعنی مشرکان قریش) بیگمان میگفتند:

﴿۱۶۸﴾ لَوْ أَنْ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ

«اگر نزد ما (نیز) کتابی از پیشینیان میبود،»

﴿۱۶۹﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

«بیگمان از بندگان برگزیده خدا میبودیم.»

﴿۱۷۰﴾ فَكَفَرُوا بِهِ ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

اما (حالا که قرآن به ایشان آمد) از آن انکار کردند، ولی به زودی خواهند فهمید.

﴿۱۷۱﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

و بیگمان حکم ما در مورد بندگان مرسل ما (در ازل) صادر شده است که:

﴿۱۷۲﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

واقعاً هم ایشانند پیروزمند.

﴿۱۷۳﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

و بیگمان لشکر ما، هم ایشان اند غالب.

﴿١٧٤﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

پس تو از ایشان تا مدتی روی برتاب.

﴿١٧٥﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

و (حال) ایشان را ببین، و ایشان (نیز) بزودی خواهند دید.

﴿١٧٦﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا عذاب ما را به شتاب میطلبند؟

﴿١٧٧﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ

چون به دیارشان (عذاب) نازل شود، پس بد است صبحگاهان بیم داده شدگان!

﴿١٧٨﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

و از ایشان تا مدتی روی برتاب.

﴿١٧٩﴾ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

و (حال) شان را ببین، و ایشان (نیز) بزودی خواهند دید.

﴿١٨٠﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

پاکست پروردگار تو، پروردگار (صاحب) عزت، از وصف هاییکه به او نسبت میدهند.

﴿١٨١﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

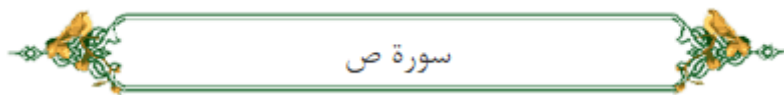
و سلام بر پیامبران.

﴿١٨٢﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان.

(۳۸) سوره ص:

این سوره مکی و دارای (۸۸) آیه است و ص یکی از حروف مقطعه قرآن مجید است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ ص ۱۰۰ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ

ص. به قرآن والا مرتبه سوگند (که این کتاب حق است).

﴿۲﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ

اما کافران گرفتار سرکشی و تفرقه جویی اند.

﴿۳﴾ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَّالَاتٍ حِينَ مَنَاصٍ

ای بسا نسل هایی را (که) پیش از ایشان (بودند) هلاک گردانیدیم، (چون عذاب ایشانرا فرا گرفت) فریاد میزدند، اما آن وقت موقع خلاصی شان نبود.

﴿۴﴾ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ۗ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ

و ازین در شگفت شدند که از میان خودشان بیم دهنده ای به ایشان آمد، و کافران گفتند: « این جادوگر بسیار دروغگویی است. »

﴿۵﴾ أَجْعَلُ الْإِلَهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا ۗ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ

آیا وی (همه) خدایان را خدایی یکتا قرار داده؟ این واقعاً چیز شگفت انگیزی است!

﴿۶﴾ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ ۗ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ

و کلان شوندگانی از ایشان (یعنی قریش) رفتند (و با خویش میگفتند): « بروید به (پرستش) معبودان خویش ثابت قدم باشید. این واقعاً چیزی است پیشبینی شده. »

﴿۷﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ

ما هرگز چنین چیزی را درین ملت واپسین نشنیده ایم، این افترائی بیش نیست.

﴿۸﴾ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي ۗ بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابِ

« آیا از میان همه ما به او وحی نازل شده است؟ » واقعیت امر اینست که ایشان در مورد این وحی من به شک افتاده اند، بلکه هنوز (طعم) عذاب را نچشیده اند.

﴿۹﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

آیا خزانه های مرحمت پروردگار صاحب قدرت منیع (و) بخشاینده تو در نزد ایشان است؟

﴿۱۰﴾ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ

یا سلطنت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن ایشان است؟ (اگر چنین است) پس به (این) وسایل بالا شوند.

﴿۱۱﴾ جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ

(بلکه) ایشان لشکر تباه شده ای از احزاب اند.

﴿۱۲﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ

پیش از ایشان، قوم نوح، عاد و فرعون، صاحب عمارات کوه پیکر، (پیامبران را) تکذیب کردند.

﴿۱۳﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۗ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ

و (نیز) ثمود، قوم لوط و مردم آیکه - همه این گروهها.

﴿۱۴﴾ إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابُ

واقعیت اینست که هر یک از ایشان پیامبران را تکذیب کردند، پس عذاب (بر ایشان) ثابت گردید.

﴿۱۵﴾ وَمَا يَنْظُرُ هُلُولًا إِلَّا صِيحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ

اینها (نیز) جز آواز مرغزایی را انتظار نمیکشند، که هرگز برای آن مهلتی نیست.

﴿۱۶﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

گفتند: « پروردگارا برای ما بهره (عذاب) را از روز حساب پیش انداز. »

﴿۱۷﴾ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۗ إِنَّهُ أَوَّابٌ

به گفته های شان شکیبا باش. داؤد بنده صاحب دسترس (یعنی نیرومند) ما را بیاد آر، او واقعاً سخت توبه کار بود.

﴿۱۸﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

بیگمان کوهها را مسخر ساختیم، تا با او شامگاهان و صبحگاهان به تسبیح پردازند.

﴿۱۹﴾ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۗ كُلُّ لَّهُ أَوَّابٌ

و مرغان را (نیز) به گونه یکجای مسخر ساختیم. همه برای او باز گردنده بودند (یعنی همه به دور او جمع میشدند).

﴿۲۰﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ

سلطنت او را مستحکم ساختیم، و برایش (هم) حکمت ارزانی کردیم و (هم) قوه) افاده روشن.

﴿۲۱﴾ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

آیا داستان خصومتگران به تو رسیده است، چون ایشان از محراب بالا رفتند؟

﴿۲۲﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلٰی دَاوُودَ فَفَرَعَ مِنْهُمْ ۗ قَالُوا لَا تَخَفْ ۗ خَضَمَانِ بَعَى بَعْضُنَا عَلٰی بَعْضٍ

فَاَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ

هنگامیکه (بیخبر) بر داؤد داخل شدند، و (داؤد) از ایشان ترسید. گفتند: « مترس، دعویٰ گرانی هستیم که یکی از ما بر دیگری تجاوز کرده است. پس در میان ما به انصاف حکم کن، و ستم منما، و ما را به راه راست هدایت کن. »

﴿۲۳﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

این برادر منست که نود و نه میش دارد، و من تنها یک میش دارم. به من گفته است که آنرا (نیز) به من تسلیم کن، و در گفتگو بر من غلبه کرده است.

﴿۲۴﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ

بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿۲۵﴾

(داؤد) گفت: « واقعاً به خواستن میش تو بر (افزونی) میشهایش بر تو ستم کرده است. وای بسا از شریکان که برخی بر برخی ستم میکنند، جز کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، و ایشان بسیار اندک اند. » و داؤد دانست که او را آزمودیم. لذا از پروردگارش آمرزش خواست، و با فروتنی به درگاه خدا روی آورد.

﴿۲۵﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ ۗ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ

برای او این عملش را بخشیدیم، بیگمان برای او نزد ما مقامی والا و بازگشتی نیکو است.

﴿۲۶﴾ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا الْحِسَابَ

ای داؤد، ما ترا در روی زمین خلیفه گردانیدیم. پس در میان مردم به حق حکم کن، و از هوا (نفس) پیروی منما، که ترا از راه خدا منحرف میسازد. کسانی که از راه خدا منحرف میشوند، بیگمان برای شان عذاب شدید است، به سبب آنکه روز حساب را فراموش کردند.

﴿۲۷﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۗ ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

مِنَ النَّارِ

آسمان، زمین و آنچه را در میان آنهاست بیهوده نیافریدیم. این پندار کافران است (که گمان میکنند همه چیز بیهوده میباشد). پس وای بر کافران از آتش (دوزخ)!

﴿۲۸﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ

كَالْفُجَّارِ

آیا آنانی را، که ایمان آوردند و نیکوکاری ورزیدند، مانند کسانی قرار میدهیم که در زمین دست به تبهکاری میزنند؟ یا پرهیزگاران را در صف بدکاران قرار میدهیم؟

﴿٢٩﴾ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

این کتاب مبارکی است که آنرا به تو نازل گردانیدیم، تا مردم در آیات آن بیندیشند، و تا خردمندان (از آن) پند گیرند.

﴿٣٠﴾ وَوَهَبْنَا لِداوودَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعْمَ الْعَبْدُ ۗ إِنَّهُ أَوَّابٌ

و به داوود، سلیمان را دادیم. (چه) بنده خوبی! او واقعاً (به درگاه خداوند) بسیار رجوع کننده بود.

﴿٣١﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِيَاتُ الْجِيَادُ

چون در عصرگاهان به وی اسپ های اصیل و رهوار عرضه شد.

﴿٣٢﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

گفت: « و من محبت این اسپان اصیل رهوار را بخاطر پروردگار خود دوست میدارم، » تا از نظر ناپدید شدند.

﴿٣٣﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ ۗ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

(آنگاه گفت:) « آنها را به من باز گردانید. » و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید.

﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ ۖ وَالْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ

بیگمان سلیمان را آزمودیم، و بر تخت او جسدی را افگندیم، و سپس (به درگاه خدا) باز گشت.

﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

گفت: « ای پروردگار من، مرا بیامرزد و برایم چنان سلطنتی عطا کن، که بعد از من به هیچکسی نسزد. یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی. »

﴿٣٦﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ

پس باد را برای او رام گردانیدیم، تا مطابق فرمانش به آهستگی و نرمی به هر سو که میخواست میرفت.

﴿٣٧﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ

و شیاطین را، هر معمار و غواصی را.

﴿٣٨﴾ وَآخِرِينَ مُفْرِنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

و گروه دیگری از (آنها) را در غل و زنجیر قرار دادیم.

﴿٣٩﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

اینست عطای ما. پس (میخواهی) منت بگذار یا دست بگیر، (عطای) بیحساب!

﴿٤٠﴾ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ

واقعاً برای او در نزد ما قرب و سرانجامی نیکویی است.

﴿٤١﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ

یاد کن بنده ما ایوب را، چون پروردگارش را ندا کرد به اینکه: « شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. »

﴿٤٢﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ ۗ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ

گفتیم: « به پای خود (زمین را) بکوب، این چشمه (آب) سردی است، (هم) برای غسل و (هم) (برای) آشامیدن.

«

﴿٤٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولِي الْأَلْبَابِ

به او خانواده او و (نیز) همانند شانرا بحیث مرحمتی از جانب خویش عنایت کردیم، و تا این پندی باشد برای مردم هوشمند.

﴿٤٤﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ۗ نَعْمَ الْعَبْدُ ۗ إِنَّهُ أَوَّابٌ

(و گفتیم: « بسته (سیخ و جاروب) را بدست خود بگیر، و به وسیله آن (وی را) بزن، و سوگند خود را مشکن. « بیگمان او را شکیبایافتیم. (چه) بنده خوبی! او واقعاً (بدرگاه خدا) روی آورنده بود.

﴿٤٥﴾ وَادْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ

بندگان ما، ابراهیم، اسحق و یعقوب را بیاد آر، این مردم نیرومند و صاحب بینش را!

﴿٤٦﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ

بیگمان ما ایشانرا به اخلاص براننده‌ای، که همانا یادآوری روز قیامت است، برگزیدیم.

﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ

و بیگمان ایشان در نزد ما از برگزیدگان براننده اند.

﴿٤٨﴾ وَادْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۗ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ

و اسمعیل، یسع، ذالکفل را بیاد آر، همه شان از برگزیدگان بودند.

﴿٤٩﴾ هَذَا ذِكْرٌ ۗ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَّآبٍ

این یاددهانی است، و بیگمان برای پرهیزگاران فرجامی نیکو است.

﴿٥٠﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُّفْتَحَةٌ لَهُمْ الْأَبْوَابُ

بهشتهای جاودانی که دروازه های آنها برای شان گشوده است.

﴿٥١﴾ مُتَّكِنِينَ فِيهَا يُدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ

در آن تکیه زده اند، و (انواع) میوه ها و آشامیدنی ها را فرا می خوانند.

﴿٥٢﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ الْأَتْرَابُ

و از همسران (پاکدامن و) همسن و سالی برخوردارند، که نگاه خود را از دیدن بیگانه نگاه داشته اند.

﴿٥٣﴾ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

این است پاداشیکه برای روز حساب به شما وعده داده میشود.

﴿٥٤﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ

اینست روزی (که از جانب) ما (ارزانی میشود)، و آنرا پایانی نیست.

﴿٥٥﴾ هَذَا ۞ وَإِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَا بٍ

اینست (سرانجام نیکوکاران، ولی) بیگمان برای سرکشان بدترین سرانجام است.

﴿٥٦﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ

دوزخیکه در آن داخل میشوند. پس چه بد آرامگاهی است!؟

﴿٥٧﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقُ

اینست (سزای سرکشان)، پس آنرا بچشند، مایعی جوشان و چرکین.

﴿٥٨﴾ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجُ

و (جز این، سزاهای) دیگر گوناگونی بهمین و تیره (برای شان تطبیق میشود).

﴿٥٩﴾ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۞ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۞ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

این فوجی است که به زور و با فشار با شما (به دوزخ) وارد شونده اند. (درین حال پیشوایان گمراهی میگویند): « به ایشان حضور خوشآیندی نیست، بیگمان ایشان به آتش دوزخ درمیآیند. »

﴿٦٠﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۞ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا ۞ فَبِئْسَ الْقَرَارُ

(بیروان) میگویند: « بلکه به شما (نیز) این حضور خوشآیندی نیست. این شما بودید که این (عذاب دوزخ) را به ما پیش کردید، و چه بد قرارگاهی است! »

﴿٦١﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ

میگویند: « پروردگارا، هر کسی که این حالت را به ما پیش آورده، برای او عذاب دوچندانی را در آتش بیفز. »

﴿٦٢﴾ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ

و میگویند: « ما را چه شده که مردانی را نمی بینیم که ایشان را از اشرار می شمردیم؟ »

﴿٦٣﴾ اتَّخَذْنَاَهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ

آیا ما ایشان را (به ناحق) به مسخره می گرفتیم، یا چشمان (ما) ایشان را نمی بیند؟

﴿٦٤﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ

براستی (واقع شدن) جار و جنجال خصمانه اهل دوزخ حق است.

﴿٦٥﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنِّ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

بگو: « بیگمان من جز بیم دهنده ای نیستم، و جز خدای یگانه بسیار غالب معبودی نیست. »

﴿٦٦﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، صاحب قدرت منیع (و) آمرزگار.

﴿٦٧﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

بگو: « این خبر بزرگی است. »

﴿٦٨﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

که شما از آن روگردان هستید.

﴿٦٩﴾ مَا كَانَ لِي مِنِّ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

من از عالم بالا، حینیکه باهم گفت و شنود میکردند، آگاهی ندارم.

﴿٧٠﴾ إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

به من وحی نمیشود مگر (برای) اینکه من بیم دهنده آشکار میباشم.

﴿٧١﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ

وقتی را بیاد آور که پروردگارت به فرشتگان گفت: « من بشر را از گل می آفرینم. »

﴿٧٢﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

هنگامیکه او را برابر کردم، و در او از روح خود دمیدم، به او به سجده افتید.

﴿٧٣﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

پس تمام فرشتگان همگی شان سجده کردند.

﴿٧٤﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

جز ابلیس، که تکبر ورزید و از کافران بود.

﴿٧٥﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي ۖ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ

(خداوند) گفت: « ای ابلیس، چه چیز ترا از سجده به کسی بازداشت که او را من خود آفریده ام؟ آیا تکبر

کردی؟ یا (به پندار خویش) از (جمله موجودات) برتران بودی؟ »

﴿٧٦﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ۖ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

(ابلیس) گفت: « من از او بهترم. مرا از آتش آفریده یی و او را از گل آفریده یی. »

﴿۷۷﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

(خداوند) گفت: « پس تو از اینجا (یعنی بهشت) بیرون رو! بیگمان تو (از درگاه من) رانده شده یی! »

﴿۷۸﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

و تا روز قیامت لعنت من بر تو دوام دارد.

﴿۷۹﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

(ابلیس) گفت: « ای پروردگار من، پس مرا تا روزیکه (مردگان) برانگیخته میشوند، مهلت ده. »

﴿۸۰﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

(خداوند) گفت: « حقا که تو از مهلت داده شدگانی. »

﴿۸۱﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

تا روز (معین و) وقت معلوم.

﴿۸۲﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

(ابلیس) گفت: « قسم به عزت تو که همه ایشانا گمراه میگردانم. »

﴿۸۳﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

مگر بندگان مخلص تو از ایشان (که بر آنها سلطه ای ندارم).

﴿۸۴﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ

(خداوند) گفت: « پس اینست (سخن) حق و من (سخن) حق را میگویم. »

﴿۸۵﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

که یقیناً دوزخ را از تو و از همه کسانی که ترا پیروی کنند پر میکنم.

﴿۸۶﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

بگو: « من از شما (در برابر تبلیغ حق) پاداشی نمیخواهم، و من از تکلف کنندگان نیستم (یعنی شما را به امر

پیچیده ای مکلف نمی سازم). »

﴿۸۷﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

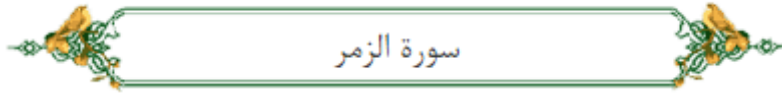
نیست این (قرآن) جز پندی برای (همه) جهانیان.

﴿۸۸﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ

و بیگمان شما به واقعیت آن بعد از مدتی پی میبرید.

(۳۹) سوره الزمر:

این سوره مکی و دارای (۷۵) آیه است و زمر به معنی گروه ها (گروه گروه از دوزخیان و فرشتگان) میباشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

وحی (این) کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۲﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

ما (این) کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس خداوند را پرستش کن و خاص به او بندگی کن.

﴿۳﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ

زُفْقَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

آگاه باش، دین خالص از آن خداست. و آنانیکه جز او (کسانی دیگری) را دوست میگیرند، و (میگویند) « ما اینها را پرستش نمیکنیم، جز برای آنکه ما را به خداوند نزدیکتر گردانند. » بیگمان در چیزیکه ایشان در آن اختلاف میورزند، خداوند در میان شان حکم میکند. و خداوند کسی را که دروغگو و ناسپاس است، هرگز رهیاب نمیسازد.

﴿۴﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ سُبْحَانَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

اگر خدا میخواست فرزندی بگیرد، از آفریدگان خود آنچه را میخواست برمیگزید، ولی خداوند (ازین نسبت ها) منزه است. (و) هم او است خدای یکتای بسیار غالب.

﴿۵﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۗ وَسَخَّرَ

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

آسمانها و زمین را بحق آفرید، شب را به روز می پیچاند و روز را به شب می پیچاند، و آفتاب و ماه را مسخر گردانیده است، هر کدام (ازینها) تا موعدی معین گردش میکند. آگاه باش، اوست صاحب قدرت منیع (و) آمرزگار.

﴿٦﴾ خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ۚ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ۗ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآَنَى تُصْرَفُونَ

شما را از یک تن آفرید، سپس از وی همسر او را آفرید. و برای شما از چارپایان هشت جوره فرو فرستاد. شما را در شکم مادران شما به آفرینشی پس از آفرینشی دیگر هستی می بخشد، در میان تاریکی های سه گانه. اینست خداوند پروردگار شما، پادشاهی از آن اوست، جز او معبودی نیست. پس چگونه منحرف میشوید؟

﴿٧﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ۗ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۗ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

اگر کافر شوید (یعنی ناسپاسی کنید)، پس بیگمان خداوند از شما بی نیاز است، و به کفران (نعمت) بندگان خود خوشنود نمیشود. و اگر سپاس گزارید از شما خوشنود میشود. هیچ بردارنده بار (گناه) دیگری را برنمیدارد. سپس بازگشت شما بسوی پروردگار شماست، و شما را با آنچه میکردید آگاه میسازد. حقا که او به آنچه در سینه هاست دانا میباشد.

﴿٨﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۗ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

و چون به انسان رنجی برسد، به پروردگار خویش روی آورده و (به درگاه او) نیایش میکند. سپس چون به او از نزد خودش نعمتی ارزانی کند، آن نیایشی را که به درگاه او از پیش مینمود، به فراموشی میسپارد، و با خدا همتیانی قرار میدهد، تا (دیگران را نیز) از راه او منحرف سازد. بگو: « (اکنون) برای مدت محدودی از (این روش) کفر (اندود) خویش بهره ور شو، بیگمان تو از اهل آتش (دوزخ) هستی. »

﴿٩﴾ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آیا کسیکه ساعتی (از) شب را به عبادت، سجده و قیام میگذراند، از (محاسبه) روز قیامت میترسد، و به رحمت پروردگار خویش امیدوار است (با مشرک ناسپاسی برابر است)؟ بگو: « آیا آنانیکه میدانند و آنانیکه نمیدانند برابر اند؟ » بیگمان خردمندان پند می پذیرند.

﴿١٠﴾ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۗ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

بگو: « ای بندگان مؤمن، از پروردگار خود بترسید. برای کسانی که درین دنیا خوبی میکنند خوبست، و زمین خدا فراخ است. واقعاً برای صابران مزد بیشماری داده میشود. »

﴿۱۱﴾ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

بگو: « به من امر شده است تا خداوند را باخلاص (و صمیمانه) پرستش کنم. »

﴿۱۲﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

و به من امر شده که از نخستین مسلمانان باشم.

﴿۱۳﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بگو: « اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، واقعاً از عذاب روز بزرگ (یعنی قیامت) میترسم. »

﴿۱۴﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي

بگو: « خدا را می پرستم، در حالی که پرستش من برای او خالص (و صمیمانه) است. »

﴿۱۵﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

پس شما آنچه را جز او می خواهید پرستید. » بگو: « بیگمان زیانکاران کسانی اند که خود و اهل خویشرا در روز قیامت زیانمند ساختند. آگاه باش، اینست همه زیان آشکارا. »

﴿۱۶﴾ لَهُمْ مَنْ فَوْقَهُمْ ظُلٌّ مِنَ النَّارِ وَمَنْ تَحْتَهُمْ ظُلٌّ ۗ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ ۗ يَا عِبَادِ

فَاتَّقُوا

برای ایشان چتری از آتش بر بالای سرشان است، و چتری (نیز) به زیر پای شان. اینچنین خداوند بندگان خود را به این (عذاب) میترساند: « ای بندگان من، پس از من بترسید. »

﴿۱۷﴾ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى ۗ فَبَشِّرْ عِبَادِ

کسانی که از پرستش شیطان اجتناب کردند و به خدا روی آوردند، برای ایشان مژده است. پس آن بندگان را مژده بده.

﴿۱۸﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۗ وَأُولَئِكَ هُمْ أُوْلُو

الْأَبَابِ

آنانی که سخن را میشنوند و بهترین آنرا پیروی میکنند، همینهایند کسانی که خداوند هدایت شان کرده است، و هم ایشان اند خردمند.

﴿۱۹﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ

پس آیا کسی را که بر او حکم عذاب ثابت شده است (میتوانی نجات دهی)؟ یا آیا کسی را که در (میان) آتش (دوزخ) است میتوانی نجات دهی؟

﴿۲۰﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ ۗ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِعَادَ

لیکن کسانی که از پروردگارشان میترسند، برای ایشان (عمارات چندین منزله ای است)، بالاخانه ای بالای بالاخانه ای بنا شده است، که از زیر آنها جویبارها جریان دارد. (چنین است) وعده خداوند. خداوند هرگز وعده خود را خلاف نمیکند.

﴿۲۱﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَبْصَارِ

آیا نمی بینی که خداوند از آسمان آب را فرو فرستاد، پس آنرا به چشمه های زمین جاری ساخت، سپس بوسیله آن کشت های رنگارنگ را برمیآورد، بعد از آن خشک میشود، و او را زرد شده می بینی، بعد از آن آنرا ریزه ریزه میگرداند. بیگمان درین برای خردمندان پندی است.

﴿۲۲﴾ أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ ۗ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

آیا کسی که خداوند سینه او را برای اسلام باز کرده است، و او به روشنایی از جانب پروردگار خویش قرار گرفته است (مانند سختدلان است؟ نه)، پس وای به حال کسانی که در برابر ذکر خداوند دلهای سختی دارند. ایشان در گمراهی آشکار اند.

﴿۲۳﴾ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مّتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

خداوند بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی را که (آیات آن) مشابه (یکدیگر) و دوتایی است، از (شنیدن) آن لرزه بر پوست (اندامهای) کسانی میافتد که از پروردگارشان میترسند. سپس به ذکر خدا آرامش پوست و دلهای خویش را باز می یابند. اینست هدایت خدا که بوسیله آن هرکرا بخواهد رهیاب میگرداند، و کسی را که خداوند گمراه کند برای او هیچ رهنمایی نیست.

﴿۲۴﴾ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

پس آیا کسی که در روز قیامت با ناگواری عذاب (مستقیماً) به روی خود برخورد میکند (با کسی که محفوظ است برابر بوده می تواند)؟ و به ستمگاران گفته میشود: « (مزه) چیزی را که کسب کرده اید بچشید. »

﴿٢٥﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَّاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

کسانیکه پیش از ایشان بودند (نیز کلام حق را) تکذیب کردند، و عذاب از جایی به ایشان رسید که احساس نمیکردند.

﴿٢٦﴾ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

پس خداوند رسوایی را در زندگی دنیوی به ایشان چشاند، و بیگمان عذاب آخرت بزرگتر است، اگر ایشان میدانستند.

﴿٢٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

بیگمان در این قرآن برای مردم هر مثلی را زدیم، تا باشد که پند گیرند.

﴿٢٨﴾ قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

قرآن عربی دور از هر (نارسایی و) کجی، تا باشد که پرهیزگار شوند.

﴿٢٩﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ

لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

خداوندی مردی را که به شریکان مختلفی متعلق است، و مردی را که تنها به یک نفر تسلیم میباشد، مثال زده (و پرسیده که: « آیا این دو بحیث مثال مساوی اند؟ » ستایش مر خدای راست ولی بیشتر ایشان نمیدانند.

﴿٣٠﴾ إِنَّكَ مِيتٌ وَإِنَّهُمْ مِيتُونَ

براستی که تو میمیری، و به راستی که ایشان (نیز) میمیرند.

﴿٣١﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

و باز یقیناً در روز قیامت به حضور پروردگار خود دادخواهی میکنید.

جزء یا سپاره بیست و چهارم - فمن اظلم

﴿٣٢﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

لِلْكَافِرِينَ

پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بر بست و سخن صدق (یعنی قرآن مجید) را، چون به او رسید، تکذیب کرد؟ آیا در دوزخ جایی برای کافران نیست؟!

﴿۳۳﴾ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

آنکه سخن راست را آورد و (آنکه) او را تصدیق نمود، هم ایشانند پرهیزگار.

﴿۳۴﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای ایشان مهیاست. اینست پاداش نیکوکاران.

﴿۳۵﴾ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

تا خداوند از ایشان بدترین اعمال شانرا بزدايد، و ایشانرا به بهترین اعمالیکه انجام می دادند پاداش دهد.

﴿۳۶﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

آیا خداوند به بنده خود بسنده نیست که ترا به کسانی غیر او می ترسانند؟ و کسی را که خداوند گمراه کند، هیچ هدایت کننده ای ندارد.

﴿۳۷﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

و کسی را که خداوند رهیاب سازد هیچ گمراه کننده ای ندارد. آیا خداوند صاحب قدرت منیع و انتقام گیرنده نیست؟

﴿۳۸﴾ وَلَٰكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ ۗ قُلْ

حَسْبِيَ اللَّهُ ۗ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

اگر از ایشان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید، حتماً میگویند "خدا". بگو: « آیا دیدید اگر خدا بخواهد به من زبانی برساند، آنهایکه جز خدا به ایشان نیایش میکنند، این یا آنرا از من برطرف کرده میتوانند؟ یا اگر به من ارادهٔ مرحمتی بفرماید، آیا ایشان رحمت او را بازداشته می توانند؟ » بگو: « خداوند برای من بسنده است. و توکل کنندگان بر او توکل میکنند. »

﴿۳۹﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۗ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

بگو: « ای قوم من، هرچه از دست شما می آید بکنید، من (نیز به وظیفهٔ خود) عمل میکنم. بزودی درخواهید یافت! »

﴿۴۰﴾ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

کیست که برایش عذاب رسواکننده میآید و او را عذاب دوامدار فرا میگیرد؟

﴿٤١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۖ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا ۖ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

بیگمان ما کتاب را بر تو برای مردم به حق نازل کردیم. پس هر کسیکه رهیاب شد، به (نفع) خود او است. و هر
کسیکه گمراه شد، به زیان خود او میشود، و تو ذمه دار ایشان نیستی.

﴿٤٢﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا
الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

خداوند ارواح را هنگام مرگ میگیرد، و آنرا که در خواب خویش بوده (و) نمرده است (نیز). پس روح کسی را که
مرگ را بر او حکم کرده (جدا از کالبد او) نگه میدارد، و روح آندیگر را (که بر او حکم مرگ نشده به کالبد او) باز
میفرستد تا زمان معینی. بیگمان در اینها برای مردم اندیشمند نشانه هایست.

﴿٤٣﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۖ قُلْ أُولَٰئِكَ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

آیا دیگران را جز خدا شفیع گرفته اند؟ بگو: «آیا اگر ایشان هیچ قدرتی نداشته باشند و (هیچ خیری را)
نفهمند؟!»

﴿٤٤﴾ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

بگو: «شفاعت به تمام و کمال از آن خدا است. (اکنون هم) پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، (و) سپس
(در آخرت نیز) بسوی او باز گردانیده میشود.»

﴿٤٥﴾ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ
إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

و چون خدا تنها ذکر کرده شود، دلهای آنانیکه به آخرت ایمان نمی آرند می رمد و هراسان میشود، (ولی) چون
دیگران جز او ذکر کرده شوند، درین حال است که (این نامسلمانان) شادمان میشوند.

﴿٤٦﴾ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

بگو: «خداوندا، ای آفریننده آسمانها و زمین، (و) داننده پنهان و آشکارا، تویی که میان بندگان خود در آنچه
اختلاف می ورزیدند حکم میکنی.»

﴿٤٧﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ ۖ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

اگر واقعاً همه وسایلیکه در روی زمین وجود دارد، و (حتی) دوچند آن به دسترس ستمگاران قرار داده شود، آنرا برای (رفع) قسمتی از سختی عذاب روز قیامت فدیة میدهند، ولی بر ایشان (در اثر عذابی که) از جانب خدا (عاید میشود) چنان حالتی بوجود می آید که هرگز گمان نمیکردند.

﴿٤٨﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

درین حالت است که بدی اعمالی که مرتکب میشدند به ایشان ظاهر میشود، و بر ایشان عذابی که به آن تمسخر میکردند احاطه مینماید.

﴿٤٩﴾ فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ ۗ بَلْ هِيَ

فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

چون به انسان سختی میرسد، ما را میخواند. و باز چون او را نعمتی از جانب خود عطاء کنیم، میگوید: « بیگمان از سبب دانشی (که دارم) آنرا بدست آوردم. » (نخیر) بلکه این آزمایشی است ولی اکثر ایشان نمیدانند.

﴿٥٠﴾ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بیگمان کسانی که پیش از ایشان بودند (نیز) چنین گفتند، ولی اعمالی که انجام میدادند (عذاب را) از ایشان دفع نکرد.

﴿٥١﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۗ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ

بِمُعْجِزِينَ

و به جزای اعمال ناشایسته خویش رسیدند؛ ستمگاران - این مشرکان (نیز) - جزای اعمال ناشایسته خویشرا می بینند، و ایشان هرگز عاجز ساخته نمی توانند (یعنی تقدیر خدا را تغییر داده نمیتوانند).

﴿٥٢﴾ أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا ندانستند که خداوند روزی را به هر که بخواهد فراخ میکند یا تنگ میسازد؟ بیگمان در این برای کسانی که ایمان دارند نشانه هایی است.

﴿٥٣﴾ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بگو: « ای بندگان من، که بر خود ستم کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید! بیگمان خداوند همه گناهان را می آمرزد. بیگمان هم او است آمرزگار (و) مهربان. »

﴿٥٤﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

و به پروردگار خویش رجوع کنید، و به او تسلیم شوید، پیش از اینکه عذاب به سراغ شما بیاید، و باز یاری داده نشوید.

﴿٥٥﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَعْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

و (این) بهترین سخنی را که از نزد پروردگار شما به شما نازل شده پیروی کنید، پیش از اینکه به شما ناگهان عذاب بیاید و شما آگاه نباشید.

﴿٥٦﴾ أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ

(پیش از آنکه) کسی بگوید: « ای وای بر من، که در حق خدا کوتاهی کردم. و بیگمان من از تمسخر کنندگان بودم. »

﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

یا بگوید: « اگر خدا مرا هدایت میکرد، یقیناً از پرهیزگاران میبودم. »

﴿٥٨﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

یا هنگامیکه عذاب را می بیند بگوید: « ای کاش به من باز گشتی (میسر) میبود تا از نیکوکاران میشدم. »

﴿٥٩﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

(جواب این خواهد بود): « آری، آیات من به تو آمد، و آنها را تکذیب کردی، و تکبر ورزیدی و از کافران بودی. »

﴿٦٠﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

لِلْمُتَكَبِّرِينَ

در روز قیامت آنانی را که بر خدا دروغ بستند، میبینی که روهای شان سیاه است. آیا برای متکبران در دوزخ جایی نیست؟

﴿٦١﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و خدا پرهیزگاران را با کامیابی ایشان نجات میدهد. به ایشان بدی نمیرسد، و نه (هم) ایشان اندوهگین میشوند.

﴿٦٢﴾ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

خداوند آفریننده هر چیز و سرپرست همه چیزهاست.

﴿٦٣﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

کلیدهای (خزانه های) آسمان ها و زمین از آن اوست، و آنانی که آیات خدا را تکذیب کردند هم ایشان اند زیانکار.

﴿٦٤﴾ قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ

بگو: « ای جاهلان، آیا به من دستور میدهید که جز خدا را پرستش کنم؟ »

﴿٦٥﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ

الْخَاسِرِينَ

بیگمان به تو و به پیشینیان تو وحی شده بود که اگر شرک آوری واقعاً عمل تو حبطه میشود، و بیگمان از زیانکاران میشوی.

﴿٦٦﴾ بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ

بلکه خدا را پرستش کن، و در زمره شکرگزاران باش.

﴿٦٧﴾ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

بِيَمِينِهِ ۗ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

(مشرکان) قدر خدا را طوریکه شایسته اوست ندانستند، (در حالیکه) در روز قیامت همه زمین در قبضه اوست، و آسمانها در ید راست (بلا کیف) او پیچیده میباشد. او پاک و برتر است از چیزهایی که با او شریک می آورند.

﴿٦٨﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ۗ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

و (هنگامیکه) در صور دمیده میشود، (از صدای آن) همه کسانی که در آسمانها و در زمین اند بیهوش شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در صور دمیده میشود، و در آنوقت است که همه مردم ایستاده میشوند، و در انتظار بسر میبرند.

﴿٦٩﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

زمین به نور پروردگار آن روشن، و کتاب (یعنی نامه اعمال) نهاده میشود، و پیامبران و گواهان آورده میشوند، و در میان شان به حق فیصله میشود، و به ایشان ستمی نمیشود.

﴿٧٠﴾ وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

و برای هر کس آنچه انجام داده است پوره داده میشود. و خدا به آنچه ایشان میکنند داناتر است.

﴿٧١﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۗ هَٰذَا هِيَ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ

يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۗ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِن

حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

کافران گروه گروه بسوی دوزخ رانده میشوند. چون به آن برسند، دروازه هایش باز میشود، و نگهبانان آن به ایشان می گویند: « آیا برای شما از میان خود شما پیامبرانی نیامده بودند که برای شما آیات پروردگار شما را

میخواندند و شما را از روبرو شدن به این روز برحذر می گردانیدند؟» میگویند: «آری، ولی حکم عذاب بر کافران متحقق گردید.»

﴿۷۲﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

(به ایشان) گفته می شود: «به درهای دوزخ درآیید، در آن برای همیشه (باقی میمانید). و چه بد است اقامتگاه متکبران؟!»

﴿۷۳﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

و کسانی که از پروردگار خویش ترسیدند، گروه گروه به بهشت برده میشوند، تا اینکه به آنجا میرسند، و دروازه های آن باز میشود، و نگهبانان آن به ایشان میگویند: «سلام بر شما، شادان باشید، به آن جاودانه درآیید.»

﴿۷۴﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ

الْعَامِلِينَ

و میگویند: «ستایش خدای را که وعده خود را برای ما بجا کرد. و ما را وارث زمین (یعنی بهشت) ساخت، که در بهشت به هر جا که بخواهیم جایگزین میشویم. و چه خوب است مزد نیکوکاران؟!»

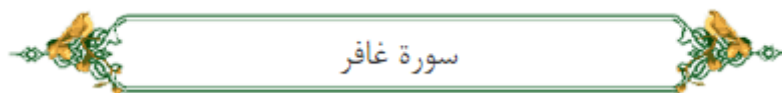
﴿۷۵﴾ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و فرشتگان را می بینی که بر گرد عرش (الهی) حلقه زده اند، به تسبیح و ستایش پروردگار خویش (مشغول اند). و در میان مردم به حق حکم میشود، و گفته میشود: «ستایش مر خدایی را که پروردگار عالمیان است.»

(۴۰) سوره غافر:

این سوره مکی و دارای (۸۵) آیه است و غافر به معنی آمرزنده میباشد و به سبب افتتاح با آیه (غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ) به این نام یاد شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿ ۲ ﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت منیع (و) دانا است.

﴿ ۳ ﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، سخت عذاب کننده، صاحب (فضل و) توانایی است، جز او معبودی نیست، بسوی اوست بازگشت.

﴿ ۴ ﴾ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَعْرُوكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ

در آیات خدا جز کافران هیچ کسی مجادله نمیکند، پس آمد و شد (یعنی قدرت نمایی) ایشان در شهرها ترا فریب ندهد.

﴿ ۵ ﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ ۗ وَجَادَلُوا

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ ۗ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

پیش از ایشان قوم نوح و بعد از آن گروه‌های دیگر حق را) تکذیب کردند. هر امتی آهنگ آن نمود که پیامبر خویش را گرفتار سازد. اینان در (راه) باطل (خویش) به مجادله پرداختند، تا به وسیله آن حق را از پای درآرند. پس ایشانرا گرفتار ساختیم. (ببین که) عذاب الهی چگونه بود؟!)

﴿ ۶ ﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

به این ترتیب حکم پروردگار تو بر کافران محقق گردید، که ایشان واقعاً اهل دوزخند.

﴿ ۷ ﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن خوبی پروردگار خویشرا ستایش میکنند، به او ایمان دارند، و برای مؤمنان آمرزش میخواهند. (و میگویند:) « بار خدایا، به رحمت و علم خویش همه چیزها را فرا گرفتی، پس توبه کاران و پیروان راه خویشرا بیامرز، و آنها را از عذاب دوزخ وارهان. »

﴿ ۸ ﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ ۗ إِنَّكَ

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا، آنها را به بهشت های جاودانه ای درآر که به ایشان وعده دادی، و هر کسی را از پدران، همسران و فرزندان شان که صالح باشد نیز. حقا که تو صاحب قدرت منیع (و) باحکمتی.

﴿٩﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ ۗ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و ایشان را از بدی ها ننگه دار، و هر که را در آن روز از بدی ها نگهداری، واقعاً بر او رحم کردی. و اینست کامیابی بزرگ!

﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقَّتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

به کافران ندا میشود: « واقعاً خشم خداوند از خشم شما (بندگان) بر شما بزرگتر است. زیرا که به ایمان فرا خوانده میشدید، ولی از آن انکار میکردید. »

﴿١١﴾ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

میگویند: « پروردگارا، دو بار ما را میراندی، و دو بار ما را زنده کردی، به گناهان خود اعتراف کردیم. پس آیا برای بیرون شدن (از دوزخ) راهی هست؟ »

﴿١٢﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا ۗ فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

(به ایشان گفته میشود: « اکنون راهی برای بیرون شدن ندارید ») این از سببی است که چون خدا به یگانگی یاد میشود، انکار می کردید، و چون به او شرک آورده میشد باور داشتید. اکنون داوری از آن خداوند بلند مرتبه (و) بزرگ است.

﴿١٣﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُم آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا ۗ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

اوست که برای شما نشانه های خود را ارائه میکند، و برای شما از آسمان روزی میفرستد، و پند نمیگیرد مگر کسیکه (به خدا) رو می آورد.

﴿١٤﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

پس خدا را به اخلاص (و صمیمانه) نیایش کنید، اگرچه کافران ناخشنود شوند.

﴿١٥﴾ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

او است رفعت بخشنده درجات (و والامرته) صاحب عرش. وحی را بر هر که از بندگان خود که بخواهد به فرمان خویش نازل میکند، تا (مردم را) از روبرو شدن همگانی بیم دهد.

﴿١٦﴾ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۗ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۗ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۗ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

روزیکه مردم (بگونه چشمگیر) نمودار میشوند، و بر خداوند هیچ چیزشان پوشیده نمیباشد. (خداوند میگوید: « امروز پادشاهی از آن کیست؟ » (خدا میگوید: « از آن خدا، یکتای بسیار غالب. »

﴿١٧﴾ الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

امروز هر کس در برابر کاری که انجام داده جزا داده میشود، امروز هیچ ستمی نیست. حقا که خدا در حساب گرفتن سریع است.

﴿١٨﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذِ الْقُلُوبِ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ ۗ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ

ایشانرا از روز قیامت بترسان، آنگاه که از غصه بسیار دلها به گلوگاه (جان به لب) برسد، و برای ستمگاران غمخواری نیست، و نه هم شفاعتگری که سخن او پذیرفته شود.

﴿١٩﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

خداوند خیانت چشمها و آنچه را سینه ها پنهان میکنند میداند.

﴿٢٠﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ ۗ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

و خداوند به حق حکم میکند، و کسانی که ایشان به آنها جز خدا نیایش میکنند هیچ فیصله ای را کرده نمیتوانند. حقا که خداوند، هم او شنوا (و) بیناست.

﴿٢١﴾ أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ

مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

آیا ایشان در زمین سفر نکرده اند تا ببینند که عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟ ایشان (هم) در قدرت و (هم) در آثار (یکه) در زمین (از خود بجا گذاشتند) برتر بودند. ولی خداوند ایشانرا به گناهان شان گرفت، و در برابر (عذاب) خداوند برای شان هیچ نگهدارنده ای نبود.

﴿٢٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

این بخاطر آن بود که برای ایشان پیامبران شان با آیات روشن آمدند، اما ایشان انکار ورزیدند. پس خدا ایشانرا مؤاخذه کرد. بیگمان که او نیرومند (و) سخت عذاب کننده است.

﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ

بیگمان موسی را با معجزه های خود و حجتی آشکارا فرستادیم.

﴿٢٤﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاجِرٌ كَذَّابٌ

به سوی فرعون، هامان و قارون، ولی ایشان گفتند که وی جادوگری دروغگو است.

﴿٢٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ ۗ وَمَا

كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

هنگامیکه او از نزد ما با (دین حق) بسوی ایشان رفت، گفتند: « پسران آنانی را که به او ایمان می آوردند بکشید، و دختران (شانرا) زنده نگهدارید. » ولی دسیسه کافران جز در گمراهی (شان اثربخش) نیست.

﴿٢٦﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ۗ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

فرعون گفت: « مرا بگذارید تا موسی را بکشم، و بگذارید (برای نجات خویش) پروردگارش را بخواند. میترسم مبادا دین شما را تغییر دهد یا در زمین فساد برپا کند. »

﴿٢٧﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

موسی گفت: « من به پروردگار خود و پروردگار شما، از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد، پناه میبرم. »

﴿٢٨﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ

بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ ۗ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي

يَعِدُّكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ

مرد مؤمنی از اهل فرعون که ایمان خود را پنهان میداشت، گفت: « آیا مردی را میکشید که میگوید "پروردگار من خداوند (یکتا) است"؟ حالانکه او واقعاً به شما معجزه های روشنی را از جانب پروردگار شما آورده است. اگر دروغگو میباشد، (گناه) دروغگویییش بدوش خود اوست، و اگر راستگو باشد بعضی از عذاب هایی که وعده میدهد به شما عاید خواهد شد. بیگمان خداوند هیچ ستمکار کذابی را رهیاب نمیسازد. »

﴿٢٩﴾ يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا ۗ قَالَ

فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ

« ای قوم من، امروز پادشاهی از آن شماست، و بر این سرزمین مسلط هستید. اگر عذاب خدا ما را فرا گیرد، پس کیست که ما را از آن نجات دهد؟ » فرعون گفت: « من جز چیزی را که به آن باور دارم به شما ارائه نمیکنم، و شما را جز به راه راست رهبری نمیکنم. »

﴿٣٠﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ

آن مرد مؤمن گفت: « ای قوم من، بیگمان بر شما از مانند روز(یکه) بر (سر) احزاب (آمد) میترسم. »

﴿٣١﴾ مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ

مانند سرنوشت قوم نوح، عاد، ثمود و کسانی که بعد از ایشان بودند، و خداوند بر بندگان خود اراده هیچ ستمی ندارد.

﴿٣٢﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ

ای قوم من، بر شما از روز پراگندگی میترسم.

﴿٣٣﴾ يَوْمَ تُؤَلَّفُونَ مَدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۗ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

روزی که رو میگردانید و فرار میکنید، و برای شما از (عذاب) خداوند هیچ نگهدارنده ای نیست. و کسی را که خداوند گمراه سازد، برای او هیچ رهیابی نیست.

﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا ۗ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ

و بیگمان یوسف پیش ازین با معجزه هایی بسوی شما آمد، ولی همواره در مورد آنچه او برای شما آورده بود در شک بودید، تا آنگاه که وفات یافت، گفتید: « هرگز خداوند بعد از او پیامبری نمی فرستد. » بدینگونه خدا هر بی باک شکاکی را گمراه میکند.

﴿٣٥﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ ۗ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ

آمَنُوا ۗ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

کسانی را که در آیات خدا، که به آنها آمده است، بدون هیچ دلیلی جدال میورزند، (و این کار) شدیداً خشم خدا و خشم مؤمنان را می انگیزد. بدین گونه خداوند بر هر دل متکبر و سرکشی مهر مینهد.

﴿٣٦﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ

فرعون گفت: « ای هامان، برای من قصری (یعنی بنای مرتفعی) بساز تا مگر به وسایلی دست یابم. »

﴿٣٧﴾ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا ۗ وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ

عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

وسایل (بالا شدن به) آسمان ها را، تا بسوی خدای موسی بالا روم. و یقیناً من او را دروغگو میپندارم. « این چنین به فرعون عمل زشت او خوشآیند جلوه داده شده، و از راه (حق) باز داشته شد، و دسیسه فرعون چیزی جز زیان نبود.

﴿٣٨﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

مرد مؤمن گفت: « ای قوم من، مرا پیروی کنید، تا شما را براه راست برسانم. »

﴿٣٩﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

ای قوم من، زندگی این دنیا متاعی (بس ناچیز) است، و بی گمان آخرت، همان است سرای جاودان.

﴿٤٠﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا ۗ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

کسیکه بدی کند، جزا داده نمیشود مگر مثل آن، و کسیکه خوبی میکند، خواه مرد باشد یا زن و مسلمان هم باشد، چنین مردمی به بهشت داخل میشوند، در آنجا به ایشان روزی بی حساب داده میشود.

﴿٤١﴾ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ

ای قوم من، مرا چه شده است که شما را بسوی نجات فرا میخوانم و شما مرا بسوی آتش میخوانید؟

﴿٤٢﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْعَفَّارِ

مرا به این فرا میخوانید که از خدا انکار کنم، و به وی چیزی را که به آن علم ندارم شریک بیاورم. در حالیکه من شما را بسوی ذاتی صاحب قدرت منیع (و) بسیار آمرزنده میخوانم.

﴿٤٣﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ

الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

بر این باورم که چیزیکه شما مرا بسوی آن میخوانید نه دعوتی (پسندیده) در دنیا دارد و نه (هم) در آخرت، و یقیناً که بازگشت ما بسوی خدا است. و مسرفان (یعنی کافران) هم ایشانند اهل دوزخ.

﴿٤٤﴾ فَسَتَذَكَّرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ۖ وَأَفُوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

چیزی را که (به روی خیر خواهی) بشما میگویم بزودی یاد خواهید کرد، و کار خود را به خدا می سپارم، حقا که خداوند به بندگان خود بیناست.

﴿٤٥﴾ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا ۖ وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ

پس خداوند او را از شر حيله هایی که ایشان بکار میبرد نگاهداشت، و (برعکس) بر فرعونیان عذاب شدیدی نازل گردید.

﴿٤٦﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا ۖ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

آتش دوزخ صبح و شام بر ایشان عرضه میشود، و در روز قیامت (گفته میشود): « فرعونیان را به سخت ترین عذاب درآرید. »

﴿٤٧﴾ وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ

عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ

به یاد آورید چون در دوزخ با یکدیگر جدال میکنند، ناتوانان به متکبران میگویند: « ما پیرو شما بودیم. آیا (اکنون) می توانید قسمتی از آتش را از ما دفع کنید؟ »

﴿٤٨﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

متکبران میگویند: « ما همگی در آتشییم. بیگمان خدا در میان بندگان (خود به عدالت) حکم کرده است. »

﴿٤٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ

دوزخیان به پاسداران دوزخ میگویند: « از پروردگار خویش بخواهید (لااقل) برای یک روز عذاب ما را تخفیف بدهد. »

﴿٥٠﴾ قَالُوا أَوْلَم تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۖ قَالُوا فَادْعُوا ۖ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فِي ضَلَالٍ

(پاسداران دوزخ) میگویند: « آیا برای شما پیامبران شما با نشانه های روشن نمی آمدند؟ » (و دوزخیان) میگویند: « بلی (می آمدند). » پاسداران میگویند: « پس (اکنون خود شما) دعا کنید، و دعای کافران جز در گمراهی نیست. »

﴿٥١﴾ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ

بیگمان ما پیامبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و (نیز) در روزی که گواهان بپا میخیزند کمک میکنیم.

﴿٥٢﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ ۖ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

روزی که معذرت خواهی ستمگران سودی ندارد، و برای ایشان لعنت است، و (نیز) برای شان (دوزخ بحیث) جایگاهی بد (آماده شده) است.

﴿٥٣﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ

ما به موسی (وسایل) هدایت را ارزانی کردیم، و به بنی اسرائیل کتاب را میراث دادیم.

﴿٥٤﴾ هُدًى وَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ

هدایتی و پندی برای خردمندان.

﴿٥٥﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ

پس صبر کن، بیگمان وعده خدا حق است، و برای گناه خویش آمرزش بخواه، و صبح و شام پروردگار خویش را (بیای) ستایش کن.

﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ ۖ إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَّا هُمْ

بِبَالِغِهِ ۖ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

بیگمان کسانی که در آیات خدا، بدون آنکه به ایشان دلیلی آمده باشد، مجادله میکنند، در سینه های شان جز کبر (چیزی دیگری) نیست. (ادعای مقامی را می کنند) که هرگز به آن نمیرسند. پس به خداوند پناه بجوی، بیگمان هم اوست شنوا (و) دانا.

﴿٥٧﴾ لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

واقعاً آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسانها بزرگتر است، ولی اکثر مردم نمیدانند.

﴿٥٨﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ ۗ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ

بینا و نابینا هرگز با هم برابر نیستند، و نه (هم) آنانیکه ایمان آورده و مصدر کارهای نیکو شدند با مردم بدکار برابر بوده میتوانند. کم است آنچه پند میگیرید.

﴿٥٩﴾ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

واقعاً (قیامت) آمدنیست، در آن شکی نیست، مگر بیشتر مردم (اینرا) باور ندارند.

﴿٦٠﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

و پروردگار شما گفت: « مرا نیایش کنید، تا (خواست) شما را اجابت کنم. کسانیکه از پرستش من تکبر ورزند، حتماً به خواری وارد دوزخ میشوند. »

﴿٦١﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

خداوند ذاتی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاساید، و روز را روشنایی بخش (آفرید). بیگمان خداوند به مردم فضل (بیکران مبذول می)دارد، مگر بیشتر مردم سپاس نمی گزارند.

﴿٦٢﴾ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَانِّي تُؤْفَكُونَ

این است خدای، پروردگار شما، آفریننده هر چیز، جز او خدایی نیست. پس چگونه (از حق) برگردانیده { ۱ } میشوید؟
{ ۱ } منحرف ؛

﴿٦٣﴾ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

همچنین کسانیکه از آیات خدا انکار میکردند، (از حق) برگردانیده میشدند.

﴿٦٤﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۗ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

خداوند (ذاتی) است که برای شما زمین را قرارگاهی ساخته است، و آسمان را سقفی، و شما را تصویر کرد و صورتهای شما را نیکو گردانید، و شما را از چیزهای پاکیزه روزی داد. این است خداوند، پروردگار شما، و بابرکت است خدای، پروردگار عالمیان.

﴿٦٥﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

او است زنده (حقیقی و دایمی)، جز او معبودی نیست. پس او را به اخلاص نیایش و فرمانبری کنید. ستایش از آن خدای پروردگار عالمیان است.

﴿٦٦﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ

بگو: « چون به من نشانه های بس روشنی از جانب پروردگارم آمد، از پرستش کسانی که شما جز خدا به ایشان نیایش میکنید جداً ممنوع شده ام، و مأمور شدم که تنها به پروردگار جهانیان تسلیم باشم. »

﴿٦٧﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكَوُنُوا شُيُوخًا ۗ وَمِنْكُمْ مَن يُتَوَفَّىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّىٰ وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

اوست که شما را از خاک، سپس از نطفه، و بعد از آن از علقه { ۱ } آفرید. بعد از آن شما را (به صورت) طفلی بیرون می آورد. سپس (زمینه آنرا فراهم میسازد که) به کمال قوت خود برسید، و باز (زمینه ادامه زندگی شما را فراهم میگرداند) تا کهنسال شوید. گروهی از شما پیش ازین (مرحله) میمیرند، (ولی بطور عادی زمینه ادامه زندگی شما را فراهم میسازد) تا به موعد معین برسید، و تا باشد که شما درک کنید.

{ ۱ } خون بسته ؛

﴿٦٨﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

اوست که زنده میگرداند و میمیراند، و هنگامیکه چیزی را اراده کند به آن میگوید « شو! » پس میشود.

﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ

آیا بسوی کسانی که در (مورد) آیات خدا مجادله میکنند ندیدی که چگونه (از حق) باز داشته می شوند؟

﴿٧٠﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلَنَا ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

کسانی که این کتاب و (سایر) کتبی را که پیامبران خویش را با آن فرستادیم تکذیب کردند، به زودی (به زشتی این عمل خویش) پی میبرند.

﴿٧١﴾ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ

هنگامیکه طوقها به گردن شان انداخته میشود، و زنجیرها نیز، و (بسوی دوزخ) کشانده میشوند.

﴿٧٢﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ

(نخست) در آب جوشان و سپس در آتش به سختی سوختانده می شوند.

﴿٧٣﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

سپس به ایشان گفته میشود: « کجایند چیزهایی (یعنی معبودانی) که ایشانرا شریک (خدا) قرار میدادید؟ »

﴿٧٤﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُنْ نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا ۚ كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ

الْكَافِرِينَ

« (و) بجز خدا (آنها را پرستش میکردید)؟ » میگویند: « از پیش ما گم شدند (یعنی ما را در خلا گذاشتند)، بلکه (اکنون دانستیم) چیزی را قبلاً پرستش نمیکردیم که قابل پرستش باشد. « اینگونه خداوند کافران را گمراه میسازد.

﴿٧٥﴾ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

این (حالت) به سببی (پیش) آمد که در زمین به ناحق شادمانی میکردید، و به سببی که ناز می فروختید.

﴿٧٦﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

(اکنون) به دروازه های دوزخ درآیید، (و) در آنجا همیشه (بسر برید). پس چه بد است مسکن متکبران!؟

﴿٧٧﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّا يُرْجَعُونَ

(پس، ای پیامبر) صبر کن! بیگمان وعده خداوند حق است. اگر (عملی شدن) بعضی از وعده هایی را که به ایشان دادیم، به تو نشان بدهیم یا ترا بمیرانیم (پیش از آنکه همه این وعده ها در عمل پیاده شود، به هر حال) همه ایشان بسوی ما باز میگردند (و همه وعده ها بر ایشان عملی میشود).

﴿٧٨﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۚ وَمَا

كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِّي بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

بیگمان پیش از تو (نیز) پیامبرانی را فرستادیم. سرگذشت بعضی از ایشان را به تو بیان کردیم، و سرگذشت بعضی شانرا به تو بیان نکردیم. برای هیچ پیامبری نیست که آیه ای را جز به اجازه خداوند بیاورد. پس چون امر خداوند صادر شود، (موضوع) به حق فیصله میگردد، و در آنجاست که اهل باطل خساره مند میشوند.

﴿٧٩﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

خداوند است آنکه برای شما چارپایان را آفرید، تا بعضی را مرکوب خویش قرار دهید، و از بعضی تغذیه کنید.

﴿٨٠﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

و (افزون بر آن) در آنها برای شما منافع (دیگری) است، و (نیز) تا بوسیله آنها به برآورده شدن نیاز دلهای خود برسید، و بر آنها و بر کشتی ها سوار میشوید.

﴿٨١﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ

خداوند به شما نشانه های خود را می نمایاند. پس از کدام یک از آیات خداوند انکار می ورزید؟

﴿٨٢﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

آیا به روی زمین سیاحت نکردند تا بنگرند که سرنوشت پیشینیان شان چگونه بوده است؟ (پیشینیان) از آنها بیشتر بودند، و در زمین از روی نیرو و آثار (ی که به میان آورده بودند) فروتر بودند، ولی هیچ ازین کارهایشان (عذاب را) از ایشان دفع نکرد.

﴿٨٣﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

چون پیامبران شان نشانه های روشنی را به ایشان آوردند، به دانش (و مهارتی) که خود داشتند دلشاد بودند (و) غیر آنرا بی ارزش میپنداشتند، ولی آنچه را مسخره میکردند ایشانرا فرو گرفت.

﴿٨٤﴾ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ

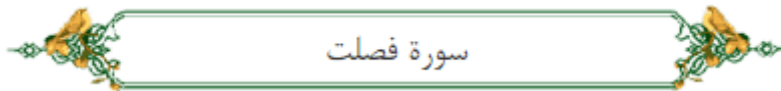
پس چون (زور) عذاب ما را دیدند، گفتند: « به خداوند یگانه ایمان آوردیم، و از آنچه به وسیله آن شرک می ورزیدیم انکار کردیم. »

﴿٨٥﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا ۗ سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ ۗ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

اما وقتیکه (زور) عذاب ما را دیدند، ایمان شان بر ایشان سودی نداشت. (اینست) روش الهی که در (مورد) بندگان پیشین او به کار برده شد، و در این حال است که کافران زیانمند شدند.

(۴۱) سوره فصلت:

این سوره مکی و دارای (۵۴) آیه است و چون با آیه (كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ) شروع شده است به این نام یاد گردیده است. فصلت (حجم سجده) به معنی تفصیل داده شده (در آیات قرآن حق و باطل مو شکافی شده است) و این که در این سوره سجده واجب وجود دارد (حم سجده) نیز گفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ حم

﴿٢﴾ تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(این) وحی است از جانب خداوند بی اندازه مهربان و نهایت بارحم.

﴿٣﴾ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

کتابیست که (در) آیات آن (هر مطلبی) جدا (بیان) شده است. قرآنی است عربی برای قومی که میدانند.

﴿٤﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

بشارت دهنده و بیم دهنده، هرچند بیشترشان روگردان شدند، پس ایشان نمی شنوند.

﴿٥﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا

عَامِلُونَ

گفتند: « از چیزیکه ما را به آن فرا میخوانی دلهای ما در پوشهایی است، و در گوشهای ما گرانی است (یعنی گوشهای ما کر است)، و در میان ما و تو حجابی است. پس (هرچه از دست تو می آید) بکن، ما (نیز هر آنچه از دست ما بیاید) کردنی هستیم. »

﴿٦﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ

لِّلْمُشْرِكِينَ

بگو: « واقعاً من (نیز) بشری هستم مثل شما، به من وحی میشود که خداوند شما خدای یگانه است، پس توجه خود را بگونه مستقیم به او معطوف دارید، از او آموزش بخواهید. » و وای بر مشرکان.

﴿٧﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آنانیکه زکات نمیدهند، و هم ایشانند که از آخرت منکرند.

﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

بیگمان کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، برای ایشان پاداشی است بی پایان.

﴿٩﴾ قُلْ أَنتُمْ كُفْرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ۗ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

بگو: « آیا این شما هستید که از (یکتایی) ذاتی انکار میورزید که زمین را در دو روز آفرید و برای او همتیانی قایل میشوید؟ این است (ذاتی که) پروردگار جهانیان (است). »

﴿١٠﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنذِرَ

و در زمین کوههای (استوار و پابرجایی) را بر بالای آن قرار داد، و در آن برکت نهاد، و مواد غذایی (لازمه) آنرا در چهار روز مقرر گردانید. درست به اندازه احتیاج نیازمندان.

﴿١١﴾ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

سپس به (آفرینش) آسمانها پرداخت، در حالیکه دودی بود. به آسمان و زمین گفت: « به خوشی خود یا بزور بیاید. » گفتند: « به خوشی آمدیم. »

﴿۱۲﴾ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۗ وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ۗ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

پس آنها را در دو روز هفت آسمان ساخت، و در هر آسمان امور آنرا وحی کرد، و آسمان دنیا را با چراغها زینت دادیم، و آنرا (توسط نگهبانان) حفاظت کردیم. چنین است تقدیر (خدای) صاحب قدرت منیع (و) دانا.

﴿۱۳﴾ فَإِنِ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ

اما اگر رو گردانند، (به ایشان) بگو: « من شما را از عذاب سختی چون (صاعقه ای که) عاد و ثمود (را فرا گرفته) ترسانیدم. »

﴿۱۴﴾ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

هنگامیکه پیامبران از پیش و عقب شان آمدند (یعنی از هر سو و با استفاده از همه وسایل)، (و ایشان را به این فرا خواندند که) جز خدا را پرستش نکنید. گفتند: « اگر پروردگار ما میخواست، یقیناً فرشتگانی را (برای دعوت) نازل میکرد. لذا ما دعوتی را که شما برای آن فرستاده شده اید نمی پذیریم. »

﴿۱۵﴾ فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَلَقْنَاهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۗ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

اما (قوم) عاد در زمین به ناحق تکبر ورزیدند، و گفتند: « کیست که از ما نیرومندتر باشد؟ » آیا ندانستند خداوندی که ایشان را آفریده از ایشان نیرومندتر است؟ در حالیکه ایشان (پیوسته) از آیات ما انکار میورزند.

﴿۱۶﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَخْزَىٰ ۗ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ

پس بر ایشان باد تندی را در روزهای شومی فرستادیم، تا به ایشان درین دنیا عذاب رسواکننده ای را بچشانیم، و یقیناً عذاب آخرت (از آن هم) رسواکننده تر است، و با ایشان (از هیچ طرفی) یاری نمیشود.

﴿۱۷﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَىٰ الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ الْعَذَابُ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اما ثمود، ایشانرا رهنمایی کردیم، ولی نابینایی را بر رهایی ترجیح دادند، پس به سبب اعمالی که مرتکب می شدند عذاب آواز مهیب (هلاک کننده و) اهانت باری ایشانرا فرو گرفت.

﴿١٨﴾ وَنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

و آنانی را که ایمان آوردند و پرهیزگاری کردند نجات دادیم.

﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

و روزی را به یاد آرید که دشمنان خدا بسوی آتش جمع کرده شده، و سپس ایشان (به دسته ها) تقسیم میشوند.

﴿٢٠﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

چون به آنجا آمدند، گوشها، چشمها و پوست های شان بر ایشان به اعمالیکه مرتکب شده اند گواهی میدهد.

﴿٢١﴾ وَقَالُوا لِمَ لُجُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا ۗ قَالَوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

به پوست های خود میگویند: « چرا شما بر ما گواهی میدهید؟ » میگویند: « خداوندی ما را گویا ساخته که همه چیزها را گویا ساخته است، و اوست که شما را برای نخستین بار آفرید، و به سوی او باز گردانیده میشود. »

﴿٢٢﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنْنْتُمْ أَنَّ

اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ

شما (اعمال زشت خویش را) از ترس اینکه مبدا گوش شما، چشمان شما و پوست های شما به شما گواهی بدهند پنهان نمی کردید (چون به این گواهی باور نداشتید)، بلکه شما گمان داشتید که خدا بسیاری از اعمالی را که مرتکب میشدید نمیداند.

﴿٢٣﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنْنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

این گمان شما که به پروردگار خود داشتید شما را هلاک ساخت، و سرانجام از زیانکاران شدید.

﴿٢٤﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۗ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

پس اگر صبر کنند، آتش جایگاه آنهاست. و اگر عفو بخواهند، از عفو شوندهگان نیستند.

﴿٢٥﴾ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ

خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

و برای ایشان همنشینانی را گماشتیم که برای ایشان اعمال زشت شانرا در گذشته و آینده زیبا جلوه دادند، و فرمان الهی به سلسله پیشینیان جن و انس در مورد ایشان (نیز) عملی گردید، حقا که ایشان زیانکار بودند.

﴿٢٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ

کافران گفتند: « به این قرآن گوش ندهید، بلکه در (اثناى تلاوت) آن سخنان بیهوده بر زبان آرید (یعنی هیا هو براه اندازید)، تا باشد که (به جلوگیری از شنیده شدن آن) پیروز شوید. »

﴿۲۷﴾ فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

پس به کافران حتماً (مژه) عذاب شدید را می چشانیم، بیگمان ایشانرا به بدترین اعمال شان جزاء می‌دهیم.

﴿۲۸﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ ۗ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ ۗ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

اینست جزای دشمنان خداوند: دوزخ! در آن برای ایشان سرای همیشگی است، به جزای اینکه ایشان از (پذیرش) آیات ما انکار میکردند.

﴿۲۹﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا اللَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

کافران میگویند: « پروردگارا، از جن و انس آنانی را که ما را گمراه کردند برای ما بنما، تا ایشان را زیر پای خود کنیم، و از پست ترین (مردم) شوند. »

﴿۳۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

بیگمان آنانیکه گفتند: « پروردگار ما خداست و باز استقامت کردند، فرشتگان برای شان نازل میشوند (و میگویند): « نترسید و غمگین مباشید، و به بهشتی مژده یابید که به شما وعده شده بود. »

﴿۳۱﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۗ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ

ما در زندگی دنیا و در آخرت یار و مددگار شمایم، برای شما در آن هرچه خواسته باشید (مهیا) است، و در آن برای شما هرچه بخواهید (آماده) است.

﴿۳۲﴾ نَزَّلَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

مهمانیی از (خدای) بخشاینده مهربان!

﴿۳۳﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

و کیست بهتر از روی سخن گفتن از کسیکه مردم را بسوی خدا فرا میخواند، و عمل صالح انجام میدهد، و میگوید: « من (واقعاً) از جمله مسلمانانم. »

﴿۳۴﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۗ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

نیکی برابر نیست و بدی (نیز) برابر نیست (یعنی هر کدام از آنها درجات متفاوتی دارند)، (بدی را) به بهترین (نیکی) دفع کن، پس آنکه در میان تو و او دشمنی است، همانند دوست غمخوار (تو) می‌گردد.

﴿۳۵﴾ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

به این (مقام) نمی‌رسند جز کسانی که شکیبایی ورزیدند، و نمیرسند جز کسانی که (از خلق نیکو) بهره‌ای وافر دارند.

﴿۳۶﴾ وَإِنَّمَا يَنزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و اگر از شیطان به تو وسوسه‌ای پیدا شود، پس به خدا پناه آر. بیگمان او شنوا (و) دانا است.

﴿۳۷﴾ وَمِنَ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ

الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

از نشانه‌های او شب و روز و آفتاب و ماه است، نه به آفتاب سجده کنید و نه (هم) به ماه، (بلکه) به خدایی سجده کنید که آنها را آفریده است، اگر خاص او را می‌پرستید.

﴿۳۸﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۝

ولی اگر تکبر ورزند، (همین کافی است که) آنانیکه نزد پروردگار تو اند، در شب و روز او را تسبیح می‌گویند و ایشان خسته نمیشوند.

﴿۳۹﴾ وَمِنَ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۗ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا

لَمُحْيِي الْمَوْتَى ۗ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و از نشانه‌های او اینست: زمین را خشک و فرود افتاده میبینی، چون به آن آب را فرود آوریم، به اهتزاز می‌آید و نمو می‌کند (یعنی می‌پندد). بیگمان ذاتی که آنرا زنده (یعنی شاداب و سرسبز) میسازد، واقعاً زنده گردانندهٔ مردگان (نیز) میباشد. بیگمان او به هر چیز تواناست.

﴿۴۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا ۗ أَفَمَن يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَن يَأْتِي آمِنًا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ ۗ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

آنانیکه در (برابر) آیات ما کجرفتاری میکنند (یعنی از پذیرش اسلام سر باز میزنند) بر ما پوشیده نمی‌مانند. آیا کسیکه در دوزخ انداخته میشود بهتر است یا کسی که در روز قیامت با امن و آرامش (بسوی ما) می‌آید؟ هرچه میخواهید بکنید، بیگمان او به هرچه میکنید بیناست.

﴿۴۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ ۗ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

آنانیکه به این ذکر (یعنی قرآن)، وقتیکه به ایشان آمد، کافر شدند (یعنی از ایمان آوردن به آن سر باز زدند، به جزای بس شدید گرفتار میشوند). و بیگمان این کتابیست نهایت پیروزمند.

﴿٤٢﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۗ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

هیچ باطلی به آن (از هیچ پهلوئی) راه ندارد، نه (در آینده) از پیشروی آن، و نه (هم در گذشته) از عقب آن. وحیی است از جانب ذاتی صاحب حکمت (و) ستوده.

﴿٤٣﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

به تو (از جانب دشمنان) گفته نمیشود مگر همان چیزیکه به پیامبران پیش از تو گفته شده بود. بیگمان پروردگار تو (برای آنهایکه ازین روش نادرست باز میگردند) صاحب آمرزش (بزرگ، و بر آنهایکه به این روش خود ادامه دهند) صاحب مجازات دردناک است.

﴿٤٤﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۗ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

هُدًى وَشِفَاءً ۗ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۗ أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ

بَعِيدٍ

اگر آنرا قرآنی عجمی {۱} می ساختیم، حتماً میگفتند: « چرا آیات آن روشن ساخته نشده است؟ آیا (کتابی) عجمی برای (مردمی) عربی؟! » بگو: « این برای مؤمنان هدایتی است و شفایی، ولی نامسلمانان به گوش شان (پنبه) کری است، و این (نور تابان) بر ایشان (مایه) نابینایی است، (گویی) ایشان از جای دوری فرا خوانده میشوند. »

{۱} به زبانی جز زبان عربی ؛

﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّهُمْ

لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

بیگمان به موسی کتابا دادیم، پس در (مورد) آن اختلاف به عمل آمد. و اگر حکمی از جانب پروردگار تو (مبنی بر اینکه محاسبه در آخرت است) صورت نمی گرفت، (همین اکنون) بین شان فیصله به عمل می آمد، و واقعاً ایشان در آن (در مورد قرآن) در شکی تهمت اندود اند.

﴿٤٦﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

کسیکه کار نیکی انجام دهد، برای خود اوست. و کسیکه بدی کند، پس بر خود اوست. و پروردگار تو بر بندگان هرگز ستمگر نیست.

=====

جزء یا سپاره پیست و پنجم - الیه پرد

﴿٤٧﴾ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۖ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۗ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ

علم قیامت بسوی او باز میگردد، هیچ یک از میوه ها از (غلاف) شکوفه خویش بیرون نمی آید، و هیچ ماده ای (چه انسان و چه حیوان) باردار نمیشود، و نه هم بار شکم خویش را (به زمین) می گذارد، مگر به (اساس) علم او. و روزیکه (خداوند) به ایشان خطاب کرده (بگوید): « کجایند شریکان من؟ » میگویند: « به تو گفته بودیم که هیچ یک از ما هرگز گواه (حقانیت چیزهایی که آنرا به تو شریک می آوردیم) نیستیم. »

﴿٤٨﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ ۗ وَظُنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ

چیزهایی که از پیش نیایش میکردند از (نزد) ایشان گم میشود، و درمی یابند که برای شان پناهگاهی نیست.

﴿٤٩﴾ لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَسْأَلُ قَنُوطٌ

انسان از دعای خیر مانده نمیشود، و چون به او زبانی برسد، به یکبارگی (خود را می بازد و) ناامید و دلشکسته میشود.

﴿٥٠﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ ۗ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

ولی چون به او مرحمتی از جانب خویش بچشانیم، بعد از آنکه سختی و مشکلاتی دیده باشد، میگوید: « این از (روی استحقاق) منست، و گمان نمیکنم که قیامت برپا شود، و اگر بسوی پروردگار خود باز گردانیده شوم، (هم) به یقین برای من نزد او عاقبت نیکو است. (چنان نیست که کافران می پندارند)، بلکه (درین حال) کافران را به اعمالی که مرتکب میشوند، آگاه میگردانیم. بیگمان به ایشان عذاب خشونت اندودی را می چشانیم.

﴿٥١﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَىٰ الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ

و چون به انسان نعمتی ارزانی کنیم، (از حق) رو میگرداند، و پهلو تهی میکند، ولی چون بدی به او میرسد، به دعای دور و درازی می پردازد.

﴿٥٢﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

بگو: « ببینید اگر این (پیام) از جانب خدا باشد (که هست)، و باز از آن انکار ورزید، پس کیست گمراه تر از کسیکه (با حق) در مخالفت شدیدی بسر می برد؟

﴿٥٣﴾ سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

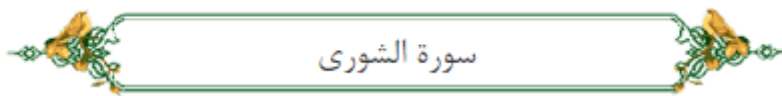
به زودی به ایشان نشانه های خود را در آفاق (یعنی اطراف و اکناف جهان هستی) و (نیز) در وجود و هستی خودشان نشان میدهیم، تا برای ایشان روشن شود که این (پیام) حق است. آیا (این خود) برای پروردگار تو بسنده نیست که او بر هر چیز گواه است؟

﴿٥٤﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ

آگاه باش، واقعاً ایشان از دیدار پروردگار خود در شک اند. آگاه باشید، بیگمان خدا به هر چیز احاطه دارد.

(۴۲) سوره الشوری:

این سوره مکی و دارای (۵۳) آیه است و شوری به معنی مشاوره ، مشورت کردن می باشد. این سوره به سبب توصیف مومنان به این وصف که ایشان در امور خود با هم مشورت می کنند به این نام یاد شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحمت.

﴿١﴾ حم

ح.م.

﴿٢﴾ عسق

ع.س.ق.

﴿٣﴾ كَذٰلِكَ يُوحِي الْاٰتِيَكَ وَاِلٰى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

این چنین بسوی تو و بسوی کسان پیش از تو خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت وحی میفرستد.

﴿٤﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و او بلند مرتبه (و) بزرگ است.

﴿٥﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۗ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

نزدیک است آسمانها از بالای شان متلاشی شوند، و فرشتگان پروردگار خود را تسبیح میگویند، و برای (همه) موجودات (روی) زمین آمرزش میخواهند. آگاه باش، که خداوند هم اوست آمرزنده (و) بسیار مهربان.

﴿٦﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظُهُ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

و کسانی که جز او (موجودات دیگری) را دوست میگیرند، خداوند بر ایشان مراقب میباشد، و تو بر ایشان سرپرست نیستی.

﴿٧﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ

فِيهِ ۗ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

و به این ترتیب بسوی تو قرآن عربی را وحی کردیم، تا مردم شهر (مکه) و پیرامون آنرا بیم دهی، و (ایشان را) از روز قیامت، که در آن شکی نیست، بیم دهی، (از روزیکه) گروهی به بهشت اندر اند، و گروهی (هم) در آتش سوزان.

﴿٨﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

اگر خداوند میخواست، همهٔ ایشان را امتی واحد میگردانید، اما کسانی را که بخواهد شامل مرحمت خویش میسازد. و ستمکاران، نه برای ایشان کارسازی است و نه (هم) مددگاری.

﴿٩﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ قَالَ لَهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا ایشان غیر از خدا (برای خود) کارسازی گرفتند؟ در حالی که خدا - هم اوست کارساز، و اوست که مردگان را زنده میکند، و اوست که بر همه چیز قدرت دارد.

﴿١٠﴾ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

در هر امری که در آن اختلاف میورزید، پس حکم آن به خدا (تفویض) میشود. این است خداوند، پروردگار من. بر او توکل کردم، و بسوی او رجوع میکنم.

﴿١١﴾ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا ۗ يَذُرُّكُمْ

فِيهِ ۗ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

آفرینندهٔ آسمانها و زمین است. برای شما، از خود شما، جفت هایی گردانید، و (نیز) از چاربايان جفت هایی را (قرار داد)، و بدین وسیله شما را پراکنده ساخت، هیچ چیز (شبيهه و) همانند او نیست، و اوست شنوا (و) بینا.

﴿١٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. روزی را به هر کسی که بخواهد گشاده (یا) تنگ می سازد، حقا که او بهر چیز داناست.

﴿١٣﴾ شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ۚ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۗ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ

برای شما از آیین همان چیزی را مشروع ساخت که نوح را به آن سفارش کرده بود. و همان چیزی را که به تو وحی کردیم، و آنچه را که به ابراهیم، موسی و عیسی سفارش کردیم، که دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نوزید. بر مشرکان این امری که بسوی آن ایشانرا دعوت میکنی گران تمام میشود. خداوند هر که را بخواهد بسوی خود برمیگزیند. و هر که را که (بوی) رجوع کند، رهیاب میگرداند.

﴿١٤﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفُضِّي بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

و اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه به ایشان علم حاصل شد، (آن هم) از روی حسادتی (که) در میان خویش (داشتند). و اگر حکمی نمی بود که از طرف پروردگار تو از پیش صادر شده بود، (مبنی بر اینکه) تا زمانی معین (به ایشان مهلت داده شود)، یقیناً در میان ایشان فیصله میشد. و بیگمان کسانی که کتاب را بعد از ایشان میراث گرفته اند، در مورد آن در شک تردید اندودی می باشند.

﴿١٥﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ ۖ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ۖ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

و ازینرو (ایشان را به دین اسلام) فرا خوان، به همانگونه ای که مأمور شدی استقامت کن، و از هوی و هوسهای ایشان پیروی مکن، بلکه بگو: « به هر کتابی که خداوند نازل کرده ایمان دارم، و مأمور شده ام تا در میان شما عدالت ورزم. خداوند پروردگار ما و پروردگار شماست. برای ما اعمال ماست، و برای شما اعمال شما (یعنی هر کدام ما و شما از نتیجه اعمال خویش برخوردار میشویم). در میان ما و شما حجتی (مورد نیاز) نیست، خداوند بین ما جمع میکند، و بسوی اوست بازگشت. »

﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

کسانیکه در مورد خدا، بعد از آنکه (دعوت) او اجابت شده است، مجادله میکنند، دلایل آنها نزد پروردگارشان باطل (و بی اساس) است، مورد خشم (خدا) واقع میشوند، و برای شان عذاب شدیدی است.

﴿۱۷﴾ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ۖ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

خدا است که کتاب را به حق نازل کرد، و (نیز) ترازو را. و چه خبر داری؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

﴿۱۸﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ ۖ أَلَا

إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

کسانی با شتاب به جستجوی (آمدن) قیامت میشوند، که به آن ایمان ندارند. (ولی) کسانیکه به آن ایمان دارند، از آن می ترسند و میدانند که آن حق است. آگاه باش، آنانیکه در مورد قیامت مجادله میکنند، بی نهایت گمراه هستند.

﴿۱۹﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

خداوند بر بندگان خود لطف کار است، و به هر که خواهد روزی میدهد، و او توانا (و) صاحب قدرت منیع است.

﴿۲۰﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا

لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

برای هر کسیکه کشت آخرت را بخواهد، برای او در کشت او می افزاییم. و برای هر کسیکه کشت (این) دنیا را بخواهد، از آن برایش میدهیم، ولی در آخرت نصیبی ندارد.

﴿۲۱﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ

بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آیا برای ایشان شریکانی است (یعنی به خدا کسانی را شریک می آورند) که از دین برای شان چیزی را مشروع میگردانند که خداوند به آن اجازه نداده است؟ و اگر حکم قاطعی (مبنی بر مهلت یافتن این کافران) نمی بود، حتماً در میان شان حکم صادر میشد. بیگمان برای ستمگاران عذاب دردناکی است.

﴿۲۲﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُمْ وَقَعُ بِهِمْ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي

رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ ۖ لَهُمْ مَّا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

ستمگاران را به اساس اعمالی که مرتکب شده اند، در هراس می بینی، و این (مجازات) به ایشان واقع شدنی است. ولی آنانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، در باغ های بهشتند. به ایشان از نزد پروردگارشان هر چیزی که بخواهند میسر است. اینست همان فضل بزرگ.

﴿٢٣﴾ ذَلِكَ الَّذِي يَنْشُرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

و این است همان چیزیکه خداوند آن بندگان را که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند مژده میدهد. بگو: « من برای این (رسالت خویش) از شما جز دوستی و ابستگان مزدی نمی طلبم. اگر کسی نیکی ورزد، ما در آن برای او به نیکی می افزاییم. حقا که خداوند آمرزنده (و) پاداش دهنده است. »

﴿٢٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۗ فَإِن يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

آیا میگویند « (پیامبر) بر خداوند به دروغ افتراپی کرده است؟ اگر خداوند بخواهد، بر دل تو مهر می نهد. خداوند به وسیله (وحی) کلمات خویش باطل را نابود میکند، و حق را ثبات می بخشد، حقا که وی به نهانخانه سینه های دانا است.

﴿٢٥﴾ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

و اوست که توبه را از بندگان می پذیرد، و از گناهان درمیگذرد، و آنچه را انجام میدهید میداند.

﴿٢٦﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ

شَدِيدٌ

دعای مؤمنان نیکوکار را اجابت میکند، و از فضل خویش به آنها زیاد میکند. و کافران، برای ایشان عذاب شدیدی است.

﴿٢٧﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَعَا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُّنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ

بَصِيرٌ

اگر خداوند روزی را برای بندگان خود فراخ میکرد، البته در زمین سرکشی میکردند. ولیکن (خداوند) به اندازه ای که بخواهد، (روزی هر کس را) نازل میگرداند. حقا که او به (حال) بندگان خود آگاه (و) بیناست.

﴿٢٨﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۗ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

اوست که باران را، بعد از اینکه (بندگان او) ناامید شدند، نازل میکند، و مرحمت خود را (به همه جا) پراکنده میسازد، و اوست کارساز (و) ستوده.

﴿٢٩﴾ وَمِن آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ

قَدِيرٌ

و از نشانه های او آفرینش آسمان ها و زمین است، و (نیز) آنچه از جنبندگان در آنها پراکنده ساخته است. و هنگامیکه بخواهد، می تواند (همه) آنها را گرد آورد.

﴿۳۰﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

هر مصیبتی که به شما برسد، از سبب اعمالی است که خود انجام داده اید، و خداوند از بسیاری (گناهان) میگذرد.

﴿۳۱﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

شما هرگز در زمین (اراده خدا را) عاجز ساخته نمی توانید (و نمیتوانید از سرنوشت خویش فرار کنید)، و شما را جز خدا کارساز (و) مددگاری نیست.

﴿۳۲﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

و از نشانه های او کشتی هایی است چون کوهها (که) در دریا (حرکت دارند).

﴿۳۳﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

اگر خواهد، باد را ایستاده میکند (یعنی از جریان باز میدارد). پس (مردمیکه بر کشتی سوار اند) روی آب باقی میمانند. بیگمان در اینها برای هر صبر کننده شکرگذاری نشانه هایی است.

﴿۳۴﴾ أَوْ يُوقَهُنَّ بِمَا كَسَبْنَ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

یا آنها را به سبب آنچه کردند هلاک میکند، و از بسیاری (از گناهان) درمیگذرد.

﴿۳۵﴾ وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيصٍ

تا آنانیکه در مورد آیات ما مجادله میکنند، بدانند که برای شان راه و چاره ای نیست.

﴿۳۶﴾ فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

به شما از چیزیکه داده شده صرف متاع زندگی دنیاست، و آنچه در نزد خدا است بهتر و ماندگارتر است، برای کسانیکه ایمان آورده اند، و بر پروردگار خود توکل میورزند.

﴿۳۷﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

و آنانیکه (از) گناهان کبیره و فحشاء اجتناب می ورزند. در هنگامیکه خشمگین میشوند، (از لغزش دیگران) درمیگذرند.

﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

و آنانیکه (امر) پروردگار شانرا اجابت کرده اند، و نماز را به تمام و کمال اداء میکنند، و کارشان در میان شان (به) اساس) مشوره است، و از آنچه روزی شان گردانیدیم (در راه های خیر) خرج میکنند.

﴿٣٩﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ

آنانی که چون بر ایشان تعدی شود، (بر آن) غلبه حاصل میکنند.

﴿٤٠﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۗ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

و سزای بدی، بدی است مثل آن. اما اگر کسی عفو کند و اصلاح نماید، پس مزد او بر خدا است. بیگمان خداوند ستمگاران را دوست ندارد.

﴿٤١﴾ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ

کسانیکه بعد از مظلوم شدن غالب گردیدند، بر (ملامتی) ایشان هیچ راهی نیست.

﴿٤٢﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ

واقعاً ملامتی بر کسانی است که بر مردم ستم و در زمین به ناحق سرکشی میکنند، اینها ایند که برای ایشان عذاب دردناکی است.

﴿٤٣﴾ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

و برای کسیکه صبر کند و عفو نماید، بیگمان این (رویه) از امور (شایسته و) استوار است.

﴿٤٤﴾ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ ۗ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ

إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ

هرکرا خداوند گمراه کند، بعد ازین برای او کارسازی نیست. و ستمگاران چون عذاب را ببینند، می بینی که میگویند: « آیا راهی به بازگشت هست؟ »

﴿٤٥﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ ۗ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ

الْحَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

و ایشان را می بینی که به عذاب پیش کرده میشوند، در حالی که از خواری (بسیار) فروتن میباشند، (و) با نگاهی دزدیده می بینند. مؤمنان گفتند: « بیگمان زیانکاران کسانی اند که (هم) خود و (هم) خانواده خویشرا در روز رستاخیز زیانمند ساختند. « آگاه باش که واقعاً ستمگاران در عذاب همیشگی اند!

﴿٤٦﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ

برای شان کارسازی نیست که ایشانرا کمک کند، جز خداوند. و هرکه را خداوند گمراه سازد، پس برای او راهی (برای نجات) وجود ندارد.

﴿٤٧﴾ اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ مَا لَكُمْ مِّن مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا

لَكُمْ مِّن نَّكِيرٍ

(امر) پروردگار خود را اجابت کنید، پیش از اینکه روزی فرا رسد که برای آن از (عذاب) خداوند بازگشتی نباشد، در آن روز نه پناهگاهی دارید و نه (هم) انکار (کرده) میتوانید).

﴿٤٨﴾ فَإِن أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۗ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا

رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۗ وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

پس اگر روی برتابند، ما ترا (بحیث) نگهبان شان نفرستادیم. بر تو جز رساندن (پیام) نیست. چون انسان را از جانب خویش از مرحمتی می چشانیم، مباحثات میکند، اما اگر به او در اثر اعمالی که خود انجام داده مصیبتی برسد، بیگمان انسان به ناسپاسی می پردازد.

﴿٤٩﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثَاتًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ

الذُّكُورَ

پادشاهی آسمانها و زمین از آن خدا است. هرچه را بخواهد می آفریند، به هر که بخواهد دختر می بخشد، و به هر که بخواهد پسر می بخشد.

﴿٥٠﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثَاتًا ۗ وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَاقِمًا ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

یا به ایشان، به گونه جور، دختر و پسر می بخشد، و هرکرا بخواهد عقیم میگرداند، حقا که او دانا (و) توانا است.

﴿٥١﴾ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا

يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

برای هیچ بشری توان آن نیست که خدا با او سخن بگوید، جز (از طریق) الهام، یا از ورای پرده، یا پیام آوری را بفرستد که به اجازه وی هرچه را بخواهد وحی کند. بیگمان او برتر (و) باحکمت است.

﴿٥٢﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۗ مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ

نُورًا نَهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۗ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

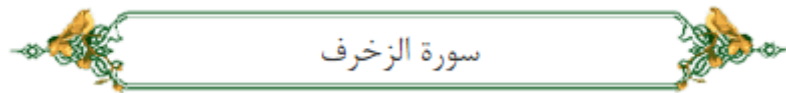
و بدین ترتیب، روح (یعنی قرآن) را از امر خویش به تو وحی کردیم، (در آن وقتیکه هنوز) نمی دانستی که کتاب چیست و ایمان چه می باشد. مگر قرآن را (همچون) نوری گردانیدیم، که هرکرا از بندگان خود بخواهیم، بوسیله آن رهیاب میسازیم. و حقا که تو به راه راست هدایت میکنی.

﴿٥٣﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

راه خداییکه هر آنچه در آسمان ها و در زمین است، از آن او است. آگاه باش که همه امور به خداوند باز میگردد.

(۴۳) سوره الزخرف:

این سوره مکی و دارای (۸۹) آیه است. این سوره به سبب آنکه در برگزیده اوصاف بعضی از مظاهر دنیا و بهره های فانی آن و مقایسه آنها با نعمتهای آخرت است، زخرف نامیده شد. زخرف عبارت از طلا، آرایشها و تجملا است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ حم

ح. ۴۰.

﴿۲﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ

و قسم به این کتاب واضح.

﴿۳﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

این را قرآنی عربی گردانیدیم تا (به مطالب آن) پی ببرید.

﴿۴﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ

بدون شک این (کتاب) در أم الكتاب (یعنی لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه (و) سرشار از حکمت است.

﴿۵﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ

آیا بخاطر اینکه قومی اسراف کارید، از شما پند (یعنی قرآن) را به کنارزنیم؟

﴿۶﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ

ای بسا از پیامبران را که در پیشینیان فرستادیم.

﴿۷﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

به ایشان هیچ پیامبری نمی آید مگر اینکه او را استهزاء میکردند.

﴿۸﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ

پس آنها را که (ازین مردم قریش) در قوت خود سخت تر بودند هلاک کردیم. و داستان (عجیب) پیشینیان گذشته است.

﴿٩﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید؟ یقیناً میگویند: « (خداوند) صاحب قدرت منیع (و) دانا آنها را آفریده است. »

﴿١٠﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

ذاتیکه زمین را برای شما فرشی گردانید، و در آن برای شما راههایی ساخت تا باشد که رهیاب شوید.

﴿١١﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

و آنکه از آسمان باران را به مقدار معین فرو ریخت، و با آن زمین مرده را زندگی بخشیدیم. (شما نیز) به همین منوال (در قیامت) برانگیخته میشوید.

﴿١٢﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ

ذاتیکه همه (اشیا را) جوره ها آفریده، و برای شما از کشتی ها و چارپایان، چیزهایی را که (بر آن) سوار میشوید، ساخت.

﴿١٣﴾ لَتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا

هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ

تا بر پشت آن آرام گیرید. سپس چون بر آن آرام گرفتید، نعمت پروردگار خویش را بیاد آوردید، و بگویند: « پاکست آنکه برای (استفاده) ما این (مرکوب) را رام ساخت، و ما خود به (تسخیر) آن دسترسی نداشتیم. »

﴿١٤﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

و ما بیگمان به پروردگار خود بازگشتنی هستیم.

﴿١٥﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

(اینها در برابر این نعمت ها) برای خدا از بندگانش جزئی قرار دادند، واقعاً که انسان بگونه آشکاری ناسپاس است.

﴿١٦﴾ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ

آیا او از آنچه می آفریند دختران را گرفت، و شما را به (داشتن) پسران برگزید؟

﴿١٧﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

در حالیکه اگر به یکی از ایشان همان چیزی مزده داده شود، که برای (خداوند) رحمن مثال زده شده است، رنگش سیاه و (چهره اش) غضب آلود میگردد.

﴿١٨﴾ أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ

آیا کسی را که در زیور پرورده میشود و در جنگها حضور نمی یابد (به فرزندی خدا نسبت میدهید)؟

﴿١٩﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثَاءً ۖ أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ ۖ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

و فرشتگان را، که بندگان خداوند هستند، زن وانمود میسازند. آیا آفرینش آنها را مشاهده کردند (یعنی در هنگام آفرینش آنها حاضر بودند)؟ این گواهی شان ثبت میشود، و از ایشان بازخواست میشود.

﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ۗ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۗ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

میگویند: « اگر (خداوند) رحمن میخواست، ما ایشان را پرستش نمی کردیم. » ایشان به این (امر) علمی ندارند، و ایشان جز گزاف نمیگویند.

﴿٢١﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

آیا پیش از این به ایشان کتابی داده ایم که به آن چنگ زنده اند؟ (دقیقاً از آن پیروی میکنند؟)

﴿٢٢﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ

(نخیر) بلکه میگویند: « پدران خود را بر طریقه ای یافتیم، و ما نیز بر نقش قدم شان رهیابیم. »

﴿٢٣﴾ وَكَذٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ

وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ

به همین منوال، پیش از تو در هیچ قریه ای بیم دهنده ای را نفرستادیم مگر اینکه مردم خوشگذران و عیاش آن گفتند: « بیگمان پدران خود را بر طریقه ای یافتیم، و ما یقیناً بر نقش قدم ایشان روانیم. »

﴿٢٤﴾ قَالَ أَوْلُو جِنَّتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ ۗ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

گفت: « آیا حتی اگر طریقه ای بهتر از آنچه پدران خویش را بر آن یافته اید برای شما آورده باشم؟ » گفتند: « بیگمان ما به آنچه شما به (بلاغ) آن فرستاده شده اید کافریم. »

﴿٢٥﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

لذا از ایشان انتقام گرفتیم. پس بنگر انجام کار تکذیب کنندگان چگونه بود.

﴿٢٦﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

و بیاد آورید که ابراهیم به پدر خویش و قوم خویش گفت: « واقعاً من از آنچه شما می پرستید بیزارم. »

﴿٢٧﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

مگر آن ذاتی را که مرا آفریده، و او یقیناً مرا رهیاب میسازد.

﴿٢٨﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و او این (دعوت به یکتاپرستی) را در (میان) اولاد خویش سخنی پایا قرار داد، تا باشد که ایشان (به خدا) رجوع کنند.

﴿۲۹﴾ بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ

بلکه من ایشان و پدران شانرا بهره‌مند ساختم، تا آنکه (دین) حق و پیامبری که در (حقانیت) او هیچ شبهه‌ای نیست آمد.

﴿۳۰﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

و چون (دین) حق به ایشان آمد، گفتند: « این جادویی است، و بیگمان ما به آن باور نداریم. »

﴿۳۱﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ

و گفتند: « چرا این قرآن بر شخصیت بزرگی از یکی ازین دو شهر نازل نشد؟ »

﴿۳۲﴾ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۗ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَرَفَعْنَا

بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

آیا ایشان رحمت پروردگار ترا تقسیم میکنند؟ ما روزی شانرا در میان شان در زندگی این دنیا تقسیم کردیم، و بعضی شان را از نظر درجات بالاتر از بعضی دیگر رفعت بخشیدیم، تا بعضی شان بعضی دیگر را (بحیث) تابع (و فرمانبردار) خود بگیرند، و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه ایشان می اندوزند.

﴿۳۳﴾ وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنَ فَضَّةٍ

وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

و اگر چنین نمی بود که مردم (به شوق مال و دارایی) امت واحد میشدند (و به کفر و فساد می شتافتند)، بیگمان برای خانه های کسانیکه به (خدای) رحمن کافر میشدند، از نقره سقف ها و زینه هایی که بر آن بالا روند میساختیم.

﴿۳۴﴾ وَلِيُؤْتِيَهُمُ أَبُوَابَا وَسُرْرًا عَلَيْهَا يُتَكَيُّونَ

و برای خانه های شان دروازه ها و تخت هایی که به آن تکیه می کردند (میساختیم).

﴿۳۵﴾ وَزُخْرُفًا ۗ وَإِن كُلُّ ذَلِك لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

(و سامان و آلات زینتی) از طلا (میساختیم)، و این همه چیزها جز متاع زندگی دنیا چیز دیگری نیست، و آخرت در نزد پروردگارت، از آن پرهیزگاران است.

﴿۳۶﴾ وَمَن يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

و هر که از یاد (خداوند) رحمن (روی) برتابد، با او شیطانی را همراه میسازیم که با وی همنشین میشود.

﴿۳۷﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ

بیگمان، اینان ایشان (یعنی همنشینان خویش) را از راه باز میدارند، و (این گمراهان) چنین میپندارند که ایشان رهیابند.

﴿۳۸﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ

تا اینکه، چون (یکی از ایشان) نزد ما بیاید، (به همنشین بد خود) میگوید: «ای کاش میان من و تو فاصله (بین مشرق و مغرب میبود. «چه همنشین بدی؟!»

﴿۳۹﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمُ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

امروز به شما (این سخنان) نفعی نمی رساند، زیرا (به خود) ستم کردید، اینک در عذاب شریکید.

﴿۴۰﴾ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

آیا تو میتوانی کسی را شنوا بسازی یا کور؟ و آن کسی را که در گمراهی واضحی است، رهیاب گردانی؟

﴿۴۱﴾ فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

پس اگر ترا ببریم، (هم) از ایشان انتقام گرفتنی هستیم.

﴿۴۲﴾ أَوْ نُزَيِّنَكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَأِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ

و یا (اگر) چیزی را، که در مورد ایشان وعده کردیم، به تو نشان دهیم، به هر حال بر ایشان توانا میباشیم.

﴿۴۳﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

ازینرو بچیزی که بتو وحی کردیم، (محکم) چنگ بزن، تو واقعاً بر راه راست میباشی.

﴿۴۴﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ

حقا که این (قرآن) برای تو و قوم تو یادبود (پیامی) است، و بزودی (در زمینه) مورد سوال قرار میگیری.

﴿۴۵﴾ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ

از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم بپرس: آیا جز (خدای) رحمن معبودان (دیگری) را مقرر داشته ایم که پرستش شوند؟

﴿۴۶﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بیگمان موسی را با نشانه های خود بسوی فرعون و کلان شوندگان فرستادیم، و گفت: «واقعاً من پیامبر پروردگار جهانیانم.»

﴿۴۷﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ

چون به ایشان با نشانه های ما آمد، به آن استهزاء میکردند.

﴿۴۸﴾ وَمَا نُزِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَا مِنْهُمُ الْعَذَابَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

ما هیچ معجزه ای را به آنها نشان ندادیم مگر اینکه از (معجزه) همردیف خود بزرگتر بود، و ایشان را به عذاب گرفتار ساختیم، تا باشد که (به راه حق) باز گردند.

﴿٤٩﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ

گفتند: « ای جادوگر، به پروردگار خود (نظر) به عهده‌ی که با تو کرده برای ما دعا کن. بیگمان ما رهیاب خواهیم شد. »

﴿٥٠﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

چون ما از ایشان عذاب را دور ساختیم، بیدرنگ (عهد خویش را) شکستند.

﴿٥١﴾ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي ۗ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

فرعون در میان قوم خود ندا درداد، و گفت: « ای قوم من، آیا پادشاهی مصر از آن من نیست؟ در حالیکه این جویبارها از زیر (قصر) من جریان دارد. آیا نمی بینید؟ »

﴿٥٢﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ

من بهترم ازین کسیکه خواروار است، و سخنش به مشکل فهمیده میشود.

﴿٥٣﴾ فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ

(اگر راست میگوید) پس چرا دستبندهایی از طلا بر او انداخته نشده؟ یا با او فرشتگان صف کشیده نمی آیند؟

﴿٥٤﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

بدین ترتیب، وی قوم خود را (چنان) به ابلهی کشاند، تا او را فرمانبرداری کردند. بیگمان ایشان مردم فاسقی بودند.

﴿٥٥﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

پس چون ما را به خشم آوردند، از ایشان انتقام گرفتیم، و همه ایشانرا غرق ساختیم.

﴿٥٦﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ

و ایشانرا (داستانی از) پیشینیان و نمونه ای برای (عبرت) آیندگان ساختیم.

﴿٥٧﴾ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

و چون (عیسی) پسر مریم مثال داده شد، ناگهان قوم تو از آن هلهله شادمانی سردادند.

﴿٥٨﴾ وَقَالُوا أَلَّهِتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ۗ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا ۗ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ

و گفتند: « آیا معبودان ما بهترند یا او؟ » این مثال را نزدند مگر برای مجادله. آری ایشان مردم خصومت اندودی اند.

﴿٥٩﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

او نیست جز بنده ای که بر وی نعمت ارزانی کردیم، و او را به حیث نمونه ای برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

﴿٦٠﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ

اگر بخواهیم، البته به (جای) شما فرشتگانی را بیافرینیم که در زمین خلافت کنند.

﴿٦١﴾ وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ۗ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

و عیسی نشانه ایست برای قیامت، پس در مورد قیامت شبهه ای نداشته باشید، بلکه مرا پیروی کنید، این است راه راست.

﴿٦٢﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

و نباید شیطان شما را باز دارد، بیگمان او برای شما دشمنی آشکار است.

﴿٦٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأَيِّنْ لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ

فِيهِ ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

هنگامیکه عیسی با معجزه ها آمد و گفت: « با (سخنان) حکمت آموز به نزد شما آمده ام، و تا برای شما برخی از آن (نکات) را، که در آن اختلاف دارید، روشن سازم. بنابراین از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید. »

﴿٦٤﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

بیگمان خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید. این است راه راست.

﴿٦٥﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۗ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ

پس گروه ها در میان شان اختلاف ورزیدند. پس وای بر ستمگاران، از عذاب روز دردناک.

﴿٦٦﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آیا جز قیامت چیز دیگری را انتظار میکشند - (قیامتی را) که ناگهان بر ایشان بیاید و در حالیکه احساس نکنند؟

﴿٦٧﴾ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

دوستان در آن روز بعضی شان دشمن بعضی دیگر اند، جز پرهیزگاران.

﴿٦٨﴾ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

ای بندگان من، امروز خوفی برای شما نیست، و نه (هم) شما اندوهگین میشوید.

﴿٦٩﴾ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ

آنهايککه به آیات ما ایمان آوردند، و فرمانبردار بودند.

﴿٧٠﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ

شما و همسران شما با نهایت اعزاز و اکرام داخل بهشت شوید.

﴿٧١﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ۗ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ

الْأَعْيُنُ ۗ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

دم به دم (خوردنی ها و آشامیدنی ها) با کاسه ها و صراحی های زرین به ایشان پیش کرده میشود. و در آنجا هرچه دل بخواهد و چشم از آن لذت ببرد مهیا است، و شما در آن جاودانه بسر می برید.

﴿٧٢﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

اینست همان بهشتی که شما در برابر اعمال (نیک) خویش آنرا به میراث گرفتید.

﴿٧٣﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ

برای شما در آنجا میوه فراوانی است که از آن میخورید.

﴿٧٤﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

بیگمان گناهکاران در عذاب دوزخ جاودانه می مانند.

﴿٧٥﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

(عذاب) هرگز از ایشان تخفیف نمی یابد، و در آنجا در ناامیدی کامل بسر میبرند.

﴿٧٦﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

ما به ایشان ستم نکردیم، بلکه خودشان ستمگار بودند.

﴿٧٧﴾ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رُبُّكَ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ

و فریاد میکنند که: « ای مالک (یعنی خازن دوزخ)! باید پروردگار تو بر (مرگ) ما حکم کند. « (مالک) می گوید: « (نخیر، شما در اینجا) همیشه بسر میبرید. »

﴿٧٨﴾ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

بیمگان به شما (دین) حق را آوردیم، ولیکن بیشتر شما از (سخن) حق کراهت داشتید.

﴿٧٩﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ

آیا بر کاری تصمیمی قاطع گرفته اند؟ ما (نیز در مورد ایشان) تصمیم قاطعی گرفته ایم.

﴿٨٠﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ

یا می پندارند که اسرار و راز و نیاز شانرا نمی شنویم؟ چنین نیست، و فرستادگان ما (یعنی فرشتگان نویسنده نامه اعمال) با ایشان اند و (کردار و گفتار شانرا) مینویسند.

﴿٨١﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ

بگو: « اگر (خداوند) رحمن فرزندی میداشت، من نخستین پرستندگان او میبودم. »

﴿۸۲﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

پاک است پروردگار آسمانها و زمین، صاحب عرش، از وصفی که ایشان به او نسبت میکنند.

﴿۸۳﴾ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

پس ایشان را بگذار به امور بیهوده و بازی مشغول شوند، تا به آن روزی که به ایشان وعده شده روبرو شوند.

﴿۸۴﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

اوست که در آسمانها خداست، و در زمین خداست، و اوست همان صاحب حکمت (و) دانا.

﴿۸۵﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

مبارک است ذاتیکه پادشاهی آسمانها و زمین و هرچه در میان آنهاست از آن اوست. و علم قیامت در نزد او است، و به سوی او باز گردانده میشوید.

﴿۸۶﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و آنانیکه به ایشان جز خدا نیایش میکنند مالک شفاعت نیستند. مگر (برای) کسیکه به حق گواهی دهد، و ایشان میدانند.

﴿۸۷﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

اگر از ایشان بپرسی آنها را کی آفرید؟ یقیناً میگویند « خداوند! » پس چطور ایشان (از عبادت او) به کنار زده میشوند؟

﴿۸۸﴾ وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

و (خدا از) این گفته او (یعنی پیامبر آگاه است) که: « ای پروردگار من، براستی اینها قومی اند که ایمان نمی آورند. »

﴿۸۹﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

لذا از ایشان روی برتاب، و بگو « سلام! » بزودی میدانند!

(۴۴) سوره الدخان:

این سوره مکی و دارای (۵۹) آیه است و دخان به معنی دود میباشد. این سوره را از آن جهت دخان نامیدند که مشرکان زمان پیامبر (ص) به قحطی و خشک سالی مواجه می شوند که شخص گرسنه را چنان بی رمق می گرداند که از شدت گرسنگی گویی در فضا دودی را می بیند.

سورة الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ حم

ح. ۴۰.

﴿۲﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ

و قسم به (این) کتاب واضح.

﴿۳﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ ۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ

که آنرا در شبی پر برکت نازل کردیم. حقا که بیم دهنده بوده ایم.

﴿۴﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

در آن هر کار با حکمتی (خاص) واضح ساخته میشود.

﴿۵﴾ أَمْراً مِّنْ عِنْدِنَا ۚ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

(به) حکمی از حضور ما، بیگمان این ما بودیم که (این کتاب را) نازل کردیم.

﴿۶﴾ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

رحمتی از جانب پروردگارت، بیگمان او شنوا (و) داناست.

﴿۷﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

پروردگار آسمانها و زمین و هر آنچه میان آنهاست، اگر باور دارید.

﴿۸﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

جز وی هیچ معبودی نیست، زنده میگرداند و میمیراند، پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما در نسل های پیشین.

﴿۹﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ

با این هم، ایشان در شک اند، (و) به بازی مشغول میباشند.

﴿۱۰﴾ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ

نگاه کن، روزی که آسمان دود واضحی پدید می آورد.

﴿۱۱﴾ يَغْشَى النَّاسَ ۗ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

که (همه) مردم را فرا میگیرد. این عذاب دردناکی است.

﴿۱۲﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ

(میگویند): « پروردگارا، عذاب را از ما بزدای، بیگمان مومن میباشیم. »

﴿۱۳﴾ أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

از کجا ایشان پندپذیر میشوند در حالیکه به ایشان بگونه آشکارا پیامبری آمد؟

﴿۱۴﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ

سپس از او روی تافتند، و گفتند: « تعلیم داده شده (و) دیوانه است. »

﴿۱۵﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا ۗ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

ما در یک دوره محدودی عذاب را از شما دفع میکنیم، ولی شما (به کفر خویش) باز میگردید.

﴿۱۶﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ

روزی که به همان گرفتار کردن شدید شما را گرفتار کنیم، واقعاً ما انتقام گیرنده ایم.

﴿۱۷﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ

پیش از ایشان نیز قوم فرعون را آزمودیم، و به ایشان پیامبر گرامی قدری آمده بود.

﴿۱۸﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ ۗ إِنِّي لَكُم رَسُولٌ أَمِينٌ

(او میگفت): « بندگان خداوند را به من تسلیم کنید، بیگمان به شما پیامبر امانتداری هستم. »

﴿۱۹﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ ۗ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

و در برابر خدا سرکشی نکنید، که من به شما حجت واضحی آورده ام.

﴿۲۰﴾ وَإِنِّي عُدْتُ رَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ

من ازین (تهدید شما) که مرا سنگسار میکنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه آوردم.

﴿۲۱﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ

اگر به من ایمان نمی آورید، پس در حد اقل از من کناره گیرید.

﴿۲۲﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ

درین حال به پروردگار خود دعا کرد که « اینها یقیناً قوم مجرم اند. »

﴿۲۳﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ

(به وی گفتیم که): « بندگانم را شبانگاه بیرون کن، شما واقعاً مورد تعقیب قرار میگیرید. »

﴿٢٤﴾ وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا ۗ إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَفُونَ

و دریا را بگونه آرام (به حال آن) بگذار. بیگمان ایشان لشکری اند غرق شدنی.

﴿٢٥﴾ كَمْ تَرَكَوا مِنْ جَنّاتٍ وَعُيُونٍ

ای بسا از باغها و چشمه ها که گذاشتند.

﴿٢٦﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

و (نیز) کشتزارها و رهایشگاه های باشکوه (و راحت بخش).

﴿٢٧﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ

و نعمتهایی که در آن به خوشحالی بسر میبردند.

﴿٢٨﴾ كَذٰلِكَ ۗ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ

اینچنین شد. اینها را به مردمی دیگر به میراث دادیم.

﴿٢٩﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ

آسمان و زمین بر ایشان گریه نکرد، و نه هم به ایشان مهلتی داده شد.

﴿٣٠﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

بیگمان بنی اسرائیل را از عذاب ذلت بار نجات دادیم.

﴿٣١﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ

از فرعون. حقا که او متکبر (و) از اسرافکاران بود.

﴿٣٢﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

و ما ایشان را دانسته بر جهانیان برگزیدیم.

﴿٣٣﴾ وَأَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ

و برای ایشان از نشانه هایی ارزانی کردیم که در آن آزمایشی آشکار بود.

﴿٣٤﴾ إِنَّ هٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ

بیگمان ایشان (یعنی قریش) (با اصرار) میگویند:

﴿٣٥﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ

« نیست این (بدرود زندگی) جز مرگ نخستین ما، و ما (بار دیگر) برانگیخته نمی شویم. »

﴿٣٦﴾ فَاتُّوا بِآبَائِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

پس پدران ما را (زنده گردانید، و) بیاورید اگر راست میگویند (که واقعاً بعد از مرگ دوباره زنده میشوند).

﴿٣٧﴾ أَهْمٌ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَعِّ وَالدِّينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ أَهْلَكْنَاهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ

آیا ایشان بهتر (و نیرومندتر) اند یا قوم تبع؟ ایشان را و (نیز) کسانیرا که پیش از آنها بودند هلاک ساختیم. ایشان واقعاً مجرم بودند.

﴿٣٨﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعِينٍ

آسمانها، زمین و آنچه را در میان آنهاست به بازی نیافریدیم.

﴿٣٩﴾ مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آنها را جز به حق نیافریدیم، مگر بیشتر ایشان نمیدانند.

﴿٤٠﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ

بیگمان روز فیصله (حساب اعمال) بگونه‌ی دسته جمعی وعده‌گاه همه‌ی ایشان است.

﴿٤١﴾ يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

روزیکه هیچ دوستی دوست (خود) را از چیزی بی نیاز ساخته نمیتواند، و نه هم ایشان یاری داده میشوند.

﴿٤٢﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

مگر کسیکه خدا (بر او) رحم کند. بیگمان او صاحب قدرت منیع (و) بخشاینده است.

﴿٤٣﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقْمِ

بیگمان درخت زقوم.

﴿٤٤﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ

خوراک گنهکار است.

﴿٤٥﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ

مانند فلز گداخته، که در شکمها میجوشد.

﴿٤٦﴾ كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ

همانند جوش آب جوشان.

﴿٤٧﴾ خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ

او را بگیرید، در میان دوزخ بکشانید!

﴿٤٨﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

سپس بر سر او از آب جوشان بریزید!

﴿٤٩﴾ ذُوقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

بجش! (می پنداشتی که) بی شک تو صاحب قدرت منیع و محترمی؟!

﴿٥٠﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

واقعاً اینست همان چیزیکه در آن شک داشتید!

﴿٥١﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

حقا که پرهیزگاران در جای امنی قرار دارند.

﴿٥٢﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

در میان باغها و چشمه سارها.

﴿٥٣﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ

از پارچه های نازک و ضخیم ابریشمین میپوشند، روبروی هم می نشینند (یعنی به یکدیگر انس و الفت می ورزند).

﴿٥٤﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ

و به این ترتیب ایشانرا با حوران بزرگ چشم پیوست میگردانیم.

﴿٥٥﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ

در آنجا هر میوه را با آرامش خاطر فرا میخوانند.

﴿٥٦﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۖ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

در آنجا (مزه) مرگ را نمی چشد جز همان مرگ نخستین را، و ایشانرا از عذاب دوزخ نگهداشته است.

﴿٥٧﴾ فَضَلًا مِّن رَّبِّكَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

به فضلی از (جانب) پروردگارت. اینست همان پیروزی بزرگ.

﴿٥٨﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

حقا که آن (یعنی قرآن مجید) را به زبان تو آسان ساخته ایم، تا باشد که ایشان پند بگیرند.

﴿٥٩﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ

پس منتظر باش! آنها (نیز) منتظرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ حم

ح. ۴۰

﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

فرو فرستاده شدن این کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۳﴾ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ

بیگمان در آسمان ها و زمین نشانه هایی است برای مؤمنان.

﴿۴﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

و در آفرینش شما و آنچه از جانوران (در زمین) پراکنده میشود، برای باورمندان نشانه هایی است.

﴿۵﴾ وَاِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و (نیز) در تناوب شب و روز، و آنچه خدا از آسمان روزی فرستاده است، و با آن زمین را بعد از مردن آن زنده گردانیده، و (همچنین) در حرکت بادها (و تحولات آن) برای آنانیکه صاحب عقل (و برداشت صحیح) میباشند نشانه هایی است.

﴿۶﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

اینها آیات خداست، که آنها را ما بر تو به حق میخوانیم. پس آیا بعد از (تکذیب) خدا و آیات او، به کدام سخن ایمان می آورند؟

﴿۷﴾ وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

افسوس بحال هر دروغگوی گنهکار.

﴿۸﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا ۗ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

آنکه آیات خدا را (که) برایش خوانده میشود می شنود، سپس (باز به همان کفر خویش) با تکبر اصرار میورزد، گویی که اصلاً آنرا نشنیده است. پس او را به عذاب دردناکی مزده بده!

﴿۹﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و چون از آیات ما چیزی را بداند، آنرا به تمسخر میگیرد. چنین مردمی برای شان عذاب ذلت باری است.

﴿١٠﴾ مِّنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يُعْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ
أَوْلِيَاءَ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و از پی ایشان دوزخ است، ایشانرا نه اعمالی که مرتکب شده اند بی نیاز میسازد، و نه هم دوستانی که جز خدا
برای خود گرفته اند، و برای ایشان عذاب بزرگی است.

﴿١١﴾ هَذَا هُدًى ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رَّجْزٍ أَلِيمٍ

این رهنمایی است، و آنانی که از آیات پروردگار خود انکار ورزیدند، به ایشان عذابی از (جنس) عذاب دردناک
است.

﴿١٢﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

این خداوند است که به شما بحر را فرمانبردار گردانید، تا کشتی ها در آن به حکم او حرکت کنند، تا از فضل او
بجوید، و تا باشد که شما شکرگزار شوید.

﴿١٣﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ

و آنچه را در آسمانها و در زمین است، همگی را از نزد خود برای شما فرمانبردار گردانید. یقیناً درین برای آنانیکه
تفکر میورزند، نشانه هایی است.

﴿١٤﴾ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

برای مسلمانان بگو: از آنانی که چشم داشتی از روزهای خدا ندارند درگذرند، تا مردمی را به اساس کرداری که
داشتند مجازات کند.

﴿١٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

کسیکه کار نیک کند، برای خود اوست. و کسیکه بدی کند، پس به (زیان) اوست. و سپس به پروردگار خود باز
گردانده میشود.

﴿١٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ

الْعَالَمِينَ

بیگمان به بنی اسرائیل کتاب، فرمانروایی و پیامبری دادیم، و به ایشان از چیزهای پاکیزه روزی دادیم، و ایشان
را به جهانیان برتری دادیم.

﴿١٧﴾ وَأَتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۖ إِنَّ رَبَّكَ

يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و به ایشان نشانه های روشنی از (این) امر ارزانی کردیم، و (با هم) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه به ایشان علم ارزانی شد، (آن هم) از روی حسادت میان خود شان بود. بیگمان پروردگار تو در روز قیامت در میان ایشان، در مورد چیزهایی که در آن اختلاف میورزند، فیصله میکند.

﴿۱۸﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

سپس ترا به راهی راست از امر (یعنی دین) قرار دادیم. آنرا پیروی کن، از هوای نفس) کسانی که نمیدانند پیروی منما.

﴿۱۹﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَاللَّهُ وَلِيُّ

الْمُتَّقِينَ

ایشان هرگز از تو در برابر خدا دفاع کرده نمی توانند، و بیگمان (این) ستمگاران بعضی شان مددگار بعضی (دیگر) اند، و خداوند مددگار پرهیزگاران است.

﴿۲۰﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

این است دلایلی روشن و رهنمایی و مرحمتی برای مردم باورمند.

﴿۲۱﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً

مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آیا کسانی که مرتکب کارهای ناشایسته شدند پنداشتند که ایشان را با کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند (مساوی) قرار میدهیم؟ (به گونه ای که هم) زندگی شان و (هم) مرگ شان مساوی باشد؟ بد است چیزیکه قضاوت می کنند!

﴿۲۲﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید، تا به هر کس مطابق به عملش جزا داده شود، و ایشان هرگز مورد ظلم قرار نمی گیرند.

﴿۲۳﴾ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ

غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را خدای خویش گرفته؟ و خداوند - با آگاهی (از روش بد او) - او را گمراه ساخت، و بر گوش او و دل او مهر زد، و بر چشم او پرده افکند. پس بعد از (اینکه) خدا (کسی را گمراه گرداند)، کیست که او را راهیاب سازد؟ آیا پند نمی گیرید؟

﴿۲۴﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ ۗ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ

عِلْمٍ ۗ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

و گفتند: « جز زندگانی این دنیای ما، (چیز دیگری) نیست. می میریم و زنده میشویم، و جز زمانه ما را هلاک نمیکند. » ایشان در این باره هیچ معلوماتی ندارند، نیستند ایشان مگر اینکه چیزی را به گمان میگویند.

﴿۲۵﴾ وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

چون به ایشان آیه های روشن ما خوانده شود، دلیل شان جز این نیست که بگویند: « اگر راست میگویند، پس پدران ما را بیاورید. »

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَعْلَمُونَ

بگو: « خداوند شما را زنده میکند، سپس شما را می میراند، سپس شما را به روز قیامت، که در مورد آن شکی نیست، گرد میاورد. » مگر بیشتر مردم نمیدانند.

﴿۲۷﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداست، و روزیکه قیامت برپا میشود، درین روز است که راهیان راه باطل زیانمند می شوند.

﴿۲۸﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً ۖ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هر گروه را به زانو در آمده می بینی. هر گروه بسوی نامه اعمال خود فرا خوانده میشوند، و در آنروز است که طبق کردار خود مجازات میشوند.

﴿۲۹﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

این (نامه اعمال) کتاب ماست، که بر شما به حق گواهی می دهد. بیگمان همه چیزهایی را که شما انجام میدادید می نوشتیم.

﴿۳۰﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

به این ترتیب، کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، پروردگارشان به مرحمت خویش داخل میگرداند، و اینست همان پیروزی آشکار.

﴿۳۱﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاستَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

ولی برای کافران (گفته میشود): « آیا چنین نبود که آیه های من بر شما خوانده میشد و تکبر می نمودید و مردم گنهکاری بودید؟ »

﴿۳۲﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا

وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ

« و چون گفته میشد که واقعاً وعده خداوند حق است، و در قیامت شکی نیست، » میگفتند: « نمی دانیم قیامت چیست؟! ما در زمینه گمان میکنیم، و یقین نداریم. »

﴿٣٣﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

(در آن روز است که) بدی اعمال شان برای شان روشن میشود، و (جزای ناخوشایند) چیزی که به آن تمسخر میکردند آنها را فرا میگیرد.

﴿٣٤﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ

و (به ایشان) گفته میشود: « امروز شما را به فراموشی می سپاریم، همچنانکه شما روبرو شدن با این روز را فراموش داشتید. جای شما آتش است، و هیچ مددگاری ندارید. »

﴿٣٥﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا

هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

« این از سببی است که نشانه های خداوند را به تمسخر گرفتید، و زندگانی دنیا شما را فریب داد. از این رو امروز از دوزخ بیرون کرده نمیشوند. » و نه هم هیچگونه عذری از ایشان پذیرفته میشود.

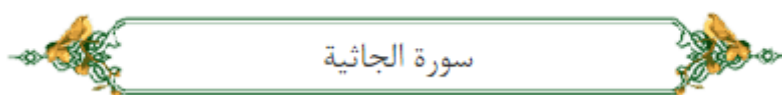
﴿٣٦﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس ستایش (تنها) از آن خداست، پروردگار آسمانها، پروردگار زمین (و) پروردگار (همه) جهانیان.

﴿٣٧﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بزرگی و جلال در آسمانها و زمین است از آن اوست، و هم اوست صاحب قدرت منیع (و) باحکمت.

(٤٥) سورة الجاثية



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام آفریننده بخشنده بخشاینده

﴿١﴾ حم

﴿٢﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

﴿٣﴾ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ

﴿٤﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿٥﴾ وَاختِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

﴿٦﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

﴿٧﴾ وَيُلْ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

﴿٨﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا ۗ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

﴿٩﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

﴿١٠﴾ مِّنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ ۗ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿١١﴾ هَٰذَا هُدًى ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ

﴿١٢﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

﴿١٣﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

﴿١٤﴾ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

﴿١٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

﴿١٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ

الْعَالَمِينَ

﴿١٧﴾ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ

يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

﴿١٨﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ وَلِيُّ

الْمُتَّقِينَ

﴿٢٠﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿٢١﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً

مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

﴿٢٢﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴿٢٣﴾ أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ

غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

﴿٢٤﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ ۗ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۗ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

﴿٢٥﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿٢٦﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

﴿٢٧﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

﴿٢٨﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً ۗ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿٢٩﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿٣٠﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

﴿٣١﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

﴿٣٢﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ

﴿٣٣﴾ وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

﴿٣٤﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

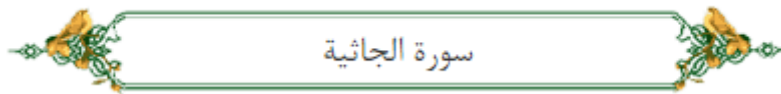
﴿٣٥﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

﴿٣٦﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿٣٧﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

(٤٥) سوره الجاثية:

این سوره مکی و دارای (٣٧) آیه است. جاثیه به معنی زانو در آمده (در روز قیامت مردم به زانو در می آیند) است. این سوره نام خود را از آیه بیست و هشتم (وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً) این سوره گرفته است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام آفریننده بخشنده بخشاینده

﴿١﴾ حم

﴿٢﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

﴿٣﴾ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ

﴿٤﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿٥﴾ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

﴿٦﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

﴿٧﴾ وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

﴿٨﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا ۗ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

﴿٩﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوعًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

﴿١٠﴾ مِّنْ وَّرَائِهِمْ جَهَنَّمُ ۗ وَلَا يُعْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿١١﴾ هٰذَا هُدًى ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ

﴿١٢﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

﴿١٣﴾ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

﴿١٤﴾ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

﴿١٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

﴿١٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى
الْعَالَمِينَ

﴿١٧﴾ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ ۗ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ
يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

﴿١٨﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَاللَّهُ وَلِيُّ
الْمُتَّقِينَ

﴿٢٠﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿٢١﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً
مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

﴿٢٢﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴿٢٣﴾ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ
غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

﴿٢٤﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ ۗ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ
عِلْمٍ ۗ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

﴿٢٥﴾ وَإِذَا تُلتَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿٢٦﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

﴿٢٧﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

﴿٢٨﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً ۗ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿٢٩﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿٣٠﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

﴿٣١﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

﴿٣٢﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَّرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ

﴿٣٣﴾ وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

﴿٣٤﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ

﴿٣٥﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۗ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

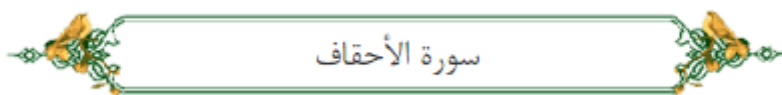
﴿٣٦﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿٣٧﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جزء یا سپاره بیست و ششم - حم

(٤٦) سوره الاحقاف:

این سوره مکی و دارای (٣٥) آیه است و احقاف به معنی سرزمین قوم هود می باشد که گرفتار عذاب الهی شدند. این سوره از سببی به این نام یاد شده است که در آن از احقاف که منازل قوم عاد در یمن بود سخن رفته است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ حم

ح. ٤٠

﴿٢﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

نزول (این) کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت (صورت گرفته) است.

﴿٣﴾ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا

أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ

آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست، جز به حق و (برای) مدت معینی نیافریدیم. (ولی) کافران از آنچه بیم داده میشوند (التفاتی نمیکنند و از آن) روی گردانند.

﴿٤﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي

السَّمَاوَاتِ ۗ أَتُونِي بِكِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

بگو: « آیا معبودانی را که جز خدا نیایش میکنید دیده اید؟ چه چیز را در زمین آفریده اند؟ (اگر چیزی را آفریده باشند) به من نشان دهید! یا برای آنها در آسمان ها مشارکتی وجود دارد؟ (برای اثبات این ادعا) به من کتابی را پیش ازین (قرآن) نشان دهید یا نشانه ای را از علم ارائه کنید، اگر راست میگویید. »

﴿٥﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ

غَافِلُونَ

کیست گمراه تر از آنکه جز خدا کسی را نیایش میکند که تا روز قیامت او را اجابت نمی نماید؟ و ایشان از نیایش (پیروان) شان بی خبر اند.

﴿٦﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ

و چون مردم حشر شوند، (معبودان باطل شان) دشمنان شان خواهند بود، و از عبادت شان منکر می باشند.

﴿٧﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و چون آیات روشن ما به ایشان خوانده شود، آنانیکه از حق انکار ورزیده اند در برابر حقیکه برای آنها آمده میگویند: « این سحر آشکار است. »

﴿٨﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۗ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ

فِيهِ ۗ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

یا میگویند: « (پیامبر) آنرا افترا کرده است. » بگو: « اگر من آنرا افترا کرده باشم، نمی توانید چیزی را از (خشم) خدا از من باز دارید. او به چیزهای بی ضرورتیکه (درباره من) میگوید داناتر است. و او بحیث گواه میان ما و شما بسنده است، و اوست آمرزنده (و) مهربان. »

﴿٩﴾ قُلْ مَا كُنتُ بِدَعَاٍ مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ۗ إِنِ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ

وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

بگو: « من نمونه نایابی از پیامبران نیستم، و نه میدانم که با من چه میشود، و نه (هم میدانم که) با شما (چه) میشود. من جز چیزی را که به من وحی میشود پیروی نمی کنم. من نیستم مگر بیم دهنده آشکار. »

﴿١٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

بگو: « بنگرید اگر (قرآن) از جانب خداوند باشد (که یقیناً هست)، و شما از آن منکر شدید، و گواهی از بنی اسرائیل بر (اساس کتابی) مثل آن (تورات بر حقانیت آن) گواهی دهد، و (او به آن) ایمان آورد، و شما (از آن با) تکبر (انکار) کنید، (آیا شما ستمگار نیستید)؟ بیگمان خداوند مردم ستمگار را رهیاب نمیسازد. »

﴿١١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۗ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ

کافران به مسلمانان گفتند: « اگر (اسلام) خوب میبود، ایشان بر ما بسوی آن پیشی نمی گرفتند. » و چون به آن رهیاب نشدند، بزودی میگویند: « این یک دروغ قدیمی است. »

﴿١٢﴾ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ

و پیش ازین (قرآن)، کتاب موسی پیشوایی بود و مرحمتی. و (اکنون) این کتاب تصدیق کننده (کتب پیشین) است، (و) به زبان عربی (نازل شده است)، تا ستمکاران را بیم دهد و بشارتی برای نیکوکاران شود.

﴿١٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

بیگمان آنانیکه گفتند: « پروردگار ما خدا است، » و سپس (بر آن) پایدار ماندند، بر ایشان هیچ ترسی نیست، و نه (هم) ایشان اندوهگین میشوند.

﴿١٤﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ایشان اهل بهشت اند، در آن جاودانه بسر میبرند، (بحیث) پاداشی به اعمالیکه انجام میدادند.

﴿١٥﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۗ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۗ وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ

شَهْرًا ۗ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ

عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۗ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ

الْمُسْلِمِينَ

و به انسان توصیه کردیم که با پدر و مادر خویش نیکویی کند. مادرش او را با ناراحتی (در شکم) خود برداشت، و او را با ناراحتی زاید، و (دوره) حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است. تا چون به (سن) رشد (و پختگی) خویش رسید، و چهل ساله شد، گفت: « ای پروردگار من، مرا بر آن دار تا شکران نعمتی را که به من و به پدر و

مادر من ارزانی کردی بجا آرم، و تا (چنان) عمل صالحی انجام دهم که به آن خوشنود شوی. برای من در دودمانم (مردم) صالحی به میان آر. من واقعاً به تو روی آوردم، و واقعاً از مسلمانانم. «

﴿١٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

اینهاند کسانی در زمره بهشتیان، که از ایشان بهترین اعمال شانرا قبول میکنیم، و از بدیهای شان درمیگذریم، و عده صادقانه ای که به ایشان وعده داده میشد.

﴿١٧﴾ وَالَّذِي قَالَ لِيُوالِدَيْهِ أَفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

(اما) آنکه به پدر و مادرش گفت: « اف بر شما، آیا به من وعده میدهید که (روز قیامت از قبر) برآورده میشوم؟ در حالیکه پیش از من نسل های زیادی درگذشتند (و هرگز برانگیخته نشدند)؟ « و ایشان پیوسته از خدا یاری می جویند (و به وی میگویند): « وای بر تو، ایمان بیار. واقعاً که وعده خدا حق است. « ولی او (در جواب) میگوید: « این نیست جز افسانه های پیشینیان. «

﴿١٨﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

ایشان در زمره همان (گروه) جن و انسی هستند که پیش از ایشان گذشته اند، فرمان عذاب بر ایشان صادر شده است، ایشان واقعاً زیانکار بودند.

﴿١٩﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا ۖ وَيُؤْتِيهِمُ أَجْرَهُمْ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ

و برای هر کدام از ایشان مطابق به اعمالیکه انجام داده اند، درجاتی (تعیین شده) است، و تا (خداوند) پاداش اعمال شانرا ایفاء کند، و به ایشان ستمی نمی شود.

﴿٢٠﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طِبَّاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ

و روزی که کافران به آتش عرضه میشوند، (به ایشان گفته می شود): « در زندگی دنیوی خویش از چیزهای پاکیزه (و دلخواه) خویش برخوردار و از آن بهرور شدید. اما به نسبت اینکه در روی زمین به ناحق تکبر می ورزیدید، و به نسبت اینکه به فسق آغشته بودید، امروز به عذاب اهانت آمیزی مجازات میشوید. «

﴿٢١﴾ وَادْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَابِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّدْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

داستان (هود) برادر عاد را بیاد آر، زمانیکه قومش را در (سرزمین) احقاف بیم داد، در حالیکه بیم دهندگانی پیش از او و بعد از او گذشتند، به اینکه: « جز خدا را نپرستید، واقعاً من بر شما (از) عذاب روز بزرگ میترسم. »

﴿۲۲﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنِ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

گفتند: « آیا نزد ما آمده یی که ما را از خدایان ما باز داری؟ پس اگر راست میگویی، همان چیزی را که به ما وعده میدهی بیاور. »

﴿۲۳﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

(هود) گفت: « بیگمان علم (آن) تنها به نزد خداوند است، و من به شما چیزی را که به آن فرستاده شده ام ابلاغ میدارم، ولی من شما را قومی می بینم که جهالت میورزید. »

﴿۲۴﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أُوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا ۗ بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ

فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

سپس چون آن (عذاب) را بشکل ابری گسترده دیدند، که بسوی وادیهای شان در حرکت است، گفتند: « این ابری است که برای ما باران می آورد. » (نخیر) بلکه این همان چیزی است که با شتابزدگی آنرا خواستید؛ (تند) بادی است که در آن عذابی دردناک است.

﴿۲۵﴾ تَدْمُرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ ۗ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

(که) همه چیز را به حکم پروردگار خویش نابود میکند. پس به حالتی درآمدند که جز مسکن های شان، چیز دیگری دیده نمیشد. به این ترتیب گروه مجرمان را جزا میدهیم.

﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ

سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و بیگمان ما ایشان را در چنان مکنتی {۱} قرار داده بودیم که شما را در آن مکنت قرار ندادیم. و به ایشان شنوایی، بینایی و دلها(ی اندیشمندی) دادیم. ولی از ایشان شنوایی شان، بینایی شان و عقل شان هیچ چیزی (از عذاب خدا) را دفع نکرد، چون از آیات خدا انکار میکردند، و آنچه را مسخره میکردند ایشان را فرو گرفت. {۱} توانایی و قدرتی؛

﴿۲۷﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و بیگمان سرزمین های پیرامون شما را ویران ساختیم، و نشانه های گوناگون را (به معرض مشاهده ایشان) قرار دادیم، تا باشد که (به راه حق) باز گردند.

﴿٢٨﴾ فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً ۗ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۗ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

پس چرا آنهایی را که جز خدا برای تقرب بحیث معبود گرفته بودند، به ایشان یاری ندادند، بلکه (واقعیت اینست که) از نزد شان ناپدید شدند. و این بود (نتیجه) دروغ شان و چیزیکه آنرا افتراء کرده بودند.

﴿٢٩﴾ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا ۗ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

و به یاد آر هنگامی را که گروهی از جن را بسوی تو متوجه ساختیم، تا به قرآن گوش فرا دهند. چون به این (محضر) حضور یافتند، (برخی شان به برخی دیگر) گفتند: « خاموش باشید. » هنگامیکه (قرائت) تمام شد، بسوی قوم خویش در حالی بازگشتند که آنها را هوشدار میدادند.

﴿٣٠﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ ۗ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

گفتند: « ای قوم ما، واقعاً کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده است، تصدیق کننده کتبی است که پیش از آن نازل شده است، و بسوی حق و بسوی راه راست هدایت میکند. »

﴿٣١﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

ای قوم ما، این دعوتگر خدا را اجابت کنید، و به او ایمان آرید، تا (خداوند) برای شما از گناهان شما بیامرزد، و شما را از عذاب دردناک پناه دهد.

﴿٣٢﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و کسی که دعوتگر خدا را اجابت نکند، پس در زمین عاجز کننده نیست (یعنی از عذاب خدا پناهگاهی در زمین نمی یابد)، و برای او جز خدا یار و یآوری نیست. اینها در گمراهی آشکاری هستند.

﴿٣٣﴾ أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعْزِبْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ۗ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا ندیدند خداییکه آسمانها و زمین را آفرید، و به آفرینش اینها مانده نشد، میتواند که مردگان را زنده کند؟ آری، بیگمان او بر همه چیز تواناست.

﴿٣٤﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۗ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۗ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

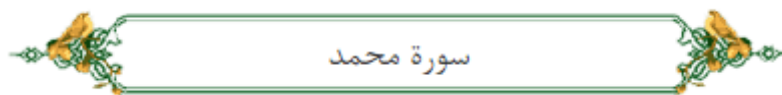
و روزیکه کافران به آتش عرضه میشوند، (از آنها پرسیده میشود): « آیا این حق نیست؟ » میگویند: « آری، و به پروردگار ما سوگند (که حق است). » میگوید: « پس به سببیکه کافر بودید، عذاب را بچشید. »

﴿۳۵﴾ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۚ بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ

بنابر آن، صبر کن، طوریکه (همه) پیامبران اولوالعزم شکیبایی ورزیدند، و به (عذاب) آنها شتاب مکن. و روزیکه آنچه را (از عذاب به ایشان) وعده شده بینند، (برای شان مین ماید) که جز ساعتی از یکرور را درنگ نکرده اند. این هوشداری است، پس آیا جز مردم فاسق هلاک ساخته میشوند؟

(۴۷) سوره محمد:

این سوره مدنی و دارای (۳۸) آیه است. این سوره از سببی محمد نام گرفت که در آیه دوم آن بیانی، فرو فرستادن قرآن بر حضرت محمد (ص) بیان شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ

آنانیکه کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، (خداوند) اعمال ایشانرا ضایع گردانید.

﴿۲﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۚ كَفَّرَ

عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ

و آنانیکه ایمان آوردند و عمل نیکو انجام دادند، و به آنچه بر محمد نازل شد ایمان آوردند - در حالیکه این حق است از نزد پروردگارشان، - خداوند از ایشان بدی های شان را زداید، و حال شان را اصلاح کرد.

﴿۳﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ

اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ

این از سببی است که کافران باطل را پیروی کردند، و بیگمان مؤمنان از حقی که از نزد پروردگارشان است پیروی کردند. به این ترتیب خداوند برای مردم، همانندهای شانرا مثال میزند.

﴿٤﴾ فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخْتُمْهُمُ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَمَا مَتَّأَ بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۗ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ

پس چون با کافران مصاف می‌دهید، (کار شما) گردن زدن (شان) است. تا چون بر آنان چیره شدید، (قید و بند را) (بر ایشان) محکم گردانید. بعد ازین یا منت گذاشتن است (به اینکه آنها را رایگان آزاد کنید)، یا فدیة گرفتن (در برابر آزادی شان)، تا اینکه جنگ بار خود را (به زمین) نهد. اینست (حکمی که باید از آن پیروی شود). و اگر خدا می‌خواست، یقیناً از ایشان انتقام می‌گرفت، اما (جهاد را برای آن فرض گردانید) تا بعضی شما را به (وسیله) بعضی دیگر بیازماید. کسانی که در راه خدا کشته شدند، (خداوند) هرگز اعمال شانرا ضایع نمی‌کند.

﴿٥﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُضِلُّهُمُ بِاللَّهِمْ

بزودی ایشان را هدایت می‌کند، و حال شانرا به صلاح می‌آورد.

﴿٦﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ

و ایشانرا به بهشتی داخل می‌گرداند که (اوصاف) آنرا به ایشان معرفی کرده است.

﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

ای مؤمنان، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند، و گام‌های شما را استوار می‌گرداند.

﴿٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ

و (اما) کافران، پس مرگ باد بر ایشان، و (خداوند) اعمال شانرا ضایع می‌کند.

﴿٩﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

این از سببی است که آنچه را خداوند نازل گردانید، ناخوش آیند می‌انگاشتند، پس اعمال شان را حبطه کرد.

﴿١٠﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ دَمَّرَ اللَّهُ

عَلَيْهِمْ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا

آیا در زمین سفر نکردند تا ببینند که عاقبت کسانی که پیش از ایشان بودند چه شد؟ خداوند ایشان را هلاک کرد، و برای کافران امثال این (مجازات) است.

﴿١١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

این از سببی است که خداوند مولا (و مددگار) مؤمنان است، و واقعاً کافران مولا (و مددگاری) ندارند.

﴿١٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَالَّذِينَ

كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوَىٰ لَهُمْ

بیگمان خداوند آنانی را که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، به باغهایی داخل میگرداند که از زیر (درختان) آنها جویبارهایی جریان دارد. و کافران (از مظاهر فریبنده دنیوی) به همانگونه بهره اندوز میشوند و میخورند که چارپایان میخورند، و (سرانجام) آتش مسکن ایشان است.

﴿۱۳﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

ای بسا از سرزمین هایی که (مردم آن) از (مردم) سرزمین تو - جایکه ترا از آن بیرون کردند - نیرومندتر بودند. ایشانرا هلاک ساختیم، و هیچ یار و مددگاری برای ایشان نبود.

﴿۱۴﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

پس آیا کسانیکه دلیل روشنی از جانب پروردگار خود دارند، مانند کسانی اند که زشتی عمل شان بر ایشان زیبا جلوه داده شده، و از هوای نفس خود پیروی کردند؟

﴿۱۵﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۚ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ

وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى ۚ وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ

مِّن رَّبِّهِمْ ۚ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

صفت بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده (اینست که) در آن جویبارهایی است از آب پاکیزه ای که گندیده (و بدبو) نمیشود، و جویبارهایی از شیری که مزه آن تغییر نمیکند، و جویبارهایی از شراب (طهوری) که (مایه) لذت نوشندگان است، و جویبارهایی از عسل مصفا. در آن برای ایشان از همه (انواع) میوه ها (میسر) است، و (نیز) آمرزشی از جانب پروردگارشان. (آیا کسانی که در چنین حالت گوارایی قرار دارند) مانند کسانی بوده میتوانند که همیشه در آتش بسر میبرند، و برای شان آب جوشانی نوشانیده میشود که روده های شان را پارچه پارچه میکند؟

﴿۱۶﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ

أَنفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

و از میان ایشان کسانی اند که به تو گوش فرا میدهند، اما چون از نزد تو میروند، به کسانی که به ایشان علم داده شده میگویند: « آیا او (یعنی پیامبر) همین اکنون چه گفت؟ » ایشان کسانی اند که خداوند بر دلهای شان مهر زده، و هوای نفس خود را پیروی کردند.

﴿۱۷﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

و (اما) آنانیکه رهیب شدند، (خداوند) بر هدایت شان افزود، و به ایشان تقوای شانرا ارزانی فرمود.

﴿۱۸﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ

ذِكْرَاهُمْ

پس آیا جز قیامت، که ناگهانی به ایشان می آید، انتظاری دارند؟ در حالیکه همین اکنون (بعضی) نشانه های آن آمده است. پس چون (قیامت) به ایشان فرا رسد، چگونه برای شان پندشان (سودمند) خواهد شد؟

﴿١٩﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ

وَمَثْوَاكُمْ

پس بدان براستی جز خدا معبودی نیست، و از گناه خود و مردان مسلمان و زنان مسلمان آمرزش بخواه. خداوند جای گشت و گذار و محل بودوباش شما را میداند.

﴿٢٠﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ ۗ فَإِذَا نَزَلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ ۗ رَأَيْتَ

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۗ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ

مؤمنان میگویند: « چرا سوره ای (در مورد جهاد) نازل نمیشود؟ » ولی وقتیکه سوره ای محکمی (یعنی سوره ای که حکم آن قاطع و معنی آن روشن است) نازل شود، و در آن جنگ ذکر کرده شود، آنانی را که در دلهای شان مرض است، می بینی که بسوی تو با نگاه کسیکه از مرگ بر او بیهوشی عاید شده نظر می اندازند، پس (مرگ) به ایشان بهتر است.

﴿٢١﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ ۗ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

(شایسته حال شان) فرمانبری و سخن نیکو است، و چون فرمان (جهاد) قطعیت یافت، پس اگر به خدا صادق باشند، (این) بر ایشان بهتر است.

﴿٢٢﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

پس در صورتیکه شما سرپرست امور (مردم) شوید، آیا فکر نمی کنید که در زمین فساد کنید و (صله) رحم خویش را قطع نمایید؟

﴿٢٣﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ

آنهاوند کسانیکه خداوند ایشانرا لعنت کرده است، پس آنها را کر ساخت و چشمان شانرا نابینا گردانید.

﴿٢٤﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

پس آیا در قرآن فکر نمیکنند؟ یا بر دلهای ایشان قفلهای (باز دارنده از فهم) آن نهاده شده است؟

﴿٢٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ۗ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ

لَهُمْ

بیگمان آنانیکه، بعد از روشن شدن راه حق به ایشان، به عقب خویش برگشتند، شیطان برای آنها (این امر را) زیبا جلوه داد، و ایشان را به آرزوهای (دور و درازی) فریفت.

﴿٢٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

این از سببی است که ایشان به کسانیکه، چیزی را که خداوند نازل گردانیده، ناخوش آیند می انگاشتند، میگفتند: « در بعضی امور از شما پیروی خواهیم کرد، » در حالیکه خداوند اسرار شان را میداند.

﴿۲۷﴾ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ

پس حال ایشان چه خواهد بود وقتیکه فرشتگان روح شانرا در حالی قبض کنند که بر روها و پشت های شان بزنند؟

﴿۲۸﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

این از سببی است که ایشان چیزی را پیروی کردند که خشم خدا را برمی انگیزد، و رضای او را ناخوش آیند می انگاشتند، پس اعمال شانرا حبطه کرد.

﴿۲۹﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ

یا آنانیکه در دلهای شان مرضی است، پنداشتند که خداوند هرگز کینه های شانرا آشکار نمیگرداند؟

﴿۳۰﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمُ هُمْ فَاعْرِفْتُهُمْ بِسِيمَاهُمْ ۗ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

اگر بخواهیم، ایشان را به تو نشان میدهیم، و تو آنها را از روی قیافه های شان میشناسی، آنها را از لهجه کلام شان حتماً خواهی شناخت، و خداوند اعمال (همه) شما را میداند.

﴿۳۱﴾ وَلَتَبْلُوَنكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ

ما شما را حتماً آزمایش میکنیم، تا مجاهدان شما و شکیبایان (شما را) متمایز گردانیم، و تا اخبار شما را مورد آزمون قرار دهیم (یعنی اخباری را که از شما میرسد آشکار کنیم).

﴿۳۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ

يُضْرَبُوا اللَّهُ شِئْنًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ

بیگمان آنانیکه کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند و با پیامبر مخالفت ورزیدند، بعد ازینکه راه حق به ایشان روشن شد، هیچ زبانی به خداوند رسانده نمی توانند، و بزودی اعمال شان را حبطه میکند.

﴿۳۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

ای مؤمنان، خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید، و اعمال خویش را ضایع نسازید.

﴿۳۴﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

آنانیکه کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، و در حالیکه کافر بودند مردند، پس خدا هرگز ایشان را نمی آمرزد.

﴿۳۵﴾ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالَكُمْ

هرگز سست مشوید و (دشمن را) به صلح (ذلت بار) فرا نخوانید، در حالیکه شما غالب هستید. خداوند با شماست، و او هرگز اعمال شما را ضایع نمیکند.

﴿٣٦﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ ۖ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ

بیگمان زندگی این دنیا بازی است و بیهودگی، و اگر ایمان آرید و پرهیزگار شوید، (خدا) پاداش شما را میدهد، و از شما دارایی های شما را نمیخواهد.

﴿٣٧﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ

اگر از شما آنها را بخواهد، و (بر این تقاضا) بر شما اصرار نماید، بخل میورزید و کینه و خشم شما را آشکار میسازد.

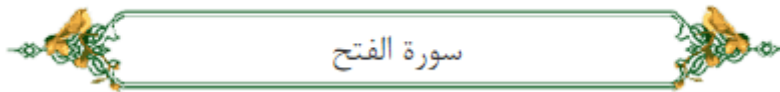
﴿٣٨﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ ۗ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن

نَفْسِهِ ۗ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ۗ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

آگاه باشید، شما باید که به خرج کردن در راه خدا فرا خوانده میشوید، (با این هم) بعضی از شما بخل می ورزند، و هر که بخل کند به خود بخل میکند، و خدا بی نیاز است و شما محتاج هستید. اگر (از داد و دهش) روی برتابید، خداوند به عوض شما قوم دیگری را میاورد، و باز ایشان همانند شما نیستند.

(٤٨) سوره الفتح:

این سوره مدنی و دارای (٢٩) آیه است و از سبب افتتاح آن با مژده فتح مبین برای پیامبر (ص) فتح نامیده شد. فتح به معنی گشودن، پیروزی (منظور پیروزی پیامبر در انعقاد قرارداد صلح حدیبیه است که راه را برای پیروزی های بعدی هموار کرد.)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

بیگمان برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم.

﴿٢﴾ لِيَعْرِفَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

تا خداوند از کوتاهی هایی که در گذشته از تو به عمل آمده یا در آینده به عمل خواهد آمد درگذرد، و نعمت خود را بر تو تمام کند، و ترا به راه راست رهنمون شود.

﴿۳﴾ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا

و تا ترا به پیروزی نیرومندی پیروز گرداند.

﴿۴﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَاللَّهُ جُنُودٌ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

هم اوست که در دل‌های مؤمنان آرامش فرو فرستاد، تا با ایمان خویش ایمانی بیفزایند. لشکرهای آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿۵﴾ لِيَدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ

سَيِّئَاتِهِمْ ۗ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

تا مردان و زنانی را که ایمان دارند، به باغهایی داخل گرداند که در زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد، و در آن جاودانه بسر برند، و تا از ایشان بدی‌های شان را بزداید. و این در نزد خدا پیروزی بزرگی است.

﴿۶﴾ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ ۗ عَلَيْهِمْ

دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَعَظِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۗ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

و تا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را، که به خدا گمان بد می‌برند، مجازات کند. بر ایشان گردش بد (حوادث و سختی روزگار مسلط) باد! خداوند بر ایشان خشم کرد، ایشانرا لعنت نمود، و برای شان (آتش) دوزخ را آماده ساخت. و (دوزخ) چه بد جای بازگشت است.

﴿۷﴾ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيمًا حَكِيمًا

لشکرهای آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۸﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

بیگمان ترا (به حیث) گواه، بشارت دهنده و اخطاردهنده‌ای فرستادیم.

﴿۹﴾ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

تا به خداوند و پیامبر او ایمان آورید، و (دین) او را یاری دهید، و او را تعظیم کنید، و در صبح و شام او را به پاکی یاد کنید.

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۗ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ

نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

بیگمان آنانیکه با تو بیعت میکنند، در واقع با خدا بیعت می کنند. ید خداوند بالای دستهای شان است. پس هر کسیکه پیمان خویش را نقض میکند، بیگمان به زیان خویش پیمان شکنی میکند. و هر که عهدش را با خدا ایفا کرد، به زودی برای او پاداش بزرگ می دهد.

﴿۱۱﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا ۗ يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۗ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ۗ بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

بزودی تخلف کنندگان از بادیه نشینان به تو خواهند گفت: « ما را اموال ما و خانواده های ما (از اشتراک درین سفر) بازداشت، از اینرو برای ما آموزش طلب کن. » ایشان چیزی را بر زبان خود می گویند، که در دلهای شان نیست. بگو: « اگر خدا بخواهد به شما زبانی برساند، یا بخواهد به شما سودی برساند، کیست که برای شما از (ارادة) خدا چیزی را مانع گردد؟ آری، خداوند به اعمالیکه انجام میدهید آگاه است. »

﴿۱۲﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا

واقعیت اینست که شما گمان کردید که پیامبر و مؤمنان به خانواده های خویش هرگز برنخواهند گشت، و این امر به دلهای شما زیبا جلوه داده شد، و گمان بد کردید، و شما مردم تباه شونده ای بودید.

﴿۱۳﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

و کسیکه به خدا و پیامبر او ایمان نیاورد، پس برای کافران آتش فروزانی را آماده کردیم.

﴿۱۴﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداست. هرکرا که بخواهد می آمرزد، و هرکرا بخواهد مجازات میکند. و خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿۱۵﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ ۗ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ۗ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ۗ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۗ بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

وقتیکه بسوی غنیمت حرکت کنید تا آنرا بگیریید، مخالفان فوراً می گویند: « به ما اجازه بدهید که شما را پیروی کنیم. » ایشان میخواهند کلام خدا را تبدیل کنند. بگو: « هرگز به دنبال ما نیایید. خداوند از پیش چنین گفته است. » و خواهند گفت: « بلکه به ما حسد میورزید. » واقعیت امر اینست که ایشان درک نمیکنند، جز اندکی.

﴿١٦﴾ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمِ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۗ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۗ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

به متخلفان از بادیه نشینان بگو: « بزودی بسوی قومی فرا خوانده میشوید که نیروی سخت جنگی دارند، که با ایشان جنگ میکنید یا آنکه مسلمان شوند. اگر فرمان بردید، خداوند شما را مزد نیک میدهد، و اگر رو گردانیدید، همچنانکه پیش ازین رو گشتانیدید، شما را به عذابی دردناک مجازات میکند. »

﴿١٧﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

بر نابینا حرجی نیست، و نه هم بر لنگ حرجی است، و نه هم بر بیمار حرجی است (یعنی این ها مجبور نیستند به جنگ اشتراک کنند). هر کس که خداوند و پیامبر او را فرمان برد، (خداوند) او را در باغهایی جای گزین میسازد، که در زیر (درختان) آن جویبارها جریان دارد، و هر کس که رو میگرداند، (خداوند) او را به عذاب دردناکی مجازات میکند.

﴿١٨﴾ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

بیگمان خداوند از مسلمانان خوشنود شد، هنگامیکه با تو در زیر درخت بیعت کردند، و چیزی را که در دلهای ایشان بود میدانست. از اینرو بر ایشان آرامش فرو فرستاد، و ایشانرا به پیروزی فوری پاداش داد.

﴿١٩﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

و (نیز) به غنیمت های بسیاری که بدست می آورند. و خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٢٠﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

خداوند به شما غنیمت های زیادی را وعده داده است، که آنها را بدست می آورید، و این را به شما بزودی فراهم کرد. در عین حال دست مردم را از شما باز داشت، تا این برای مؤمنان نشانه ای باشد، و تا شما را به راه راست رهنمون کند.

﴿٢١﴾ وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

و (نیز) پیروزیها و غنایم دیگری است، که شما بر آن دستبرد نزده اید، (ولی) خداوند بر آن احاطه کرده است. و خداوند بر هر چیز تواناست.

﴿٢٢﴾ وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأُدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

اگر کافران با شما جنگ می کردند، یقیناً عقبنشینی مینمودند، و (در آنوقت) نه حامی داشتند و نه (هم) مددگاری.

﴿۲۳﴾ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۗ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

(اینست) روش خداوند، که در گذشته جریان داشته. در روش خداوند هرگز تغییری نمی یابی.

﴿۲۴﴾ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ

عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

هم اوست که در داخل مکه دست شانرا از شما و دست شما را از ایشان باز داشت، بعد از آنکه شما را بر ایشان پیروز گردانید. و خداوند به آنچه میکنید بیناست.

﴿۲۵﴾ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ ۗ وَلَوْلَا

رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيْبِكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ ۗ لِيَدْخُلَ

اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

هم ایشانند که کافر شدند، و شما را از (داخل شدن به) مسجد حرام باز داشتند، و رساندن هدی را بجای (مشخص) آن مانع شدند. و اگر این ترس موجود نمی بود که مردان مسلمان و زنان مسلمان هستند که شما ایشان را نمی شناسید و مبدا آنها را پایمال کنید، و شما به نسبت این آسیبی که بر ایشان وارد میشود ناآگاهانه مرتکب زبانی (یعنی گناهی) می شدید، (در آن صورت خداوند به شما اجازه میداد که از راه استعمال قوه داخل مکه شوید). و تا خداوند هر کسی را که بخواهد، در رحمت خویش داخل نماید. اگر (مؤمنان) خود را کنار می کشیدند، کسانی از ایشان (یعنی اهل مکه) را که کافر شدند، به عذاب دردناکی عذاب میکردیم.

﴿۲۶﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ

وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

در آن فرصت که کافران در دل خود ننگ را - ننگ جاهلیت را - (نیرومند) گردانیدند، خداوند آرامش خویش را بر رسول خویش و مؤمنان فرو فرستاد، و بر ایشان کاربرد تقوی را لازم گردانید. آری، ایشان به کاربرد تقوی (از هر کس دیگر) سزاوارتر بودند، و اهل آن بودند. و خداوند به هر چیز داناست.

﴿۲۷﴾ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ ۗ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ

رُءُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۗ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا

حقا که خدا (این) خواب پیامبر خود را راست گردانید، که اگر خدا بخواهد، واقعاً به امن (و آرامش) و بدون خوف به مسجد حرام داخل میشوید، در حالیکه (موهای) سرهای خود را (بعد از بجا کردن مراسم عمره) میتراشید و کوتاه میکنید. پس خداوند آنچه را که شما نمی دانستید میدانست، و پیش از این (و پس از بسر رسیدن این رؤیا) پیروزی نزدیکی را (به شما میسر) گردانید.

﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آنرا بر همه ادیان پیروز کند، و خدا بحیث شاهد کافی است.

﴿٢٩﴾ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا

يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۗ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۗ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي

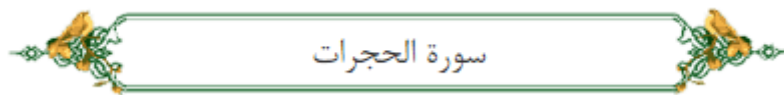
التَّوْرَةِ ۗ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجَبُ

الزَّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

محمد پیامبر خداست. و آنیکه با او هستند، در برابر کافران سرسخت و قوی، و در میان خودشان مهربان اند. (همواره) ایشانرا رکوع کنان و سجده کنان می بینی، و فضل و خوشنودی خدا را میجویند، نشانه های شان در روهای شان از اثر سجده (آشکار) است. اینست صفات شان در تورات و صفت شان در انجیل، همانند دانه تخمی که جوانه خود را بیرون آرد، سپس آنرا نیرومند گرداند، و باز سخت شود و بر ساقه خود استوار گردد، (به حدیکه) کشتمند را (نمو و بزرگ شدن شگرف و بیدرنگ آن) به شگفت می آرد. تا (خداوند) به وسیله (این پیشرفت بیدرنگ) ایشان (یعنی کافران) را به خشم آرد. خداوند آنده از ایشان را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، به آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

(٤٩) سورة الحجرات:

این سوره مدنی و دارای (١٨) آیه است و حجرات به معنی حجره ها ،خیمه ها (حجره های منزل پیامبر) میباشد و از سبب حجرات نامیده شد که خداوند متعال در آن به درشت خویان اعرابی ادب آموخت که رسول اکرم را از پشت حجره های زنان مومن و پاک نهادش رضی الله عنهن صدا میکردند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای مؤمنان، بر خداوند و پیامبر او پیشدستی نکنید. و از خداوند بترسید، بیگمان خداوند شنوا (و) داناست.

﴿٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

ای مؤمنان، آواز خویش را بر آواز پیامبر بلند نکنید، و با او به آواز بلند سخن مگویید، همانند اینکه یکی از شما بر دیگری بانگ میزند، تا مبدا اعمال شما حبطه شود و شما ملتفت نباشید.

﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

بیگمان آنانیکه در حضور پیامبر خدا آواز خود را پست می کنند، کسانی اند که خداوند دل های شانرا به پرهیزگاری آزموده است. برای ایشان آمرزش و مزد بزرگی است.

﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

بیگمان آنانیکه ترا از ورای حجره ها صدا میکنند، اکثر ایشان بی عقل اند.

﴿٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

اگر واقعاً ایشان صبر میکردند، تا تو نزد شان بیرون میشدی، برای شان بهتر بود. خداوند آمرزنده (و) مهربان است.

﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

ای مؤمنان، اگر فاسقی خبری به شما بیاورد، (در مورد آن) تحقیق کنید، مبدا مردم را نادانسته زیان رسانید، و بعد از آن بر کرده خود پشیمان شوید.

﴿٧﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ۗ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

بدانید که پیامبر خدا در میان شما است، اگر او در بسیاری از امور از شما پیروی کند، یقیناً به مشقت دچار میشوید. مگر خداوند ایمان را نزد شما محبوب گردانید، و آنرا به دلهای شما زیبا جلوه داد، و برای شما کفر، فسق {۱} و نافرمانی را منفور قرار داد. و (چنین مردمی) هم ایشانند رهیاب. {۱} فجور؛

﴿٨﴾ فَضَلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

(اینها) فضلی است از جانب خدا و نعمتی، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٩﴾ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

اگر دو گروه از مسلمانان (با یکدیگر) به مقابله برخیزند، در میان شان صلح کنید. اما اگر یکی از ایشان بر دیگری تجاوز کرد، با دسته ای که تجاوز میکند مقابله نمایید، تا به حکم خدا باز گردد. چون بازگشت، پس میان شان عادلانه صلح برقرار نمایید (یعنی عدالت ورزید). بیگمان خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

﴿١٠﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

حقا که مؤمنان برادر یکدیگر اند، پس بین برادران اصلاح نمایید، و از خدا بترسید، تا باشد که مورد رحمت قرار داده شوید.

﴿١١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای مؤمنان، هیچ گروهی (از شما) گروه دیگری را تمسخر نکند، شاید آنها از اینها بهتر باشند. و نه هم (گروهی) از زنان گروه زنان دیگر را تمسخر کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند. و عیب یکدیگر را مجوید، و نه هم بر یکدیگر لقبهایی بد بمانید، چه بد است نام فسق بعد از ایمان! و کسانیکه توبه نکنند، هم ایشانند ستمگار.

﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ۚ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای مؤمنان، از بسیاری گمانها خودداری ورزید، واقعاً بعضی از گمانها گناه است. و هرگز بعضی شما تجسس (عیب) بعضی دیگر را نکنید، و نه هم بعضی از شما بعضی دیگر را غیبت کند. آیا یکی از شما خوش دارد گوشت برادر خود را که مرده است بخورد؟ (واقعاً) از آن احساس کراهیت میکنید، از خدا بترسید. حقا که خداوند توبه پذیر (و) مهربان است.

﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم، بیگمان شما را از مردی و زنی آفریدیم، و شما را نژادها و قبایل گردانیدیم، تا یکدیگر را بشناسید. بیگمان گرامی ترین شما در نزد خدا پرهیزگارترین شماست. حقا که خداوند دانا (و) آگاه است.

﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم، بیگمان شما را از مردی و زنی آفریدیم، و شما را نژادها و قبایل گردانیدیم، تا یکدیگر را بشناسید. بیگمان گرامی ترین شما در نزد خدا پرهیزگارترین شماست. حقا که خداوند دانا (و) آگاه است.

﴿١٤﴾ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ۗ قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بادیه نشینان گفتند « ایمان آوردیم، » (به ایشان) بگو: « ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید "گردن نهادیم"، و هنوز ایمان بدلهای شما وارد نشده است. و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید، چیزی را از اعمال شما کم نمیکند. بیگمان خداوند بخشاینده (و) مهربان است. »

﴿١٥﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

واقعاً آنانی مؤمن اند که به خداوند و پیامبر او ایمان آوردند، و سپس به شک نیفتادند، و به مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند، هم ایشان اند راستگوی (و) راستکار).

﴿١٦﴾ قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بگو: « آیا خدا را از دین(داری) خود آگاه میگردانید؟ در حالیکه خداوند تمام چیزهایی را که در آسمانها و در زمین است میداند. و خدا بر هر چیز داناست.

﴿١٧﴾ يَمْشُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا ۗ قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم ۗ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

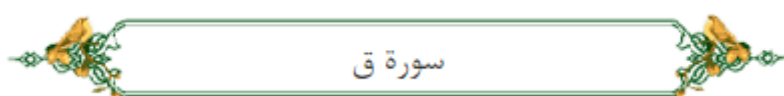
بر تو در مورد مسلمان شدن خود منت میگذارند؟ بگو: « بر من در مورد مسلمان شدن خود منت نه نهید، بلکه خداوند بر شما منت مینهد، بر اینکه شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر راستگو هستید. »

﴿١٨﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

بیگمان خداوند (اسرار) پنهان آسمانها و زمین را می داند، خداوند به آنچه میکنید بینا است.

(۵۰) سوره ق:

این سوره مکی و دارای (۴۵) آیه است و (ق) از حروف مقطعه قرآن مجید است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

ق، و سوگند به قرآن مجید (که تو پیامبری).

﴿۲﴾ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ

ولی ایشان ازین در شگفت شدند که به ایشان از میان خودشان بیم دهنده ای آمد. کافران گفتند: « این چیز عجیبی است. »

﴿۳﴾ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ۖ ذَلِكُمْ رَجْعٌ بَعِيدٌ

آیا چون بمیریم و خاک شویم (باز زنده میشویم)؟ این بازگشتنی است دور (از عقل).

﴿۴﴾ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ ۖ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ

بیگمان ما آنچه را زمین از (وجود) آنها کم میکند میدانیم، و در نزد ما کتابی است (که هر چیز در آن) محفوظ (است).

﴿۵﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيحٍ

بلکه حقی را که به ایشان آمده بود دروغ وانمود کردند. پس ایشان در امر حیرت آور (گرفتار شده) اند.

﴿۶﴾ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

آیا بسوی آسمان بالای (سر) خود نگاه نکردند؟ آنرا چگونه بناء کردیم، و مزین ساختیم، و در آن هیچ شگافی نیست؟!

﴿۷﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

و (به) زمین (متوجه نشدند) که آنرا گسترش دادیم، و بر آن کوههای شامخی قرار دادیم، و در آن هر جورهِ روییدنی های تر و تازه رویاندیم؟

﴿۸﴾ تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

(این) تبصره (ایست) و یادآوری برای هر بنده خداجوی.

﴿۹﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ

از آسمان آب پر برکتی را فرود آوردیم، و با آن باغها و دانه های درو شده رویاندیم.

﴿۱۰﴾ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ

نخلستانهایی با ساقه های بلند، و با خوشه های انبوه (و تو در تو).

﴿۱۱﴾ رَزَقًا لِلْعِبَادِ ۖ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا ۖ كَذَلِكَ الْخُرُوجُ

(بחיث) روزی برای بندگان. و به وسیله این (آب) سرزمین خشکیده (و پژمرده) را زنده گردانیدیم. و بیرون شدن (زندگی بعد از مرگ نیز) اینچنین است.

﴿۱۲﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ

پیش از ایشان، قوم نوح، اصحاب رس، ثمود.

﴿۱۳﴾ وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطِ

عاد، فرعون و برادران لوط، (پیامبران شان را) تکذیب کردند.

﴿۱۴﴾ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمِ تُبُعِ ۖ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ

و (نیز) اصحاب آیکه و قوم تبع، هر یک (ایشان) پیامبران (شان) را تکذیب کردند. سپس وعده عذاب (در مورد آنها) تحقق پذیرفت.

﴿۱۵﴾ أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ ۖ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

آیا ما در آفرینش اول عاجز مانده بودیم؟ بلکه ایشان از آفرینش نو در تردد اند.

﴿۱۶﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسَّوْسُ بِهِ نَفْسُهُ ۖ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

بیگمان ما انسان را آفریدیم، و به وسوسه هایی که خودش بخاطر خود می آورد آگاهیم. و ما به او از شاه رگ (جان) او نزدیک تریم.

﴿۱۷﴾ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

بخاطر بیاور که دو (فرشته) فراگیرنده از راست و چپ نشسته اند.

﴿۱۸﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

(انسان) هیچ سخن را تلفظ نمیکند مگر اینکه نگهبانی (برای ثبت اعمال) نزد او آماده است.

﴿۱۹﴾ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۖ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ

و تلخی جان کندن براستی فرا رسید، این چیزی بود که از آن کناره میگرفتی.

﴿۲۰﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ

و (آنگاه) در صور دمیده می شود. اینست روز (بجا شدن) وعده عذاب.

﴿۲۱﴾ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

هر کسیکه می آید، با او راننده‌ای است (که او را به میدان حشر میراند) و (نیز) گواهی است.

﴿۲۲﴾ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

(به او گفته میشود): « حقا که تو از این غافل بودی، اکنون از تو پرده (غفلت) ترا برداشتیم، و امروز چشم تو تیزبین است. »

﴿۲۳﴾ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ

همنشین او میگوید: « اینست چیزیکه نزد من آماده است. »

﴿۲۴﴾ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

(به ایشان گفته میشود): « هر ناسپاس سرکش را به دوزخ اندازید! »

﴿۲۵﴾ مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ

(هر) مانع خیری، متجاوزی، و شکاکی را.

﴿۲۶﴾ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ

(هر) کس را که با خدای بر حق معبود دیگری را (شریک) آورده، پس او را به عذاب شدید اندازید.

﴿۲۷﴾ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ وَلَكِنْ كَانُ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

همنشین او میگوید: « پروردگار ما، من او را به سرکشی و نداشتنم، بلکه او (خودش) بگمراهی زیادی بسر می برد. »

﴿۲۸﴾ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

(خداوند) میگوید: « در حضور من باهم مشاجره نکنید. من پیش ازین شما را وعید (عذاب) داده بودم.

﴿۲۹﴾ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

چیزیکه گفته شده در نزد من تغییر نمیکند، و من بر بندگان (خود) هرگز ستمگار نیستم.

﴿۳۰﴾ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ

روزیکه به دوزخ میگوییم: « آیا (کاملاً) پر شده بی؟ » (به جواب) میگوید: « آیا چیزی زیاد بر این هست؟ »

﴿۳۱﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ

بهشت برای پرهیزگاران آورده میشود، (به فاصله) نه چندان دوری.

﴿۳۲﴾ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أُوَّابٍ حَفِيظٍ

(آنگاه گفته میشود): « اینست آنچه به شما وعده میشد! به هر خداجوی خویشتن داری! »

﴿۳۳﴾ مَن حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ

کسیکه (از خدای) رحمن نادیده میترسد، (و در این میدان) با دلی خداجو آمده است.

﴿۳۴﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۗ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ

(به ایشان گفته می شود): « به سلامتی به بهشت درآید، اینست روز جودانی! »

﴿۳۵﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ

در آنجا آنچه بخواهند برای شان حاضر است، و نزد ما افزون (بر آن نیز) هست.

﴿۳۶﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ

پیش از ایشان چه تعداد از نسلهایی را که از ایشان در قوت خود شدیدتر بودند هلاک کردیم؟! (آری، ایشان) به شهرها در جستجوی (پناهگاه) برآمدند، (مگر) آیا گریزگاهی بود؟

﴿۳۷﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ

بیگمان در این پندی است برای کسیکه صاحبدل باشد، یا گوش فرا نهد و متوجه باشد.

﴿۳۸﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ

بیگمان آسمان و زمین و همه چیزهایی را که در میان آنهاست در شش روز آفریدیم، و برای ما هرگز خستگی دست نداد.

﴿۳۹﴾ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

پس بر آنچه میگویند صبر کن، و پروردگارت را پیش از آفتاب برآمد و پیش از غروب به پاکی یاد کن.

﴿۴۰﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ

و (نیز) در بخشی از شب او را به پاکی یاد کن، و بعد از سجده (نیز).

﴿۴۱﴾ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

به (آواز) آوازدهنده‌ای گوش فرا ده، روزیکه از جای نزدیکی (صدای خویش را) بلند میکند.

﴿۴۲﴾ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ

روزیکه به حق آن آواز را می شنوند، آن روز رستاخیز است.

﴿۴۳﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِنَّا الْمَصِيرُ

بیگمان ما زنده میگردانیم و میمیرانیم، و بسوی ما است بازگشت.

﴿۴۴﴾ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۗ ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ

روزیکه زمین از (کالبدهای) ایشان شگافته شده، و شتابان (از آن) برآیند، این حشر بر ما آسان است.

﴿۴۵﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۗ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ۗ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ

ما آنچه را آنها میگویند بهتر میدانیم، تو ایشان را به اجبار (به عقیده اسلام) وادار نمیکنی. ازینرو صرف همان کسان را به قرآن پند بده که از وعید (عذاب) میترسند.

(۵۱) سوره الذاریات:

این سوره مکی و دارای (۶۰) آیه است و ذاریات به معنی پراکنده کنندگان مانند بادهای، ابرها، ملائکه می باشد. این سوره از سبب افتتاح با سوگند خداوند به باد های پراکنده کننده ذاریات نامیده شده است.

سورة الذاریات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا

سوگند به (بادهای) پراکنده سازنده، که (هر چیز را) به گونه‌ای پراکنده می‌سازند.

﴿۲﴾ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا

باز به بردارندگان بار (سنگین).

﴿۳﴾ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا

باز به روان شونده‌گان به آسانی.

﴿۴﴾ فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا

باز به تقسیم کنندگان (به) امر (خداوند).

﴿۵﴾ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

بی شک چیزی که به شما وعده میشود راست است.

﴿۶﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

بیگمان جزای اعمال صورت گرفتنی است.

﴿۷﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

(قسم) به آسمان و مسیرهای هم آهنگ و منظم آن.

﴿۸﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

که شما واقعاً در گفتار مختلفی هستید.

﴿۹﴾ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ

(و) باز داشته میشود از او (حق)، کسیکه (از هدایت) باز داشته شده است.

﴿١٠﴾ قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ

کشته شوند (این) دروغگویان.

﴿١١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ

آنانیکه غرق بیخودی خویش اند.

﴿١٢﴾ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ

میپرسند: « روز جزا چه وقت است؟ »

﴿١٣﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

روزیکه به آتش دوزخ سوختانده میشوند.

﴿١٤﴾ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

« جزای شرارت خود را بچشید! این بود چیزی که به آن عجله می کردید. »

﴿١٥﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

بیگمان پرهیزگاران در باغها و چشمه‌سارها قرار دارند.

﴿١٦﴾ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

و چیزی را که پروردگارشان به ایشان ارزانی کرده (به کمال رغبت) میگیرند، واقعاً ایشان پیش از این (روز) نیکوکار بودند.

﴿١٧﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

ایشان لحظاتی کمی از شب می خوابیدند.

﴿١٨﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

و باز در سحرگاهان آمرزش خواهی میکردند.

﴿١٩﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

و در اموال شان حق تعیین شده‌ای بود برای سواگر، و (نیز) برای بی بهره (یعنی محتاجی که از سؤال خودداری میکند).

﴿٢٠﴾ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ

در زمین نشانه‌هایی است برای باورمندان.

﴿٢١﴾ وَفِي أَنْفُسِكُمْ ۗ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

و (نیز) در خود شما، پس نمی بینید؟

﴿٢٢﴾ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

و روزی شما در آسمان (تعبیه شده) است، و (نیز) آنچه به شما وعده داده میشود.

﴿٢٣﴾ فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

(آری) و قسم به پروردگار آسمان و زمین، که بیگمان این حق است، درست مانند اینکه شما سخن میگویید.

﴿٢٤﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ

آیا به تو داستان مهمانان گرمی ابراهیم رسیده است؟

﴿٢٥﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۗ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ

چون بر او وارد شدند و گفتند «سلام!» (ابراهیم) گفت «سلام!» (او با خود گفت): «مردم ناآشنایی!»

﴿٢٦﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ

سپس بسوی خانواده خود رفت، و گوساله فربه (بریانی) را آورد.

﴿٢٧﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

آنگاه (این طعام را) به ایشان نزدیک کرد و گفت: «چرا نمی خورید؟»

﴿٢٨﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۗ قَالُوا لَا تَخَفْ ۗ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

از ایشان احساس ترس کرد، گفتند: «مترس.». و او را به فرزند فرزانه‌ای مژده دادند.

﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صِرَّةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

در این وقت زنش، در حالیکه با تعجب فریاد میزد، به پیشانی خود زد و گفت: «پیره زنی نازایی (صاحب اولاد میشود)؟»

﴿٣٠﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

گفتند: «پروردگار تو چنین فرموده است، و او صاحب حکمت (و) داناست.»

جزء یا سپاره بیست و هفتم - قال فما خطبكم

﴿٣١﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

(ابراهیم) گفت: « پس مأموریت شما چیست ای فرستادگان؟ »

﴿۳۲﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

گفتند: « حقا که ما بسوی مردمی گنهکار فرستاده شده ایم. »

﴿۳۳﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ

تا سنگ پاره هایی از گل را بر ایشان فرو ریزیم.

﴿۳۴﴾ مُسْوَمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

(سنگ پاره هایی) که در نزد پروردگار تو برای اسرافکاران نشانی شده است.

﴿۳۵﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس کسانی از مؤمنان را که در آنجا بودند بیرون آوردیم.

﴿۳۶﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

ولی جز یک خانواده از مسلمانان را در آنجا نیافتیم.

﴿۳۷﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و در آن دیار، برای آنانی که از عذاب دردناک می ترسند، (این را به حیث) نشانه ای گذاشتیم.

﴿۳۸﴾ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

و در (داستان) موسی (نیز نشانه ای است)، هنگامیکه او را نزد فرعون با معجزه روشن فرستادیم.

﴿۳۹﴾ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

اما او به ارکان (دولت) خود روی آورد و گفت: « (این شخص) یا جادوگر است یا دیوانه. »

﴿۴۰﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ

پس ما او و لشکریانش را گرفتار ساختیم، (و) ایشان را به دریا افکندیم، و او ملامت بود.

﴿۴۱﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

و (نیز) در (داستان) عاد (نشانه ایست)، وقتیکه بر ایشان باد عقیمی را فرستادیم.

﴿۴۲﴾ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرِّمِيمِ

(بادی که نه تنها ابر و بارانی را به همراه نداشت، بلکه) از هیچ جای نگذشت مگر آنکه آنرا همچون کاهی پوسیده (تباه) ساخت.

﴿۴۳﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ

و در (داستان) ثمود (نشانه دیگری بود)، زمانیکه به ایشان گفته شد: « (از این زندگانی خود) تا مدتی بهره ور شوید. »

﴿٤٤﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

اما از حکم پروردگار خویش سر باز زدند. پس آواز مهیبی ایشان را فرا گرفت، در حالیکه می نگریستند.

﴿٤٥﴾ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُتْتَصِرِينَ

ایشان طاقت ایستادن را نداشتند، و نه هم از انتقام گیرندگان بودند.

﴿٤٦﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

و قوم نوح را پیش از آنها (هلاک کردیم). بیگمان ایشان قوم فاسقی بودند.

﴿٤٧﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

و آسمان را به قوت بنا کردیم، و بیگمان (آنها) وسعت دهنده ایم.

﴿٤٨﴾ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

و زمین را گستردیم، و ما گستراننده خوبی هستیم.

﴿٤٩﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و از هر چیز جفت (یعنی دو تا) آفریدیم، تا باشد که پند بگیرید.

﴿٥٠﴾ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ ۗ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

پس بسوی خدا بشتابید. بیگمان من برای شما از جانب او بیم دهنده آشکاری هستم.

﴿٥١﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۗ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

با خدا معبود دیگری قرار ندهید. بیگمان من برای شما از جانب او بیم دهنده آشکاری هستم.

﴿٥٢﴾ كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

به این ترتیب، پیش از ایشان (نیز) هیچ پیامبری نیامده، مگر اینکه (مردم در حق او) گفتند: « جادوگر است، یا دیوانه. »

﴿٥٣﴾ أَتَوَاصَوْا بِهِ ۗ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

آیا (همه کافران در مخالفت با پیامبران خویش) یکدیگر را به آن وصیت کرده اند؟ (نخیر) بلکه ایشان مردم سرکش اند.

﴿٥٤﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ

لذا از ایشان رو بگردان، تو ملامت نیستی.

﴿٥٥﴾ وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

و پند بده، زیرا پند دادن به مؤمنان سودمند است.

﴿٥٦﴾ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

جن و انس را نیافریده ام مگر برای اینکه مرا پرستش کنند.

﴿٥٧﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ

من از ایشان روزی نمی خواهم، و نه از آنها میخواهم تا مرا طعام بدهند.

﴿٥٨﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

حقا که خداوند خودش روزی دهنده (و) صاحب نیروی استوار است.

﴿٥٩﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

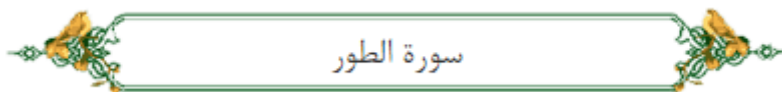
بیگمان برای ستمگاران بهره ایست مانند بهره یاران شان. پس شتاب نکنند.

﴿٦٠﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

پس وای بر کافران، از روزیکه به آنها وعده داده میشود.

(٢٥١) سوره الطور:

این سوره مکی است و طور نام کوهی است. به سبب که با سوگند خداوند سبحان تعالی به کوهی که دارای درخت است شروع می شود، طور نامیده شد، زیرا طور به معنی کوه مشجر است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ وَالطُّورُ

سوگند به (کوه) طور.

﴿٢﴾ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ

به کتاب نوشته شده.

﴿٣﴾ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ

در ورقی گشاده.

﴿٤﴾ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

و (سوگند) به بیت المعمور.

﴿٥﴾ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ

و به سقف برافراشته شده.

﴿٦﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ

و بحر جوشان. (سوگند به همه اینها که:)

﴿٧﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

بیگمان عذاب پروردگار تو واقع شدنیست.

﴿٨﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ

(و) هیچ چیزی آنرا دفع کردنی نیست.

﴿٩﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَورًا

روزیکه آسمان به موجهای (هیبت ناکی) موج زند.

﴿١٠﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا

و کوهها به رفتاری (سریع) روان گردند.

﴿١١﴾ فَوَيْلٌ لِّلْمُكْذِبِينَ

پس وای در آن روز بر تکذیب کنندگان (حق).

﴿١٢﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ

آنهاييکه در سخنان هرزه مشغول هستند.

﴿١٣﴾ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً

در آنروز که به آتشی دوزخ به زور کشانیده میشوند.

﴿١٤﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ

(گفته میشود: « اینست همان آتشی که آنرا دروغ می پنداشتید. »

﴿١٥﴾ أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

آیا این واقعاً جادویی بود؟ یا شما دیده بینا نداشتید؟

﴿١٦﴾ اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ۗ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

به دوزخ درآید، خواه شکیبایی ورزید یا بی صبری کنید، (هر دو حالت) به شما برابر است. واقعاً طبق عملی که انجام داده اید، جزا داده میشود.

﴿۱۷﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

واقعاً پرهیزگاران در باغ های (بهشت) و در (خوشی و) نعمت ها بسر میبرند.

﴿۱۸﴾ فَأَكِهِنَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُنَّ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُنَّ عَذَابَ الْجَحِيمِ

از آنچه پروردگارشان به ایشان داده است شادمانند، و (نیز از اینکه) پروردگارشان آنها را از عذاب دوزخ نجات داده است.

﴿۱۹﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

(به ایشان گفته میشود): « به گوارایی بخورید و بنوشید، بخاطر اعمالیکه (در دنیا) انجام می دادید. »

﴿۲۰﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ

(و درین حالت) ایشان بر تخت هایی تکیه زده میباشند که به صف های منظمی تهیه شده است، و ایشانرا با حوران بزرگ چشم همسر میگردانیم.

﴿۲۱﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ ۗ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ

و کسانی که ایمان آوردند، و اولاد شان از آنها با ایمان پیروی کردند، اولاد شان را به ایشان پیوست میسازیم، و (در عین حال) از (مزد) عمل شان هم چیزی را کم نمی کنیم. (آری) هر کس در گرو کردار خود است.

﴿۲۲﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِمَا كِهَتْهُمُ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

و به ایشان میوه و گوشت، از آنچه خواسته باشند، پیاپی ارزانی میکنیم.

﴿۲۳﴾ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَعْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ

در آنجا جامهای شرابی، که بیهودگی و گناهی را به همراه ندارد، دست به دست میکنند.

﴿۲۴﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكُونٌ

پیرامون شان نوجوانانی (برای خدمتگاری) گشت و گزار میکنند، که گویی مرواریدی اند در غلاف (صدف) پنهان نگه داشته شده.

﴿۲۵﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

(در این حال) بعضی شان روی به بعضی دیگر کرده از هم می پرسند.

﴿۲۶﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

میگویند: « پیش ازین در میان اهل (بیت) خود در حالت ترس بسر می بردیم. »

﴿۲۷﴾ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ

ولی خداوند بر ما منت نهاد، و ما را از عذاب کشنده نجات داد.

﴿۲۸﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

حقا که از سابق به او (یعنی خدا) نیایش میکردیم، بیگمان که او نیکوکار (و) مهربان است.

﴿۲۹﴾ فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ

پس (تو ای محمد) پند ده، زیرا تو به فضل پروردگارت نه کاهن و نه (هم) دیوانه میباشی.

﴿۳۰﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ

یا میگویند: « (او) شاعری است، و برای او حوادث روزگار را انتظار میکشیم. »

﴿۳۱﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

بگو: « انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار میکشم. »

﴿۳۲﴾ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا ۗ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

آیا خردشان آنها را به این کار بر می انگیزد، یا ایشان قوم طغیانگری اند؟

﴿۳۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۗ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

یا میگویند « او قرآن را از خود بر بسته »؟ (نخیر)، بلکه ایشان ایمان نمی آرند.

﴿۳۴﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ

اگر واقعاً راست میگویند (که این قرآن را خود پیغمبر افترا کرده است)، پس سخنی همانند آن بیاورند.

﴿۳۵﴾ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ

آیا ایشان (خود بخود) بدون هیچ چیزی آفریده شده اند؟ یا خودشان آفریدگار (خویش) اند؟

﴿۳۶﴾ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۗ بَلْ لَا يُوقِنُونَ

آیا آسمانها و زمین را (ایشان) آفریده اند؟ (نخیر)، بلکه ایشان یقین ندارند.

﴿۳۷﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّرُونَ

آیا خزانه های (غیبی) پروردگارت نزد ایشان است؟ آیا ایشان (بر همه امور) تسلط دارند؟

﴿۳۸﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۗ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

یا زینهای دارند که به آن (به آسمانها بالا شده و اسرار آنرا) میشنوند؟ پس باید (این) شنونده‌شان دلیل آشکاری بیاورد.

﴿۳۹﴾ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبُنُونَ

یا برای خدا دخترانی است و برای شما پسران؟

﴿۴۰﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

آیا از ایشان پاداشی می‌خواهی که آنها، از (این) تاوان، گرانبار میشوند؟

﴿۴۱﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

یا (اسرار) غیبی نزد ایشان است که ایشان (از روی آن) می‌نویسند؟

﴿۴۲﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۗ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ

یا دسیسه‌ای را در نظر دارند؟ آری کافران، هم ایشانند که به (دام) حیلۀ خود گیر می‌آیند.

﴿۴۳﴾ أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

یا برای شان معبودی جز خدا است؟ منزه است خدا از آنچه (به او) شریک می‌آورند.

﴿۴۴﴾ وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ

اگر پارچه‌ای از آسمان را ببینند که می‌افتد، می‌گویند: « ابریست متراکم. »

﴿۴۵﴾ فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ

پس ایشان را (تنها) بگذار، تا آن روز خود را ببینند که در آن بیهوش ساخته میشوند.

﴿۴۶﴾ يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

روزیکه دسیسۀ شان از ایشان چیزی را دفع نمیکند، و نه به ایشان کمکی صورت می‌گیرد.

﴿۴۷﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

بیگمان برای ستمگاران عذابی است به غیر از این (عذاب که در آخرت برای شان در نظر گرفته شده)، مگر بیشتر شان نمی‌دانند.

﴿۴۸﴾ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۗ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

به فرمان پروردگارت انتظار بکش، زیرا بیگمان پیش نظر ما قرار داری، و پروردگارت را هنگامیکه می‌ایستی به پاکی ستایش کن.

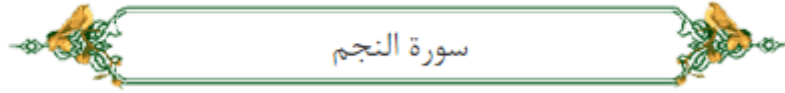
﴿۴۹﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ

و (نیز در پاره‌ای) از شب او را ستایش کن، و (نیز) در هنگام غروب ستارگان.

=====

(۵۳) سوره النجم:

این سوره مکی و دارای (۶۲) آیه است و نجم به معنی ستاره میباشد. این سوره به سبب آنکه خداوند متعال آن را با سوگند خوردن به نجم آغاز نموده است نجم نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ

قسم به ستاره، هنگامیکه میل کند (یعنی رو به افول گذارد).

﴿۲﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ

دوست شما نه گمراه شده، و نه (هم) به بیراهه رفته.

﴿۳﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

از (روی) هوای نفس سخن نمیگوید.

﴿۴﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

نیست این (قرآن) جز وحی که (به او) فرستاده میشود.

﴿۵﴾ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

(شخصیت) نیرومندی به او آموخت.

﴿۶﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ

صاحب قوت و نیرو، چون استقرار یافت.

﴿۷﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ

در حالیکه او در افق بلند قرار داشت.

﴿۸﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ

سپس نزدیک شد و فرود آمد.

﴿۹﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

تا آنجا که (به فاصله) دو کمان یا نزدیکتر از آن قرار گرفت.

﴿١٠﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ

پس خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی کرد.

﴿١١﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ

دل (او) آنچه را دید هرگز دروغ نگفت.

﴿١٢﴾ أَفْتُمَارُونَهُ عَلَيَّ مَا يَرَىٰ

پس آیا با او در باره آنچه دیده است مجادله میکنید؟

﴿١٣﴾ وَلَقَدْ رَأَهُ نَزَلَةً أُخْرَىٰ

بیگمان او را باری دیگر دیده بود.

﴿١٤﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ

نزد سدره المنتهی!

﴿١٥﴾ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ

(جاییکه) نزدیک آن بهشت رهایشگاه است.

﴿١٦﴾ إِذْ يَعْشَىٰ السِّدْرَةَ مَا يَعْشَىٰ

هنگامیکه سدره را پوشانده بود، چیزیکه پوشانده بود.

﴿١٧﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ

نگاه (او) منحرف نشد، و به غیر نپرداخت.

﴿١٨﴾ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ

واقعاً او برخی از نشانه های بزرگ پروردگار خود را مشاهده نمود.

﴿١٩﴾ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ

آیا لات و عزی را دیدید؟

﴿٢٠﴾ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ

و منات را که سومین و آخرین است؟

﴿٢١﴾ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ

آیا شما پسر دارید و او دختر؟

﴿٢٢﴾ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ

به این ترتیب این بهره ایست ناتمام (یعنی غیر عادلانه).

﴿٢٣﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۗ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۗ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ

اینها جز نامهایی نیستند که شما و پدران شما خود بر آنها نهاده اید، و برای ثبوت آن خداوند هیچ دلیلی نفرستاده است. (ایشان) جز وهم و هوای نفس چیزی (دیگر) را پیروی نمیکنند، در حالیکه هدایتی (قاطع) از جانب پروردگارشان برای شان آمده است.

﴿٢٤﴾ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ

آیا هر آنچه را انسان آرزو میکند به دست می آورد؟

﴿٢٥﴾ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ

واقعیت اینست که (هم) آخرت و (هم) دنیا (هر دو) از آن خداوند است.

﴿٢٦﴾ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

چه بسا از فرشتگانیکه در آسمان ها اند که هرگز شفاعت شان سودی ندارد، مگر بعد از اینکه خداوند اجازه دهد، (آن هم) برای هر کسیکه بخواهد و راضی باشد.

﴿٢٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ

بیگمان آنانیکه به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را به نامهای زنانه نامگذاری میکنند.

﴿٢٨﴾ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۗ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ۗ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

در حالیکه ایشان به (ثبوت) این (گفته خود) علمی ندارند، چیزی را جز گمان پیروی نمیکنند، و حقا که گمان هرگز (انسان را) از یقین بی نیاز نمیکند.

﴿٢٩﴾ فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

بنابر آن از کسیکه از (ذکر) ما رو گردانید، و جز به زندگی (مادی) دنیا نیندیشید، اعراض کن.

﴿٣٠﴾ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ

این آخرین حدود دریافت شان است از علم. بیگمان پروردگار تو به (حال) کسانی که از راه او گمراه شده اند آگاه تر است، و او به شناخت رهیاب شدگان (از همه) داناتر است.

﴿٣١﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ

و هر آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. تا آنانی را که بدی کردند، به اساس اعمال شان مجازات کند، و آنانی را که نیکویی کردند، پاداش نیک دهد.

﴿۳۲﴾ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۗ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۗ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى

آنانیکه از گناهان کبیره و فحشاء اجتناب میورزند، (و) جز (به) گناهان صغیره (دست نمی یازند). بیگمان پروردگار تو صاحب آموزش گسترده است. او در هنگامیکه شما را از زمین آفرید، و (حتی) زمانیکه شما در شکم های مادران خویش بصورت جنین قرار داشتید، به احوال شما داناتر بود. پس خودستایی نکنید، او به (حال) پرهیزگاران داناتر است.

﴿۳۳﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى

آیا کسی را که رو گردانید دیدی؟

﴿۳۴﴾ وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى

و کم بخشید و بخیل شد؟!

﴿۳۵﴾ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَى

آیا نزد او علم غیب است و او می بیند؟

﴿۳۶﴾ أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى

آیا به آنچه در صحیفه های موسی است آگاه نشده است؟

﴿۳۷﴾ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى

و ابراهیمی که (وعده خود را) بجا کرد.

﴿۳۸﴾ أَلَا تَرَى وَازِرَةً وَزَرَ الْآخِرَى

که هیچ بردارنده ای بار (کسی) دیگر را برداشته نمیتواند (یعنی هیچکس گناه کسی دیگر را به دوش نمیگیرد).

﴿۳۹﴾ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

و اینکه برای انسان (بهره ای) جز (حاصل) سعی او نیست.

﴿۴۰﴾ وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يُرَى

و اینکه (ثمره) سعی او به زودی دیده میشود.

﴿۴۱﴾ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

سپس به او کاملترین پاداش داده میشود.

﴿٤٢﴾ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

و این (نیز) که بازگشت (همه) بسوی پروردگار توست.

﴿٤٣﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ

و اینکه تنها او (تعالی و تقدس) می خنداند و می گریاند.

﴿٤٤﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا

و اینکه تنها اوست که می میراند و زنده میکند.

﴿٤٥﴾ وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

و اینکه اوست که جوره های نر و ماده را آفرید.

﴿٤٦﴾ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ

از نطفه - هنگامیکه ریخته میشود.

﴿٤٧﴾ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ

و اینکه بر خداست آفرینش دیگر.

﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ

و تنها اوست که بی نیاز ساخت و سرمایه بخشید.

﴿٤٩﴾ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَىٰ

و اینکه تنها اوست پروردگار (ستاره) شعری!

﴿٥٠﴾ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ

و اوست که (قوم) عاد نخستین را هلاک کرد.

﴿٥١﴾ وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ

و (نیز قوم) ثمود را، (به گونه ای) که کسی (از آنها) را باقی نگذاشت.

﴿٥٢﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ

و پیش از آنها، قوم نوح را (نیز)، که ایشان (از همه) ستمگارت تر و سرکشتر بودند.

﴿٥٣﴾ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ

و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را کوبید.

﴿٥٤﴾ فَغَشَّاهَا مَا غَشَّىٰ

پس آنها را پوشاند، چیزیکه پوشاند.

﴿۵۵﴾ فَبَآئِيَ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ

پس به کدام یک از نعمت های پروردگارت شک می ورزی؟

﴿۵۶﴾ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَىٰ

این هوشداری است از هوشدارهای پیشین.

﴿۵۷﴾ أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ

نزدیک شونده (یعنی قیامت) نزدیک شد.

﴿۵۸﴾ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ

جز خدا هیچکسی آنرا بی نقاب ساخته نمیتواند.

﴿۵۹﴾ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجَّبُونَ

پس آیا از این سخن تعجب میکنید؟

﴿۶۰﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ

و می خندید، و گریه نمی کنید؟

﴿۶۱﴾ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ

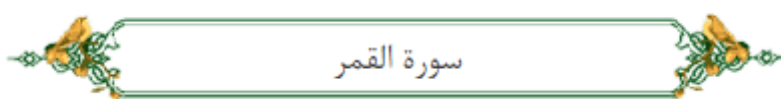
و شما سرگردان هستید.

﴿۶۲﴾ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

پس خاص برای خدا سجده کنید، و (او را) پرستش کنید.

(۵۴) سورة القمر:

این سوره مکی و دارای (۵۵) آیه است و قمر به معنی ماه می باشد و در این سوره موضوع شق القمر بیان شده است و به سبب افتتاح با خبر دادن خداوند از دو پاره شدن ماه به عنوان معجزه ای برای رسول اکرم (ص) قمر نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ

قیامت نزدیک شد و ماه شگافته شد.

﴿۲﴾ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ

اگر نشانه ای را ببینند، روی برمیتابند و میگویند: « (این) جادویی است پیایی. »

﴿۳﴾ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ

و (پیامبر را) تکذیب کردند، و هوای (نفس) خود را پیروی نمودند، و هر کار (بجای خود) قرار گرفتنی است.

﴿۴﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ

بیگمان به ایشان برخی خبرها رسیده است، که در آن (به قدر کافی) هوشدار (بازدارنده) بوده است.

﴿۵﴾ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ ۖ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ

(این) حکمت بالغه است. ولی این هوشدارها نتیجه نمیدهد.

﴿۶﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ۗ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ

لذا از ایشان روی برگردان! روزی فرا میرسد که دعوتگری (مردم را) به امر ناگواری فرا می خواند.

﴿۷﴾ خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ

در حالیکه چشم شان به زمین دوخته شده است، از قبرها می برآیند، تو گویی که ایشان ملخ های پراکنده ای اند.

﴿۸﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ ۖ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِرٌ

بسوی این دعوتگر با نگاه های خیره نگاه میکنند. کافران میگویند: « این روز سختی است. »

﴿۹﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمِ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ

پیش از آنها قوم نوح (پیامبر شانرا) تکذیب کردند، (ایشان) بنده ما را تکذیب کردند و گفتند (او) دیوانه است، و (او) باز داشته شد.

﴿۱۰﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ

در اینحال به پروردگار خود (چنین) نیایش کرد: « من مغلوب شده ام، پس (مرا) یاری ده! »

﴿۱۱﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ

پس دروازه های آسمان را به آب سرازیر شونده گشودیم.

﴿۱۲﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

و از زمین چشمه ها را جاری ساختیم. پس آنها به کاری که مقدر شده بود درهم آمیختند.

﴿۱۳﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَّاحِ وَدُسِّرِ

و او را بر (کشتی ساخته شده از) تخته چوب ها، میخ ها (و طنابها) برداشتیم.

﴿۱۴﴾ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَن كَانَ كُفِرَ

که زیر نظر ما حرکت میکرد. پاداشی برای کسیکه (به او) ناسپاسی شده بود.

﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن مَّدَكِرِ

بیگمان این را (مایه) عبرتی گذاشتیم، پس آیا پند پذیری هست؟

﴿۱۶﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ

پس چگونه بود عذاب و (سرانجام) هوشدارهای من؟

﴿۱۷﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مَّدَكِرِ

ما در واقع قرآن را به منظور پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا پندپذیری هست؟

﴿۱۸﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ

عاد (نیز پیام حق را) تکذیب کردند، پس چگونه بود عذاب و (سرانجام) هوشدارهای من؟

﴿۱۹﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ

بیگمان ما در روز پیاپیِ نحس، تندباد سردی را بر ایشان فرستادیم.

﴿۲۰﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرِ

مردم را میکشید، گویی که ایشان تنه های درخت خرماي از ریشه کشیده شده ای باشند.

﴿۲۱﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ

پس چگونه بود عذاب و (سرانجام) هوشدارهای من؟

﴿۲۲﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مَّدَكِرِ

ما در واقع قرآن را به منظور پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا پندپذیری هست؟

﴿۲۳﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ

ثمود (نیز) هوشدار دهندگان را تکذیب کردند.

﴿۲۴﴾ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّمَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرِ

و گفتند: « آیا بشری را از میان خود پیروی کنیم؟ (اگر چنین کنیم) آنگاه در گمراهی و جنون خواهیم بود. »

﴿۲۵﴾ أَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ

آیا از میان ما (تنها) بر وی وحی نازل شده است؟ (نخیر)، بلکه او بسیار دروغگوی (و) بی مبالات است.

﴿۲۶﴾ سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكَذَّابِ الْأَشْرُرِ

فردا زود میدانند که دروغگوی بی مبالات کیست.

﴿۲۷﴾ إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

ما حتماً فرستنده‌ی اشته‌راده‌ای هستیم، به منظور آزمایش ایشان، پس تو (ای صالح) ایشانرا مراقبت کن و صبر نما.

﴿۲۸﴾ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ شَرِبٍ مَّحْتَصِرٌ

و ایشانرا خبر ده که آب میان ایشان تقسیم (شده) است، هر (نوبت) آبی حاضر کرده شده است (یعنی هر کسیکه سهمی در آب دارد، حاضر شود و نوبت آب خود را بگیرد).

﴿۲۹﴾ فَنادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ

پس یار خود را فرا خواندند، و (او) به این کار نهایتِ خطیر دست یازید، و (شتر را) پی کرد.

﴿۳۰﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ

پس چگونه بود عذاب و (سرانجام) هوشدارهای من؟

﴿۳۱﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

بیگمان ما بر ایشان آواز شدیدی را فرستادیم، و ایشان چون گیاهانِ خشک درهم شکسته ای شدند.

﴿۳۲﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّذَكِّرٍ

ما به واقع قرآن را به منظور پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا پندپذیری هست؟

﴿۳۳﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذْرِ

قوم لوط (نیز) هوشداردهندگان را تکذیب کردند.

﴿۳۴﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ ۗ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ

بیگمان ما بر ایشان باد سنگباری را فرستادیم (که همه‌ی ایشان را هلاک کرد)، جز خانواده‌ی لوط که سحرگهان آنها را نجات دادیم.

﴿۳۵﴾ نُّعْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا ۗ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

بحیث نعمتی از جانب ما، این چنین پاداش می‌دهیم کسی را که شکر گزارد.

﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذْرِ

و واقعاً (لوط) ایشان را از مؤاخذه‌ی ما هوشدار داده بود، مگر ایشان با هوشداردهندگان ستیزه‌جویی کردند.

﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنِ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ

و از او خواستار مهمانانش شدند، پس ما چشمان شانرا کور ساختیم، پس (گفتیم): « عذاب و هوشدارهای مرا بچشید!»

﴿٣٨﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ

بیگمان در سرآغاز بامدادان، عذابی پایدار به سراغ شان آمد.

﴿٣٩﴾ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ

« پس این عذاب و هوشدارها را بچشید!»

﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

ما بواقع قرآن را بمنظور پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا پندپذیری هست؟

﴿٤١﴾ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ

و بیگمان برای فرعونیان (نیز) هوشداردهنگانی آمدند.

﴿٤٢﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

ایشان همه معجزه های ما را تکذیب کردند، پس ایشان را مؤاخذه نمودیم، مؤاخذه صاحب قدرت منیع (و) توانا.

﴿٤٣﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَّكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ

آیا کفار شما (ای [قریش] قریش) از آن ها بهتر اند؟ یا برای شما در کتب (پیشین) امان داده شده است؟

﴿٤٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ

یا میگویند « ما جماعتی هستیم پیروزمند؟»

﴿٤٥﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ

بزودی این جمعیت شکست میخورند، و رو به فرار می نهند.

﴿٤٦﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَبِي وَأَمْرٌ

بلکه قیامت وعده گاه (حقیقی) شان است، و قیامت (بلیه) سختتر و تلختر است.

﴿٤٧﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

بیگمان گنهکاران در گمراهی و دیوانگی بسر میبرند.

﴿٤٨﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ

روزیکه بر روهای خویش در آتش کشیده شوند، (به ایشان گفته شود): « بچشید مزه آتش را!»

﴿٤٩﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

بیگمان ما هر چیز را به اندازه آفریدیم.

﴿۵۰﴾ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

و حکم ما نیست مگر یک (کلمه)، همچون یک چشم برهم زدن.

﴿۵۱﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاءَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

و واقعاً در گذشته (بسیاری از) امثال شما را هلاک کردیم. پس آیا پندپذیری هست؟

﴿۵۲﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ

هر آنچه را که مرتکب شده اند در نامه اعمال شان (درج) است.

﴿۵۳﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَنْطَرٌ

و هر (کار) کوچک و بزرگ نوشته شده است.

﴿۵۴﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

بیگمان پرهیزگاران در میان باغها و (در کنار) جویبارها میباشند.

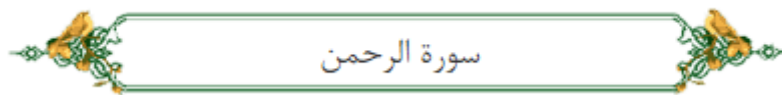
﴿۵۵﴾ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ

در مجلس صدق، نزد پادشاه توانای مطلق.

=====

(۵۵) سوره الرحمن:

این سوره مکی و دارای (۷۸) آیه است. الرحمن از صفات خداوند و بسیار بخشنده معنی میدهد. این سوره بدان جهت رحمن نامیده شد که با اسم رحمن که از اسمای حسناى الهی است افتتاح شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الرَّحْمَنُ

(خداوند) رحمن.

﴿۲﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ

(است که) قرآن را تعلیم داد.

﴿۳﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ

انسان را آفرید.

﴿۴﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

(و) سخن گفتن را به او آموخت.

﴿۵﴾ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

آفتاب و ماه به حساب اند.

﴿۶﴾ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

و بته و درخت (به او) سجده میکنند.

﴿۷﴾ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

و آسمان را برافراشت، و ترازوی (عدالت) را برقرار کرد.

﴿۸﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

تا در ترازو حق تلفی نکنید.

﴿۹﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

به انصاف وزن کنید، و در وزن کمی نورزید.

﴿۱۰﴾ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

(و خداوند) زمین را برای مخلوقات (خود) نهاد.

﴿۱۱﴾ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ

در آن میوه‌های گوناگون) و درخت خرماي شگوفه‌دار است.

﴿۱۲﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

(دران خوشه‌هایی است که) دانه آن کاه دارد (دانه به وسط قرار گرفته، و دَوْرادور آنرا کاه پوشانیده)، و (نیز بته

های) ریحان وجود دارد (که نهایت خوشبو است).

﴿۱۳﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس (ای گروه جن و انس) کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۱۴﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ

انسان را از گل خشکیده همچون سفال آفرید.

﴿١٥﴾ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ

و جن را از شعله‌ای از آتش آفرید.

﴿١٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿١٧﴾ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

(او) پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است.

﴿١٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿١٩﴾ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

دو دریا را درهم آمیخت، (طوری) که با هم ملاقی میشوند.

﴿٢٠﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ

در بین آنها حایلی قرار داد، که (به هم) تجاوز نمی کنند.

﴿٢١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٢٢﴾ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ

مروارید و مرجان از میان آن دو بیرون می آید.

﴿٢٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٢٤﴾ وَكَهَّ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

و از آن اوست کشتی‌های کوه پیکر ایجاد شده در بحر.

﴿٢٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٢٦﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هرکه بر روی زمین است فنا شدنیست.

﴿٢٧﴾ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و (تنها) ذات پروردگار تو، (که) صاحب جلال و عظمت (است) باقی میماند.

﴿۲۸﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۲۹﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

هر که در آسمانها و زمین است، از او (حاجات خود را) میجوید. او هر روز در شأنی است.

﴿۳۰﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۳۱﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

بزودی به (حساب اعمال) شما می پردازیم، ای دو ثقیل (یعنی جن و انس).

﴿۳۲﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۳۳﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا ۚ لَا

تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

ای گروه جن و انس، اگر میتوانید از کرانه های آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، (ولی) هرگز گذر کرده نمیتوانید مگر به نیرویی (که از جانب خداوند ارزانی گردد).

﴿۳۴﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۳۵﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

شعله های صافی از آتش و دود متراکم بر شما فرستاده میشود، پس از خود دفاعی کرده نمی توانید.

﴿۳۶﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۳۷﴾ فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

هنگامیکه آسمان شگافته شود، و به یکبارگی مانند چرم سرخی شود.

﴿۳۸﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿۳۹﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ

در آنروز، نه انس و نه (هم) جن، (از) هیچکدام از گناهش پرسیده نمیشود.

﴿٤٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٤١﴾ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ

(زیرا) مجرمان از سیمای شان شناخته میشوند. پس به (موی) پیشانی و پای خود گرفته میشوند.

﴿٤٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٤٣﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

این همان دوزخی است که مجرمان از آن انکار میکردند.

﴿٤٤﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنِ

میان آن (یعنی آتش) و میان آب جوشان در رفت و آمد اند.

﴿٤٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٤٦﴾ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

و برای کسی که از مقام پروردگارش ترسیده است دو بهشت است.

﴿٤٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٤٨﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

دارای شاخه های انبوهی اند.

﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٥٠﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

در آنها دو چشمه جریان دارد.

﴿٥١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٥٢﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

در آن دو، از هر میوه، دو جوهره است.

﴿٥٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٥٤﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرْشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۗ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ

بر فرشهاییکه استرهای آنها از حریر است، تکیه زننده اند. و میوه های (رسیده) آن دو باغ به آسانی در دسترس مییاشد.

﴿٥٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٥٦﴾ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

در آن بهشت ها زنانی اند که نگاههای شانرا (از دیدن بیگانه) باز داشته اند، و پیش از بهشتیان هیچ انس و جنی ایشان را مس نکرده اند.

﴿٥٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٥٨﴾ كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

گویی ایشان یاقوت و مرجان اند.

﴿٥٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٦٠﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ

آیا پاداش نیکی جز نیکی چیز دیگری شده میتواند؟

﴿٦١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٦٢﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

و جز این دو بهشت دو بهشت دیگر است.

﴿٦٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٦٤﴾ مُدْهَمَّاتَانِ

باغستانهای سرسبز (سیه مست).

﴿٦٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٦٦﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَانِ

در آنها دو چشمه فوران کننده است.

﴿٦٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٦٨﴾ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ

در آنها میوه ها، خرما و انار است.

﴿٦٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٧٠﴾ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ

در آنها (زنان) نجیب و زیبا بسر میبرند.

﴿٧١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٧٢﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

(در آن) حورانی است در خیمه های نگهداشته شده.

﴿٧٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٧٤﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ

که پیش از ایشان هیچ انس و جنی ایشانرا مس نکرده است.

﴿٧٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٧٦﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ

بر بالش های سبز و فرش های زیبا و نفیس تکیه زده اند.

﴿٧٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

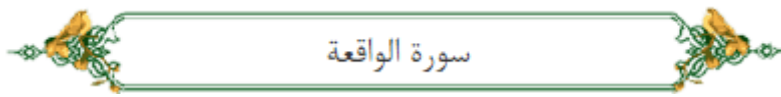
پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود را تکذیب میکنید؟

﴿٧٨﴾ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

با برکت است نام پروردگار صاحب عظمت و مکرمت تو.

(۵۶) سورة الواقعة:

این مکی و دارای (۹۶) آیه است، واقعه یکی از نام های قیامت است و به معنی واقع شونده میباشد و این سوره بدان سبب واقعه نامیده شد که با فرموده خداوند کریم (إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ) آغاز شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

وقتیکه واقعه (یعنی قیامت) واقع شود.

﴿٢﴾ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ

در آن وقت هیچکس منکر وقوع آن نمی باشد.

﴿٣﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ

(گروهی را) پایین می برد و (گروهی را) بالا میبرد.

﴿٤﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا

هنگامی که زمین به شدت لرزانیده میشود.

﴿٥﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

و کوهها ریزه ریزه شوند.

﴿٦﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

(همچون) غباری پراکنده شوند.

﴿٧﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

و شما به سه دسته تقسیم شوید.

﴿٨﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

یاران (دست) راست، و چه (خوبی هستند) یاران دست راست!

﴿٩﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

یاران (دست) چپ، و چه (بدی هستند) یاران دست چپ!

﴿١٠﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

و پیشی گیران پیشگام.

﴿١١﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

هم ایشانند مقرب.

﴿١٢﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

در بهشت های (سرشار از) نعمتها.

﴿١٣﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأُولَئِينَ

گروهی از پیشینیان.

﴿١٤﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ

و اندکی از پسینیان {١}.

{١} از کسانی که بعد از ایشان آمدند؛

﴿١٥﴾ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُوعَةٍ

بر تختهای دارای زره های سخت بافت (قرار دارند).

﴿١٦﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

بر آن (تخت) ها روبروی یکدیگر تکیه زده اند.

﴿١٧﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

بر ایشان بچه های همیشه نوجوان گشت و گذار میکنند.

﴿١٨﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ

با قدحها، صراحی ها و جام های (شراب) زلال.

﴿١٩﴾ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ

از (نوشانوشی) آن (شراب) سردرد نمیشوند، و نه (هم) مست (و بیهوش) میشوند.

﴿٢٠﴾ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ

و میوه هایی که انتخاب می نمایند.

﴿٢١﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

و گوشت پرنده از هر نوعی که بخواهند.

﴿٢٢﴾ وَحُورٍ عِينُ

و زنان سیمین بدن گشاده چشمی.

﴿٢٣﴾ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ

همانند مروارید غلاف شده در صدف.

﴿٢٤﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

(و این) پاداشی است بر اعمالیکه (در دنیا) انجام میدادند.

﴿٢٥﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا

در آنجا نه سخن بیهوده می شنوند، و نه سخنان گناه آلودی.

﴿٢٦﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا

مگر گفتن «سلام! سلام!» را.

﴿٢٧﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

و یاران دست راست، چه (خوبی هستند) یاران دست راست!

﴿٢٨﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ

در میان درختان سدر بی خار (بسر میبرند).

﴿٢٩﴾ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ

و طلح {۱} انبوه (دارای شاخه های بر یکدیگر انباشته).

{۱} درخت سایه دار ؛

﴿٣٠﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ

و سایه های گسترده.

﴿٣١﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ

و آبشارها.

﴿٣٢﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ

و میوه های فراوان.

﴿٣٣﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

که نه خلاصی دارد و نه (هم) ممنوع قرار داده شده است.

﴿۳۴﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ

و تخت های برافراشته شده.

﴿۳۵﴾ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

بیگمان ما (این) زنها را آفرینش نوی بخشیدیم.

﴿۳۶﴾ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا

پس ایشان را (دایماً) باکره گردانیدیم.

﴿۳۷﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا

دوستدار شوهران همسن و سال خویش.

﴿۳۸﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

برای یاران دست راست.

﴿۳۹﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ

گروهی از پیشینیان.

﴿۴۰﴾ وَثَلَاثَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ

و گروهی از پسینیان {۱}.

{۱} کسانی که بعد از ایشان آمدند؛

﴿۴۱﴾ وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ

یاران دست چپ، چه (بدی هستند) یاران دست چپ!

﴿۴۲﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ

در تندبادی از آتش و آب جوشان.

﴿۴۳﴾ وَظِلٌّ مِّنْ يَّحْمُومٍ

و در سایهٔ دود سیاه (غلیظ) قرار دارند.

﴿۴۴﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ

که نه سرد است و نه (هم) مکرمت اندود.

﴿۴۵﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

بیگمان ایشان پیش ازین عیاش و خوشگذران بودند.

﴿٤٦﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ

و بر گناه بزرگ اصرار می ورزیدند.

﴿٤٧﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَأَنذَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنَّا لَمَبْعُوثُونَ

و میگفتند: « هنگامیکه بمیریم و خاک شویم و (مشتی) استخوان، آیا واقعاً (بار دیگر) برانگیخته میشویم؟ »

﴿٤٨﴾ أَوَّابُونَ الْأُولُونَ

یا نیاکان پیشین ما؟

﴿٤٩﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

بگو: « بیگمان اولین و آخرین (همه) ... »

﴿٥٠﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

جمع کرده میشوند، به ميعاد روز معینی.

﴿٥١﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَهْيَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

سپس شما، ای گمراهان تکذیب کننده.

﴿٥٢﴾ لَا تَكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زَقُّومٍ

حتماً از درختی از زقوم میخورید.

﴿٥٣﴾ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

و شکمها را از آن پر میکنید.

﴿٥٤﴾ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

و سپس بر آن از آب جوشان مینوشید.

﴿٥٥﴾ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ

پس چنان مینوشید بگونه نوشیدن شتران تشنگی زده.

﴿٥٦﴾ هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

اینست ضیافت شان در روز قیامت.

﴿٥٧﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

ما شما را آفریدیم، پس چرا (این حقیقت را) تصدیق نمی کنید؟

﴿٥٨﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

آیا پس به این (آبی) که آنرا (در رحم) واریز میکنید نمی بینید؟

﴿٥٩﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

آیا شما آنرا می آفرینید، یا ما آفریننده (آن) هستیم؟

﴿٦٠﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

ما مرگ را در میان شما مقدر کرده ایم. هرگز پس نمی مانیم (یعنی کسی بر ما پیشی نمیگیرد).

﴿٦١﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ

بر اینکه امثال شما را تبدیل کنیم، و شما را به حالتی پدید آوریم که نمیدانید.

﴿٦٢﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

و یقیناً آفرینش اول را دانستید، پس چرا (آنرا) به یاد نمی آورید؟

﴿٦٣﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

پس آیا دیدید چیزی را که می کارید؟

﴿٦٤﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

آیا شما آنرا می رویانید یا ما رویاننده ایم؟

﴿٦٥﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطًا مَّا فَطَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

اگر بخواهیم آنرا به گیاه درهم کوبیده‌ای مبدل میسازیم، به گونه ایکه به حیرت افتید.

﴿٦٦﴾ إِنَّا لَمُعْرَمُونَ

(و بگویید:) « یقیناً زیانمند شده ایم. »

﴿٦٧﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

« (و) بلکه ما (از ثمره زحمت خود) بی بهره شده ایم. »

﴿٦٨﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ

آیا به آبی که مینوشید اندیشیده اید؟

﴿٦٩﴾ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ

آیا شما آنرا از ابر (به شکل بارندگی) نازل کرده اید یا ما نازل کننده ایم؟

﴿٧٠﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

اگر بخواهیم آنرا شور می گردانیم. پس چرا شکر نمی گزارید؟

﴿٧١﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ

آیا (درباره) آتشی که می افروزید، فکر کرده اید؟

﴿٧٢﴾ اَنْتُمْ اَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا اَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ

آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریننده ایم؟

﴿٧٣﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ

ما آنرا پندی و بهره‌مندی برای مسافران گردانیده ایم.

﴿٧٤﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس نام پروردگار بزرگ خود را به پاکی یاد کن.

﴿٧٥﴾ فَلَا اُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

و علاوه‌تاً سوگند یاد میکنم به منازل ستارگان.

﴿٧٦﴾ وَاِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

و این سوگندی است واقعاً بزرگ، اگر بدانید.

﴿٧٧﴾ اِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

این حقیقتاً قرآنی است گرامی قدر.

﴿٧٨﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

(نوشته شده) در کتابی محفوظ.

﴿٧٩﴾ لَا يَمَسُّهُ اِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

جز پاکان (کس دیگر) به آن دست نمیزند.

﴿٨٠﴾ تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نازل شده است از طرف پروردگار جهانیان.

﴿٨١﴾ اَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ اَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

آیا به این سخن مداهنه میکنید (یعنی حقانیت قرآن را می پوشانید)؟

﴿٨٢﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ اَنْتُمْ تُكْذِبُونَ

و آیا بهره خود را (از زندگی)، تکذیب (قرآن) قرار میدهید؟

﴿٨٣﴾ فَلَوْلَا اِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ

پس چرا وقتی که (جان) به گلو رسید (مرگ را دفع کرده نمیتوانید)؟

﴿٨٤﴾ وَاَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

در آن وقت شما (این حالت را) می بینید.

﴿٨٥﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ

و ما به او (که در حالت نزع قرار دارد) نسبت به شما نزدیکتریم، ولی شما نمی بینید.

﴿٨٦﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

پس اگر (به زعم شما) به مقابل اعمال خویش مجازات نمی شوید.

﴿٨٧﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

چرا روح را باز نمی گردانید؟ اگر راستگوی هستید.

﴿٨٨﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

پس اگر او از مقربان (درگاه خدا) باشد.

﴿٨٩﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ

(برایش) آرامی، خوشی و بهشت پر نعمت (ارزانی شده) است.

﴿٩٠﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و اگر از یاران دست راست باشد.

﴿٩١﴾ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

پس بر تو از یاران دست راست سلام باد.

﴿٩٢﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

و اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد.

﴿٩٣﴾ فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ

پس (سرنوشت او) مهمانی است از آب جوشان.

﴿٩٤﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ

و کباب شدن به آتش دوزخ.

﴿٩٥﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

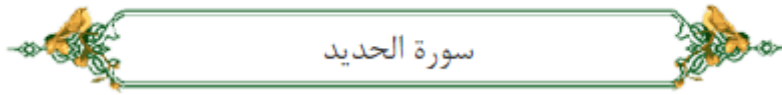
بیگمان این سخن حق است و یقینی.

﴿٩٦﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس نام پروردگار بزرگ خود را به پاکی یاد کن.

(۵۷) سوره الحديد:

این سوره مدنی و دارای (۲۹) آیه است و حديد به معنی آهن میباشد. این سوره از سببی حديد نامیده شد که در آیه ۲۵ آن به منافع حديد (آهن) و اهمیتی که این عنصر در مدنیت و عمران دارد توجه داده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هر آنچه در آسمانها و زمین است خدا را به پاکی یاد میکند، و او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿۲﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، زنده میگرداند و میمیراند، و او بر هر چیز تواناست.

﴿۳﴾ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هم او است اول و آخر، و ظاهر و باطن، و او به هر چیز داناست.

﴿۴﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يَعْلَمُ مَا يَلْبِغُ فِي

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۗ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۗ وَاللَّهُ

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

هم اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش مستولی شد. او آنچه را در زمین فرو می رود، و آنچه را از آن خارج میشود، و آنچه را از آسمان نازل میشود، و آنچه را در آن بالا میرود، (به تمام و کمال) میدانند. و او با شماست هر جایکه باشید، و خداوند به آنچه میکنید بیناست.

﴿۵﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، و (همه) امور به خدا باز میگردد.

﴿۶﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

شب را در روز داخل میکند، و روز را در شب داخل میکند، و او به آنچه در سینه هاست دانا میباشد.

﴿٧﴾ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۗ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ

كَبِيرٌ

به خداوند و به پیامبر او ایمان آرید، و از آن (مال و دارایی) که شما را در (مالکیت) آن خلیفه (خود) گردانیده است، (در راه خدا) خرج کنید. پس کسانی از شما که ایمان آوردند و (در راه خدا) خرج کردند، برای شما مزد بزرگی است.

﴿٨﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ

و شما را چه شده است که به خدا ایمان نمی آورید؟ (چرا در راه خدا خرج نمیکنید؟) در حالیکه پیامبر شما را دعوت میکند که به پروردگار خویش ایمان آرید، و (باز) واقعاً از شما پیمان محکمی گرفته است، اگر ایمان دارید.

﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ

لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

او ذاتی است که برای بنده خود آیات واضح را میفرستد، تا شما را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آرد، و بیگمان خداوند به شما بسیار رؤوف (و) مهربان است.

﴿١٠﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ

أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ ۗ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا ۗ وَكُلًّا وَعَدَ

اللَّهُ الْحُسْنَى ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

و شما را چه شده است که در راه خداوند خرج نمی کنید؟ حالانکه میراث آسمانها و زمین از آن خداست. کسانی از شما که پیش از فتح (مکه) خرج کردند و پیکار نمودند، مساوی نیستند، (بلکه) ایشان از کسانی که بعد (از فتح مکه) خرج کردند و جنگ نمودند بلندمرتبه تر اند. و خداوند برای هر دو (گروه) وعده نیکویی داده است، و خداوند به آنچه انجام میدهید آگاه است.

﴿١١﴾ مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

کیست آنکه به خداوند قرض بدهد، قرضی نیکو؟ پس خداوند آنرا چند برابر برای او اضافه میکند، و (علاوتاً) برای او پاداش پرارزشی است.

﴿١٢﴾ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(یاد کن) روزی (را) که مردان مسلمان و زنان مسلمان را می بینی که نورشان در جلوشان و اطراف شان می شتابد، (و برای شان گفته میشود): « مژده باد بر شما، امروز نصیب شما باغهایی است که زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد، و در آن جاودانه بسر میبرید. » و این است همان پیروزی بزرگ.

﴿۱۳﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ

روزیکه مردان منافق و زنان منافق به مسلمانان میگویند: « ما را بگذارید تا از نور شما روشنایی بگیریم. » (بر ایشان) گفته میشود: « به پشت سر خود باز گردید، و آنگاه روشنایی بجوید. » پس در میان شان دیواری گزارده میشود که دروازه ای دارد، در درون آن (سراسر) رحمت است، و بیرون آن در عقبش عذاب.

﴿۱۴﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ ۗ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

آنها به مسلمانان صدا می کنند: « آیا ما با شما نبودیم؟ » (مسلمانان) میگویند: « بلی، مگر شما خود را به هلاکت افکندید، و در انتظار (تباهی ما) بودید، و (در وعده خداوند) شک داشتید. شما را آرزوهای غلط اغواء کرد، تا آنکه حکم خداوند فرا رسید، و (شیطان) فریبکار شما را در مورد (لطف و رحمت) خداوند فریب داد. »

﴿۱۵﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ مَأْوَاكُمُ النَّارُ ۗ هِيَ مَوْلَاكُمْ ۗ وَبئسَ الْمَصِيرُ

پس امروز نه از شما فدیة ای قبول میشود، و نه هم از کافران. جای (همه) شما آتش است، همین (آتش) رفیق (شایسته حال شماست)، و چه بد جایی است!

﴿۱۶﴾ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۗ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ

آیا برای مؤمنان وقت آن نرسیده است که دل‌های شان به ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده نرم شود؟ و مانند کسانی نباشند که پیش ازین برای شان کتاب داده شده بود؟ ولی چون زمان طولانی بر آنها سپری شد، دل‌های شان سخت شد، و بسیاری از ایشان بدکاره اند.

﴿۱۷﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بدانید که خداوند زمین را بعد از مردن آن، زنده میگرداند. بیگمان آیات (خود) را به شما بیان نمودیم تا باشد که بیندیشید.

﴿۱۸﴾ إِنَّ الْمُسْدِقِينَ وَالْمُسَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

بیگمان برای مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، و کسانی که خداوند را قرض حسنه میدهند، برای شان چند برابر (مزدشان) داده میشود، و (علاوتاً) برای شان پاداش گرامی است.

﴿١٩﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ ۖ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

و آنانیکه به خداوند و پیامبران او ایمان آوردند، هم ایشان نزد پروردگارشان صدیقان و شهداء اند. ایشان راست پاداش (اعمال) شان و روشنایی (ایمان) شان، و کسانیکه کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها اهل دوزخ اند.

﴿٢٠﴾ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۗ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُمْصِرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ۗ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۗ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

بدانید که زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و خودستایی در میان شما و افزون طلبی در اموال و اولاد چیزی نیست، همانند بارانیکه (سبزه) نبات آن زراعت پیشگان را به خوشی عجیبی فرو می برد و سپس خشک میشود، (بگونه ای که) آنرا زرد شده میبینی، و باز به کاهی تبدیل میشود. و در آخرت (برای کافران) عذابی شدید است، و (برای مؤمنان) آمرزشی از جانب خدا و رضامندی است، و زندگی دنیا جز متاع فریب چیزی نیست.

﴿٢١﴾ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

در راه رسیدن به آمرزش پروردگار خویش و بهشتی که پهنای آن مانند پهنای آسمان و زمین است مسابقه کنید، (بهشتی که) برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیامبران او ایمان آورده اند. این است فضل خداوند، به هر کسی که بخواهد آنرا اعطاء میکند، و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

﴿٢٢﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

هیچ مصیبتی در زمین و در وجود شما رخ نمیدهد، مگر اینکه پیش از آنکه آنرا بیافرینیم، در کتابی (به ثبت رسیده) است. بیگمان این کار برای خدا آسان است.

﴿٢٣﴾ لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

برای اینکه بر آنچه از دست میدهید اندوهگین نشوید، و به آنچه به شما عطاء کرده است (برای تکبر ورزیدن) خوشحال نشوید، و خداوند هیچ متکبر خودستایی را دوست نمیدارد.

﴿٢٤﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

آنانیکه بخل میورزند و مردم را به بخل دستور میدهند، و هرکه (از راه خدا) رو بگرداند، پس بیگمان خداوند هم او است بی نیاز (و) ستوده.

﴿۲۵﴾ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۗ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

واقعاً پیامبران خود را با نشانه های واضح فرستادیم، و با ایشان کتاب و میزان را نازل کردیم، تا مردم به تأمین عدالت بپردازند. و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و منافعی برای مردم. تا خداوند معلوم کند چه کسی او و پیامبران او را در غیب یاری می کند. حقا که خداوند توانا (و) صاحب قدرت منیع است.

﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ ۗ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ ۗ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ

بیگمان نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان ایشان نبوت و وحی را قرار دادیم. پس بعضی از ایشان رهیاب شده اند، و بسیاری از ایشان بدکاره اند.

﴿۲۷﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ۗ فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ ۗ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ

سپس به تعقیب ایشان پیامبران خود را فرستادیم. و بعداً عیسی پسر مریم را فرستادیم، و به او انجیل را دادیم، و در قلب پیروان او شفقت و رحمت نهادیم، و رهبانیتی که خود آنرا اختراع کرده بودند ما آنرا بر ایشان فرض نگردانیده بودیم، مگر طلب خوشنودی خدا را. ولی ایشان، آنطوریکه رعایت آن ایجاب میکرد، آنرا رعایت نکردند. با این هم، ما به کسانی از ایشان که ایمان آوردند پاداش شانرا دادیم، و بسیاری از ایشان بدکاره اند.

﴿۲۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ای مؤمنان، از خدا بترسید و به پیامبر او ایمان بیاورید، تا خدا به شما دوبرابر از رحمت خود را عطاء کند، و به شما نوری قرار دهد که با آن (به راه مستقیم) بروید، و شما را بیمارزد، و خداوند بخشاینده (و) مهربان است.

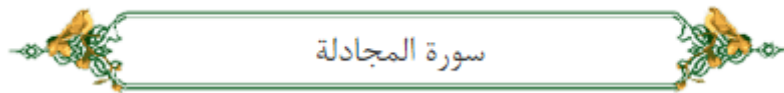
﴿۲۹﴾ لَقَدْ يَعْلمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ ۗ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

تا اهل کتاب بدانند که قدرتی بر (تخصیص) فضل خدا (برای خود) ندارند، و بیگمان فضل (کاملاً) به ید خداست، به هرکه بخواهد آنرا میدهد، و خدا صاحب فضل بزرگ است.

جزء یا سپاره بیست و هشتم - قد سمیع الله

(۵۸) سورة المجادلة:

این سوره مدنی و دارای (۲۲) است و از سببی که با آیه (قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا) آغاز یافته است به این نام مسما شده است. مجادله به معنی گفتگو کردن است (در این سوره موضوع گفتگوی زنی با پیامبر در مورد شوهرش بیان شده است).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

بیگمان خداوند گفته زنی را، که در مورد شوهر خود با تو بحث میکرد و به خداوند شکوه مینمود، شنید، و خداوند گفتگوی هر دوی شما را میشنید، بیگمان خداوند شنوا (و) بیناست.

﴿۲﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نَسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ ۗ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ

آنانی از شما که با زنان خویشظهار میکنند (یعنی زن خود را مادر خویش میخوانند) (در واقع) ایشان مادران شان نیستند، مادران ایشان نیستند مگر زنانیکه ایشانرا زاییده اند. و بیگمان ایشان سخنی ناشایسته و دروغ میگویند، و حقا که خداوند بخشایشگر (و) آمرزگار است.

﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نَسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۗ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ۗ ذَلِكُمْ تُوَعُّظُونَ بِهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

کسانیکه زنان شانراظهار میکنند، و سپس از آنچه گفته اند بر میگردند، مکلف اند پیش از آنکه باهم همبستر شوند برده ای را آزاد سازند، (با) این حکم (کفار) به شما اندرز داده می شود، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

﴿٤﴾ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ۖ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۗ ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پس کسیکه (برده ای را) نیافت، قبل از تماس (زن و شوهر) با یکدیگر لازم است دو ماه مسلسل روزه بگیرد، کسیکه (روزه مسلسل هم) نتواند، بر وی لازم است تا شصت مسکین را طعام بدهد، این (حکم) برای آنست تا به خداوند و پیامبر او ایمان آورید، و این حدود خداست، و برای منکران عذاب دردناکی است.

﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَثَبُوا وَكَبُتُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ

بیگمان آنانیکه با خدا و پیامبر او دشمنی میکنند، دلیل کرده میشوند، طوریکه پیشینان شان دلیل کرده شده بودند، حقا که ما آیات روشن را نازل کردیم، و برای کافران عذاب ذلت باری است.

﴿٦﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۗ أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

روزیکه خداوند همه ایشانرا بر می انگیزد، پس ایشانرا از اعمالی که انجام داده بودند آگاه میسازد، خداوند شمار آن را گرفته است، و ایشان آنرا فراموش کرده اند، و خدا بر همه چیز گواه است.

﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ۗ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در آسمانها و در زمین است میداند؟ هیچ رازی میان سه نفر نیست مگر اینکه او چهارم ایشان است، و نه (در میان) پنج کس مگر اینکه او ششم ایشان است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر (اینکه) او همراه شان است، در هر جاییکه باشند. سپس در روز قیامت ایشان را به آنچه کرده اند آگاه میسازد. حقا که خداوند به هر چیز داناست.

﴿٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ ۗ حَسْبُ لَهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا ۗ فَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آیا ندیدی کسانی را که از سرگوشی با هم منع شده بودند؟ سپس به کاری که از آن منع شده بودند باز متوسل میشوند، و با یکدیگر به گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر سرگوشی میکنند. و چون نزد تو می آیند، ترا تهنیتی میگویند، که خدا ترا به آن تهنیت نه گفته است، و با خود میگویند: « چرا خداوند ما را به آنچه میگوییم عذاب نمیکند؟ » برای ایشان دوزخ بسنده است، که به آن داخل میشوند، پس چه بد جایگاهی است (دوزخ).

﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

ای مؤمنان، چون با هم سرگوشی میکنید، به گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر سرگوشی نکنید، (بلکه) به نیکی و پرهیزگاری با هم سرگوشی کنید. و از خداوندیکه به حضور او حشر میشود بترسید.

﴿١٠﴾ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

حقا که سرگوشی از شیطان است، تا مسلمانان را اندوهگین سازد، حالانکه به ایشان هیچ ضرری عاید کرده نمی تواند، مگر به اجازه خدا. پس باید مؤمنان تنها بر خداوند توکل نمایند.

﴿١١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

ای مسلمانان، چون به شما گفته شود که در مجالس جا باز کنید، پس جا باز کنید، تا خدا برای شما گشایش دهد. و چون گفته میشود برخیزید، پس برخیزید، خداوند درجات کسانی از شما را که ایمان آورده اند، و آنانرا که علم داده شده اند بالا میبرد، و خدا به آنچه میکنید آگاه است.

﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ۗ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای مؤمنان، وقتی که می خواهید با پیامبر به مشوره بپردازید، پیش از مشوره خویش خیراتی بدهید، این کار به شما بهتر و پاکیزه تر است. اما اگر (توان خیرات را) نداشتید، پس خداوند آمرزند (و) مهربان است.

﴿١٣﴾ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ ۗ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

آیا (از فقر) ترسیدید که پیش از مشوره خویش (با پیامبر) صدقه بپردازید؟ اما حالا که (این کار را) نکردید، و خداوند از (فرو گذاشت) شما درگذشت، پس نماز را با کمال و تمام برپا دارید و زکات بدهید، خداوند و پیامبر او را فرمان ببرید، و خداوند به آنچه میکنید باخبر است.

﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

آیا ندیدی کسانی را که با قومی دوستی کردند که خداوند بر ایشان خشم کرده است؟ ایشان نه از تو و نه از آنهایند، و به دروغ سوگند میخورند در حالیکه خودشان میدانند.

﴿١٥﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

خداوند برای ایشان عذاب شدیدی آماده ساخته است، زیرا آنچه ایشان انجام میدهند واقعاً (برای شان) بد است.

﴿١٦﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

سوگندهای شانرا سپری (به روی اعمال بد شان) قرار دادند، و بدینگونه (مردم را) از راه خدا باز داشتند، و بنابراین برای ایشان مجازاتی است رسواکننده.

﴿١٧﴾ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

هرگز مالها و فرزندان شان هیچ (عذاب) خدا را از ایشان دفع نمیکند. ایشان اهل آتش اند، در آنجا همیشه بسر میبرند.

﴿١٨﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ ۖ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۖ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ

روزیکه خدا همهٔ ایشانرا بر می انگیزد، آنگاه به او سوگند می خورند چنانکه (حالا) به شما سوگند میخورند، و چنین می پندارند که بر چیزی هستند (یعنی کار خوبی انجام داده اند)، (ولی) بدانید که آنها واقعاً دروغگویند.

﴿١٩﴾ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ۖ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۖ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

شیطان بر ایشان غلبه کرده است، و ذکر خداوند را فراموش شان گردانیده است. ایشان حزب شیطان اند، بدانید که حزب شیطان، همانها اند زیانکار.

﴿٢٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ أُولَئِكَ فِي الْأَذْيَانِ

واقعاً آنانیکه با خداوند و پیامبر او ستیزه میکنند، هم ایشانند در (جملهٔ) ذلیل ترین (آفریده ها).

﴿٢١﴾ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۖ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

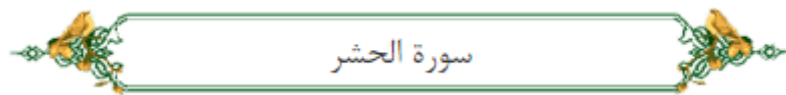
خداوند مقرر داشته است که « به یقین من و پیامبرانم پیروز میشویم. » حقا که خداوند توانا (و) صاحب قدرت مینع است.

﴿٢٢﴾ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ
 أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۗ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ
 مِّنْهُ ۗ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
 عَنْهُ ۗ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

(چنین) مردمی را نمی یابی که (از یکسو) به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشند، و (از سوی دیگر) با کسانی که
 به خداوند و پیامبرش سر ستیز دارند دوستی کنند. اگرچه (این ستیزه کاران) پدران شان یا فرزندان شان یا
 برادران شان یا خویشاوندان شان باشند. اینها ایند که خداوند در دلهای شان ایمان را جایگزین ساخته، و ایشانرا را
 با روحی از نزد خودش تقویت بخشیده است، و آنها را به باغهایی داخل میکند که در زیر (درختان) آنها جویبارها
 جریان دارد؛ در آن جاودانه بسر میبرند. خداوند از ایشان خوشنود شده و آنها (نیز) از خدا خوشنود اند. ایشان
 حزب خدا اند، بدانید که مسلماً حزب خدا، هم ایشانند رستگار.

(۵۹) سورة الحشر:

این سوره مدنی و دارای (۲۴) آیه است و از سببی که با آیه (هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ
 دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ) شروع می شود به این نام یاد گردیده است. حشر به معنی جمع کردن ، راندن (موضوع
 راندن یهودیان بنی النضیر از حوالی مدینه در این سوره آمده است).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خدای را، همه چیزهاییکه در آسمانها اند و در زمین، به پاکی یاد میکنند. اوست صاحب قدرت منیع (و) صاحب
 حکمت.

﴿٢﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ۗ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ
 يَخْرُجُوا ۗ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۗ وَقَدَفَ فِي
 قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ ۗ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

اوست که کافران اهل کتاب را برای نخستین حشر (یعنی اجتماع) از خانه های شان بیرون آورد. گمان نمی کردید که برآیند، و (ایشان نیز) گمان برده بودند که حصارهای شان آنها را از (عذاب) خداوند نگه میدارد. اما (عذاب) خداوند از جایکه توقع نمی بردند به ایشان آمد، و در دل‌های شان دهشت افکند، (به حدی که) خانه های شانرا با دستهای خودشان و با دستهای مسلمانان خراب میکردند. پس ای اهل بصیرت پند بگیرید.

﴿۳﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا ۗ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

و اگر چنان نبود که خداوند بر ایشان جلای وطن را مقرر کرده بود، ایشان را یقیناً در (همین) جهان مجازات میکرد، و در آخرت برای شان (یقیناً) عذاب آتش است.

﴿۴﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

این (مجازات) به سببی است که ایشان با خدا و پیامبر او مخالفت کردند، و هر که با خدا مخالفت کند، بیگمان خداوند سخت مجازات کننده است.

﴿۵﴾ مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْرِجَ الْفَاسِقِينَ

(ای مسلمانان)، آنچه از درخت نازک (خرما) را پی کردید، یا آن را ایستاده به حال خود آن گذاشتید، بر اساس اجازه خداوند بود، و (برای این بود) تا فاسقان را رسوا کند.

﴿۶﴾ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رَسُولَهُ

عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

چیزی را که خداوند از ایشان (یعنی بنی نضیر) برای پیامبر خود (به غنیمت) باز داد، برای دستیابی به آن نه اسبی را تاختید و نه اشتی را، مگر خداوند پیامبران خود را بر هر که بخواهد مسلط میگرداند، و خداوند بر همه چیز تواناست.

﴿۷﴾ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۗ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ

فَانْتَهُوا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

آنچه را خداوند از اهالی قریه ها به پیامبر خود (به غنیمت) باز داد، از آن خدا و پیامبر، خویشاوندان، و یتیمان، و مسکینان و مسافران است، تا (این سرمایه) در میان ثروتمندان شما دست به دست نشود. آنچه را پیامبر برای شما میدهد بگیرید، و از آنچه شما را منع میکند منصرف شوید. و از خدا بترسید، بیگمان خداوند سخت مجازات کننده است.

﴿۸﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

(این اموال) برای فقیران مهاجرینی است، که از خانه ها و دارایی شان بیرون کرده شدند، (در حالیکه) فضل و رضای خدا را می طلبند، و خدا و پیامبر او را یاری میدهند، هم ایشانند راستگو.

﴿٩﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۗ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و (نیز برای انصار)، آنانیکه پیش از این (مهاجران) این سرزمین (دارالهجرت) و ایمان را برگزیدند (یعنی پیش از مهاجران در مدینه جایگزین شده، و به پیام پیامبر ایمان آوردند). و هر که را بسوی شان هجرت کند دوست میدارند، و به چیزی که به ایشان (یعنی به مهاجران) داده شده دلتنگی احساس نمیکند، و باوجود نیازمندیکه دارند، آنها را بر خود ترجیح میدهند، و کسانی که از حرص نفس خویش نجات یافته باشند، هم ایشانند رستگار.

﴿١٠﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

و (برای) کسانی (نیز) که بعد از ایشان آمدند میگویند: « پروردگارا، ما را و برادران ما، آنهایی را که در ایمان بر ما پیشدستی کردند، بیامرز و در دلهای ما نسبت به کسانی که ایمان آوردند کینه ای را راه مده! پروردگارا، واقعاً تو رؤوف (و) مهربان هستی. »

﴿١١﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

آیا منافقان را ندیدی که به برادران خویش از کافران اهل کتاب میگویند: « قسم است هر گاه بیرون رانده شوید، ما نیز با شما بیرون میشویم، و در معامله با شما هیچ کسی را هرگز فرمان نخواهیم برد، و اگر با شما جنگی صورت گیرد، حتماً شما را کمک خواهیم کرد. » و خداوند گواهی میدهد که ایشان واقعاً دروغگو اند.

﴿١٢﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ

به یقین اگر بیرون کرده شوند، با ایشان بیرون نمی روند، اگر با ایشان جنگ شود، هرگز کمک شان نمیکنند، و اگر ایشان را کمک هم بکنند، حتماً پشت (به کارزار) کرده و باز هرگز دادرسی نمیشوند.

﴿١٣﴾ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

بیگمان ترس شما در دلهای ایشان قویتر از ترس خداست، این از سببی است که ایشان قومی اند نافهم.

﴿١٤﴾ لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي فُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ ۚ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ ۚ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ

(هرگز) با شما یکجایی جنگ کرده نمیتوانند، جز از داخل آبادی های مستحکم یا از پشت دیوارها. جنگ شان در میان خودشان شدید است، (ظاهراً) ایشانرا یکپارچه و همدست می پنداری، اما دلهای شان پراکنده است، و این بخاطری است که ایشان مردمی بیخرد اند.

﴿١٥﴾ كَمْثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ۚ ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

مانند کسانی که کمی پیش از ایشان بودند. (عاقبت) بدکار خود را چشیدند، و برای ایشان (در آخرت) عذاب دردناکی است.

﴿١٦﴾ كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

درست مانند شیطان، هنگامیکه به انسان گفت « کافر شو، » چون کافر شد گفت: « بیگمان من از تو بیزارم، من از خدای پروردگار جهانیان میترسم. »

﴿١٧﴾ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

پس انجام کار آنها چنین شد که هر دو برای همیشه در آتش (دوزخ) بسر برند. و این است جزای ستمگاران.

﴿١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْظُرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای مؤمنان، از خدا بترسید، و باید هر کسی بنگرد که برای فردا چه فرستاده است. از خدا بترسید، حقا که خداوند به آنچه میکنید آگاه است.

﴿١٩﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، و خدا نیز ایشان را به خودفراموشی گرفتار کرد، هم ایشانند بدکاره.

﴿٢٠﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۚ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ

اهل دوزخ و اهل بهشت هرگز (با هم) مساوی نیستند، اهل بهشت هم ایشانند رستگار.

﴿٢١﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۚ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

اگر این قرآن را بر کوهی نازل میکردیم، بیگمان آنرا از ترس خدا در تضرع و پاره پاره شده می دیدی. و این مثالها را برای مردم میزنیم، تا باشد که بیندیشند.

﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۖ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

اوست خداوندیکه جز او معبودی نیست، دانای نهان و آشکار، و اوست بخشاینده (و) مهربان.

﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

الْمُتَكَبِّرُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

اوست خداوندیکه جز او معبود نیست؛ پادشاه، نهایت پاک، سالم (از هر عیب)، امان دهنده، نگهبان، صاحب قدرت منیع، صاحب عزت (و) باشکوه، در نهایت بزرگواری. منزّه است از آنچه به او شریک می آورند.

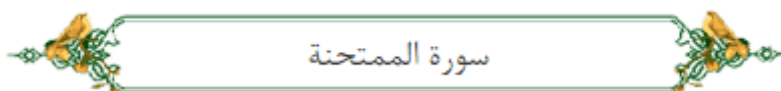
﴿۲۴﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ۚ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۚ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

او خدایست آفریننده، پدیدآورنده، نگارنده اشکال (و رنگها)، صاحب نیکوترین نامها (و صفات). آنچه در آسمانها و در زمین است، او را به پاکی یاد میکنند، و هم اوست صاحب قدرت منیع (و) باحکمت.

(۶۰) سورة الممتحنة:

این سوره مدنی و دارای (۱۳) آیه است و ممتحنه به معنی کسی که مورد آزمایش واقع شده، آزمایش شده میباشد در این سوره موضوع (زنانی که مسلمان شده بودند و شوهران کافر خود را در مکه رها کرده و در مدینه به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پناهنده می شدند در این سوره آمده است) که در آیه (۱۰) خواهد آمد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ ۚ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ ۖ إِنَّ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي

سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي ۚ تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ای مؤمنان، اگر برای جهاد در راه من و بدست آوردن خوشنودی من بیرون شدید، پس دشمنان من و دشمنان خود را دوست (و حامی) نگیرید، (به اینکه) به ایشان پیام دوستی بفرستید. در حالیکه ایشان از آنچه از دین حق به شما آمده است منکر اند، و پیامبر و شما را به (سبب) آنکه به خداوند - پروردگار خویش - ایمان آوردید، (از خانه و کاشانه شما) بیرون کردند. در خفا به ایشان پیام دوستی می فرستید، در حالیکه من به آنچه پنهان میدارید، و به آنچه آشکار می کنید داناتر ام، و هر که از شما این کار را بکند واقعاً راه راست را گم کرده است.

﴿٢﴾ إِنْ يُتَّقِفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوبُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالشُّوْءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

اگر بر شما تسلط بیابند، با شما دشمن خواهند بود، و دست ها و زبان های شان را بر شما به بدی دراز میکنند، و آرزو دارند تا شما (نیز) کافر شوید.

﴿٣﴾ لَنْ تَفْعَلَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ ۚ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

خویشاوندان و اولاد شما، هیچ یک، برای شما در روز قیامت سودی رسانده نمیتوانند، خدا در میان شما فیصله میکند، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست.

﴿٤﴾ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

بیگمان در (روش) ابراهیم و همراهان او برای شما نمونه نیکویی است. آنگاه که به قوم خود گفتند: « براستی ما از شما و از هر آنچه بغیر از خداوند می پرستید بیزاریم. ما منکر شما شدیم، و میان ما و شما خصومت و کینه همیشگی ایجاد شده است، تا آنکه به خدای یکتا ایمان بیاورید. » جز این گفته ابراهیم به پدرش: « من حتماً برای تو طلب آمرزش خواهم کرد، و برای (رساندن) نفع (به) تو از جانب خدا هیچ اختیاری ندارم. پروردگارا، ما بر تو توکل کردیم، و به تو رو آوردیم، و بسوی تو است بازگشت. »

﴿٥﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا، ما را (وسیله) آزمایش کافران مگردان، حقا که تو صاحب قدرت منیع (و) باحکمت هستی.

﴿٦﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ

بیگمان در ایشان (یعنی در روش ابراهیم و همراهان او)، برای کسانی از شما که به خداوند و روز آخرت امیدوارند، پیروی نیکویی است، و هر که روی برتابد، حقا که خداوند هم او است بی نیاز و ستوده.

﴿۷﴾ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً ۗ وَاللَّهُ قَدِيرٌ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

امید است خداوند میان شما و میان کسانی که با اوشان دشمنی می ورزیدید دوستی ایجاد کند. (آری) خداوند تواناست، و خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿۸﴾ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ

وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

خداوند شما را از کسانی که با شما در (امر) دین مقاتله نکردند، و شما را از سرزمین شما بیرون نکردند، باز نداشته است (از) اینکه به ایشان نیکی کنید، و در مورد (داد و دهش به) ایشان از عدالت کار بگیرید. خداوند واقعاً عدالت پیشگان را دوست میدارد.

﴿۹﴾ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ

إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

(ولی) خداوند شما را از (دوست) برگزیدن کسانی جداً منع میکند، که در (مورد) دین با شما جنگ کردند، و شما را از خانه های شما بیرون راندند، و همدیگر را در اخراج شما یاری نمودند، و کسانی که با آنها دوستی کنند، هم ایشانند ستمگاران.

﴿۱۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ

بِإِيمَانِهِنَّ ۗ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۗ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ

لَهُنَّ ۗ وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ ۗ وَلَا تُمْسِكُوا

بِعِصْمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلَا مَا أَنْفَقُوا ۗ ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ ۗ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ

عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای مؤمنان، چون زنان با ایمان نزد شما بحیث مهاجر بیایند، ایشانرا بیازمایید. خداوند به ایمان شان داناتر است. هر گاه آنها را مؤمن یافتید، پس ایشان را به سوی کافران باز نگردانید. نه ایشان برای کافران حلال اند، و نه کافران برای ایشان حلال اند. و برای شوهران شان آنچه را خرج کرده اند بپردازید. بر شما گناهی نیست که با ایشان ازدواج کنید، به شرطیکه مهر شانرا بپردازید، و هرگز همسران کافر را (به همسری خود) نگه ندارید، و آنچه را که خرج کرده اید طلب کنید. و (کافران نیز میتوانند) آنچه را خرج کرده اند طلب کنند. این حکم خداوند است، در میان شما حکم میکند، و خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿١١﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

و اگر از نزد شما کسی از زنان شما بسوی کافران برود، و نوبت شما برسد (یعنی در آخر کار پیروزی به شما تعلق گیرد)، پس برای آنانیکه زنان شان فرار کرده اند معادل آنچه (بھیث مهر) خرج کرده اند بدهید، و از خداییکه به او ایمان دارید بترسید.

﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ ۖ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

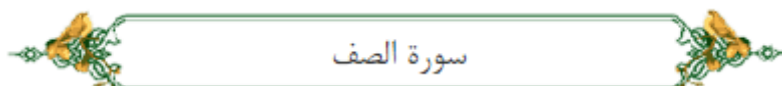
ای پیامبر، هنگامیکه زنان مؤمن نزد تو بیایند، (و) با تو بیعت کنند، بر اینکه چیزی را به خدا شریک نیاورند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و اولاد خود را نکشند، و بهتانی را بین دستها و پاهای خود افتراء نکنند (یعنی کودکی را که از راه غیر مشروع به فرزندی گرفته اند به شوهر خود منسوب نکنند)، ترا در هیچ امر پسندیده ای نافرمانی نکنند، پس با آنها بیعت کن، و از خداوند برای شان آمرزش بخواه، حقا که خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسُؤَ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

ای مؤمنان، با مردمی که خداوند ایشانرا مورد غضب قرار داده است دوستی نکنید، بیگمان ایشان از آخرت ناامید شدند، همانطوریکه کافران از اهل قبور ناامید شدند.

(٦١) سوره الصف:

این سوره مدنی و دارای (١٤) آیه است و صف به معنی به ردیف ایستاده ، صف به صف ایستادن میباشد و نام این سوره از آیه (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ) گرفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خدای را، همه چیزهایی که در آسمانها اند و در زمین، به پاکی یاد میکنند، و اوست صاحب قدرت منیع (و) صاحب حکمت.

﴿۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

ای مؤمنان، چرا چیزی را می گوید که (به آن عمل) نمیکنید؟

﴿۳﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

نزد خداوند خشم آورتر است که چیزها را که انجام نمی دهید بگویند.

﴿۴﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

بیگمان خداوند کسانی را دوست میدارد که در راه او صف کشان مقاتله میکنند، که (گویی) همچون بنایی اند یکپارچه و همبسته.

﴿۵﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ۗ فَلَمَّا زَاغُوا

أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

و بیاد آور وقتی را که موسی به قومش گفت: « ای قوم من، چرا مرا اذیت میکنید؟ در حالیکه خوب میدانید که من بسوی شما فرستاده خدا هستم. » پس چون (از حق) منحرف شدند، خداوند دلهای شانرا منحرف ساخت، و خداوند قوم فاسق را هدایت نمیکند.

﴿۶﴾ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ

التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ ۗ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

و بیاد آور وقتی را که عیسی پسر مریم گفت: « ای بنی اسرائیل، بیگمان من فرستاده خدا بسوی شما هستم، (حقانیت) آنچه را پیش از من از تورات نازل شده تصدیق می کنم، و مژدگانی پیامبری را میدهم که بعد از من می آید، (و) نامش احمد است. » ولی چون به ایشان معجزه ها را آورد، گفتند: « این جادویی است آشکارا. »

﴿۷﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الظَّالِمِينَ

و چه کسی ظالمتر است از کسی که بر خدا دروغ بریست؟ در حالیکه او به اسلام دعوت میشود. آری، خداوند قوم ستمگر را هدایت نمیکند.

﴿۸﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

میخواهند که نور خدا را با دهن های خود خاموش کنند. اما خداوند نور خود را کامل کردنی است، گرچه کافران ناخوشنود شوند.

﴿۹﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

اوست که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آنرا بر همه ادیان غالب سازد، اگرچه مشرکان ناخوشنود شوند.

﴿۱۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

ای مؤمنان، آیا شما را به تجارتی رهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک (دوزخ) نجات دهد؟

﴿۱۱﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

به خدا و پیامبر او ایمان آرید، در راه خدا به مال و جان خود جهاد کنید، این (کار) برای شما بهتر است، اگر بدانید.

﴿۱۲﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۗ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(اگر چنان کنید) گناهان شما را می آمرزد، و شما را به بهشت هایی داخل میکند که در زیر (درختان) آنها جویبارهایی جریان دارد، و در مسکنهای پاکیزه ای در بهشتهای جاودان، و این پیروزی بزرگی است.

﴿۱۳﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

و (نعمت) دیگری را (ارزانی میکند) که آنرا دوست میدارید؛ یاری خدای و پیروزی نزدیکی را. و مسلمانان را مژده بده.

﴿۱۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۗ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ۗ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ ۗ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

ای مؤمنان، یاوران خدا باشید، طوریکه عیسی پسر مریم به یاوران خود گفت: « در راه خدا، یاوران من که خواهد بود؟ » یاوران (او) گفتند: « ماییم یاوران (راه) خداوند، » پس دسته ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند، و دسته دیگر کافر شدند. پس مؤمنان را در برابر دشمنان ایشان تقویت کردیم، (و در آخر کار) پیروزمند گردیدند.

(۶۲) سوره الجمعة:

این سوره مدنی و دارای (۱۱) آیه است و چون دربر گیرنده فرمان اجابت ندا برای نماز جمعه است به این نام یاد گردیده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

خدای پادشاه، پاکیزه صفت، صاحب قدرت منیع (و) صاحب حکمت را، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین اند، به پاکی یاد میکنند.

﴿٢﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

اوست که در میان ناخوانان پیامبری را از میان خودشان برانگیخت، آیات او (یعنی خدا) را به ایشان میخواند، و ایشانرا پاکیزه میسازد، و کتاب و حکمت را به ایشان می آموزد، اگرچه پیش ازین واقعاً در گمراهی آشکاری بسر میبردند.

﴿٣﴾ وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و (نیز او را) برای (مردم) دیگری از ایشان، که هنوز به آنها ملحق نشده اند، (برانگیخت)، و او صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

﴿٤﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

اینست فضل خدا، به هر که بخواهد عطاء میکند، و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

﴿٥﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا ۗ بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

مثال آنانی که مکلف به (احکام) تورات شدند، و سپس آن را مورد عمل قرار ندادند، مثال خری است که کتاب های (بزرگی) را بردارد (ولی به محتوای آن ها پی نبرد). بد است مثال قومی که نشانه های خداوند را تکذیب کردند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند.

﴿٦﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ

صَادِقِينَ

بگو: « ای کسانی که یهودی شدید، اگر ادعا می کنید که شما دوستان خدا هستید نه مردم دیگر، پس مرگ را آرزو کنید، اگر (در ادعای خویش) صادق هستید. »

﴿٧﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

ولی بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ را نمی کنند، و خداوند به (حال) ظالمان داناست.

﴿٨﴾ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ۗ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

بگو: « مرگی که از آن می گریزید، ضرور دامنگیر شما است، سپس به سوی کسیکه پنهان و آشکار را میداند برگردانیده میشوید، و او شما را به (کنه) اعمال شما آگاه میسازد. »

﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ۗ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای مؤمنان، چون برای نماز در روز جمعه آذان داده شود، به سوی ذکر خدا (یعنی نماز) بشتابید، و خرید و فروش را بگذارید. این (کار) برای شما بهتر است، اگر بدانید.

﴿١٠﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

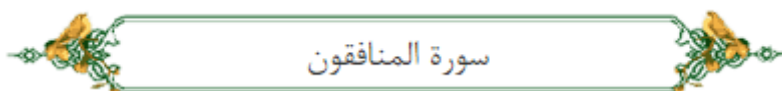
پس چون نماز اداء شد، در زمین پراکنده شوید، و از فضل خدا بجوئید، خدا را بسیار یاد کنید، تا باشد که رستگار شوید.

﴿١١﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا ۗ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۗ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

هنگامیکه تجارتی یا سرگرمی را ببینند، بسوی آن می شتابند، و ترا ایستاده می گذارند. بگو: « آنچه نزد خداوند است، از سرگرمی و از تجارت بهتر است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است. »

(٦٣) سورة المنافقون :

این سوره مدنی و دارای (١١) آیه است و منافقون جمع منافق ، آدم دورو (در این سوره از منافقون و توطئه آنان علیه مسلمانان سخن گفته شده است) و به سبب افتتاح این سوره با بیان رسوایی ها و اوصاف منافقان و مواقف دشمنانه آنان علیه رسول اکرم (ص) و مومنان با این نام مسما شده است.



سورة المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ
الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

هنگامیکه منافقان نزد تو می آیند، میگویند: « گواهی میدهیم که تو واقعاً پیامبر خدا هستی. » و خدا میداند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خداوند گواهی میدهد که منافقان واقعاً دروغگو هستند.

﴿۲﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سوگندهای شانرا (بروی اعمال بدشان) سپری قرار دادند، بدین ترتیب (مردم را) از راه خدا باز داشتند، چه بدست آنچه را انجام می دهند!

﴿۳﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

این از سببی است که ایشان ایمان آوردند، سپس کافر شدند، پس مهری بر دلهای شان نهاده شد، بنابراین نمی فهمند.

﴿۴﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ ۗ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ ۗ كَانَتْهُمْ حُشْبٌ

مُسْنَدَةٌ ۗ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ ۗ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ۗ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

هنگامیکه ایشان را بنگری، قیافه (و ظواهر) ایشان ترا به شگفت می آرد. و اگر سخن میگویند، به سخنان ایشان گوش فرا میدهی، گویا ایشان چوب هایی (یعنی مجسمه های چوبی) اند (بر دیواری) تکیه داده شده، (که یارای ایستادن بپای خود را ندارند) هر آواز مهیبی را بر (ضد) خود می پندارند. ایشان دشمنان (شما) اند، ازینرو از آنان برحذر باش، خداوند هلاک شان کند. چطور (از حق) برگردانیده میشوند؟

﴿۵﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

و هنگامیکه به ایشان گفته شود: « بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد، » سرهای خود را می جنبانند، و ایشانرا می بینی که تکبرکنان روی برمیگردانند.

﴿۶﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْفَاسِقِينَ

برای ایشان مساویست، خواه برای شان آمرزش بخواهی یا برای شان آمرزش نخواهی. هرگز خداوند ایشانرا نمی آرزود. بیگمان خداوند گروه فاسقان را هدایت نمیکند.

﴿٧﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا ۗ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

ایشان کسانی اند که میگویند: « بر آنانیکه نزد پیامبر خداوند خرج نکنید، تا پراکنده شوند. » (در حالیکه) خزانه
های آسمان ها و زمین از آن خداست، اما منافقان نمیدانند.

﴿٨﴾ يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنَهَا الْأَذْلَ ۗ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

میگویند: « البته اگر به مدینه باز گردیم، بیگمان صاحبان عزت، مردم خوار (و بیچاره) را از آنجا بیرون میکنند.
» مگر (حقیقت اینست که) عزت از آن خدا و پیامبر او و مسلمانان است، اما منافقان نمیدانند.

﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای مؤمنان، دارایی شما و اولاد شما نباید شما را از یاد خدا غافل کند، و هر کسی که چنین کند، پس هم
ایشانند زیانکار.

﴿١٠﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ
قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ

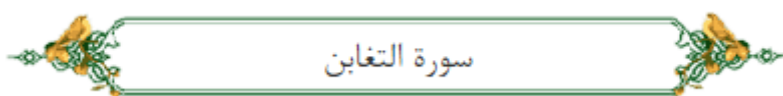
و از آنچه به شما ارزانی کردیم خرج کنید، پیش از اینکه مرگ به (سراغ) یکی از شما بیاید، و (در این حال)
بگوید: « پروردگارا، یکاش مرا مدت کمی مهلت می دادی، تا خیرات میدادم، و از جمله نیکوکاران میشدم. »

﴿١١﴾ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ولی خداوند کسی را، چون اجل او فرا رسد، مهلت نمیدهد، و خداوند به آنچه میکنید آگاه است.

(٦٤) سوره التغابن:

این سوره مدنی و دارای (١٨) آیه است و تغابن به معنی پشیمانی، مغبون کردن و یکی از نام های قیامت
است، به سبب ذکر روز قیامت در آن تغابن نامیده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خدا را، هر آنچه در آسمانها و هر آنچه در زمین است، (همیشه) به پاکی یاد میکنند. پادشاهی از آن اوست، و (همه) ستایش از آن اوست، و او بر همه چیز تواناست.

﴿٢﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

اوست که شما را آفریده است، پس بعضی از شما کافر اند، و بعضی از شما مؤمن، و خداوند به آنچه می کنید بیناست.

﴿٣﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

آسمانها و زمین را به حق آفرید، و شما را تصویر کرد، و صورتهای شما را زیبا گردانید، و بسوی اوست بازگشت.

﴿٤﴾ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

هر آنچه را در آسمانها و زمین است میداند، و (نیز) آنچه را پنهان میدارید و آنچه را آشکارا میکنید می داند، و خداوند به آنچه در سینه هاست داناست.

﴿٥﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آیا داستان کسانی به شما نیامده است که پیش ازین کافر شدند و سزای کار خود را چشیدند؟ و برای شان عذابی است دردناک.

﴿٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشْرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا ۗ وَاسْتَعْنَى

اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

این به سببی است که پیامبران شان برای ایشان نشانه های روشنی می آوردند، ولی میگفتند: « آیا انسان هایی ما را رهنمایی میکنند؟! » پس کافر شدند و روی گردانیدند، حالانکه خداوند (به اطاعت و ایمان شان) نیازی نداشت، و خداوند بی نیاز و ستوده است.

﴿٧﴾ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا ۗ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۗ وَذَلِكَ عَلَىٰ

اللَّهِ يَسِيرٌ

کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، بگو: « آری و قسم به پروردگار من، که یقیناً برانگیخته میشوید، سپس به (حقیقت) آنچه انجام میدادید، آگاه ساخته میشوید. و این (کار) بر خدا آسان است. »

﴿۸﴾ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

پس به خدا و پیامبر او و به آن نوری که نازل کرده ایم ایمان آورید، و (بدانید) خدا به آنچه می کنید آگاه است.

﴿۹﴾ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ۗ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ

سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(یاد آور شوید) روزی (را) که شما را برای روز اجتماع گرد می آورد، آنروز (روز) غبن و زیان است، و کسیکه به خداوند ایمان آورد و کارهای نیکو انجام دهد، (خداوند) از او تمام بدی های او را می زداید، و او را به باغستانهایی که در زیر (درختان) آنها جوی بارهایی جریان دارد داخل میسازد. در آنجا جاودانه بسر میبرند. اینست پیروزی بزرگ!

﴿۱۰﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَبئْسَ الْمَصِيرُ

و آنانیکه کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، ایشان اهل آتش (یعنی دوزخ) اند، در آنجا همیشه بسر میبرند، و (دوزخ)، چه بد جای بازگشت است!

﴿۱۱﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هیچ مصیبتی نمیرسد جز به اجازه خدا، و هر آنکه به خداوند ایمان آورد، (خداوند) دل او را هدایت میکند، و خداوند بر همه چیز داناست.

﴿۱۲﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و خداوند را فرمان برید و پیامبر را فرمان برید، و اگر رو بگردانید، پس کار پیامبر ما صرف رساندن (پیام) است (بگونه) آشکار.

﴿۱۳﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

خداوند، جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید (تنها) بر خدا توکل کنند.

﴿۱۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ ۗ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا

وَتَعَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای مؤمنان، بیگمان بعضی از همسران شما و (برخی از) اولاد شما دشمنان شما اند، لذا از ایشان برحذر باشید، اما اگر عفو نمایید و درگذرید و (گناهان شانرا) ببخشید، بیگمان خداوند آمرزگار و مهربان است.

﴿۱۵﴾ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

بیگمان مالها (و دارایی های) شما و اولاد شما آزمایشی است، ولی (این) خداوند (است که) مزد بزرگ به نزد او مییابد.

﴿١٦﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پس تا حدودیکه بتوانید از خدا بترسید، (به فرمانش) گوش فرا دهید، و (از او) فرمان برید، و (در راه او) خرج کنید، (این) به خیر شما است. و آنانیکه از بخل (و حرص) نفس خویش نگهداشته میشوند، پس هم ایشانند رستگار.

﴿١٧﴾ إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

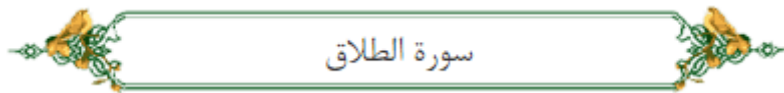
اگر به خداوند قرضی بدهید، قرض حسنه، آنرا برای شما دوچند میسازد، و شما را می آمرزد، و خداوند پاداش دهنده (و) صاحب حلم است.

﴿١٨﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

(او) دانای پنهان و آشکار، (و) صاحب قدرت منیع (و) باحکمت است.

(٦٥) سورة الطلاق:

این سوره مدنی و دارای (١٢) آیه است و به سبب بیان احکام طلاق به این اسم یاد گردیده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ ۗ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۗ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

ای پیامبر، چون زنان را طلاق دهید، پس ایشانرا در عدهٔ شان طلاق دهید، و عده را (دقیق) حساب کنید، و از خداوند پروردگار خویش بترسید. ایشان را از خانه های شان بیرون نکنید، و خودشان (نیز در دوران عده) بیرون نروند، مگر اینکه (عمل) فحشاء را به صورت آشکاری مرتکب شده باشند. این حدود الهی است، و هر کس که از حدود خدا تجاوز کند، بیگمان بر خود ستم کرده است. (هیچکس) نمیداند، شاید خداوند بعد از آن حالت نوی را فراهم کند.

﴿٢﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

پس چون میعاد خود را بسر رسانند، ایشان را (به اساس مراجعت) به وجه پسندیده ای نگهدارید، یا ایشانرا به وجه پسندیده ای جدا کنید. و دو شخص عادل را از میان خود گواه بگیرید، و شهادت را برای خدا برپا دارید. این است (حکم خدا)، کسی به آن پند داده میشود که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، و هر که از خداوند بترسد، (خدا) برایش راه بیرون شدن از مشکل را فراهم میسازد.

﴿٣﴾ وَيَرْزُقُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۗ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

و او را از طریقی که گمان نکنند روزی میدهد، و هر که به خدا توکل نماید، وی (یعنی خداوند) برای او بسنده است. بیگمان خداوند بسر رساننده فرمان خود میباشد. حقا که خداوند برای هر چیز اندازه تعیین کرده است.

﴿٤﴾ وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ ۗ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۗ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِمَّنْ أَمْرِهِ يُسْرًا و (در باره) زنانی از شما که از عادت ماهوار مأیوس اند، اگر شک ورزیدید، پس عده ایشان سه ماه است. و آنانیکه عادت ماهوار ندیده اند، (بر ایشان نیز عین همین حکم است). و (زنان) بدار، عده شان تا هنگامی است که بار خود را بگذارند. و هر که از خدا بترسد، (خدا) در کار او آسانی پدید می آورد.

﴿٥﴾ ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ ۗ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

این حکم خداوند است که آنرا بر شما نازل کرده است، و هر که از خدا بترسد، گناهانش را از او می زداید، و پاداش او را بزرگ می گرداند.

﴿٦﴾ أَسْكِنُوهُنَّ مِمَّنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ ۗ وَإِن كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۗ فَإِن أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۗ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ۗ وَإِن تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتُرْضِعْ لَهُ أُخْرَى

ایشانرا در جاییکه نشیمن دارید، به اندازه وضع خود جایگزین سازید، و به ایشان زیان نرسانید، به اینکه بر ایشان سخت گیری کنید. و اگر باردار باشند، به ایشان نفقه بدهید تا هنگامیکه بار خود را بگذارند (یعنی فرزندشان تولد شود). اگر برای شما (فرزند شما را) شیر میدهند، مزد شانرا بدهید. در میان خود به شیوه پسندیده ای مشوره کنید، و اگر خود را در مشکلات درمی یابید، پس زن دیگری برایش شیر خواهد داد.

﴿٧﴾ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۗ لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا
إِلَّا مَا آتَاهَا ۗ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

توانگر باید مطابق به دارایی خود نفقه بدهد، و هر که روزی بر او تنگ شد، پس باید از آنچه خدا به او داده نفقه کند. خداوند هیچکس را جز به چیزیکه برایش داده است، مکلف نمیگرداند، و بزودی خداوند بعد از هر سختی آسانی فراهم میکند.

﴿٨﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا

و ای بسا از (باشندگان) شهرها که از حکم پروردگارشان و پیامبر او سرپیچی کردند. ایشانرا شدیداً مورد بازخواست قرار دادیم، و آنها را با عذاب بی مانندی عذاب کردیم.

﴿٩﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

و به این ترتیب سزای عمل خود را چشیدند، و سرانجام کارشان زیانبار بود.

﴿١٠﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ

ذِكْرًا

خداوند برای ایشان عذاب سختی را آماده کرده است. پس ای صاحبان خرد، که ایمان آورده اید، از خدا بترسید، بیگمان خداوند بسوی شما پندی را نازل کرده است.

﴿١١﴾ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ ۗ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

پیامبری را که برای شما آیات روشن خدا را تلاوت میکند، تا کسانی را که ایمان آورده اند و اعمال شایسته انجام داده اند، از تاریکیها به روشنایی بیرون آرد. و هر که به خدا ایمان آورد و عمل نیک انجام دهد، (خداوند) او را به باغهایی داخل میگرداند که از زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد، و در آنجا جاودانه و برای همیشه بسر میبرند. (خداوند) به او روزیش را نیکو ساخته است.

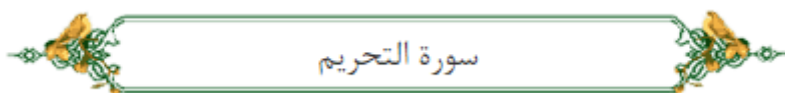
﴿١٢﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

خداوند ذاتی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین (نیز) همانند آن. در میان آنها (همواره) حکم (خدا) نازل میشود، تا بدانید که واقعاً خداوند بر هر چیز تواناست، و اینکه واقعاً خداوند بر هر چیز از روی علم خویش احاطه دارد.

(۶۶) سوره التحريم:

این سوره مدنی و دارای (۱۲) آیه است و به سبب شروع آن با عتاب و سرزنش لطف آمیز پیامبر اکرم در مورد تحریم برخی از چیزها بر خود «تحریم» نامیده شد. یعنی تحریم به معنی حرام کردن (منظور از آن خطاب خداوند به پیامبر است که چرا چیزی را که خداوند بر تو حلال ساخته بر خود حرام می کنی).



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ۖ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر، چرا چیزی را که خداوند برای تو حلال گردانیده حرام میگردانی تا (بدین وسیله) خوشی همسرانت را بجویی؟ و خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

﴿۲﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ ۗ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

(ای مردم)، بیگمان خداوند برای شما (کفاره را وسیله) خلاصی سوگند شما قرار داد، و خداوند کارساز شماسست، و او دانا (و) باحکمت است.

﴿۳﴾ وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ

عَنْ بَعْضٍ ۗ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا ۖ قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

و چون پیامبر به بعضی از زنهای خود سخن را به راز گفت، و آن (زن) سخن را (به دیگری) خبر داد، و خداوند رسول خود را بر آن آگاه ساخت، (رسول) قسمتی از آن را گفت، و از (گفتن) قسمتی دیگر خودداری کرد. چون پیامبر او را از (افشای) راز خبر داد، (آن زن) گفت: «چه کسی ترا ازین (موضوع) خبر داد؟» (پیامبر) گفت: «(خدای) عالم و آگاه مرا خبر داد.»

﴿۴﴾ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا ۗ وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ

الْمُؤْمِنِينَ ۗ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

اگر هر دوی شما به خدا توبه کنید (این به شما خوبتر است). بیگمان دلهای شما (به حق) مایل شده است. و اگر یک دیگر را بر ضد او پشتیبانی کنید، پس بیگمان خداوند به ذات خود کارساز اوست، و (نیز) جبرئیل و مؤمنان صالح، و بعد از آن فرشتگان پشتیبان اند.

﴿٥﴾ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ

عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا

اگر (پیامبر) همه شما را طلاق کند، شاید پروردگار او زانی بهتر از شما به او عوض بدهد، (همسرانی) مسلمان، مؤمن، پرهیزگار، توبه کار، خداپرست (شب زنده دار)، روزه دار، بیوه و باکره.

﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ

شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

ای مؤمنان، خود را و خانواده های خود را از آتشی که هیزم آن آدمیان و سنگ ها اند نگهدارید، (آتشی که) بر آن فرشتگان درشتخو (و) سختگیر مقرر اند. خدا را هرگز در چیزی که به ایشان امر کرده نافرمانی نمی کنند، و هر چه را به آن مامور شده اند انجام میدهند.

﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ۗ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

« ای کافران، امروز عذرخواهی نکنید، واقعاً در برابر اعمال خود جزا داده میشوید. »

﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۗ نُورُهُمْ

يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَغَفِرْ لَنَا ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای مؤمنان، بسوی خدا توبه کنید، توبه خیرخواهانه (با احساس پشیمانی)، تا باشد که پروردگار شما از شما گناهان شما را بزدايد، و شما را به باغستانهایی جای دهد که از زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد. روزیکه خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آورده اند رسوا نمیکند، نور ایشان در پیشروی شان و به جانب راست ایشان میتابد، می گویند: « پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان، و ما را بیامرز، واقعاً که تو بر همه چیز توانایی. »

﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۗ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن، و بر ایشان سخت بگیر، و جایگاه ایشان دوزخ است، چه بد جای بازگشت است (دوزخ)!

﴿١٠﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا

صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاهِلِينَ

خداوند برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثال زد، ایشان در قید (نکاح) دو تن از بندگان صالح ما بودند، اما این دو (زن) در برابر شوهران شان خیانت کردند، پس (هیچ کدام از) این دو (پیامبر) چیزی از (عذاب) خدا را از ایشان دفع کرده نتوانستند، و (به ایشان) گفته شد: « با داخل شوندگان به آتش (خدا) داخل شوید. »

﴿١١﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و خداوند برای مؤمنان، زن فرعون را مثال زد. هنگامی که گفت: « پروردگارا، برای من نزد خود در بهشت خانه ای بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده، و مرا از قوم ظالم نجات ده. »

﴿١٢﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْعَمَلِ كَمَا كُنْتَ تَعْمَلِينَ

و مریم، دختر عمران، آنکه عورت خود را مصئون نگهداشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، و او سخنان پروردگار خود و کتابهایش را تصدیق کرد، و از فرمانبرداران (ما) بود.

جزء یا سپاره پیست و نهم - تبارک الذی

(٦٧) سوره المالك:

این سوره مکی و دارای (٣٠) آیه است و به سبب افتتاح آن با تقدیس و بزرگداشت ذات با عظمت خداوند از سوی خودش «ملک» نامیده شد و به نامهای واقع و منحیه نیز یاد می شود. ملک به معنی پادشاهی ، پادشاهی و اقتدار خداوند است ، زیرا تصرف در کارها تنها به دست قدرت اوست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بابرکت است ذاتی که پادشاهی به ید اوست، و او بر همه چیز تواناست.

﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

آنکه مرگ و زندگی را آفرید، تا شما را بیازماید، که کدام یک از شما، از روی عمل و کاری که انجام می‌دهید، بهتر هستید. و او صاحب قدرت منیع (و) آمرزگار است.

﴿۳﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۗ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ ۗ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ

او که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید، در آفرینش (خدای) رحمن هیچ تفاوتی نمی‌بینی، پس بار دیگر نگاه کن، آیا شگافی (یعنی خللی) را می‌بینی؟

﴿۴﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ

و باز نگاه را برای بار دوم برگردان، نگاه تو بسوی تو ناکام و خسته باز می‌گردد.

﴿۵﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

و حقا که آسمان دنیا را با چراغ‌ها آراستیم، و آنها را رانندگان شیاطین گردانیدیم، و برای ایشان عذاب دوزخ را آماده ساختیم.

﴿۶﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و برای کسانی که به پروردگار خویش کافر شدند (یعنی از پروردگار خویش انکار کردند)، عذاب دوزخ است، و چه بد جای بازگشت است (دوزخ)!

﴿۷﴾ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ

چون در آن انداخته شوند، بانگ ناهنجاری را از دوزخ می‌شنوند، در حالیکه می‌جوشد.

﴿۸﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۗ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

نزدیک است از (شدت) خشم بکشد. هر زمانیکه گروهی در آن انداخته می‌شود، نگهبانان دوزخ از ایشان می‌پرسند: « آیا بیم دهنده‌ای به شما نیامده بود؟ »

﴿۹﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

ایشان (در جواب) می‌گویند: « بلی، یقیناً بیم دهنده‌ای برای ما آمده بود، ولی ما (او را) تکذیب کردیم، و گفتیم: "خداوند هیچ چیزی نازل نکرده است، شما نیستید مگر در گمراهی بزرگی." »

﴿۱۰﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

و می‌گویند: « اگر (در دنیا) گوش فرا میدادیم، یا تعقل میکردیم، (حالا) در زمره اهل دوزخ نمی‌بودیم. »

﴿۱۱﴾ فَأَعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

آنگاه به گناهان خود اعتراف کردند. دوزخیان از رحمت (الهی) دور باشند.

﴿۱۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بیگمان برای کسانی که از پروردگارشان غایبانه میترسند، آمرزش و پاداشی است بزرگ.

﴿۱۳﴾ وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

سخن خود را پنهان سازید، یا آنرا آشکار گوید، بیگمان خداوند (در هر حالی) به آنچه در سینه هاست آگاه میباشد.

﴿۱۴﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

آیا کسیکه (مخلوقات را) آفریده است، (از احوال شان) آگهی ندارد؟ در حالیکه او از اسرار دقیق باخبر (و به هر چیز) آگاه است.

﴿۱۵﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

اوست که زمین را برای شما (نرم و) هموار گردانید، پس در نواحی آن بروید و از روزی (ی که در) آن (تعبیه شده) بخورید، و بسوی اوست رستاخیز.

﴿۱۶﴾ أَأَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ

آیا از کسیکه (پادشاهی او) در آسمان است ایمن شده اید، که شما را در زمین فرو برد، پس ناگاه (زمین) به لرزه افتد؟

﴿۱۷﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

آیا از کسیکه (پادشاهی او) در آسمان است ایمن شده اید که بر شما طوفانی را از سنگریزه بفرستد؟ پس به زودی میدانید که چگونه بود بیم (من).

﴿۱۸﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

و بیگمان کسانی پیش از آنها (حق را) تکذیب کردند، پس چگونه بود (قهر و) ناخوشنودی (من)؟

﴿۱۹﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ ۗ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

بَصِيرٌ

آیا بسوی مرغان بال گشاده بالای سر خود ندیده اند؟ (مرغانی که) بال خود را (باز و) جمع میکنند، نگه نمیدارد ایشانرا مگر خدای مهربان. بیگمان او به هر چیز بیناست.

﴿۲۰﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُم مِّن دُونِ الرَّحْمَنِ ۗ إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

آیا کیست آنکه لشکر شما باشد و در برابر (عذاب خداوند) رحمن شما را مدد کند؟ کافران نیستند مگر در فریب (اوهام خویش).

﴿۲۱﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۗ بَل لَّجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ

آیا کیست آنکه بشما روزی بدهد، اگر (خداوند) روزی خود را (از شما) باز دارد؟ (نخیر) بلکه ایشان در سرکشی و فرار (از حقیقت) لجاجت می ورزند.

﴿٢٢﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

پس آیا کسیکه به رو می افتد (و با لغزش) راه می رود، رهیاب تر است، یا کسیکه با قامت رسا بر راهی راست (به رفتار خود) ادامه می دهد؟

﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

بگو: « او است که شما را (از عدم) آفرید، و برای شما گوش، چشم ها و دلها قرار داد. اندک است شکرانی که شما (در برابر آن) می کنید. »

﴿٢٤﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

بگو: « اوست که شما را در (روی) زمین پراکنده ساخت، و (باز) به سوی او جمع کرده می شوید. »

﴿٢٥﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

میگویند: « این وعده چه وقت بسر می رسد، اگر راست گوئید؟ »

﴿٢٦﴾ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ

بگو: « علم (آن صرف) نزد خدا است، و من صرف بیم دهنده آشکارم. »

﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ

پس چون آن (وعده الهی) را نزدیک بینند، روی های کافران زشت (و درهم کشیده) میشود، و (به ایشان) گفته میشود: « اینست همان چیزی که تقاضای (آمدن) آنرا میکردید. »

﴿٢٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

بگو: « آیا چه نظر دارید؟ اگر خداوند مرا و آنانی را که با من هستند هلاک سازد، یا بر ما مرحمت کند. پس کیست که کافران را از عذاب دردناک نجات دهد؟ »

﴿٢٩﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

بگو: « او (خداوند) رحمن است، به او ایمان آوردیم، و بر وی توکل نمودیم. پس بزودی درخواهید یافت که چه کسی در گمراهی آشکار است. »

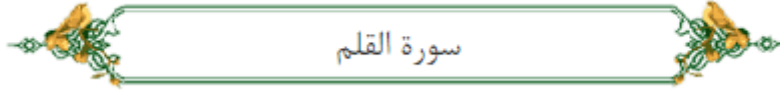
﴿٣٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ

بگو: « آیا چه نظر دارید؟ اگر آب (مورد استفاده) شما (به زمین) فرو رود. پس کیست که به آب صاف و جاری در دسترس شما قرار دهد؟ »

=====

(۶۸) سوره القلم:

این سوره مکی و دارای (۵۲) آیه است و به نام قلم از سببی یاد شده است که خداوند (ج) در آغاز آن به منظور بزرگداشت و ارج گذاری از قلم به آن سوگند یاد کرده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

ن. قسم به قلم و به آنچه می نویسند.

﴿۲﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

تو به فضل پروردگار خود دیوانه نیستی.

﴿۳﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

و بیگمان برای تو پاداشی همیشگی است.

﴿۴﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

و حقا که تو بر مرتبه بزرگ اخلاق قرار داری.

﴿۵﴾ فَسْتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

پس به زودی خواهی دید، و خواهند دید.

﴿۶﴾ بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

(که) به کدام شما دیوانگی (عارض شده) است.

﴿۷﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

بیگمان پروردگار تو به این دانایتر است که چه کسی از راه او گمراه شده، و او به (حال) رهیابها (نیز) دانایتر است.

﴿۸﴾ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

پس تکذیب کنندگان را اطاعت مکن.

﴿۹﴾ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

(آنهایی را که) دوست دارند اگر نرمش کنی، تا ایشان (نیز) نرمش کنند.

﴿۱۰﴾ وَلَا تُطْعَمُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِيْنٍ

و از هر بسیار قسم خورِ ذلیلی اطاعت مکن.

﴿۱۱﴾ هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيْمٍ

بسیار عیب جوی، سخن چین.

﴿۱۲﴾ مَنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اٰثِيْمٍ

بسیار منع کننده خیر، متجاوز گنهکاری.

﴿۱۳﴾ عَثَلٌۢ بَعْدَ ذٰلِكَ زَنِيْمٍ

زشت خویی، جفاکاری، و بعد از همه اینها حرام زاده ای را.

﴿۱۴﴾ اَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِيْنٍ

که چون از دارایی و فرزندان برخوردار است.

﴿۱۵﴾ اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ آيٰتُنَا قَالَ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ

وقتی که آیات ما بر او خوانده شود، میگوید: « (اینها) افسانه های پیشینیان است. »

﴿۱۶﴾ سَنَسِيْمُهُ عَلٰى الْخُرطُوْمِ

بزودی بر بینی او داغ می نهیم.

﴿۱۷﴾ اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذْ اَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِيْنَ

بیگمان ما ایشانرا آزمودیم، طوریکه صاحبان باغستان را آزموده بودیم، چون سوگند خوردند که میوه های آن (باغ) را صبحگاهان می چینند.

﴿۱۸﴾ وَلَا يَسْتَشْنُوْنَ

و استثناء نکردند (یعنی انشاءالله نگفتند).

﴿۱۹﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُوْنَ

پس شبانگاه که ایشان در خواب بودند، از جانب پروردگارت آفتی بر آن باغ نازل گردید.

﴿۲۰﴾ فَاَصْبَحَتْ كَالصَّرِيْمِ

پس به مانند زمین سیاهی درآمد (که گویی در آن هیچکس نبود).

﴿۲۱﴾ فَتَنَادُوا مُصْبِحِيْنَ

صبحگاهان یک دیگر را صدا زدند.

﴿۲۲﴾ اَنْ اَعْدُوا عَلٰى حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِيْنَ

که « وقت بسوی کشتزار خود بروید، اگر میوه چین هستید. »

﴿۲۳﴾ فَاَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

پس براه افتادند، در حالی که با یکدیگر آهسته (سخن) میگفتند:

﴿۲۴﴾ اَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ

« متوجه باشید) که امروز هیچ مسکینی، بر شما داخل باغ نشود. »

﴿۲۵﴾ وَعَدُوا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ

بامدادان با عزمی قوی (مبنی بر جلوگیری از ورود مستمندان، به چیدن میوه) رفتند. (می پنداشتند که) بر این کار توانی دارند.

﴿۲۶﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

ولی چون باغ را (به آنحال) دیدند، گفتند: « بیگمان (باغ را) گم کرده ایم. »

﴿۲۷﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

« بلکه ما (ازین نعمت) محروم (شده) هستیم. »

﴿۲۸﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

بهترین (شخصیت) شان گفت: « آیا به شما نگفتم که ایکاش خدا را بپاکی یاد کنید؟ (یعنی بگویید: "اگر خدا بخواهد چنین و چنان میکنیم.") »

﴿۲۹﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

گفتند: « پاک است پروردگار ما. واقعاً ما ستمگار بودیم. »

﴿۳۰﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ

سپس بعضی شان روی به بعضی دیگر کردند، یکدیگر را ملامت قرار دادند.

﴿۳۱﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ

(و) گفتند: « ای وای بر ما، یقیناً سرکش بودیم. »

﴿۳۲﴾ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ

« شاید پروردگار ما بهتر از آن باغ را بجای آن به ما بدهد، بیگمان ما بسوی پروردگار خود رو آورنده ایم. »

﴿۳۳﴾ كَذٰلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ اَكْبَرُ ۗ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

چنین است عذاب (دنیا)، اما عذاب آخرت بزرگتر است، اگر می دانستند.

﴿۳۴﴾ اِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

بیگمان برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان بهشت های سرشار از نعمتهاست.

﴿۳۵﴾ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

پس آیا مؤمنان را مساوی با گنهکاران قرار دهیم؟

﴿۳۶﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

شما را چه شده؟ چگونه داوری میکنید؟

﴿۳۷﴾ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

آیا برای شما کتابی است که از آن می آموزید؟

﴿۳۸﴾ إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ

که در آن (آمده باشد) آنچه را شما پسند میکنید از آن شما است؟!

﴿۳۹﴾ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ

یا از ما تعهدات نیرومندی تا روز قیامت دارید، بر اینکه هر چه بخواهید از آن شما باشد؟

﴿۴۰﴾ سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ

از ایشان بپرس کدام یک شان بر این (امر) ضامن است؟

﴿۴۱﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

یا ایشان (با خدا) شریکانی دارند؟ پس شریکان خود را بیاورند، اگر راست میگویند.

﴿۴۲﴾ يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

روزی که (پاچه) از ساق بر زده میشود، و به سجده فرا خوانده میشوند، ولی توانایی (آنرا) ندارند.

﴿۴۳﴾ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۗ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ

در حالیکه چشمان شان (از فرط شرمندگی) پایان افتاده، و ایشانرا خواری فرا گرفته است. واقعاً پیش ازین به سجده فرا خوانده میشدند، در هنگامیکه سالم بودند (یعنی توان عبادت را داشتند، با آنهم از سجده به پروردگار خویش خودداری میکردند).

﴿۴۴﴾ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ ۗ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

پس مرا بگذار، و کسانی را که این حکم (خدا) را تکذیب میکنند، (تا ایشانرا به سزای شان برسانم). ایشانرا از راهیکه نمی دانند، درجه به درجه (بسوی عذاب) خواهیم کشاند.

﴿۴۵﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ ۗ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ

و به ایشان مهلت خواهم داد، واقعاً تدبیر من محکم است.

﴿٤٦﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

یا از ایشان مزدی میخواهی که از (این) تاوان سنگین (بار) میشوند؟

﴿٤٧﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

یا (اسرار) غیب نزد ایشان است که آنرا می نویسند؟

﴿٤٨﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ

پس منتظر حکم پروردگار خود باش، و مانند صاحب ماهی (یعنی یونس) مباش، آنگاه که دعا کرد، و او بسیار دلتنگ بود.

﴿٤٩﴾ لَوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

اگر نعمت پروردگارش به سر وقتش نمی رسید، به بیابان افکنده میشد، در حالیکه او نکوهیده میبود.

﴿٥٠﴾ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

ولی پروردگار او را برگزید و او را از صالحان گردانید.

﴿٥١﴾ وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

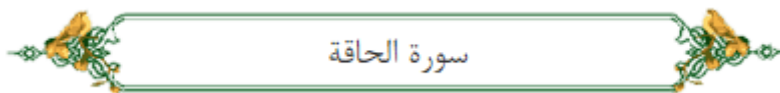
واقعاً نزدیک بود که کافران ترا با چشم های خود آسیب برسانند، چون قرآن را شنیدند (که تو می خواندی) و گفتند او واقعاً دیوانه است.

﴿٥٢﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

در حالیکه نیست آن مگر پندی برای همهٔ جهانیان.

(٦٩) سوره الحاقه:

این سوره مکی و دارای (٥٢) آیه است و حاقه به معنی حقانیت وقایع و به حق رسی می باشد و از نام های قیامت است (زیرا جمیع حوادث قیامت و قوعش واجب و حق است) و به سبب افتتاح آن با پرسش از قیامت که الحاقه اسمی از اسمای آن است به این نام مسما گردیده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الْحَاقَّةُ

(روز) واقع شدنی (یعنی قیامت).

﴿۲﴾ مَا الْحَاقَّةُ

چیست آن (روز) واقع شدنی؟

﴿۳﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ

و چه چیز ترا آگاه گردانید که آن (روز) واقع شدنی چیست؟

﴿۴﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ

(قوم) ثمود و عاد (روز) کوبنده (یعنی قیامت) را تکذیب کردند.

﴿۵﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

اما ثمود، به وسیله صاعقه هلاک شدند.

﴿۶﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ

و اما عاد، بوسیله تندبادی سرد (و) سرکش هلاک شدند.

﴿۷﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعِجَازُ نَحْلِ

خَاوِيَةٍ

که آنرا هفت شب و هشت روز قاطعانه بر ایشان برگماشت، پس (تمام آن) مردم را در (مسیر) آن (تندباد) میدیدی که (دراز) بروی افتاده اند، گویا ایشان همچون تنه های درختان خرما از بیخ کنده میباشند.

﴿۸﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ

پس آیا از ایشان کدام کسی را می بینی که (زنده) باقی مانده باشد؟

﴿۹﴾ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ

و فرعون و کسانی پیش از او، و (مردم) شهرهای زیر و رو شده، خطاهای (بزرگی) را مرتکب شدند.

﴿۱۰﴾ فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُم أَخَذَةً رَّابِيَةً

ایشان فرستاده پروردگار خود را نافرمانی کردند، بنابر آن خداوند ایشانرا به گرفتن بسیار سختی گرفتار ساخت.

﴿۱۱﴾ إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

واقعا ما، هنگامیکه آب بنای سرکشی گذاشت، شما را در کشتی برداشتیم.

﴿۱۲﴾ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ

تا آن واقعه را برای شما مایه عبرتی بگردانیم، و گوشهای شنوا آنرا بخاطر بسپارند.

﴿١٣﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ

و چون به یکبارگی در صور دمیده شود.

﴿١٤﴾ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

و زمین و کوه ها از جا برداشته شوند، ناگاه به یکبارگی بهم کوبیده شوند.

﴿١٥﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

پس در آن روز همان واقعه (بزرگ) واقع میشود.

﴿١٦﴾ وَانشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ

و آسمان شکافته میشود، و آن در آنروز سُست میگردد.

﴿١٧﴾ وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ

و فرشتگان بر کنارهای آن قرار گیرند. و هشت (فرشته) در آن روز عرش پروردگار ترا بر بالای خود حمل کنند.

﴿١٨﴾ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

در آنروز به پیشگاه (خداوند) پیش کرده میشوید، و از اسرار شما چیزی مخفی نمی ماند.

﴿١٩﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُمِ اقْرَءُوا كِتَابِيَهٗ

پس آنکه نامه (اعمال) او به دست راست او داده شود، میگوید: « اینک نامه مرا بگیرید و بخوانید! »

﴿٢٠﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ

« من یقین داشتم که حتماً به حساب (اعمال) خود روبرو میشوم. »

﴿٢١﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

پس او اکنون در زندگی کاملاً قناعت بخشی قرار میگیرد.

﴿٢٢﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

در بهشتی برین.

﴿٢٣﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

میوه های آن به دسترس قرار دارد.

﴿٢٤﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

(به آنها گفته میشود:) « بخورید و بنوشید گوارا، به پاداش آنچه در روزهای گذشته (در دنیا) انجام دادید. »

﴿٢٥﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ

و اما کسیکه نامه (اعمال او) به دست چپش داده میشود، میگوید: « ایکاش نامه (اعمال) من برایم داده نمی شد. »

﴿۲۶﴾ وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيَهٗ

و (ایکاش) هرگز نمی دانستم حساب من چیست.

﴿۲۷﴾ يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ

ایکاش (مرگ) به من خاتمه بخشنده میبود.

﴿۲۸﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ ۗ

ثروت من چیزی (از عذاب) را از من دفع نکرد.

﴿۲۹﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ

قدرت من از من از بین رفته است.

﴿۳۰﴾ خُذُوهُ فَعَلُوهُ

(به مأموران دوزخ گفته میشود): « او را بگیرید زنجیرپیچ کنید. »

﴿۳۱﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ

سپس او را به آتش کباب کنید.

﴿۳۲﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

بعد او را در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است درکشید.

﴿۳۳﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

بیگمان او (چنان) بود که به خداوند بزرگ ایمان نمی آورد.

﴿۳۴﴾ وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

و به طعام دادن مسکین (مردم را) تشویق نمیکرد.

﴿۳۵﴾ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ

بنابر آن، امروز در اینجا او را غمخواری نیست.

﴿۳۶﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسَلِينِ

و نه طعامی دارد، جز از چرک و خون.

﴿۳۷﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

که آنرا (هیچکسی) جز خطاکاران نمیخورد.

﴿۳۸﴾ فَلَا أُفْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

پس قسم میخورم به آنچه می بینید.

﴿۳۹﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

و آنچه نمی بینید.

﴿۴۰﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

که واقعاً این (قرآن) کلام رسول صاحب مکرمتی است، فرستاده ای بزرگوار.

﴿۴۱﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمَنُونَ

و این هرگز گفتار شاعری نیست، اندکی ست آنچه شما ایمان می آرید.

﴿۴۲﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَدْكُرُونَ

و نه هم گفتار کاهنی است، اندکی ست آنچه شما پند میگیرید.

﴿۴۳﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

(کتاب) نازل شده ای است از جانب پروردگار عالمیان.

﴿۴۴﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ

هرگاه (پیامبر) بر ما بعضی از سخنان را برمی بست.

﴿۴۵﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

بیگمان از دست راست او میگرفتیم.

﴿۴۶﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

سپس شاهرگ قلب او را قطع میکردیم.

﴿۴۷﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

پس هیچکس از شما نبود که از او حمایت کند.

﴿۴۸﴾ وَإِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

بیگمان این (قرآن) پندی است برای پرهیزگاران.

﴿۴۹﴾ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ

و ما یقیناً میدانیم که بعضی از شما تکذیب کننده آن هستید.

﴿۵۰﴾ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

و بیگمان (قرآن) مایه حسرتی است برای کافران.

﴿٥١﴾ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

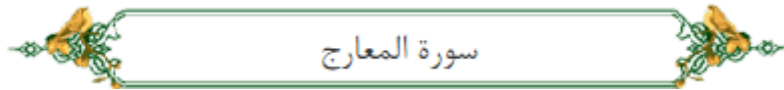
و بیگمان این سزاوار یقین است.

﴿٥٢﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس نام پروردگار بزرگ خود را به پاکی یاد کن.

(٧٠) سورة المعارج:

این سوره مکی و دارای (٤٤) آیه است و معارج به معنی نردبان ها و جاهای بالا رفتن است. این سوره از سببی به این نام مسما گردیده است که آیه (تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ) در آغازین آیت آن آمده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ

سوال کننده ای از عذابی پرسید، که (حتمی) واقع شدنی است.

﴿٢﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ

(عذابیکه) برای کافران (آماده شده) است، و هیچ دفع کننده ای ندارد.

﴿٣﴾ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

(عذابیکه) از جانب خدا(ی) صاحب مرتبه ها(ی بلند) است.

﴿٤﴾ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ

فرشتگان و روح بسوی او بالا میروند، در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است.

﴿٥﴾ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

پس صبر نما، صبری نیکو.

﴿٦﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا

بیگمان آنها آنروز را دور می پندارند.

﴿٧﴾ وَنَرَاهُ قَرِيبًا

ولی ما آنرا نزدیک می بینیم.

﴿۸﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد.

﴿۹﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

و کوه ها چون پشم رنگین (متلاشی) میگردند.

﴿۱۰﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا

و هیچ دوست غمخواری از (حال) دوست غمخوار نمی پرسد.

﴿۱۱﴾ يُبْصِرُونَهُمْ ۖ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ

در حالیکه یکدیگر را می بینند. مجرم آرزو میکند که فرزندان خود را در برابر عذاب آنروز فدیة بدهد.

﴿۱۲﴾ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ

همسر خود، برادر خود.

﴿۱۳﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

و نزدیکانی که او را پناه میدادند.

﴿۱۴﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

و (حتی) همه کسانی را که در روی زمین هستند (بحیث تاوان بدهد)، تا باشد که (آنها) او را از عذاب آنروز نجات دهند.

﴿۱۵﴾ كَلَّا ۖ إِنَّهَا لَطَلِي

نه، هرگز (چنین نمی شود)، این آتش شعله وری است.

﴿۱۶﴾ نَزَّاعَةً لِّلشَّوْىِ

که پوست دست و پا را برمیکشد.

﴿۱۷﴾ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى

و کسی را که (از حق) رو گردانیده و اعراض میکرد، فرا میخواند.

﴿۱۸﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَى

و (نیز کسی را که) ثروت می اندوخت و باز ذخیره میکرد.

﴿۱۹﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

بیگمان انسان ناشکیبا و حریص آفریده شده.

﴿٢٠﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

چون شری به او برسد، ناله و زاری و بیتابی کننده است.

﴿٢١﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

و چون خیری به او برسد، شدیداً بازدارنده است.

﴿٢٢﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ

مگر نمازگزاران.

﴿٢٣﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

آنانیکه بر نماز خود مداومت ورزیده اند.

﴿٢٤﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ

و آنانیکه در اموال شان حق معلومی است.

﴿٢٥﴾ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

برای سواگَر و محروم (کم روزی).

﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و آنانیکه به روز جزا باور میکنند.

﴿٢٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

و آنانیکه از عذاب پروردگار شان بیمناک اند.

﴿٢٨﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ

واقعاً عذاب پروردگارشان غیر قابل ایمنی است.

﴿٢٩﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ

و آنانیکه از آمیزش جنسی خودداری میکنند.

﴿٣٠﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

مگر با زنان خویش، یا زنانی که مالک آنها هستند. ایشان (به این عمل خویش) ملامت نیستند.

﴿٣١﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

پس کسانی که جز این (با زن دیگری) بخواهند (آمیزش جنسی کنند)، هم ایشانند تجاوزگر.

﴿٣٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و کسانی که امانت ها و پیمانهای (ذمه) خویش را رعایت میکنند.

﴿۳۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ

و آنانیکه به گواهی های شان استوار اند.

﴿۳۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و آنانیکه بر نماز خود پاسدار اند.

﴿۳۵﴾ أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ

هم ایشانند در باغستانها، به عزت بسر می برند.

﴿۳۶﴾ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ

پس چه شده است کافران را که بسوی تو..

﴿۳۷﴾ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ

از راست و از چپ، گروه گروه می شتابند؟

﴿۳۸﴾ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ

آیا هر یک از ایشان طمع دارد که در بهشت سرشار از نعمت داخل گرده شود؟

﴿۳۹﴾ كَلَّا ۗ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ

هرگز نه، بیگمان ایشانرا از آنچه خود میدانند آفریده ایم.

﴿۴۰﴾ فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ

پس قسم به پروردگار طلوع گاهها و غروبگاهها، که ما یقیناً تواناییم.

﴿۴۱﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

بر اینکه بهتری از ایشانرا بجای شان آوریم، و هرگز کسی بر ما پیشی گرفته نمیتواند.

﴿۴۲﴾ فَذَرَهُمْ يَحْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

پس ایشانرا بگذار تا (در گفتار باطل) فرو روند، و بازی کنند، تا آنکه به روزی که برای شان وعده شده است روبرو شوند.

﴿۴۳﴾ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ

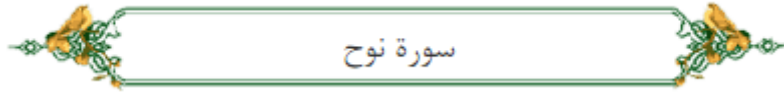
روزیکه از گورها شتابان برآیند، گویی ایشان بسوی (شاخصهای) نصب شده ای می دوند.

﴿۴۴﴾ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۗ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

در حالیکه چشمان ایشان پایان افتیده (یعنی سرافکنده اند)، و ذلت سراپا ایشانرا فرا گرفته، این همان روزی است که به ایشان وعده شده بود.

(۷۱) سوره نوح:

این سوره مکی و دارای (۲۸) آیه است و نوح نام یکی از پیامبران الهی است که این سوره بنام وی نامگذاری شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بیگمان نوح را بسوی قومش فرستادیم، (و به وی گفتیم) که « قوم خود را بیم بده! پیش از اینکه عذاب دردناکی به (سراغ) شان بیاید. »

﴿۲﴾ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گفت: « ای قوم من، بیگمان من برای شما بیم دهنده آشکارم. »

﴿۳﴾ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

(شما را) به این (هوشدار میدهیم) که خدا را پرستش کنید، و از او بترسید و مرا اطاعت کنید.

﴿۴﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ ۗ لَوْ

كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

تا برای شما از گناهان شما بیامرزد، و تا وقت معینی شما را مهلت دهد. به یقین چون مدت مقرر الهی فرا رسد، به تأخیر نمی افتد، اگر شما میدانید.

﴿۵﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

(نوح) گفت: « پروردگارا، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. »

﴿۶﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

اما ایشانرا دعوت من جز فرار (از حق چیزی) نیفزود.

﴿۷﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا

وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

و من واقعاً هر باری که ایشانرا دعوت کردم، تا آنها را بیمارزی، انگشتان خود را در گوشهای خود قرار دادند، جامه های خود را بسر کشیدند، و (بر کفر خویش) اصرار ورزیدند، و با سرسختی به تکبر خویش دوام دادند.

﴿۸﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا

باز هم من ایشانرا علناً دعوت کردم.

﴿۹﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

سپس به ایشان هم آشکارا و هم پنهانی و محرمانه اعلام داشتم.

﴿۱۰﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

به ایشان گفتم که « از پروردگار خود آمرزش بخواهید، بیگمان وی بسیار آمرزنده است. »

﴿۱۱﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

به شما (از) آسمان باران پی در پی می فرستد.

﴿۱۲﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا

و شما را به اموال و فرزندان مدد میکند، و برای شما باغستانهایی عطاء میکند، و برای شما جویبارهایی پدید می آرد.

﴿۱۳﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا

شما را چه شده است که نمی خواهید برای خدا عظمتی (قابل شوید)؟

﴿۱۴﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا

در حالیکه شما را به مراحل گوناگونی آفریده.

﴿۱۵﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا

آیا نمی بینید که چطور خداوند هفت آسمانرا طبقه طبقه آفرید؟

﴿۱۶﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا

و ماه را در آنها نوری گردانید، و آفتاب را چراغی گردانید.

﴿۱۷﴾ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

و خداوند شما را بحیث رویدنی از زمین رویانید.

﴿۱۸﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

سپس شما را در آن باز میگرداند، بار دیگر شما را بگونه ای بیرون میکند.

﴿۱۹﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا

و خداوند زمین را برای شما فرشی گردانید.

﴿۲۰﴾ لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

تا راه های گشاده ای را از آن بیمایید.

﴿۲۱﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

نوح گفت: « پروردگارا، ایشان مرا نافرمانی کردند، و کسی را پیروی کردند که مال و اولاد او جز زیان چیزی برایش نیفزود. »

﴿۲۲﴾ وَمَكْرُؤًا مَكْرًا كَبِيرًا

« دسیسه بزرگی را طرح کردند. »

﴿۲۳﴾ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا

« و (به یکدیگر) گفتند: خدایان خود را هرگز ترک نگویید، نه "ود" را و نه "سواع" را و نه "یغوث" و "یعوق" و "نسر" را، (هیچکدام آنها را) نگذارید.

﴿۲۴﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ۗ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا

« و (مردم) بسیاری را گمراه کردند، و به ستمگاران جز گمراهی میفزای. »

﴿۲۵﴾ مِمَّا خَطَبُوا تَنْهَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

از سبب گناهان شان، (در طوفان) غرق گردانیده شدند، سپس در آتش درآورده شدند. پس جز خدا برای خود مددگاری نیافتند.

﴿۲۶﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

نوح گفت: « پروردگار من، از کافران هیچکس را (هم) بر روی زمین مگذار. »

﴿۲۷﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

واقعاً اگر (کسی از) آنها را بگذاری، بندگان ترا گمراه می کنند، و جز (نسلی) بدکار و ناسپاس بار نمی آورند.

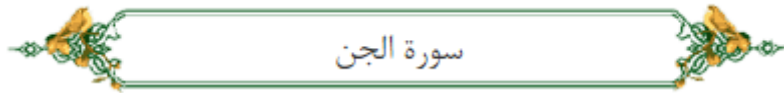
﴿۲۸﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا

تَبَارًا

ای پروردگار من، پدر و مادر من را ببامرز، و (نیز) کسی را که (بِحیث) مسلمان بخانه من داخل میشود، و همه مردان مؤمن و زنان مؤمن را، و به ستمگاران جز هلاکت میفزای.

(۷۲) سوره الجن:

این سوره مکی و دارای (۲۸) آیه است و جن به معنی موجودات ناپیدا (در این سوره موضوع ایمان آوردن عده ای از اجنه به پیامبر مطرح شده است) و این سوره به سبب آنکه به احوال جنیان و بیم دهی آنان پرداخته است، جن نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا

بگو: « بمن وحی شده است که گروهی از جن (به قرآن) گوش فرا دادند، و گفتند: "بیگمان ما قرآنی شنیدیم بس شگفت." »

﴿۲﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

که به راه راست هدایت میکند، پس به آن ایمان آوردیم، و (بعد ازین) هرگز کسی را به پروردگار خود شریک نمی آریم.

﴿۳﴾ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

و یقیناً بلند است مقام پروردگار ما، نه همسری گرفته است و نه پسری.

﴿۴﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

و اینکه نادانهای ما در باره خدا واقعاً سخنان نامناسبی می گفتند.

﴿۵﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

و ما چنین گمان کرده بودیم که انس و جن هرگز بر خدا دروغی نمی بندند.

﴿۶﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

واقعاً بودند مردانی از انسانها که به مردانی از جن ها پناه میبردند. پس به سرکشی آنها افزودند.

﴿۷﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

و ایشان واقعاً گمان میکردند، همانگونه که شما گمان می کردید [که] خداوند هرگز کسی را بر نمی انگیزد.

﴿۸﴾ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مِلْأَتٍ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا

و ما به آسمان تماس گرفتیم، پس آنرا پر از پاسبانهای محکم و ستارگان فروزان یافتیم.

﴿٩﴾ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا

و ما به جاهایی برای شنیدن (اخبار) از آسمان می نشستیم، ولی اکنون کسیکه گوش فرا دهد، برای خود ستاره فروزانی را در کمین می یابد (که او را نشانه قرار میدهد).

﴿١٠﴾ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

و ما واقعاً نمیدانیم که آیا برای ساکنان زمین شری در نظر است، یا پروردگارشان (واقعاً) خواسته است ایشانرا رهیاب کند.

﴿١١﴾ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ ۖ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا

و ما (دریافتیم که) بعضی از ما صالح اند، و بعضی از ما جز آن. و ما بودیم که به راههای گوناگونی قرار داشتیم.

﴿١٢﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا

و ما بر این باور داریم که هرگز خدا را در زمین مغلوب ساخته نمی توانیم، و نه هم با فرار میتوانیم او را مغلوب سازیم.

﴿١٣﴾ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ ۖ فَمَنْ يُؤْمِنِ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

و ما، چون هدایت (قرآن) را شنیدیم، به آن ایمان آوردیم، پس هر که به پروردگارش ایمان آرد، نه از نقصانی میترسد و نه هم از سختی.

﴿١٤﴾ وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ ۖ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

و واقعاً بعضی از ما مسلمان اند و بعضی از ما ستمگار. پس کسانی که مسلمان شدند، هم ایشان اند که راه راست را برگزیده اند.

﴿١٥﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

و اما ستمگران، ایشان هیزم دوزخ اند.

﴿١٦﴾ وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

و این را (نیز دریافتیم) که « اگر ایشان به راه (راست) استقامت کنند، یقیناً ایشانرا به آب فراوانی سیراب میکنیم. »

﴿١٧﴾ لَنُفْتِنَهُمْ فِيهِ ۖ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا

تا ایشانرا در آن بیازماییم. و کسیکه از ذکر پروردگارش رو برتابد، او را به عذابی شدید می افکند.

﴿١٨﴾ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

و (این نیز وحی شده است) که مساجد از آن خدا است، پس با خداوند کسی دیگر را نیایش مکنید.

﴿١٩﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِيَدًّا

و اینکه، چون بنده خدا برخاست، تا خدا را پرستش کند، نزدیک بود بالای او بر سر هم بریزند.

﴿۲۰﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

بگو: « من صرف پروردگارم را می پرستم، و هیچ کسی را با او شریک نمی سازم. »

﴿۲۱﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

بگو: « من این توان را ندارم که به شما ضرری برسانم، و نه هم شما را رهیاب ساخته میتوانم. »

﴿۲۲﴾ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

بگو: « هیچ کسی مرا از (عقوبت) خداوند (اگر او را نافرمانی کنم) نجات داده نمی تواند. و از غیر او پناهگاهی نمی یابم. »

﴿۲۳﴾ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ۗ وَمَن يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

(و) جز ابلاغی از جانب خدا و (رساندن) پیامهای او (کار دیگری از من ساخته نیست). و کسیکه خدا و پیامبر او را نافرمانی کند، بیگمان برایش آتش دوزخ است، در آن همیشه و بگونه ابدی میماند.

﴿۲۴﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَعُهُمْ فَمَا يُصْعِقُونَ مِّنْ أضعف ناصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا

تا چون چیزی را که به ایشان وعده داده میشود ببینند. بزودی خواهند دانست کیست که از لحاظ یاری دهندگان ضعیف تر است، و از نگاه عدد کمتر.

﴿۲۵﴾ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

بگو: « نمیدانم چیزی (یعنی عذابی) که به شما وعده داده میشود، (وقت آن) نزدیک است یا پروردگار من برای آن مهلتی قرار میدهد (یعنی آنرا مدتی به تعویق می اندازد). »

﴿۲۶﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا

(او که) دانای غیب (است)، پس بر (اسرار) پنهانی خود هیچکس را آگاه نمیسازد.

﴿۲۷﴾ إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِمَّنْ خَلْفَهُ رَصَدًا

مگر کسی از رسول را که پسند نماید، پس (در اینحال) از پیشروی و پشت سر او پاسدارانی مقرر میگرداند.

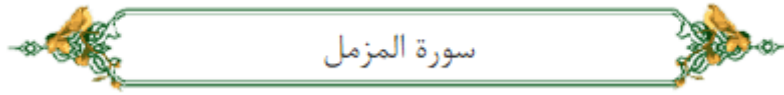
﴿۲۸﴾ لِيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

تا روشن گرداند که آیا واقعاً پیامهای پروردگار خویش را رسانده اند. و به آنچه پیرامون شان قرار دارد احاطه دارد، و همه چیز را از روی شمارش احصائیه گرفته است.

=====

(۷۳) سوره المزمّل:

این سوره مکی و دارای (۲۰) آیه است و این سوره بدان جهت مزمّل نامیده شد که از رسول اکرم (ص) در آغازین مرحله نزول وحی الهی بسوی ایشان که خود را در جامه می پیچیدند سخن می گوید. مزمّل یعنی جامه بر خود پیچیده معنی میدهد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ

ای جامه بر خود پیچیده!

﴿۲﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا

به شب هنگام برخیز، مگر پاره ای (از آن).

﴿۳﴾ نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا

نصفش را، یا اندکی از آنرا کم کن.

﴿۴﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

یا چیزی بر آن بیفزای. و قرآن را با تأنی و تأمل بخوان.

﴿۵﴾ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

بیگمان ما بزودی بر تو سخن سنگین را القا می نمایم.

﴿۶﴾ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا

براستی برخاستن شب (برای عبادت) گامی سخت استوار و سخن بس پایدار است.

﴿۷﴾ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

بیگمان برای تو در روز مشغله و آمدوشدِ دامنه‌داری است.

﴿۸﴾ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا

نام پروردگارت را یاد کن، و تنها به او دل ببند.

﴿۹﴾ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا

(اوست) پروردگار مشرق و مغرب، جز او معبودی نیست. پس او را کاساز (خود) بگیر.

﴿١٠﴾ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا

و بر آنچه میگویند صبر کن، و به نحو شایسته ای از ایشان دوری گزین.

﴿١١﴾ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا

و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت (تنها) گذار، و ایشان را اندکی مهلت بده.

﴿١٢﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا

بیگمان نزد ما گل های گران (یعنی بندهای سخت) و آتش سوزان است.

﴿١٣﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا

و طعامی است گلوگیر، و عذابی است دردناک.

﴿١٤﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا

روزیکه زمین و کوه ها سخت به لرزه می افتند، و کوه ها به توده های ریگ روان مبدل میگردند.

﴿١٥﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

(ای مردم)، بیگمان ما به شما پیامبری را فرستادیم که بر شما گواه است، چنانچه به سوی فرعون پیامبری را فرستاده بودیم.

﴿١٦﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً

ولی فرعون به آن پیامبر نافرمانی کرد، بنابراین او را سخت گرفتار ساختیم.

﴿١٧﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

در صورتیکه به کفر خود دوام دهید (اگر همچون فرعون در دنیا گرفتار ساخته نشدید)، پس چگونه از (عذاب) روزی خلاصی حاصل میکنید که کودکان را شدت عذاب آن پیر میسازد؟

﴿١٨﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۗ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا

آسمان بدان (روز) شگافته میشود، و وعده خدا تحقق یافتنی است.

﴿١٩﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ ۗ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَٰهِيَ رَبِّهِ سَبِيلًا

بیگمان این پندی است. بنابراین، هر که بخواهد، راهی را به سوی پروردگارش برگزیند.

﴿٢٠﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۗ وَاللَّهُ

يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ عَلِمَ أَن لَّنْ نُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۗ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۗ عَلِمَ أَن

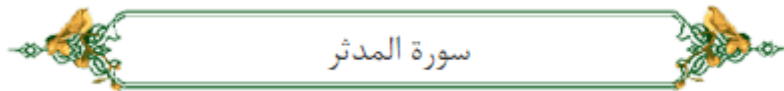
سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ ۗ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ ۗ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ ۖ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ ۚ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بیگمان پروردگارت میداند که براستی قریب دو ثلث شب یا نصف آن یا ثلث آن را (برای عبادت) میخیزی، و (نیز) گروهی از کسانی که با تو هستند. خداوند شب و روز را اندازه میکند، او دانست که شما حساب (دقیق) آنرا گرفته نمی توانید، بنابراین شما را (به رحمت خود) بخشید، پس هر قدری از قرآن را که (به شما) آسان است بخوانید. (خدا) دانست که بعضی از شما بیمار خواهند شد، و دیگران در زمین سفر میکنند (و) از فضل خدا میجویند، و دیگران در راه خدا می جنگند، پس هر قدریکه از آن (به شما) آسان باشد بخوانید. نماز را به تمام و کمال اداء کنید، زکات را پردازید، و به خداوند قرض بدهید، قرض حسنه. و هر خیری را که برای خود از پیش میفرستید، آنرا نزد خداوند می یابید. این بهتر است و مزدی بزرگتر دارد. از خدا آمرزش بخواهید، بیگمان خداوند آمرزگار (و) مهربان است.

(۷۴) سوره المدثر:

این سوره مکی و دارای (۵۶) آیه است و به سبب افتتاح آن با صفت تدثر (یعنی جامه بر خود پیچیدن) میباشد که رسول خدا به این صفت موصوف شده اند. این سوره را مدثر نام نهادند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ

ای روپوش بر خود پیچیده.

﴿۲﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ

برخیز (و جهانیان را) بیم ده.

﴿۳﴾ وَرَبِّكَ فَكْبِّرْ

و پروردگار خود را تعظیم کن.

﴿۴﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ

و جامه های خود را پاکیزه ساز.

﴿٥﴾ وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ

و از پلیدی بپرهیز.

﴿٦﴾ وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ

و (بر کسی) منت مگذار که چشمداشت بیشتری (از آنچه داده یی) داشته باشی.

﴿٧﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ

و برای پروردگارت شکیبایی کن.

﴿٨﴾ فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ

هنگامیکه در صور دمیده شود.

﴿٩﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ

پس آن روز روزی دشوار است.

﴿١٠﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ

(که) بر کافران آسان نیست.

﴿١١﴾ ذُرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا

مرا و کسی را که آفریده ام تنها بگذار.

﴿١٢﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا

به او مالی فراوان ارزانی کردم.

﴿١٣﴾ وَبَنِينَ شُهُودًا

و پسرانی حاضر و آماده.

﴿١٤﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا

به او زندگی مرفه‌ای فراهم آوردم.

﴿١٥﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ

باز هم طمع دارد که (بر آن) بیفزایم.

﴿١٦﴾ كَلَّا ۗ إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا

(به هیچ صورت) نه، زیرا او به آیات ما بسیار معاند است.

﴿١٧﴾ سَأَرْهُقُهُ صَعُودًا

بزودی او را به مشقت های جانکاه روبرو میسازم.

﴿۱۸﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

بیگمان او اندیشید و قرار صادر کرد.

﴿۱۹﴾ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

پس مرگ بر وی که چه قراری صادر کرد.

﴿۲۰﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

باز هم مرگ بر وی، که چه قراری صادر کرد.

﴿۲۱﴾ ثُمَّ نَظَرَ

او بعداً نظری انداخت.

﴿۲۲﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

باز روی ترش کرد، و چین بر جبین افکند.

﴿۲۳﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ

باز رو گردانید و تکبر ورزید.

﴿۲۴﴾ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ

و باز گفت: « این چیزی نیست جز جادویی که مؤثر میشود. »

﴿۲۵﴾ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

این چیزی جز کلام بشر نیست.

﴿۲۶﴾ سَأُصَلِّيهِ سَقَرًا

بزودی او را به دوزخ می افکنیم.

﴿۲۷﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ

و چه چیز به تو فهماند که دوزخ چیست؟

﴿۲۸﴾ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

(آتشی است که) نه (چیزی را) باقی میگذارد، و نه (کسی را) رها میکند.

﴿۲۹﴾ لَوَاحَةٌ لِّلْبَشَرِ

نابود کننده است برای بشر.

﴿۳۰﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ

بر آن نُرْده (فرشته عذاب مقرر) است.

﴿۳۱﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۗ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ ۗ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ

و مؤکلان دوزخ را جز فرشتگان نگماشتیم، و تعداد ایشانرا صرف برای آزمایش کافران (معین) کرده ایم، تا اهل کتاب یقین حاصل کنند و ایمان مؤمنان تقویت شود، و شکی نزد اهل کتاب و مؤمنان باقی نماند. و تا آنانیکه در دل‌های شان مرض است و کافران بگویند: « خداوند به این مثال چه اراده کرده است؟ » بدین ترتیب خداوند هر کسی را که بخواهد گمراه میکند، و هر کرا بخواهد رهیاب میگرداند. (شمار) لشکریان پروردگارت را جز (خود) او هیچکس نمیداند، و این جز هوشداری برای بشر نیست.

﴿۳۲﴾ كَلَّا وَالْقَمَرَ

نخیر، قسم به ماه.

﴿۳۳﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

و قسم به شب، هنگامیکه پایان یابد.

﴿۳۴﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

و قسم به صبح چون روشن شود.

﴿۳۵﴾ إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ

بدون شک دوزخ یکی از امور بزرگ است.

﴿۳۶﴾ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ

اخطاری است برای بشر.

﴿۳۷﴾ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

برای هر که از شما که بخواهد (از حد اعتدال) پیش برود، یا (از آن) عقب بماند.

﴿۳۸﴾ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

هر کس در گرو اعمال خود است.

﴿۳۹﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

جز یاران دست راست.

﴿٤٠﴾ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ

(که ایشان) در باغها (یعنی بهشت) اند، میپرسند...

﴿٤١﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ

از (احوال) مجرمان (که)

﴿٤٢﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

« چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ »

﴿٤٣﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

میگویند: « ما از نمازگزاران نبودیم. »

﴿٤٤﴾ وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ

و نه بودیم (به حالتی) که مسکینی را طعام بدهیم.

﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

و پیوسته همنشین کسانی بودیم که به فکر از بین بردن حق بودند.

﴿٤٦﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ

و همواره از روز جزا انکار می ورزیدیم.

﴿٤٧﴾ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ

تا اینکه یقین (یعنی مرگ) بسراغ ما آمد.

﴿٤٨﴾ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ

لذا امروز شفاعت (هیچ) شفاعتگری به ایشان مفید نمیشود.

﴿٤٩﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ

پس چه شده ایشانرا که از پند رو میگردانند؟

﴿٥٠﴾ كَانَهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ

گویی خران رم خورده ای اند.

﴿٥١﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

که از شیر رم برداشته است.

﴿٥٢﴾ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً

در حقیقت، هر یک از ایشان میخواهد (برایش) صحیفه های سرگشاده ای داده شود.

﴿٥٣﴾ كَلَّا ۖ بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ

نخیر، بلکه ایشان از آخرت نمی ترسند.

﴿٥٤﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرُهُ

نخیر، یقیناً این (قرآن) پندی است.

﴿٥٥﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ

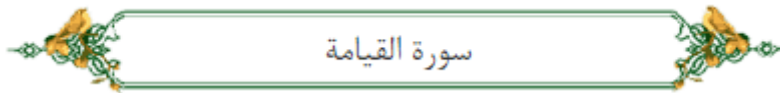
پس هر که بخواهد، از آن پند میگیرد.

﴿٥٦﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۖ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

و هیچکس پند نمیگیرد جز آنکه خدا بخواهد. و اوست (سزاوار) تقوی و اهل آمرزش.

(٧٥) سورة القيامة:

این سوره می و دارای (٤٠) آیه میباشد و این سوره بخاطری قیامت نامیده شده که با سوگند الهی به روز قیامت آغاز میگردد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

قسم میخورم به روز قیامت.

﴿٢﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

و قسم میخورم، به نفس ملامتگر (که برانگیخته میشود).

﴿٣﴾ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ

آیا انسان می پندارد که استخوانهای او را (دوباره) جمع نخواهیم کرد؟

﴿٤﴾ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِّيَ بَنَانَهُ

آری، قادریم به اینکه (حتی) سرانگشتان او را (بشکل اول آن) برابر کنیم.

﴿٥﴾ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ

بلکه انسان می‌خواهد (بوسیله انکار از قیامت، خود را از قید پابندی به احکام شریعت خلاص کند) تا (در دوره زندگی) پیشروی خود (آزادانه) به اعمال ناشایسته دست یازد.

﴿٦﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ

(از اینرو با انکار) می‌پرسد: «چه وقت رستاخیز میشود؟»

﴿٧﴾ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ

آری، هنگامیکه چشم خیره شود.

﴿٨﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ

و ماه تیره گردد.

﴿٩﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

و خورشید و ماه باهم جمع کرده شوند.

﴿١٠﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ

(در) آن روز (است که) انسان می‌گوید: «پناهگاه کجاست؟»

﴿١١﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ

هرگز نه، پناهگاهی وجود ندارد.

﴿١٢﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

و تنها قرارگاه در آنروز به سوی پروردگار تست.

﴿١٣﴾ يُنَبِّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

در آنروز انسان به آنچه (از) پیش فرستاده یا (به) عقب گذاشته خبر داده میشود.

﴿١٤﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ

بلکه انسان بر خویشتن بینا میباشد.

﴿١٥﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ

اگرچه عذرهای خود را پیش کند.

﴿١٦﴾ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَٰ بِهِ

زبان را به (خواندان) قرآن حرکت مده، تا (بدین وسیله) به آن شتاب کنی.

﴿١٧﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

واقعاً جمع نمودن آن و جاری شدن آن بر زبان تو بر عهده ماست.

﴿۱۸﴾ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ

پس چون آنرا خواندیم، خواندن آن را پیروی کن.

﴿۱۹﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

سپس بیگمان توضیح آن (نیز) بر عهده ماست.

﴿۲۰﴾ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

نه چنان است (که شما می پندارید) بلکه (زندگانی) عاجل (دنیا) را دوست دارید.

﴿۲۱﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ

و (زندگی) آخرت را (به یکسو) میگذارید.

﴿۲۲﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ

در آنروز بسا روها که شاداب و تروتازه است.

﴿۲۳﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

(و) بسوی پروردگار خود نظاره کنان اند.

﴿۲۴﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ

و بسا روها در آنروز درهم کشیده است.

﴿۲۵﴾ تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

می پندارند که بر آنها بلیه ای کمرشکن آمدنی است.

﴿۲۶﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

نه چنان است (که میپندارید)، هرگاه جان به لب برسد.

﴿۲۷﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ

و گفته شود: « کیست افسون خوان؟ »

﴿۲۸﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

و چنین میپندارد که این (لحظات) جدایی است (و از شدت درد، جان دادن).

﴿۲۹﴾ وَالتَّتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ

ساقهای (پاها) با هم (یک ساق به ساق دیگر) بییچد.

﴿۳۰﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

سمت حرکت در آنروز بسوی پروردگار تو است.

﴿۳۱﴾ فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى

چون نه (حق را) تصدیق داده و نه (هم) نماز خوانده.

﴿۳۲﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى

بلکه دروغ گفته و (از حق) روی برتافته.

﴿۳۳﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ

و باز بسوی خانواده خود خرامان رفت.

﴿۳۴﴾ أَوْلَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ

افسوس است به (حال) تو، و باز افسوس است.

﴿۳۵﴾ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ

و سپس افسوس است به (حال) تو، و باز افسوس است.

﴿۳۶﴾ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًىٰ

آیا انسان می پندارد که به حال خودش واگذاشته میشود؟

﴿۳۷﴾ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ

آیا نطفه ای از منی نبود که (در رحم) ریخته میشود؟

﴿۳۸﴾ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ

سپس پارچه خون بسته ای بود، و باز (خداوند او را) آفرید و برابر کرد.

﴿۳۹﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

سپس از او آن دو جوره مرد و زن را به میان آورد.

﴿۴۰﴾ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ

آیا این (خداییکه همه این کارها را کرده است) قادر نیست که مردگان را زنده کند؟

(۷۶) سوره الانسان:

این سوره مدنی و دارای (۳۱) آیه است و این سوره به سبب افتتاح آن با بیان آفرینش انسان و ایجاد وی از عدم و سپس خلیفه کردن وی در زمین به انسان نامگذاری شده است.

سورة الانسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا

آیا بر انسان دوره ای از زمان گذشته است که چیز قابل ذکری نبوده است؟

﴿٢﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

بیگمان ما انسان را از نطفه درهم آمیخته‌ای آفریدیم، تا او را بیازماییم، و از اینرو او را شنوا و بینا گردانیدیم.

﴿٣﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

ما به او راه را نشان دادیم (اکنون به اراده خودش مربوط است که) سپاسگذار میشود یا ناسپاس.

﴿٤﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

(در عین حال) ما واقعاً برای کافران زنجیرها، غلها و آتش سوزانی را آماده ساخته ایم.

﴿٥﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

(برعکس)، نیکوکاران بیگمان از جامی مینوشند که مزاج آن (یعنی طعم آن) کافور است.

﴿٦﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا

چشمه ای که از آن بندگان خدا می نوشند، و به گونه ای (که بخواهند) آنرا جاری میسازند.

﴿٧﴾ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

نذر(های شان) را بجا می آورند، و از روزی که مشقت آن فراگیر است میترسند.

﴿٨﴾ وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

و طعام را، با وجود محبت به آن، به مسکین، یتیم و اسیر میدهند.

﴿٩﴾ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرُؤْفَةِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

(میگویند): « ما به شما یقیناً خاص بخاطر خدا طعام میدهیم، از شما نه پاداشی میخواهیم و نه (هم) سپاسی. »

﴿١٠﴾ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

بیگمان ما از پروردگار خود میترسیم، از روزیکه نهایت زشت و بی اندازه دشوار است.

﴿١١﴾ فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

پس خداوند ایشانرا از شر آنروز نگهداشت، و ایشانرا به تازگی و شادمانی روبرو ساخت.

﴿۱۲﴾ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا

و ایشانرا، به سبب صبرشان، بهشت و (لباسهای) حریر پاداش داد.

﴿۱۳﴾ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۗ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا

در آن بر تختها تکیه زده اند. نه (گرمی) آفتاب را در آن می بینند، و نه (هم) سردی شدید را.

﴿۱۴﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَيْدِيهِمْ فَطُوفُوا فِيهَا تَدْلِيلًا

و سایه های آن به ایشان نزدیک است، و میوه های چیده شده آن بگونه (کاملی) آماده است.

﴿۱۵﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

به ایشان (همه چیز) به ظروفی نقره یی و جامهای بلورین پیشکش میشود.

﴿۱۶﴾ قَوَارِيرَ مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا

بلوری سیمین؛ و (در عین حال) اندازه این (خوراک ها و نوشاک)ها را (نیز) خودشان بگونه (دقیقی) تعیین کرده اند.

﴿۱۷﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجَجًا زَنْجَبِيلًا

در اینجا چنان جامی نوشانده میشوند که مزاج آن (یعنی طعم و کیف آن) زنجبیل است.

﴿۱۸﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

چشمه ای در آنجا که سلسبیل (یعنی گوارا و خوش طعم) نامیده میشود.

﴿۱۹﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا

و بر ایشان از جوانانی که همیشه به همین حالت اند گشت و گذار میکنند، اگر آنها را ببینی می پنداری که مرواریدهای غلطان اند.

﴿۲۰﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا

چون به آنجا بنگری، نعمت ها و ملک بزرگ (وسیعی) را می بینی.

﴿۲۱﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ ۗ وَحُلُّوْا أَسَاوِرَ مِّنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

بر ایشان جامه های نازک سبز ابریشمین و دیبای ستر است، و چوری های نقره یی پوشیده اند، و پروردگارشان به ایشان از شراب خالص مینوشاند.

﴿۲۲﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا

« حقا که این پاداشی است برای شما، و کوشش شما مقبول (و مایه خوشنودی ما) است. »

﴿٢٣﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

بیگمان ما قرآن را بر تو به گونه ای (تدریجی) نازل کردیم.

﴿٢٤﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا

پس به حکم پروردگارت شکیبا باش، و به (هیچ) گناهگار و ناسپاسی از ایشان گوش فرامده.

﴿٢٥﴾ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

و نام پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان یاد کن.

﴿٢٦﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

و شب هنگام او را سجده کن، و در طول شب او را تسبیح بگویی.

﴿٢٧﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

بیگمان اینها زندگانی گذران (دنیا) را دوست میدارند، و روز شدید را پشت سر خود میگذارند (یعنی آنرا فراموش میدارند).

﴿٢٨﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ ۗ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا

ما ایشانرا آفریدیم، و آفرینش شانرا مستحکم گردانیدیم، و چون بخواهیم ایشانرا به گروهی دیگر تبدیل میکنیم (یعنی ایشانرا از بین میبریم، و گروه دیگری بجای ایشان می آوریم).

﴿٢٩﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۗ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا

واقعاً این پندی است، پس هر که میخواهد راهی را بسوی پروردگار خود بگیرد.

﴿٣٠﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

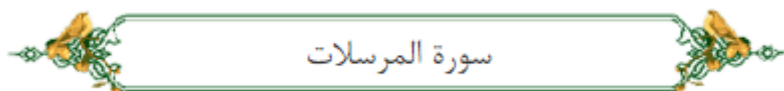
و شما چیزی نمی خواهید مگر اینکه خداوند بخواهد. بیگمان خداوند دانا (و) باحکمت است.

﴿٣١﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

هر کسی را که بخواهد، به رحمت خود داخل میگرداند، و برای ستمگاران عذاب دردناکی را آماده کرده است.

(٧٧) سوره المرسلات:

این سوره مکی و دارای (٥٠) آیه است و مرسلات به معنی فرستاده شدگان (منظور ملائکه یا بادها) است. این سوره بنام مطلع خود (وَأَلْمُرْسَلَاتِ) که خداوند بدان سوگند خورده است نامگذاری شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

قسم به فرستاده شده های پیاپی، و به هم پیوسته.

﴿۲﴾ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا

و به آنها که به شدت هجوم می آورند.

﴿۳﴾ وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا

قسم به نشرکنندگان که به گونه ای نشر (میکنند).

﴿۴﴾ فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا

و قسم به آنها که بگونه ای (روشنی) جدا میکنند.

﴿۵﴾ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا

و قسم به آنها که پند را القاء میکنند.

﴿۶﴾ عُدْرًا أَوْ نَذْرًا

برای (اینکه) عذری (باشد) یا بیمی.

﴿۷﴾ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعٌ

بیگمان آنچه به شما وعده داده شده عملی شدنیست.

﴿۸﴾ فَإِذَا التُّجُومُ طُمِسَتْ

پس چون ستارگان ناپدید شوند.

﴿۹﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ

و چون آسمان شکافته شود.

﴿۱۰﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ

و هنگامیکه کوهها برکنده (و هموار) شوند.

﴿۱۱﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ

و هنگامیکه به پیامبران میعادى مقرر شود.

﴿۱۲﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ

برای کدام روز این چیزها به تعویق افتاده؟

﴿۱۳﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ

برای روز فیصله کن.

﴿۱۴﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ

چه چیز به تو آموخت که روز فیصله کن چیست؟

﴿۱۵﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان (حق).

﴿۱۶﴾ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ

آیا پیشینیان را (به نسبت اینکه از حق انکار کردند) هلاک نکردیم؟

﴿۱۷﴾ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ

سپس آیندگانی (را که از آنها پیروی کنند) در پی ایشان می فرستیم.

﴿۱۸﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

(آری،) با مجرمان چنین رفتار میکنیم.

﴿۱۹﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بر تکذیب کنندگان (حق).

﴿۲۰﴾ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

آیا شما را از آب ناچیزی نیافریدیم؟

﴿۲۱﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

سپس آنرا در آرامگاهی محفوظ قرار دادیم.

﴿۲۲﴾ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ

تا مدت معینی.

﴿۲۳﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

پس ما توانستیم (آنرا انجام دهیم)، پس چه خوب تواناییم (تا رستاخیز را بر پا کنیم).

﴿۲۴﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بر تکذیب کنندگان (حق).

﴿۲۵﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

آیا زمین را محل اجتماع (انسانها) قرار ندادیم؟

﴿۲۶﴾ أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا

هم برای زندگان و هم برای مردگان؟

﴿۲۷﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا

و در آن کوههای استوار و بلند را قرار دادیم، و به شما آب گوارایی نوشانیدیم.

﴿۲۸﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بر تکذیب کنندگان (حق).

﴿۲۹﴾ انطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ

(به ایشان گفته میشود): « بسوی همان چیزیکه همواره از آن انکار میکردید بروید. »

﴿۳۰﴾ انطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

بروید بسوی سایه ای که سه شاخه دارد.

﴿۳۱﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ

سایه ای که نه آرام بخش است، و نه از شعله تند (آتش) جلوگیری میکند.

﴿۳۲﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

آتشی که هر آن از خود شراره های به بزرگی قصر پرتاب میکند.

﴿۳۳﴾ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ

گویی آن شراره ها (قطاری از) اشتران زرد رنگ است.

﴿۳۴﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (حق).

﴿۳۵﴾ هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

این روزیست که سخن نمی زنند.

﴿۳۶﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَرُونَ

و نه برای شان اجازه داده میشود تا عذرخواهی کنند.

﴿۳۷﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (حق).

﴿۳۸﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۗ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ

این روز فیصله کن (میان حق و باطل) است، که شما و پیشینیان را جمع کرده ایم.

﴿۳۹﴾ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا

اگر حيله ای (يعنی چاره ای) دارید، آنرا بکار برید.

﴿۴۰﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای در آن روز بحال تکذیب کنندگان (حق).

﴿۴۱﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ

(برعکس)، نیکوکاران در میان سایه های (آرام بخش) و (کنار) چشمه ها بسر میبرند.

﴿۴۲﴾ وَفَوَآكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ

و (از) میوه هاییکه دلخواه شان است (برخوردار میباشند).

﴿۴۳﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

بخورید و آشامید به گوارایی، به سبب اعمالی که (در دنیا) انجام میدادید.

﴿۴۴﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

بیگمان ما نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم.

﴿۴۵﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز به حال تکذیب کنندگان (حق).

﴿۴۶﴾ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ

(ای ستمگاران) بخورید و برخوردار شوید درین دوره محدود. آری، شما واقعاً مجرم می باشید.

﴿۴۷﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (حق).

﴿۴۸﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

و هنگامیکه به ایشان گفته شود « رکوع کنید، » رکوع نمیکنند.

﴿۴۹﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (حق).

﴿۵۰﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

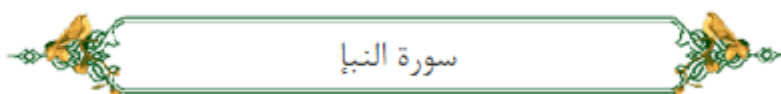
پس آیا بعد از آن (که قرآن را قبول ندارند) به کدام سخن ایمان می آورند؟

=====

جزء یا سپاره سیوم - عم یتساءلون

(٧٨) سوره النبأ:

این سوره مکی و دارای (٤٠) آیه است و نبا به معنی خبر (منظور خبر روز قیامت است) و این سوره بنام عم و هم نبأ یاد میگردد، زیرا این سوره با آیه های (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ) و (عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) افتتاح شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ

از چه چیز می پرسند؟

﴿٢﴾ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ

از خبری بزرگ (و مهم)؟!

﴿٣﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ

که ایشان در آن اختلاف دارند؟!

﴿٤﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

چنین نیست (که کافران می پندارند)، بزودی میدانند (که قیامت چیست).

﴿٥﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

و چنین نیست (که کافران می پندارند)، و باز بزودی میدانند (که قیامت چیست).

﴿٦﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا

آیا زمین را (همچون) گهواره‌ای (برای زندگی) نساختیم؟

﴿٧﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا

و کوهها را (در آن بحیث) میخ هایی (قرار ندادیم تا زمین را استوار نگهدارند)؟

﴿٨﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا

و شما را جوره جوره آفریدیم.

﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا

و خواب شما را مایهٔ راحت (شما) قرار دادیم.

﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا

و شب را (برای شما) لباسی ساختیم (که شما را می پوشاند).

﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

و روز را وسیلهٔ معیشت (و گذارهٔ روزمرهٔ شما) گردانیدیم.

﴿١٢﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا

و بر بالای (سر) شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم.

﴿١٣﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا

و (خورشید را در آن) چراغ درخشنده ای قرار دادیم.

﴿١٤﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا

و از ابرهای بارنده، آبی ریزان فرو باریدیم.

﴿١٥﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا

تا بوسیلهٔ آن دانه و گیاه برویانیم.

﴿١٦﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا

و باغستانهای دارای درختان غلوی درهم پیچیده را.

﴿١٧﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

واقعاً روز جدا شدن (حق از باطل) وعده گاه است.

﴿١٨﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

روزیکه در صور دمیده میشود، و همهٔ شما گروه گروه می آید.

﴿١٩﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا

و آسمان گشوده میشود، سپس دروازه دروازه میشود.

﴿٢٠﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا

و کوهها به حرکت انداخته میشوند، و به شکل سرابی درمی آیند.

﴿۲۱﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

براستی که دوزخ کمینگاهی بوده است.

﴿۲۲﴾ لِّلطَّاغِيْنَ مَابًا

برای بازگشت سرکشان.

﴿۲۳﴾ لَا يَبْتَئِنَ فِيهَا أَحْقَابًا

در آنجا روزگارانی (بی نهایت) بسر میبرند.

﴿۲۴﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا

در آنجا نه (هوای مطبوع و) سردی را (درمی یابند)، و نه هم آشامیدنی (گوارایی) را می چشند.

﴿۲۵﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا

مگر آب جوشان و زردآب را.

﴿۲۶﴾ جَزَاءً وِفَاقًا

پاداشی مناسب.

﴿۲۷﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

ایشان واقعاً توقع (ترس از) حساب (روز قیامت) را نداشتند.

﴿۲۸﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا

و نشانه های ما را بگونه (بیشرمانه) ای تکذیب میکردند.

﴿۲۹﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا

و ما همه چیزها را حساب و نوشته کردیم.

﴿۳۰﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا

پس بچشید (ثمره اعمال خود را) که به چیزی جز عذاب بر شما نمی افزاییم.

﴿۳۱﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

واقعاً برای پرهیزگاران پیروزی (بزرگی) است.

﴿۳۲﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا

باغها(بی که دور آن دیوار شده)، و (تاکستان) انگورها.

﴿۳۳﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا

و دوشیزگان انارپستانی است همسن و سال (شان).

﴿٣٤﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا

و جام های لبریز (پیایی و صافی).

﴿٣٥﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا

نه در آن سخنان بیهوده ای می شنوند و نه (هم) دروغی.

﴿٣٦﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا

(آنها) پاداش (است) از پروردگارت، عطیه ای حساب شده ای.

﴿٣٧﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ ۗ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، (همان خداوند) رحمن است، (هیچکسی) استحقاق سخن گفتن را به او ندارد.

﴿٣٨﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا ۗ لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا

روزی که روح و (دیگر) فرشتگان در صفها ایستاده میشوند، هیچ کس جز آنکه (خداوند) رحمن (به وی) اجازه دهد سخن نمیگوید، (او نیز) حقیقت را می گوید.

﴿٣٩﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ ۗ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءًا

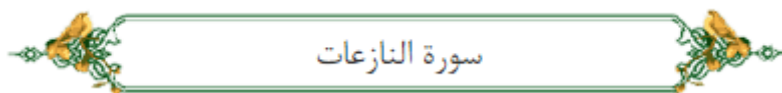
آن روز حق است، پس هر کس که بخواهد بسوی پروردگار خود جای بازگشتی را بگیرد.

﴿٤٠﴾ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

بیگمان شما را از عذابی بیم میدهیم که نزدیک شده است. در روزی که انسان آنچه را دستهای او از پیش فرستاده بود می بیند، و کافر (در آن روز) میگوید: « ای کاش (کف) خاکی میبودم. »

(٧٩) سورة النزعات:

این سوره مکی و دارای (٤٦) آیه است و نازعات به معنی فرشتگانی که مامور گرفتن جان ها هستند می باشد و به سبب افتتاح آن با سوگند الهی به منازعات که عبارت از فرشتگان قبض کننده ارواح بنی آدم هستند نازعات خوانده شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

قسم به گشندگانی که به شدت می گشند.

﴿۲﴾ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا

قسم به آنایکه با نشاط می گیرند.

﴿۳﴾ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا

قسم به شناورانیکه به گونه ای شناوری میکنند.

﴿۴﴾ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا

قسم به آنایکه پیشدستی می کنند.

﴿۵﴾ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

قسم به آنهاييکه کار(ها) را به تدبیر بسر میرسانند.

﴿۶﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

روزیکه (همهٔ این زمین را) لرزاننده ای بلرزاند (یعنی صور اول دمیده شود).

﴿۷﴾ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ

و از پی آن همردیف آن بیاید (یعنی صور دوم دمیده شود).

﴿۸﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

در آن روز دلهایی است که در تب و تاب میباشند.

﴿۹﴾ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ

و چشمهای شان خیره مانده.

﴿۱۰﴾ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

میگویند: « آیا ما به آفرینش نخستین خود باز گردانده خواهیم شد؟ »

﴿۱۱﴾ أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً

« آیا (چنین خواهد شد) اگرچه استخوانهای پوسیده ای باشیم؟ »

﴿۱۲﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

(آنگاه) میگویند: « این (بازگشت) در اینحال (بازگشت) زیانباری است. »

﴿۱۳﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

بیگمان این (بازگشت با) آواز شدیدی صورت میگیرد.

﴿١٤﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

پس ناگهان (همگان) به میدان (قیامت) قرار میگیرند.

﴿١٥﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

آیا داستان موسی به تو آمده است؟

﴿١٦﴾ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

هنگامیکه پروردگارش در وادی مقدس طوی^۱ (یعنی طور) او را فرا خواند.

﴿١٧﴾ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

(و به او هدایت داد که) « نزد فرعون برو که او واقعاً سرکشی کرده است. »

﴿١٨﴾ فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ

و (برایش) بگو: « آیا میل داری که (از گناه) پاک شوی؟ »

﴿١٩﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ

« و ترا بسوی پروردگارت راه نمایم، تا از او بترسی؟ »

﴿٢٠﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

در این حال، (موسی) به او معجزه بزرگ را نشان داد.

﴿٢١﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ

ولی او تکذیب کرد و نافرمانی نمود.

﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ

سپس روی برتافت و سخت تلاش کرد.

﴿٢٣﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ

سپس (مردم را) گرد آورد و ندا در داد.

﴿٢٤﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

و گفت: « من پروردگار برتر شمایم. »

﴿٢٥﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ

همین بود که خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد.

﴿٢٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

بیگمان در این (رویداد) عبرتی است برای کسیکه بترسد.

﴿٢٧﴾ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ ۗ بَنَاهَا

آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمان؟ که (خداوند) آنرا بنا کرد.

﴿٢٨﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

سقف آنرا برافراشت، پس آنرا برابر ساخت.

﴿٢٩﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

شبش را تاریک کرد، و روزش را روشن ساخت.

﴿٣٠﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا

و سپس زمین را گسترانید.

﴿٣١﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا

از آن آب آنرا و علفچرهای آنرا بیرون آورد.

﴿٣٢﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا

و کوه ها را پایدار (و استوار) ساخت.

﴿٣٣﴾ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ

برای بهره یابی شما و چارپایان شما.

﴿٣٤﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ

سپس چون آن واقعه بزرگ بیاید.

﴿٣٥﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ

روزیکه انسان فعالیت های خود را بیاد می آرد.

﴿٣٦﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ

و دوزخ برای (هر) بیننده آشکار میگردد.

﴿٣٧﴾ فَأَمَّا مَنْ طَعَىٰ

سپس هرکه سرکشی کرده بود.

﴿٣٨﴾ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

و زندگانی (این) دنیا را برگزیده بود.

﴿٣٩﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

پس بیگمان آتش دوزخ جای (او) است.

﴿٤٠﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

و اما کسیکه از مقام پروردگارش ترسید، و خود را از هوی (و هوس) بازداشت.

﴿٤١﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

پس بهشت جای اوست.

﴿٤٢﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا

از تو در مورد قیامت میپرسند، که چه وقت لنگر انداختن آنست (یعنی واقع میشود)؟

﴿٤٣﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا

از یاد آن در چه مقامی هستی؟ (یعنی در زمینه چه اطلاعی داری؟)

﴿٤٤﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا

نهایت (علم) آن بسوی پروردگار تو است.

﴿٤٥﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا

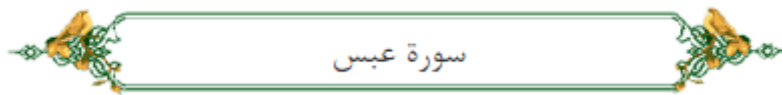
بیگمان تو صرف بیم دهنده ای هستی برای کسیکه از آن بترسد.

﴿٤٦﴾ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

روزیکه به آن روبرو شوند، گویا ایشان می پندارند که (در دنیا) جز شامگاهی یا صبحگاهی درنگ نکرده اند.

(۸۰) سوره عبس:

سوره مکی و دارای (۴۲) آیه است و عبس به معنی روی ترش نمودن (منظور شخص نابینایی است که حضور پیامبر آمد و شخصی روی در هم کشید که در این سوره آمده است) و به سبب افتتاح آن با ذکر عبوسیت به این نام یاد شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ

(پیامبر) جبین درهم کشید و رو گردانید.

﴿۲﴾ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى

از اینکه نزد او نابینایی آمد.

﴿۳﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي

چه میدانی؟ شاید او پاکی (و تقوی) پیشه میکرد.

﴿۴﴾ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى

یا پندی میگرفت، و آن پند به او سودمند واقع میشد.

﴿۵﴾ أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى

اما کسیکه بی نیازی نشان داد.

﴿۶﴾ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى

تو بسوی او رو می آوری.

﴿۷﴾ وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَكِّي

و اگر پاکیزه نشود، هم بر تو الزامی وارد نمیشود.

﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى

اما کسیکه نزد تو بیاید و (به سوی تو) بشتابد.

﴿۹﴾ وَهُوَ يَخْشَى

و او از خدا میترسد.

﴿۱۰﴾ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى

پس تو از او روی برمیتابی.

﴿۱۱﴾ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ

نباید چنین شود، این آیات پنددهنده است.

﴿۱۲﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكْرُهُ

پس هر که بخواهد از آن پند گیرد.

﴿۱۳﴾ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ

در صحیفه های مکرمت اندودی.

﴿۱۴﴾ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ

والامر تبه ای، پاکیزه ای (قرار دارد).

﴿۱۵﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ

به دست نویسندگان.

﴿۱۶﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ

گرامی (قدر) نیکوکاری.

﴿۱۷﴾ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ

کشته شود (این) انسان که (چقدر) ناسپاس است.

﴿۱۸﴾ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

او را از چه آفرید؟

﴿۱۹﴾ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ

از نطفه {۱} او را آفرید، و (به اندازه متناسب مشخص) کرد.

{۱} قطره منی ؛

﴿۲۰﴾ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ

سپس راه را برایش آسان گردانید.

﴿۲۱﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ

باز او را میراند و به قبر گذاشت.

﴿۲۲﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ

و هر گاه بخواهد باز او را برمی انگیزد.

﴿۲۳﴾ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

نه، هرگز چیزی را که به او امر کرده بود بجا نیاورد.

﴿۲۴﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ

پس انسان باید به خوراک خود بنگرد.

﴿۲۵﴾ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا

بیگمان ما آب را به وفرت فرو ریختیم.

﴿۲۶﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

سپس زمین را بگونه (خاصی) شکافتیم.

﴿۲۷﴾ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا

و در آن دانه هایی رویانیدیم.

﴿۲۸﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا

انگور را و سبزیجات را.

﴿۲۹﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا

زیتون را و خرما را.

﴿۳۰﴾ وَحَدَائِقَ غُلْبًا

باغهای (با درختان) غلو را.

﴿۳۱﴾ وَفَاكِهَةً وَأَبًّا

و میوه ها و علفچرها را.

﴿۳۲﴾ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ

برای بهره یابی شما و مواشی شما.

﴿۳۳﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ

سپس چون قیامت (با مشخصه آواز گوش خراشِ خویش) بیاید.

﴿۳۴﴾ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

روزیکه انسان از برادر خود بگریزد.

﴿۳۵﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ

و از مادر خود و پدر خود.

﴿۳۶﴾ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ

و از زن خود و از اولاد خود.

﴿۳۷﴾ لِكُلِّ امْرِيٍّ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

هر یک ایشان در آنروز (از خود) حالتی دارد، که او را (از توجه دیگران) بی نیاز میگرداند.

﴿۳۸﴾ وَجُوهُهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ

در آنروز رویهایی است تابنده (و درخشان).

﴿۳۹﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ

خندان و شادمان.

﴿۴۰﴾ وَوُجُوهُهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ

و در آن روز رویهایی است غبارآلود.

﴿٤١﴾ تَرَهَّقُهَا قَتْرَةٌ

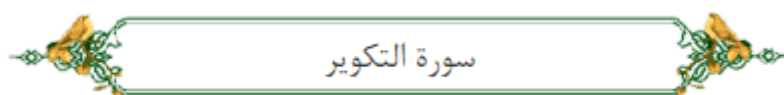
سیاهی آنها را پوشانیده.

﴿٤٢﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ

هم ایشانند کافران بدکار.

(۸۱) سوره التکویر:

سوره مکی و دارای (۲۹) آیه میباشد و تکویر به معنی در هم پیچیدن (منظور این است که خداوند روشنایی را از خورشید می گیرد و از علایم مخبره قیامت است) و به سبب افتتاح آن با آیه (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) به این نام یاد گردیده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

هنگامیکه آفتاب درهم پیچیده میشود.

﴿٢﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ

و هنگامیکه ستارگان بی فروغ شوند.

﴿٣﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

و هنگامیکه کوهها به حرکت افتند.

﴿٤﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

و هنگامیکه اشتران شکمدار، با حمل ده ماهه خود، به حال خویش گذاشته شوند.

﴿٥﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

هنگامیکه جانوران وحشی (نمی رمند و) جمع میشوند.

﴿٦﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

و هنگامیکه بحر‌ها (مانند آتش) افروخته شوند.

﴿٧﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

و هنگامیکه روح‌ها (به بدن‌ها یا مردم هم‌خوی و خصلت) به هم بپیوندند.

﴿٨﴾ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ

هنگامیکه از دخترزنده درگور شده پرسیده شود که...

﴿٩﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

بکدام گناه کشته شده بود؟

﴿١٠﴾ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ

هنگامیکه نامه‌های (اعمال) گشوده شود.

﴿١١﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ

و هنگامیکه (پرده) آسمان برداشته شود.

﴿١٢﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ

هنگامیکه دوزخ شعله‌ور گردد.

﴿١٣﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ

و هنگامیکه بهشت نزدیک آورده شود.

﴿١٤﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ

(در آنوقت) هر کس می‌فهمد برای خود چه آماده کرده است.

﴿١٥﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ

پس سوگند به آن (ستارگانی) که باز میگردند.

﴿١٦﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ

راست می‌روند و (گاهی) پنهان میشوند.

﴿١٧﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ

و (سوگند) به شب که می‌آید و میرود.

﴿١٨﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ

و به صبح هنگامیکه می‌دمد.

﴿١٩﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

بیگمان این کلام رسول (یعنی فرشته) عالیقدری است.

﴿۲۰﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ

صاحب قدرت، نزد (خداوند) صاحب عرش والا.

﴿۲۱﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ

فرمانروا و امانتکار.

﴿۲۲﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ

و (ای مردم)، یار و همراه شما دیوانه نیست.

﴿۲۳﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ

و بیگمان او را در افق روشن دید.

﴿۲۴﴾ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

او بر (تعلیم اسرار) غیب بخیل نیست.

﴿۲۵﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

و نه (هم) این (قرآن) سخن شیطان رانده شده (از رحمت خداوند) میباشد.

﴿۲۶﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ

پس به کجا میروید؟

﴿۲۷﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

این (قرآن) نیست مگر پندی برای (همه) جهانیان.

﴿۲۸﴾ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ

برای آنکسی از شما که بخواهد (در راه حق) پایداری کند.

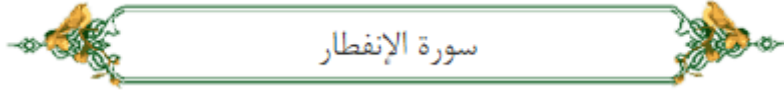
﴿۲۹﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

و شما نمی خواهید (پایداری کنید) مگر آنکه خدای، پروردگار جهانیان بخواهد (یعنی به شما توفیق عنایت کند).

=====

(۸۲) سوره الانفطار:

سوره مکی و دارای (۱۹) آیه میباشد و انفطار به معنی شکافته شدن (منظور شکافته شدن و از هم گسستن آسمان است که علایم مخبره قیامت است) نام آن از آیه اول آن استخراج شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ

هنگامیکه آسمان شکافته شود.

﴿۲﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ

هنگامیکه ستارگان پراکنده شوند.

﴿۳﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ

هنگامیکه بحرها منفجر شوند.

﴿۴﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ

و هنگامیکه قبرها گشوده شوند.

﴿۵﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ

(در آن فرصت است که) هر کس میداند که چه چیز را از پیش فرستاده، و (چه را) باز داشته است.

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

ای انسان، چه چیز ترا از پروردگار صاحب کرم تو فریفت؟

﴿۷﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ

او که ترا آفرید، (و باز) ترا (به شکل بسیار خوبی) برابر ساخت، و در نهایت اعتدال قرار داد.

﴿۸﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ

به همان صورتیکه خواست اجزای وجود ترا به هم پیوست ساخت.

﴿۹﴾ كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالذِّينِ

نخیر، (چنین نیست که شما می پندارید)، بلکه شما روز جزا را تکذیب میکنید.

﴿١٠﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ

واقعیت اینست که بر شما نگهبانانی (گماشته شده) اند.

﴿١١﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ

نویسندگان گرامی قدری.

﴿١٢﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

که (همه) کارهایی را که انجام می‌دهید میدانند.

﴿١٣﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

مسلماناً نیکوکاران در بهشت اند.

﴿١٤﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

و بیگمان بد کاران در دوزخ اند.

﴿١٥﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ

که به آن داخل میشوند، در روز جزا.

﴿١٦﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ

و از آن غایب نیستند.

﴿١٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

چه میدانی که روز جزا چیست؟

﴿١٨﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

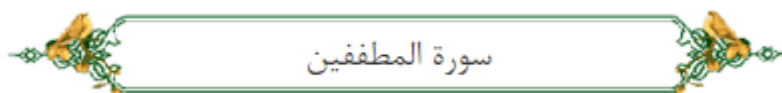
و باز چه میدانی که روز جزا چیست؟

﴿١٩﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ۗ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

روزیست که هیچکس برای (کس) دیگری چیزی کرده نمیتواند، و (در آن) کار (سراسر) از آن خداست.

(۸۳) سوره المطففين:

سوره مکی و دارای (۳۶) آیه میباشد و مطففین به معنی کم فروشان (در این سوره از کم فروشی نکوهش شده است) و نام آن از آیه اول این سوره برداشت شده است.



سورة المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ

وای بر کم فروشان.

﴿۲﴾ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

آنانیکه چون از مردم پیمانه ای را میگیرند، آنرا کامل می ستانند.

﴿۳﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

ولی وقتیکه برای ایشان پیمانه را میدهند، یا برای شان وزن میکنند، کم میکنند.

﴿۴﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

آیا ایشان باور ندارند که برانگیخته میشوند؟

﴿۵﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

در روزی بزرگ.

﴿۶﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

روزیکه (همه) مردم بحضور پروردگار عالمیان بپا میخیزند.

﴿۷﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ

نه چنان است (که این نامسلمانان میپندارند)، یقیناً دفتر (اعمال) بدکاران در سجین قرار دارد.

﴿۸﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

و چه میدانی که سجین چیست؟

﴿۹﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

کتابیست نوشته شده.

﴿۱۰﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان.

﴿۱۱﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

آنانیکه روز جزا را دروغ می شمارند.

﴿۱۲﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

و هیچکس روز جزاء را تکذیب نمیکنند جز آن تجاوزگر گنهگار.

﴿۱۳﴾ إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

که چون آیات ما به او خوانده میشود، میگوید: « (اینها) افسانه های پیشینیان (است). »

﴿۱۴﴾ كَلَّا ۚ بَلْ ۚ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

نه چنان است (که این نامسلمانان می پندارند)، بلکه اعمالی که کسب کرده اند در دلهای شان زنگ پدید آورده است.

﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

چنین نیست (که این نامسلمانان می پندارند)، بیگمان ایشان از (دیدار) پروردگار خویش در آنروز در حجاب اند.

﴿۱۶﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ

و باز به دوزخ داخل میشوند.

﴿۱۷﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

سپس گفته میشود: « اینست چیزیکه آنرا تکذیب میکردید! »

﴿۱۸﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ

چنین نیست (که این نامسلمانان می پندارند)، بیگمان کتاب اعمال نیکوکاران در علین است.

﴿۱۹﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ

و چه میدانی که علین چیست؟

﴿۲۰﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

کتابیست نوشته شده.

﴿۲۱﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

که آنرا مقربان مشاهده (یعنی مراقبت) میکنند.

﴿۲۲﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

بیگمان راستکاران در ناز و نعمت اند.

﴿۲۳﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

بر تخت ها(ی عزت قرار دارند، به هرسو) تماشا میکنند.

﴿۲۴﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

در چهره های شان طراوت (و نشاط، برخورداری از) نعمت ها را تشخیص میدهی.

﴿٢٥﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ

از شرابِ خالصِ سربه‌مهر نوشانیده میشوند.

﴿٢٦﴾ خِتَامُهُ مِسْكَ ۚ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

مهر آن مشک است، و در (حاصل کردن) این (مقام) باید که پیشی گیرندگان پیشی بگیرند.

﴿٢٧﴾ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ

این (شراب) ممزوج با تسنیم است.

﴿٢٨﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

چشمه‌ای که از آن مقربان (درگاه الهی) می نوشند.

﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ

(روزی بود که) بیگمان گناهکاران بر مؤمنان می خندیدند.

﴿٣٠﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

و چون بر آنها میگذشتند چشمک میزدند.

﴿٣١﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

و هنگامیکه بسوی خانواده خود بر می گشتند، خوش طبعی و شوخی میکردند.

﴿٣٢﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

و چون آنها (یعنی مسلمانان) را میدیدند، میگفتند: « اینها واقعاً گمراهان اند! »

﴿٣٣﴾ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ

در حالیکه آنها برای مراقبت (احوال) مسلمانان فرستاده نشده بودند.

﴿٣٤﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

اما امروز مؤمنان بر کافران میخندند.

﴿٣٥﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

بر تخت‌هایی قرار دارند، و به هرسو تماشا میکنند.

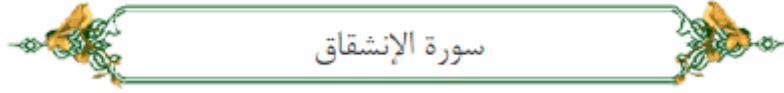
﴿٣٦﴾ هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آیا کافران به جزای اعمالیکه انجام میدادند رسیدند؟



(۸۴) سوره الانشقاق:

سوره مکی و دارای (۲۵) آیه است و انشقاق به معنی شکافته شدن (از هم گسستن آسمان ها و جاذبه های آن است که خبر از قیامت می دهد) نام آن از آیه اول آن استخراج شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ

هنگامیکه آسمان شق شود.

﴿۲﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و به (حکم) پروردگارش تسلیم شود، و سزاوار است (که باید به آن تسلیم شود).

﴿۳﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

و هنگامیکه زمین هموار شود.

﴿۴﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ

و آنچه را که در اندرون دارد بیرون اندازد، و خوب خالی شود.

﴿۵﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و به (حکم) پروردگارش تسلیم شود، و سزاوار است (که باید به آن تسلیم شود، در آنوقت است که حقایق برملا میشود).

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

(و تو، ای انسان، بیگمان (در راهیکه) بسوی پروردگار خود (داری) زحمت (فراوان) میکشی، (و در آخر کار) با او ملاقی میشود).

﴿۷﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

پس کسیکه نامه اعمال او به دست راستش داده شد.

﴿۸﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

(با او) به زودی و آسانی حساب میشود.

﴿۹﴾ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا

و به خوشی بسوی کسان خود برمیگردد.

﴿۱۰﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

ولی کسیکه نامه (اعمال) او از پشت سرش داده شد.

﴿۱۱﴾ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا

بزودی مرگ را فرا میخواند.

﴿۱۲﴾ وَيَصْلِي سَعِيرًا

و در آتشی فروزان درآورده میشود.

﴿۱۳﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

بیگمان او (در دنیا) در میان کسان خود شادمان بود.

﴿۱۴﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

واقعاً او فکر کرد که (بسوی ما) رجوع نمیکند.

﴿۱۵﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

نخیر، یقیناً پروردگارش به (حال) او بینا بود.

﴿۱۶﴾ فَلَا أَقْسِمُ بِالْشَّفَقِ

پس به سرخی شام سوگند میخورم.

﴿۱۷﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

و به شب و آنچه را جمع آوری کرده است.

﴿۱۸﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ

و به ماه، وقتیکه کامل (بدر) گردد.

﴿۱۹﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ

بیگمان (هر یک) شما از مرحله ای به مرحله دیگر وارد میشوید.

﴿۲۰﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

پس چه شده است ایشانرا که ایمان نمی آورند؟

﴿۲۱﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿۱﴾

و هنگامیکه قرآن به ایشان خوانده میشود، سجده نمی کنند؟

﴿۲۲﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ

بلکه کافران پیوسته (آنها) تکذیب میکنند.

﴿۲۳﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

و خداوند به آنچه با خود دارند داناتر است (یعنی به اسرار نهانی شان آگاه است).

﴿۲۴﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

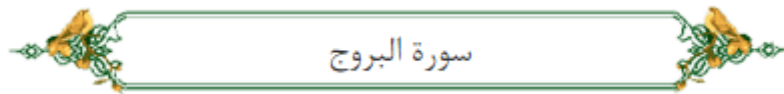
پس ایشانرا به عذاب دردناک بشارت ده.

﴿۲۵﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

جز آنانیکه ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، برای ایشان مزدی است همیشگی (که هرگز به آخر نمیرسد).

(۸۵) سوره البروج:

این سوره مکی و دارای (۲۲) آیه میباشد و بروج به معنی برج ها یا ستاره های بزرگ میباشد و این سوره به سبب افتتاح آن با سوگند خداوند به آسمانی دارای برج به بروج نامگذاری شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ

قسم به آسمان دارای برجها.

﴿۲﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ

و قسم به روزیکه وعده شده.

﴿۳﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

و (قسم) به گواه و چیزیکه مشاهده میشود.

﴿۴﴾ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ

هلاک شدند اهل خندق.

﴿۵﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ

آتش دارای هیزم بسیار.

﴿٦﴾ اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ

هنگامیکه در کنار آن نشسته بودند.

﴿٧﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ

و آنچه را بر مسلمانان میکردند، (با خونسردی) مشاهده مینمودند.

﴿٨﴾ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

از آنها انتقام نمی گرفتند جز اینکه به خداوند صاحب قدرت منیع و ستوده ایمان آورده بودند.

﴿٩﴾ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

ذاتیکه پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست، و خدا بر هر چیز گواه است.

﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ

بیگمان آنانیکه مردان مسلمان و زنان مسلمان را زجر دادند، و توبه نکردند، بر ایشان عذاب دوزخ است، و برای شان عذاب (آتش) سوزان است.

﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ

(و) بیگمان آنانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، برای شان باغهایی است که در زیر (درختان) آنها جویبارها جریان دارد، و این است پیروزی بزرگ.

﴿١٢﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

حقا که گرفتار کردن پروردگار تو (چون کسی را گرفتار کند) شدید است.

﴿١٣﴾ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ

واقعاً هم اوست که از اول می آفریند، و (زندگی را) اعاده میکند.

﴿١٤﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ

و اوست آمرزگار (و) بسیار دوستدارنده.

﴿١٥﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ

صاحب عرشی باشکوه (و جلال).

﴿١٦﴾ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ

هر چه را بخواهد انجام دادنی است.

﴿١٧﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

آیا برایت داستان لشکرها آمده است؟

﴿۱۸﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ

(لشکرهای) فرعون و ثمود؟

﴿۱۹﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

ولی با اینهم کافران در تکذیب اند (یعنی کارشان تکذیب است).

﴿۲۰﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ

و خداوند از عقب شان (بر آنها) احاطه دارد.

﴿۲۱﴾ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ

(نه چنانست که کافران می پندارند) بلکه این قرآنی است مجید {۱}.

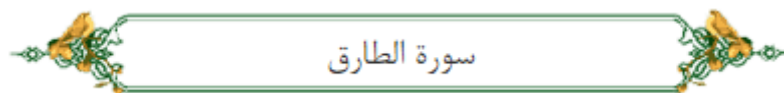
{۱} با شکوه و با عظمت؛

﴿۲۲﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

(و) در لوحی محفوظ (قرار دارد).

(۸۶) سوره الطارق:

سوره مکی و دارای (۱۷) آیه میباشد و طارق به معنی ظاهر شونده و ستاره درخشان میباشد و نام این سوره از آیه اول آن گرفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ

قسم به آسمان و آنچه در شب پدیدار میشود.

﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ

و چه چیز ترا آگاه ساخت که پدیدارشونده در شب چیست؟

﴿۳﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ

ستاره ایست درخشان.

﴿٤﴾ إِنَّ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

کسی نیست که بر او نگهبانی نباشد.

﴿٥﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

باید انسان فکر کند که از چه آفریده شده است؟

﴿٦﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ

از قطره آب جهنده‌ای آفریده شده است.

﴿٧﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ

که از میان تیر پشت و استخوانهای سینه بیرون می آید.

﴿٨﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

یقیناً که او (جل و علا شانه) بر بازگرداندن وی تواناست (یعنی قدرت دارد انسان را بعد از مرگ او زنده کند).

﴿٩﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

روزیکه اسرار برملا میشود.

﴿١٠﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

پس او نیرویی و یآوری ندارد (تا از خود دفع کند).

﴿١١﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

قسم به آسمان دارای باران.

﴿١٢﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

و (قسم) به زمین دارای شکاف (که روینده‌ها آنرا میشگافند، و از آن سر برمی آورند).

﴿١٣﴾ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ

بیگمان این کلامیست قاطع (میان حق و باطل).

﴿١٤﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ

و این شوخی نیست.

﴿١٥﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

واقعاً آنها بگونه‌ای دسیسه می چینند.

﴿١٦﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا

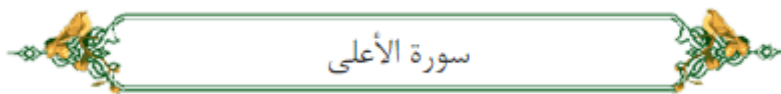
من نیز (در برابر دسیسه‌شان) طرح میریزم (یعنی جزای مکر شانرا میدهیم).

﴿١٧﴾ فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤْيَدًا

پس کافران را مهلت بده، ایشانرا اندکی مهلت بده.

(٨٧) سوره الاعلی:

سوره مکی و دارای (١٩) آیه میباشد و اعلی به معنی برتر (یعنی پروردگار برتر است از هر چه که تصور شود) و نام این سوره از آیه افتتاحی آن گرفته شده است و بنام سبح نیز یاد میگردد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

نام پروردگار بلند مرتبه خود را به پاکی یاد کن.

﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى

آنکه آفرید و آنگاه برابر ساخت.

﴿٣﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

و آنکه اندازه کرد و آنگاه راه نمود.

﴿٤﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى

آنکه علف را (برای حیوانات از زمین) برآورد.

﴿٥﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى

و باز آنرا خشک و سیاه گردانید.

﴿٦﴾ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى

بزودی (قرآن را بگونه ای) بر تو میخوانیم که آنرا فراموش نکنی.

﴿٧﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى

مگر آنچه را خداوند بخواهد. بیگمان او آشکار و پنهان را می داند.

﴿۸﴾ وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَىٰ

و ترا به (دست یافتن به آن) شیوه آسان توفیق می‌دهیم.

﴿۹﴾ فَذَكَرْ إِن نَّفَعَتِ الذُّكْرَىٰ

پس پند بده، اگر پند سودمند افتد.

﴿۱۰﴾ سَيَذَكَّرُكَ مَن يَخْشَىٰ

کسیکه (از خدا بترسد) بزودی پند خواهد گرفت.

﴿۱۱﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ

ولی بدبخت‌ترین (مردم) از آن کناره می‌گیرد.

﴿۱۲﴾ الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَىٰ

آنکه به آتش بزرگ (یعنی آتش دوزخ) می‌سوزد.

﴿۱۳﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

بگونه‌ای که در آن نه (هم) می‌میرد و نه (هم) زنده می‌ماند.

﴿۱۴﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ

ولی کسیکه تقویٰ پیشه کرد، رستگار می‌شود.

﴿۱۵﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ

و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز اداء کرد.

﴿۱۶﴾ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

بلکه (این مردم نامسلمان) زندگی دنیا را مرجح می‌شمارند.

﴿۱۷﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

اما آخرت بهتر و پایدارتر است.

﴿۱۸﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

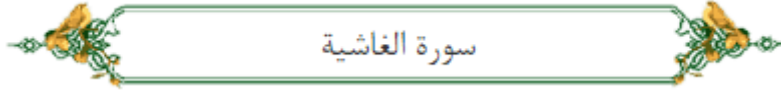
و این (امر) در صحیفه‌های سابق (آسمانی درج) است.

﴿۱۹﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

صحیفه‌های ابراهیم و موسی.

(۸۸) سوره الغاشیه:

این سوره مکی و دارای (۲۶) آیه است و غاشیه به معنی فرو گیرنده، بیهوش کننده، همه گیر (یکی از نام های قیامت است) و نام این سوره از آیه اول آن گرفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ

آیا به تو داستان قیامت (یعنی مصیبت فراگیر) رسیده است؟

﴿۲﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

چهره هایی است در آنروز (که گرد) خوار(ی بر آن نشسته).

﴿۳﴾ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ

رنج کشیده، بسیار محنت دیده.

﴿۴﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً

(که) در آتش سوزان میسوزند.

﴿۵﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ

(و) از چشمه داغ جوشان نوشانیده میشوند.

﴿۶﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ

برای شان طعامی نیست مگر "ضریع".

﴿۷﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ

که نه چاق میکند و نه (هم) گرسنگی را برطرف میسازد.

﴿۸﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ

چهره هایی (دیگر) است در آن روز شاداب و مرفه.

﴿۹﴾ لَسَعِيْهَا رَاضِيَةٌ

خورسند از کوشش خویش.

﴿۱۰﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

در بهشت برین.

﴿۱۱﴾ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعِيَّةٍ

که در آن (سخن) بیهوده ای نمی شنود.

﴿۱۲﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

در آن چشمه هایی روان است.

﴿۱۳﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ

در آن تختهای بلندی قرار دارد.

﴿۱۴﴾ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ

و جامهای نهاده شده.

﴿۱۵﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

بالشهای ردیف شده ایست.

﴿۱۶﴾ وَزَرَائِبٌ مَبْنُوثَةٌ

و فرشهای فاخر گسترده شده ای.

﴿۱۷﴾ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ

آیا به اشتر نمی نگرند که چطور آفریده شده؟

﴿۱۸﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ

و به آسمان، که چطور بلند شده است؟

﴿۱۹﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

و به کوهها که چگونه پابرجای و استوار برافراشته شده اند؟

﴿۲۰﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

و به زمین که چگونه گسترده شده است؟

﴿۲۱﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ

پس پند بده، زیرا واقعاً تو پند دهنده یی.

﴿۲۲﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ

تو بر ایشان مسلط نیستی.

﴿٢٣﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ

مگر کسیکه رو گردانید و کافر شد.

﴿٢٤﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

پس خداوند او را به بزرگترین عذاب مجازات میکند.

﴿٢٥﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

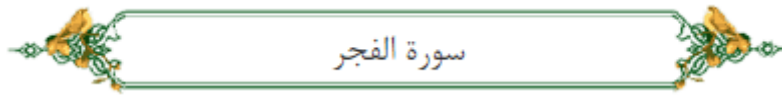
بیگمان باز گشت ایشان بسوی ماست.

﴿٢٦﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

و باز حساب شان بر ماست.

(٨٩) سورة الفجر:

سوره مکی و دارای (٣٠) آیه است و فجر به معنی شکافته شد، بامداد، صبح است و نام این سوره از آیه اول آن گرفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ وَالْفَجْرِ

قسم به بامداد.

﴿٢﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ

و به شب های ده گانه.

﴿٣﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ

و به جفت و طاق.

﴿٤﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ

و به شب چون سپری شود.

﴿٥﴾ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ

آیا در اینها سوگندی برای خردمندان هست؟

﴿٦﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ

آیا ندیدی که پروردگارت با (قوم) عاد چی کرد؟

﴿٧﴾ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ

با (شهر) اِرم دارای ستونهای بلند (چه کرد)؟

﴿٨﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ

که مثل آن (در هیچ) سرزمین ساخته نشده بود.

﴿٩﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ

و (با قوم) ثمود که صخره های (بزرگ سنگ) را در وادی تراش داده بودند؟

﴿١٠﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ

و (با) فرعون صاحب میخها؟

﴿١١﴾ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ

(چون اینها) کسانی بودند که در شهرها بنای سرکشی را گذاشتند.

﴿١٢﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ

و به فسادپیشگی زیاد دست یازیدند.

﴿١٣﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ

بنابرآن پروردگار تو عذاب را به شدت بر آنها فرو ریخت.

﴿١٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

بیگمان پروردگارت در کمینگاه است.

﴿١٥﴾ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

اما انسان، چون وی را پروردگارش آزمایش کند و او را عزت و نعمت عطاء کند، (با تکبر) میگوید: « پروردگارم مرا عزت داد. »

﴿١٦﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ

و اما چون او را آزمایش کند و روزی او را بر وی تنگ سازد، (در یأس) میگوید: « پروردگارم مرا اهانت کرد. »

﴿١٧﴾ كَلَّا ۖ بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ

چنین نیست (که شما می پندارید)، بلکه (واقعیت اینست که) شما یتیم را عزت نمیکنید.

﴿۱۸﴾ وَلَا تَحَاضُنْ عَلَيَّ طَعَامَ الْمَسْكِينِ

یک دیگر را به طعام دادن به محتاج تشویق نمی کنید.

﴿۱۹﴾ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا

و (حقوق) میراث (دیگران) را همگی و تمامی می خورید.

﴿۲۰﴾ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

و مال و دارایی را با عشق بسیار دوست دارید.

﴿۲۱﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

نه چنان است (که شما می پندارید)، هنگامیکه زمین به کوبیدنی (بسیار شدید) بعد از کوبیدنی دیگر کوبیده شود.

﴿۲۲﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

و پروردگار تو بیاید، و فرشتگان (در) صفی بعد از صفی دیگر قرار گیرند، (و جن و انس را در محاصره بکشند).

﴿۲۳﴾ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَىٰ

و دوزخ در آن روز آورده شود. در آن روز است که انسان پندش می شود، ولی این پند شنیدن او چه فایده ای را به همراه خواهد داشت؟

﴿۲۴﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

میگوید: « افسوس است به حال من، ایکاش چیزی (یعنی اعمال نیکو) را برای این زندگی (یعنی آخرت) خویش از پیش می فرستادم. »

﴿۲۵﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا

پس در آنروز هیچکس به (مانند) عذاب او (جل و علا شأنه) عذاب نمیکند.

﴿۲۶﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

و هیچکس به مانند (زنجیر و لچک) بسته کردن او بسته نمیکند.

﴿۲۷﴾ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

و (تو) ای انسان آرامش یافته.

﴿۲۸﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

بسوی پروردگارت باز گرد، (در حالیکه) تو (از او) خوشنودی و او (از تو) خوشنود است.

﴿٢٩﴾ فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي

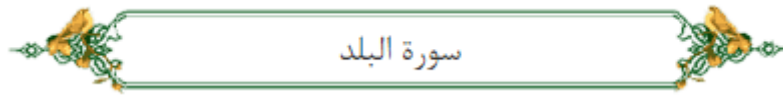
پس در زمره بندگان (مخلص) من داخل شو.

﴿٣٠﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي

و در بهشت من درآی.

(٩٠) سوره البلد:

این سوره مکی و دارای (٢٠) آیه میباشد و بلد به معنی شهر ، منظور شهر مکه است و نام این سوره از آیه اول این سوره برداشت شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

قسم به این شهر.

﴿٢﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

و تو باشنده این شهر هستی.

﴿٣﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ

و (قسم) به پدر و فرزندی (که به وسیله آدم به دنیا آمده است).

﴿٤﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

بیگمان انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.

﴿٥﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

آیا فکر میکند که هیچکس بر او قدرت نمی یابد؟

﴿٦﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا

(افتخار کرده) میگوید: « ثروت زیادی خرج کردم. »

﴿٧﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ

آیا فکر میکند کسی او را ندیده است؟

﴿٨﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

آیا برای او دو چشم نیافریدیم؟

﴿٩﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

و زبانی و دو لب؟

﴿١٠﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

و به او دو راه را نشان ندادیم؟

﴿١١﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

ولی او با تحمل رنج و زحمت راه سخت و دشوارگذاری را سپری نکرد.

﴿١٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

ترا چه آگاه ساخت که راه سخت و دشوارگذار چیست؟

﴿١٣﴾ فَكُ رَقَبَةً

(سپری کردن این راه عبارت است از) آزاد ساختن اسیر.

﴿١٤﴾ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

یا دادن طعامی در روز گرسنگی.

﴿١٥﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

برای یتیم خویشاوند.

﴿١٦﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

یا برای مسکین زمین گیری.

﴿١٧﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

و باز در عین حال از کسانی باشد که ایمان آورده اند، و یکدیگر را به صبر توصیه کرده، و (نیز به) مهربانی توصیه نموده اند.

﴿١٨﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

هم ایشانند یاران دست راست.

﴿١٩﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

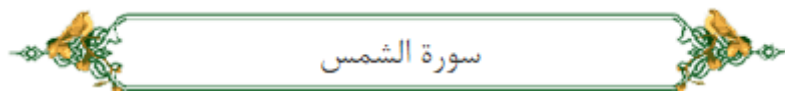
و آنانیکه از آیات ما انکار ورزیده، ایشان یاران دست چپ اند.

﴿۲۰﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

بر ایشان چنان آتشی است که همه روزنه های آن بسته است.

(۹۱) سوره الشمس:

سوره مکی و دارای (۱۵) آیه است و شمس به معنی آفتاب ، یا خورشید می باشد و نام این سوره بدان جهت شمس نامیده شده شد که با سوگند الهی به خورشید جهان افروز (شمس) افتتاح شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

قسم به آفتاب و درخشندگی (پرشکوه) آن.

﴿۲﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا

و به ماه، چون به دنبال آن میاید.

﴿۳﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا

و به روز، چون شکوه آنرا (آفتاب) تجلی میدهد.

﴿۴﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

و (قسم) به شب، چون آنرا می پوشاند.

﴿۵﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا

و به آسمان و ذاتی که آنرا بنا کرد.

﴿۶﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا

و به زمین و ذاتی که آنرا هموار کرد.

﴿۷﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا

و به نفس (انسان)، و ذاتیکه آنرا برابر ساخت.

﴿٨﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

و به او فجور و تقوایش را الهام کرد.

﴿٩﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

واقعاً رستگار شد کسیکه آنرا پاکیزه ساخت.

﴿١٠﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

و زیانکار شد کسیکه آنرا آلوده ساخت.

﴿١١﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا

(قوم) ثمود به سرکشی خویش (حق را) تکذیب کردند.

﴿١٢﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا

آنگاه که شقی ترین شان دست بکار شد.

﴿١٣﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا

سپس رسول خدا به ایشان گفت: « اشتر خدا را با آبخورش (به حال خودش) بگذارید. »

﴿١٤﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا

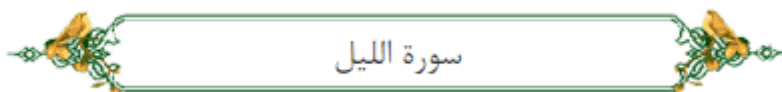
او را تکذیب کردند، و اشتر را پی کردند، پس پروردگارشان ایشانرا به سبب گناه شان به عذابی فراگیر محو کرد، و (سرزمین) شانرا هموار ساخت.

﴿١٥﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

و (خداوند) از پیامد آن هراس ندارد.

(٩٢) سورة الليل:

این سوره مکی و دارای (٢١) آیه میباشد و لیل به معنی شب است و نام این سوره از سوگند الهی به شب که با تاریکی خود جهان را پوشانده است استخراج شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ

قسم به شب، چون (همه چیز را) می پوشاند.

﴿٢﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ

و به روز چون متجلی میشود.

﴿٣﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

و به آنچه از نر و ماده آفریده است.

﴿٤﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ

بیگمان کوششهای شما گوناگون است.

﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ

پس کسیکه (در همه وجوه خیر) به دادودهش پرداخت و پرهیز پیشه کرد.

﴿٦﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ

و (سخن) نیکو را تصدیق کرد.

﴿٧﴾ فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْیُسْرَىٰ

پس راه او را به سرای آسایش (یعنی بهشت) هموار میسازیم.

﴿٨﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ

اما کسیکه بخل کرد، و خود را بی نیاز پنداشت.

﴿٩﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ

و (سخن) نیکو را تکذیب کرد.

﴿١٠﴾ فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْعُسْرَىٰ

پس راه او را به سرای دشواری (یعنی دوزخ) هموار میسازیم.

﴿١١﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ

و چون (به گور) انداخته شود، مالش او را (از عذاب خداوند) بی نیاز ساخته نمیتواند.

﴿١٢﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ

بیگمان راه نمودن (او) بر ماست.

﴿١٣﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ

و بیگمان آخرت و دنیا از آن ماست.

﴿١٤﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى

پس شما را از آتش شعله ور ترسانیدم.

﴿١٥﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى

کسی به آن جز بدبخت ترین مردم نمیسوزد.

﴿١٦﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

آنکه (آیات الهی) را تکذیب کرد، و رو گردانید.

﴿١٧﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى

و بزودی پرهیزگارترین (مردم) از آن بازداشته میشود.

﴿١٨﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى

آنکه مالش را (در راه حق) میدهد تا پاکیزه شود.

﴿١٩﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى

و هیچکس بر او (حق) نعمتی ندارد، تا جزای آن داده شود.

﴿٢٠﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى

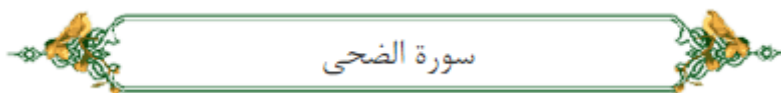
جز جستن خوشنودی پروردگار و الامرته خویش را.

﴿٢١﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى

و بزودی خشنود میشود.

(٩٣) سورة الضحی:

این سوره مکی و دارای (١١) آیه بوده و ضحی به معنی صبحگاه ، چاشتگاه می باشد و این سوره بدان جهت ضحی نامیده شده است که کلمه آغازین آن ضحی است و خداوند در آن به ضحی که آغاز روز است، سوگند خورده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالضُّحَىٰ

قسم به روشنایی چاشتگاهان.

﴿۲﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ

و به شب، هنگامیکه آرام گیرد.

﴿۳﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ

(که) پروردگارت ترا ترک نکرده، و (بر تو) خشم نگرفته است.

﴿۴﴾ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ

و بیگمان برای تو آخرت از دنیا بهتر است.

﴿۵﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

و بزودی پروردگارت به تو (چیزی را) عنایت میکند که خوشنود شوی.

﴿۶﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ

آیا ترا یتیم نیافت؟ و برای تو پناه داد.

﴿۷﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ

و ترا سرگردان (یعنی بی اطلاع از احکام شریعت) یافت و رهیاب ساخت.

﴿۸﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ

و ترا نیازمند یافت، و بی نیاز گردانید.

﴿۹﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

پس بر یتیم قهر مکن.

﴿۱۰﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

و بر سائل بانگ مزین.

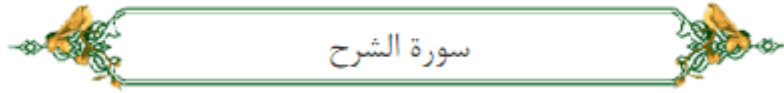
﴿۱۱﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

و نعمت پروردگارت را بیان کن (یعنی آنرا به دسترس همگان قرا بده).

=====

(۹۴) سوره الشرح:

این سوره مکی و دارای (۸) آیه است و انشراح به معنی گشاده شدن (منظور این است که خداوند سینه و دل پیامبر را گشاده نمود و وسعت بخشید) و این سوره بدان جهت شرح یا انشراح نامیده شد که از شرح صدر نبی اکرم (ص) یعنی روشن کردن و گشاده داشتن آن با نور هدایت و حکمت و ایمان خبر میدهد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

آیا ما برایت سینه ات را فراخ نکردیم؟

﴿۲﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ

و از تو (آن) بارِ ترا بر نداشتیم؟

﴿۳﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ

که پشتت را خم کرده بود.

﴿۴﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

و نام ترا رفعت بخشیدیم (یعنی ذکر ترا جاودانه گردانیدیم).

﴿۵﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

پس بیگمان با (هر) دشواری آسانی است.

﴿۶﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

بیگمان با (هر) دشواری آسانی است.

﴿۷﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

پس چون فارغ شدی، پس بپا خیز.

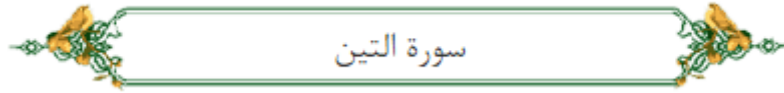
﴿۸﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ

و با زاری و التماس بسوی پروردگار خود روی آور.

=====

(۹۵) سوره التین:

این سوره مکی و دارای (۸) آیه میباشد و تین به معنی انجیر می باشد و این سوره بدان جهت تین نامیده شد که خداوند در مطلع آن به انجیر و زیتون سوگند خورده است چرا که در انجیر و زیتون خیرات و برکات بسیاری است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ

قسم به انجیر و به زیتون.

﴿۲﴾ وَطُورِ سِينِينَ

و به کوه سینا.

﴿۳﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

و این شهر امن.

﴿۴﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

واقعاً انسان را به بهترین شکل و متناسب ترین هیأت آفریدیم.

﴿۵﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

سپس او را به پایانتین مراتب فروماندگان قرار دادیم.

﴿۶﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

جز آنانیکه ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، که برای ایشان پاداشی است که هرگز قطع نمیشود.

﴿۷﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ

پس بعد از (همه) این (حقایق مبرم)، چه چیز ترا به تکذیب روز جزا واداشت؟

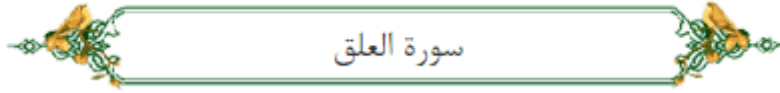
﴿۸﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟

=====

(۹۶) سوره العلق:

مکی و دارای (۱۹) آیه میباشد و علق به معنی خون بسته است. این سوره (علق) (اقرأ) یا (قلم) نامیده شد زیرا خداوند سبحان تعالی این سوره را با آیات (اقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) و (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ) و (الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ) آغاز نموده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ اقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

بخوان بنام پروردگار خویش، آنکه آفرید.

﴿۲﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

انسان را از پارچه خون بسته ای آفرید.

﴿۳﴾ اقرأ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

بخوان، و پروردگارت بسیار کریم است.

﴿۴﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

آنکه انسان را به وسیله قلم (علم) آموخت.

﴿۵﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

به انسان آنچه را نمی دانست آموخت.

﴿۶﴾ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي

نه چنان است (که شکر نعمت های خدا بجا آورده میشود)، بلکه بیگمان انسان سرکشی میکند.

﴿۷﴾ أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى

چون خود را بی نیاز می بیند.

﴿۸﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ

بیگمان بازگشت بسوی پروردگار تست.

﴿۹﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ

آیا دیدی کسی را که باز میدارد؟

﴿۱۰﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّى

بنده ای را چون نماز میخواند.

﴿۱۱﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ

آیا دیدی اگر به راه راست باشد؟

﴿۱۲﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ

یا (مردم را) به پرهیزگاری سفارش کند؟

﴿۱۳﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

آیا دیدی اگر (حق را) تکذیب کند و رو گرداند؟

﴿۱۴﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ

آیا نمی داند که بیگمان خدا (اعمالش را) می بیند؟

﴿۱۵﴾ كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ

نه چنان است (که او می پندارد)، اگر (ازین کارها) خودداری نکنند، موهای بالای پیشانی اش {۱} را به آتش می گیریم.

{۱} کاکلش ؛

﴿۱۶﴾ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ

(کاکل) پیشانی دروغگویِ خطاکار را.

﴿۱۷﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ

بگذار که او همنشینان مجلس خود را بخواند.

﴿۱۸﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ

ما هم مؤظفان دوزخ را فرا میخوانیم.

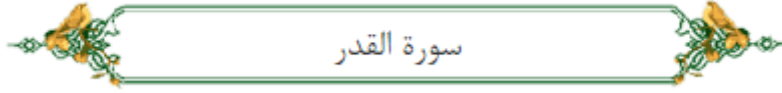
﴿۱۹﴾ كَلَّا لَا تُطِئُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿۱۹﴾

نه چنان است (که او میگوید)، از او فرمان مبر، و سجده کن، و تقرب بجو.

=====

(۹۷) سوره القدر:

سوره مکی و دارای (۹۷) آیه میباشد. این سوره به نام شب قدر که قرآن در آن نازل گردیده است (قدر) یعنی شرف و عظمت نامیده شد چنان که خدای سبحان در مطلع آن میفرماید: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

بیگمان این (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.

﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ

و چه چیز ترا آگاه ساخت که شب قدر چیست؟

﴿۳﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ

(شب قدر) بهتر از هزار ماه است.

﴿۴﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ

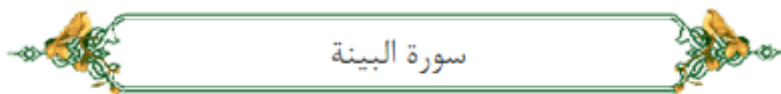
در آن فرشتگان و روح، به اجازه پروردگارشان، برای هر کار فرود می آیند.

﴿۵﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

(و از همه چیز) سلامتی و آرامش است. این (حالت) تا طلوع بامداد (دوام دارد).

(۹۸) سوره البینه:

این سوره مدنی و دارای (۸) آیه میباشد و بینه به معنی دلیل آشکار می باشد و این سوره بدان جهت بینه نامیده شد که با این فرموده حق تعالی (لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ) افتتاح شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت با رحم.

﴿۱﴾ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

کافران، از اهل کتاب و مشرکان، (به پندار خویش) تا هنگامی از دین خود باز نمی گشتند که به ایشان حجت روشنی بیاید.

﴿۲﴾ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

پیامبری از جانب خدا، و به ایشان صحیفه های پاکیزه ای را بخواند.

﴿۳﴾ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

که در آن کتاب (یعنی احکام) استوار میباشد.

﴿۴﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ

(ولی برعکس)، هرگز از اهل کتاب از حق متفرق نشدند، مگر بعد از اینکه روشنی (از جانب خدا) آمد.

﴿۵﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ۚ وَذَلِكَ

دِينُ الْقِيَمَةِ

و (در حالیکه) مأمور نشده اند مگر به اینکه خدا را با کمال اخلاص بپرستند، (و عقیده داشته باشند) که دین از (جانب) اوست، و در عین حال از هر نوع انحرافی برکنار باشند، نماز را به تمام و کمال اداء کنند و زکات بدهند، و این است دین صحیح و استوار.

﴿۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ

الْبَرِيَّةِ

بیگمان کسانی از اهل کتاب که کافر شدند، و (نیز) مشرکان، در آتش دوزخ اند، در آنجا همیشه (بسر میبرند)، ایشان بدترین مخلوقات اند.

﴿۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

بیگمان آنانیکه ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، ایشان بهترین مخلوقات هستند.

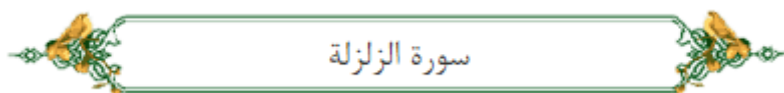
﴿۸﴾ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ رَضِيَ اللَّهُ

عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

پاداش شان نزد پروردگارشان بهشت های جاودان است، که در زیر درختان آنها رودبارها جریان دارد. در آنجا جاودانه بسر میبرند. خداوند از ایشان خوشنود شد، و ایشان از خداوند خشنود شدند. اینست (سرنوشت) برای کسیکه از پروردگار خود بترسد.

(۹۹) سوره الزلزله:

مدنی و دارای (۸) آیه است و زلزال به معنی لرزش زمین ، تکان دادن که از علامت های قیامت نیز می باشد. این سوره به سبب افتتاح با خبر دادن از رخداد زلزله سخت پیشاپیش روز قیامت زلزله یا زلزال نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

وقتیکه زمین به (همان) زلزله شدید (خود روبرو) شود.

﴿۲﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

و زمین گرانباریهای خود را بیرون افگند.

﴿۳﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا

(به گونه ایکه) انسان بگوید: « زمین را چه شده است؟ »

﴿۴﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

در آن روز، زمین خبرهای خود را بیان میکند.

﴿۵﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

به سبب آنکه پروردگار تو به آن امر کرده است.

﴿۶﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ

در آن روز (دسته دسته از) مردم، بگونه متمایز و جدا شده ای، به راه می افتند.

﴿۷﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

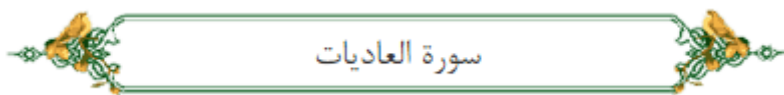
پس هرکه به وزن ذره ای خوبی کرده باشد، آنرا می بیند.

﴿۸﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

و هرکه به وزن ذره ای بدی کرده باشد، (نیز) آنرا می بیند.

(۱۰۰) سوره العاديات:

این سوره مکی و دارای (۱۱) آیه است این سوره به جهت افتتاح آن با سوگند حق تعالی به عادیات که عبارت از اسبان تیزتک مجاهدان است عادیات نامیده شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا

قسم به اسبان غازی.

﴿۲﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا

که (در حین تاختن) جرقه های آتش می افروزند.

﴿۳﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا

و باز به حمله برندگان صبحگاهی.

﴿۴﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا

که از اثر تماس سُم خویش به زمین، غبار (یا جرقه آتش) بالا میکنند.

﴿۵﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا

و با آن در قعر اجتماع دشمن در می آیند.

﴿۶﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

بیگمان انسان بر پروردگار خود ناسپاس است.

﴿۷﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

و خود بر این گواه میباشد.

﴿۸﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

و بیگمان به ثروت علاقه شدیدی دارد.

﴿۹﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

آیا نمیداند؟ هنگامیکه آنچه در گورستان است برانگیخته شود.

﴿۱۰﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

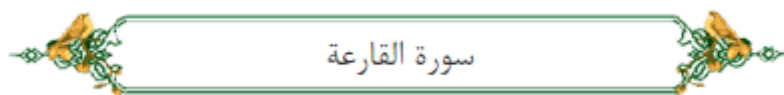
و آنچه در سینه هاست، آشکار شود.

﴿۱۱﴾ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

بیگمان در آن روز پروردگارشان به (اعمال) ایشان کاملاً آگاه است.

(۱۰۱) سوره القاربه:

این سوره مکی و دارای (۱۱) آیه است و قارعه به معنی کوبنده و یکی از نام های قیامت است. این سوره به سبب افتتاح با کلمه قارعه که ایجادگر هول و هراس است قارعه نام گرفت.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ الْقَارِعَةُ

(واقعه) سخت کوبنده.

﴿۲﴾ مَا الْقَارِعَةُ

آن (واقعه) سخت کوبنده چیست؟

﴿۳﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

و چه چیز ترا آگاه ساخت که آن (واقعه) سخت کوبنده چیست؟

﴿۴﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

روزیست که در (آن) مردم چون پروانه ها پراکنده میباشند.

﴿۵﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

و کوهها چون پشم رنگین ندافی شده می باشند.

﴿۶﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

پس کسیکه وزنه‌های (اعمال نیکوی) او سنگین شد.

﴿۷﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

در زندگی خوشنودانه‌ای بسر می برد.

﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

اما کسیکه وزنهای (اعمال نیکوی او) سبک شد.

﴿۹﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ

پس پناهگاه او هاویه {۱} است.

{۱} دوزخ؛

﴿۱۰﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ

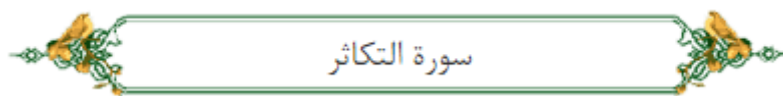
و چه چیز ترا آگاه ساخت که این (هاویه) چیست؟

﴿۱۱﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ

آتشی است نهایت سوزاننده.

(۱۰۲) سوره التكاثر:

سوره مکی و دارای (۸) آیه میباشد. تکاثر به معنی مباحثات و فخر نمودن به مال بسیار و قوم بسیار (کفار) قریش برای فخر فروشی به کثرت خویش، قبرهای قبيله خود را نیز می شمردند و به حساب می آوردند) است. نام این سوره از آیه اول برگرفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ

حرص افزونی (در مال و ثروت) شما را (از آخرت) غافل گردانید.

﴿۲﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تا اینکه قبرها را دیدید.

﴿۳﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

نخیر (چنین نیست)، بزودی (حقیقت را) خواهید دانست.

﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

نخیر (باز هم، چنین نیست)، بزودی (حقیقت را) خواهید دانست.

﴿٥﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

نخیر، اگر علم یقین را می دانستید (این روش را اختیار نمیکردید).

﴿٦﴾ لَتَرُونَ الْجَحِيمَ

یقیناً آتش دوزخ را می بینید.

﴿٧﴾ ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

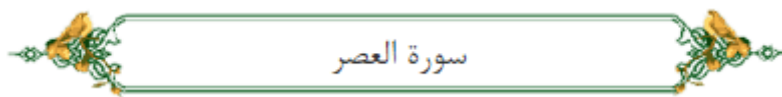
سپس آنرا با چشم یقین می بینید.

﴿٨﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

پس در آنروز درباره نعمتها(یی که بر آن اتکاء داشتید) پرسیده خواهید شد.

(۱۰۳) سوره العصر:

این سوره مکی و دارای (۳) آیه میباشد. عصر به معنی زمانه می باشد. این سوره بدان جهت عصرنامیده شد که خداوند در مطلع آن به عصر یعنی روزگار سوگند خورده است به سبب آن که روزگار دربرگیرنده اعجوبه هایی است ؛ مانند شادی و غم، سلامتی و بیماری، غنا و فقر، عزت و ذلت... و نیز به سبب آن که عصر به اجزایی چون سال، ماه، روز، ساعت ، دقیقه و ثانیه منقسم می شود.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ وَالْعَصْرِ

قسم به زمانه.

﴿٢﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

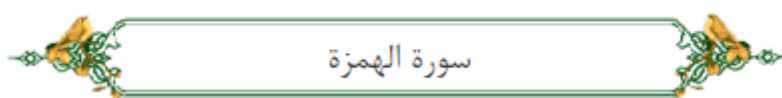
بیگمان انسان در زیان است.

﴿٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

جز آنانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، و همدیگر را به حق توصیه کردند، و یک دیگر را به صبر (و ثبات) سفارش نمودند.

(۱۰۴) سوره الهمزة:

سوره مکی و دارای (۹) آیه میباشد و همزه به معنی غماز و عیب جو می باشد. این سوره به سبب آن همزه نام گرفت که با آیه (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ) افتتاح گردیده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ

وای بر هر طعنه زننده عیبجوی.

﴿٢﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ

که ثروت را انبار کرد و آنرا برشمرد.

﴿٣﴾ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ

می پندارد که ثروتش (عمر) او را جاودانه میسازد.

﴿٤﴾ كَلَّا ۖ لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ

نه چنان است (که او می پندارد)، یقیناً در حطمه { ۱ } انداخته میشود.

{ ۱ } آتش ؛

﴿٥﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ

چه چیز ترا آگاه ساخت که حطمه چیست؟

﴿٦﴾ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ

آتش افروخته خدایی است.

﴿٧﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

که بر دلها سر میکشد.

﴿۸﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ

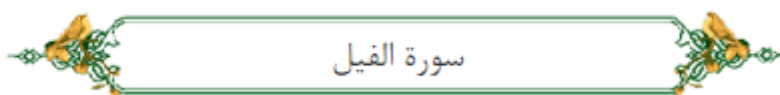
بیگمان این (آتش) بر ایشان بسته شده است.

﴿۹﴾ فِي عَمَدٍ مُّمدَدَةٍ

در ستونهای درازی.

(۱۰۵) سوره الفیل:

این سوره مکی و دارای (۵) آیه است. سوره فیل به معنی فیل یا پیل (منظور سپاه ابرهه است که برای خراب کردن خانه ی خدا از یمن به طرف مکه حرکت کرد و نابود شدند) است. این سوره بدان جهت فیل نامیده شد که با یادآوری از داستان اصحاب فیل افتتاح شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ

آیا ندیدی که پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟

﴿۲﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

آیا دسیسه شانرا بی اثر نساخت؟

﴿۳﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

بر ایشان پرندگان ابابیل را فرستاد.

﴿۴﴾ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ

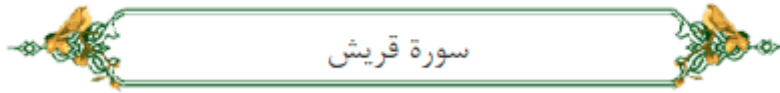
که ایشان را با سنگهای گل پخته می زدند.

﴿۵﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ

و ایشانرا همچون گاه خورده شده ای گردانید.

(۱۰۶) سوره قريش:

این سوره مکی و دارای (۴) آیه است. قريش نام قبیله ای که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) از آن قبیله بود. این سوره بدان سبب قريش نامیده شد که خداوند در آن از نعمت های خود بر قريش یادآوری کرده است و سوره ایلاف نیز نامیده می شود.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ

به سبب انس قريش.

﴿۲﴾ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ

انس ایشان به سفر زمستانی و تابستانی.

﴿۳﴾ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

پس باید پروردگار این خانه را بپرستند.

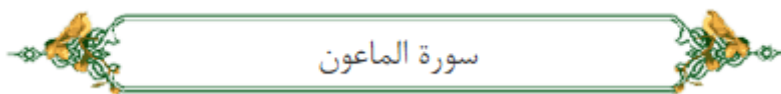
﴿۴﴾ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ

ذاتیکه ایشانرا در گرسنگی طعام داد، و در برابر ترس ایمن ساخت.

=====

(۱۰۷) سوره الماعون:

این سوره مکی و دارای (۷) آیه میباشد و ماعون به معنی زکات است. این سوره بدان جهت ماعون نامیده شد که خدای عزوجل در آخر آن کسانی را که اسباب و آلات خانه خود را از دیگران بازداشته و آن را به عاریت نمیدهند نکوهش نموده است این سوره (دین) نیز نامیده می شود و هم به سبب نکوهش کسانی که (دین) یعنی جزای روز اخروی را منکرند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ

آیا کسی را که روز جزا را تکذیب میکند دیدی؟

﴿۲﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

این همان کسی است که یتیم را با اهانت می راند.

﴿۳﴾ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

و به طعام دادن به محتاج تشویق نمیکند.

﴿۴﴾ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ

پس وای بر آن نمازگزارانی.

﴿۵﴾ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

که از نمازشان غافل اند.

﴿۶﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤُونَ

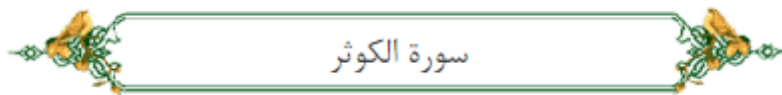
آنانیکه ریا میکنند.

﴿۷﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

و سامان (مورد نیاز) نیازمندان را (از ایشان) دریغ میدارند.

(۱۰۸) سوره الكوثر:

این سوره مکی است و دارای (۳) آیه میباشد و کوثر به معنی خیر کثیر است. این سوره بدان جهت کوثر نام گرفت که با آیه (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ) افتتاح شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ

بیگمان به تو (چشمه) کوثر را دادیم.

﴿۲﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ

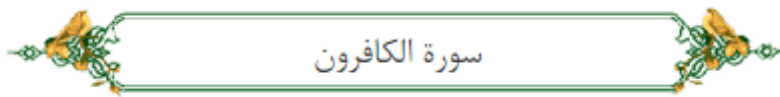
پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

﴿۳﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

بیگمان دشمن تو (کسیکه تو را بزشتی یاد میکند) ابتر {۱} است.
{۱} دم بریده؛

(۱۰۹) سوره الكافرون:

سوره مکی و دارای (۶) آیه میباشد. کافرون مراد از کافران در این جا کافران قریش است که پیشنهادی به پیامبر(صلی الله علیه وآله) دادند و پذیرفته نشد. این سوره بدان جهت کافرون نام گرفت که خداوند در آن به پیامبرش حضرت محمد (ص) دستور داده است تا کافران را به پیامی که متضمن توحید و اعلام برائت از شرک و استقلال عبادی مسلمین است، مخاطب گرداند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

بگو « ای کافران! »

﴿۲﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

آنچه را شما می پرستید، من نمی پرستم.

﴿۳﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

و نه (هم) شما پرستنده چیزی هستید که من آنرا می پرستم.

﴿۴﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ

و نه (هم هرگز) من پرستنده چیزی هستم که شما آنرا می پرستید.

﴿۵﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

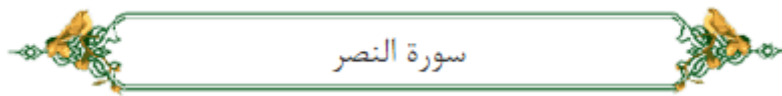
و نه (هم) شما پرستنده چیزی هستید که من آنرا می پرستم.

﴿٦﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

برای شما است دین شما، و برای من است دین من.

(۱۱۰) سوره النصر:

این سوره مدنی و دارای (۳) آیه میباشد و نصر به معنی یاری کردن است. این سوره بدین سبب نصر نام گرفت که با این فرموده خداوند تبارک تعالی (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ) افتتاح شده است و مراد از آن فتح مکه مکرمه یعنی همان فتح اکبری است که فتح الفتوح نام گرفت.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ

هنگامیکه یاری خداوند و پیروزی فرا رسید.

﴿٢﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا

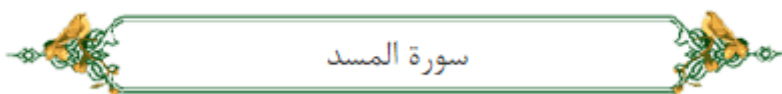
و دیدی که مردم گروه گروه به دین خداوند داخل میشوند.

﴿٣﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ ۗ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

پس پروردگار خود را به پاکی یاد کن، و از او آمرزش بخواه. حقا که او بسیار توبه پذیر است.

(۱۱۱) سوره المسد:

این سوره مکی و دارای (۵) آیه میباشد و مسد (تبت، ابولهب که از دشمنان پیامبر(صلی الله علیه وآله) در مکه بود. این سوره بنام آیه اول آن (تبت) مسمما است. ولی این سوره بدان سبب بنام مسد شهرت یافت که خداوند در آخر آن میفرماید: (فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ) که تفسیر آن خواهد آمد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

دستهای ابو لهب {۱} خشک شود، و (خود او هم) هلاک شد.
{۱} پدر شعله های آتش؛

﴿۲﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

مال او و دسترنجش از وی (تباهی و عذاب را) دفع نکرد.

﴿۳﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ

بزودی به آتش شعله‌وری داخل میشود.

﴿۴﴾ وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

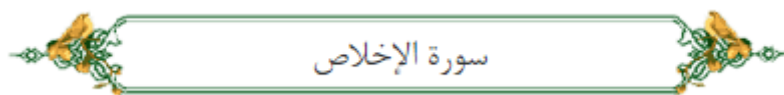
و همسرش (نیز، آن زنی) که پشته هیزم را بدوش میکشید.

﴿۵﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ

در گردن او (که به زیورها مزین شده است) ریسمانی از لیف خرما (حلقه زده) است.

(۱۱۲) سوره الاخلاص:

این سوره مکی و دارای (۴) آیه است و اخلاص به معنی پاک و خاص کردن (منظور پاک و خالص کردن معتقدات از هر گونه شرک) است. این سوره به نامهای بسیاری مانند تفرید، تجرید، توحید، نجات، ولایت معرفت، اساس و اخلاص نامیده شده است که مشهورترین آنها اخلاص میباشد زیرا این سوره از یکسو درباره توحید خالص خدای عزوجل سخن میگوید و از سوی دیگر بنده را از شرک یا از آتش جهنم خلاص می سازد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو: « او خدای یکتا است. »

﴿٢﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ

(او) خدای بی نیاز است.

﴿٣﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

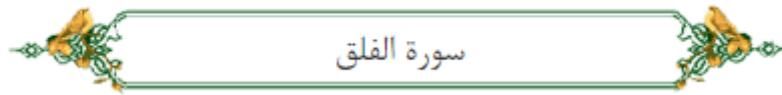
نه زاده است، و نه (هم) زاده شده است.

﴿٤﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و برای او هیچ کسی سیال نیست.

(۱۱۳) سوره الفلق:

این سوره مکی و دارای (۵) آیه میباشد و فلق به معنی شکافتن، سپیده دم است. این سوره بدان جهت فلق نام گرفت که با این فرموده حق تعالی (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) آغاز شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿١﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

بگو: « پناه می برم به پروردگار صبح. »

﴿٢﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

از شر آنچه آفریده است.

﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

و از شر تاریکی، هنگامیکه گسترش می یابد.

﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

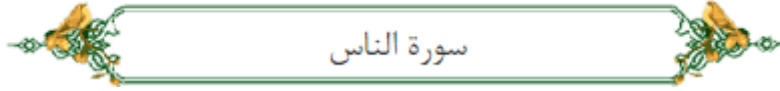
از شر آنانی که در گره ها می دمند.

﴿٥﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

و از شر هر حاسدی چون حسد می ورزد.

(۱۱۴) سوره الناس:

این سوره مکی و دارای (۶) آیه است و ناس به معنی مردم است. این سوره بدان جهت ناس نام گرفت که هم با فرموده حق تعالی (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) آغاز شده و هم کلمه ناس در آن پنج بار تکرار گردیده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بی اندازه مهربان، نهایت بارحم.

﴿۱﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

بگو: « پناه می برم به پروردگار مردم. »

﴿۲﴾ مَلِكِ النَّاسِ

به پادشاه مردم.

﴿۳﴾ إِلَهِ النَّاسِ

به خداوند مردم.

﴿۴﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

از شر وسوسه کننده پنهان شونده.

﴿۵﴾ الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

آنکه در دلهای مردم وسوسه می افکند.

﴿۶﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

از جنیان و مردم.

متن قرآن مجید از پایگاه تنزيل Tanzil.net برگرفته شده است.

متن های تفسیر نسفی و ترجمه کشکی و سلجوقی توسط مرکز مجازی مطالعات و احیای آثار اسلامی « Bayyinat.org » تهیه شده اند. استفاده، تکثیر و نشر از آنها برای مقاصد علمی، دینی و آموزشی، و بدون هر نوع امتیاز طلبی و بهره جویی مادی، پولی و تجارتي، با ذکر منبع آن، مجاز است. ترجمه شاه ولی الله دهلوی به تصحیح جناب آقای مسعود انصاری میباشد که متن آن نخست توسط گروه علمی-فرهنگی موحدین تهیه شده است. مرکز مجازی بینات این متن را برای برنامه ذکر ([zeker](http://zeker.com)) و بگونه منبع باز تهیه نموده است.

دعا ختم قران

دُعَاءُ ختمِ الْقُرْآنِ

صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ○ وَصَدَقَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الْكَرِيمُ ○ وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ○
 رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ○ اللَّهُمَّ ارزُقْنَا بِكُلِّ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْآنِ حِلَاوَةً وَبِكُلِّ
 جُزْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ جَزَاءً. اللَّهُمَّ ارزُقْنَا بِالْأَلِفِ الْفَاءِ وَالْبَاءِ بِرُكَّةٍ وَبِالتَّاءِ تَوْبَةً وَبِالتَّاءِ
 ثَوَابًا وَبِالْحِيمِ جَمَالًا وَبِالْحَاءِ حِكْمَةً وَبِالْخَاءِ خَيْرًا وَبِالدَّالِ دَلِيلًا وَبِالدَّالِ ذِكَاةً وَبِالرَّاءِ رَحْمَةً وَ
 بِالزَّاءِ زُكُوةً وَبِالسِّينِ سَعَادَةً وَبِالشِّينِ شِفَاءً وَبِالصَّادِ صِدْقًا وَبِالصَّادِ ضِيَاءً وَبِالطَّاءِ طَرَاوَةً
 وَبِالظَّاءِ ظَفْرًا وَبِالْعَيْنِ عِلْمًا وَبِالْعَيْنِ غِنًى وَبِالفَاءِ فَلَاحًا وَبِالفَاءِ قُرْبَةً وَبِالْكَافِ كَرَامَةً
 وَبِاللَّامِ لُطْفًا وَبِالْيِيمِ مَوْعِظَةً وَبِالنُّونِ نُورًا وَبِالْوَاوِ وُصْلَةً وَبِالْهَاءِ هِدَايَةً وَبِالْيَاءِ يَفِينًا.
 اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ○ وَارزُقْنَا بِالآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ○ وَتَقَبَّلْ مِنَّا قِرَاءَتَنَا وَ
 تَجَاوِزَعْنَا مَا كَانَ فِي تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ مِنْ خَطٍِّ أَوْ نِسْيَانٍ أَوْ تَحْرِيفٍ كَلِمَةٍ عَنْ
 مَوَاضِعِهَا أَوْ تَقْدِيرٍ أَوْ تَأْخِيرٍ أَوْ زِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ أَوْ تَأْوِيلٍ عَلَى غَيْرِ مَا أَنْزَلْتَهُ
 عَلَيْهِ أَوْ سَرِيٍّ أَوْ سَهْوٍ أَوْ سَوْءِ الْحَاثِ أَوْ تَعْجِيلٍ عِنْدَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ أَوْ كَسَلٍ
 أَوْ سُرْعَةٍ أَوْ تَرْبِيعِ لِسَانٍ أَوْ وَقْفٍ بغيرِ وَقُوفٍ أَوْ إِذْغَامٍ بغيرِ مُدْغَمٍ أَوْ إِظْهَارٍ بغيرِ بَيَانٍ أَوْ
 مَدٍّ أَوْ تَشْدِيدٍ أَوْ هَمْزَةٍ أَوْ جُزْمٍ أَوْ إِعْرَابٍ بغيرِ مَا كَتَبَهُ أَوْ قَلَّةٍ سَرْعَبَةٍ وَرَهْبَةٍ عِنْدَ
 آيَاتِ الرَّحْمَةِ وَآيَاتِ الْعَذَابِ فَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا وَارزُقْنَا بِالشَّاهِدِينَ ○ اللَّهُمَّ تَوَرَّقْ لِقَوْلِنَا
 بِالْقُرْآنِ وَتَرَيِّنْ أَحْلَاقَنَا بِالْقُرْآنِ وَتَجَمَّعْ مِنَ النَّارِ بِالْقُرْآنِ وَادْخُلْنَا فِي الْجَنَّةِ بِالْقُرْآنِ
 اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي الدُّنْيَا قَرِينًا أَوْ فِي الْقَبْرِ مُؤَسِّدًا وَعَلَى الصِّرَاطِ نُورًا أَوْ فِي الْجَنَّةِ
 رَفِيقًا أَوْ مِنَ النَّارِ سِتْرًا أَوْ حِجَابًا وَارزُقْنَا بِالنَّارِ سِتْرًا أَوْ حِجَابًا وَارزُقْنَا
 آدَاءً بِالْقَلْبِ وَاللِّسَانِ وَحُبِّ الْخَيْرِ وَالسَّعَادَةِ وَالْمَشَارَقَةِ مِنَ الْإِيمَانِ ○ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى
 عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ مَطْهَرٍ لُطْفِهِ وَنُورِ عَرَشِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَصْحَابِهِ
 أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ سَلَامًا كَثِيرًا كَثِيرًا ○